



حکومت و سیاست‌ها

استاد محمد صالح و عباسی، نورالدین و طاهر، علی و محمد

په کورستان، احمد و رضا و عباسی

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۱۳۷۲

حکومت سایه‌ها

اسناد محرمانه و سیاسی

میرزا حسین خان سپهسالار

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

به کوشش: محمدرضا عباسی

سال ۱۳۷۲

عباسی، محمدرضا
حکومت سایه‌ها: مکاتبات محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار/
به کوشش محمدرضا عباسی - تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.
پنجاه و هفت، ۲۳۲ ص: مصور.
بها: ۵۸۰۰ ریال.
کتابنامه بصورت زیرنویس.

۱. سپهسالار، حسین بن نبی خان، ۱۲۴۳-۱۲۹۸ق - نامه‌ها و یادبودها.
۲. ایران‌تاریخ - قاجاریان، ۱۲۲۷-۱۳۱۳ق - استاد و مدارک. الف. عنوان.

۹۵۵/۸۰۸

DRS ۱۳۹۱

م ۷۲-۳۳۰

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: حکومت سایه‌ها - مکاتبات محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار
به کوشش: محمد رضا عباسی
ناشر: سازمان اسناد ملی ایران (تهران، خیابان ولی عصر، بعد از چهار راه طالقانی،
خیابان شهید فرهنگ حسینی، ساختمان شماره ۳، پلاک ۳۰، کدپستی ۱۵۹۳۶،
تلفن: ۶۴۰۴۷۸۱)
تیراژ: سه هزار نسخه
حروفچینی: صمدی
چاپخانه: شقایق
تاریخ انتشار: ۱۳۷۲
قیمت: ۵۸۰۰ ریال
طرح روی جلد: کامران افشار مهاجر

کلیه حقوق برای سازمان اسناد ملی ایران محفوظ می‌باشد.

فهرست مطالب

مقدمه ناشر:	یک - دو
پیشگفتار:	سه - بیست و پنج
توضیحات:	بیست و هفت
فهرست اسناد:	بیست و نه - پنجاه و دو
فهرست تلگرافهای ضمیمه:	پنجاه و سه - پنجاه و هفت
اسناد:	۱-۳۰۵
تلگرافهای ضمیمه:	۳۰۷-۳۸۹
فهرست اعلام:	۳۹۱-۴۰۹
تصاویر اسناد:	۴۱۰-۴۳۲

مقدمه ناشر

استقبال شایان توجه پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ معاصر کشور، از نشریات و تألیفاتی که تاکنون توسط سازمان اسناد ملی ایران به چاپ رسیده و منتشر شده است از یک سو نشانگر رشد روحیه تحقیق و علاقمندی محققین به استفاده از منابع دست اول برای تاریخ‌نگاری است و از سوی دیگر نشانه اشتیاق آحاد مردم به آگاهی از پیشینه جامعه و رخدادها و حوادثی است که بر جامعه و مردم رفته است. این استقبال کم‌نظیر، یگانه مشوق اصلی ما در ادامه راهی است که آغاز کرده‌ایم.

سعی ما بر این است که تعهدات اصلی آرشیو یعنی حفظ اسناد آرشیوی و آماده دسترسی ساختن آنها برای دولت، جامعه علمی و عامه مردم با موفقیت تحقق یابد. در این رابطه لازم است مختصری در خصوص سازمان و عملکرد آن توضیح داده شود. در سال ۱۳۴۹ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران به منظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی کشور در سازمان واحد و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی از طریق تمرکز پرونده‌های راکد و اسحای اوراق

زائد به تصویب رسید. پس از شروع به کار، با توجه به تأخیر حداقل یک صد ساله در تأسیس آرشیو ملی کشور و انباشته شدن اسناد در طول این سالها، ابتدا لازم بود تا اسناد شناسایی شوند. پس از آن می‌بایست اسناد شناسایی شده، ارزشیابی شوند و سپس اسناد دارای ارزش تاریخی به آرشیو انتقال یافته و قابل بهره‌برداری شوند. تا پایان سال ۱۳۷۰ بیش از ۲۰۰ میلیون برگ سند با ارزش شناسایی و به سازمان منتقل شده‌اند اسناد جهت بهره‌برداری، ابتدا ضدعفونی و سپس توسط کارشناسان سازمان، طبقه‌بندی و فهرست‌نویسی می‌شوند که تاکنون کار فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی اسناد وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، کشور، نخست‌وزیری و شهرداری تهران به اتمام رسیده و اسناد آنها قابل بهره‌برداری است.

در مقابل حفظ و نگهداری و آماده‌بهره‌برداری ساختن اسناد یک کار مفید دیگر که ما در باب آن اصرار می‌ورزیم طبع و نشر اسناد است. زیرا احیای آنها علاوه برآنکه از محو یک مقدار ذخایر و نفایس ما جلوگیری می‌کند، از لحاظ معارف عمومی و خصوصاً تاریخ از جنبه‌های گوناگون آن مفید است، علاوه براین انتشار مدارک مستند نیز نوعی گسترش ارائه خدمات به مراجعین است، زیرا بخشی از موجودی آرشیو را به شکل چاپی منتشر می‌سازد. امر مزبور به صورت انتشار مجموعه‌هایی از اسناد تاریخ معاصر ایران از سال ۱۳۶۹ تداوم یافته که کتاب حاضر نیز یکی از مجموعه‌های مزبور را دربرمی‌گیرد.

اعتقاد ما برآن است که انتشار این اسناد کمک گرانبهایی به مورخین و پژوهشگران تاریخ معاصر کشور، درهرچه پر بار کردن تحقیقات و پژوهشهای تاریخی خواهد کرد. امید آنکه با یاری خداوند سایر مجموعه‌های اسناد نیز به زیور طبع آراسته گردد.

مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش

پیشگفتار

میرزا حسین خان پسر میرزا نبی خان امیر دیوان در سال ۱۲۴۳ هـ. ق چشم به جهان گشود. میرزا نبی خان، مازندرانی الاصل مشهور به قزوینی به جز میرزا حسین دارای سه پسر دیگر بود، به اسامی نصرالله خان، یحیی خان (معتدالملک - مشیرالدوله) و عبدالله خان^۱. نبی خان در دوره محمدشاه برای مدتی وزیر عدلیه بود، سپس حاکم اصفهان شد^۲ و در سال ۱۲۶۱ هـ. ق تدارک جشن عروسی ناصرالدین میرزا ولیعهد با گلین خانم به عهده وی واگذار گردید.

میرزا حسین خان فرزند ارشد خانواده، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، علوم متداول زمان را در دارالفنون فرا گرفت و به آموختن زبان فرانسه پرداخت، سپس برای تکمیل تحصیلات خود برای مدتی به اروپا رفت. پس از بازگشت و از همان ابتدای جوانی در مناصب مهم حکومتی به کار گمارده شد.

-
۱. مسعود میرزا ظل السلطان، تاریخ سرگذشت مسعودی، زندگینامه و خاطرات ظل السلطان همراه با سفرنامه فرنگستان، ج ۱، انتشارات بابک، تهران ۱۳۶۲، ص ۲۱۳
 ۲. میرزا مهدی خان منتحن الدوله شقانی و میرزاهاشم خان، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر - تهران ۱۳۶۵، ص ۳۱

مجموعه حاضر شامل نامه‌ها و تلگرافاتی است از میرزا حسین خان به ناصرالدین شاه و بعضاً جواب شاه به او و در موارد معدودی از درباریان دیگر آن دوره که اطلاعات سودمندی دربارهٔ اوضاع داخلی و روابط خارجی بخشی از دوران ناصری و نیز شخصیت و عملکرد میرزا حسین خان را به دست می‌دهد.

مکاتبات یاد شده به طور مشخص در دوره‌ای بین سال ۱۲۸۶ ق. یعنی زمان سفارت میرزا حسین خان در عثمانی تا آخرین سال زندگی او (۱۲۹۸ ق) به عمل آمده است. او در زمان محمدشاه از جانب پدر خود حکومت طالقان قزوین را به عهده داشت و در اواخر این دوره که نبی خان به حکومت اصفهان منصوب شد، وکالت کارهای او در تهران به عهده میرزا حسین واگذار گردید.^۳ میرزا حسین با ماه تابان خانم ملقب به قمرالسلطنه دختر فتحعلی شاه ازدواج کرد و با پدر خود که شوهر ماه‌نوش خانم بود باجناب شد. در آخرین سال صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۶۷ هـ. ق) او را به کارپردازی امور تجارت رعایای ایران در بمبئی فرستادند، به مدت سه سال کارپرداز اول و ژنرال کنسول (سرکنسول) ایران در هندوستان بود. در این مدت آقاخان محلاتی^۴ باجناب دیگر میرزا حسین خان به وی محبت‌های زیادی نمود و او را صاحب اندوخته قابل ملاحظه‌ای کرد. پس از مراجعت از این مأموریت در سال ۱۲۷۱ ق. به سرکنسولی تفلیس منصوب گردید. اعتمادالسلطنه در کتاب خوابنامه از زبان میرزا حسین در این باره چنین می‌نویسد: «پدرم با میرزا آقاخان صدراعظم دوستی داشت، رشوتی به او دادیم قنسولگری ایران در قفقاز را گرفتیم.»^۵ در قفقاز به سبب وقوع جنگهای کریمه و شکست

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ، شرح حال صدراعظمهای پادشاهان قاجار از حاج ابراهیم کلانتر تا میرزا علی اصغرخان امین السلطان، به اهتمام محمدمشیری، انتشارات وحیده، تهران ۱۳۲۹، ص ۲۶۲

۴. آقاخان محلاتی شوهر سرو جهان خانم داماد فتحعلی شاه بود.

۵. اعتمادالسلطنه، خلسه (خوابنامه)، به کوشش محمود کنیرائی، انتشارات زبان و فرهنگ ایران (شماره

روس قحطی بروز کرده بود، میرزا حسین با مشارکت میرزا صادق نوری قائم مقام، پیشکار آذربایجان، از آذربایجان غله خریده و با فروش آن در قفقاز سود کلانی به دست آوردند. مأموریت او در تفلیس نیز سه سال به طول انجامید. پس از مراجعت در سال ۱۲۷۵ ق. یعنی «در سال آخر صدارت میرزا آقاخان نوری به منصب وزیر مختار ایران در اسلامبول و خلعت همایون نائل گردید.»^۶ وی ده سال وزیر مختار بود، سپس به سفیر کبیری ارتقاء یافت. در مدت ۱۲ سال اقامت در عثمانی، در نامه‌های خود به ناصرالدین شاه، بکرات پیشرفت‌ها و ترقیات اروپائیان را توصیف کرده و او را برای مسافرت به فرنگستان و مشاهده تمدن اروپائی ترغیب می نمود.

میرزا حسین خان سه سال بعد از فوت میرزا جعفرخان مشیرالدوله، در سال ۱۲۸۲ ق. ملقب به مشیرالدوله گردید. در سال ۱۲۸۰ ق. که برای دادن گزارش از محل مأموریت خود به تهران آمده بود به عضویت دارالشورای کبری منصوب شد.^۷ ناصرالدین شاه در جمادی الثانی ۱۲۸۷ ق. قصد عزیمت به عتبات نمود و طی نامه‌ای به مشیرالدوله، فراهم کردن ترتیبات و زمینه‌های لازم را به او محول کرد. در بخشی از نامه مزبور چنین می خوانیم: «...بهر آن دانستم که اول سفری که به خارجه می شود زیارت قبور ائمه باشد که ظاهراً باطناً در دنیا و آخرت برای من خوب باشد... [و] افتخاری برای من در سلطنت باشد که به زیارت مشرف شدم... [و] افتتاحی باشد برای سفر فرنگستان که نظرها کم کم پر شود. حال انجام این اراده بسته به فطانت و کیاست و زرنگی شماست.»^۸

برای مشیرالدوله فرصت مناسبی پیش آمده بود تا با فعالیت در این زمینه و مذاکره با

۵۶. ص ۴۶

۶. خان ملک ساسانی. سیاستگران دوره قاجار. کتابخانه طهوری. تهران. ۱۳۳۸. ص ۶۰
۷. مهدی بامداد. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری. ج ۱. انتشارات زوار. ج ۴. تهران. ۱۳۷۱. ص ۴۱۱
۸. ابراهیم تیموری. عصر بیخبری یا تاریخ امتیازات در ایران. انتشارات اقبال. تهران. ۱۳۳۲. ص ۳۳

دولت عثمانی توجه شاه را بیش از پیش به خود جلب نماید. در سند شماره ۱-۴۷-۱۶۳ این مجموعه، مشیرالدوله درباره مذاکرات خود با عالی پاشا صدراعظم عثمانی پیرامون سفر شاه گزارش می‌دهد. وی درباره اهمیت موضوع از قول عالی پاشا چنین می‌نویسد: «از زمان نادر به این طرف هیچ یک از سلاطین ایران مسافرت به عراق عرب ننموده‌اند و ... برای شخص شما (مشیرالدوله) نیز این مرحله کسب سعادت و شرف بزرگی است که نیت اعلیحضرت همایونی در چنین وقتی تعلق یافت که شما در سفارت شاهانه بودید و واسطه اجرای اراده مبارک شاهانه شدید.»

به هر صورت وی با زیرکی خاصی ضمن کسب موافقت دولت عثمانی برای این سفر اقداماتی به عمل آورد که مأمورین آن دولت پذیرایی شایانی که قابل تصور نبود از ناصرالدین شاه نمودند.

شاه تصمیم گرفت که مشیرالدوله را با خود به تهران آورده و او را به مناصب مهمتر حکومتی بگمارد. در این راستا بلافاصله پس از مراجعت به موجب دستخطی، مشیرالدوله به وزارت عدلیه و وظایف و موقوفات منصوب گردید و یک جبه شمسه دار و یک حلقه انگشتری الماس نیز به وی عطا شد.^۹

در قسمتی از دستخط شاه در این باره چنین آمده: «بنا بر خدمات عدیده که در ممالک خارجه خاصه در دربار دولت عثمانیه بخصوص در آمدن به سفر عراق عرب از میرزا حسین خان سمت ظهور یافته است... از تاریخ بیست و نهم رمضان ۱۲۸۷ (یونیتیل) او را به وزارت عدلیه اعظم ممالک ایران به علاوه وزارت وظایف و موقوفات ایران هم ضمیمه وزارت عدلیه کرده سرافراز نمودیم. باید انشاءالله به عمل این سه وزارتخانه کمال نظم را بدهد.»^{۱۰}

۹. همان، ص ۳۸

۱۰. محمودفرهاد معتمد، تاریخ روابط دوره صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله، سه سالار اعظم، ابن سینا، تهران، ۱۳۲۶، ص ۳۶

در دستخط شاه به وضوح می‌توان دریافت که در میان معیارهای او برای سنجش میزان لیاقت میرزا حسین‌خان، آنگونه که توانایی او در هماهنگی با دولت عثمانی و پذیرایی شاهانه آن دولت اهمیت دارد خدمات احتمالی او به کشور چندان مهم نیست. مشیرالدوله در این دوره در حضور شاه بیشتر از لزوم اصلاحات در امور قشون سخن می‌گفت و به امور فوق‌الظهار علاقه می‌نمود. این بود که شاه در روز ۱۳ رجب ۱۲۸۸ در بخشی از نطق خود در سلام عام چنین گفت: «در این سنوات گذشته... آن قسمتی که منظور نظر ما بود ترقیات در شعب نظام و غیرنظامی حاصل نشد. بخصوص آن ترقیاتی که در اسلحه جدید یورپ و در قواعد مشق و درس علم نظامی که آنافاناً در تزیید است سرایت به ایران نکرده... لذا حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله را که حاضر حضور است از جانب خود نایب کرده ملقب به سپهسالار اعظم عسگریه می‌فرمائیم.»^{۱۱}

یک ماه و نیم بعد یعنی در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ سپهسالار به منصب صدارت عظمی ارتقاء یافت. رولینسن سیاست مدار انگلیسی درباره انتصاب وی چنین می‌نویسد: «با معرفی و اصرار دولت انگلیس میرزا حسین‌خان به صدارت ایران رسید.»

خان ملک ساسانی نیز در کتاب سیاستگران هوره قاجار ضمن تأیید دخالت انگلیس در انتصاب سپهسالار به صدارت چنین می‌نویسد: «در موقع تعیین میرزا حسین‌خان به صدارت، انگلیسی‌ها برای چهار فقره از تقاضاهای خودشان از او قول گرفتند: اول قبول حکمیت انگلیس راجع به بلوچستان، دوم قبول حکمیت مأمور انگلیس راجع به حدود سیستان، سوم دادن امتیاز منابع ثروت سراسر ایران به بارون ژولیوس دو روتیر، چهارم بردن ناصرالدین شاه به لندن برای دیدن جلال و عظمت امپراطوری انگلیس. صدراعظم دست نشانده هم هر چهار فقره را موافق دلخواه آنها انجام داد.»^{۱۲}

۱۱. خان ملک ساسانی. همان. ص ۷۱

۱۲. همان. ص ۷۸

سپهسالار چند روز پس از انتصاب به صدارت، میرزا ملکم خان را که حامی سیاست انگلیس در ایران بود از اسلامبول احضار کرده و به عنوان مستشار صدارت تعیین نمود. صدراعظم چند ماه بعد در ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۸۹ با انعقاد قراردادی با یک صراف یهودی انگلیسی به نام بارون جولوس دو روتر اختیار امور اقتصادی کشور را به مدت ۷۰ سال به طرف قرارداد و در واقع به انگلستان واگذار نمود. اما قرارداد فوق که از نتایج مهم مشاوره با ملکم خان و دلالتی او بود به سبب مخالفت علما، مردم و بعضی از درباریان عملی نگردید.

در این مجموعه اسناد شایان توجهی در مورد انعقاد قرارداد مزبور، توجیحات سپهسالار درباره آن و اعتراضات وکیل بارون روتر به ابطال قرارداد از نظر خواهد گذشت.^{۱۳}

محمود محمود در خصوص روابط ایران و انگلیس در این دوره چنین می نویسد: «دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار یکی از آن ادواری است که نفوذ سیاسی دولت انگلیس در این دوره به منتهی درجه خود رسیده است؛ انگلیس دوستی ایران در این دوره نقل مجلس تمام سیاسیون جهان بوده.»^{۱۴}

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۰ ق. برای نخستین بار هازم فرنگستان گردید. این سفر توسط میرزا حسین خان ترتیب یافته بود و خود او هم یکی از ملتزمین رکاب بود؛ اما ظاهراً میرزا حسین خان موفق نشد به هدفی که در پی آن بود دست یابد. امین الدوله می نویسد: «...چه در ایام سفر و چه در آهنگ رجعت آنچه از شاه می تراوید ذم و قدح فرنگستان بود... بلافاصله تحریرات و عرایض از حرم جلالت و وزرا

۱۳. اسناد شماره ۴۸۱-۱-۱۵۹ و ۱۴۸-۸ و ۲۹/۱۱ و ۱۳۰-۱۷۰ و ۶۹ وزارت امور خارجه
۱۴. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج ۳، ج ۴، انتشارات اقبال، تهران، ص ۱۰۰۹

و امرای دربار و علما و اعیان طهران رسید که صدراعظم را خلع کنید و طهران بیاید اگر نه مفسده بزرگ می شود. به حاجی میرزا حسین خان خطا و خیانت بسیار شمرده و قرارنامه روتر را اصل خطیئات قرار داده بودند.^{۱۵}

شاه که از این برخورد غافلگیر شده بود مجبور شد که سپهسالار را وادار به استعفا نماید. ابتدا مقرر شد او را به حکمرانی خوزستان مأمور نمایند. امین الدوله در این مورد چنین می نویسد: «بیچاره ترسید و تبدیل مهم خطیر عربستان را به حکومت قزوین که موطن اصلی اوست درخواست نمود و قبول شد. روز دیگر به ملاحظه قرب قزوین به طهران بهتر دیدند که به ایالت گیلان برود.»^{۱۶}

شاه که قلباً راضی به عزل سپهسالار نبود یک ماه بعد او را به تهران احضار کرد و به وزارت امور خارجه منصوب نمود.

از سوی دیگر هیتی متشکل از سپهسالار و عده‌ای از مخالفین او برای اداره مملکت تشکیل گردید. این هیت مجتمعه را وزرای دربار اعظم نامیدند و میرزا حسین خان علاوه بر وزارت امور خارجه؛ وزارت جنگ نیز منصوب و ملقب به سپهسالار اعظم گردید و یک قبضه شمشیر مرصع به او اعطا شد.^{۱۷} اما این بار کاملاً تغییر جهت داده و خود را به روسها نزدیک کرد و برای جلب نظر مساعد آنها نسبت به خود فعالیت‌هایی را آغاز کرد.

در سال ۱۲۹۵ ق. ناصرالدین شاه دوباره قصد سفر به فرنگستان نمود. میرزا حسین خان در این سفر نیز او را همراهی کرد. وی در غیاب خویش وزارت جنگ و امور خارجه را به یحیی خان معتمدالملک برادر خود واگذار نمود. «در آن سفر از

۱۵. میرزا علی خان امین الدوله، خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، زیر نظر ایرج

افشار، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۰، ص ۴۱

۱۶. همان ص ۴۱

۱۷. خان ملک ساسانی، همان، ص ۸۸

امپراطور اطریش چند نفر صاحب منصب نظامی خواستند به جهت تکمیل وضع قشون ایران و تبدیل آنها از وضع قدیم به وضع جدید؛ دولت اطریش هم چهارده نفر صاحب منصب به ایران فرستاد و مقرر شد که چند فوج برای نمونه به آنها بسپارند.^{۱۸} امین‌الدوله در این رابطه چنین می‌نویسد: «به تصور آنکه اقدام مزبور دولت روس را نرنجانند یک دسته معلمین هم از روس خواستند که فوجی به سبک روس بسازند و برای این فوج سواره فشنگ و توپ هم از روس خریداری شد، با عزم راسخ که ترتیب قشونی ایران را از پیاده و توپخانه و سوار به قواعد معموله فرنگستان تطبیق نمایند.»^{۱۹} و بدین ترتیب اساس و بنیان قزاق را به عنوان بازوی نظامی روس بنا نهادند. از نتایج دیگر این سفر آوردن «گنت دومونت فرت» برای اصلاح تشکیلات نظمیه و امنیه و احتساب و نیز دایر کردن چراغ برق و چراغ گاز در ایران قابل ذکر است. سپهسالار در شوال ۱۲۹۷ به دلیل چشم‌پوشی از حقوق مسلم ایران در آخال، ماوراءخزر، گوگ تپه و دشت ترکمان به نفع روسها معزول شدند.

در دستخط ناصرالدین شاه خطاب به سلیمان خان صاحب اختیار خراسان - سند شماره ۱۷۰-۳۸- در زمینه عزل سپهسالار چنین می‌خوانیم: «این تغییرات این دفعه و عزل سپهسالار و قرارهای جدید همه برای نظم است و بس و انتظام قشون و رعیت و مملکت ... با تجربه‌های زیادی که در ایام سلطنت شده است دیگر حالا وقت آن نیست و جای آن ندارد که از روی هوس کاری بکنیم پس بدانید که این اقدامات همه از روی لزوم است.»^{۲۰}

پس از برکناری نخست مقرر گردید که او را به حکومت خراسان مأمور نمایند. عباس

۱۸. همان، ص ۹۰

۱۹. میرزا علی خان امین‌الدوله. همان، ص ۵۵

۲۰. نیز ر.ک. اسناد شماره ۱۷۰-۴۲ و ۱۱۱-۳۶ و ۱۷۰-۳۹ و ۱۷۰-۴۳ و ۱۷۰-۴۵ و ۱۷۰-۴۹ و

۱۰۹-۱۰۸-۱۰۷ و ۱۷۰-۱۱۰ و ۱۳۴-۱۳۳-۱۷۰ و ۱۱۲-۳۶ و ۱۷۰-۱۳۵ و ۱۷۰-۵۱

میرزا ملک آرا برادر ناصرالدین شاه در این رابطه چنین می‌نویسد: «حاج محمد حسن صراف اصفهانی که امین‌دار الضرب بود... عریضه محرمانه به شاه نوشت... که مانند سپهسالار پلوتیک دانی را که با تمام فرنگیها راه دارد و شما اینطور او را دل‌شکسته کرده‌اید به کدام اطمینان به ایالت خراسان می‌فرستید من که مرد صراف فقیری هستم این قدر می‌فهمم که چنین عملی جایز نیست... شاه به محض مطالعه این عریضه حکم فرمودند که سپهسالار به زودی روانه قزوین شود.»^{۲۱} هنوز چند هفته از اقامت او در قزوین نگذشته بود که غائله «شیخ عبیدالله» رهبر فرقه نقشبندیه در کردستان پیش آمد. ناصرالدین شاه میرزا حسین خان را به عنوان پیشکار آذربایجان و فرمانده قشون جهت سرکوبی شیخ مأمور نمود.^{۲۲}

«پس از انجام این مأموریت، شاه او را برای تعزیت قتل الکساندر دوم و تهنیت جلوس الکساندر سوم به روسیه فرستاد. در آن سفر به جهت خدماتی که به آنها در واگذار نمودن آخال و تأسیس قزاقخانه کرده بود به میرزا حسین خان خیلی احترام گذاشتند.»^{۲۳}

پس از مراجعت از روسیه از آنجا که شاه به او مظنون شده بود او را به حکومت خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب نمود.^{۲۴} و روانه مشهد گردید. مشیرالدوله پس از ورود به مشهد اولین کاری که بدان اقدام کرد ساختن مقبره‌ای برای خودش بود.

بیشتر مورخین در اینکه تحمل سپهسالار در این زمان برای ناصرالدین شاه مشکل

۲۱. عباس میرزا ملک آرا، شرح حال عباس میرزا ملک آرا، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، ج ۱،

انتشارات بابک، تهران ۱۳۵۵، ص ۱۵۲

۲۲. ر.ک. اسناد شماره ۱۶۱ و ۱۵۷-۱۶۰ و ۱۵۹-۱۵۷ و ۱۶۵-۵۷

۲۳. خان ملک ساسانی، همان، ص ۹۲

۲۴. ر.ک. اسناد شماره ۱۴۷-۱۴۵-۵۷

شده بود متفق القولند، حتی بعضی از آنان معتقدند که سپهسالار خود می دانست که به دستور شاه به قتل خواهد رسید. در هر صورت حکومت او در خراسان بیش از شش ماه دوام نیافت^{۲۵} و سرانجام در ۲۱ ذیحجه ۱۲۹۸ در سن ۵۷ سالگی چشم از جهان فرو بست و عده‌ای اعتقاد دارند که او را مسموم کردند.

اعتمادالسلطنه در خاطرات روز ۲۳ ذیحجه ۱۲۹۸ می نویسد: «شاه به واسطه تفتین و فساد سپهسالار در کارها بسیار مشعوف است از مردن او.»^{۲۶}

از گفتار تا عمل

اینک برای آشنایی با افکار و عقاید میرزا حسین خان مشیرالدوله، به جریان نفوذ فرهنگ غربی به کشورمان و گروه سرسپرده و خودباختگان آن فرهنگ و نقش میرزا حسین خان در آن میان اشاراتی می شود. از یک سو اثرات تفکر عقلی مغرب زمین در تسخیر و استفاده از طبیعت و تحولات فکری آن که به مشرق زمین و کشور ما نفوذ می کرد و از سوی دیگر تفکر شرک ظل الهی حاکمان بوسیله فریادها و تحمل تبعید و زندان عالمان مذهبی و مقاومت آنها جهت زنده نگاه داشتن آئین محمدی (ص) در هم کوبیده می شد. در صورتی که بی مایگی حکام راه را بر نفوذ ویرانگر تفکر وارداتی، از جانب نمایندگان سیاسی دول اروپایی و بچه درباریان و خاندانگان که در فرنگ رشد کرده و بنا به اعتبار خانوادگی دارای پست و مقام می شدند، می گشود. این دسته از تحصیل کردگان در مرحله نظریه پردازی و روزنامه نویسی و تئوری با آب و تاب فراوان دم از سیاست عقلی و تفکر

۲۵. میرزاهدی متحن الدوله شقانی. همان، ص ۳۴

۲۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هـ. ق با مقدمه و فهرس ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۴۵، ص ۱۴۳

عقلانی برای اداره مملکت می زدند، اما در مرحله عمل به عنوان سفیر و وزیر و مشیر و... گوی سبقت را در واگذاری مملکت به بیگانگان از رجال سنتی می ربودند.

میرزا ملکم خان نمونه بارز این جریان فکری است. بیشتر سردمداران این گروه در مناصب دولتی عامل و جاده صاف کن کسب امتیازات برای دول بیگانه بودند. ملکم خان در دفتر تنظیمات که متضمن نخستین طرح قانون اساسی است و به ناصرالدین شاه عرضه گردیده می نویسد: «به حقیقت اولیای ما باید چقدر تدبیر کرده باشند که چنین ملکی را به این چنین ذلت رسانیده باشند»^{۲۷} لکن او خود بعد از مدتی با دریافت رشوه بانی واگذاری قراردادهای تنباکو، لاتاری، روتر و... می شود. این گروه به سبب جدائی از آحاد مردم و تنیدن در روابط و مناسبات طبقه اعیان و وابستگی به بیگانگان نسبت به اعتقادات مردم و رهبران مذهبی کشور و مصلحتهای جهان اسلام ضمن کم اطلاعی خصومت می ورزیدند و آنچه را که خود دیده و درک کرده بودند تنها و بهترین روش و ملاک عمل می دانستند. آنها چه در تفکر شخصی و چه در اداره حکومت و حقوق مردم به غرب استناد می جستند، به همین دلیل ملکم خان اعتقاد دارد که «مفهوم قانون عرفی همان است که سیاست و دیانت متمایز باشند و احکام شرعی در صدی مجری خواهد شد که مانند دیگر احکام عرفی دولتی به تصویب مجلس برسد»^{۲۸}

فراموشخانه که با تدبیر میرزا ملکم خان و موافقت شاه تأسیس شده بود به علت ترویج تفکر مادی با فشار روحانیون و به امر شاه برچیده شد و میرزا ملکم خان و پدرش تبعید شدند. ملکم خان به اسلامبول رفت. در مدت اقامت در آنجا از حمایت جدی میرزا حسین خان مشیرالدوله، سفیر ایران در عثمانی برخوردار بود. ملکم خان در این باب به پدرش چنین نوشت: «الحق ... جناب حاجی میرزا حسین خان مهربانی زیاد کرده و

۲۷. فریدون آدمیت. اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. تهران. خوارزمی ۱۳۵۱. ص ۳۰

۲۸. همان، ص ۳۲

می‌کند»^{۲۹} در همین زمان مشیرالدوله در نامه‌ای به میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه چنین نوشت: «از ملکم خان در خدمت پولیتیک به مراتب زیاد استفاده حاصل می‌توان کرد.»^{۳۰} پس از مدتی شاه نیز اعلام حمایت کرد و گفت: میرزا ملکم خان از بعضی صفات که متضمن خلاف و خیانت و ... بوده باشد بری و هرگز از خود او و خدماتی که کرده صرف نظر نکرده‌اند. بعد از تحصیل موافقت شاه، ملکم خان به عنوان مستشار سفارت ایران در اسلامبول به خدمت مشغول گردید و تا سال ۱۲۸۸ ق. آن سمت را به عهده داشت.^{۳۱} ملکم خان در سال ۱۲۸۱ ق. به آئین عیسوی در آمد و در پاسخ میرزا حسین خان در این رابطه چنین نوشت: «من همیشه معتقد به این مطلب بودم که امور دنیا بسته به عقل و تدبیر است لیکن امروز می‌گویم که کارهای دنیا بسته به دست تقدیر می‌باشد و تقدیر برای من اینطور پیش آورده است.»^{۳۲} وی پس از چندی در نامه تهدید آمیزی به میرزا حسین خان اینطور نگاشت. «اگر دولت ایران او را وزیر مختار لندن نکند اسرار دولتی را که در نزد اوست به عثمانیها خواهد فروخت.»^{۳۳} اما قبل از دریافت پاسخ معلوم گردید که او به تهدید خود عمل نموده و در وزارت امور خارجه عثمانی با ماهی چهل لیره استخدام شده است.

با چنین سابقه‌ای سپهسالار تنها چند روز پس از انتصاب به صدارت، ملکم را به طهران فراخواند و به توصیه انگلیس برای او لقب ناظم الملکی گرفت و مستشار صدارت عظمی نمود. ملکم خان بعد از مدتی به منصب مورد علاقه خود یعنی وزیر مختار ایران

۲۹. فرشته نورائی، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله، شرکت سهامی کتابهای جیبی ایران، ج ۱.

تهران ۱۳۵۲، ص ۱۹

۳۰. همان، ص ۱۹

۳۱. همان، ص ۲۰

۳۲. خان ملک ساسانی، همان، ص ۱۲۹

۳۳. همان، ص ۱۲۹

در لندن منصوب شد. ناگفته نماند که او در موارد مقتضی متقابلاً از سپهسالار حمایت می نمود. چنانکه خان ملک ساسانی می نویسد «هروقت وضعیت میرزا حسین خان در نزد شاه متزلزل بود ملکم یک تلگراف رمز وحشتناکی از لندن مخابره می کرد شاه هم در هزل میرزا حسین خان دست نگاه می داشت.»^{۳۴} به علاوه میرزا ملکم خان «رساله شیخ و حقیر رادر دفاع از وزارت میرزا حسین خان و افکار او نوشته و در مرگ او مصیبت زده بوده است»^{۳۵}

میرزا حسین خان در زمان سفارت خود در اسلامبول مبنای دگرگونی در اداره کشور و راه ترقی و تعالی را در ترتیباتی می دانست که دول اروپایی با فشار بر عثمانی تحمیل می کردند. در سند شماره ۷۴ - ۱۷۰، میرزا حسین خان مشروح مذاکرات خود با سفیر کبیر عثمانی را در این باره گزارش نموده در بخشی از آن چنین می نویسد: «سفیر کبیر گفت... لیکن ملاحظه نمایید دولت عثمانی که به آن درجه ترقیات کرده است مبتلای چه ضررهاست. اوایل به بهانه آنکه ملت مسیحی ممالک سایر باید آسوده باشند متعرض ما می شدند حالا آشکار می گویند اسلام و مسیحی نزد ما فرق ندارند مخلوق نباید گرفتار حکومت جور و بی نظم باشند. اوایل به طور تعهد بعضی اظهارات می کردند حالا به طور تحکم.»

میرزا حسین خان بر این باور بود که اقدامات دول اروپایی به منظور اصلاحات و ترتیبات جدید صرفاً به منظور حفظ و ثبات دولت عثمانی است و لذا نمی توانست متوجه عاقبت هدفگیری های دول مزبور به منظور انهدام امپراطوری بزرگ عثمانی باشد. وی در نامه های متعدد خود به این نکته که پرورش یافتگان این مکاتب و مدارس در شرایط رخوت و سستی دولت عثمانی، به منظور صیانت از کشور دست مایه ای نخواهد داشت.

۳۴. همان، ص ۱۳۱

۳۵. فرشته نورانی، همان، ص ۲۲

این تهاجم فرهنگی که میرزا حسین خان به اسم توسعه معارف و قرار گرفتن در جاده ترقی پیشنهاد می‌کند، بر خلاف نظریه او نه تنها باعث بقای عثمانی نشد بلکه به انهدام آن کشور سرعت بخشید.

افکار و عقاید میرزا حسین خان در دوران تحصیل او شکل گرفت و در مأموریت‌های خارج از کشور قوام یافت. در دید او دستگاه فاسد ناصرالدین شاه و عوامل وابسته به روسیه راهی جز پیروی از مدنیت غرب نداشته و این همان راه سعادت و ترقی دولت و ملت ایران خواهد بود.

عبدالله مستوفی درباره‌ی وی می‌نویسد: «با هر چه کهنه بود دشمن و در همه چیز به نوبی و تازگی معتقد بود... ولی از آفات تمدن اروپایی هم که سالیان دراز در آنجاها بسر برده بود به دور نبود و حتی چندان پایی مخفی داشتن کارهای خصوصی خود هم در این زمینه نمی‌شد.»^{۳۶}

میرزا حسین خان در یکی از نامه‌های خود به شاه می‌نویسد: «یک وقتی بود ایران بابت حرفت و صنعت محسود سکتة جمیع دنیا بود ارمغان و تحفه دنیا از امتعه و صنایع داخله ایران بود... اگر چندسال بگذرد، به تدریج این نمونه هم که باقی است متروک شده...»^{۳۷} پر واضح است که ایشان تعمق و توجه کافی نسبت به دلایل عقب ماندگی کشور نداشته است. انگلستان حامی و الگوی او، در این دوره جهت بسط نفوذ خود در هندوستان و حفظ آن کشور در مقابل روسیه به دوستی ایران نیازمند بود، لکن نه ایرانی مقتدر و آبادان بلکه کشوری ضعیف، سر سپرده و حائل. در همین راستا در صدد بود با گماردن افرادی نالایق و دست نشانده به عنوان هیئت حاکمه و ترویج فقر و فساد

۳۶. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من - تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ج ۲، کتاب فروشی

زوار، تهران، ص ۱۱۷-۱۱۶

۳۷. خان ملک ساسانی، همان، ص ۶۹

اجتماعی ایران را به ویرانه‌ای مبدل سازد.

از ویژگی‌های دیگر تفکرات میرزا حسین خان سپهسالار اعتقاد به جدایی دیانت از سیاست است. به نظر می‌رسد این اعتقاد به اقامت طولانی وی در اسلامبول در دوران احاطه فرهنگی استعمار بر عثمانی و نهایتاً هم سوئی با نیات سیاسی و فرهنگی بیگانگان مربوط می‌شود. دوران سفارت او در عثمانی همزمان با اصطلاحات سلطان عبدالعزیز بود. در این دوره «تنظیم مجله قوانین مدونه و تأسیس محاکم نظامیه (دادگاههای دولتی) به غیر روحانی کردن قسمت اعظم قانون عثمانی منجر شده بود.»^{۳۸} سپهسالار در دوران صدارت تلاش کرد نقش علما را در حکومت کاهش داده و نهایتاً حذف نماید. در همین راستا حق انتصاب مجتهدان قابل اعتماد را بر محاکم شرع از آن خود نمود و به طور غیر مستقیم اداره یکی از شعب قدرت روحانیان را به دست گرفت^{۳۹} و بدین ترتیب کوشید هم نیات شاهانه و هم اهداف استعماری را به منظور حذف اسلام و روحانیان از مناسبات اجتماعی فراهم آورد.

وی پس از عزل از صدارت در نامه‌ای به ناصرالدین شاه درباره روحانیان چنین می‌نویسد: «مداخله در امور دولت را به ایشان تجویز نمی‌کردم.»^{۴۰}

ارتباطات سپهسالار با فتحعلی آخوندزاده نیز در تثبیت این باور شایان توجه است. آخوندزاده در نامه‌ای به سپهسالار او را اینطور اندرز می‌دهد: «همه کارهای قانونی را در زیر نفوذ و اراده مستقیم وزارت عدلیه در آورید و عالمان را بگذارید تا به کارهایی مانند نماز و روزه بپردازند همچنانکه اروپائیان این کار را کرده‌اند»^{۴۱} پروفیسور حامد الگار در

۳۸. حامدالگار، دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجار - ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران ۱۳۶۹، ص ۲۶۲-۲۶۳

۳۹. محمود فرهاد معتمد، همان ص ۳۸، حامدالگار، همان، ص ۲۶۰

۴۰. حامد الگار، همان، ص ۲۶۲ و ابراهیم تیموری، همان، ص ۲۴

۴۱. حامدالگار، همان، ص ۲۶۳

این رابطه چنین می‌نویسد: «علت اینکه سپهسالار در عمل امتیازات علما را نفی می‌کرد این بود که از لحاظ نظری نیز آنها را به رسمیت نمی‌شناخت.»^{۴۲}

یکی از وقایع مهم دوران سپهسالار بروز فاجعه قحطی در تهران بود که موجب مرگ تعداد بسیار زیادی از مردم و مهاجرت گروهی دیگر از آنان گردید. «رالینسون» شماره نفوس ایران را در سال ۱۲۶۷ ق. ده میلیون نفر تخمین زده و نویسنده دیگری که در سال ۱۲۸۴ ق. به ایران آمده تعداد جمعیت کشور را پنج میلیون نفر ثابت کرده و می‌نویسد تنها در قحطی ۱۲۸۷-۸۸ ق. نزدیک به دو میلیون نفر به چنگال مرگ افتادند. میرزا ابراهیم بدایع نگار نیز شمار مردگان را چهار کرور ثبت کرده است. اعتمادالسلطنه در این رابطه در کتاب خلسه می‌نویسد، سپهسالار غله از قفقاز ارزان می‌خرید، سپس با سود گزاف در پایتخت قحط زده می‌فروخت. شایان توجه است که میرزا حسین خان در نوشته‌های خود همین عمل را به دیگران نسبت داده است.

لازم به یادآوری است که دولت بریتانیا در این برهه از زمان به منظور بسط نفوذ استعماری خود در هندوستان فعالیت‌های مختلف و مستمری را به‌طور همزمان انجام می‌داد. در این راستا در سال ۱۲۹۸ ق. بر صدد برآمد مدیترانه را به وسیله ایجاد راه‌های ارتباطی زمینی به هندوستان متصل سازد. طرحی تهیه گردید که بر اساس آن «خط آهنی از مدیترانه شروع شده از وادی فرات یا دجله عبور نموده از جنوب ایران بگذرد و از راه مکران به کراچی متصل شود. برای انجام این امر کمیسیون مخصوص پارلمانی تشکیل شد و مطالعه این امر را به عهده آن کمیسیون واگذار نمودند. در نتیجه آنچه که در ظاهر دیده می‌شود موضوع به امتیاز با رون جولوس دورویر خاتمه یافت.»^{۴۳}

میرزا حسین خان در زمینه سیاست خارجی در یکی از نامه‌های خود به ناصرالدین

۴۲. همان، ص ۲۶۳

۴۳. محمود محمود، همان، ج ۵، ص ۴۲۲

شاه چنین می‌نویسد: «اگر یک رشته تدابیر بکار برده شود نه دول همجوار در صدد بهانه‌جوئی و مخالفت برمی‌آیند و نه دولت علیه به آنها اجازه بهانه‌جوئی و خلاف عهد می‌دهد.»^{۴۴} در حالیکه عملاً با انعقاد قرارداد رویترا که مهمترین خطای سیاسی او بشمار می‌رود، زمینه لازم را برای انگلیس و روسیه فراهم آورد تا به مطالبه امتیازات دیگری نظیر انحصار تنباکو، بانک استقراضی روس، بانک شاهنشاهی، راه آهن و شیلات بپردازند.

بطور کلی ایام قدرت سپهسالار را می‌توان به عصر حکومت سایه‌ها به لحاظ سیاست خارجی و بسط نفوذ بیگانگان به دو دوره متمایز تقسیم نمود. دوره نخست از ابتدا تا زمان عزل از صدارت، دوره دوم از زمان عزل تا پایان عمر. او در دوره اول کاملاً از سیاست‌های انگلستان تبعیت و جانبداری می‌کرد و در پناه آنان بود. به او چنین حالی کرده بودند که روسیه در صدد برچیدن حکومت ایران است و تنها راه نجات تبعیت بدون قید و شرط از انگلستان و پناه بردن به سایه آن کشور است تا جائی که بعد از اعلام مخالفتها و ارسال تلگرافهای اعتراض آمیز نسبت به قرارداد رویترا کاملاً بی‌اهمیت جلوه داده و به شاه می‌نویسد: «مکرر عرض کرده‌ام که اصل مسئله به این اهمیت نیست که تلغراف نامه‌جات انیس الدوله و معتمدالدوله که هر دو با فدوی بی‌مقدار غرض دارند در نظر مبارک جلوه می‌دهند»^{۴۵} در نامه دیگری که در این مجموعه از نظر خواهد گذشت اظهار می‌دارد: «والله بالله تالله هیچ نقلی نیست و عامه مردم ساکت و راحت می‌باشند مگر چند نفری که آنها هم از چند روز قبل خیلی حساب می‌برند و با احتیاط حرکت می‌نمایند.»^{۴۶} او پا را از این هم فراتر گذاشته و اعطای امتیاز فوق را امری مفید و

۴۴. خان ملک ساسانی، همان، ص ۶۹

۴۵. ابراهیم تیموری، همان، ص ۴۳

۴۶. سند شماره ت ۲۹/۱۱

ضروری قلمداد می‌کند و در نامه دیگری به شاه پس از اشاره به اعتراض روسیه به قرارداد رویتز چنین می‌نویسد: «...اگر فدوی ایلچی روس بودم همین شیوه را پیشنهاد خود می‌ساختم و به قدر مقدور سعی می‌کردم دولت و ملت ایران از این قدرت و نفع جدید محروم بمانند لکن تفضل خداوندی و بصیرت کامله همایونی انشاءالله دولت و ملت مستحق ایران را محروم نخواهد گذاشت.»^{۴۷} در حالیکه آثار خیانت‌بار این امتیاز برای خودی و بیگانه کاملاً روشن بود. در حقیقت به موجب این قرارداد کلیه منابع تولید ثروت کشور و نیز حق حاکمیت بخشی از مردم به مدت ۷۰ سال به انگلستان واگذار می‌شد.

در بخشی از فصل دوم قرارداد آمده است: «دولت ایران از برای ۷۰ سال امتیاز مخصوص و انحصار قطعی راه آهن بحر خزر الی خلیج فارس را به بارون جولیوس رویتز... واگذار می‌نماید. و همچنین به ایشان حق مخصوص می‌دهد که هر شعبات راه آهن که مناسب بدانند جهت اتصال راههای ایران به فرنگستان و هندوستان بسازند و به کار بیندازند.»^{۴۸}

اعطای امتیاز ساخت تراموا در کلیه نقاط کشور نیز در فصل سوم قرارداد عنوان شده بود. اما امتیاز رویتز تنها به راههای ارتباطی محدود نشده بود، به موجب فصل یازدهم که از فصول حساس و قابل توجه این قرارداد است به رویتز حق انحصاری می‌دهد که «در مدت طول این امتیاز در تمام ممالک ایران معادن زغال سنگ و آهن و مس و سرب و پترول و غیره را و هر معدن دیگر که بتوانند کاش بکشند و از آنها تمتع بردارند... هر معدنی که کمپانی پیدا می‌کند مثل زمین ساده محسوب خواهد شد و از جانب کمپانی به

۴۷. محمود فرهاد معتمد، همان، ص ۱۶۴

۴۸. میرزا علی خان امین‌الدوله، همان، ص ۳۰

قیمت متداوله آن ولایت خریده خواهد شد.^{۴۹} در فصل چهاردهم حق بهره‌برداری کلیه جنگلهای کشور به کمپانی مزبور داده شده و در فصل نوزدهم دولت ایران متعهد می‌شود که اجاره تمام گمرکهای کشور را به مدت ۲۵ سال به صاحبان امتیاز پردازد. با این وجود دست‌اندرکاران انعقاد قرارداد به واگذاری امتیازات فوق بسنده نکرده و برای طرف قرارداد این حق را نیز قائل شدند که جهت گرفتن امتیازات بعدی در اولویت باشد. این پیش‌بینی در فصل بیست و یکم به این صورت گنجانیده شد که: «از برای هر نوع کارها و اقدامات از قبیل گاز و فرش کوچه‌ها- تزئین پایتخت و راهها و شوسه‌ها و چاپارخانه‌ها و تلگرافها و آسیاها و کارخانجات آهن آلات و سایر کارخانه‌ها و غیره که بعد از این امتیازی بخواهند، اصحاب امتیاز حاضره در جمیع این امور و امتیازها حق رجحان بر جمیع اشخاص و کمپانی‌های دیگر خواهند داشت.»^{۵۰}

همانگونه که ذکر گردید ناصرالدین شاه هنگام مراجعت از سفر فرنگستان در مقابل اعتراضات علیه قرارداد مجبور به عقب‌نشینی شد و صدراعظم را برکنار نمود. سر جوزف دیکسون پزشک انگلیسی شاه پس از عزل سپهسالار در اردوگاه آقا بابای قزوین با او ملاقات کرد. دیکسون وضعیت سپهسالار را برای تیلور تامسون وزیر مختار انگلیس در طهران اینگونه توصیف می‌کند: «وزیر معزول ... بر جان خود ایمن نیست البته به پادشاه خود اعتماد کامل دارد... اما از دشمنی آخوندها می‌ترسد... او به خصوص از من درخواست کرد تا پیکی نزد شما گسیل و شما را از پریشان‌حالی وی آگاه کنم به من گفت: «سلام و ارادت مرا به وزیر مختار بریتانیا برسانید و به او بگوئید که من همیشه دوست انگلستان بوده‌ام.»^{۵۱} اما ظاهراً شفاعت دیکسون از سپهسالار نزد شاه مقبول

۴۹. همان، ص ۳۲

۵۰. محمود محمود، همان، ج ۳، ص ۱۰۱۶ و میرزا علی‌خان امین‌الدوله، همان، ص ۳۳

۵۱. فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴) ترجمه دکتر منوچهر امیری، ج ۳، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۱۰

نیفتاد و بلا فاصله منصب صدراعظمی را از دستگاه حکومتی حذف نمود. نظریات تامسون وزیرمختار انگلیس نیز در این باره شایان توجه و قابل بررسی است. وی خطاب به ۱. ف. بگر وزیرمختار روس گفت: «عمل مخالفان فقط برضد صدر اعظم صورت نگرفته بلکه علیه حقوق و امتیازات پادشاه انجام یافته است... و به نظر من کسانی که وضع فعلی را بوجود آورده‌اند، بذری از دعاوی آخوندها و هیجانات عامه کاشته‌اند که اگر هر چه زودتر تباه نشود سرانجام به تشکیل نوعی حکومت منجر خواهد شد که هرگز نباید آرزو کرد و بر روی هم ایران برای قبول آن آمادگی ندارد.»^{۵۲}

لازم به یادآوری است که از علمای متنفذ این دوره که باقرارداد رویترا شدیداً به مخالفت برخواستند می‌توان از حاج ملا علی کنی^{۵۳} و سید صالح عرب نام برد. اعتمادالسلطنه در مورد سید صالح عرب چنین می‌نویسد: «میرزا محمد صالح عرب مشهور به داماد پسر آقا سید حسن است که داماد سید علامه صاحب‌الریاض بوده و در حفظ حدود و حمای حقیقت غیرتی شدید داشت.»^{۵۴}

از آن‌جا که ناصرالدین شاه برای تأمین هزینه‌های گزاف خود از بابت مسافرت‌های متعدد، خوشگذرانیها، شکار و... احتیاج وافر به مبالغ هنگفتی وجه نقد داشت به این فکر افتاد که به جای تخصیص عوارض و مالیات‌های دریافتی از رعیت به حکام ولایات و درباریان متعدد، وجوه مزبور را بدون حیف و میل و مستقیماً وارد خزانه خود نماید. در

۵۲. همان، صص ۱۱۲-۱۱۱

۵۳. مرحوم حاج ملاعلی کنی در سال ۱۲۲۰ ق در فریه کن از فرای حومه غربی طهران متولد شد و در سن بیست سالگی به عتبات رفت. پس از نیل به درجه اجتهاد به طهران بازگشت تألیفات او عبارت است از رساله‌ای در موضوع اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب و کتاب تحقیق‌الدلائل فی شرح تلخیص المسائل و کتاب توضیح‌المقال در علم رجال. حاج ملاعلی از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه در طهران بواسطه توجه مردم به او نفوذ فوق‌العاده‌ای پیدا نمود و شاه از وی ملاحظات بسیار می‌کرد و رعب و هراسی فراوان داشت. [به نقل از ابراهیم تیموری. همان منبع، ص ۱۲۳]

۵۴. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، انتشارات کتابخانه سنایی، ص ۱۴۸

همین راستا میرزا حسین خان پس از رسیدن به قدرت، جهت جلب رضایت شاه، مبارزه با رشوه را به عنوان یکی از رئوس برنامه‌های اصلاحی خود قرار داد و در زمان صدارت بخشنامه‌هایی در این رابطه صادر نمود. اما همانگونه که ذکر گردید اعتمادالسلطنه معتقد است که میرزا حسین خان خود از همان ابتدا با دادن رشوه و پیشکشی به قدرت رسید و در مورد رویترا از زبان میرزا حسین خان چنین می‌نویسد: «آن خام طمع مبالغ‌گزارف به من و ملکم و آن مأمور و جمع دیگری از رجال دولت ایران در طهران رشوه داد و امتیاز نامه راه آهن را بگرفت.»^{۵۵} و در جای دیگری می‌نویسد: «پنجاه هزار لیره میرزا حسین خان گرفته همینطور هم ملکم خان بیست هزار لیره...»^{۵۶} به علاوه او پس از عزل از صدارت و به قدرت رسیدن مجدد خود آشکارا در دادن و گرفتن رشوه و فروش مقام و رتبه بر دیگران پیشی می‌گرفت. امین‌الدوله در خاطرات خود می‌نویسد: «سپهسالار اعظم تغییر مسلک داده به قدر انکار و استعجاب که اوایل از رشوه خوردن و امتیاز و مقام نظامی و غیرنظامی را نابجا فروختن و شرف خدمت را پست و ضایع کردن به هزار سوزدل اظهار می‌کرد خود در این مراحل به سابقین سبقت جست و مبلغ پیشکشی را از آنچه معمول قدیم مملکت بود چندین مقابل بالا برد.»^{۵۷}

در این مجموعه نمونه‌های مختلفی از اسناد از نظر خواهد گذشت که دال بر اهداء پیشکشهای متعدد سپهسالار به ناصرالدین شاه هستند. او در یکی از نامه‌هایش به شاه چنین می‌نویسد: «محض خجالت شکار نکردن یک جعبه طپانچه و یک تفت انار کاشان و یک راس بره به پیشگاه حضور همایون انفاذ داشت.»^{۵۸}

همانگونه که پیشتر اشاره شد میرزا حسین خان هنگام انتصاب به صدارت به‌جز

۵۵. اعتمادالسلطنه، خلسه، ص ۴۸

۵۶. ابراهیم تیموری، همان، ص ۱۰۷

۵۷. میرزا علی خان امین‌الدوله، همان، ص ۴۸

۵۸. سند شماره ۲-۲۰۶-۹ نیز ر.ک. اسناد شماره ۱۸۶-۹ و ۲۱۵-۸ و ۱۰۶-۸

امتیاز رویت و تدارک سفر ناصرالدین شاه به فرنگستان تعهدات دیگری نیز در مورد سیستان و بلوچستان به دولت انگلیس داده بود. اختلافات مرزی بین ایران و افغانستان در منطقه سیستان با حکمیت انگلیس به گونه‌ای که خواست آن دولت بود، حل و فصل گردید. اما در مورد بلوچستان، دولت انگلیس در این دوره موافقت ایران را برای کشیدن سیم تلگراف از جاسک تا کراچی کسب کرد.

دولت انگلیس که در پی بسط نفوذ خود در این نواحی بود، در جریان سیم‌کشی ناامنی منطقه را بهانه قرارداد و پس از انجام مذاکراتی مقرر گردید که گلد اسمیت مأمور انگلیسی در این موضوع و تعیین مرزهای جدید در بلوچستان حکمیت نماید و بالاخره با حکمیت این شخص قسمتهایی از بلوچستان نیز مانند سیستان از ایران جدا شد.

خان ملک ساسانی در این زمینه چنین می‌نویسد: «هرچه میرزا معصوم خان انصاری کمیسر ایران به وزارت امور خارجه نوشت و تلگراف کرد که کیج، تمپ، بلید، جالق، ذرک، مسند، کوهک، اسپندار، پیشین سرباز، دشت و باهو مطابق اسناد ثابته که در دست داریم همیشه متعلق به ایران بوده و هست و چابهار و طیس و کوادر بنادر مسلم ایرانند که گلد اسمیت نماینده انگلیس می‌خواهد آنها بر خان کلات واگذار شود کسی گوش نداد و میرزا حسین خان توسط گلد اسمیت به میرزا معصوم خان تلگراف کرد که موافق رضای مأمور انگلیس عمل نمایند.»^{۵۹}

دوره دوم زندگانی سپهسالار مدت هشت سال به طول انجامید. او در این دوره کاملاً تغییر جهت داده و به جانب روسها متمایل گردید و در پناه آنان بود. وی بلافاصله پس از انتصاب به وزارت امور خارجه تلگرافی به همتای روسی خود مخابره کرد و اظهار داشت: «من لازمه اهتمام را خواهم کرد که روابط دوستی این دو دولت را روز به روز به

۵۹. خان ملک ساسانی، همان، ص ۷۸

همدیگر نزدیکتر نمایم.^{۶۰} سپهسالار کوشش نمود با اقداماتی نظیر واگذاری ماوراء خزر، آخال و فیروزه به روسیه، آوردن صاحب منصبان نظامی روسی و تشکیل قشون قزاق و اجاره دادن تمام شیلات^{۶۱} به روسیه، سرسپردگی خود را به آن کشور ثابت نماید، به نحوی که در اواخر عمر سفارت روس بزرگترین حامی و پشتیبان سپهسالار بود.^{۶۲}

به هر صورت میرزا حسین خان سپهسالار نه از دوستی با انگلیس و نه از سرسپردگی به روسیه به جز تحکیم استبداد داخلی و استیلای خارجیان در کشور طرفی نسبت و بنا به نوشته بعضی از مورخین جان خود را نیز در این راه از دست داد.

او بلاعقب از دنیا رفت. قسمتی از اموالش را صرف ساختن مدرسه و عمارت بهارستان کرده بود و بقیه بعد از وفاتش به دست برادرش یحیی خان مشیرالدوله افتاد.^{۶۳}

محمدرضا عباسی

۶۰. ابراهیم تیموری، همان، ص ۵۳

۶۱. در سال ۱۲۹۳ هـ. ق ناصرالدین شاه تمام شیلات را به میرزا حسین خان سپهسالار اجاره داد [سند شماره ۱۷۷ وزارت امور خارجه] و او نیز تمام آنها یکجا به روسها واگذار نمود. [ابراهیم تیموری، همان، ص ۲۷۴]

۶۲. ابراهیم تیموری، همان، ص ۵۵

۶۳. خان ملک ساسانی، همان، ص ۱۲۵

توضیحات

۱- اکثر قریب به اتفاق اسناد این کتاب، شامل اسنادی است که از اداره کل بیوتات وزارت امور اقتصادی و دارایی به سازمان اسناد ملی ایران انتقال یافته است. در چند مورد که منبع سند جز این بود، در محل شماره سند نام منبع ذکر شده است.

۲- هر سند شماره‌ای دارد که عمدتاً دو رقمی است. به این صورت، شماره

سند ۸-۹۷

عدد سمت چپ (۸) مربوط به شماره آلبوم است و عدد سمت راست (۹۷) نشان‌دهنده شماره صفحه آلبوم می‌باشد. در موارد معدودی بعد از شماره صفحه، عدد دیگری با فاصله نوشته شده است. این عدد شماره سند را در صفحه آلبوم مربوطه نشان می‌دهد. مثلاً ۲-۷۲- (۱-۱۵۹)

منظور از (۱-۱۵۹) شماره آلبوم است و ۷۲ شماره صفحه و ۲ شماره سند است.

فهرست اسناد

شماره سند	موضوع	صفحه
سند شماره ۱:	گزارشی درباره تعمیرات قازلی کوی، مذاکره با ناظم افندی راجع به مسائل مرزی.	۲-۱
سند شماره ۲:	گزارشی از تهیه کتابچه سوال و جواب با سفیر روس در مورد قزل سو و مسئولیتهای سفیر مقیم پطرزبورگ جهت استحضار مشیرالدوله.	۲
سند شماره ۳:	دستور طرح درخواست رفع قرنطینه در سرحد خانقین با توجه به شیوع و با در عراق عرب.	۳-۲
سند شماره ۴:	گزارش وصول تلگرافات مشیرالدوله و بیان بی دقتی حکام سرحد در اعلام هجوم یا عدم هجوم قشون عثمانی به قازلی کوی.	۴-۳
سند شماره ۵:	اقدامات مثبت سپهسالار در جهت بررسی تجاوز قشون عثمانی به قازلی کوی و بستن قرارنامه‌ای در این مورد با دولت عثمانی.	۵-۴
سند شماره ۶:	شکایت از کارکنان دولت به علت عدم ارسال به موقع نقشه کشور برای چاپ در فرنگستان.	۵
سند شماره ۷:	گزارش در مورد تبریک گفتن به سلطان عثمانی به مناسبت تولدش و همچنین مذاکره با سلطان در مورد سفر ناصرالدین شاه به فرنگ.	۶-۵
سند شماره ۸:	تاکید درخواست مشیرالدوله جهت دفاع از منطقه باغسایی و غریب و اطراف آن و جلوگیری از تجاوز و تصرف مناطق مذکور توسط قوای عثمانی.	۶
سند شماره ۹:	گزارش ورود چسپار خراسان که حامل عریضه‌هایی از حیدرقلی خان سهام‌الدوله و حسام‌السلطنه بود و همچنین خبر درگذشت معین‌الملک متولی باشی به شاه و دستور به حسام‌السلطنه والی برای تفریق و محاسبه دارائی معین‌الملک	۷

- سند شماره ۱۰: گزارش انتظام دادن به کارهای دولتی، قورخانه، راه‌اندازی کارخانه باروت کوبی و همچنین آماده کردن دستورالعمل جدید به حکام ولایات. ۸
- سند شماره ۱۱: احضار اشرف پاشا و مسترطامسن و مذاکره با آنها و خبر عبور سفیر اطریش از اسلامبول و عزیمت وی به تفلیس. ۹
- سند شماره ۱۲: مذاکره با عالی پاشا در مورد سفر شاه به عتبات. ۱۰-۹
- سند شماره ۱۳: تلگراف‌هایی از درگیری بین قشون ایران و عثمانی در مناطق صیفی، باغسایی، ملخطاوی و شرایط تخلیه مناطق توسط قشون عثمانی. ۱۱-۱۰
- سند شماره ۱۴: درخواست ابلاغ تغییر زمان حضور در جلسه اولیای دولت به امین‌السلطان و حاجب‌الدوله. ۱۴-۱۳
- سند شماره ۱۵: کسب اجازه در مورد تسعیر غله آذربایجان به قیمت پیشنهادی صاحب دیوان. ۱۵-۱۴
- سند شماره ۱۶: مذاکره و درخواست از شارژدافر انگلیس در مورد کنترل حرکات بلوچ‌ها و هراتی‌ها توسط فرمانفرمای هندوستان. ۱۵
- سند شماره ۱۷: شقاوت و تعدیات رضاخان گیوی به مردم و فرار وی و دستور دستگیری او، عزل مباشر و واگذاری خانه و قلعه وی به حاکم عراق به علت چشم پوشی از کارهای رضاخان، رسیدگی به عرایض عارضین، اخذ التزام از محمودآقا و ارسال پول جلال خوئی برای شاه. ۱۶-۱۵
- سند شماره ۱۸: عزل میرزا سید یوسف نایب‌الحکومه و تعیین شخص دیگری به جای وی، تلگراف به مستوفی الممالک و بیرون آوردن چهار محالی‌ها از بست. ۱۷-۱۶
- سند شماره ۱۹: گزارش تقسیم نان بین فقرا، خارج ساختن اهالی چهار محال از بست، عزل میرزا سید یوسف نایب‌الحکومه و تعیین شخص دیگری به جای وی. ۱۷

- سند شماره ۲۰: گزارش تصمیم دولت روس برای لغو قرارداد ۱۸۵۶ م. فیما بین خود و دولت عثمانی و تنزل تمسکات دولت عثمانی در این رابطه. ۱۷
- سند شماره ۲۱: ارسال یک روزنامه مصور چاپ لندن به شاه که در آن کاریکاتوری سیاسی از امپراطور روسیه و پروس وجود داشت. ۱۸
- سند شماره ۲۲: تعیین اقواج قهرمانیه، سمنان و آذربایجان جهت ماموریت خراسان و لزوم تهیه تدارکات آنها. ۱۹-۱۸
- سند شماره ۲۳: فرمان دستگیری طالب قدرت بیگلو و نقد علی شاهسوند و پسر باقرخان چگنی و اعزام آنان به دارالخلافه. ۱۹
- سند شماره ۲۴: مطالبه نوشتجات از دبیرالملک و نوشتن نامه به حسام السلطنه در خصوص مذاکره مجدد با ایلخانی‌ها و ابلاغ نظر شاه. ۲۰-۱۹
- سند شماره ۲۵: احضار سواران دویرن، خمسه، بقدادی به دارالخلافه و تهیه تنخواه جهت مواجب آنها. ۲۰
- سند شماره ۲۶: گزارش ملاقات با ولیعهد، ابلاغ فرمان شاه به نصرت‌الدوله، فرمان به معیرالممالک در مورد ساختن راه‌آمل و حفظ امنیت راهها، اعلام اصلاحات شاه در مورد عدلیه به ملت. ۲۲-۲۱
- سند شماره ۲۷: اعزام فوج قهرمانیه با تدارکات به خراسان، بازدید سپهسالار از فوج و پرداخت انعام به آنها. ۲۲
- سند شماره ۲۸: تاکید بر اعزام فوج سمنان به خراسان، اعلام نظر نصرت‌الدوله مبتنی بر بیگناهی سرتیپ فوج مذکور و تذکر به حاکم سمنان در مورد جیره سربازان. ۲۳-۲۲
- سند شماره ۲۹: گزارش مشق نظامی فوج سواره چگینی و پرداخت انعام جهت تشویق. ۲۴-۲۳
- سند شماره ۳۰: توصیه به ده‌باشی برای انجام امور واگذار شده. ۲۴

- سند شماره ۳۱: گزارش تغییر مسیر آب به طرف کاخ شاه و وصول سیصد و پنجاه هزار تومان جهت سفر شاه به فرنگ و امورات مملکت، محاسبه مالیاتها و قیمت غلات ایالات. ۲۴-۲۵-۲۶
- سند شماره ۳۲: گزارشی از آمادگی قشون و افواج جهت حرکت به خراسان لزوم اعزام نیرو به سیستان، گزارش تأمینات طامس درباره افغانها. ۲۶-۲۷
- سند شماره ۳۳: گزارش ناصرالملک و جهانگیر خان در مورد عریضه نورمحمدخان و همچنین گزارشی در مورد وضعیت نان. ۲۷-۲۸
- سند شماره ۳۴: آماده کردن فوج شقاقی جهت حرکت، تکذیب گزارش نورمحمدخان و تهیه و تدارک نان جهت فوج مذکور. ۲۸
- سند شماره ۳۵: ارسال تلگرافها به حکام ولایات و تقدیم تلگرافهای ارسال شده به شاه. ۲۸-۲۹
- سند شماره ۳۶: پیشنهاد واگذاری مسئولیت ریاست دیوانخانه به معتمدالملک و عدم قبول مشارالیه. ۲۹
- سند شماره ۳۷: قلت آذوقه در کشور و بخصوص در طهران و درخواست خرید گندم یا آرد از روسیه. ۳۰
- سند شماره ۳۸: تقاضای جانشینی امین السلطان به جای میرزا عیسی جهت کارهای خبازخانه. ۳۱
- سند شماره ۳۹: ناخوشی میرزا عیسی مسئول امور خبازها و لزوم تعیین جانشین به جای او. ۳۱-۳۲
- سند شماره ۴۰: تقدیم هدیه نواب معزالدوله به شاه. ۳۲
- سند شماره ۴۱: تقدیم هدیه به شاه. ۳۳
- سند شماره ۴۲: عزل میرزا قهرمان و تقدیم سه کتابچه در خصوص امور کشور به شاه. ۳۳-۳۴
- سند شماره ۴۳: گزارش بازدید از میدان مشق و انباشته شدن آب در دریاچه میدان توپخانه. ۳۴-۳۵

- سند شماره ۴۴: گزارشی از احداث ساختمان اندرون دوشان تپه و ضرابخانه و مشکلات مربوط به آن، وفور نان، بیماری میرزا عیسی، نسق خالصجات اصفهان، واگذاری نظم سرحد خراسان به حسام السلطنه، بدگوئی روزنامه‌های فرنگستان در مورد دولت ایران، آوردن اشرار اوصانلو به دارالخلافه. ۳۸-۳۵
- سند شماره ۴۵: مساعدت به قحطی زدگان همدان. ۳۹
- سند شماره ۴۶: ابلاغ نظر شاه به وزیر مختار انگلیس درباره حرکت امام مسقط، ورود سید ابوالحسن شاه، ارسال نوشته‌های نظر آقا شارژدافر پاریس در مورد اقدامات کمپانی راه آهن. ۴۰
- سند شماره ۴۷: جواب به تلگرافهای قزوین و شاهرود و ورود چاپار انگلیس‌ها از هندوستان. ۴۱
- سند شماره ۴۸: گزارش میرزا اسحق‌خان در مورد مدحت پاشا و صدور دستورات لازمه برای حاکم کرمان در خصوص چاپهار. ۴۱
- سند شماره ۴۹: ترتیب و نظم دادن به امور نظام، پرداخت مواجب افواج بازدید دستورالعمل‌های قشونی ولایات. ۴۲
- سند شماره ۵۰: انجام فرمان شاه. ۴۳-۴۲
- سند شماره ۵۱: تقدیم تنخواه به شاه برای مخارج سفر جاجرود. ۴۴-۴۳
- سند شماره ۵۲: دفاع صدراعظم از کارهای خود و انتقاد از کوتاهیهای وزیر خارجه سابق، عرضه حسابهای امین‌السلطان و امین حضور به شاه و حساب غله مناطق بروجرد و عراق، تدارک قشون و دعوت سفر جهت سفر به فرنگستان، گزارش فقر و قحطی و مخارج ولایات. ۴۶-۴۴
- سند شماره ۵۳: رسیدگی به امور دربار و حساب غله ضیاءالملک، دیدار ناظم الملک با پرنس قارچاقوف، مواجب کارگزاران، گزارش ولایات. ۴۷
- سند شماره ۵۴: اعلام وصول نامه و ارسال آن جهت اطلاع وزیر امور خارجه و اظهار اطاعت از دستور شاه جهت رسیدگی به درختهای خیابان شمیران. ۴۸

- سند شماره ۵۵: تعیین اویس میرزا به حکومت کرمانشاه و دادن اختیار به
 سپهسالار جهت تعیین حاکم فارس، دادن اعانه به فقرا. ۴۹-۴۸
- سند شماره ۵۶: بررسی مسئله تعمیر بناها و احداث خندق با حضور
 نظام‌الدوله، علاءالدوله، امین حضور و امین السلطان. ۵۰-۴۹
- سند شماره ۵۷: اعلام نارضایتی مردم از شاه به تحریک آقاخان
 صمصام‌الدوله در زرنند و دشمنی با مشیرالدوله. ۵۱
- سند شماره ۵۸: اختلاف حساب با قوام‌الدوله، رسیدگی به امور وزارت
 خارجه، انتظام قشون. ۵۲
- سند شماره ۵۹: ورود شاه به نیاوران، اختلاف مالی قوام‌الدوله، دیدن‌سان
 از مهاجرین دسته عبدالقادر خان و اعزام آنها به خراسان. ۵۳-۵۲
- سند شماره ۶۰: گزارش نظم و امنیت پایتخت و دیگر نقاط کشور، کنترل
 غله تهران، رسیدگی به وضع قورخانه و مشق سربازان و
 خبر ورود حسنعلی خان به ایران. ۵۴-۵۳
- سند شماره ۶۱: تقدیم هدیه به شاه، مراسم جهت ورود نایب‌السلطنه از منظریه. ۵۵-۵۴
- سند شماره ۶۲: ارسال احکام خراسان، قاین، سیستان، دعوت صاحب
 منصبان نظام جهت رسیدگی به وضعیت اردوهای تهران،
 خراسان، بازدید قنات و عمارات شاه، تعیین حاکم زهاب
 بازرسی ضرابخانه. ۵۷-۵۵
- سند شماره ۶۳: حکمیت جنرال گولد اسمیت درباره سیستان، گفتگو با
 مسترطامسن درباره روابط ایران و انگلیس، بازگشت
 اردوی نظامی به شهر. ۵۸-۵۷
- سند شماره ۶۴: محاسبه مخارج خرید و حمل و نقل آرد، راهسازی،
 شیلات، خرید کشتی بخار و باقی مانده حساب گیلان. ۶۲-۵۸
- سند شماره ۶۵: مراسم جشن جهت میلاد حضرت امیر(ع) و ورود
 نایب‌السلطنه به شهرستانک، محاسبه قیمت اراضی خندق
 و اطراف تهران، صورت حساب تنخواه نظام‌الدوله. ۶۴-۶۲

- سند شماره ۶۶: استفسار از میرزاموسی در مورد قشون مامور خراسان و سیستان، پرداخت طلب قشون خراسان باقی ماندن قسمتی از وجهی که به عنوان قشون برای مصمصام‌الملک فرستاده و توصیه در مورد عدم خرید لباس اعضای نظمی.
- ۶۴
- سند شماره ۶۷: تقدیم نوشتجات ولایات، پیدا شدن چهل چراغ، قرار تنخواه دیوان، تعیین روز ورود امیر توپخانه، سفارش اسباب توپخانه.
- ۶۶-۶۵
- سند شماره ۶۸: تشریفات ورود ولیعهد.
- ۶۷
- سند شماره ۶۹: تقاضای حفظ شأن مقام صدارت در انظار مردم.
- ۶۸
- سند شماره ۷۰: ورود ولیعهد به دارالخلافه، نامه‌های ارسالی از خارج کشور.
- ۶۹-۶۸
- سند شماره ۷۱: تقاضای عزل ملک نیازخان مامور مرزی ایران توسط مدحت پاشا و رد آن توسط سپهسالار.
- ۷۱-۶۹
- سند شماره ۷۲: میهمانی شام به افتخار وزیر مختار و اعضای سفارت روسیه، گزارش عزل مدحت پاشا از والی‌گری بغداد.
- ۷۳-۷۱
- سند شماره ۷۳: صدور دستور به حکام و مشاهیر و علمای ولایات، تدابیری جهت پیدا نمودن یک خلافکار و تحقیق در مورد صحت و سقم تقصیر محمدخان، عزیمت عبدالحسین خان به قصد مکه و عبور از رشت و حاجی طرخان و تلگراف به پترزبورگ و پاریس و لندن جهت معاودت وی.
- ۷۳
- سند شماره ۷۴: رد و بدل هدیه بین شاه و صدر اعظم.
- ۷۴
- سند شماره ۷۵: برگزاری ختم امین‌الملک و انتقال جسد وی به نجف، تهیه تنخواه سپاه فارس، دیدار قریب‌الوقوع شاه از نمایندگان خارجی، تحویل اموال مسروقه مستوفی‌الممالک.
- ۷۵-۷۴
- سند شماره ۷۶: پرسش از قیمت غله آذربایجان، محاسبه قسط مالیات قزوین و مازندران، ارسال قسط توسط حشمت‌الدوله، اعطا خلعت سلمان‌خان.
- ۷۶

- سند شماره ۷۷: گزارشی از وضعیت دروازه‌ها و خندق شهر، ورود سفیر اتریش به ایران، گزارش وزیر مختار ایران از لندن، وضعیت خراسان، راپورت قنصل انگلیس از رشت. ۷۸-۷۶
- سند شماره ۷۸: ملاقات سفیر اتریش با شاه. ۷۸
- سند شماره ۷۹: ضمانت دوله‌همسایه در حفظ سرحدات ایران و تغییر سیاست انگلیس در جهت حسن تفاهم. ۸۰-۷۹
- سند شماره ۸۰: رسیدگی به اختلاف فخرالملوک و اعتضاد الدوله. ۸۰
- سند شماره ۸۱: درخواست سپهسالار جهت ارسال تنخواه اردو به استرآباد و مقابله با ترکمانان. ۸۲-۸۱
- سند شماره ۸۲: آماده شدن افواج برای مراسم رژه در مقابل شاه. ۸۲
- سند شماره ۸۳: دستخط ناصرالدین شاه در خصوص مقاوله نامه بین ایران و عثمانی و درخواست حکمیت از انگلیس و روس در این مورد، اعطای نشان به خدیو مصر. ۸۳-۸۲
- سند شماره ۸۴: فوت قوام‌الدوله و پیشنهاد واگذاری گمرگ به بارون رویتر. ۸۴-۸۳
- سند شماره ۸۵: تلگرافات ارسالی ولایات به شاه، احضار سواران به منظور تشکیل اردوی نظامی، حضور در میدان مشق و نظارت در تعلیم نظامیان. ۸۵-۸۴
- سند شماره ۸۶: رونق تجارت در تهران و نقصان قیمت حبوبات و غله. ۸۷-۸۶
- سند شماره ۸۷: پرداخت مواجب قاجاریان، کمبود تنخواه به سبب حیفومیل. ۸۷-۸۶
- سند شماره ۸۸: وعده اصلاح امور ایلات شاهسوند. ۸۸-۸۷
- سند شماره ۸۹: تقدیم شکار به سفیر اتریش و پذیرایی از وزیر مختار روسیه. ۸۹-۸۸
- سند شماره ۹۰: فرستادن پول برای شاه، رسیدگی به امورات امین حضور، رسیدگی به انبار غله و ورود سفیر عثمانی به دارالخلافه. ۹۰-۸۹
- سند شماره ۹۱: شکوه و درد دل سپهسالار به ناصرالملک در رابطه با عزل وی از صدارت و اتهاماتی که راویان به ناصرالملک زده‌اند. ۹۳-۹۱

- سند شماره ۹۲: اصلاح روابط بین بیگلربیگی و کلانتر تبریز با حاجی میرزا جواد مجتهد. ۹۳
- سند شماره ۹۳: احضار وزیر مختار روسیه و مذاکره با وی در مورد لغو قرارنامه. ۹۴
- سند شماره ۹۴: فرستادن پول برای تعمیر سفارت ایران در اسلامبول. ۹۵-۹۴
- سند شماره ۹۵: تلگراف به حاجی محسن خان بر حسب دستور شاه. ۹۵
- سند شماره ۹۶: اعتراض وکیل رویتر نسبت به لغو قرارداد رویتر از طرف سپهسالار. ۹۷-۹۵
- سند شماره ۹۷: لغو قرارداد رویتر و پاسخ سپهسالار به وکیل رویتر در مورد عدم انجام تعهدات. ۹۸-۹۷
- سند شماره ۹۸: مذاکره با نماینده وزیر مختار انگلیس در خصوص اعلام ابطال قرارنامه راه‌آهن ایران با رویتر. ۱۰۰-۹۹
- سند شماره ۹۹: اعلام لغو قرارداد راه‌آهن و دادن خبر آن به شاه. ۱۰۱-۱۰۰
- سند شماره ۱۰۰: ارسال شمشیر و شمشه از سوی علاءالدوله به شاه. ۱۰۲
- سند شماره ۱۰۱: گزارشی پیرامون نظم و امنیت تهران و پرداخت وجه راهسازی به حسنعلی خان وزیر. ۱۰۳
- سند شماره ۱۰۲: احضار امین لشکر جهت تادیه لوازم اردوی نظامی. ۱۰۴
- سند شماره ۱۰۳: نرسیدن تنخواه قورخانه کرمان و عربستان و تقاضا از شاه برای سریعتر دادن تنخواه. ۱۰۵-۱۰۴
- سند شماره ۱۰۴: مذاکره با نظام‌الدوله در خصوص اوضاع خراسان. ۱۰۶-۱۰۵
- سند شماره ۱۰۵: مراقبت و تعمیر ضرابخانه، استخدام مترجم، دادن وجوه به معدنچی. ۱۰۶-۱۰۵
- سند شماره ۱۰۶: تحقیق و رفع ظلم رعایای اصفهان، ارسال تنخواه به استرآباد. ۱۰۷-۱۰۶
- سند شماره ۱۰۷: تدارک چراغانی شهر به علت تولد شاه. ۱۰۷
- سند شماره ۱۰۸: اعزام ظهیرالدوله به خراسان. ۱۰۸-۱۰۷
- سند شماره ۱۰۹: گزارشی از حسن هفت‌رنگ نوکر قنصل انگلیس. ۱۰۸
- سند شماره ۱۱۰: مذاکره با مهدی قلی میرزا در مورد اتلاف مال دیوان. ۱۰۹-۱۰۸

- سند شماره ۱۱۱: گزارش وضعیت اشرار خوانسار و انتظام خزانه مملکت. ۱۰۹-۱۱۰
- سند شماره ۱۱۲: مذاکره و اتمام حجت سپهسالار با مهدی قلی میرزا. ۱۱۰-۱۱۱
- سند شماره ۱۱۳: قرار ملاقات ناصرالدین شاه با ایلچی فرانسه. ۱۱۱
- سند شماره ۱۱۴: گزارش مهیا کردن سپاه و تامین بودجه جهت قشون. ۱۱۱-۱۱۲
- سند شماره ۱۱۵: انتظام امور سپاه، تشیع جنازه رئیس توپچی‌های شقاقی و مراسم ختم نظام‌الدوله. ۱۱۳-۱۱۴
- سند شماره ۱۱۶: ارسال فشنگ جهت افواج دامغان، شاهرود و بسطام. ۱۱۴
- سند شماره ۱۱۷: گزارش رفع اختلاف بین علی‌خان و قنسول روسیه و همچنین گزارشی از اعمال قدرت دولت ایران نسبت به نوکرهای دیپلماتهای خارجی در ایران. ۱۱۵-۱۱۶
- سند شماره ۱۱۸: عرض تسلیم به خانواده نظام‌الدوله، رسیدگی به محاسبه ولایتی یوسف‌خان شجاع‌الدوله. ۱۱۶-۱۱۷
- سند شماره ۱۱۹: دستور پرداخت مواجب خانواده نظام‌الدوله مطابق میل خانواده وی. ۱۱۷
- سند شماره ۱۲۰: گزارش سپهسالار به شاه در مورد اقدام روس بر ضد انگلیس و ریشه‌دار بودن اختلافات این دو قدرت، اختلاف در مورد مالیات طوالش بین ناصرالملک و نصره‌الله‌خان ۱۱۷-۱۱۸
- سند شماره ۱۲۱: اعطاء نشان به نایب‌السلطنه، بررسی و طرح اکسپوزیسیون در ارتباط با نظر آقا. ۱۱۸-۱۱۹
- سند شماره ۱۲۲: انتقال طایفه ایرملو از ارزنة الروم واسکان آن‌ها در خاک ایران، تمام کردن قضیه شیخ عبیداله با دولت عثمانی. ۱۱۹
- سند شماره ۱۲۳: حفر خندق از دروازه شمیران تا دروازه دولت و لزوم تعمیر قورخانه و قراول‌خانه‌ها. ۱۲۰
- سند شماره ۱۲۴: گزارش سپهسالار در مورد وضعیت مالی امین‌الملک. ۱۲۱-۱۲۲
- سند شماره ۱۲۵: معرفی هوشنگ میرزا جهت حکومت گلپایگان. ۱۲۲
- سند شماره ۱۲۶: عرض ارادت به شاه و تقاضای عنایت از شاه برای ادامه صدارت. ۱۲۳
- سند شماره ۱۲۷: رفع غائله خوانسار. ۱۲۳-۱۲۴

- سند شماره ۱۲۸: تشکر از مراحم ناصرالدین شاه و دیدار با وزیر مختار روس. ۱۲۴-۱۲۵
- سند شماره ۱۲۹: گزارشی از ملاقات با وزیر مختار روس و اعتراض به ساختن بندرگاه توسط دولت روسیه در عاشوراده و میانکاله. ۱۲۵-۱۲۶
- سند شماره ۱۳۰: اظهار اطمینان سپهسالار در دفاع از حقوق حقه دولت ایران در رابطه با مذاکره با مسیو کربل، ملاقات نصرت‌الدوله با وزیر مختار روس. ۱۲۶-۱۲۷
- سند شماره ۱۳۱: التزام میرزا یوسف مستوفی‌الممالک در مسئولیت امور داخله کشور به استثناء نظام و امور خارجه. ۱۲۷
- سند شماره ۱۳۲: به عهده گرفتن مسئولیت امور خارجه و امور قشونی کشور توسط سپهسالار. ۱۲۷-۱۲۸
- سند شماره ۱۳۳: تقدیم عریضه نایب السلطنه به شاه. ۱۲۸-۱۲۹
- سند شماره ۱۳۴: تعیین میرزا رحیم‌خان برای رسیدگی به غائله یهود همدان. ۱۲۹-۱۳۰
- سند شماره ۱۳۵: زیارت حضرت عبدالعظیم، اعزام سوار به خرم‌آباد. ۱۳۰-۱۳۱
- سند شماره ۱۳۶: سه گزارش از اردوی نظامی سرآسیاب، اوضاع عثمانی و اروپا ۱۳۱
- سند شماره ۱۳۷: برآورد مخارج قشونی استرآباد، گروس و درخواست تامین مخارج افواج. ۱۳۲
- سند شماره ۱۳۸: بستن مسجد ناصری در حاجی طرخان و بیرون کردن پیش نماز مسجد به نام میرزا محمد حسین توسط روسها و تلاش سپهسالار در باز کردن مسجد. ۱۳۳-۱۳۴
- سند شماره ۱۳۹: گزارشی از وضعیت راه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و لزوم تعمیر و نگهداری و حفاظت از راه، برای راحتی عبور مردم. ۱۳۴-۱۳۵
- سند شماره ۱۴۰: اختلاف بین وزیر مختار انگلیس و عثمانی در مورد دیوار سفارت‌خانه. ۱۳۵-۱۳۶

- سند شماره ۱۴۱: جواز عبور تفنگ و فشنگ خریداری شده از روسیه، قسطنبندی
 ۱۳۶ بدهی وزیر فواید به دیوان.
- سند شماره ۱۴۲: گزارش امنیت کشور و دیدار با صاحب‌منصبان، ورود
 ۱۳۷ قریب الوقوع فوج سیلاخور به تهران و استرآباد.
- سند شماره ۱۴۳: ملاقات با وزیرمختار اتریش و شارژدافر فرانسه و روس.
 ۱۳۸
- سند شماره ۱۴۴: گزارشی از وضعیت مغشوش عثمانی، تبریک به ولیعهد
 ۱۳۹-۱۳۸ انگلیس به مناسبت ورود به بمبئی.
- سند شماره ۱۴۵: تهیه پاسخ‌های امپراطور استریا و مجارستان و فرمان نشان
 ۱۳۹ دادن به والی صربستان و خدیو مصر.
- سند شماره ۱۴۶: برگزاری مراسم جشن عید فطر، رسیدن تجهیزات نظامی
 ۱۴۱-۱۴۰ به اردوی زهاب.
- سند شماره ۱۴۷: مهمانی قریب چهارصد نفر شاگردان معلم خانه و معلمین
 ۱۴۱ و روسا و کارگران تلگراف‌خانه.
- سند شماره ۱۴۸: فوت حاجی خسرو میرزا در همدان و حاجی صفرعلی‌خان
 ۱۴۲-۱۴۱ سرتیپ.
- سند شماره ۱۴۹: ماندن پنجاه سوار جاف در دارالخلافه و لزوم توجه به آنها.
 ۱۴۳-۱۴۲
- سند شماره ۱۵۰: ارسال قسط فارس، حضور خوانین طوالش نزد
 ۱۴۳ ناصرالملک.
- سند شماره ۱۵۱: تسریع صدور جواز عبور فشنگ از سرحدات روسیه و
 ۱۴۴ ایران توسط دولت روسیه.
- سند شماره ۱۵۲: واگذاری اردوی زهاب به حشمت‌السلطنه.
 ۱۴۵-۱۴۴
- سند شماره ۱۵۳: ایجاد روزنامه غیر رسمی تهران و استرداد اموال یهودی به قتل
 ۱۴۷-۱۴۵ رسیده در همدان و انتشار خبر مجازات قاتلین مشارالیه.
- سند شماره ۱۵۴: ارسال نامه در مورد وجه گمرک به تقاضای امین لشکر و
 فرستادن نامه وی برای شاه به طور محرمانه و تقاضای
 استرداد آن، پرداخت وجه قشون و تهیه آن از محل گیلان یا
 ۱۴۸-۱۴۷ جای دیگر.

- سند شماره ۱۵۵: ایجاد اختلال در ایالت هرسک، یکی از توابع دولت عثمانی مجاور ایالت بوسنه و در سرحد اطریش و قاراداغ. ۱۴۸
- سند شماره ۱۵۶: رفتن ابوالحسن خان و احمد علی خان نزد شاه، و توصیه به شاه در مورد صداقت و خدمتگذاری امیرحسین خان. ۱۴۸-۱۴۹
- سند شماره ۱۵۷: اعزام هشت فوج و آماده نمودن توپخانه جهت اعزام. ۱۴۹-۱۵۰
- سند شماره ۱۵۸: تاکید سپهسالار به ناصرالملک در مورد ضرورت ارسال تفنگ‌های بدون عیب به تهران. ۱۵۰
- سند شماره ۱۵۹: خرابی سیم‌های تلگراف و عدم برقراری ارتباط با فرنگستان و هندوستان. ۱۵۰
- سند شماره ۱۶۰: درخواست خلعت برای آقاوجیه. ۱۵۱
- سند شماره ۱۶۱: گزارشی از مهیا کردن فوج سیلاخوری، ملاقات با سفرای دول خارجی و بیان تلاش آنان برای کسب خبر در مورد امتیازی که طولوزون خواسته و.... ۱۵۲
- سند شماره ۱۶۲: درخواست اعطای خلعت به امین‌الملک پس از انتصاب وی به سمت ناظمی مجلس شورا. ۱۵۲-۱۵۳
- سند شماره ۱۶۳: اعزام حکیم‌الملک به اردوی شاه برای کسب آگاهی از زمان ورود وی. ۱۵۳
- سند شماره ۱۶۴: رفع تجاوز عثمانی‌ها به دهات برادوست، تأمین مواجب قشون و تکذیب شایعه خرید بغداد به وسیله دولت ایران. ۱۵۳-۱۵۵
- سند شماره ۱۶۵: ساخت توپ، واگذاری گمرک به حاج رجب علی، بازدید نصرالملک و آجودان باشی از فوج خمسه. ۱۵۵-۱۵۶
- سند شماره ۱۶۶: رضایت از انجام مشق نظامی توسط افواج لرستانی، یرخلو و درجزین. ۱۵۷
- سند شماره ۱۶۷: صدور تلگراف در مورد شکایت اهالی نوکیان طارم از علی‌قلی خان تفنگدار. ۱۵۷-۱۵۸
- سند شماره ۱۶۸: درخواست صدور اجازه بازگشت میرزا نظام از حضرت عبدالعظیم. ۱۵۸-۱۵۹

- سند شماره ۱۶۹: تحقیق پیرامون محمد پاشاخان، انتظام امور کردستان، حضور در مجلس شورای کبری، مذاکره با شارژدافر روس و گزارشی از تولیدات قورخانه. ۱۵۹-۱۶۰
- سند شماره ۱۷۰: رد و بدل نمودن هدیه و پیشکش بین شاه و میرزا حسین خان سپهسالار. ۱۶۰-۱۶۱
- سند شماره ۱۷۱: تعیین حاکم زهاب، اعزام جواد بیک به جوانرود. ۱۶۱-۱۶۲
- سند شماره ۱۷۲: مهمانی خانه سپهسالار. ۱۶۳-۱۶۴
- سند شماره ۱۷۳: فتوحات خراسان و اظهار امتنان از توجهات شاه، اغتشاش فارس. ۱۶۴-۱۶۵
- سند شماره ۱۷۴: گزارشی از امور لاریجانی‌ها. ۱۶۴-۱۶۵
- سند شماره ۱۷۵: ابقای احتشام‌الدوله به حکومت. ۱۶۶
- سند شماره ۱۷۶: مذاکره با سپهسالار در مورد تنخواه عربستان و فارس و ساخت کرچه‌های اطراف ارک، نگارستان و سنگلج. ۱۶۶-۱۶۷
- سند شماره ۱۷۷: واگذاری گسل شیلات و صید ماهی بحر خزر و کلیه رودخانه‌ها و مرداب‌های گیلان و مازندران به میرزا حسین خان سپهسالار از طرف ناصرالدین شاه. ۱۶۷-۱۶۸
- سند شماره ۱۷۸: واگذاری گمرک گیلان به سلطان‌خان از جانب سپهسالار و استعلام از ناصرالدین شاه مبنی بر برگشت اردوی نظامی از گیلان و رفتن آنها به فارس. ۱۶۸-۱۶۹
- سند شماره ۱۷۹: مهمانی سفیر کبیر، مذاکره با وزیر مختار انگلیس در مورد جنگ با افغانها، مخالفت از ورود منگور به عثمانی و گزارشی از تنگداران آذربایجان. ۱۶۹-۱۷۰
- سند شماره ۱۸۰: چاپ مسوده شاه در روزنامه دولتی، یادداشت سفارت انگلیس درباره خاک کلات و دستورالعمل به میرزا ملکم‌خان درباره مذاکره با لرددربی در لندن. ۱۷۱-۱۷۲
- سند شماره ۱۸۱: مذاکره با شارژدافر روس، دستور مذاکره با «باب عالی» و نامه به منیف افندی، رونوشت به سفرای انگلیس و روسیه. ۱۷۲-۱۷۳

- سند شماره ۱۸۲: تصادف کالسکه سپهسالار و صدمه رسیدن به وی ۱۷۳-۱۷۵
- سند شماره ۱۸۳: استفسار جهانگیرخان از قیمت شمشیر در فرنگ و حواله وجه آن برای تهیه چند سرداری و دو توپ شال، اعطای یک طاقه شال به پنج نفر از سرهنگان. ۱۷۵
- سند شماره ۱۸۴: قرارداد با شارژدافر اتریش توسط علاءالدوله. ۱۷۶
- سند شماره ۱۸۵: محاسبه میرزا مسیح، وصول تلگراف رمز لندن، شورش افغانستان، سفر چاپار انگلیس به بغداد، پرداخت جیره فوج فیروزکوه. ۱۷۷
- سند شماره ۱۸۶: مواجب قشون قورخانه آذربایجان و عدم وصول تنخواه، تعیین تحویلدار نظام، تقاضای عزل صاحبدیوان. ۱۷۷-۱۸۰
- سند شماره ۱۸۷: حواله تنخواه فارس. ۱۸۰
- سند شماره ۱۸۸: تقدیم هدایا به حضور شاه، عرضه نوشتجات ولایات توسط امین‌الملک. ۱۸۰-۱۸۱
- سند شماره ۱۸۹: دستور جلوگیری از درگیری حیدری و نعمتی در استرآباد. ۱۸۱-۱۸۲
- سند شماره ۱۹۰: نظارت سپهسالار بر امورات معتمدالدوله و منصرف نمودن مشارالیه از مسافرت. ۱۸۲
- سند شماره ۱۹۱: ارسال تنخواه استرآباد، قورخانه خراسان، اعزام سوار خمسه به فارس، ورود آذوقه به سرخس، ملاقات با وزیرمختار روس و انگلیس، رفع تعدی از توپچیان شاطرانلو. ۱۸۳-۱۸۴
- سند شماره ۱۹۲: تقدیم تلگراف ملکه انگلیس توسط وزیر مختار انگلیس. ۱۸۳-۱۸۴
- سند شماره ۱۹۳: مراسله درخصوص وضعیت نصرت‌الله خان از خوانین طالش بعد از خلع از منصب مدیری. ۱۸۵-۱۸۶
- سند شماره ۱۹۴: دستورالعمل و مخارج خراسان و فرمان شاه به سپهسالار در - مورد تقدم جیره مواجب قشون بر موارد دیگر. ۱۸۶

- سند شماره ۱۹۵: ارسال جیره مأمورین انترآباد و رسیدگی به امور قورخانه،
گزارشی از تنخواه افواج خمه. ۱۸۸-۱۸۶
- سند شماره ۱۹۶: اتمام کار اقساط گمرک، رسیدگی به عرایض اردستانی‌ها
با حضور مشکوةالملک. ۱۸۹-۱۸۸
- سند شماره ۱۹۷: تهیه تفنگ و فشنگ بلغاری برای قورخانه، عرضه تلگرافهای
جهانگیرخان و وزیر مختار روس، پیشروی روسها در
جنگ، تقدیم بروات قورخانه. ۱۹۰-۱۸۹
- سند شماره ۱۹۸: کشف سکه‌های قدیمی در باغ یک نفر سبزواری. ۱۹۱
- سند شماره ۱۹۹: تحقیق در مورد تظلم عین علی خان کردستانی. ۱۹۲-۱۹۱
- سند شماره ۲۰۰: مذاکره با وزیر مختار روسیه در باب مرخصی اردوی خوی.
۱۹۳-۱۹۲
- سند شماره ۲۰۱: مذاکره با وزیر مختار فرانسه، تسریع وصول و ایصال
وجوه خزانه. ۱۹۴-۱۹۳
- سند شماره ۲۰۲: مطالبه وجوه فوج، سرقت اسواچاپار پست ایران و روس،
ملاقات با وزیر مختار روس. ۱۹۵-۱۹۴
- سند شماره ۲۰۳: گزارشی از فعالیتهای خوب جهانگیرخان در قورخانه، تشکیل
مجالس و اصلاحات نظامی. ۱۹۶-۱۹۵
- سند شماره ۲۰۴: ملاقات غیررسمی با وزیر مختار روس و مذاکره پیرامون
مسائل جنگ. ۱۹۸-۱۹۶
- سند شماره ۲۰۵: تشکر از واگذاری امور انتظامی راهها و قراسوران‌ها به
سپهسالار اعظم. ۱۹۸
- سند شماره ۲۰۶: مصادره اموال از دست سارقان. ۱۹۹
- سند شماره ۲۰۷: تقاضای عفو از مجازات مرگ فردی متهم به سرقت. ۱۹۹
- سند شماره ۲۰۸: واگذاری امنیت طرق و شوارع به سپهسالار. ۲۰۰
- سند شماره ۲۰۹: دستگیری و حبس حسن شیرازی شاهسون. ۲۰۱-۲۰۰
- سند شماره ۲۱۰: درخواست کمک مالی به حامی علی اکبر امین معاون
مسئول تهیه گوگرد و سرب قورخانه. ۲۰۱
- سند شماره ۲۱۱: اعلان جنگ دولت یونان به دولت عثمانی.
چهل و چهار ۲۰۲

- سند شماره ۲۱۲: ارسال تنخواه استرآباد و ملزومات فوج سمنان و عرب و عجم و نوشته رسمی به وزیر مختار انگلیس در باب افغانستان. ۲۰۲-۲۰۳
- سند شماره ۲۱۳: بیماری قمرالسلطنه، مذاکره با معتمدالملک، نصرالملک، وزیر لشکر، مسئله اطباء ایرانی و فرنگی. ۲۰۳
- سند شماره ۲۱۴: گزارش حسابرسی به دخل و خرج وزارتخانه‌ها. ۲۰۴-۲۰۵
- سند شماره ۲۱۵: تأخیر وصول فشنگ‌های خریداری شده از بادکوبه به ناصرالملک. ۲۰۵-۲۰۶
- سند شماره ۲۱۶: پرداخت مخارج فوج و توپچی و سرقت از چاپار روس. ۲۰۶-۲۰۷
- سند شماره ۲۱۷: مخابره تلگراف به رکن‌الدوله، موتمن‌الملک، مشار و میرپنجه ۲۰۸
- سند شماره ۲۱۸: صورت حساب منافع ضرابخانه، حساب قورخانه، تذکره ولایات، مقررات سرحدی زوار عتبات. ۲۰۸-۲۰۹
- سند شماره ۲۱۹: دریافت پیام شاه توسط وجیه‌الله میرزا، اعزام سوار به ایوان‌کیف. ۲۰۹-۲۱۰
- سند شماره ۲۲۰: تهیه لباس مخصوص برای موزیکانچی‌ها و برپایی چراغانی. ۲۱۰-۲۱۱
- سند شماره ۲۲۱: گزارش ملاقات با سپهسالار اعظم و گفتگو در خصوص سفر شاه به فرنگ. ۲۱۱
- سند شماره ۲۲۲: مجازات قاتل و معاونین قتل چاپار کرمان، استرداد املاک مضبوطه اردستانی‌ها. ۲۱۱-۲۱۲
- سند شماره ۲۲۳: لزوم مذاکره با وزرای مختار روس و انگلیس در قضیه سرحد و مذاکره با ملکم خان و حاجی محسن خان در مورد تجاوزات عثمانی‌ها در زهاب. ۲۱۳
- سند شماره ۲۲۴: ارسال تجهیزات در صورت جنگ با افغانه و مذاکره با سفیر انگلیس، تعقیب تاج محمدخان. ۲۱۳-۲۱۴
- سند شماره ۲۲۵: تبریک عید - رسیدگی به امور قورخانه، اردو و تنخواه، اعزام فوج سیلاخور به عربستان. ۲۱۵-۲۱۶

- سند شماره ۲۲۶: تعهدنامه سپهسالار اعظم در رابطه با دخالت در امور وزارت خارجه و جنگ به شاه. ۲۱۶
- سند شماره ۲۲۷: نقد مقاله‌نامه بین دولتین ایران و عثمانی درخصوص تحدید عشایر سرحدی که مابین میرزا حسین خان سپهسالار وزیرامورخارجه ایران و فخری بیگ افندی، سفیرکبیر دولت عثمانی انعقاد یافته‌است. ۲۲۱-۲۱۷
- سند شماره ۲۲۸: شرح مذاکرات با وزیرمختار روس و سفرای انگلیس. ۲۲۳-۲۲۱
- سند شماره ۲۲۹: تاکید در باب تهیه اسلحه و فشنگ، تشکیل مجلس قانون نظامی، دستگیری ملاابوطالب. ۲۲۵-۲۲۳
- سند شماره ۲۳۰: عداوت صدراعظم عثمانی با ایران و اظهار شغف از خبر امکان عزل وی - عدم امکان خرید اسلحه توسط ایران. ۲۲۶-۲۲۵
- سند شماره ۲۳۱: اشاره به قرارهای سفارت روس و میرزا آقاخان [نوری] در رابطه با مسئله شلیک توپ، عزل حاکم فومن و متوسل شدن وی به سپهسالار ۲۲۷-۲۲۶
- سند شماره ۲۳۲: ترجمه تلگراف اسلامبول و بغداد و محبوس نمودن پسر رضاقلی خان. ۲۲۸-۲۲۷
- سند شماره ۲۳۳: تحقیق از جیره افواج سوادکوه و عزیمت شاه به دوشان تپه. ۲۲۹-۲۲۸
- سند شماره ۲۳۴: قتل فراش حکومتی در رشت و درخواست دستگیری قاتل وی. ۲۳۰-۲۲۹
- سند شماره ۲۳۵: حل اختلافات فیما بین انگلیس و روس، تهیه گلوله برای توپ، انتصاب مسیو لاسور جهت معلمی در مدرسه و اعزام سفیر به بیرمانی. ۲۳۱-۲۳۰
- سند شماره ۲۳۶: عقد قرارداد با عثمانی‌ها در خصوص مسئله زهاب، خرید فشنگ و تکمیل ضرابخانه. ۲۳۳-۲۳۱

- سند شماره ۲۳۷: حرکت سربازان گروسی از بوشهر، اعلام وصول سه هزار تومان وجه برای تدارک سیستان از طرف مستشارالملک. ۲۳۳
- سند شماره ۲۳۸: دریافت احکام ارسالی از سوی شاه، ارزیابی گندم عراقی، حواله ملزومات فوج امین السلطان، مذاکره مجلس درباب تراکمه، حضور فابوس برای مذاکره درباره گاز. ۲۳۴
- سند شماره ۲۳۹: بازرسی قورخانه و کارخانجات، تهیه ملزومات کرمانشاهان و کردستان و سوار برای عربستان، کشتار روسها بدست ترکمانان تگه. ۲۳۵
- سند شماره ۲۴۰: تنبیه سیادهنیها. ۲۳۶
- سند شماره ۲۴۱: ترجمه تلگرافات ارسال شده از اسلامبول، لندن و پطر بورغ، تلگراف به ملکم خان و حاجی محسن خان، اخطار ایلچی انگلیس. ۲۳۶-۲۳۷
- سند شماره ۲۴۲: حمل پل به جاجرود، مذاکره با حسام السلطنه در مورد جاف و کردستان و گرفتن مخارج قشونی از حسام السلطنه به عنوان پیشکش برای شاه. ۲۳۷
- سند شماره ۲۴۳: تعریف از مصطفی قلی خان حاکم استرآباد و حمایت از وی، صدور دستور در مورد حرکت دادن فوج لاریجان. ۲۳۸
- سند شماره ۲۴۴: پرداخت وجه برای خرید گندم افواج و تهیه نان. ۲۳۸-۲۳۹
- سند شماره ۲۴۵: تهیه لوازم برای جسر جاجرود. ۲۳۹
- سند شماره ۲۴۶: کمبود نان آذربایجان و ممنوعیت حمل گندم. ۲۴۰
- سند شماره ۲۴۷: تهیه غله تبریز و گندم خمسه. ۲۴۰-۲۴۱
- سند شماره ۲۴۸: تحویل امر قراسورانی به امین الملک، سرقت در راه شاه عبدالعظیم. ۲۴۱
- سند شماره ۲۴۹: دستگیری سارقین راه سلطنت آباد. ۲۴۲
- سند شماره ۲۵۰: کمبود ارزاق آذربایجان و یادداشت سفارت انگلیس در این مورد. ۲۴۲-۲۴۳
- سند شماره ۲۵۱: درخواست انتصاب معتمدالملک به حکومت مازندران و استرآباد. ۲۴۳-۲۴۴

- سند شماره ۲۵۲: تقدیم پیشکشی به شاه، ارسال تلگراف رمز به
 ناظم‌الملک. ۲۴۴-۲۴۵
- سند شماره ۲۵۳: مذاکره با اسماعیل افندی در مورد تأدیب سارقین اموال ایرانیها
 در ولایت وان و موش و استرداد اموال آنها، شکایت از والی
 پشتکوه در حمله به خاک عثمانی. ۲۴۵-۲۴۶
- سند شماره ۲۵۴: گزارشی از حمله ترکمانان به مشهد و غارت و چپاول اموال
 مردم، انتقاد از تسامح حاکم خراسان و پیشنهادهای
 درخصوص وظایف حکام و مسئولیت‌های آنها. ۲۴۶-۲۴۹
- سند شماره ۲۵۵: لزوم حفظ نامه‌های مهم سیاسی مربوط به مذاکره هرات با
 انگلیسی‌ها. ۲۵۰
- سند شماره ۲۵۶: محاسبه اختلاف مبلغ موجود در خزانه آذربایجان و خراسان.
 ۲۵۱-۲۵۲
- سند شماره ۲۵۷: تهیه سیورسات قشون و کمبود بودجه. ۲۵۲-۲۵۳
- سند شماره ۲۵۸: ارسال صورت مخارج و کتابچه دیوانی به نزد سپهسالار.
 ۲۵۳-۲۵۴
- سند شماره ۲۵۹: مرخصی امین‌السلطان از خدمت، جهت سفر به مکه و
 دستور به سپهسالار مبنی بر اخذ وجه‌نظام از معتمدالملک. ۲۵۴-۲۵۵
- سند شماره ۲۶۰: تهیه وجوه خرید سلاح نریمان‌خان، اتحاد مسلمین آسیا.
 ۲۵۵-۲۵۶
- سند شماره ۲۶۱: اعلام خلع مشیرالدوله از منصب سپهسالاری و وزارت
 امور خارجه و جانشینی صدیق‌الملک. ۲۵۶-۲۵۷
- سند شماره ۲۶۲: خلع سپهسالار و قرار گرفتن سپهسالاری و ریاست کل
 قشون در انحصار شخص شاه. ۲۵۷

- سند شماره ۲۶۳: مطالبه صورت تنخواه استرآباد و خراسان، ابقای حسنعلی بیگ، تجدید ساختمان ارگ و عمارات قلعه و بدنه شهر مشهد و خندق سرخس، محاسبه وجوه پرداختی به سپهسالار و بستگانش. ۲۵۸
- سند شماره ۲۶۴: توجیه عزل سپهسالار، تهدید متخلفین به مجازات. ۲۵۹
- سند شماره ۲۶۵: عزل سپهسالار و نظارت شخصی شاه بر امور، ابقای علی قلی خان به عنوان تحویلدار کل قشون، گزارش وضعیت قشون، پرداخت مواجب نظامیان. ۲۵۹-۲۶۰
- سند شماره ۲۶۶: عدم دخالت سپهسالار به کار قشون و کلیه امور، لزوم ارسال گزارشات مستقیماً به حضور شاه، لزوم جدیت در نظم استرآباد و ترکمن صحرا احداث ساختمان آق قلعه. ۲۶۰-۲۶۱
- سند شماره ۲۶۷: اظهار رضایت از عرض ارادت میرزاحسین خان و احضار مشارالیه در اکبرآباد. ۲۶۱-۲۶۲
- سند شماره ۲۶۸: خلع حاجی میرزاحسین خان مشیرالدوله از منصب سپهسالاری. ۲۶۲
- سند شماره ۲۶۹: تقاضای سپهسالار از شاه در مورد اجازه سفر به عتبات عالیات. ۲۶۲-۲۶۳
- سند شماره ۲۷۰: عزل سپهسالار و انتظام امور قشون به عهده شخص شاه. ۲۶۳
- سند شماره ۲۷۱: دستورالعمل به همه حکام در رابطه با عزل سپهسالار. ۲۶۴
- سند شماره ۲۷۲: تکذیب اتهامات وارده نسبت به سپهسالار از جانب وی. ۲۶۴-۲۶۷
- سند شماره ۲۷۳: نقل مکان و عزیمت سپهسالار از شهر بر طبق دستخط و دستور شاه، تحویل اسناد وزارت امور خارجه به صدیق‌الملک، اظهار تأسف کلنل شیمل از این تغییر. ۲۶۷-۲۶۸

- سند شماره ۲۷۴: عزل سپهسالار و حرکت وی به باغ اکبرآباد، محاسبه حساب دیوان و رسیدگی به نوشتجات وزارت خارجه.
- ۲۶۸-۲۷۰
- سند شماره ۲۷۵: دستخط ناصرالدین شاه شامل دستور العمل مشیرالدوله در امورات آذربایجان، بدست گرفتن زمام امور تبریز و انتظام امور در کمال استقلال.
- ۲۷۰-۲۷۲
- سند شماره ۲۷۶: مذاکره با مشیرالدوله جهت رسیدگی به وضعیت نواحی قحطی زده اردبیل و خوی و سلماس و تخفیف در قیمت غله دیوانی.
- ۲۷۲-۲۷۴
- سند شماره ۲۷۷: رضایت از انتظام امور و اقدامات سپهسالار.
- ۲۷۴
- سند شماره ۲۷۸: حمله شیخ عبیدالله به آذربایجان و جنایات وی، سرکوبی اش بدست سپهسالار، درگیری حاجی آقا علی قاضی با اکراد.
- ۲۷۴-۲۷۶
- سند شماره ۲۷۹: تاکید در دریافت مالیات ساوجبلاغ و اخذ تعهدات دیگر در انتظامات، قرار استرداد مجرمین از خاک عثمانی.
- ۲۷۶-۲۷۷
- سند شماره ۲۸۰: شکست اکراد و نیروهای عبیدالله به دست سپهسالار.
- ۲۷۷-۲۷۸
- سند شماره ۲۸۱: اقدامات سپهسالار به منظور رفع فتنه اکراد در بناب و اطراف مراغه، دهات هشتروند و بلوک ثلاثه، کمبود غله، تمجید از ولیعهد و سپهسالار در مورد اقدامات اخیر، ورود قریب الوقوع قوای کمکی.
- ۲۷۹-۲۸۰
- سند شماره ۲۸۲: پیشنهاد شیخ عبیدالله مبنی بر دریافت باج السکوت ایران به هنگام جنگ وی با دولت روم، غارت میاندوآب، مراغه، ساوجبلاغ و اطراف توسط مشارالیه، ورود اردوی نظامی به آن منطقه، مخالفت با احضار قشون آذربایجان جهت حفظ سرحدات، مشکلات محلی عزل سپهسالار، خسارات زلزله و قحطی آذربایجان و کمبود تنخواه قشون.
- ۲۸۰-۲۹۴

- سند شماره ۲۸۳: ضرورت تشکیل اردو و روانه نمودن سوار جهت مقابله با
 ۲۹۵ حمله اکراد.
- سند شماره ۲۸۴: اوضاع نامساعد تبریز در حملات اکراد، فراهم نمودن
 ۲۹۶ تفنگچی چریک، وضعیت نان.
- سند شماره ۲۸۵: حرکت بسوی اردوی سرحدات و رسیدگی به امور افواج،
 ۲۹۷ بهبودی وضع نان شهر.
- سند شماره ۲۸۶: شکایت نویسنده نامه از اعمال مفرضانة سپهسالار در
 ارتباط با واگذاری حکومت ارومیه به اقبالالدوله و انضمام
 ۲۹۸-۲۹۷ گمرک ارومیه در حیطة حکومت او.
- سند شماره ۲۸۷: اعزام افواج شقاقی به ارومیه، بروز اغتشاش در ارومیه
 ۲۹۹ به دست اکراد و اعطای مهر سپهسالار اعظمی.
- سند شماره ۲۸۸: پرداخت مستمری آقا علی و قاضی بناب، قرار بر اعزام مأمور از
 طرف سپهسالار و بازدید از دهات اطراف مراغه، تقاضای
 ارسال آذوقه و غله به آذربایجان و مناطق اطراف به دلیل
 ۳۰۲-۳۰۰ پیشگیری از بروز قحطی در اثر فتنه اکراد.
- سند شماره ۲۸۹: دستورالعمل شاه به سپهسالار در موضوع تمهیدات سفر به
 ۳۰۵-۳۰۲ خراسان.

فهرست تلگرافهای ضمیمه

شمارهٔ سند	موضوع	صفحه
شماره ۱:	رسیدن قسط فارس و عربستان و هشت هزار تومان از کرمان.	۳۰۹
شماره ۲:	گرفتن تنخواه و انجام محاسبات توسط سپهسالار همراه با معتمدالملک و حسینقلی خان.	۳۱۰-۳۰۹
شماره ۳:	دستور انجام تحقیقات و ارائه توضیحات در مورد تظلم شیخ محمدحسن بوشهری از مسترلوکس مسیحی و بست نشستن یک دسته از سربازان گروسی در بالیوزکری انگلیس و جواب میرزا علی اکبرخان در این مورد.	۳۱۱-۳۱۰
شماره ۴:	واگذارکردن امورات نظامی و انتظام کرمان به نصرتالدوله و تاکید مستوفی الممالک به نصرالدوله در مورد پسرهای نصرالله خان بهارلو.	۳۱۲-۳۱۱
شماره ۵:	احوالپرسی سپهسالار از امین السلطان.	۳۱۳-۳۱۲
شماره ۶:	اظهار خرسندی از مظفرالملک و علینقی سرتیپ و اعلام ارسال مواجب قشون به اصفهان.	۳۱۴-۳۱۳
شماره ۷:	دستور اعزام سربازانی که در قم مانده‌اند به طهران.	۳۱۵-۳۱۴

- شماره ۸: دستور ادای توضیحات به فرهاد میرزا معتمدالدوله در مورد غارت اهالی مکوندی ساکن جانکی گرمسیر توسط قشایبها. ۳۱۵-۳۱۶
- شماره ۹: احوالپرسی و گله گذاری از فرهاد میرزا. ۳۱۶-۳۱۸
- شماره ۱۰: ابلاغ دستور شاه به ظل السلطان در مورد رعایت حال آرامنه اصفهان. ۳۱۸-۳۱۹
- شماره ۱۱: رسیدگی به مواجب فوج گروس. ۳۱۹-۳۲۰
- شماره ۱۲: اجازه تاسیس بنای اداره تلگرافی انگلیس در ریشهر. ۳۲۰
- شماره ۱۳: دستور دستگیری محمود موزیکانچی و فرستادن وی به تهران. ۳۲۱
- شماره ۱۴: رسیدگی به حقوق فوج گلپایگان. ۳۲۱-۳۲۲
- شماره ۱۵: روانه ساختن مهاجرین ساکن بروجرد و اصفهان به تهران. ۳۲۳
- شماره ۱۶: دستور تعمیر سیم تلگراف مهیار و اخذ غرامت از مرتکبین قطع تیر تلگراف. ۳۲۳-۳۲۵
- شماره ۱۷: رسیدگی به وضعیت خانوادگی حاجی بابا. ۳۲۵-۳۲۶
- شماره ۱۸: دستور توضیح قتل حاجی میرزا نصرالله حاکم کوهمره از طرف مستوفی الممالک به فرهاد میرزا و دستور رسیدگی به امور مالیه خزانه نظام از طرف سپهسالار به فرهاد میرزا. ۳۲۷
- شماره ۱۹: رسیدگی به دعوی ارضی محمد بیک نایب اصطبل توپخانه کردستان. ۳۲۸-۳۲۹
- شماره ۲۰: اعزام افواج مختلف به اصفهان جهت سرکوب شورش و تاکید به ظل السلطان در برقراری نظم و امنیت در آن شهر. ۳۲۹-۳۳۱
- شماره ۲۱: مواخذه کاظم خان سرتیپ. ۳۳۱
- شماره ۲۲: تنبیه فراریان افواج خمسه و عزیمت ابوالقاسم سرهنگ چهارمحالی به کرمان. ۳۳۲-۳۳۳
- شماره ۲۳: دستور اعزام افواج خمسه برای انتظام فارس.

۳۳۶-۳۳۳	
۳۳۸-۳۳۷	شماره ۲۴: رسیدگی به تنخواه خزانه نظام فارس.
۳۳۹-۳۳۸	شماره ۲۵: احوالپرسی با کامران میرزا نایب السلطنه.
۳۴۰-۳۳۹	شماره ۲۶: دستور اعزام و توقف افواج خمسه در اصفهان.
۳۴۰	شماره ۲۷: دستور تامین و تدارک فوج چهارم محالی به مظفرالملک.
	شماره ۲۸: ابلاغ دستور شاه به ظل السلطان در مورد وضعیت امنیت اصفهان و اثرات فتنه امام جمعه و پرداخت اقساط گمرک اصفهان از سوی ظل السلطان.
۳۴۵-۳۴۱	
	شماره ۲۹: رسیدگی به مواجب فوج چهارم محالی و دستور روانه کردن میرزا محمد حسین از اصفهان به تهران.
۳۴۶-۳۴۵	
	شماره ۳۰: دستور اعزام سواران مهاجر به تهران برای پیوستن به تشکیلات نیروهای قزاق.
۳۴۸-۳۴۷	
	شماره ۳۱: ابلاغ دستور شاه به ظل السلطان در مورد شرارت طایفه عرب فار و روانه ساختن آنان به فارس.
۳۵۰-۳۴۸	
	شماره ۳۲: دستور الحاق افراد فراری به فوج اصفهان و اظهار اطمینان به مظفرالملک و علی نقی خان.
۳۵۰	
	شماره ۳۳: دستور تخصیص بدهی مزارع حاجی پیرزاده در وجه امور نظام.
۳۵۱	
	شماره ۳۴: دستور تحقیق در اموال عبدالنبی در شوشتر و پاسخ میرزا علی اکبرخان و کسب اطلاع از کمپانی کریپال در مورد دریافت پیش کرایه حمل کالا به ایران.
۳۵۲	
	شماره ۳۵: تخصیص وجه برای حاجی کاظم صراف.
۳۵۳	
	شماره ۳۶: صورت مخارج قشون اصفهان، بروجود، گلپایگان و یزد.
۳۵۵-۳۵۳	
	شماره ۳۷: تشبیه یکی از فراسوران گلپایگان توسط نایب الحکومه اصفهان.
۳۵۶-۳۵۵	
	شماره ۳۸: مرخص کردن فوج چهارم محالی و رسیدگی به مواجب نوکرها و لزوم ارسال قسط توسط ظل السلطان.
۳۵۸-۳۵۶	

- شماره ۳۹: تعیین مخارج حمل جهت ساختمان تالار تلگرافخانه شیراز. ۳۵۸
- شماره ۴۰: ارسال و حمل کالا توسط کمپانی کریپال. ۳۵۹-۳۵۸
- شماره ۴۱: ارسال قسط فارس به طهران و پرداخت مواجب فوج گروس. ۳۶۱-۳۵۹
- شماره ۴۲: عزیمت شاه به سوادکوه و فیروزکوه. ۳۶۲-۳۶۱
- شماره ۴۳: حمل کالا توسط کمپانی کریپال و پرداخت مواجب فوج سیلاخوری. ۳۶۳-۳۶۲
- شماره ۴۴: احوالپرسی و اظهار رضایت از معتمدالدوله حاکم فارس. ۳۶۵-۳۶۳
- شماره ۴۵: قحطی در یزد و تاکید مستوفی الممالک به معتمدالدوله در ارسال ارزاق و مایحتاج به آنجا. ۳۶۶-۳۶۵
- شماره ۴۶: مواخذة رئیس قراسوران راه قم به جهت سرقت اموال کاروان تجار. ۳۶۷-۳۶۶
- شماره ۴۷: فرمان معتمدالدوله به داراب میرزا در حمله به ایل بختیاری. ۳۶۸-۳۶۷
- شماره ۴۸: تهیه ملبوس برای فوج خمسه. ۳۶۹-۳۶۸
- شماره ۴۹: تهیه ملبوس فوج سه دهی کیشباف. ۳۷۰-۳۶۹
- شماره ۵۰: تظلم توپچیان یزد از تفاوت قیمت جیره‌شان. ۳۷۰
- شماره ۵۱: ساختن اصطبل توپخانه در عراق. ۳۷۲-۳۷۱
- شماره ۵۲: شکایت سربازان کرمان از ربیع السلطان و تاکید در پرداخت اقساط توسط فرمانفرما. ۳۷۳-۳۷۲
- شماره ۵۳: ارسال قسط توسط ظل السلطان به خزانه نظام. ۳۷۵-۳۷۳
- شماره ۵۴: تاکید بر تنبیه اشرار ولایات. ۳۷۶-۳۷۵
- شماره ۵۵: ارسال قسط توسط ظل السلطان و سراج‌الملک به خزانه نظام. ۳۷۸-۳۷۶
- شماره ۵۶: ارسال قسط توسط فرهاد میرزامعتمدالدوله به خزانه نظام. ۳۷۹-۳۷۸
- شماره ۵۷: سرقت پست دولتی در حوض سلطان. ۳۸۰-۳۷۹
- پنجاه و شش

۳۸۰	پرداخت کرایه حمل اسباب چراغ گاز به کمپانی کریپال.	شماره ۵۸:
	تعارف و احوالپرسی با نصرت‌الدوله حاکم کرمان و بلوچستان.	شماره ۵۹:
۳۸۲-۳۸۱		
۳۸۳-۳۸۲	تعارف و احوالپرسی با ظل‌السلطان.	شماره ۶۰:
۳۸۳	پرداخت مواجب فوج سیلاخوری و احضار آنان به تهران.	شماره ۶۱:
۳۸۴	احوالپرسی و اظهار همدردی با ظل‌السلطان.	شماره ۶۲:
	اعزام سیف‌السلطنه و فوج خلیج به فارس و اقامت افواج	شماره ۶۳:
۳۸۷-۳۸۵	خمسه در اصفهان.	
۳۸۹-۳۸۷	شورش سربازان در بوشهر برای گرفتن مواجب و طلبشان.	شماره ۶۴:

تاریخ: [۱۲۸۵ ه.ق.]

شماره سند: ۲۷۳-۷

فرستنده: —

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایونت شوم،
 کاغذی که تیمور پاشا در باب تعمیرات قازلی کوی به جناب آقا نوشته بود به عرض
 خاک پای همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحانفاده مشرف شده در صدر دستخط
 مبارک شرف صدور یافته بود که به اطلاع چاکر فدوی جواب آن نگاشته شود.
 بعد از زیارت دستخط جهان مطاع همایون قرار و مدار که سابقاً در حضور
 مشیرالدوله با ناظم افندی به توجهات ملوکانه در امور سرحدیه داده شده بود به جهة
 یادآوری جناب آقا نوشته تذکار نمود که هر چه مطابق قرار مزبور بوده باشد صحیح است،
 والّا فلا.

جناب آقا هم البته دستور العمل به تیمور پاشا را موافق آن مرقوم داشته اند. امروز
 ناظم افندی کاغذی در این خصوص نوشته است به عرض پیشگاه مقدس همایون اعلی
 خواهد رسید.

اگرچه در آن وقت این قدر میدان به ناظم افندی داده نشده است و حالا قدری زیاده بر
 وسعت میدان خود تاخته است، ولی بر رأی حقایق نمای اعلیحضرت شاهنشاهی
 روحانفاده که مراتب جمیع نکات و دقائق امورات واضح و آشکار باشد که اگر مشیرالدوله
 هنوز وارد اسلامبول نشده، این گونه مقدمات شکایت آمیز فراهم آید برای مشارالیه پس از
 ورود اسلامبول فرصت تهیه خود و اصلاح امر باقی نخواهد ماند و اگر این قدر خودداری

می شد که او به اسلامبول وارد شده موافق مصلحت کار تهیه مطلب را نموده به میان مذاکره بیاورد ظاهراً اقرب به صلاح می نماید. محض استحضار خاطر خطیر اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفداه جسارت به عرض شد که به هر نحو اراده علیه همایونی علاقه گیرد معمول و اطاعت خواهد شد. امر امر اقدس ارفع اعلی است.

۲

تاریخ: [بیستم رمضان ۱۲۸۶] شماره سند: ۷-۱۴۵
فرستنده: — گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، به زیارت دستخط مرحمت آیت مبارک سرافراز و مباهی شده، فی الفور مشغول شد که سواد کتابچه سؤال و جواب با سفیر روس را در فقره قزل سو با سواد احکامی که به عهده سفیر دولت علیه مقیم پطر بورغ صادر شده است حاضر کرده، مصحوب چاپار برای استحضار مشیرالدوله که در مرکز پولتیک نشسته است ارسال دارد، که او تکالیف خود را معلوم کرده حرکات و اعمال سفارتی را بر اساس آن تفصیل قرار بدهد.
به جهت آگاهی خاطر اقدس همایون جسارت شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

۳

تاریخ: ندارد شماره سند: ۷-۱۰۱
فرستنده: — گیرنده: —

هو

مشیرالدوله در اسلامبول در خانقین قرنترین گذاشته، بازوار نزاع کرده هفتاد نفر زخمی و دو نفر قتل کرده اند. به عرض حضور همایون رسید. حکم همایون این طور شد: به مشیرالدوله تلگراف کنید

۲

حکماً رفع قرانتین را از سرحد بکند. البته کمال اهتمام در رفع قرانتین و قرار تنبیه مرتکب و دینه مقتول بدهد. زود جواب [بدهید]، در نفس عراق عرب و بغداد و با ظاهر شده، در این صورت قرنتین در سرحد چه ثمر دارد البته مقتضی نیست.

۴

تاریخ: [ربیع الثانی ۱۲۸۶] شماره سند: ۱۸۹-۱۵
فرستنده: — گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، الان دو ساعت به غروب روز دوشنبه ۱۶ مانده. دو تلغراف از مشیرالدوله در جواب تلغراف های چاکر فدوی رسید. فی الفور ترجمه آنها را مصحوب غلام مخصوص در ضمن عریضه چاکرانه ارسال حضور باهرالنور اقدس همایون کرد و صورتی هم از برای جناب آقا فرستاد که از حالت اسلامبول و مذاکرات همایون باخبر باشند. تلغراف نامه هم به نواب مؤیدالدوله نوشته نزد جناب آقا فرستاد که زود به نواب معزی الیه به واسطه تلگراف اطلاع بدهند که قرار تکلیف و رفتار خود را بر اساس مضامین تلغراف مشیرالدوله بگذارند. چاکر فدوی نمی داند که فی الحقیقه قشون عثمانی به قازلی کوی تجاوز کرده باشد یا نه؛ ولیکن این قدر معلوم شد که سرحد داران دولت علیه در فرستادن اخبار دقت لازم را به عمل نیاورده اند و این بود که چاکر فدوی متصل به مؤیدالدوله می نوشت و تلگراف می کرد که حقیقت اوضاع سرحد و خیال عثمانی ها را به دست بیاورند و به این خبرها اعتماد تمام نکنند. حتی میرزاسید محمد یوزباشی خارجه را هم از تبریز به واسطه تلغراف به همین ملاحظه مأموریت داد که شاید حقیقتی از این خبرها به دست بیاید در هر صورت الحمد لله فراغتی از این خیالات به هم رسید و انشاء الله حرکت عجولانه از سرحد داران دولت علیه واقع نشده باشد که خدا نکرده کار را به اشکال برساند حالا از برقراری سفارت ایران در اسلامبول و دایر بودن تلغراف و اهتمامات مباشرین این کار جای کمال خشنودی و رضامندی است و الا احتمال ظهور مشغله بزرگ برای دولت می رفت. رقعہ [ای] سرتیپ تلگراف به چاکر فدوی نوشته

بود، لفاً از عرض خاکپای همایون می‌گذرد. به هر طور که امر قدرقدر همایون شرف صدور یابد عمل خواهد شد و بعد از این تلغراف و اخبار هر حکم که صادر و مقرر فرمایند جناب آقا و چاکران حضرت از آن قرار مرتب خواهند داشت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

۵

تاریخ: [۱۲۸۶ قمری] شماره سند: ۱۵-۲۲۱
فرستنده: [میرزا حسین خان مشیرالدوله] گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم، در باب قازلی کوی از ورود به اسلامبول دقیقه‌ای غفلت و کوتاهی نبوده، مذاکره آن جا را در میان داشته‌ام که قرار درستی که مایه اطمینان اولیای دولت قاهره تواند شد داده شود، عالی پاشای صدر اعظم دولت عثمانی به قدری که می‌توانست مشکلات در میدان آورد و بهانه جوئی کرد و به تعطیل گذراند و تحاشی از قرارداد این معنی داشت. سده همه معاذیر و مشکلات او را نمودم و آن همه تدابیری که در این ماده به خاطر خود آورده و به خیال می‌گذراندند باطل کردم تا راه طفره مسدود آمد. بالاخره قرار داده‌اند که در ظرف همین هفته قرارنامه عمل قازلی کوی مبادله شود و چون مقری در این باب نمانده است و دیگر راه عذری ندارند می‌توانم به اطمینان کامل خدمت خدام آستانه مقدسه معروض دارم که اولیای دولت قاهره از عمل قازلی کوی خاطر آسوده دارند که به هیچ وجه دغدغه نمانده است. بعد از مبادله قرارنامه و گذشتن عمل به توسط تلگراف اولیای عظام دولت ابد فرجام را آگاهی و اطلاع خواهم داد، همین قدر جسارت می‌نمایم مادام که توجهات کامله همایونی روحانفاده شامل حال چاکر خان‌زاد^۱ است از شرایط و وظیفه دولت خواهی دقیقه فرو گذاشت نخواهم نمود.

الامر الاشراف الاقدس الاعلی مطاع

همه اهتمامات چاکر خان‌زاد در این است که اراده همایونی مجری شده، خرابهای

۱. اصل: خان‌زاد

قازلی کوی از طرف دولت علیه ساخته شود والا در سایر موارد هر قراری که بشود دولتین حکم مساوات خواهند داشت و فرقی نخواهد کرد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

۶

تاریخ: [۱۲۸۶ قمری] شماره سند: ۱۵-۲۲۲
فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم در باب نقشه ممالک محروسه شاهانه که به چاکر خانه زاد حسب الارادة اعلیحضرت همایون روحانفاده امر و اشارات رفته بود که به فرنگستان فرستاده چاپ نمایند. الی حال نقشه مزبور از طرف قرین الشرف خدام آستانه مقدسه به چاکر دولتخواه نرسیده که امر همایونی را در موقع اجرا^۲ بگذارد. مقصود از جسارت و گستاخی خانه زاد آن است که امتثال اوامر و احکام مطاعه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه روحانفاده را به تعویق و تعطیل دقیقه راضی نخواهم شد، هر وقت که نقشه رسید صورت پذیر خواهد شد.

الامر الاشراف الاقدس الاعلی مطاع

[نقش مهر پشت سند]: عبده الراجی محمد حسین

۷

تاریخ: ۱۲۸۷ شماره سند: ۹-۳۳
فرستنده: میرزا حسینخان مشیرالدوله

ترجمه تلگراف اسلامبول به جناب معتمدالملک
امروز که بیست و پنجم است، عید تولد سلطان است. با جمیع اجزای وزارت خارجه به جهت تبریک به حضور سلطان مشرف شدیم، در حضور جمع در باب سفر اعلیحضرت اقدس شهر یاری مدتی با من فرمایشات کردند و فرمودند: کمال سعی را

۲. اصل: اجری

خواهم نمود که این سفر مطبوع خاطر مبارک افتد. از حرکت موکب همایون...^۳ البته اعلام نمایند.

مشیرالدوله

۸

تاریخ: دهم صفر المظفر
شماره سند: ۲-۱۸-۸
فرستنده: —
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای مبارک جواهر آسای اقدس همایونت شوم، دستخط مبارک اقدس اعلی زیارت شد. فوراً بر حسب فرمایش علیه، رئیس که حاضر بود دستخط همایون ملوکانه را به او داد. به خط رمز از قرار فرمایشات مقرر به مشیرالدوله تلغراف بنویسد، به محض تمام شدن تلغراف، رمز را به مخبرالدوله داده تأکید خواهد کرد خیلی زود به مشیرالدوله اعلام کرده جواب تحصیل و به خاکپای همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفداه عرضه دارد.

اعتقاد قاصر چاکر فدوی این است که اگر رای جهان آرای ملوکانه اقتضاء فرماید، تلغراف چنانچه به کرمانشاهان شد به عمادالدوله حکم شود چنانچه مشیرالدوله هم تلغراف کرده است باغسایی و غریبه و اطراف آن را خالی نگذارید و اگر تجاوز حدود از آن طرف بشود در دفاع اگرچه با بیجاری هم باشد عمادالدوله و حسینقلی خان فروگذاری نمایند.

چنانچه به نظام آن جاها را تصرف نمایند دیگر انتزاع و تصاحب آنها مقدور نخواهد بود. به هر طور [که] رای مبارک اقدس اعلی در این مواد قرار یابد از آن قرار اطاعت خواهد شد. امر و اختیار با اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفداه است.

الامر الاقدس الارفع مطاع مطاع

۳. یک کلمه خوانده نشد. شاید «به تحقیق» باشد.

تاریخ: ربیع الاول/ ۱۲۸۷

شماره سند: ۱-۱۶۷-۱۶۳

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای مبارک اقدس همایونت شوم، چاپار خراسان دیروز که روز یکشنبه بود وارد گردید. عریضه نواب والاحسام السلطنه سر بسته با عریضه مقرب الخاقان حیدرقلی خان سهام الدوله که چاکر جان نثار سهواً سر آن را باز کرد، هر دو با کاغذهایی بود که نواب حسام السلطنه به چاکر نوشته اند. همه را تقدیم خاکپای مبارک داشت. معین الملک متولی باشی شب ششم ماه رمضان المبارک تصدق خاکپای همایون شده است. به نواب والاحسام السلطنه نوشت که تا تعیین متولی باشی از رکاب مبارک در انضباط امور آستانه خودشان اهتمام تمام به عمل آورند. به بعضی از امنای آستانه هم شروح مؤکده در این مواد نوشته شد و نیز به نواب حسام السلطنه نوشت که محاسبات و کارهای آستانه را با میرزاتقی لشکر نویس که داماد معین الملک است و از کارهای مرحوم مزبور با اطلاع است تفریغ کند. اگر حقوقی از خدام آستانه متبر که پیش مرحوم مزبور مانده باشد گرفته، برسانند و عیال مرحوم معین الملک را با میرزا تقی روانه به دربار معدلت مدار نماید که میرزا تقی هم عیال مرحوم مزبور را به دارالخلافة رسانده باشد و هم تحقیقاتی که باید از او بشود شده باشد. این اوقات کار میرزا تقی هم سبک است، میرزائی از جانب خودش آن جا می گذرانند و کارهای فوتی را از ثبت و سررشته و غیره به او می سپارد و می آید؛ بعد اگر مقتضی شد که معاودت نماید با دستور العمل کافی برمی گردد. به خود میرزا تقی هم نوشت که کارهای آستانه متبر که را قطع و فصل کرده، آدمی از جانب خودش آن جا بگذارد و رشته عمل را درست به دست او داده عیال مرحوم مزبور را بردارد و عازم رکاب مبارک گردد. زیاده عرض و جسارتی ندارد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

[نقش مهر پشت سند]: عبده الراجی محمد حسین

شماره سند: ۲-۱۶۷-۱۶۳

تاریخ: ربیع الاول/۱۲۸۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای مبارک اقدس همایونت شوم، انشاء الله تعالی وجود مبارک در کمال سلامت و منتهای آمال و آرزوی چاکر بی مقدار از صحتمندی مزاج همایون به فضل الله تعالی حاصل است و نتیجه [ای] که از دعاگوئی و زحمت و خدمت ناقابل جان نثار در آسودگی خاطر مبارک می بایست حاصل گردد، انشاء الله تعالی موجود است عجزاً می تواند خاطر همایون را از نظم شهر و کارهای دولت از نظام و غیر نظام اطمینان بدهد. از روز عزیمت موبک همایون اقدس ارفع اعلی همه روزه در بخانه حاضر بوده و به رتق و فتق و انجام کارهای دولتی الی دوسه ساعت مشغول بوده امروز هم که روز دوشنبه است در اطاق نظام حاضر و به کارهای قورخانه اشتغال دارد که نظمی در آن داده، کارهای قورخانه را راه بیاندازد که بی تعویق و مغلطی مشغول کار باشند و حاصلی از عمل آن به دست بیاید که رفع ضرورت دولت شده باشد.

در باب بارو طکوب خانه هم جهانگیر خان اطمینان می دهد که کارخانه راه افتاده است. چاکر جان نثار بنا دارد، در جزو آدمی روانه دارد ببیند کار می کند یا خیر و کار کردن آن چه تفضیل دارد و حاصل عمل آن چه قسم است.

از امشب هم جنابان نظام الدوله و قوام الدوله را خبر کرده است حاضر بشوند که شب ها همه شب مشغول دیدن دستورالعمل های ولایات بوده، انشاء الله تعالی از قرار حکم و فرمایشات مطاعه همایونی همه دستورالعمل ها قبل از عید نوروز حاضر و آماده به حکام برسد که کاری پیش افتاده [و] حکام هم تکلیف خودشان را بدانند. میرزا یوسف خان هم امروز و فردا خواهد رفت پولش حاضر شده است و معطلی ندارد.

چاپاران ولایات کلاً رفتند با جواب های کافی، تازه ای از جانی نرسیده است که قابل عرض خاکپای همایون باشد. زیاده عرض و جسارتی ندارد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

تاریخ: ۱۲۸۷ ق
 فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
 شماره سند: ۸-۹۷
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع همایونی روحنا فداه مشرف و افتخار حاصل نمودم. فوراً چاپار خواسته و الان دستخط مبارک را با تحریرات خودم نزد ناظم الملک خواهم فرستاد و امیدوارم کار به آن جا نکشد که مشارالیه به فرنگستان رسیده بعد قرار ترضیه داده شود. فردا انشاء الله از یک طرف اشرف پاشا و از طرف دیگر مستر طامسن را احضار نموده، آنچه لازمه درستی و سختی است به عمل آورده منظور مبارک همایونی را به عمل خواهد آورد. خداوند جان فدوی و همه ملت را به تصدق غیرت ملوکانه نماید که این قسم از برای حفظ احترام آنها بذل مرحمت می فرمایند. امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

الان تلغراف از اسلامبول رسید که سفارت اوتریش از اسلامبول عبور نموده، عازم تفلیس شده است و عن قریب وارد خواهد شد. عین تلغراف را ترجمه نموده تقدیم خاکپای مبارک گردید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: ربیع الاول/ ۱۲۸۷
 فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
 شماره سند: ۱-۴۷-۱۶۳
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون شوم، روز جمعه ۳ شهر ربیع الاول عالی پاشا صدر اعظم به جهت ملاقات چاکر خان زاده به یالی سفارت آمدند، در مجلس صحبت از عزیمت همایونی به سمت عراق عرب بود. پاشا در میان حرف گفتند: از زمان نادر به این طرف هیچ یک از سلاطین ایران مسافرت به عراق عرب ننموده اند. گفتم: چنین است، در ابقای معاهده هیچ یک از سلاطین و تاجداران ایران به چنین اراده و نیت حرکت

نفرموده‌اند. این قصد و نیت همایونی در عزیمت عراق عرب با این ترتیب حاضره سابقه نداشته و امثال او شنیده نشده است. تصدیق کردند و گفتند: این عزیمت همایونی یک سرمایه خوبی است از برای مورخین که در تواریخ آتیه، عظم و شأن اراده همایونی را ثبت و ضبط خواهند نمود و این حکایت را که از نوادرات باید شمرد، رونق دیباچه تواریخ قرار خواهند داد و به چاکر خانه‌زاد گفتند: برای شخص شما نیز این مرحله کسب سعادت و شرف بزرگی است که نیت اعلیحضرت همایونی در چنین وقتی تعلق یافت که شما در سفارت شاهانه بودید و واسطه اجرای اراده مبارک شاهانه شدید. گفتم: کمال مفاخرت از این مرحله دارم، لکن برای شما نیز شرف بزرگی است که اعلیحضرت همایون تاجدار من بر شما مهمان و شما میزبان هستید، این سعادت تنها از من نیست حصه و سهم شما در این باب بیشتر است. از این زمینه خیلی گفتگو در میانه چاکر خانه‌زاد و عالی پاشا شد. به جهت استحضار خاطر مبارک جسارت نمودم.

الامرا الاشرف الاقدس مطاع

۱۳

تاریخ: سال ۱۲۸۷

شماره سند: ۶ برگ از اسناد وزارت امور خارجه (الف-ب-ج-د-ه-و)

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله گیرنده: عمادالدوله

[الف]: سواد تلغرافی که به نواب عمادالدوله شده است.

مشیرالدوله به این مضمون تلغراف نموده است: از باب عالی احکام محکم مجدداً فرستاده شد. والی بغداد در جواب می گوید که اگر قشون را از باغسایبی اعاده دهم حسینقلی خان برای ضبط کردن مکان متنازع فیه حاضر است، با صدر اعظم قرار داده شد که قشون را پس بخواهند مشروط بر این که باغسایبی و صیفی و ملخطاوی بی طرف بماند تا این که قراری که منظور است گذارده شود.

در هر حال قشون دولت عثمانی صیفی و ملخطاوی و باغسایبی و سایر [جاها] را

تخلیه نمودند. احکام مؤکده تلگرافی بفرستید که حسینقلی خان حرکت خلافی ننماید.

۱۰ ربیع الاول ۱۲۸۷

[ب]: الان را از منزل جناب صدراعظم برگشته تفصیل را عرض می‌کنم.

قدربیک مأمور شد که به همراه میرزا محبعلی به محل طایفه باغسای و سیفی و ملاخطاوی بروند و تعیینات و تحقیقات لازمه به عمل بیاورند و معلوم بکنند که محل آن‌ها از ده یا بیست سال قبل متعلق به دولت ایران بوده است. این دو مأمور گاهی در سرحد نزدیک به دولت عثمانی و گاهی در سرحد نزدیک به دولت ایران خواهند بود مشیرالدوله

یکشنبه ۲۷ صفر ۱۲۸۷

[ج]: صورت تلگراف‌های جناب مشیرالدوله

۱- از بغداد خبر می‌دهند، مدحت پاشا عسکر به ضبط غریبه فرستاده، به اسم

تجاوز محمد علی خان با باب عالی در مذاکره‌ام. عمادالدوله در دفاع غافل نماند.

۲- طهران وزیر امور خارجه بعد از گفتگو با صدراعظم چنان قرار گذاشتم غریبه و

باغسی و ملخطاوی و اطراف آن‌ها در حالت استاطکو بماند تا این که قرار خط سرحدیه مشخص گردد و صدراعظم مقرر فرمودند که حرکات نظامی را در بغداد موقوف دارند. گویا از مازبین [؟] و محمد علی حرکات خلاف به ظهور رسیده باشد. اگر راست است مستدعی هستم حکم محکم بفرستند آن‌ها را دستگیر نمایند.

۳- مدحت پاشا باز اصرار در سوق عسگر به باغسی و غریبه دارد، اگر در تصرف

ماست غافل نمانید در مذاکره‌ام.^۱

۵- تلگراف رمزی رسید، چون ناخوش بودم میرزا احمد را برای مطالب آن خدمت

صدراعظم فرستادم. جواب داده‌اند که قشون مأمور به جهت حفظ و اجرای احکام دولت عثمانی هیچ وقت نباید داخل خاک ایران بشوند و وعده هم کرده است که با نوشته جواب بدهند، ولی احتیاط خودمان را نباید از دست بدهیم.

۸- صدراعظم را دیده تلگراف رمز را به عینه تبلیغ کردم. تلگرافی به والی بغداد

نوشت که خبر صحیح از بعضی حالت‌ها تلگراف نماید و قبل از رسیدن حکم هیچ حرکت

۴. شماره‌ها عیناً از اسناد نقل می‌شود و افتادگی شماره‌های ۴، ۶ و ۷ از اسناد است.

قشونی نکند.

[د]: به مشیرالدوله

تلگرافی از نواب عمادالدوله رسید. حسب الامر بعینه نقل می شود (کارپرداز بغداد نوشته است: با این که از بابعالی تلگراف به پاشا شد که سوق عسکر به باغ صیفی و ملخطاوی نکند، پاشا از خیال خود منصرف نشده، می گوید: این ها ملک عثمانی است. تصرف حسینقلی خان تجاوز حدود است. یک فوج نظام با تفنگ سوزنی و پانصد سواره نظام به آن طرف فرستاد، نوشته است جمعیت مندلیچ و بادرای به آن ها ملحق شوند و آن جاها را تصرف کنند. سه روز قبل نوشتجات حسینقلی خان را به خاکپای همایون فرستاد.) البته حسب الامر به باب عالی مذاکره و سوق قشون را در این موقع که هیچ مناسب نیست موقوف داشته حکم تلگرافی برای بغداد و خیرآن را به من بفرستید که به عرض برسد. البته نگذارید امر تازه ای روی بدهد. در بین گفتگوی این سفر این حالت ها خوب نیست. ۲۰ صفر ۱۲۸۷

[ه]: ترجمه تلگراف مشیرالدوله که غلط بود دادم به تلگرافخانه که تصحیح نمایند. آن چه بنده به سعی تمام معلوم کردم این است: از قراری که از تلگرافخانه هم خبر گرفتم از اسلامبول دوباره جو یا شده اند. فرانسه این تفصیل را هم برای عرض حضور جناب مستطاب دام اقباله فرستاده اند. ترجمه: به تعجیل تمام از بغداد خبر می دهند مدحت پاشا عسکر به ضبط غریبه فرستاده به جهت تجاوز محمدعلی خان با بابعالی در مذاکره ام. به سرحداران بفرمایند در دفاع غافل نمانند.

[و]: از سفارت اسلامبول به وزارت امور خارجه

فدایت شوم تلگراف نامه جناب عالی که مشعر به رد و تسلیم محمدعلی خان بنی لام و مزبان^۵ به ایالت بغداد و ممانعت ملک نیازخان هماوند ها را به دخول در خاک زهاب و کمال ممنونیت مدحت پاشا بود رسید و فوراً عین تلگراف را به توسط میرزا احمد نزد جناب صدراعظم فرستادم و اظهار کمال ممنونیت و مسرت را نموده، بیان تشکر از حسن نیت اولیای دولت شاهنشاهی در تحکیم حسن مراده بین الدولتین کرده و در خصوص

۵. قبلاً این کلمه مازبین ضبط شده بود.

ضرر محصولات باغسایبی و صیفی و ملخطاوی که در همان تلغرافنامه مندرج و مبلغ او را به بیست هزار تومان معین فرموده بودید، گفته بودند همان که رشوف پاشا و میرزا محبعلی تعیین نمودند که محصول تعلق به تبعه ایران داشته است آن وقت یا عینا یا قیمة هر چه باشد تسلیم خواهیم کرد. مطالبه جواب تحریری نمودم. اول گفته بودند که مشیرالدوله مگر به اقوال ما اعتبار و اعتماد ندارد که سند مکتوبی می خواهد؟ در جواب پیغام [دادم] که نهایت امنیت به اقوال شخص شما دارم، لیکن امورات دولت منوط به نوشتجات است نه اقوال شفاهیه. مراسله ثانوی چندی قبل در این فقره به شما نوشته ام جوابی به همان مراسله من بنویسید که [ب]توانم صورتی از او خدمت اولیای دولت علیه فرستاد این روزها جواب مراسله مزبوره رسیده است. صورتی از سؤال و جواب در جوف به جهت استحضار عالی می فرستم و اگر از اول دانسته بودم که اولیای دولت علیه محمد علی خان و مزبان را تسلیم مدحت پاشا خواهند فرمود، هر آینه این قدر زحمت این کار را بر خود روانمی داشتم و با شرائط چند و اخذ عوض قرار رد آن ها را می دادم. حالا که کار از کار گذشته است زیاده عرضی ندارم. مورخه ۲ شهر جمادی الاولی ۱۲۸۷

۱۴

شماره سند: ۲-۴۷-۱۶۳

تاریخ: ربیع الاول/۱۲۸۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

در باب اجتماع اولیای دولت علیه، قرار بر آن بود که روز پنجشنبه در یوسف آباد حاضر شوند، جناب جلالت مآب آقا برای ملاحظه دستورالعمل ولایات و نوشتن اقساط صاحب منصبان به روز شنبه قرار دادند. رقعته جناب معظم الیه از لحاظ نظر انور روحانفداه خواهد گذشت.

امین السلطان و حاجب الدوله را باید از مصدر خلافت عظمی امر و مقرر شود که برای روز شنبه در مجلس حاضر شوند که عدد مال بنه آن ها معین شود و بعضی تدارکات از

قبیل مروارید دوز و نقره آلات آبدارخانه را قلمداد نمایند که با حضور آن‌ها برآورد شده برات صادر شود.

الامر اقدس روحانفداه مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: عبده الراجی محمد حسین

۱۵

شماره سند: ۱۶۶-۱۶۳

تاریخ: ربیع الاول/۱۲۸۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، در باب تسعیر غلّه آذربایجان چون همیشه رسم معمول بود که به وسایط حقی می دادند و غله را به قیمت نازل از دیوان تسعیر می کردند، چنان که در این سنوات زیاده از سه تومان کمتر تسعیر شده، امسال هم از همان مظنه ها می خواستند و به واسطه بعضی جهات و خرابی بعضی محل ها سه هزار خروار هم تخفیف می خواستند. این غلام جان نثار در اول با صاحب دیوان به تلغراف در ده تومان و هشت تومان گفتگو کرد و زیاد سختی نمود. او هم چون دید نمی تواند از عهده برآید راضی شد که به هر کس دیوان بخواهد واگذار نماید. چون واگذار کردن به دیگری علاوه بر این که این قیمت ها را وصول نمی کرد، مایه بعضی گفتگوها و اختلاف ها می شد و به واسطه کمی غله در آذربایجان محل وحشت اهالی تبریز هم بود. این چاکر بهتر دید که به سختی و نرمی طوری کند که خود صاحب دیوان در این عمل هر قدر ممکن است و پیشرفت دارد بر عهده بگیرد. چون در این باب تلغراف مفصلی به نصیرالدوله کرده بود و تفصیل حالت غله و محل آن را با بی طمع و بی غرضی خود اظهار نموده، او هم از عمل آذربایجان مطلع بود و هم با صاحب دیوان خصوصیت داشت. بهتر دیدم که به توسط او مطلب را به صاحب دیوان حالی نماید. نصیرالدوله با تلغراف جواب و سؤال مفصلی با صاحب دیوان کرده است که صورت آن از ملاحظه همایون می گذرد. بدون تخفیف در شش تومان قبول کرده که سه ماه از سال گذشته تنخواه آن را از قرار قسط بپردازد

و بعضی فقرات دیگر هم از بابت کارهای آذربایجان به صاحب دیوان اظهار شده بود که همه را جواب درست داده. بحمدالله تعالی بر خاکپای همایون مخفی نیست که تفاوت این غله با تخفیف آن پنجاه هزار تومان درست می شود و زیاده از این وزودتر با این حالت تنگی آذربایجان نمی توان مطالبه نمود. در حقیقت صاحب دیوان خواسته بی طمع و صدق خود را معلوم کند. هنوز این جان نثار جوابی در رد و قبول نداده، موقوف به اجازه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا و روح العالمین فداه است.

[نقش مهر پشت سند]: عبدهالراجی محمد حسین

۱۶

تاریخ: ۱۲۸۷ ق
شماره سند: ۸-۹۱
فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحنافداه مشرف و مباهی گردیدم. امروز شارژدافر انگلیس به ملاقات غلام خانه زاد در دربخانه همایونی خواهد آمد. به طوری که امر قدرقدر ملوکانه شرف صدور یافته است با مشارالیه در کمال سختی، چه درباره فقره هراتی و چه درباره بلوچ ها مذاکره نموده و امیدوارم فوراً به فرمانفرمای هندوستان تلفراف نماید و منع این قبیل حرکات را بخواهد و جواب مشارالیه را عرضه خواهم داشت.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۷

تاریخ: ۱۲۸۷ ق
شماره سند: ۸-۶۹
فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارکت شوم، اکثر عارضین امروز از

دست شقاوت و تعدیات رضاخان نام‌گیری بود که خودش فرار نموده است. چون نایب و مباشر این‌جا از حرکات او اغماض نموده، بلکه شراکت مخفی داشته است، لهذا او را معزول و میرزا سید احمد، مباشر دیگر تعیین نمود. به همین قدر اکتفا نکرده خانه و قلعه او را به حکومت عراق سپردم و حکمی به محمود آقای سرهنگ و مباشر جدید دادم، هر وقت رضاخان معاودت نماید، حتماً او را گرفته مغلولاً به دربار معدلتمدار همایونی بفرستند و التزامی هم از محمود آقا بر طبق آن حکم گرفته‌ام که لفاً تقدیم خاکپای جواهر آسای همایونی می‌گردد. سایر عارضین که جمعی مستدعی تخفیف بودند و برخی فقیر و بی‌چاره، عطیه همایونی می‌خواستند و شکایت از یکدیگر داشتند. تحصیل رضای همه آن‌ها را به‌طورهای مختلف حاصل نمودم که الان کار هیچ‌یک باقی نمانده و همه دعاگوی وجود مبارک حضرت ظل‌اللهی روحنا فداه گردیدند. یک‌صد تومان وجه حلال خوبی که امروز به خاکپای مبارک معروض داشته تقدیم حضور مبارک گردید، انشاءالله قبول خدام آستانه مبارک خواهد گردید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۸

تاریخ: ذی‌قعدة ۱۲۸۷
 فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
 شماره سند: ۴۲-۸
 گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، از زیارت دستخط مبارک جهان مطاع افتخار و مباحات حاصل نمودم، به آنچه امر و اراده همایونی شرفصدور یافته است، از دخالت دادن آقا حسین به قسمت نان فقرا و عزل میرزا سید یوسف نایب‌الحکومه و تعیین شخص دیگری از جانب میرزا کی و تلغراف کردن او امر همایونی را به جناب آقای مستوفی‌الممالک و بیرون آوردن چهار محالی‌ها از بست، همه را بر طبق فرمایش علی‌ملوکانه علی‌الصباح صورت انجام داده به عرض خاکپای اقدس روحنا فداه خواهم

رسانید. خداوند جان غلام خانم‌زاد را به فدای عدالت و مراحم ملوکانه گرداند.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۹

تاریخ: ذی‌قعدة ۱۲۸۷

شماره سند: ۴۳-۸

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، فرمایش مطاعه همایونی را از این قرار صورت انجام دادم. اول صبح آقا حسین را آوردم و تقسیم نان فقراراً دخالت کلیه به مشارالیه دادم، عریضه به خط خود عرض نموده است لفاً تقدیم خاکپای مبارک شد. چهار محالی‌ها را فرستادم از بست آوردند و در چادر غلام خانم‌زاد می‌باشند، در رکاب مبارک به دارالخلافه خواهند آمد. تلغراف به عنوان جناب آقا رابعینها زدم، قبض سرهنگ تلغرافخانه به ملاحظه انور ملوکانه خواهد رسید. میرزا زکی وزیر را احضار نمودم و عزل میرزا سید یوسف را به مشارالیه اخبار کردم. نایب‌الحکومه دیگر تعیین خواهد نمود. خداوند جان بی‌مقدار را به فدای خاکپای شاهنشاهی روح‌فداه نماید.

امرالاشرف الاعلی مطاع مطاع مطاع

۲۰

تاریخ: ۱۲۸۷ ق

شماره سند: ۳۹-۸

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای همایونت شوم، الان از اسلامبول خبر رسید که دولت روس رسماً در صدد لغو و بطلان معاهده منعقد در سنه ۱۸۵۶ مسیحی که در پاریس با دولت عثمانی بسته است برآمده و قیمة تمسکات دولت عثمانی که در صدی پنجاه و پنج بوده است، دفعتاً^۱ به چهل و پنج تنزل کرده است و این رشته سردراز خواهد داشت. مراتب

۶. اصل: دفعته

را به جهت استحضار خاطر خطیر همایونی جسارت به عرض کردم. امر امر اقدس همایون
اعلی روحنا فداء است.

۲۱

شماره سند: ۱-۶۷-۱ (۱۵۹-۱)

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۸۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای مبارکت شوم، روزنامه مصوری از لندن آورده اند. امپراطور روس را به
هیئت خرس با اونیفورم رسمی کشیده اند که معاهده پاریس را از دولت عثمانی گرفته و
مسروراً در بغل دارد و پادشاه پروس که امروز امپراطور آلمانیا است با دست خون آلود
امپراطور روس را تقدیس می کند و دعا می نماید. به جهت تفریح خاطر مبارک جسارت
نموده در جوف به ملاحظه رأی جهان آرای همایونی^۷ می رساند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: عبده الراجی محمد حسین

۲۲

شماره سند: ۲-۶۷-۱ (۱۵۹-۱)

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۸۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای مبارکت شوم، امر و مقرر شده بود که علاوه بر فوج قهرمانیه و فوج
سمنان یک فوج دیگر هم به صوابدید نواب نصرت الدوله یا از افواج آذربایجان یا عراق به
جهت مأموریت خراسان معین شود. در این باب با نواب مشارالیه مذاکره نمودم، رای ایشان
این است که از برای خراسان فوج آذربایجان خوب و مطلوب است، از افواجی که در راه

۷. اصل: همیونی (همه جا همیونی نوشته شده است)

هستند پس از ورود فرستاده خواهد شد. اصرار کردم که از حالا لازمه تدارک آن‌ها را از ملبوس و چادر و برات جیره و مواجب حاضر نمائید که در ورود معطلی حاصل نکرده فوراً اعازم شوند و خود مراقب و مواظب هستم، خاطر مرحمت مظاهر همایونی آسوده می‌تواند بود. امر امر قدر قدر جهان مطاع است

۲۳

تاریخ: ربیع‌الثانی / ۱۲۸۸
شماره سند: ۳-۶۷- (۱-۱۵۹)
فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای مبارکت شوم، در فقره احضار طالب قدرت بیگلو و نقد علی شاهسوند و پسر باقرخان چگنی، درجه قوه فرمایش همایونی را کماهو حقه به نواب نصرت‌الدوله حالی و خاطر نشان نمودم. طالب را می‌گویند دو روزه حیا یا میتاً بهاء‌الدوله گرفتار نموده خواهد فرستاد. نقد علی و پسر باقرخان هم عنقریب در دارالخلافة محبوساً حاضر خواهند شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: عبده‌الراجی محمد حسین

۲۴

تاریخ: ربیع‌الثانی / ۱۲۸۸
شماره سند: ۳-۶۸- (۱-۱۵۹)
فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای مبارکت شوم، نواب نصره‌الدوله می‌گویند که: نوشتجات معهود را از معاون‌الملک خواسته‌اند. او گفته است: جمیع کاغذها را تسلیم دبیر‌الملک نموده‌ام. اگر چه نواب مشارالیه به مجلس دارالخلافة با حضور حشمت‌الدوله و دبیر‌الملک را صلاح نمی‌دانستند و می‌گفتند به نواب حسام‌السلطنه بنویسم که مجدداً با ایلخانی‌ها مجلس

کرده رأی خودشان را بنویسند، اگر چه فرمایش همایونی در این بود که بعد از مذاکره در این مجلس باز به نواب مشارالیه نوشته شود و رای ثانوی خواسته شود، غلام خانم‌زاد اطاعت امر و فرموده همایونی را واجب دانسته از دبیرالملک که در حسین آباد است نوشتجات را خواسته و خودشان را هم نوشتم بیایند تا مذاکره شود و تحریراتی که به عنوان نواب حسام السلطنه باید نوشت بر حسب فرموده همایونی مسوره داده‌ام. می نویسند فردا صبح چاپار را خدمت نواب مشارالیه می فرستم و صورت تحریرات را به خاکپای اقدس همایونی ارسال خواهم داشت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع

۲۵

شماره سند: ۱-۶۸-۱-۱۵۹

تاریخ: ربیع الثانی / ۱۲۸۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای مبارکت شوم، در باب احضار سواره دویرن و سرعت عزیمت آنها به دارالخلافه، نواب نصرت‌الدوله می گفتند: به حاجی بهاء‌الدوله تلغراف نموده‌ام و در تهیه عزیمت دادن آنها است و تنخواهی هم حاضر کرده است که از بابت مواجب به آنها بدهند و تقریر شاهزاده مشارالیه این بود که از سنه ثیلان ثیل سواره مزبوره مواجب طلب دارند. غلام خانم‌زاد هم تلغرافی مؤکد به حاجی بهاء‌الدوله نموده در عزیمت سواره مزبور اصرار و تأکید زیاد نمودم. نصرت‌الدوله می گفتند: علاوه بر سواره دویرن سواره خمسه و سواره بغدادی را هم احضار نموده‌ام. به جهت استحضار خاطر مهر مظاهر همایونی جسارت به عرض رفت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، بعد از آن که با کمال تشکر و افتخار از مرحمتی که درباره غلام خانه زاد و معتمد الملک وزیر مخصوص مبذول رفت، از خاکپای مبارک مرخص شده صبح روز شنبه پنجم شهر حال وارد شمیران گردیدم. اول در اراج به شرف حضور سرکار اشرف ارفع والا شاهنشاهزاده والاتبار نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی مشرف گردیده از سلامت وجود مسعود همایونی ایشان را بشارت دادم. به آستان سرکار نواب علیه عالیهد علیا و ستر کبری دامت شوکتها شرفیاب و عرض عبودیت و خاکساری رسانیده به عباس آباد رفتم. بلافاصله رقعهای خدمت نواب نصرت الدوله نوشتم که در شهر منتظر من باشند تا فرمایشات و اوامر همایونی را به ایشان ابلاغ داشته انجام اوامر شاهنشاهی روحانفاده را متفقاً مشغول باشم. نواب معزی الیه خود به عباس آباد آمدند فرمایشات علیه را از روی یادداشت به ایشان حالی و خاطر نشان نمودم. اجوبه هر یک از روی رقعۀ عریضجات است که در جوف به ملاحظه نظر مهر اثر همایونی مشرف خواهند گردید. فرمایشاتی که در باب پول مسیو قاشتیقمر و ساختن راه آمل و غیره به عهده جناب معیر الممالک مقرر شده بود فی الفور به واسطه رقعۀ زبان دار به ایشان نوشته فرستادم و همچنین استعلاماتی که از جناب نظام الملک بایست بشود همه را با رقعۀ سؤال نموده فرستادم، جواب هر یک امروز خواهد رسید، فردا به واسطه آدم مخصوص به اردوی کیوان شکوه خواهد فرستاد. دستخط مبارک جهان مطاع با روزنامجات تلغرافی و لایات شرف وصول ارزانی داشت و فوراً آنچه لازم بود به ناظم الملک و حسین قلی خان و غیره به واسطه تلغراف نوشته ضرب زدم و ترغیب در امنیت طرق و شوارع و حفظ مال و جان عباد الله و رعایای شاهنشاه جم جاه روحانفاده نمودم، امیدوارم مؤثر بشود. الان به شهر دار الخلافه به وزارت عدلیه اعظم می روم که نشر عدالت حضرت ظل اللهی روحانفاده را نموده و مزده اصلاحات جدید که به موجب ملفوفه فرمان همایون به جمیع ملت عنایت و

احسان فرموده‌اند بدهم. خداوند جان بی مقدار این غلام خانه‌زاد را هزار مرتبه فدای ذات
فایض البرکات اقدس همایونی نماید. از فرمایشاتی که به این غلام شده است خاطر مبارک
آسوده باشد، همه را صورت داده متدرجاً معروض خواهم داشت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۶ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۸

[نقش مهر پشت سند]: عبده الراجی محمد حسین

۲۷

شماره سند: ۷۲-۲-(۱-۱۵۹)

تاریخ: ربیع الثانی / ۱۲۸۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای مبارکت شوم، در خصوص روانه کردن فوج قهرمانیه نواب
نصرت‌الدوله می‌گویند: بر حسب امر همایونی اخبار عزیمت خراسان به آن‌ها شده است.
بروات جیره و مواجب و غیره صادر و به توسط جهانگیرخان به خاکپای مبارک فرستاده
شده است. در مراجعت مشارالیه که سمت آجودان باشی گری دارد، شاهزاده به اتفاق این
غلام به میان فوج رفته از جانب سنی الجوانب همایونی اظهار التفات و مرحمت درباره
عموم آن‌ها بعمل آورده، دو بیست تومان هم حاضر نموده‌ام که به وکالت همایونی به فوج
مزبور به صیغه انعام داده شود. نواب مشارالیه از آراستگی فوج زیاد توصیف می‌کردند.
مستدعی است که جهانگیرخان را زودتر رخصت انصراف مرحمت فرموده تا این فرمایش
مخصوصه کلیتاً صورت انجام یابد. امر امر قدر قدر همایون روحنافده است.

۲۸

شماره سند: ۷۲-۱-(۱-۱۵۹)

تاریخ: ربیع الثانی / ۱۲۸۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای مبارکت شوم، در باب عزیمت فوج سمنان به خراسان نواب

نصرت الدوله اعتقاد این بود که باز این فوج را کماکان در سمنان گذارده و از افواج آذربایجان که بعد وارد می‌شوند به خراسان فرستاده شود. به‌آدله و براهین واضح فرمایش ملوکانه را دربارهٔ عزیمت این فوج و محسنات فوری که دارد معلوم و مشهود مشارالیه داشتم تمکین کرد. از قرار گفتهٔ ایشان علی‌قلی خان سرتیب فوج مزبور که حاضر در تهران است به هیچ وجه مقصر نبوده و عدم جنحهٔ او در نزد ایشان ثابت شده و کتابچه به واسطهٔ جهانگیرخان معروض خاکپای مبارک داشته‌اند، انتظار جواب او را دارند که سرتیب مشارالیه را روانه نمایند. با تلغراف امروز مأموریت فوج را اخبار خواهد داد و از جناب نظام‌الملک بارقه سؤال نمودم که از بابت اصل مالیات یا قیمت جنس باقی کتابچهٔ سمنان چه قدر است و تحریرات به‌عنوان حاکم سمنان در باب جیرهٔ فوج نوشته می‌شود. به جهت استحضار خاطر مهر مظاهر همایونی جسارت به عرض رفت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع

۲۹

تاریخ: ۲۰ رجب ۱۲۸۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 شمارهٔ سند: ۱۶- (۱-۱۵۹)
 گیرنده: ناصرالدین شاه

مخابره تلگرافی، [تصویر] شیر و خورشید، دولت علیه ایران، نمره ندارد
 ولایت طهران، به خاکپای همایون روحنا فداه معروض دارند:

جواب

فوج...^۸ سواره چگنی پاشاخان قزاق دیروز و امروز به مأموریت خود رفته، این صبح در میدان مشق پیاده و توپچی مشق کاملی کردند. توپچیان تیراندازی کردند، به طوری به قاعده و خوب که مایهٔ خوشوقتی شد و از برای سلامتی وجود همایون و تشویق نوکر یک صد تومان نقد و یک طاقه شال کرمانی به توپچی انعام و خلعت داده شد. در اتاق نظام در سه محل به توپچی و سرباز پول می‌دهند. از یمن مراحم شاهنشاهانه حرکتی به جان

۸. یک کلمه خوانده نشد.

اهل نظام آمده و شوق و شوری آحاد و افراد صاحب منصب و نایبان پیدا کرده‌اند.
سپهسالار

عدد کلمات ندارد. به تاریخ ۲۰ شهر رجب سنه ۱۲۸۸

۳۰

تاریخ: [۱۲۸۸ ق] شماره سند: ۱۵۹-۴۰۲-۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط همایون شاهنشاهی روحناده مُشرف گردیدم. در حقیقت همان طور است که مرقوم شده بود. خود امین السلطان و ده باشی که ملاحظه می کردند بایست مانع شده باشند. غلام خانه زاد که فوراً جسارت به عرض نمودم، از ترس جان خودم بود. به ده باشی در کمال تأکید می سپارم که بعد از این مراقبت تامه به عمل آورده، مانع این قبیل حرکات بشود. بعد از اتمام مجلس در منزل وزیر امور خارجه به شرف زیارت خاکپای مبارک مشرف خواهم شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۳۱

تاریخ: [۱۲۸۸ ق. ۵] شماره سند: ۱۵۹-۴۶۱

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحناده و استحضار از او امر ملوکانه موجب افتخار و مباهات غلام خانه زاد گردید. دیشب و امروز تا به حال مشغول اتمام کارهای محمد آقا می باشم که زودتر روانه شود. تا دو ساعت دیگر تحریرات فارسی و فرانسوی که مشارالیه باید فرستاده

۲۴

شود کلاً حاضر خواهد گردید. خود خانه زاد هم هرگاه اجازه همایونی روحانفاده مرحمت شود عصر را به نظامیه می روم و فردا صبح در آستان همایونی انتظار مقدم مبارک شاهنشاهی روحانفاده را خواهم داشت و علی خان را نیز حاضر می نمایم که از تشرف به حضور مهر ظهور مبارک کسب افتخار نموده عازم مأموریت شود. همان امروز در شهر علاء الدوله را می خواهم و دستورالعمل بقایای گیلان را به طوری که دیروز مرحمت فرموده اید به مشارالیه می دهم که بدون تأخیر در صدد انجام و وصول او برآید. در خصوص قیمت آب قصر رای و فرمایش همایونی را به میرزا عیسی خواهم ابلاغ کرد و اگر آسیاب جهانگیر خان راه افتاده باشد گویا دیگر احتیاج و لزوم به آب نداشته باشند. اگر آسیای مزبور راه نیفتاده باشد، آن وقت البته باید قیمت آب را به طوری که معمول است به خاکپای مبارک تقدیم نمایند. در سابق هفته ای بیست تومان عوض داده اند که از آب سردار به جهت نگارستان امتناع شود. مرقوم شده است، سیصد و پنجاه هزار تومان وصول شود. سیصد هزار تومان به جهت مخارج فرنگستان کافی است. پنجاه هزار تومان باید در نزد رئیس کل گذارد به جهت امورات اتفاقی فوری. انشاء الله تنخواه وصول می شود و اختیار خرج در دست مبارک خودتان است. هر قدر مقرر فرمائید و میل داشته باشید به همان اندازه مخارج خواهد شد و اکثر این تنخواه در ذمه خود نظام الدوله است. یک صد هزار تومان از بابت گیلان هذہ السنه بیست و پنج هزار تومان از بابت یزد هذہ السنه، شصت و چهار هزار تومان از بابت قیمت غله سنه ماضیه جمعی خود مشارالیه و آنچه هم از محاسبه بقایای گیلان باقی محلی نموده شود باز پای مشارالیه است. در خصوص محاسبه فارس و دستخط مبارک که قاطع بود نعمتی بهتر از آنچه مقرر فرموده اید به جهت ایشان ممکن نخواهد بود. از جمع یک کروڑ مالیات سنه ماضیه فارس به دولت، یکصد و ده هزار تومان نرسیده است و تتمه همه به حرف و این قبیل بازی ها تمام شده است. مکرر جسارت ورزیده به خاکپای مبارک عاجزانه معروض داشته ام، مال خودتان را به کسی بدهید که توانید پس گرفت والا امر و اختیار با سرکار اقدس همایونی روحانفاده است که مثل مالیات فارس هم که به خواهد ببخشید که را قدرت تکلم خواهد بود، عجالته رأی مبارک خودتان را مکتوم نگاه دارید، شاید فدوی خانه زاد قراری با صرفه تر توانم داد والا اگر ممکن نشد همین

دستخط همایونی را به جهت زیارت و استحضار از مدلول آن به نظام الدوله خواهم داد.
امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۳۲

شماره سند: ۴۹۱-۱۵۹

تاریخ: [۱۲۸۸ ق]

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، ساعت قبل عریضه عبودیت فریضه، عرض با پاره نوشتجات لازمه تقدیم حضور مهر ظهور ملوکانه روحنافداه نمودم و الان به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحنافداه مفتخر و سرافراز شدم. دستور العمل آغاباشی را چون شفاهاً مقرر فرموده بودید که با حضور حاجب الدوله و اقبال الملک تبلیغ نمایم و این هر دو در رکاب مبارک می باشند، هنوز نداده ام، دستخط مبارک شاهنشاهی روحنافداه که مکمل دستور العمل است ضمیمه نموده به طوری که شفاهاً امر و مقرر شده است تبلیغ خواهم نمود. در خصوص چادرهای زنانه فردا اول صبح به میرزا محمد حسین تلغراف و تأکید خواهم نمود که به طور فرموده حاضر و مهیا نماید تا در ورود مرکب مسعود ملوکانه به رشت معطلی حاصل نشود. افواجی که به خراسان باید بروند همه حاضر و آماده اند. انشاء الله فردا صبح به عرض خاکپای مبارک خواهم رسانید که چه روز شرفیات شده و چه روز حرکت می نماید، چون فدوی خانه زاد می داند که هیچ نکته در خاکپای مبارک مکتوم نیست تا به آن جهت به عرض نمی رساند، در حقیقت کار گذاران عسکر به سحر می نماید در حاضر کردن و روانه نمودن افواج، زیرا که هر فوجی اقلاً سه روز مدت می خواهد که سان دفتری آن ها به دقت دیده شود و خدا می داند که فدوی خانه زاد از پول حاضر کردن آن قدر خسته نشده ام که آن ها از دادن و سربازاز گرفتن خسته شده است و تا تمامی افواج و سوار به محل مأموریت خودشان عزیزمت ننماید محال است که عرض نمایم به چه وسیله و به چه زحمت تنخواه حاضر نموده ام و چه طور این همه قشون را بدون صدا حرکت داده ام و این ها

همه برای این است که وجود مبارک شاهنشاهی روحانفداه از جمیع خیالات آسوده و راحت باشند، هر وقت به بینم یا بشنوم که خدای نکرده متفکر و مشغول خیالات هستند جمع خستگی ها در بدن من بنده کمترین می ماند. کار سیستان اگر واقع نشده بود البته بهتر بود، لکن حالا که به وقوع رسیده است اوقات تلخی فکر و خیال و غصه خوردن چاره نمی کند، باید مردانه ایستاد و قشون فرستاد و تهیه حاضر کرد و اصلاح نمود، چنانچه تا به حال آنچه لازم بوده است از تصدق فرق مبارک به عمل آمده است و در آتیه هم آنچه لازم باشد باز به عمل خواهد آمد. تأمینات طامس دربار افغان ها و ابراهیم خان به طوری بود که دیروز عرض نموده ام و در نوشته رسمی خود مشارالیه درج است. از آنچه نوشته و گفته اند هیچ دولتی زیاده تر نمی تواند بگوید و نمی تواند بنویسد و فدوی خانه زاد این وقوعات را قابل و لایق اضطراب نمی داند. زیاده جسارت ندارد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۳۳

شماره سند: ۱-۳۱۷-۱۵۹

تاریخ: [جمادی الاولی ۱۲۸۸]

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، ناصرالملک معاودت نمود و حقیقت احوال طوری است که مکتوباً راپورت نموده و در جوف تقدیم خاکپای مبارک همایونی روحانفداه گردید و مطابق است با آنچه جهانگیر خان به فدوی خانه زاد سابقاً نوشته بود و خلاف عریضه نور محمد خان است که از افواج مختلف عارض شده اند. عجالاً خاطر اقدس ملوکانه آسوده باشد تا فردا خود به نفسه تحقیق نمایم. اگر نور محمد خان هم خلاف واقع نوشته و عرض نموده است او هم مؤاخذ خواهد بود و نان امروز به تمام رسیده است، فردا مجازات هر یک و انتظام امر نان متفقانه به طور منظور همایونی درست خواهد شد. به جهت استحضار خاطر خطیر اقدس همایونی جسارت به عرض رفت.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: [جمادی الاولی ۱۲۸۸]

شماره سند: ۲-۳۱۷-۱۵۹

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، مجلس آخال در منزل غلام خانه زاد جمع و اجزا حاضر، مشغول مذاکره هستیم که نتیجه فردا به خاکپای همایون ملوکانه عرضه شود. دستخط شاهنشاهی روحانفداه زیارت و موجب افتخار گردید. ساعت قبل از حرکت فوج شقاقی استحضار حاصل نموده و ناصرالملک را از مجلس به جهت تحقیق فرستادم و این عمل تفضیلی دارد و مسبوق به سابقه است که فردا به حضور مهر ظهور خسروانه عرضه می‌دارم. در خصوص نان افواج به قدری دقت و اهتمام می‌شود که مافوقی به تصور نمی‌توان آورد و به حمدالله از تصدق سر مبارک نان قشون به هیچ وجه تا امروز کسر نکرده سهل است همیشه ده روزه آن‌ها را تدارک کرده حاضر داریم و فردا مقصرین آن‌ها در سایه عدالت همایونی تنبیه خواهد شد. الان عریضه نور محمدخان که عرض کرده بود و به دستخط مبارک مزین بود زیارت شد. برخلاف آنچه جهانگیرخان آجودان باشی نوشته بود، عرض کرده است، او تنها چند نفر از فوج شقاقی نوشته بود هر چه باشد تماماً و مفصلاً فردا به عرض حضور مبارک خواهد رسید.

امرالاقدرس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: [جمادی الاول / ۱۲۸۸]

شماره سند: ۱۲۱- (۱-۱۵۹)

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط مبارک جهان مطاع که به افتخار این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود با روزنامهجات تلغرافیه و احکام همایونی که مقرر شده بود امروز صبح زیارت نموده و فوراً اوامر ملوکانه را بدون هیچ تأخیر

به موقع اجرا گذارده، آن چه تلغراف به حکام بایست نوشته شود فرستادم و دو فقره که راجع به نواب نصرت الدوله و جناب وزیر امور خارجه بود با رقعہ به ایشان ابلاغ و اطلاع دادم و سواد جمیع تلغراف نامجات و رقعہ‌ها را به جهت استحضار خاطر خطیر همایونی تقدیم می‌نمایم. محمد حسن خان صنیع الدوله وارد و ابلاغ فرمایش شاهنشاهی روحنا و روح العالمین فداه را در احضار این خانه‌زاد به رکاب مبارک همایونی نمود، بر طبق امر و اراده خسروانه روز هشتم شهر حال به زیارت خاکپای جواهر آسای شاهنشاهی سر قدم ساخته مشرف می‌شوم، از اصفای فرمایشات حکمت آیات همایونی کسب سعادت و مباحثات خواهم کرد.

چند طغرا فرامین همایونی به جهت امنای دیوان خانه‌های ولایات و چند طغرا ملفوفه فرمان مبارک به جهت امنای وظایف تقدیم حضور مهر ظهور کردند که به صح همایونی مشرف و مزین شود. امر امر قدر قدر شاهنشاهی ظل الله روحانفداه است.

۳۶

شماره سند: ۱۴۹-۱۵۹

تاریخ: [جمادی الاول ۱۲۸۸]

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک همایونت شوم، ساعت قبل که استفسار همایونی از فقره رئیس دیوانخانه و تعیین^۹ او فرمودید و عرض کردم راضی نشد، چنین فهمیدم به تصور همایونی رسید، شاید جناب نظام الدوله راضی نشدند و حال آن که دیروز محض اظهار غلام خانه‌زاد فوراً نظام الدوله تمکین و تمجید فرمودند و اظهار ممنونیت و بشاشت کردند. امروز از معتمد الملک استمزاج نمودم، او انکار نمود و از قبول امتناع جست، آن بود که به خاکپای مبارک عرض نمودم قبول^{۱۰} نکرد، الان اعتقاد غلام خانه‌زاد و نظام الدوله این است که سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه معتمد الملک را احضار فرموده امر نمایند که حتماً مسئول این خدمت مهم...^{۱۱} گردد. امر امر همایونی روحانفداه است.

[پشت سند]: عرایض و نوشتجات متفرقه دوشنبه ۲۴ رجب قوی ثیل ۱۲۸۸ در

سلطنت آباد لوله شد.

۹. اصل: تعین

۱۰. اصل: قول

۱۱. یک کلمه خوانده نشد.

تاریخ: ۱۰ / شعبان / ۱۲۸۸ شمارة سند: ۱۸۱ - (۱ - ۱۵۹)

فرستنده: علاء الدوله، عضدالملک، قوام الدوله، نظام الدوله و سپهسالار اعظم

گیرنده ناصرالدین شاه

هو

آثار هذه السنه از بابت قلت آذوقه در جميع ولايات خاصتاً در دارالخلافة عجالتاً به نظر خوب نمی آید، اگرچه از کرم عمیم الهی و از بخت بلند شاهنشاهی روحانفداه و از تدابیر عاجزانمای که بندگان آستان همایونی اخذ کرده اند امید هست که این سال مشکل را بدون وقوع کسالت به وجود مبارک به آخر برسانند و انشاء الله تعالی در خرمن آتیه افتتاح بشود، لکن شرط احتیاط و لازمه عبودیت و خیرخواهی این است که در چنین مواقع مشکله همیشه طرف بد را به مدنظر درآورده درصدد چاره برآیند که مبادا وهنی خدا نکرده به وقوع برسد. لهذا از مجلس مخصوص همایونی با کمال عجز و خضوع در خاکپای مبارک همایونی استدعای می شود که از حالا قسط مالیات گیلان را تماماً جمع نظام الدوله بفرمائید که گماشتگان تجارتنی به ولایت روسیه فرستاده آرد یا گندم هرچه ممکن بشود ابتیاع نموده، از راه انزلی و آستارا داخل خاک دولت علیه نمایند و تنخواه قسط خزانه عامره به تمامه به حضور مهر ظهور ملوکانه تقدیم شود. بر فرضی که از دولت روسیه ده هزار خروار آردی که خواسته شده است داده شود، باز آوردن این غله نافع است، زیرا که قلت آذوقه در هذه السنه انحصار به دارالخلافة ندارد، همه ولايات تشکی است، گندم و آرد از طلا و الماس مرغوب تر است و باعث احیای نفوس خواهد بود. امر امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحانفداه است.

[پشت سند ممهور به ۵ مهر است با نقش های]: علاء الدوله، عضدالملک، قوام الدوله،

نظام الدوله، سپهسالار اعظم

[متن دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]: سند ۸۸ قوی نیل اوایل عقرب لوله شد،

طهران، ۱۰ شعبان

تاریخ: [شوال ۱۲۸۸] شماره سند: ۱-۲۰۵- (۱-۱۵۹)
 فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای مبارک اقدس همایونت شوم، میرزا عیسی دو سه روز است ناخوش شده است که نمی تواند از خانه بیرون بیاید. حضور مقرب الخاقان امین السلطان از برای دادن گندم به خباز و تنخواه تفاوت و سایر کارهای خباز خانه لازم است، استدعا دارد مرحمت بفرمایند مشارالیه را اذن مرخصی بدهند بیاید مشغول این کارها شود. میرزا عیسی که احوالی به هم رساند و توانست از خانه بیرون بیاید، امین السلطان معاودت به رکاب مبارک نماید. زیاده عرضی و جسارتی ندارد.

الامر الاقدس مطاع

[نقش مهر پشت سند]: عبده الراجی محمد حسین

تاریخ: [شوال / ۱۲۸۸] شماره سند: ۲-۲۰۵- (۱-۱۵۹)
 فرستنده: معزالدوله گیرنده: ناصرالدین شاه

عریضه جناب جلالتمآب صدراعظم با عریضه پیشکش نواب معزالدوله که تقدیم حضور با هر النور روحانفاده می شود، امر امر جهان مطاع روحانفاده است. فدایت شوم مقرب الخاقان میرزا عیسی وزیر چند روز است ناخوش و بستری است و نمی تواند بیرون بیاید، حالت ندارد که بتواند به کار خبازها برسد، اینها هم مردمان بی معنی متقلبی هستند، تا یک نفر سر آنها نباشد و متصل مراقبت در کارهاشان نداشته باشد، امکان ندارد که به قاعده مشغول کارشان باشند، مثلاً مطالبه تفاوت قیمت گندم خریداری می کنند. امین السلطان وقت آمدن سیزده هزار تومان مطالبات از خباز را جمع آقا حسن نایب کرد که از آن دست بگیرد و از دست دیگر عوض تفاوت قیمت گندم به خباز بدهد.

آقا حسن ناخوش شده نمی تواند بیرون بیاید. خبّاز می گوید به این نقدی نمی توانیم پول بدهیم و اگر تفاوت هم نگیریم نان نمی توانیم بپزیم. گندم لازم می شود، به خباز داده شود. انباردار می گوید: گندم نداریم و حال این که خود می دانیم گندم در انبار داریم، در این صورت حضور مقرب الخاقان امین السلطان لازم است که این کارها را از هم در کند. عریضه به خاکپای مبارک جسارت کرده ام. کاغذی به خود امین السلطان نوشته ام برسانید و مرخصی او را گرفته زود روانه دارید بیاید، بعد از قرار و مدار این کارها باز مراجعت به اردو بکند. اگر میرزا عیسی را می توانستم ببینم امین السلطان لازم نبود، چون او زیاد بد حال [است] و نمی توان او را دید، حضور او لازم است.

[دستخط ناصرالدین شاه پشت سند] : سنه ۸۸ قوی نیل شوال در جاجرود لوله شد.

۴۰

شماره سند: ۳-۲۰۶-۹

تاریخ: ۲/ شوال / ۱۲۸۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای مبارک اقدس همایونت شوم، نواب معزالدوله عریضه ای به خاکپای مبارک سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده معروض داشته و پیشکشی به رسم مبارکی تشریف فرمائی شکارگاه همایون تقدیم خاکپای جواهر آسای مبارک نمود مانند، از این چاکر جان نثار هم خواهش نمودند که به عرض عریضه جسارت ورزد و از مراسم شایستگی معزی الیه به شمول عنایات شاهنشاهی روحانفاده عرضه داشت نماید. مراتب خدمت و صداقت ایشان در هر مأموریت بر رأی افتاب ضیای همایون بهتر واضح است، بدان چه قلب مبارک در بذل مرحمت به معزی الیه اقتضا فرماید عین صلاح خواهد بود و شاکر نعمت است.

امره الاقدس الاعلی مطاع مطاع

تاریخ: شوال / ۱۲۸۸

شماره سند: ۲-۲۰۶-۹

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

تصدق حضور همایونت گردهم، فدوی هر چه عرض می کرد که خود را قابل نمی داند که در شکارگاه اعلیحضرت شاهنشاه روح العالمین فداه تیراندازد. قبله عالم محض چاکر نوازی و مرحمت مقرر می فرمودند که فدوی برود و شکار کند، امروز محض اطاعت امر همایون رفته زحمت ها کشید و هفت هشت فرسخ راه دوید و به قدر هزار شکار دید، ولی نتوانست کاری کند. بلی چگونه کسی را قدرت هست که شکار در شکارگاه قبله عالم تواند زد ابتدا اعتنائی به عوالم فدوی نکردند، می دانستند که تیر کسی به آنها نخواهد رسید. انشاء الله فردا شاهنشاه روح العالمین فداه داد فدوی را از آنها خواهند گرفت و شکار خوب خواهند فرمود. فدوی هر وقت به شکار رفته هزار نفر جمعیت جمع کرده و صدمه ها کشیده تا یک عدد شکار کرده، چگونه قادر است که در شکارگاه قبله عالم این طور شکار کند! محض خجالت شکار نکردن یک جمعه طپانچه و یک تفت انار کاشان و یک رأس بره به پیشگاه حضور همایون انقاد داشت، امید قبول دارد.

امر الاقدس الاعلی مطاع

تاریخ: شوال / ۱۲۸۸

شماره سند: ۱-۲۰۶-۹

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم، این که فدوی در اول مأموریت عرض کرد که میرزا قهرمان اگر به قاعده راه رفت و بعضی مخارج بیهوده و شکم به آب زنی های سابقه را زمین بگذارد در خدمتگزاری حضرت والا ولیعهد در آذربایجان نگاه می دارد، در خاکپای مبارک چنین جلوه نکند که فدوی جان نثار متلون المزاج است. عقیده فدوی همین بود،

بعد از ورود به آذربایجان حالتی در بزرگی و کوچکی مردم دید، از حضرت والا ولیعهد و شاهزادگان و حکام و صاحب منصب نظام و عملجات و علما و بیگلربیگی و کدخدایان و اعیان ولایت حتی کسبه که اگر بخواهد او را نگاه دارد مایه رنجش کلی است، به حدی از اطراف منع کردند و نوشتجات نوشتند و حضوراً گفتند که فدوی مستأصل شد، نوشتجات ضیاء الدوله و عضدالدوله و شجاع الدوله و غیره کلاً حاضر است. به نمک اعلی حضرت شاهنشاهی روحنا فداه اوضاع را چنان دیدم که اگر فدوی بخواهد او را نگاه دارد و سختی کند دور نیست فدوی هم ضایع شود. هر گاه نوشتجات آنها را به حضور همایون روانه می داشت مایه زحمت خاطر مبارک می گردید، ولی یک نیم ورقی که حضرت والا ولیعهد به خط مبارک مرقوم فرمود بودند محض این که تحریرات...^{۱۲} کار و رنجیدگی های خاطر حضرت والا را گواه عرض خود نماید انقاد حضور همایون نموده. عمده تحریرات حضرت والا است که ماشاء الله چقدر خوب تحریر فرموده اند و نیز معلوم می شود طبع مبارکشان به چه اندازه انزجار دارد. فدوی با این حالت حضرت والا و عموم مردم چگونه می توانست او را نگاه دارد؟ اشهد الله کفی آذربایجانی باقی نمانده نه رعیت باقی است [و] نه نوکر، در هیچ وقت آذربایجان این قسم نبوده است. عرض دیگر این که سه کتابچه از محاسبات امین لشکر انقاد حضور همایون نمود، یکی کتابچه حمل غله طهران و وجه کرایه و دیگر کتابچه تفاوت عملی قشونی سنه ماضیه است و دیگری کتابچه مأخوذ هذه السنه امین لشکر است در مالیات. خلاصه این سه کتابچه را فدوی انقاد حضور همایون داشت که به نظر انور همایون می رسد.

۴۳

تاریخ: [۱۲۸۸ هـ. ق.]
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 شماره سند: ۸۰-۸
 گیرنده: ناصرالدین شاه

ولایت طهران، به خاکپای اعلی حضرت اقدس همایون روحنا فدا عرضه می دارد

۱۲. یک کلمه خوانده نشد

نمره [ندارد] که توجهات خاطر خطیر همایون و التفات های مخصوص فوق العاده که روز به روز ساعت به ساعت در حق این چاکر جان نثار مبذول می شود، یک نوع معالجه مؤثرانه آن است که دفع هر قسم امراض مزمنه را می کند. از میامن مراحم ملوکانه دیشب شش ساعت از شب گذشته عرق آمد و صبح زود به میدان مشق رفتم در حالتی که یک نفر از صاحب منصبان و سرباز حاضر نشده بودند، بعد کلاً حاضر شدند. سه ساعت در میدان مشق بودم و مشق خوبی کردند به درب خانه آمده مشغول خدمت هستم. از تصدق خاکهای مبارک احوالم در این ساعت عیب ندارد و مشغول کار و خدمت می باشم و دریاچه میدان توپخانه آب بسته شده است و پر از آب است. به جهت اطلاع خاطر مبارک جسارت شد. صدر اعظم

عدد کلمات به تاریخ سنه ۱۲۸۸

۴۴

شماره سند: ۱۷۲- (۱-۱۶۳)

گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: [ذیقعه ۱۲۸۸]

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکهای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط های مبارک و التفات و عنایت های فوق العاده که به این غلام جان نثار شده بود به قدری مایه افتخار و سرافرازی چاکر بی مقدار گردید که اگر مادام العمر به شکرگزاری آن اقدام نماید از عهده یک جزء آن بر نمی آید. خدا انشاء الله تعالی جان جان نثار را تصدق وجود مبارک نماید و مدد توجهات ملوکانه را از جان نثار دریغ ندارد که تواند مصدر خدمتی شد که با تقدیم خدمت روسیاهی های^{۱۳} خود را عذر بخواهد.

در باب بنائی های اندرون دوشان تپه جناب نظام الدوله حین زیارت دستخط مبارک حاضر بودند و از حکم جهان مطاع همایون مستحضر گردیدند و قرار دادند استاد جعفر را بخواهند و به او قدغن نمایند بنائی های آن جا را تا ورود موکب مسعود همایون تمام

۱۳. اصل: روسیائی

کند.

در باب بنائی ضرابخانه سه فقره به نظر مانع اتمام این کار می آید. اولاً نبودن آب به جهت بنائی آن جا، قرار آن را داد و آب جاری و حاضر گردید. ثانیاً احتیاج به تنخواه، چون یک مرتبه تنخواه لازمه به مصرف نخواهد رسید، قرارداد تنخواه به مرور داده شود و دست به کار بنائی زده شود. ثالثاً موسیو داوس گفته است این اسباب ها قدری کم و کسر دارد که هنوز از فرنگستان حمل نشده است. قرارداد این اسباب ها سوار شود، شاید کسر نداشته باشد. بعد از سوار کردن اگر کم و کسری دارد به حاجی شیخ محسن خان تلگراف شود، معجلاً گرفته ارسال دارد. تنخواه استرآباد روانه شد.

امروز که روز شنبه دهم شهر شوال است با این که به زکام شدید گرفتار و مبتلا است در بخانه حاضر شده مشغول دادن تنخواه طایفه جلیله قاجاریه است. امور شهر از فیض مرحوم ملوکانه در کمال نظم است. باران های به موقع آمد. گندم برای فروش کم و زیادی در ب...^{۱۴} می آید نان وفور دارد، بذر و پول روانه ورامین شد. آدم برای بذرکاری به ساوجبلاغ رفت. اطمینانی به جهت بذرکاری حاصل گردید. میرزا عیسی احوالش خوب نیست به تب شدید دائمی مبتلا است، گاهی هذیان می گوید و زمانی به حال می آید، انشاء الله تعالی توجّهات ملوکانه دفع ناخوشی او را خواهد کرد. کارهای نظام انشاء الله تعالی روبه راه است. ناصرالملک و اجزای شورای نظامی همه در کار خودشان اهتمام دارند. افواج همه آنها مشغول مشق هستند. کارخانه باروت راه افتاده است و کارخانه آسیای بخار هم تمام شده است! نقصی در آن نیست.

دیروز و پریروز باران های با موقع در اصفهان باریده است. حسینقلی خان نوشته است. می توانم خاطر اولیای دولت علیه را از برای نسق خالصه اطمینان بدهم، اما از آن طرف اطمینان می خواهم که اگر خرجی کردم و نسقی راه انداختم پنج صباح دیگر رأی اولیای دولت قرار گرفت حکومت اصفهان با نواب حسام السلطنه نباشد، ایشان مخارج مرا البته قبول نمی کنند، آن روز تکلیف من چه چیز است؟ بنیه من تاب لگد این ضررها را ندارد. به مشارالیه نوشتیم اولاً چرا و به چه جهت حکومت از نواب معظم الیه خلع می شود؟

۱۴. یک کلمه خوانده نشد. ظاهراً رونده.

بر فرض محال که خلع شد دولت تا دینار آخر مخارج تو را قبول دارد و خواهد داد بی هیچ اندیشه نسق خالصه را راه بیانداز. حین عرض عریضه چاکر خراسان وارد و نوشتجات نواب والا حسام السلطنه را رسانید، عریضه [ای] که مخصوص خاکپای مبارک باشد نبود. کاغذهایی که به چاکر جان‌نثار به سمت سپهسالاری نوشته بودند با کاغذهایی که به دبیرالملک مرقوم داشته بودند تقدیم خاکپای همایون گردید. انشاء الله تعالی از نظر انور همایون که گذشت، در جواب این نوشتجات و نوشتجات سیاقی ایشان که چند روز قبل از این از خاکپای مبارک گذشته است بر حسب امر علیه همایون کار نظم سرحد را بر عهده ایشان خواهد گذاشت تا بعد هر طور سلیقه همایون و حالت خراسان اقتضا کند حکم و قرار آن را بفرومائید. میرزا محمد علی خان لاهیجانی را فرستاد آورد یک مجلس با او بعضی مذاکرات شد مجدد او را به منزل جناب وزیر امور خارجه فرستاد به همان حالت سابقه باشد تا با اطلاع جناب وزیر قرار کارهای او داده شود. محمد علی خان با سفارت انگلیس حساب‌های خودش را روشن کرد، چاکر جان‌نثار طلب انگلیسی‌ها را خواهد داد و دولت را از ذلت مطالبه آن‌ها فارغ خواهد کرد بعد تنخواه را از وزارت امور خارجه باید گرفت. روزنامه نویسان فرنگستان پاره [ای] نسبت‌های بی‌اصل به دولت علیه داده بدگونی و بدنویسی‌ها را شعار خود کرده بودند. از وضع دولت و انفاقی که به فقرا شده و می‌شود و ترتیب مجلس که شده است و ضروری که دیوان ماه به ماه از برای گشایش مردم متحمل است و در دارالشورای نظامی و هر چه به نظر می‌آمد همه را به سفرای دولت علیه مقیمین لندن و پاریس و پترزبورغ و اسلامبول تلگراف کرد، جواب اسلامبول رسیده است که اصل آن تقدیم خاکپای مبارک شد در آن جا ترجمه شده خاطر همایون قرین اطلاع خواهد شد. خیلی لازم بود که خیالات اهالی فرنگستان را تغییر بدهد که وضع دولت ایران آن نیست که ارباب غرض منتشر داشته و می‌دارند. ایلچی کبیر روس تلگرافی به چاکر جان‌نثار کرده بود که در ضمن عریضه از خاکپای مبارک خواهد گذشت.

در عوض فوج ساوه که مأمور فارس می‌شود حسب الامر الاقدس فوج دیگر تعیین می‌شود که انشاء الله تعالی در اردوی سلطانیه حاضر باشد. در وصول تنخواه و جنس دیوانی انشاء الله کمال اهتمام خواهد شد. جنس ولایات را تشخیص داده است مال

آذربایجان که به فروش رفت از سایر ولایت هم به فروش می‌رسد و قرار قسط آن داده می‌شود که به کار مخارج دولت برسد.

میرزا عبدالله ناظم میزان و یکی دو نفر مستوفی دیگر را تعیین کرده است و به مردم اعلام نموده است که بروات کهنه هر قدر دارند پیش آن‌ها ببرند جمع شود تا معلوم گردد چقدر برات کهنه در میان مردم است. انشاء الله تعالی قرار دادن تنخواه مردم داده شود. طومار بقایای سنواتی را هم گرفته ملاحظه می‌کند هر قدر ممکن و مقدور باشد بلکه انشاء الله وصول شده به کار برات کهنه بخورد. خاطر مبارک در امر قورخانه انشاء الله آسوده باشد، چاکر اهمیت آن را می‌داند و هرگز نخواهد گذاشت کاری به این بزرگی لاطایل بماند همه را راه می‌اندازد که خاطر مبارک از آن آسودگی ابدی حاصل نماید. حین عرض عریضه، امین السلطان وارد شد و خیلی هم به موقع رسید که مشغول امر خبازخانه باشد. احوال میرزا عیسی زیاد بد است خدا به او رحم کند. یک هزار تومان میرزا قهرمان بر حسب حواله امین حضور روز سه شنبه داده بود تسلیم حاجی محمد رضای صراف خواهد شد. پاره [ای] روزنامه‌جات تلگرافی ولایات رسیده بود که به جهت اطلاع خاطر مبارک تقدیم حضور همایون گردید. نوشتجات نواب معتمدالدوله نیز تازه رسید که تقدیم خاکپای مبارک داشت. هر روز و هر ساعت از خواری‌ها تلگراف شکایت می‌رسد که اوصانلوها فلان و فلان می‌کنند. حسین بیگ یاور را فرستاد که اشرار اوصانلو را دارالخلافه بیاورد رسیدگی شود چه کرده‌اند و چرا مصدر این قسم تعدی و بی‌حسابی می‌شوند. بعد از آوردن آن‌ها هر طور معلوم شد البته به عرض خاکپای همایون خواهد رساند. زیاده عرض و جسارتی ندارد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

[سجع مهر پشت سند]: عبدالراجی محمد حسین

[پشت سند آمده است]: نوشتجات و عرایض متفرقه است. ۶ ذی قعدة قوی نیل

۱۲۹۸ در عمارت شهر لوله شد.

تاریخ: [ذیقعدہ/۱۲۸۸]

شماره سند: ۱-۱۹۱-۱۶۳

فرستنده میرزا حسین خان سپہسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای اقدس همایون مبارکت شوم، بعد از آن که تلگراف همدان به آن تفصیل رسید که تقدیم خاکپای مبارک گردید و بیچارگی فقرای آن جا به آن درجه معلوم شد، چاکر جان نثار هوش و حواس خود را گم کرد و فوراً روانه دربخانه شد و معاون الملک را به تلگرافخانه فرستاد با غلامعلی خان، نایب الحکومه همدان و حسام الملک و بهاء الملک سؤال و جواب مفصل کرد که همه در ضمن عریضه عبودیت فریضه از خاکپای مبارک می گذرد. نتیجه سؤال و جواب این شد که هزار (۱۰۰۰) تومان پول نقد خوانین و معارف همدان قبول کرده اند که برای فقرا میان خودشان تقسیم نمایند و عوض یک صد و پنجاه خروار جو که دیوان برای فقرا مرحمت کرده بود گندم عوض بدهند و میرزا حیدرعلی خان و خداداد خان تلگرافچی محصل شدند هر جا در شهر و بلوک سراغ غله و انباری نمایند بشکنند و به بازار ریخته بفروشند و بعد به اسدآباد هم رفته اگر خان لرخان افشار انباری دارد او را مجبور نمایند که حمل و نقل همدان کرده بفروشد، اگر تمکین نکند درب انبار او را مهر کرده زود خبر بدهند تا حکم آن به اقتضای رأی انور ملوکانه بشود. زیاده عرض و جسارتی ندارد. الامر الاقدس الاعلی مطاع یکصد و پنجاه خروار جو در شهر رمضان امر و مقرر شد نان بکنند و به فقرای بیچاره بدهند از برای این که خرواری دو سه هزار [دینار] کرایه بدهند و از بلوک به شهر بیاورند تا حالا نیامده اند و نداده اند. خدا انصاف به این مردم بدهد که ذره ای رحم ندارند.

الامر الاقدس مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدراعظم

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، مسترالیسون وزیر مختار انگلیس از بابت مرض نفرس که به او عارض شده است معذور از بیرون آمدن بود. دیروز دیکسون را احضار کردم و به طوری که لازم بود به موجب تعلیمات همایونی فقره چابهار و حرکت امام مسقط را بالاتر از آنچه بتوانم در این عریضه به تفصیل به عرض خاکپای مبارک برسانم مذاکره نموده پیغام مهم و همان تلغراف وارده را بعینها دادم برد که مسترالیسون ملاحظه نماید. به طوری با عظم و شأن و با اذله حقه مذاکره شد که امیدوارم تأثیر بسیار خوب نماید و امروز عصر جواب شافی خواهد آورد و فوراً به عرض آستان همایونی خواهم رسانید.

چاپار کرمان هم دیروز عصر روانه شد. تحریرات والی فارس به عنوان غلام خان زاده و نظام الدوله رسیده بود بعینها به جهت تشرف به ملاحظه همایونی تقدیم حضور مبارک گردید، جواب های مسکت و کافی حاضر دارم و پاره ای اطلاعات از معامله هذه السنه تحصیل کرده ام که بعد از نوشتن از لحاظ انور اقدس اعلی روحانفاده خواهد گذشت. دیشب از توجه همایونی دستور العمل آذربایجان تمام شد. قوام الدوله نوشته به فدوی خانه زاد داد که از خراسان به عنوان مشارالیه رسیده بود لازم است که از نظر آفتاب اثر خسروانه بگذرد، جسارت نموده لفاً ایفاد خاکپای مبارک گردید. بعد از ملاحظه به هر چه رای انور علاقه بگیرد اوامر همایونی شرف صدور خواهد یافت. سید ابوالحسن شاه نیز دیروز وارد شده نزد فدوی خانه زاد آمد، لکن در ملاء بود و موقع پاره ای سوالات نگردید، در خلوت اسفاسارات لازمه را به عمل آورده به عرض سده سنیه شاهنشاهی روحانفاده خواهم رسانید. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع. نوشتجات نظر آقا شارژد فراز پاریس دایر به عمل کمپانی راه آهن رسیده بود، در لف تقدیم خاکپای مبارک همایونی گردید که از ملاحظه نظر مهر اثر ملوکانه خواهد گذشت.

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

تاریخ: ذیقعدہ/ ۱۲۸۸
 شماره سند: ۲-۱۹۸- (۱-۱۶۳)
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، همان دقیقه که از حضور مهر ظهور مبارک شاهنشاهی روحنا فداہ مرخص شد به طوری که امر قدر قدر همایونی شرف صدور یافته بود جواب تلغراف قزوین و استفسار تلغرافیه به شاهرود را نوشته و فرستادم، تا به حال جواب نرسیده است، هر وقت که رسید فوراً به جهت استحضار خاطر دریا مقاطر ملوکانه تقدیم خواهم نمود. پاره‌ای اخبار با چاپار امروز انگلیس‌ها از هندوستان رسیده است، جسارت ورزیده انفاد خاکپای بی‌زرک گردید. امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحنا فداہ مطاع مطاع مطاع

تاریخ: ذیقعدہ/ ۱۲۸۸
 شماره سند: ۲-۱۹۹- (۱-۱۶۳)
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک ملوکانه مشرف شدم. تلغراف میرزا اسحق خان پانزده روز قبل نوشته شده است و خیالات اول مدحت پاشا را نوشته است و حال آنکه آن خیالات مرتفع شده و وضع دیگر روی کار آمده است. در فقره چابهار بر حسب امر و فرموده شاهنشاهی روحنا فداہ امشب که دبیرالملک در منزل غلام خانه زاد است احکام لازم را می گویم بنویسد و فردا چاپار مخصوص به کرمان خواهم فرستاد. وکیل الملک که حالا با جمعیت در سفر است برود و آن‌ها را حتماً بیرون کرده ساخلو گذارده معاودت نمایند. از مدلول دستخط مبارک وزیر امور خارجه را استحضار می دهم. امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

شماره سند: ۱-۲۱۲-۹

تاریخ: ذیحجه / ۱۲۸۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

مخابره تلگرافی دولت علیه ایران ولایت طهران

به خاکپای مبارک اقدس همایون روحنا فداء عرضه می دارد،

خداوند انشاءالله جان ناقابل این غلام را تصدق خاکپای مبارک نماید که مدد توجه و التفات مخصوص خاطر مبارک آن به آن غلام خانه زاد رسیده و می رسد. از اشتغال این غلام استفسار فرموده بودند، در اتاق نظام حاضر است و مشغول کارهای نظام از قبیل مهر کردن بروات اسناد خرج و غیره و احکام متعلقه به نظام می باشد. جهانسوز میرزا را هم حاضر کرده در تهیه انجام کارهای اوست که بی معطلی روانه بشود. از یک طرف هم موجب جیره افواج داده می شود که انشاءالله تعالی طلب آن ها به سال نو نیفتد. از توجهات خاطر ملوکانه دستورالعمل ها کلاً دیده شد، حتی دستورالعمل های قشونی دیده شده است، دیشب تا قریب نصف شب نشسته و همه دیده شد، سوای آذربایجان و خراسان که آن ها را هم از دو ساعت به غروب مانده مشغول خواهد شد تا هر وقت شب که بکشد تمام بشود و مستوفی ها دستورالعمل های ولایات را تمام کرده بدهند که به نظر همایون رسیده ارسال ولایات بشود. صدراعظم

عدد کلمات ندارد به تاریخ ۲۶ شهر ذیحجه سنه ۱۲۸۸

شماره سند ۱-۲۳۰-۱ (۱۶۳-۱)

تاریخ: محرم / ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، در فقره معهود اگر در نظر بارک درست بیاید و دستخطی رأساً مرقوم فرمایند به طوری که به کسان او توان ارائه

نمود، به اعتقاد ناقص فدوی خانه‌زاد اسباب سرعت انجام فرمایش همایونی می‌تواند شد
والآ به هر چه امر قدر قدر ملوکانه شرف صدور یابد اطاعت خواهم نمود. غلام خانه‌زاد
مقدمات مسئله را چیده‌ام.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۵۱

شماره سند ۲۴۳-۱۶۳

تاریخ: محرم/۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، بر حسب امر و اراده اصابت
عادت همایونی روحانفاده مبلغ یکهزار و پانصد تومان به این تفصیل، امپریال پانصد عدد،
هزار تومان وجه رایج، پانصد تومان تقدیم حضور مهر ظهور مبارک شد. چون عجالاً
تنخواه خوار هنوز به حیطة وصول نرسیده است و اسناد او نزد امین السلطان است استدعا
عاجزانه این غلام خانه‌زاد بر این است که دستخط مبارک در تقدیم این وجه به خاکپای
انوراعلی روحانفاده شرف صدور یابد که سند فدوی تواند بود، هر گاه باز وجهی علاوه
بر این مبلغ به جهت مخارج در جاجرود لازم باشد به محض امر همایونی فوراً اطاعت
نموده خواهم فرستاد. پنجهزار و دوست تومان قیمت انفیه دان‌ها چنانچه مقرر گردیده
است حاضر خواهد بود که پس از معاودت موکب اقدس همایونی به خاکپای مبارک
تقدیم شود.

دیروز امین السلطان فرمایش ملوکانه را درباره بقیه تنخواه نواب مستطاب علیه عالیه
انیس الدوله دامت شوکتها ابلاغ نمود، چون استحضار تمام نداشتم جواب شافی نتوانستم
معروض داشت. دیشب منشی حضور را خواستم و از کیفیت استفسار نمودم معلوم شد
حق با خدام نواب معظم لها است، یک هزار تومان از تنخواه هفت هزار تومان ایشان باقی
است، گفتم از این وجوه حاضر نمایند، در دفعه ثانی که عرایض عبیدانه این غلام جان‌نثار

تقدیم حضور مهر ظهور همایونی می گردد مبلغ مزبور نیز انقاد شود.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدراعظم

۵۲

شماره سند: ۲۴۷ و ۲۴۶-۱۶۳

تاریخ: محرم/۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده که در صدر عریضه فدوی جان نثار شرف صدور یافته بود موجب مفاخرت و مباهات جدید گردید. در فقره خیابان بدیهی است که تکلیف چاکر تقویت است و تکلیف وزیر امور خارجه مراقبت و محافظت. چه وقت مرتکب قطع اشجار را گرفته نزد فدوی خانه زاد آوردند که تنبیه و سیاست نشد و چه وقت مرسوم و مواجب مستحفظین را ندادم و تأخیر انداختم تا اسباب ضعف در عمل حراست گردد وزیر امور خارجه بیست سال در خاکپای مبارک به الفاظ مترادفه و عبارات متسلسله خود را بی طمع و درستکار و دولت خواه قلم داد و هر چه خواست به مراسم و رسم وسیله برات صادر کرد و تنخواه گرفت و امر را مشتبه نمود و آبروی دولت را در فرنگستان والله بالله تالله از بابت طمع مفرط و سرشار تفضیح نمود. حالا می بیند آن تدابیر و اشتباه کاری ها و الفاظ مترادفه تأثیر ندارد و به حقیقت رسیدگی می شود و بروات جزو بی معنی صادر نمی گردد و قیمت تذکره که هر سال به اشتباه دو هزار تومان می داد و چهار هزار تومان مواجب از برای کس [و] کار و اقوام خود به اسم مواجب مباشری تذکره می گرفت، حالا باید ده هزار تومان بدون خرج بدهد و شخص دیگر حاضر است که پانزده هزار تومان می دهد. ظاهراً جای حرف و شکایت باقی نیست و می بیند باقی گیلان را بعد از آن که پنجاه هزار تومان رعایت از او شد هجده هزار تومان را حتماً می گیرند و اگر فدوی نبودم به یک عریضه متضرعانه او را هم نمی داد، منتظر است که وسیله پیدا بکند و ببیند تأثیری در تدابیر

سابقه‌اش باقی مانده است یا خیر. عجالتاً از بابت امتحان در فقره خیابان خواست خودی بنماید. قلب مبارکتان را مطمئن داشته باشید که در خدمات دولت اشخاص به هیچ وجه منظور این غلام نیستند و کار ملاحظه می‌شود و بس.

افراد حساب امین السلطان به خود مشارالیه داده شده و امروز به واسطه خودش از ملاحظه نظر انور همایونی روحانفاده خواهد گذشت. حساب امین حضور تمام شد، احتمال کلی می‌رود خلاصه او فردا که پنجشنبه است از لحاظ انور اقدس اعلی روحانفاده بگذرد. حساب شصت و دو هزار تومان به جز یک فقره غله بر و جرد که ضیاء الملک باید بدهد و روز یکشنبه در دربار اعظم تمام خواهد شد چیزی باقی نمانده است و همه تمام شده است. مشکل تراز همه فقره غله عراق و میرزا سید احمد بود که تمام شد و به عرض حضور انور خواهد رسید. در فقره تدارک سفر فرنگستان مرقوم شده است که از این بهتر باید در تدارک سفر فرنگستان بود، به خاکپای مبارک شاهنشاهی روحانفاده سوگند است که این غلام خانه زاد دقیقه‌ای آرام و آسایش ندارم و یک حواس خانه زاد به پنجاه طرف قسمت می‌شود، با وجودی که منشی حضور ابلاغ موکد از جانب سنی الجوانب در باره ترتیب مجلس (سواره) و دعوت سفرا و مأمورین خارجه و اشخاص ملتزم رکاب مبارک نمود و در سایه همایونی شب سه شنبه گذشته ابتدای تجمع آن‌ها بود و تا ساعت نه از شب رفته بودند باز بنده کمترین اول طلوع آفتاب روز چهارشنبه در یخانه حاضر به انجام امورات بود، همان دیشب که دستخط مبارک رسید ناصر الملک و وزیر فواید [۲۴۶] و منشی حضور در خانه وزیر فواید جمع و مشغول اتمام دستور العمل لباس و غیره سفر بودند.

تلگرافی از ملکم دیروز رسید که بعضی رمز و برخی غیر رمز بود، ترجمه نموده در جوف از لحاظ انور همایونی می‌گذرد به هر چه امر و مقرر گردد جواب باید نوشته شود. از اتفاقات امسال که تالی سال قحط و مردم همه شکسته و ضعیف و بی بضاعت هستند و وصول تنخواه کمال اشکال را دارد، مخارجی روی داد که در هیچ سال این قبیل مخارج نبود. گذشته از آن سیاهه که در جاجرود به نظر مبارک رسانیدم چهل و دو فوج به غیر از

ساخلوهای متعدد^{۱۵} باید به جهت اردوها حرکت داد و همین فقره یک مخارج فوق العاده ای است که حالت ما تحمل او را ندارد. قریب شصت هزار تومان قیمت ملبوس این هاست که به نمک مبارک همایونی روحانفاده قسم است دیروز و دیشب با هزار زحمت و مرارت هزار تومان و پانصد تومان از این طرف و آن طرف قرض نموده چهارده هزار تومان دفعهٔ واحده امروز باید به ملبوس بدهم تا تتمه را متدرجاً برسانم و به همهٔ مردم اخبار نموده ام که روز غره ذیحجه در سایهٔ مبارک همایونی جمیع بروات داده خواهد شد، یا باید وفا به وعده نمایم یا خود را بکشم، شق ثالث ندارد و انشاء الله با توجه باطنی ملوکانه وفا به وعده خواهم نمود. کردستان بیست و هفت هزار تومان باقی تحت کتابچه باید به خزانه بدهد و مبلغی حواله به قاطر خانه و غیره کرده بودم، دیروز معتمدالدوله صورت حسابی فرستاده و مخارجی قلمداد کرده است که بعد از بیست و هفت هزار تومان یک هزار و پانصد تومان دیگر دستی می خواهد و هم چنین مویدالدوله هشت هزار تومان بایست بدهند، فردی^{۱۶} که به نظر مبارک می رسد به غیر از مخارج اردوی زهاب که چند بشود عجالتاً هشت هزار دیگر دستی می خواهد و هم چنین خراسان و آذربایجان و غیره از بخت فدوی چنان اتفاق افتاد که اغلب مخارج فوق العاده سنواتی به امسال تصادف نمود. این فقرات معروضه از بابت شکایت و اظهار عجز هیچ کدام نیست بلکه تنها از بابت جزئی استحضار خاطر مبارک از حالت غلام خانه زاد است و انشاء الله از توجه خاطر خطیر همایونی روحانفاده همه را به نحو اتم صورت داده و نمی گذارم غبار کدورت به قلب مبارک برسد فوج مراغه انشاء الله فردا که پنجشنبه است در دوشان تپه از ملاحظهٔ نظر انور خواهد گذشت در فقرهٔ دروازه ها همان دیشب که دستخط مبارک زیارت شد فوراً رقعہ به علاء الدوله نوشتم جوابی به خط خود نگاشته است که از لحاظ مبارک خسروانه خواهد گذشت. حساب وجوه مخصوص را مؤکداً به معاون سپردم که اصرار نموده تمام کند. خداوند جان ناقابل این غلام خانه زاد را تصدق وجود مبارک نماید آمین

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[۲۴۷] [نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۱۵. اصل متعاد

۱۶. منظور صورت حساب است

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، پریروز بعد از مرخصی از خاکپای ملوکانه روحانفداه در بین راه تب شدیدی عارض شد و تا حال عرض عریضه که صبح شنبه است باقی است، لکن چون چند فقره کار که از جمله حساب غلّه میرزا زکی ضیاء الملک است سفارش کرده ام حاضر نمایند و از بابت این که عادت متروک نشود، به هر قسم است به دربار اعظم رفته مشغول امورات می شوم، شاید از توجه مراحم همایونی همین اشتغال به امورات رفع تب نماید، اگرچه پریشب و دیروز و دیشب هم متصل مشغول بودم.

تلگرافی از ناظم الملک دیشب رسید ترجمه کرده تقدیم خاکپای مبارک گردید. به حمدالله اخبار ساره متوالیه می رسد و این جواب تلگراف غلام خانه زاد است که قبل از وصول تلگراف اخیر او نوشته و استفسار کرده بودم که آیا امپراطور و پرنس قارچاقوف را ملاقات نموده است یا خیر؟ جواب هائی که از برای تعیین روز حرکت و غیره بایست به مشارالیه نوشته شود دیروز فرستاده ام و همچنین تلگرافی به حاجی محسن خان و نظر آقا تلگراف کردم که برای هر یک دو هزار تومان از بابت سنواتی حاضر کرده ام که باید داده شود؟ جواب آنها هم فردا یا پس فردا خواهد رسید و به عرض خاکپای مبارک خواهم رسانید. تلگرافی از مؤید الدوله رسیده است، بعینها تقدیم شد. از تصدق فرق همایونی کار زهاب و قصر هم خیلی خوب است. به هر چه امر همایونی شرف صدور یابد جواب به مشارالیه نوشته خواهد شد. پنج لوله جواب نوشتجات ولایات از ملاحظه نظر انور همایون شاهنشاهی روحانفداه خواهد گذشت. خداوند انشاء الله جان ناقابل این غلام خانه زاد را به تصدق وجود مسعود مبارک نماید. آمین

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

تاریخ: محرم ۱۲۸۹

شماره سند: ۲۱۶-۹

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: —

هو

برادر عزیز مهربان من، رقعہ شما کہ مبلغ اوامر و فرمایشات مطاعہ سرکار اقدس ہمایون شاہنشاهی روحنافتادہ در خصوص درخت های خیابان شمیران بود رسید و فوراً همان رقعہ را بہ جهت اطلاع جناب وزیر امور خارجه فرستادم. الان رقعہ جوابیہ ایشان رسید لفاً بہ جهت عرض خاکپای جواهر آسای ملوکانہ تقدیم می نمایم. بہمین جواب اکتفا نکرده فردا آدم درستی بہ جہت معاینہ تمام خیابان و حالت درخت های آنجا خواہم فرستاد و راپورت او را باز بہ اطلاع شما می رسانم کہ عرضہ دارید و آنچه لازمہ مراقبت و دقت است بہ عمل خواہم آورد و از هیچ نوع تقویت مضایقہ نخواہم کرد کہ منظور ہمایونی بہ عمل آمدہ باشد. البتہ تفصیل را بدون تأخیر عرضہ [می] دارم.

تاریخ: ۱۶ صفر ۱۲۸۹

شماره سند: ۲۴۱-۹

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس ہمایون مبارکت شوم،

دیروز نوشتہ حسام السلطنہ کہ در جواب کاغذ محرمانہ غلام خانہ زاد نوشتہ بود تقدیم خاکپای انور اعلی روحنافتادہ نمود. سایر نوشتجات رسمی معزی الیہ کہ بحمد اللہ از ہمہ بوی امنیت و فراوانی و انتظام امر می آید ایفاد حضور مهر ظهور مبارک گردید. دیروز عصر پاکت دیگر از معتمد الدولہ رسید و امروز صبح ہم باز گماشتہ دیگر معزی الیہ آمد و جواب تحریرات و احکامی کہ بہ توسط احتشام الدولہ فرستادہ شدہ بود آورد. عریضہ بہ خاک پای جواهر آسای ہمایونی معروض داشتہ در تحریرات بہ عنوان خانہ زاد باز همان معاذیر سابق را بہ ضمیمہ استخارہ کلام اللہ نگاشتہ و حکومت کرمانشاہ را بہ جہتہ اویس

میرزا با پیشکاری مشیر لشکر مناسب دیده است. جمیع نوشتجات از لحاظ انوراعلی روحنافداه خواهد گذشت و به هر چه امر قدر قدر ملوکانه شرف صدور یابد این غلام خانه زاد فوراً به موقع اجرا خواهد گذارد. ترجمه (پروژه) کمپانی جدید و ترجمه مراسم که به این غلام نوشته است در جوف از نظر مبارک خواهد گذشت. تلغرافی از حسنعلی خان و تلغراف دیگر از میرزا عبدالرحیم خان وزیر مختار پطربورغ و تلغرافی از میرزا عباس خان رسیده بود. هر سه را ترجمه نموده تقدیم نمود و آنچه را میرزا عباس خان خواسته بود فوراً به حسنعلی خان تلغراف کردم. اگر جواب بدهد و کاری بکند خوب است. مدحت پاشا که عجالاً موافقت می نماید. دستخط مبارک جهان مطاع که در صدر عریضه چاکر خانه زاد شرف صدور یافته و از راه کمال مرحمت این ذره بی مقدار را در تعیین حاکم و پیشکار فارس مختار فرموده بودند زیارت نموده نهایت افتخار و مباحات حاصل کردم. بدیهی است که این خانه زاد احدی را بر شاهنشاهزاده اعظم افخم ظل السلطان با پیشکار معقول و درستی ترجیح نمی توانم داد. عجالاً از بابت بوشهر و مضافات و نیریز و بهبهان مبلغ کلی تفاوت عمل حاصل شده که در حین شرفیابی به خاکپای مبارک اعلی عرضه خواهم داشت. بحمدالله امورات شهر و کثرت نعمت و آذوقه در کمال انتظام است و هر روز به فقرای اناثیه و غیره وجه تصدق به جهت سلامت ذات فایض البرکات همایونی داده می شود. خداوند جان و مال این غلام را تصدق وجود مسعود همایونی نماید. آمین.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدراعظم

[دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]: سنه ۸۹ بیچی ثیل در عباس آباد لوله شد. ۱۶ صفر

۵۶

شماره سند: ۳۵۲-۱

تاریخ: ۲۳ صفر ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

بر حسب امر قدر قدر ملوکانه روحنافداه، به تاریخ روز جمعه ۲۴ شهر صفر ۱۲۸۹

جنابان نظام الدوله و علاء الدوله و مقرب الخاقان امین حضور و امین السلطان و معمار باشی و استاد جمفر، در منزل صدراعظم حاضر شده فرمایشات همایونی را درباره بنائی های هریک بنا به مدلول دستخط جهان مطاع شاهنشاهی روحنافدا اصفا* نمودند. جناب نظام الدوله گفتند: از بابت پول مصالح بنایی به هیچ وجه حرفی و اشکلاتی ندارم، معطلی که دارم از برای مال حمل است. دولت از دو کار یکی را با من بکند یا تا غرة ربیع الثانی مرا به حالت خود بگذارد، به این معنی که در تکیه و ضرابخانه باز همه روزه کار می کنم، لکن به قدر مقدور و از غرة ربیع الثانی در کمال شدت کار کرده و بنائی ها را تمام می نمایم. با این که حالا دولت دو بیست عدد مرکب ابتیاع نموده علیق بدهد و از ما کرایه گرفته مصالح حمل نماید. از حالا به شدت مشغول کار خواهم بود. چون ابتیاع و نگاهداری مرکب به جهت دولت حالا اشکال دارد قرار شد روزی به قدر دو هزار آجر کار شود و از غرة ربیع الثانی بدون عذر با شدت هر چه تمام تر مشغول شوند. جناب علاء الدوله گفتند: من هم همین عذر را دارم، لکن در خندق که احتیاج به مصالح نیست. کار می شود و به اتمام می رسانم و در دروازه ها هم کاشی کاری و بنایی جزئی می نمایم. از غرة ربیع الثانی از روی جد و شدت مشغول کار شده تمام می کنم و تنخواه خود را نیز ماه به ماه از قرار حواله مراقبت نموده از گمرک دریافت می نمایم و شما هم تقویت لازم را در ایصال تنخواه نمائید. صدراعظم هم قبول کمال تقویت را نمود. امین حضور گفت که بنائی در قوه من نیست تنخواه که جمع من شده است وصول کرده به معمار باشی می دهم و او بنائی و تعمیر را بکند، معمار باشی هم قبول نمود و خیلی به دقت مشغول کار خواهد شد. امین السلطان حرفی نداشت قرار بنائی های یوسف آباد و بهجت آباد را صدراعظم داده است و معطل هیچ کار نبوده و مشغولند. در خفیه فرستاده شود معاینه فرمایند. معمار باشی کارهایش روبه راه است، قدری تنخواه به او باید داده شود همین که طومار به لحاظ انور اعلی رسید هر قدر مقرر فرمودند صدراعظم تنخواه نقد خواهد رسانید.

[نقش مهر پشت سند]: صدراعظم

هو

قربان خاکپای اقدس انور همایون شاهنشاهیت شوم، خانه زاد غلام امروز برای اتمام مفاصای کردستان و به مهر رساندن بعضی فهرست اسناد خرج و غیره به شهر آمده بود. در بازار گرمک و هندوانه خوب دیده حیقم آمد که به جز شاهنشاه کسی بخورد هر چه بود یک بار شد گرفته به خاکپای همایون فرستاد، انشاء الله به سلامتی نوش جان فرمایند. اما انصافاً اگر می دانستم در شهر این قسم شهرت ها خواهم شنید و اخبارها و خواهم دید که کنکاش ها و هم عهدی های مردم به این زودی اثر کرده و از برای معاندین دوستان مشیرالدوله که در حقیقت شاه پرستان هستند، این قسم تشفیة قلب حاصل شده هرگز امروز شهر نمی آمدم. در هر حال خداوند صد و بیست سال به شاهنشاه عمر بدهد. خدمت و صداقت و شاه پرستی و خیرخواهی مردم امروز معلوم نشود، چهار روز دیگر معلوم می شود. انشاء الله خدا همه را تصدق وجود شاهنشاه کند و الله العلی العظیم باطن و نمک شاهنشاه زود می گیرد و به خدا مردم حیوان هستند که عبرت نمی گیرند. آقاخان صمصام الدوله در غیاب موکب همایون اول شخص بود که مردم را تحریک کرده و آن فساد را بر پا نمود و بعد از آمدن موکب همایون مورد التفات و صاحب اداره شد. امروز به حمد الله معلوم شد که هر فوجی در طهران شورید محرکش از او بوده و اولین مفسدات مخصوصاً فوج زرندی را تحریک کرده بود نمک پادشاه اثر کرده تحریک و فسادش به جناب علاء الدوله ظاهر شد به سزای خود خواهد رسید. قربان وجود شاهنشاه بروم حالا هر چه می خواهند بکنند، پس فردا نمک پادشاه اثر خود را خواهد کرد. هر کس داند خدا و قلب و صداقت به ولی نعمتش اول و آخر خدا شاهنشاه را حفظ کند. همه چیز خوب می شود.

* تشفیة: آرامش خاطر

شماره سند: ۲۷۰-۱۶۳

تاریخ: ربیع الاول/۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس مبارکت شوم، دستخط آفتاب طلعت که در باب باقی حساب قوام الدوله شرف صدور یافته بود زیارت شد و مایه شرف مباهات گشت. امروز دوشنبه بیست و هفتم است. قوام الدوله را خواسته سؤال و جوابی کردم عجالاً حاصل سؤال و جواب این شد که قوام الدوله با کدورت رفت چون در گفت و شنود خیلی سختی کردم زیاد خسته و بد حال مراجعت کرد. انشاء الله تا مراجعت موکب همایون یک بار دیگر با او حرف می‌زنم آنچه حاصل حرف شود در زمان شرفیابی خاکپای مبارک عرضه می‌دارم. چون سه‌شنبه کارهای وزارت خارجه و دیوان عدلیه را رسیدگی کرده، الان که نزدیک ظهر است اردوی قشونی برای سان سواری مهاجر...^{۱۷} و تنبیه اشرار آنها می‌روم و از آن جا بر حسب امر قدر قدر [به] نیاوران رفته انتظار او امر ملوکانه را دارم. امر امر همایون جهان مطاع روحانفداه است.

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

شماره سند: ۲۷۱-۱۶۳

تاریخ: ربیع الاول/۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحانفداه که به افتخار این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود موجب هزاران افتخار و تشکر و مباهات فدوی گردید، از مرده تشریف فرمائی موکب همایون در روز شنبه آینده حمد و شکر خداوند را به جا آورده فوراً امین السلطان را اخبار

۱۷. یک کلمه نامفهوم

نموده که مال به جهت حمل بنه همایونی حاضر و روانه نماید. خادمان حرم جلالت کلاً به سلامتی و سعادت دیروز به نیاوران تشریف آوردند. در خصوص کدورت قوام‌الدوله استفسار همایونی شده بود، طمع ماها حدّ یقف ندارد، اگر چه قریب به موت باشیم. قوام‌الدوله ابداً تصور نمی‌توانست کرد که چاکر فدوی تمکین به تخفیف دادن به او بنمایم، بعد از آن که مرحمت ملوکانه را شامل حال خود دید و دفعهٔ واحده بیست و شش هزار تومان به او مرحمت فرمودید خود را راضی نمی‌کرد و مطالبهٔ هل من مزید می‌نمود و غلام خانه زاد هم انکار صرف در تزیید تخفیف داشتیم و دارم، به این جهت ممنوناً از نزد بنده بیرون نرفت، لکن انشاء الله در معاودت موکب مسعود شاهنشاهی روحانفاده کار بر وفق صرفه دیوان تمام خواهد شد. دیروز به اردوی نظام می‌رفتم و تا عصر آن جا بودم، سان مهاجرین دسته عبدالقادرخان را دیدم آن‌هایی که از خارج داخل مهاجر شده بودند اخراج نمودم و دونفر از مهاجر که افساد در میانهٔ آن‌ها می‌کردند تنبیه نمودم و بقیه را مهلت دادم که روز ۱۰ ربیع‌الثانی با اسب و اسباب مجدداً سان داده مأمور خراسان شوند و حاضر خواهند شد. اوضاع اردو خیلی خوب بود و بعد از حرکت از سر آسیاب و آمدن به بالای قصر ناخوشی بسیار کم شده است و حالشان به بهبودی است. غرهٔ ماه ۲۲ بالای سلطنت آباد که مقر دائمی باشد خواهند آمد. عجالتاً^{۱۸} خبری قابل عرض نرسیده است که به عرض آستان مبارک همایونی برسانم. خداوند جان ناقابل خانه زاد را به تصدق وجود مسعود مبارک نماید. آمین ثم آمین.

۶۰

تاریخ: رجب/۱۲۸۹
 شماره سند: ۲۰۱-۹
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، بحمدالله از تصدق فرق مبارک شاهنشاهی روحانفاده امورات شهر دارالخلافة و جمیع ولایات ممالک محروسه در

۱۸. اصل: عجالتاً

کمال نظم و خوبی است. وفور نعمت و امنیت و قلت ظلم و تعدی موجب دعاگونی عامه شده است. غلّه انبار همه روزه وارد می شود و انشاء الله تا آخر عقرب پانزده هزار خروار گندم تهران کلاً و از گندم های ولایات هم به قدر هفت هشت هزار خروار وارد انبار خواهد شد. خاطر مبارک همایونی مطمئن باشد نوشتجات ولایات را غره رجب فرستادم و خلاصه آن ها خارج نویس شده، الان در جوف عریضه تقدیم حضور مهر ظهور ملوکانه می گردد. مرقوم شده بود که از حالا [به بعد] هم فردی بنویسد که چه قدر تنخواه از ولایات رسیده و به چه قبیل اشخاص داده شده است که در ورود موکب مسعود همایونی به عرض خاکپای مبارک برسانم. غلام خانزاد چنانچه در عرایض سابقه خود عرض نموده ام به همین طور که حالا امر شده است قبل از وقت حاضر نموده ام و از ملاحظه انور اقدس اعلی روحنا فدا خواهد گذشت.

امر قورخانه هم از روزی که فدوی به نظامیه آمده ام می توانم گفت روبه راه است، زیرا که روزی دو مرتبه از وضع و کار آن ها استحضار حاصل می نمایم. روز پنجشنبه سه عراده توپ خاندار از نو خواهند ریخت و خود خانزاد حاضر می شوم. راپورتی از قورخانه در خصوص سوار کردن توپ های خاندار از ناصر الملک رسیده بود تقدیم نمودم. دیروز عصر در اردو مشق شلیک کردند به قدری خوب شده اند و چابک مشق می نمایند که فدوی لذت بردم. روز پنجشنبه هم به جهت مشق تیراندازی توپ رفته بودم آن ها هم خیلی خوب تیراندازی کردند. انشاء الله در سایه مبارک روز به روز آثار ترقی ظاهر است. حسنعلی خان وزیر مختار اسلامبول وارد رشت شده و چند روز دیگر وارد دارالخلافت خواهد شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۶۱

شماره سند ۱۸۶-۹
گیرنده: ناصر الدین شاه

تاریخ: رجب/۱۲۸۹
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر اسای اقدس همایون مبارکت شوم، اگر چه این غلام خانزاد

در این روز عید سعید ولادت حضرت امیر مؤمنان و مولای متقیان که خداوند به حرمت آن بزرگوار و اولاد طیبین و طاهرین آن بزرگوار بر عمر و شوکت و قدرت همایونی روحانفاده بیفزاید و در جمیع افعال و حرکات ذات اقدس ملوکانه را تأیید فرمایند، از زیارت جمال عدیم المثال مبارک محروم و مهجورم، محض این که در زمره خدام آستان ملایک پاسبان ذکری از این بنده ذلیل شود به عرض این عریضه عبودیت فریضه جسارت ورزیده و یکصد عدد باجاقلوی روس به رسم پیشکش در این روز مبارک تقدیم حضور مهر ظهور شاهنشاهی روحانفاده نمودم. امیدوارم که از امر به قبول این غلام خانه زاد را بین الامثال مفتخر و سرافراز فرمایند.

بر حسب امر قدر قدر ملوکانه دیشب آتشبازی و چراغان مکمل به عمل آمد و امروز هم ساعت دیگر سرکار شاهنشاه زاده اعظم نایب السلطنه زید شوکت از منظر به تشریف آورده به سلامت وجود مسعود مبارک سلام و شلیک به طوری که امر مقرر شده بود به عمل خواهد آمد. خداوند جان ناقابل این ذره بی مقدار را هر آنی هزار مرتبه به تصدق خاکپای مبارک گرداند. آمین

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۶۲

تاریخ: رجب / ۱۲۸۹
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۱۸۹-۹
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، روز یکشنبه بعد از مرخصی از آستان ملایک پاسبان همایونی روحانفاده چهار ساعت به غروب مانده وارد نظامیه شدم و فوراً در صدد انجام فرمایشات همایونی برآمدم. اول میرزا عیسی وزیر را خواستم با او مذاکره نمودم و قرار نرخ نان سنگک را بر حسب میل و اراده ملوکانه از قرار منی ده شاهی دادم که از غره شعبان تا خرمن آینده انشاء الله در همین نرخ به طور وفور باقی

و برقرار بماند. اعتقاد وزیر دارالخلافه این است که به طور سهل و وسعت این اراده اصابت عاده ملوکانه مجری و معمول خواهد گردید. تلغراف حاجی محسن خان را به طوری که فرمایش خسروانه شرف صدور یافته بود به خط رمز نویسانیده فرستادم، صورت او تقدیم خاکپای مبارک اقدس اعلی گردید. دبیرالملک را نشاندهام احکامات خراسان و قاین و سیستان را می نویسد که با مأمور مخصوص فرستاده شود و همه آن ها بعد از اتمام به عرض حضور مهر ظهور مبارک خواهد رسید و فرستاده می شود. ناصرالملک و امیر توپخانه و حاجی سعدالدوله و سایر رؤسای قشونی را اخبار کرده ام که فردا شب در نظامیه حاضر شوند و به غیر از اهل نظام کسی دیگر نباشد تا قرار اردوهای تهران و خراسان و استرآباد و کرمان و اصفهان و کرمانشاهان و عدد افواج آن ها را معین کرده به عرض خاکپای مبارک برسانم و از حالا احکام به جهت تهیه آن ها فرستاده شود تا قبل از عزیمت همایونی همه اردوها منعقد باشند. به میرزاعیسی دستورالعمل دادم که رفته قنات مبارک و عمارت ملوکانه را بازدید نماید و قدر خرج و استعداد آبی آن جا را مشخص کند تا بر حسب اراده ملوکانه آب به جهت باغات لاله زار و نگارستان و غیره تهیه شود و در کمال شدت تأکید کردم طوری تدارک خود را به جهت آسیاب های اطراف طهران ببیند که به هیچ وجه به آب قصر محتاج نباشد و به آب قنات دیوانی تصرفی نکنند.

تلغرافی از مؤیدالدوله در باب تعیین حاکم زهاب و غیره رسیده بود، تقدیم حضور مبارک نمودم و جوابی مطابق اوامر شفاهی شاهنشاهی روحناده نوشتم که سواد او از لحاظ انور اقدس اعلی روحناده می گذرد. سایر فرمایشات شاهنشاهی را از روی یادداشت کلاً مشغول انجام هستم و انشاءالله در ورود موکب مسعود همایونی به سلطنت آباد به عرض خاکپای همایونی خواهم رساند. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

در حین معاودت از شهر ستانک فرستادم به ضرابخانه سرکشی نمودند که آیا شروع به کار کرده اند یا نه معلوم شد که در همان روز شروع نموده اند. دو بنا و چهار ناوه کش چهارده عمه مشغول کار بودند. همین که شروع کرده اند انشاءالله دیگر مانعی در اتمام

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر پشت سند]: صدراعظم

۶۳

تاریخ: رجب / ۱۲۸۹
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند ۹-۱۹۰
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، درباره سیستان امر همایونی شرف صدور یافته بود که غلام خان‌زاد رای و سلیقه عاجزانه خود را در قبول حکمیت جنرال گولد اسمیت یا رجوع کار به لندن عرضه دارم و تنها به میل همایونی واگذار ننمایم، چون غلام فدوی احاطه همایونی را در امور پورتیک و غیره به درجه اعلی می دانم منتظر خواهم بود که تحقیقات لازمه از روی نقشه ذوالفقار خان به عرض آستان مبارک برسد و بصیرت تأمه از تصرفات سابقه و وضع حالیه حاصل شود، آن وقت غلام خان‌زاد نیز عقاید خود را عرضه داشته به امر و اراده همایونی واگذار نمایم.

در خصوص امیر قاین دیروز مستر طامسن نزد خان‌زاد آمده بود، مدلول دستخط مبارک را به مشارالیه القاء نموده و منت گذاردم که سرکار اقدس شاهنشاهی روحانفاده چه قدرها در تقویت حسن مرادده با دولت انگلیس سعی و اهتمام می فرمایند، زیاده از حد مملون و متشکر شد. حقیقتاً مرادده با دولت انگلیس به هیچ وجه مشابهت به سابقه‌ها ندارد. دیروز مستر طامسن می گفت: خیالات دولت علیه ایران در تزئید مودت با دولت انگلیس به لارد عزانویل نوشته بودم جواب خیلی طولانی نوشته است که باید آورده به جهت شما قرائت نمایم، وقت خواست که فردا سه ساعت به غروب مانده کاغذ مزبور را نزد بنده کمترین بیاورد. مضمون او را به عرض خاکپای مبارک خواهم رسانید. پاکتی از حاجی محسن خان رسیده بود که بعینها تقدیم مبارک نمودم از لحاظ انور خواهد گذشت. تلگرافی از حاجی ظهیرالدوله در باب سیاست رسیدن سارقین و قاتلین

انگلیس بر حسب امر قدر قدر ملوکانه رسیده بود، از لحاظ انور همایونی خواهد گذشت. مزده تشریف فرمائی موبک مسعود همایونی را در ۱۷ شهر حال مرقوم و این بنده خانه زاد را از این بشارت و ترقیم سلامت وجود مبارک و رفع جزئی نقاهت احیا فرموده بودید. خداوند جان نالایق و ناقابل خانه زاد را هر آنی هزار مرتبه به تصدق خاکپای مبارک نماید و اگر نقاهتی به جهت وجود همایونی مقدر شده است به اضعاف مضاعف نصیب و روزی فدوی گرداند. آمین.

اردوی نظامی بر حسب امر و فرموده همایونی همین روزها که تعمیر سربازخانه‌ها تمام خواهد شد، معاودت به شهر خواهند نمود و جهت تعمیر سربازخانه‌ها توقف فقرا و پاره‌ای چیزهای جزئی دیگر بود. چندان تعمیر کلی ندارند. کمال مراقبت در تعمیر عمارات همایونی و اتاق‌های جدید که به جهت خادمان حرم جلالت امر شده است دارم و انشاءالله تا آخر شهر حال به طور خوب تمام خواهد شد.

فرستادن زیادتی ملتزمین رکاب مبارک و توقف ده روزه در شهرستانک به جاو به موقع است. انشاءالله این توقف در هوای خوب رفع زحمت سفر کنار دریا را خواهد نمود. زیاده بر این خود را قابل عرض و جسارت نمی‌داند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۶۴

تاریخ: رجب / ۱۲۸۹
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۹-۱۹۳
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، محاسبه گیلان را با هزار زحمت و مرارت بعد از آن که یک هفته تمام خودم بنفسه مشغول این کار شدم و مجال طفره به محاسب و مستوفی و حساب دهنده ندادم بالاخره تمام شد و افراد در لف همین عریضه از لحاظ انور اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فدا خواهد گشت و ملاحظه

خواهند فرمود بعد از آن که مبلغی از مخارج قلمدادی که محتاج به تحقیق و ابراز سند و حکم است و برخی را می گویند دستخط مبارک داریم که هر چه خواسته ام بیرون بیاورند و زیارت نمایم هنوز ابراز نکرده اند و زیارت نشده است. باز مبلغ سی و نه هزار و چهارصد و نود [و] هفت تومان از بابت یونت نیل و نود و هشت هزار و دویست [و] چهل [و] دو تومان از بابت قوی نیل باقی لاکلام گیلان است که دیگر به هیچ وجه محل حرف حسابی و دفتری نیست، مگر این که سرکار اقدس همایون ملوکانه روحانفاده دانسته و فهمیده و عمداً از مال خزانه و خودشان بخواهند ببخشند و اغماض فرمایند، در این صورت احدی را یارای عرض نیست. مختار و مالک رقاب حضرت ظل الله روحانفاده خواهند بود. البته در نظر مهر اثر همایونی خواهد بود که در ابتدای ابتیاع سه هزار خروار آرد قیمت و کرایه حمل را در چهل و شش هزار تومان به عرض خاکپای مبارک رسانیدند بعد از دو ماه در پنجاه و شش هزار تومان معروض داشتند، در اوایل شهر محرم هذه السنه در شصت و هشت هزار تومان می گفتند و به همین قسم بود تا میرزا عبدالوهاب مستوفی از رشت وارد شد، از او استفسار نمودم موافق فردی که داده است پنجاه [و] دو هزار تومان [و] خرده^{۱۹} [ای] قیمت و کرایه را قلمداد نموده و حالا وزیر امور خارجه می گوید قدری از آرد را مال های خود من از قزوین آورده اند و دو هزار و پانصد تومان و خرده [ای] از بابت کرایه مال های خودش بر پنجاه [و] دو هزار تومان و خرده [ای] افزوده است که همه روی هم پنجاه و پنج هزار و خرده [ای] تومان شده است و وزیر امور خارجه اصرار داشت و می خواست جمیع این مبلغ را به خرج خود بنویسد و می گفت: دو هزار و یکصد و پنجاه خروار را به امین السلطان و غیره داده ام. تتمه را که قریب نهصد و پنجاه خروار می شود به یکهزار و پانصد تومان فروخته ام و همین مبلغ را در عوض نهصد و پنجاه خروار باید بدهم. فدوی خانه زاد بر حسب امر صریح شفاهی همایونی که فرمودند: آنچه تسلیم کرده است باید به خرج بیاورید، قبول نکردم و قیمت دو هزار و یکصد و پنجاه خروار به خرج نوشته شده است و حال آن که امین السلطان در محاسبه خودش آرد و گندم دو هزار و پنجاه خروار قبول کرده است، با کیسه که هشتاد و یک خروار وزن کیسه باید موضوع شود و دو

۱۹. اصل همه جا: خورده

هزار و پانصد و هفتاد [و] نه تومان هم از بابت کرایه دو آب دیوانی که از قزوین از آرد و زیر حمل نموده‌اند، دستی باید بدهند که امین السلطان دویست و دوازده خروار خرده [ای] در عوض قیمت کرایه خود موضوع نموده و تتمه را بر خود جمع کرده است که حالا تفاوت جمع و تفاوت کیسه و از بابت کرایه قریب به شش هزار تومان هم باید علاوه باقی بشود. چون امین السلطان حاضر نبود که به جزور رسیدگی شود و از روی دقت و حساب ملاحظه گردد، علی هذا این فقره ماند تا معاودت موکب مسعود همایونی و حضور امین السلطان. یک فقره هم بنائاتی های عمارات دیوانی و برج همایونی و اراضی که ابتیاع شده است و ساختن راه‌ها که مبلغ (۱۶۹۸۰) تومان^۲ از بابت آن‌ها قلمداد شده است و همه محتاج به بازدید و تحویل دادن است و همه ذکر شده است محض این که حساب معلوم شود و باقی لا کلام که امروز به کار دولت بخورد معلوم شود همه را به خرج نوشته‌ام و بعد این قدر باقی آمده است و حال آن که در تحقیق این فقرات معروضه مبالغی تفاوت خواهد کرد. یک فقره هم مال الاجاره شیلات قوی نیل است که در پیچی نیل دریافت می‌شود، او را به هیچ وجه جمع خود نکردند. قیمت کشتی بخار و لنگه‌ها را هم که به توسط دریابگی ابتیاع شده است به خرج خود ننوشتند و چون پانزده هزار و سیصد تومان از بابت شیل دریافت نموده‌اند، به اعتقاد خودشان خواستند خود را از عمل شیل پیچی نیل خارج نمایند که پانزده هزار و سیصد تومان پامال شود و این مبلغ را به موجب قبض حسابی احمد علی خان تحویل دار دریافت نموده است و پنج هزار و سیصد تومان را معین‌الوزاره بدون قبض گرفته است که او هم سه هزار تومان را به وزیر خارجه داده است و دو هزار و سیصد تومان را خود برداشته است، چون عمل شیل به هیچ وجه با وزیر جمع و خرج نشده و دخلی به آن‌ها نداشته است مأخوذی خود را جتماً باید رد نمایند و مال دولت علیه خواهد بود و این فقره هم باید تصریحاً به خاکپای جواهر آسای همایونی عرضه شود که باقی یونت نیل شصت و نه هزار [و] نهصد و شانزده تومان است به قدر بیست [و] چهار هزار و سیصد و هشتاد [و] پنج تومان قبوض خزانه در دست دارند که از بابت بقایای لوی نیل و نیلان نیل پاره [ای] به حواله مرحوم مجدالدوله است و پاره [ای] به حواله خود وزیر می‌خواست همه را به خرج

۲۰. مبلغ به رقم سیاق نوشته شده است.

مالیات یونت نیل بنویسد. چون در سنه ماضیه فدوی خانه زاد حاضر بودم که در خاکپای مبارک می خواست هشت هزار تومان از بابت این قبوض خزانه نیلان نیل به خرج یونت نیل بنویسند، سرکار اقدس همایون ملوکانه روحانفاده تحاشی فرموده قبول نفرمودند که برات حواله از بابت بقایای سال گذشته چگونه به خرج مالیات هذه السنه خواهد آمد، حالا این بروات و یک هزار تومان از بابت قیمت اسب وزیر امور خارجه که از برای هیچ یک سند و حکمی از قبیل دستخط مبارک و نوشته مستوفی الممالک و غیره در دست ندارند، در ذیل باقی حرف خرج نوشته قبول ورد او را موقوف به امر و فرمایش همایونی داشته اند، آن وقت باقی لاکلام که دیگر حرف خرجی هم نداشته اند به سی و نه هزار [و] چهار صد تومان و خرده [ای] قرار گرفته است و همچنین باقی قوی نیل یکصد و هشت هزار و پنجاه و چهار تومان است، بعد از آن که نه هزار و هشتصد و دوازده تومان حرف خرج که خیلی از آن ها مصرع پر کردن است به خرج نوشته شده رد و قبول همه یا بعضی از آن ها موقوف به رأی انور همایون اعلی روحانفاده است، آن وقت نود و هشت هزار و دو بیست و چهل دو تومان باقی لاکلام بدون حرف خرج آمده است. این فقره را نیز لابدیم به جهت استحضار خاطر خطیر ملوکانه عرضه دارم که به قدر پانزده هزار تومان اسناد داشتند، از قبیل برات دیوانی و قبوض خزانه که به خرج نوشته بودند. بعد در آخر اسناد مزبوره را از محاسبه خارج کردند که ما این ها را نداده ایم اگر به خرج بنویسیم لابد باید نقد بدهیم به خیال خودشان این محاسبه را تمام نموده و هر چه باقی آمده است به اسم باقی خالصه و نکث عمل تخفیف خواهیم گرفت آن وقت آن بروات را مجدداً از دولت مطالبه و دریافت نمایند.

این است صورت و وضع حساب و صورت بقایای یونت نیل و قوی نیل گیلان که بعد از وضع هشتاد هزار تومان تخفیف که به خرج آمده است یکصد و هفتاد و هفت هزار [و] هفتاد تومان باقی است و اگر حرف خرج های معروضه در فوق را کلاً قبول بفرمائید باز یکصد و بیست و هفت هزار و هفتصد و سی [و] نه تومان باقی لاکلام است که امر و اختیار و اراده در ید قدرت ملوکانه روحانفاده است، اگر همه را ببخشند احدی را مجال عرض نخواهد بود. پس از آن که باقی و تخفیف تنها گیلان دو بیست و پنجاه [و] هفت هزار [و] هفتاد تومان می شود و خزانه از این مبلغ محروم می ماند، البته برات در دست

بر اتدار خواهد بود و البته اسلحه نمی توان خرید و البته مخارج لازمه که به جهت ترقی دولت و قشون باید بشود زمیز: خواهد ماند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر]: صدراعظم

۶۵

تاریخ: رجب/۱۲۸۹
شماره سند: ۱۹۷-۹
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط های مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفداه مرقومه ۳ شهر حال که در جواب عرایض عبیدانه این غلام خانه زاد مرقوم شده بود در ۴ زیارت نموده، کمال افتخار و مباحات حاصل نمودم. خداوند جان بی مقدار این عبد ذلیل را هر آنی هزار مرتبه به تصدق وجود مسعود مبارک نماید و سایه بلند پایه همایونی را از سر جمیع اهل ایران بالخاصه این غلام خانه زاد کم نگرداند. به ذات پاک خداوند یکتا هر قدمی که به پای تخت مبارک نزدیک می شوید به همان درجه بر قوت قلب خانه زاد می افزایشد. از خداوند شرفیابی به آستان مبارک را هر قدر زودتر ممکن بشود عاجزانه مستدعی می باشم. در خصوص عید مولود حضرت مولای متقیان و امیر مؤمنان صلوات الله علیه امر همایونی شرف صدور یافته بود که چراغان و آتشبازی کامل نموده یکصد و ده تیر توپ انداخته شود و سرکار شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه زید شوکت به شهر تشریف آورده سلام منعقد گردد. بر حسب امر قدر قدر ملوکانه به همین قسم قرار دادم و به جمیع ولایات هم به واسطه تلغراف اخبار نمودم و قدغن کردم یک دستگاه آتشبازی مکمل هم به جهت شب عید مسعود به شهرستانک بیاورند که در حضور مبارک شاهنشاهی روحانفداه اظهار مسرت این عید مبارک به عمل آمده باشد. ان شاء الله از باطن صاحب این عید سعید و سایر ائمه اطهار علیهم السلام خداوند عمر مبارک شاهنشاهی روحانفداه را طولانی و در جمیع امور و

خیالات موید فرماید آمین.

در باب محاسبه قیمت اراضی خندق و دور تهران که جمع اعتضاد السلطنه شده بود امر همایونی شرف صدور یافته بود که محاسبه او حاضر و در سلطنت آباد به عرض خاکپای مبارک برسد. قدغن کردم حاضر نماید. می گوید: جمیع تنخواه اراضی را بر حسب اراده ملوکانه به ناصرالملک داده و اسناد او حاضر است، به ملاحظه انور خواهد رسانید. طومار بقایای ولایات و وجوه مخصوص و آنچه تا به حال شده است در تشریف فرمائی به سلطنت آباد به عرض حضور انور خواهد رسانید.

تنخواه یکصد و پنجاه هزار تومان خزانه که جمع نظام الدوله شده است بر خاکپای مبارک مشهود است. شصت [و] چهار هزار تومان قیمت غله ایست که از اول ابواب جمع خود نظام الدوله بوده است و حال هم هست. احدی مداخله نکرده است. البته باید حاضر نموده باشد. پنجاه هزار تومان از بابت قیمت غله آذربایجان بود که حواله شده است و محصل نظام الدوله رفته است. در تلغراف نامجات البته به ملاحظه انور همایونی رسیده است که چقدر تأکید نموده ام و صاحب دیوان تعهد کرده است که قدری را رسانیده و تتمه را تا غره شعبان برساند. بقیه که سی هزار و خرده [ای] تومان است همان وقت از بقایای فارس و گیلان محل داده شده است و صورت هم در خاکپای مبارک هست. دو بیست هزار تومان هذه السنه خزانه اندرون، یکصد هزار تومان یک قلم از بابت مالیات گیلان است که در کتابچه از جمع موضوع شده است. و بیست و پنج هزار تومان از بابت مالیات یزد است که از کتابچه جمع موضوع است. پنجاه هزار تومان از فارس و بیست و پنج هزار تومان از اصفهان است که این دو قلم آخری را خانه زاد حاضر نموده به خزانه مبارک خواهد گذارد و آن دو قلم اولی را خود نظام الدوله باید بدهد و امروز نزد غلام خانه زاد خواهد آمد باز تأکید زیاد در جمع آوری یکصد و پنجاه هزار تومان سنه ماضیه و دو بیست هزار تومان هذه السنه خواهم نمود که زودتر حاضر نموده به خزانه عامره داخل نماید. پول توپ های منزالیوز را نظام الدوله تا به حال نداده است و بیست هزار تومان تنخواه فارس این دو روزه خواهد رسید. فدوی خانه زاد قیمت توپ ها را دفعه واحده از این جا می دهم و در ورود سلطنت آباد تنخواه بقیه استقراضی نظام الدوله را به خاکپای مبارک بیاورند. سند در نزد

فدوی خانه زاد است، تقدیم حضور مهر ظهور همایونی خواهد نمود. خداوند جان
بی مقدار خانه زاد را به تصدق وجود مبارک نماید آمین.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۶۶

شماره سند: ۱-۱۳۰-۸

تاریخ: شعبان ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارک شوم، امروز در جواب دستخط
مبارک همایون شاهنشاهی روحانفداه که در فقرة قشون مأمور خراسان و سیستان فرمایش
شده بود عرضه داشتم که میرزا موسی اطلاع کامل داده استفسار نموده به عرض خاکپای
مبارک خواهم رسانید. میرزا موسی را آوردم مراتب به قراری است که به خط خود نوشته
تقدیم خاکپای انور اعلی نموده، قشون مأمور خراسان حبه و دیناری طلب ندارند،
شش ماهه در محل و شش ماه دیگر به خرج خراسان آمده است و بعد از همه اینها باز علاوه
بر شصت هزار تومان نقد و کلی جنس باقی تحت کتابچه است. اگر شهاب الملک ادعای
کسر و تخفیف ولایتی نماید امر و اراده از خاکپای مبارک است و از تنخواه نقدی که
احتیاطاً می بایست به جهت خراسان فرستاده شود و گفته بودم از اقساط عربستان
بفرستند. پنجهزار تومان فرستاده اند و رسیده است. ده هزار تومان هم که خود فدوی در
دو مرتبه به جهت صمصام الملک فرستاده ام و پنجهزار تومان ثانی را به طور امانت فرستاده ام
و نوشته بود که دست نزد من موجود است. فهرست ملبوس نظمی را اگر حواله بفرمائید و
تنخواه بدهید ضرری است فاحش به خودتان زده آید. چون امر شده بود جسارت نمودم
والا فضولی نمی کردم.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۶۴

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، اگر چه این غلام خانه زاد دیشب باز به شدت تب کرد و درد پهلو زیاد شد، لکن باز از خدمات مرجوعه نه دیروز و نه دیشب و نه امروز عقب نمانده و غفلت نکرده است. نوشتجات ولایات را تأکید کردم به قدری که دیشب آوردند ملاحظه نموده و هر چه باید اضافه بشود به خط خود نوشتم و الان شش لوله از نوشتجات ولایت و سه لوله از نوشتجات وزارت خارجه تقدیم حضور مهر ظهور همایونی داشت که از لحاظ انور اقدس اعلی روحنا فدا خواهد گذشت و به هر چه امر همایونی شرف صدور یابد فوراً اطاعت خواهد شد. چهل چراغ سلطنت آباد پیدا شد دادم بسازند و تمام کنند تا آویخته شود. قرار تنخواه را با حسنعلی خان دادم که تنخواه دیوان داده شود و با هر که خود او حرف دارد بگوید و بشنود، دولت هم احقاق حق نماید. چاپار کرمانشاه رفت و همان مسوده را به طوری که امر همایونی شده بود فرستادم. امیدوارم تأثیر بسیار خوبی نماید. نوشته [ای] از تولوزون رسیده بود عیناً تقدیم خاکپای مبارک گردید. غلام سواره اینانلو حاضر است روز ورود موکب همایونی به شهر از لحاظ انور خواهد گذشت. دیشب امیر توپخانه را خواسته بودم که روز ورود چهل و دو عراده توپ خاندان را در خارج شهر از لحاظ مبارک بگذرانند، مذکور داشت که در اصطبل توپخانه دارالخلافه علاوه بر هشتاد اسب نیست و هشتاد اسب تحمل بیست عراده دارد، اگر در همان روز خادمان حرم جلالت معاودت به شهر نمی فرمودند ممکن بود از اسبهای کالسکه خانه بسته شود، چون معاودت به شهر می فرمایند ممکن نیست، لکن به هر قسم است کمال سعی را خواهم نمود که با اسب کالسکه های دیگران یا وضع دیگر توپها را از ملاحظه نظر انور اعلی بگذرانم. یکصد و پنجاه دست اسباب توپ کشی داده ام در قورخانه از بابت محصولات هذه السنه حاضر می نمایند، زیاده بر نصف حاضر شده است. تتمه هم در دست است عنقریب تمام شود. کار قورخانه این روزها بس که خود خانه زاد مراقبت

کرده است خیلی روبه راه است و متصل مشغول کار هستند. امیدوارم حاصل خوبی از نظر مبارک بگذرانم. افواج و توپچی همه روزه مشغول مشق هستند و ان شاء الله با اجازه همایونی در آخر شهر شعبان مثل سنه ماضیه تعلیم بسیار خوبی در حضور همایونی خواهند کرد. حالت شهر و انبار از تصدق فرق مبارک بسیار خوب است. عمل نسق هم خیلی خیلی خوب است و به طور یقین امسال دوازده هزار خرور تخم در خالصجات کاشته می شود. ده هزار تومان که سابقاً به جهت ابتیاع گاو داده بودم کفایت نکرد باز دیروز دو هزار تومان تنخواه کارسازی کردم که دیگر هیچ جای حرف باقی نماند و این دوازده هزار تومان چنانچه سابقاً هم به عرض خاکپای مبارک رسانیده بودم دخلی به خزانه عامره ندارد و یک دینار از آنجا داده نشده است. ده هزار تومان تنخواه نواب علیه عالیہ و الیه را قبض مأخوذ وزیر امور خارجه از شیل هذه السنه را به آغای سرکار علیه والی زاده دادم که مطالبه نمایند این دو روزه کارسازی می نمایند.

قیمت رخوت شاهزادگان عظام از سنه لوی ٹیل و ٹیلان ٹیل و یونت ٹیل هنوز باقی مانده است و زهی خجالت و شرمندگی از برای پیشکاران سابق که اندازه قباحت این عمل را ندانسته اند. فدوی خانه زاد مال سنه قوی ٹیل را پرداخته ام و خیلی جزئی مانده است که حواله بقایای فارس است. چهار هزار تومان قیمت رخوت هذه السنه پیچی ٹیل سرکار است. شاهزاده خانم های عظام را امروز دفعتاً واحده و نقد کار سازی داشتم. خداوند جان ناقابل این خانه زاد را به تصدق وجود مسعود همایونی روحانفاده نماید. آمین. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

در خصوص یوسف آباد و غیره خاطر همایونی آسوده باشد از روزی که دستخط مبارک شاهنشاهی روحانفاده زیارت شد، آدمی مخصوصاً از خود در آن جا گذارم و به هیچ وجه غفلت ندارد و حالت آن جا انشاء الله عنقریب بهتر از سابق ها خواهد بود.

الامر الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

تاریخ: ۴/ شعبان/ ۱۲۸۹
 شماره سند: ۳۰۹-۹
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

مخابره تلگرافی [تصویر] شیر و خورشید دولت علیه ایران

ولایت طهران، به سریر اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفاده عرضه می دارد

که خداوند جان ناقابل خانه زاد غلام را تصدق مرحم بی پایان همایون نماید. حضرت مستطاب مهد علیا دامت شوکتها امروز را التفات فرموده محض مزید افتخار و مباحات خانه زاد ناهار را در نظامیه صرف می فرمایند. دیشب و امروز قبل از تشریف فرمائی ستر کبری چهل چراغ سلطنت آباد را گرفته چند روز دیگر در همان مکان قدیم آویخته می شود. حساب تنخواه وزیر مختار را روشن کرده به عرض خاکپای مبارک خواهد رسانید. در باب یوسف آباد خاطر خطیر همایونی روحانفاده نهایت اطمینان را داشته باشند که بلاشک بهتر و دایرتر از سابق خواهد بود، چنانچه قبل از رمضان از نظر مبارک خواهد گذشت. انشاءالله تعالی روز دهم ورود موکب مسعود و نزول اجلال به مقرر خلافت کبری مبارک است. اگرچه جهانگیر خان تعهد می کند که روز ورود هر پنجاه عراده از این راه به نظر انور خواهد گذشت. ولی خانه زاد این تعهد را نمی کند. در روز ورود بیست [و] پنج عراده از توپ های جدید و هفده عراده از توپ های قدیم که چهل و دو عراده باشد در صحرا با دویست نفر غلامان شهاب الملک که دو روز است وارد شده اند از نظر مبارک خواهد گشت. چاپار کرمانشاهان روانه شد، تشریفات ورود نواب مستطاب ولیعهد را به طوری که از عرض خاکپای مبارک گذشت اخبار و اعلام کرده است. اخبار تازه نیست که به عرض حضور مبارک برساند. امر امر جهان مطاع. صدراعظم.

عدد کلمات به تاریخ سه شنبه ۴ شهر شعبان سنه ۱۲۸۹

شماره سند: ۲-۱۳۰-۸

تاریخ: شعبان ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهانمطاع همایون شاهنشاهی روحنافداه موجب مفاخرت و مزید تشکر این غلام خانه‌زاد گردید. خدای واحد واحد شاهد و گواه فدوی است. به قدری از مراحم ملوکانه شرمندگی^{۲۱} و انفعال دارم که اگر هر دفعه هزار مرتبه جان ناقابل خود را نثار مقدم و تصدق خاکپای مبارک نمایم هنوز کاری نکرده‌ام و به طوری که خود را تسلیم و مطیع اوامر ملوکانه کرده‌ام که اگر اشاره بشود وجود ناقابل خود را به آب و آتش بیندازم دقیقه [ای] خودداری نخواهم کرد. تنها استدعائی که از خاکپای مبارک دارم این است که اگر در آتیه از فدوی خانه‌زاد انتظار صدور و بروز خدمتی به جهت دولت علیه و وجود همایونی دارید حفظ شان ظاهری فدوی که مسند جلیل صدرات عظمای همایونی را احراز^{۲۲} نموده‌ام ملاحظه فرمایند و الا اگر آن انتظار را ندارید فدوی خانه‌زاد حاضر است که هر نوع بی‌شانی و بی‌عظمی را قبول نماید و جان خود را به قربان وجود مبارک نماید.

امرالاق‌دس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت سند]: سنه ۹۰ تخاقوی ثیل در دوشان تپه لوله شد.

۲۰ شعبان.

شماره سند: ۲-۳۰۲-۹

تاریخ: ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارک شوم، به زیارت دستخط مبارک

۲۱. اصل: شرمندگی

۲۲. اصل: اهواز

جهان مطاع شاهنشاهی روحنافته مشرف و مباهی شدم. بر حسب اراده علیه ملوکانه سرکار شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد زید شوکت را روز دوشنبه که موکب مسعود همایونی به عزت و شوکت تشریف فرمای مقر خلافت کبری می گردند به زیارت خاکپای آسمان سالی خسروانه مشرف خواهم نمود. و همچنین به امین صره اخبار نمودم کیسه های بسته را محفوظ دارد تا بعد از ورود همایونی هر روز را که مقرر فرمایند در حضور مبارک به آقایان قاجار داده شود.

پار [ای] نوشتجات از ولایات خارجه رسیده بود و تتمه نوشتجات غره را نیز حاضر نموده بودم، به خیال این که امروز به شکار جرگه تشریف همایونی وقوع یافته است نفرستادم. ان شاء الله فردا از لحاظ انور اقدس اعلی روحنافته خواهد گذشت. خداوند جان ناقابل خانه زاد را به تصدق وجود مبارک همایونی نماید آمین.

الامر اقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۷۱

شماره سند: ۲۶۴-۹
گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: ۱۲۸۹
فرستنده: صدر اعظم

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دست خط مبارک که در جواب عریضه عاجزانه غلام خانه زاد مرقوم شده بود با کمال تعظیم زیارت و موجب افتخار و مباهات گردید. جواب فرمایشات و اوامر جهان مطاع را در کمال عبودیت عرضه می دارم. در فقره عزل ملک نیاز خان به موجب ترجمه و سواد تلغراف که به ملاحظه انور همایونی رسید، به مدحت پاشا وعده داده نشده است و در مقام ادای ترضیه به او نبوده است، بلکه نوشته ام والی جدید اگر عزل او را لازم بداند خواهد کرد. بدیهی است هر والی کل مختار بر عزل و نصب مأمورین جزو هست، وانگهی واقعاً اگر یکی از مأمورین دولت حرکت خلافی کرده باشد و بر خود دولت مدلل گردد تنبیه و عزل او از اسباب افتخار

است، نه وسیله و هن و خفت. بر خاکپای مبارک واضح است که این مدحت پاشای خبیث چه خیالات فاسده شده داشت، بالاخره احداث برودت بلکه محاربه فیما بین دولتین می کرد. بحمدالله که به مرام خود نرسیده و معزول گردید. در این بین می خواهد شاید القای شبهه به باب عالی نموده و وجود خود را در بغداد از برای اتمام کار لازم نماید و بماند، چون از طرز تلغراف نامجات و تحریرات آنها به باب عالی اطلاع دارم و چون از عدم اطلاع باب عالی به امورات مشرق زمین مستحضرم و چون می دانم که مدحت پاشا نمی تواند خلاصهٔ مخابرات خودش را با این غلام به باب عالی اطلاع ندهد در حقیقت این تلغراف به باب عالی نوشته شده است و اثبات بی غرضی و حقانیت و مسالمت دولت علیه را می نماید و این تلغراف ما را مجبور به عزل ملک نیاز خان اگر میل نداشته باشیم نخواهد کرد. همین قدر خاطر مبارک را اطمینان می دهم که از توجه مراحم و تربیت همایونی در این قبیل فقرات به حفظ و فضل خداوند کمتر خبط می نمایم در خصوص وقوعات سرحدیه همان است که به خاطر مبارک رسیده است، هنوز محققاً معلوم نیست که تقصیر به تمامه از کدامیک از مأمورین طرفین است بلکه می توان گفت که هیچیک از طرفین بی تقصیر نیستند تا در آتیه چه معلوم شود دولت علیه ایران همیشه شان مقدس خود را از ادخال فساد حفظ کرده است و خواهد کرد، از تنزل اسعار و فرج در کارها که باعث بشاشت و جود مبارک همایونی گردیده است و ضمناً اظهار مرحمت به این غلام خانه زاد شده بود، حقیقت این است که از برای وجود مسعود همایونی اظهار بشاشت و فرح از برای ما غلامان جای هزار مرتبه تشکر است، زیرا که سنهٔ ماضیه مندفعه و بلیه در آن سال از برای ایران محققاً ثالث طوفان نوح و وقعهٔ چنگیز خان بود، هنوز عظمت این بلیه کبری و صدمه ای که وارد آورد در خاکپای انور اعلیٰ کما هو حقه معلوم نیست و چون بحمدالله از نیت پاک و تدابیر مهمهٔ همایونی گذشت و تمام شد باید کلیهٔ فراموش کرد و شکر خدا و سایهٔ خدا را به جا آورد و در تدبیر آتیه مشغول شد که انشاءالله زحمتی وارد نشود. به اظهارات ابراهیم خان نایب گوش دادم اگر ده یک آنچه میگوید راست باشد عجب کفایتی به خرج داده و عجب خسارتی به دولت وارد آورده اند، محمد صادق خان ایلخانی فرمایش

را گفتم می نویسند: چون تازه از ناخوشی برخاسته^{۲۳} است تا ده روز دیگر خواهد رفت. دستورالعمل های سرحدیه مؤیدالدوله و حشمت‌الدوله نوشته شد و به ایشان تسلیم گردید، سواد آن‌ها را گفتم می نویسند که به لحاظ انور اقدس اعلی مشرف شود. شورای عسکریه دیروز از عمل سواره‌سار و اصلان فارغ شده است و از روز شنبه شروع به تحقیق طومار تعدیات بنیچه خواهند کرد و خلاصه او به عرض خاکهای مبارک خواهد رسید و آنچه زیادتی شده است همه را انشاءاله استرداد خواهم نمود. موقوف فرمودن بنای بیلاق نیاوران بسته به میل خاطر مبارک بوده است و الا در اتمام کمال اهتمام می شد و پول هم می رسانیدم باز اگر اراده بفرمایند به هر قسم است تنخواه به معمار باشی خواهد رسید. امروز ناصرالملک و امین السلطان و محمد تقی خان معمار به عمارت همایونی به جهت بازدید عمارت و تالار صدریه رفتند. همین دو روزه خراب و انشاءاله در زیر سایه مبارک زود معمور می گردد. تنخواه برات دارها همه تقسیم شده است، افراد او به نظر مبارک می رسد، لکن هنوز سرکار شاهنشاه زاده ظل السلطان و حاجی ظهیرالدوله تنخواه نداده‌اند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۷۲

تاریخ: ۱۲۸۹ ه. ق
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 شماره سند: ۲۴۲-۹
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکهای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دیروز فرمایشات همایونی به قدری که شرف صدور یافته بود همه به موقع اجری گذارده شد. دیشب وزیر مختار روس و جمیع اتباع سفارت و جمعی از شاهزادگان و اولیای دولت در منزل خانه زاد موعود بودند. از تصدق وجود مبارک مجلس بسیار خوب منقصی شد و امروز وزیر مختار عازم است او را خیلی ممنون و راضی روانه کردم. فقره شارژدفرها را که دو روز قبل فرمایش ملوکانه شد دیشب زمزمه کردم، امیدوارم به وجه احسن انجام دهم. امروز صبح مؤیدالدوله

۲۳. اصل: برخواست

را خواسته تلغراف وارده از بغداد و جواب او را حالی کردم، دستورالعملی که لازم بود دادم، فردا مشارالیه و حاجی ظهیرالدوله را اگر اجازه همایونی باشد به جهت مرخصی به خاکپای مبارک خواهم آورد. مؤیدالدوله به طور یقین روز جمعه عصر می رود و حاجی ظهیرالدوله چند روز دیگر. الان تلغراف از کارپرداز بغداد رسید که مدحت پاشا معزول و رثوف پاشا که معروف خاکپای مبارک است و از بغداد به والی گری جزیره کرید رفت والی بغداد شده است. از فقره عزل مدحت پاشا این غلام خانه زاد خیلی مشعوف است که این بد ذات آواره گردید و به پاره ای خیالات خود بحمداله موفق نشد. عین تلغراف کارپرداز را با ترجمه در جوف تقدیم خاکپای اقدس اعلی نمودم. امروز بروات مردم و محل حواله آنها را پادار می نمایم. امشب حاجی ظهیرالدوله به جهت اتمام مطالب خود در نزد خانه است. بحمداله از تصدق وجود مسعود مبارک امر شهر منظم و خوب است، انشاء اله در تفرج به وجود مبارک خوش بگذرد و کدورتی واقع نشود. سایر کارها بحمداله روبه خوبی است، دیروز آدم مخصوص به جهت آوردن دریابگی گیلان فرستادم، امورات میرزا زکی را به طوری که امر شد دیروز انجام دادم و در خدمت خدام حرم جلالت به عباس آباد آمد، آقاخان به سزای اعمال ناشایست خود رسید. خداوند جان بنده بیمقدار را تصدق وجود فایض الجود همایونی گرداند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[در حاشیه]:

الان تلغراف حسنعلی خان مشعر بر عزل مدحت پاشا رسید، او را نیز ترجمه نموده تقدیم خاکپای مبارک کردم. علی آباد و نازآباد تیولی میرحسین خان متوفی را به طوری که دست خط مبارک شاهنشاهی روحانفاده شرف صدور یافته و گذار خدام حرم جلالت نمودم.

[نقش مهر پشت سند]: صدراعظم

جواب

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای مستوفی الممالک دامت شوکته، در خصوص بنائی تالار تلگرافخانه مرقوم فرمودید که تعویض حمال صد تومان خرج شود کافی است،

پارسال در فقرة بنائی خیلی اسباب زحمت جناب عالی و عرض بنده شد، بهتر اینست این خدمت را به یکی رجوع نمایند، از بنده دادن تنخواه و رسیدگی است و مراقب هم هستیم.
فرهاد ۷

۷۳

تاریخ: شوال ۱۲۸۹ ق
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۱۰۵-۸
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو:

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهانمطاع همایونی روحنافته موجب کمال افتخار غلام جان نثار گردید. همان دیروز بعد از مرخصی از حضور مهر ظهور ملوکانه آنچه تکلیف بود به عمل آورده‌ام. مسوده نوشته جات و تحریرات به حکام و مشاهیر علمای هر ولایت حاضر نموده به خط میرزا حسن خان منشی این غلام که کمال اطمینان به امانت و دیانت او دارم نویسانیده فردا در تلو عرایض عبیدانه از لحاظ انور همایونی روحنافته خواهد گذشت. و تدابیر این جایی را هم تشدید نموده‌ام و الان هم رقعہ به جنابان آقا سید صادق و حاجی ملاعلی به خط خودم خواهم نوشت و استفسار مجدد از جا و مکان این ملعون مطرود خواهم نمود، اما در فقرة محمدخان هنوز بر فدوی صدق عمل معلوم نشده است، محض روایت بود که به عرض خاکپای مبارک رسانیدم، فطرت حاجی علی خانی می خواهد که مردمان بی تقصیر و گناه را مقصر قلم بدهد، تحقیقات لازمه را می نمایم، در صورتی که حقیقت و وقوع داشته باشد، آن وقت البته او را گرفته حبس می نمایم والا داخل گناه انشاءاله به توجه همایونی نخواهم شد. عبدالحسین خان به عزم مگه مکره از این جا رفته است، لکن از رشت و طریق حاجی طرخان رفته است، امروز تلفراف به پترزبورغ و پاریس و لندن زده از محل توقف او استحضار حاصل نموده در صدد معاودت او خواهم برآمد. خداوند جان ناقابل این غلام خانه زاد را به تصدق وجود مسعود مبارک نماید آمین.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۷۳

تاریخ: شوال ۱۲۸۹

شماره سند: ۱۰۶-۸

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، غلام خان‌زاد از خود هیچ وقت دارای چیزی به جز صداقت و عبودیت و دولتخواهی نبوده‌ام که توانم پیشکش حضور مهر ظهور ملوکانه روح‌نافداه نمایم و آن سرمایه‌ها را به نحو اتم و اکمل تقدیم خاکپای مبارک نموده‌ام، خداوند توفیق عنایت فرمایند که مقبول خاطر آفتاب مظاهر شاهانه تواند شد. سیف‌الدوله متولی باشی سرکار فیض آثار یک ثوب ترمه خرقه گلی که پوستش خالی از امتیاز نیست به جهت این بنده خان‌زاد فرستاده و نوشته بود از جانب حضرت است و قسم خورده بود که یک ماه تمام در ضریح مبارک گذاشته تبرک نموده‌ام، به این دو جهت رد او را خلاف ادب و حرمت دانسته به فرستادن هدیه دیگر از او تلافی خواهم نمود و همان خرقه را از بابت تیمن و تبرک با یکصد عدد باج‌اقلوی روسی به جهت تصدق وجود مسعود همایونی تقدیم خاکپای مبارک نمودم، امیدوارم از امر به قبول و ضبط آن‌ها فدوی را بین الامثال مفتخر و سرافراز فرمایند و قدری متاع قزوین از مال‌الاجاره ده موروثی از والدهام که کمال حلیت را دارد به موجب سیاهه [ای] که لف عریضه عبودیت فریضه است به حضور مهر ظهور همایونی فرستادم. خداوند جان نالایق این غلام خان‌زاد را به تصدق وجود مبارک نماید آمین.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

تاریخ: ذی‌قعدة ۱۲۸۹

شماره سند: ۲۵۱-۱۶۳

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دیروز بعد از مرخصی از

حضور مهر ظهور مبارک شاهنشاهی روحانفداه از برای برچیدن ختم به باغ مرحوم امین‌الملک رفته بعد از دعا به بقا عمر و دولت ملوکانه ختم را بر چیده معاودت به دربار اعظم نمودم و تا نزدیک غروب مشغول انجام امورات بودم. چاپار خراسان را روانه نمودم و سواد نوشتجات را گفته‌ام دبیرالملک حاضر نماید که از لحاظ مبارک بگذرد. جواب تلغراف نامجات، وارده. از استرآباد را به طوری که امر و اراده‌های یونی شرف صدور یافته نوشته [و] فرستادم. بقیه مواجب و جیره سواره مهاجر و سواره نصرت را دیروز واداشتم، حتماً از دفتر لشکر معین کردند. تنخواه حاضر به صندوق نظام دادم که از امروز حصه هر یک را در اطاق نظام می‌دهند که به زودی عازم فارس شوند. پاکتی از حاجی ظهیرالدوله رسیده بود تقدیم حضور مبارک گردید که پس از ملاحظه انور همایونی اعاده فرمایند که جواب نوشته [و] فرستاده شود. جواب نوشتجات کرمان و بعضی از ولایات هم حاضر شده بود، بر حسب امر همایونی مهر کرده فرستادم که چاپار معطل نشوند و سواد همه آنها از نظر مهر اثر ملوکانه روحانفداه خواهد گذشت.

تلغرافی از ناظم‌الملک به خط رمز رسید، استخراج نموده در جوف به نظر مبارک خواهد رسید. بحمدالله جمیع تاجداران فرنگستان با کمال شوق و افتخار مقدم همایونی را منتظر و بر همه قسم تشریفات فوق‌العاده حاضرند. چند شب قبل خانه میرزا رضا گماشته مستوفی‌الممالک را دزد زده [و] به قدر چهل و دو طاقه شال ترمه و دو یست تومان نقد و پاره [ای] لباس زنانه برده بودند، دیروز همه آنها را بدون نقصان پیدا نموده تسلیم خود او گردید. بحمدالله شهر امن و امان و فور نعمت در سرحد کمال و ارزانی موجود است چون نعش مرحوم امین‌الملک را روز جمعه حمل به نجف اشرف می‌نمایند، روز شنبه امین حضور شرفیاب خواهد گردید. منشی حضور هم مشغول انجام فرمایشات است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

تاریخ: ذیقعدہ ۱۲۸۹

شماره سند: ۱۲۲-۸

فرستنده: میرزا حسین خان سپہسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع همایونی روحنا فداہ مایہ حیات تازہ بہ جهت این غلام خانہ زاد گردید. خداوند ہر دقیقہ ہزار مرتبہ جان نالایق فدوی بی مقدار را بہ تصدق خاکپای مبارک گرداند کہ هیچ وقت و موقع نگذشتہ است کہ از اظہار مرحمت در بارہ غلام خانہ زاد مضایقہ رفتہ باشد. بہ حمد اللہ از تصدق وجود مبارک پارہ معالجات حکیم تولوزون گفت: و استعلاج نمودم. الان مشغول تحریرات آذربایجان و فرستادن چاپار مخصوص نزد صاحب دیوان از بابت قیمتہ غلہ می باشم و محاسبہ قزوین و مازندران را ہم آورده اند کہ فاضل حساب قزوین و باقی قسط مازندران معلوم شود. نوشتجات حشمة الدولہ ہم رسید قسط فرستادہ است، چند روز دیگر وارد خواهد شد. امروز عصر خلعت بہ جہتہ سلمان خان حاضر نمودہ و مقصودم این بود کہ فردا عرض و استیذان از خاکپای مبارک نمودہ بعد بفرستم. حالا کہ امر قدر قدر ملوکانہ روحنا فداہ رسید اطاعت فوری نمودہ صبح زود بہ مرحمت شاہنشاهی مشارالہ را امیدوار و مفتخر خواهد نمود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: ذیقعدہ ۱۲۸۹

شماره سند: ۱۲۴-۸

فرستنده: میرزا حسین خان سپہسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، بہ زیارت دستخط های مبارک جهان مطاع همایونی روحنا فداہ کہ در جواب معروضات عبیدانہ چاکر خانہ زاد شرف صدور یافتہ بود مشرف و مباهی گردیدم. خداوند جسم و روح و مایملک مرا بہ

تصدق خاکپای مبارک نماید که هیچ وقت و در هیچ موقع از اظهار مرحمت شاهانه در باره این بنده ضعیف مضایقه نفرموده اند. ان شاء الله اگر توفیق و سعادت شامل حال و توجه خاطر خطیر همایونی به همین منوال مقوی غلام خانه زاد گردد. امیدوارم که به خدمات فعلیه مراتب تشکر و خاکساری خود را اظهار نمایم. در باب خندق و دروازه ها و سیل گردان به همان قسم که اراده اصابت عاده ملوکانه شرف صدور یافته بود معمول و مجری خواهم داشت و عنقریب عمق عجالتی خندق را به طور فرموده تمام کرده از ملاحظه نظر انور همایونی خواهم گذرانید. از تصدق وجود مسعود مبارک امورات شهر بحمد الله منتظم و قاطبه مردم به دعای ذات با برکات شاهنشاهی روحنا فداه اشتغال دارند و در کمال جهد در تفحص آن شخص معهود هستم هنوز به دست نیامده است. جنابان آقا سید صادق و حاج ملا علی هم در تفحص می باشند، از بخت بلند همایونی عنقریب دستگیر خواهد شد. اخبار تلغرافی جدید از جایی نرسیده است مگر این که سفارت نمسه^{۲۴} وارد سرحد شده اند. پاکتی از وزیر مختار لندن حاجی محسن خان رسیده بود تقدیم حضور مهر ظهور همایونی گردید. چیزهای با معنی نوشته است، اگر به نظر دقت و امعان ملاحظه فرمایند خالی از نفع نیست. روزنامه انگلیسی که در ضمن دارد حکیم تولوزون می تواند ترجمه او را به عرض و اقفان حضور مبارک برساند. نوشتجات مؤید الدوله از زهاب رسیده بود تقدیم گردید پاره [ای] از آن ها جواب فوری داشت همان دیروز به توسط تغراف جواب نوشتم و در حاشیه هریک مضمون جواب تعرض شده است به استحضار خدام استان مبارک خواهد رسید. امیر توپخانه دیشب پاره [ای] نوشتجات عزیز الله خان برادرزاده اش را که از خراسان رسیده بود فرستاده است، اگر از تدابیر معهوده نباشد حالت خراسان و خراسانی و نوکر، محل خیلی تأمل شده است، بصیرت همایونی در جمیع کارها خاصه در امور خراسان به قدری وسیع است که احتیاج به هیچ قسم توضیحات ندارد و به اندک اشاره ملتفت صدق و کذب می شوند، به هر چه امر فرمایند و تعلیمات همایونی مرحمت گردد اطاعت فوری خواهم نمود. در تدارک راه انداختن سرکار شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد زید شوکته اشتغال دارم، ان شاء الله روز پنجشنبه دهم

به سلامتی تشریف خواهند برد. در خصوص سلطان مجید میرزا تفنگدار باشی قدری اوقاتشان تلخ است و میرزا رضا شرحی به فدوی خانه زاد نوشته است که عیناً تقدیم حضور مبارک گردید، به هر چه اراده ثانویه شاهانه شرف صدور یابد معمول خواهد شد. در باب امور طوالتش و راهپورت قونسول انگلیس از رشت نظام الدوله دیروز به باغ فردوس رفته و فردا مراجعت خواهد نمود. همان راهپورت را به مشارالیه ارائه نموده و لازمه تدبیر را در رفع این قبیل امور خواهم کرد، البته از ملاحظه ترجمه راهپورت ملحوظ نظر مبارک شده است که خود قونسول انگلیس هم حرکات غدارانه و بی رحمانه امان الله خان را تصدیق نموده و شکایت مردم را از نصب امیر اصلان خان به گرفتن هزار تومان پیشکش که در شقاوت به مراتب از امان الله خان بدتر است بلکه می نویسد حرکات امان الله خان از روی دستور العمل امیر اصلان خان بوده است می باشد. بعد از مذاکره با نظام الدوله به هر چه مقرر شد به عرض اعتاب همایونی خواهم رسانید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۷۸

شماره سند: ۱۱۵-۸

تاریخ: ذی قعدة: ۱۲۸۹

گیرنده: ناصر الدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک شاهنشاهی روحنا فداء موجب حیاة تازه و قوت روحانی و جسمانی فدوی خانه زاد گردید، از خداوند مسئلت می نمایم توفیقی عنایت فرماید که دولت علیه شاهنشاهی روحنا فداء را به آن قدرت و استیلائی که می خواهم در زیر سایه مبارک ملاحظه نمایم و خدماتی که در دل دارم به خاکپای مبارک توأم نمود. تنخواه نظر آقا را همین دو روزه انشا الله خواهم داد. سفیر اتریش روز پنجشنبه که پس فردا باشد به زیارت خاکپای مبارک مشرف خواهد شد و لوازم تشریفات او به طور شأن دولت فراهم آمده حاضر است.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۷۸

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، در خصوص کفالت و ضمانت دول معظمه در بقای سرحدات حالیه ایران متصل اشتغال دارم و خدمت بزرگ و نافع و بی مثل به وجود مبارک ملوکانه روحانفداه و به دولت و ملت این فقره و اصلاح عساکر و انتظام آن‌ها را می دانم و انشاء الله امیدوار از توجه باطنی ملوکانه دارم که خداوند تفضل فرموده این بنده شرمنده رو سیاه را موفق به اجرای این خدمت بزرگ در خاکپای مبارک نماید و از روش کار عجالتاً چنین معلوم می شود که محروم از این افتخار نمانم. دیشب طامسن می گفت: به شما مرزده بدهم که پولتیک دولت انگلیس نسبت به دولت ایران خیلی تفاوت نموده و آن عدم اطمینان و وحشت رو به اطمینان و حمایت نموده است و همچنین حکومت هندوستان که تا به حال مدعی با دولت ایران بود حالا بر عکس رفتار می نماید. پرسیدم از چه رو و مأخذ این حرف را می زنید؟ گفت: از نوشتجات که از وزارت خارجه انگلیس و از فرمان فرمای هندوستان به من می رسد که از جمله دیروز رسیده است، با آنچه سابقاً می نوشتند مشهود و معلوم است (دوبسکی) هم خیلی به طامسن حرف زد و پولتیک دولت انگلیس را خدمت و مذمت می نمود. وی می گفت: هر قدر ایران ضعیف باشد خطر هندوستان زیادتر [است] و هر قدر قوی و پر زور باشد اطمینان شما در بقای هندوستان زیادتر باید باشد. دیروز خود فدوی خانه زاد تلغرافی به ناظم الملک و تلغراف دیگری به حاجی محسن خان نوشته به خط رمز فرستادم که سواد آن‌ها در جوف از لحاظ انور اقدس اعلی روحانفداه خواهد گذاشت و امروز طامسن و دوبسکی هر دو تلغراف‌های طولانی به دولت‌های خودشان خواهند فرستاد و دقیقه [ای] آرام و آسایش نخواهم داشت، تا انشاء الله در ظل مبارک حضرت ظل الهی روحانفداه این خیال را به جانی منجر نمایم. ذات اقدس ملوکانه سایه خدا هستند و خیلی قرب و منزلت درگاه، حضرت احدیت

دارند، باید انشاء الله توجه فرموده و استدعا نمایند تا این بنده ذلیل روسیاه موفق به انجام توانم شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۸۰

شماره سند: ۴۷۷- (۱-۱۵۹)

تاریخ: ذیحجه/ ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، در باب اختلاف فیما بین سرکار نواب علیه فخرالملوک و اعتضادالدوله دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحانفاده [را] زیارت کردم و آنچه مرقوم شده بود جمیعاً از روی حقیقت است غلام خانه زاد علاوه بر مدارج اطاعت به او امر ملوکانه یک نوع اعتقاد کاملی به احکام همایونی دارم که همه از روی بصیرت تامه و حکمت است. آن چه تکلیف فدویت خاکسار بود نسبت به شأن و شوکت سرکار فخرالملوک به عمل آوردم و به قدری به اعتضادالدوله سخت گرفتم که مافوقی بر او متصور نیست. والده اعتضادالدوله والده آقا وجیه را به اندرون از برای معذرت و علاء الدوله را با چوب و فلک بیرون فرستادم که هر قسم سرکار فخرالملوک امر بفرمایند او را تنبیه نمایند. از قرار شرحی که علاء الدوله به من نوشته اند و دستخط سرکار نواب مستطاب علیه عالیله مهدعلیا و ستر کبر اداست عفتها و دستخط خود سرکار فخرالملوک در جوف اوست از تقصیر اعتضادالدوله گذشته و التیام فیما بین شده است و سرکار فخرالملوک توسط شغل و کار به جهت او نموده اند و از لحاظ انور اقدس اعلی روحانفاده خواهد گذشت عجالاً رفع اختلاف شده است، با وجود این اگر امر قدر قدر همایونی روحانفاده بر نفی و تبعید او از تهران شرف صدور یابد فوراً اطاعت و مجری خواهم نمود. امر امر همایونی روحانفاده است.

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۸۰

تاریخ: [ربیع الاول ۱۲۸۹] شماره سند: ۲۷۵- (۱-۱۶۳)
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: میرزا عباسقلی

والله بالله تالله آبروی من در خطر است سهل است، آبروی دولت در خطر است. سلیمان خان در مقابل ترکمان اردو زده است، احتمال کلی می رود از نرسیدن تنخواه اردو متفرق بشود و ترکمان جری شده نصف قشون را اسیر نماید، آن وقت من چه خاک به سر بریزم و چه جواب بگویم؟ اخلاص باید دو سره باشد. آنچه لازمه زحمت بشود به خود راه دادم و تنخواه قرض کردم و کار قشون را راه انداختم و تا امروز یک کلمه حرف نزد. خودتان حاضر بودید که ناظر گفت روز دهم ربیع الاول پانزده هزار تومان را خواهم داد و به جز هفت هزار تومان نداده است و امروز ۲۴ است و حالا پنج هزار تومان در نزد او حاضر است و به یک خیال که باید تخفیف گرفت اعتبار من باید ضایع شود، بر فرض تخفیف بدهند همان ده هزار تومانی خواهد بود که در اقدسیه ذکرش شده است. شصت و شش هزار تومان که تخفیف نمی شود اجاره عقدی است لازم الادا خلاصه شما زحمت کشیده خدمت جناب قوام الدوله عرض نمائید که مرا از این مخمصه نجات بدهند. این مبلغ باید حتماً به استرآباد برود و زود برود والله صلاح من و ایشان هر دو در آن است.

[حاشیه به خط ناصرالدین شاه]: دخترهای قاجار و شاهزادگان را والده شاه روز ۱۹ بیارود در باغ و پول بدهم.

معیر الممالک را بیاورم شمس العماره را با معمار باشی نشان بدهم، بماند تعمیر بکند. معمار باشی را هم باز بگردانم در باغ، اسبابی که بالا خانه عالیه گذاشته است بردارد بیارود بیرون.

[در پشت سند آمده]: این رقعہ را جناب اجل اکرم صدر اعظم دام اقباله در جواب میرزا عباسقلی که به توسط حسینعلی بیگ آدم فدوی خدمتشان عرض کرده مرقوم فرموده اند. با این جواب راه امیدی برای فدوی باقی نمانده و ناچار از عرض عریضه شد تا حکم همایون چه اقتضا کند.

[پشت سند به خط ناصرالدین شاه]: صاحب منصبان افواج مرخص نمایند آمده در طهران مشق بکنند.

۸۲

شماره سند: ۴۷۸- (۱-۱۵۹)

تاریخ: ذیحجه / ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، در دستخط مبارک جهان مطاع همایونی روحناده امر و مقرر شده بود که افواج فراهان و کمره در خیابان دولت حاضر شده در ۲۹ که معاودت ملوکانه شرف و قوع خواهد یافت از لحاظ انور همایونی روحناده بگذرند و در دستخط مبارک ثانی مرقوم شده بود که در خیابان ناصری افواج مزبوره صف بسته تعظیم و تکریم بوده منتظر تشریف فرمائی مقدم همایوسی گردند. چون سلطان حمید میرزا و بعضی از ارباب مناصب هر دو فوج هنوز وارد نشده روز جمعه خواهند آمد و یک مرتبه سان در اتاق نظام بدهند تا بعد به شرف لحاظ انور اعلی برسند. افواج خمسه هم که در این دو روزه وارد خواهد شد. انشاءالله هر چهار فوج با لباس های خوب و اسلحه های درست در چهارم یا پنجم محرم الحرام از ملاحظه نظر انور مبارک شاهنشاهی روحناده خواهند گذشت و روز پانزدهم محرم به محل مأموریت خود خواهند رفت. سلیمان خان صاحب اختیار هم روز جمعه وارد می شود.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

۸۳

از اسناد وزارت امور خارجه

تاریخ: ندارد

گیرنده: میرزا حسین خان سپهسالار

فرستنده: ناصرالدین شاه

جناب سپه سالار اعظم نوشتجات میرزا مجبعلی و معین الملک را همه را خواندم،

۸۲

آنچه لازم است زودی جواب نوشته شود و بعضی مطالب را تلگراف بکنید.

سواد فرانسه و ترکی القاب را ترجمه کرده بفرستید ملاحظه شود با سایر نوشتجات. در فقرة سرحد حقیقتاً اصل مقصود و منظور شما و مأمورین شما همان اساس مذاکره تعهدنامه ارزنة الروم بوده و هست و رسماً از دول فرنگی و سفرای طهران و... به شما اعلام شد و در حقیقت گذشت درویش پاشای پوسیده پدر سوخته ادعای طهران را هم می کند نفهمیدم.

آن طوری که معین الملک نوشته است به ملکم و ساعدالملک تلگراف رمز سختی بکنید که دولت روس و انگلیس را به حکمیت قطعی وادارند و در طهران هم اگر لازم است باز با طامسون انگلیسی و شارژ دفر رومیه حرف بزنند انشاءالله طوری بکنید که این امر به خوشی بگذرد.

در فقرة معامله به مثل هم برای مقصر و ورشکست و غیره [و] غیره مکرر به شما گفته ام که در طهران و ولایات سخت بگیرید و معامله به مثل را کاملاً اجرا و البته همین طور خواهید کرد. درباره نشان خدیو مصر سابقاً نوشتم که نشان الماس صورت که در فرنگستان ساخته شد و به همه بزرگان و ولیعهدان فرنگستان از همین نمره نشان دادید به خدیو هم بدهید حاضر است.

نشان.....^{۲۵} سرتیپان و.....^{۲۶} را هم بدهید.

خرج تعمیر سفارت و تنخواه های ادعائی شیخ محسن خان که حقیقتاً ما را و همه را خفه کرده هر چه حق اوست عرض بکند بدهم پول حق را چرا نمی دهم.

۸۴

شماره سند: ۴۸۱- (۱-۱۵۹)

تاریخ: ذیحجه / ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط های مبارک جهان

۲۵ و ۲۶. دو کلمه خوانده نشده.

۸۳

مطاع شاهنشاهی روحنافته که درباره وفات مرحوم قوام‌الدوله و کارهای او شرف صدور یافته بود زیارت نموده و از مکنونات خاطر مهر مظاهر همایونی استحضار کمترا نه حاصل نمودم. آنچه در باب محاسبه گمرک مشارالیه مرقوم شده بود مقرون به حق و انصاف و صرفه دولت و صلاح مملکت بود. دیروز نعلش مرحوم را حمل به قم نمودند و میرزا ابراهیم پسرش با نعلش رفته است، درهای صندوق‌خانه و غیره او کلاً با مهر احتشام‌الدوله و میرزا عباسقلی ممهور است. کارهای او و هر چه دارد منتظم و از روی ثبت و سیاهه است. بعد از معاودت پسرش از قم محاسبه گمرک را از ایشان خواسته و دیناری از حقوق دولت را نخواهم گذارد مهمل و متروک بماند. در باب گمرک‌ها چون در قرارنامه راه‌آهن شرط شده است که گمرک‌ها را با اجاره‌حالیه و پنجاه هزار تومان اضافه تا پنج سال به بارون رایتر واگذار نمایم و بعد از پنج سال علاوه بر اجاره‌حالیه و پنجاه هزار تومان اضافه هر قدر هم نفع داشته باشد از صدی شصت به دیوان اعلی بدهند. اگر به نظر مبارک درست و مناسب بیاید عجالاً تلغرافی به حاجی محسن خان نموده و بارون رایتر را دعوت به قبول گمرک‌ها نمایم و ببینم از او چه جواب خواهد رسید و اگر به نظر همایونی عجالاً درست نمی‌آید سکوت نموده فکر جدیدی به جهت اداره آن‌ها کرده به عرض خاکپای مبارک برسد و به هر چه امر و اراده همایونی شرف صدور یابد اطاعت شود. در باب ریاست دفتر امری است بسیار مهم و متصدی این عمل باید طرف امانت و اطمینان باشد، انشاءالله در مراجعت موکب مسعود خیالات عاجزانه و قاصرانه خود را به عرض آستان همایونی معروض می‌دارم و به هر چه اراده اصابت عاده ملوکانه روحنافته شرف صدور یافت اطاعت و مجری خواهم داشت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
 [نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۸۵

شماره سند: ۴۸۲- (۱-۱۵۹)
 گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: ذیحجه / ۱۲۸۹
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دیروز پاکت عرایض

عبیدانه و وقوعات اتفاقیه را معروض اعتاب سده سنیه همایونی روحانفاده داشته‌ام
 تلغرافی از حاجی محسن خان و پاره‌ای تلغرافنامجات دیگر از ولایات رسیده بود ترجمه
 نموده با اصل آن‌ها از لحاظ انور اقدس اعلی روحانفاده خواهد گذشت. دیروز وقت غروب
 خبر رسید که فوج گزار وارد حضرت عبدالعظیم شدند و علی نقی خان با فوج سربند فردا
 وارد معصومه قم خواهند شد و به جهت غره ماه وارد طهران می‌شوند. در تلغرافنامجات
 صاحب دیوان و امین صره که به نظر مبارک ملوکانه روحانفاده می‌رسد از افواج و سواره
 احضاری به جز قلیلی همه بیرون آمده‌اند و آن قلیل هم در همین دو روزه خارج خواهند
 شد، امیدوارم انشاءالله تعالی قلب مبارک همایونی از بابت انعقاد اردوها اطمینان حاصل
 نموده باشد و متدرجاً در خاکپای مبارک معلوم گردد که به فضل خدا و مرحمت سایه خدا
 روحانفاده عرایض عاجزانه خانه‌زاد (شارلاتانیزم) نیست. امروز شنیدم در یکی از انبارهای
 غله دیوانی شپشه افتاده است، فوراً فرستادم مهدی قلی میرزا و میرزا عیسی را آوردند و
 قدغن اکید نمودم فردا آن انبار را برگردانند و هوا بدهند و جنس را از عیب حفظ کنند.
 چاپار آذربایجان دیروز وقت غروب وارد شد، رقیمجات و نوشتجاتی که از سرکار
 شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد زید شوکت و صاحب دیوان به عنوان فدوی خانه‌زاد داشت
 تقدیم خاکپای مبارک نمود. الان که اول صبح روز چهارشنبه است بعد از ایفاد عرایض
 چاکرانه به میدان مشق می‌روم که شلیک زیاد خواهند کرد، به جهت مهارت مشق تعلیم
 روز پانزدهم محرم چنین می‌دانم که در آن روز بیست فوج در میدان تعلیم حاضر توانند
 شد. به حمدالله از تصدق وجود مسعود مبارک از هر جا به جز اخبار امنیت و فراوانی
 نعمت وقوعات دیگری نیست که به عرض خاکپای مبارک برسانم. خداوند وجود ناقابل
 این فدوی بی مقدار را هر آنی هزار مرتبه به تصدق خاکپای مبارک همایون روحانفاده
 بگرداند آمین ثم آمین.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

جواب نوشتجات مؤیدالدوله هم انفاد خاکپای مبارک همایونی روحانفاده گردید که
 از لحاظ انور اقدس بگذرد که فرستاده شود. الامر الاقدس مطاع.

[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفداه که در جواب عرایض عبیدانه این غلام خانه‌زاد از مصدر خلافت کبری شرف صدور یافته بود مشرف و مباهی گردیده دعای واجب الادای کثرت عمر و شوکت و قدرت ملوکانه روحانفداه را تکرار نمودم. بحمدالله از تصدق وجود مسعود مبارک جمیع ولایات و بالخاصه شهر طهران امن و امان ارزانی و فراوانی مسرت و شغف مردم به درجه کمال است و به نمک مبارک قسم است که جمیع مردم از هر طبقه و صنف دعاگوی صمیمی وجود مبارک شاهنشاهی روحانفداه می‌باشند. پریروز به عادت متداوله به صورت تبدیل از بازار عبور نمودم، بدون هیچ اغراق به خاکپای مبارک عرضه می‌دارم که خود فدوی خانه‌زاد ابداً گمان نمی‌کردم که بعد از صدمه سنه ماضیه ده سال دیگر حالت بازار طهران به این درجه ترقی نموده و رواج به هم برساند. پارسال از هر ده دکانی دودکان باز و هشت دکان مسدود بود، آن دودکان باز هم با کمال تحیر نشسته بود و مشتری وجود نداشت. پریروز دیدم که به حمدالله دکان‌ها جمیعاً مفتوح بود در هر دکانی کمتر از پانزده مشتری نبود و به قدری ازدحام و جمعیت بود که عبور و مرور به سهولت امکان نداشت، این قدر جمیع مردم از زن و مرد بی‌اختیار دعا به وجود مبارک ملوکانه نموده و اظهار تشکر از نعمت و امنیت و آسودگی که از تصدق وجود عدیم‌المثال همایونی کردند. فدوی خانه‌زاد از این رواج تجارت و ممنونیت اهالی به قدری مسرور و مشکور است که مافوقی بر او متصور نیست. حالا متدرجاً به مردم مراتب مرحمت و دلسوزی که قبله عالم و عالمیان روحانفداه درباره رعایای خودشان دارند معلوم می‌شود و می‌فهمند که چه قدرها به وجود مبارک خودتان صدمه زده و ناراحتی اختیار فرموده‌اید که آن‌ها در مهد امن و امان و استراحت باشند. خداوند انشاءالله این مرادۀ محبت‌آمیز فیما بین سلطنت و ملت را روز به روز زیاد نماید که بهترین ذخایر و دفاین است. قیمت گندم و جو و سایر حبوبات

و مأكولات روز به روز در تناقص است. گندم به سه تومان و دو هزار [دینار] وجود و تومان
و بیست و دو هزار [دینار] است. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
[نقش مهر پشت سند]: صدر اعظم

۰۰۷

شماره سند: ۲۵۴ (۱-۱۶۳)

تاریخ: ذیحجه / ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، الآن که دو ساعت به غروب
روز پنجشنبه مانده است از دادن مواجب و جیره شش ماهه ثانی آقایان قاجار فراغت به هم
رسانیده و جمع کثیری در کمال شغف و ممنونیت با کیسه های مملو در این شب عرفه از
صمیم قلب دعاگوی وجود مبارک همایونی روحانفاده گردیده اند. دستخط مبارک جهان
مطاع شاهنشاهی روحانفاده [را] که درباره استاد جعفر و خلف وعده های مشارالیه به
افتخار فدوی خانه زاد شرف صدور یافته بود زیارت نموده افتخار حاصل کردم و فوراً
فرستادم او را حاضر کرده بیاورند تا او امر همایونی را کلمه به کلمه بدون فوت و وقت به موقع
اجرا بگذارم. امسال قریب پنجاه هزار تومان تنخواه دولت محض وعده های دروغ از دست
رفت و اگر قدری در ایستادگی خود اصرار می کردم شاید در خاکپای مبارک چنین شبهه
می شد که از بابت خست در امورات دولت می خواهم در دادن پول مضایقه نمایم و حال
آنکه به تاج و تخت همایونی قسم است اگر بدانم مباشرین این قدر انصاف دارند که از
تنخواه مأخوذی دو ثلث در راه امورات دولت صرف^{۲۷} نموده و به یک ثلث قناعت
می نمایند اگر باید خود را به معرض بیع و شری در آورم فوراً تنخواه حاضر خواهم نمود،
وقتی ایستادگی می نمایم که می بینم به دو ثلث به جهت خودشان قانع نیستند. حالا از هر
جای ضرر که معاودت شود باز نفع است به طوری که امر و مقرر شود و شده است
فرمایشات و اوامر ملوکانه را صورت داده در معاودت همایونی به عرض آستان مبارک
خواهم رسانید. امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۲۷. اصل: سرف

شماره سند: ۲۶۷ (۱-۱۶۳)

تاریخ: ذیحجه / ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، از قراری که مذکور داشتند ملاحظه نوشتجات آذربایجان تولید کسالت در وجود مسعود همایونی روحنافداه نموده است. جسارت ورزیده به عرض خاکپای انور اعلی می رسانم که به طور یقین حالت ایلات شاهسونند اردبیل خوب نیست، لکن نه به این طوری که نوشته اند. اغراق نویسی حکام خاصه در موقعی که امید اخذ تخفیف داشته باشند در حضور مهر ظهور مبارک مشهود است. چاره اصلاح امور شاهسونند همان است که بر قلب مبارک شاهنشاهی الهام شده است و غلام خانه زاد تعهد می نماید که جمع فراریان و مهاجرین را اعاده به اوطان خودشان داده و عن قریب این ایل به حالت اولی خود عود نمایند و فردا محمد صادق خان را بعد از شرفیابی به حضور مبارک از همین جا روانه اش خواهم کرد. خاطر مهر مظاهر مبارک را به جهت این امور که به حمدالله در زیر سایه مبارک چاره و علاج دارد افسرده مفرمائید. خداوند جان این غلام بی مقدار را به قربان خاکپای مبارک نماید. آمین

شماره سند: ۴۷۱ (۱-۱۵۹)

تاریخ: ذیحجه / ۱۲۸۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحنافداه که به افتخار فدوی خانه زاد شرف صدور یافته بود زیارت نمود و یک عدد شکار هم به جهت سفیر او تریش مرحمت و عنایت شده بود، فوراً به صحابت همان سقای حامل و میرزا احمد نزد مشارالیه فرستادم. حقیقتاً حیوان غریبی بود، خیلی اسباب ممنونیت و تشکر او گردید و زیاد از حد اظهار عبودیت و فدویت کرده

بود دیشب که شب آخر (سواره‌ها) بود و چون وزیر مختار روس هم تازه وارد شده بود و این همه ضیافت‌ها که به جهت افتخار سفیر اوتریش شده بود، اگر درباره او کلیتاً ساکت می‌ماندم رگ رقابت و حسادت او به حرکت می‌آمد و در این سر سفر همایونی و آن همه مساعدات دولت روس خوب نبود، لهذا سفیر مشارالیه را با سایر سفرا و وزرای دولت در محقر منزل خود اولاً به شام دعوت نمودم و بعد سایرین به (سواره) آمدند چون نشان و حمایل روس استعمال شده بود، ضیافت مزبوره اختصاص به شان وزیر مختار روس داشت خیلی هم ممنون و مشکور شد. در مجلس نیز «دوبسکی» خیلی اظهار امتنان از این مرحمت ملوکانه نمود و خواهش کرد که عرض تشکر او را به خاکپای مبارک برسانم. چون محرم وارد می‌شد و پس از ماه محرم هم وقت مسافرت همایونی است به همه گفته شد که شب آخر سواره است مگر این که در عید مولود مسعود شاهنشاهی روحانفاده دعوت در عمارات مبارک ملوکانه خواهند شد. خداوند انشاءالله توفیق و عمر عنایت فرماید که سال‌های دراز فدوی خاکسار و پس از فوت من وزرای متعدد در احترام این عید مولود مبارک خدمات نموده مردم را به مسرت باز دارند. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]:

سنه ۸۹ بیجی نیل سلخ ذی حجه در طهران لوله شد.

۹۰

شماره سند: ۱۴۴-۸

تاریخ: صفر / ۱۲۹۰

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، الان که دو ساعت از روز سه شنبه ۲۴ شهر صفر می‌گذرد امین السلطان نزد غلام خانه زاد آمد و مذکور نمود که سیصد تومان فرمایش شده است به خاکپای مبارک شاهنشاهی روحانفاده بفرستم. فوراً اطاعت نموده مصحوب حامل مبلغ مزبور تقدیم حضور مهر ظهور همایونی گردید. دیروز از صبح تا دو ساعت به غروب مانده در اتاق نظام مشغول انجام کارهای قشونی و

مملکتی بودم، بعد خدمت سرکار عظمت مدار علیه‌عالیه مهدعلیا و ستر کبری دامت شوکتها مشرف گردیده از آن جا به بازدید حسام‌السلطنه به اتفاق معتمدالدوله رفتم و به قدر نیم ساعت توقف نموده معاودت به بنده منزل کردم. سه طغرا از کتابچه‌های ولایات که باقی بود واریسی نموده مهر کرده با افراد تفاوت آن‌ها به جهت تشرف از صحه‌های یونانی به خاکپای انور اعلی فرستادم. بعد امورات امین حضور را از بابت بنایی و قنایی و مواجب و جیره عملجات از باغبان و سرایدار و غیره و مطالب او از قرار کتابچه که به عرض خاکپای مبارک رسانیده بود با حضور معتمدالدوله تمام کردم، به طوری که هیچ حرف باقی نماند و پس از او طومارهای بنایی معمارباشی را با حضور خودش و معتمدالدوله مذاکره کرده موقوف به این شد که طومار و افراد به خاکپای مبارک فرستاده شود و به هر چه امر قدر همايونی روحانفاده شرف صدور یابد انجام پذیر گردد، چون قدری تفصیل او طولانی است فردا به صحابت منشی حضور که او هم حاضر در مجلس بود معروض سده سنیه همايونی خواهد گردید. پس از او حساب غلّه انبار با حضور مهدی قلی میرزا و میرزاعیسی و معتمدالدوله دیده شد، به همه جهت از اول ورود گندم به انبار تا غره ربیع الاول دو هزار و نهصد خروار به جهت مصارف قشونی از انبار گندم خارج شده است و در غره ربیع الاول که موکب همايونی به سلامتی تشریف خواهند برد، شانزده هزار و هشتاد و سه خروار و خرده [ای] گندم در انبار موجود و تحویل معتمدالدوله خواهد بود و علاوه به قدر سه هزار خروار در ولایات و هزار خروار دیگر از بابت گندم طهران در نزد میرزاعیسی می ماند و کار نگهداری یوسف آباد را نیز به طور دلخواه قرار دادم و تفصیل او نیز فردا به توسط منشی حضور معروض می گردد. سفیر عثمانی فردا وارد دارالخلافه خواهد گردید و الان خانه زاد به اطاق نظام به جهت انجام بقیه کارها می روم. خداوند جان بی مقدار فدوی خاکسار را به تصدق وجود مسعود همايونی نماید آمین. مستدعیم از سلامتی وجود مبارک که منتها آرزوی فدوی است خدام آستان مبارک بشارتم دهند. میرزا رضا را پریروز بیست تومان داده روانه اش داشتم. تولوزون هم فردا شرفیاب می شود.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]: سنه ۹۰ هنگام رفتن سفر فرنگستان در کند

لوله شد تخافوی نیل

[نقش مهر پشت سند]: صدراعظم

تاریخ: رجب / ۱۲۹۰ شماره سند: اسناد مؤسسه پژوهش و مطالعات

فرهنگی اسناد ناصرالملک ج ۱۱ ص ۲۸۷۴

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: محمود خان ناصرالملک

هو

مخدوم مکرم من

نوشته ای که با دل سوخته و جگر برشته نوشته بودید رسید، اما خبر از دل من و شماتتی که از مردم در ماده شما در این چند روز شنیدم ندارید و خدا می داند که هنوز تا این دقیقه که این مراسله را به شما می نویسم نه قلباً توانسته ام خود را راضی نمایم که شما قدمی بر ضد من برداشته اید و نه ظاهراً حرفی که موجب سلب اطمینان باطنی من از شما شده باشد به زبان آورده ام، تا ممکن بود در حضور مبارک از شما دفاع می کردم که ممکن نیست ناصرالملک شریک اعتقاد این قوم گوساله پرست باشد، به درجه [ای] که مکرر می فرمودند عجب آدم صادق و خوش قلبی هستی، این تلغراف انیس الدوله است که خودش رفته و جمع سرکرده ها را هم با خود برده است، تا عریضه شما و حاجی سعدالدوله آمد فرستادند پیش من، عرض کردم مهر مال آنهاست لکن خط مال محررین در مسجد شاه است شاید او را مجبور کرده اند، فرمودند: کسی که قدرت دولت در دست او است و در نفس طهران ده هزار قشون دارد و می توانست همه این ها را گرفته قراول بیندازد چگونه او را می تواند مجبور کرد؟ تا آنکه بالاخره^{۲۸} به اصرار من منشی حضور را فرستادند که با شما صحبت نماید. از قضا شما را از نیاوران آوردند، در روز اول که هیچ نگفتید و درجه احتیاط را به اعلی علیین رسانیدید و در روز دویم گفتید تا صدراعظم در اردو است وحشت حضرات ساکت نمی شود و بیرون نخواهند آمد و بنا به روایت منشی حضور گفتید: وحشت حضرات و ما ساکت نمی شود، از طرف دیگر میرشکار آمد و گفت حاجی سعدالدوله می گوید: اگر شاه صدراعظم را در آستین خود بخواهد حفظ نماید من

۲۸. اصل: بالاخره

با انگشت‌هایم چشم‌های او را در می‌آورم. حالا اگر شما جای من بودید بعد از همه فقرات چه می‌کردید؟ و چه می‌گفتید؟ علاوه بر این‌ها آن دفعه که من از خدمت صدارت استعفا دادم و از حضور همایونی بیرون آمدم فوراً به خط‌امین لشکر به موجب وعده که به شما داده بودم تلگرافی به شما نوشتم و از واقعه شما را استحضار دادم و تلگرافی هم به میرزا عباسقلی و نصیرالدوله و معتمدالدوله نوشتم، از هر سه آن‌ها جواب آمد و از شما تا به حال جواب نرسید، دیگر من علم غیب نداشتم که عریضه شما در جیب حکیم دیکسون خواهد ماند، خلاصه در رسانیدن خبر به من شما و نصیرالدوله هر دو اهمال نمودید، و خودتان را خیلی باخته بوده‌اید، شاید موقع هم این‌طور بوده و من از دور ملاحظه می‌کنم و ملتفت نیستم. خود شما می‌دانید که من شما را بر برادرم ترجیح دادم و قدرت دولت را تماماً به شما سپرده و به اطمینان شما از ایران خارج شدم. خلاصه تقدیر چنین بوده است که من و شما و همه تنبیه شویم، خدا می‌داند که من عجالتاً از حالت خودم تشکر دارم، آسوده نشسته‌ام و در خارج تماشا می‌کنم و رفع خستگی می‌نمایم. اگر هیچکس نداند شما خوب اطلاع دارید که من خیال مراجعت از فرنگستان نداشتم و اگر باور ندارید امین‌السلطان را قسم بدهید که در فرنگستان چقدر التماس و الحاح نمودم که بمانم و قبول نشد. باز والله در ورود به طهران و اتمام سفر محال بود که مداخله به معامله هذه السنه نمایم. خلاصه درباره من خوب کردند و مرا آسوده کردند. لکن خیر نبینند که ملت را در انظار اروپا ضایع و رسوا و خارج از استعداد مدنیت قلم دادند و ثمر سفر به این خوبی را به هدر دادند. واقعاً اگر اهل قلم از من شاکی باشند به اعتقاد خودشان حق دارند، زیرا که من از راه تربیت و دلسوزی آن‌ها را از عادت قدیمه خودشان منع می‌کردم، اما درباره قشون و سرکرده‌ها که بد نبودم، همین صمصام‌الدوله که می‌خواست است مسند را از زیر پای شما بکشد، یک مرتبه در عهد وزارت عدلیه او را از کشتن نجات دادم و در صدارت هم فوج طهران را که منتها آرزوی او بود به او دادم و قس علیهذا، خلاصه تقدیر چنین بوده است، تقصیر احدی نیست، من همه آنها را قلباً عفو نمودم، شما هم غصه نخورید، خداوند به قدر نیت خودتان به شما خواهد داد، از من هم در هر جا باشم و هر خدمتی نسبت به

شما برآید مضایقه نخواهم کرد. حاجی سعدالدوله را خیلی سلام برسانید، هر وقت مجال کردید از سلامتی خودتان اطلاع بدهید. چون می دانم وسواس دارید کاغذی که به جهت من نوشته بودید در جوف این پاکت اعاده دادم.

مورخه ۸ شهر رجب ۱۲۹۰

حسین

۹۲

شماره سند: ۱۱۵-۳۶

تاریخ: رمضان / ۱۲۹۰

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، بیگلربیگی و کلانتر تبریز که به دربار گردون مدار همایون احضار شده بودند آمدند. مابین جناب حاجی میرزا جواد مجتهد و آنها به طوری که لازم و سزاوار بود اصلاح شد و همچنین مابین جناب مشارالیه و صاحب دیوان نیز به نوع خوش اصلاح پذیرفته و مجتهد هم در این جا قریب هفتاد نفر نوکر و همراه و از این قدرها متجاوز مال و دواب دارد و خرج و مصرف او خیلی زیاد است. هر گاه چنانچه مرخص فرموده بودند اراده علیه مطاعه همایونی به مرخصی او علاقه گرفته حکم جهان مطاع شرف صدور یابد که همین دو سه روزه لوازم رفتن ایشان را فراهم آورم برود و هر گاه باید در دربار جهان مدار بماند آدم و اسب و دواب خود را تخفیف داده بماند. در هر حال منوط به امر و اراده اقدس همایون ملوکانه روحانفاده است. معروضه شب ۲ رمضان ۱۲۹۰

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]: عریضه مشیرالدوله در فقره مجتهد تبریز

تاریخ: شوال / ۱۲۹۰

شماره سند: ۱۴۱-۸

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفاده مشرف شده و از فرمایشات ملوکانه به وزیر مختار روس و اجوبه مشارالیه به خاکپای مبارک استحضار عاجزانه حاصل نمودم، بر حسب امر و فرموده شاهانه فردا مشارالیه را احضار نموده ادله و اثباتی که در ابطال قرارنامه داریم به مشارالیه حالی نموده و اگر لازم شد مکاتبه که فیما بین فدوی و کولنس مبادله شده است به او ارائه نموده و صورت مجلس را با عریضه به عرض خاکپای اقدس علی روحانفاده خواهم رسانید. خداوند جانم را به قربان وجود مسعود مبارک نماید. آمین ثم آمین.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: شوال / ۱۲۹۰

شماره سند: ۱۴۸-۸

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، مبلغ هفت هزار و بیست و شش تومان و ششصد و نوزده دینار باقی تنگوزئیل جلیل خان مباشر ملبوس نظامی شد که در فردهای جمع و خرج که از عرض خاکپای جواهر آسای مبارک ملوکانه روحانفاده گذشت، در جزو دو بیست و چهارده هزار تومان جمع شده و دو هزار و پانصد تومان از وجه مزبور حسب الامر الاقدس الاعلی برای تعمیر سفارت خانه اسلامبول باید فرستاده شود. برای سند جلیل خان دستخط نوشته لفاً تقدیم حضور مرحمت ظهور مبارک نمود که هر گاه اراده مطاعه مبارک که علاقه گیرد به شرف صحه مبارکه خسروانه تزیین پذیرد که

جلیل خان از این باقی فارغ شده و کتابچه حساب او تمام شود. در هر حال منوط به اقتضای رای مهر امضای مبارک است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

۹۵

شماره سند: ۱۶۱-۸

تاریخ: ۱۹ / شوال / ۱۲۹۰

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، به مجردی که از زیارت دستخط آفتاب نقط مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه دایر به فقره قرار زوار کسب افتخار و سرافرازی نمود. فوراً اطاعت کرده تلگراف مخصوص در این باب به حاجی محسن خان نوشت به مجرد وصول جواب به عرض خاکپای جواهرآسای مبارک ملوکانه خواهد رساند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

۹۶

از اسناد وزارت خارجه

تاریخ: ۱۷ نوامبر ۱۸۷۳

گیرنده: سپهسالار

فرستنده: کولنس

هو

ترجمه مراسله کولنس وکیل بارون روتر به جناب اشرف سپهسالار اعظم به تاریخ ۱۷

نوامبر ۱۸۷۳

جناب اشرف، جناب اشرف شما در خاطر دارد که جواب رسمی مسائل معوقه فیما بین دولت علیه ایران و بارون روتر را تا به وصول سواد دستخط اعلیحضرت که به من

۹۵

وعده کرده بودید در خصوص مأموریت شما در باب امتیاز نامه بارون روتر به تأخیر انداخته بودم، حالا که از رشت مراجعت فرموده‌اند فرصت را غنیمت شمرده جواب قطعی به مراسله جناب حسنعلی خان وزیر فواید [که] به تاریخ ۲۱ نوامبر به من نوشته‌اند که دولت ایران کار ساختن راه‌آهن را شروع کرده، نمی‌داند. در این ضمن جسارت کرده به مراسله پنجم و سیزدهم نوامبر جناب شما هم جواب می‌نویسم بدون این که گفتگویی نمایم. در باب این که دولت علیه ایران می‌گوید که کار ساختن راه در مدت پانزده ماه بعد از امضای عهدنامه شروع نشده است. من در دست موجود دارم مراسله [ای] که به حکم و اجازه جناب شما وزارت فواید به تاریخ ۲۱ نوامبر به مهندس باشی راه‌آهن نوشته است و در آن به طور وضوح رضامندی جناب اشرف شما را که آن وقت صدراعظم بودید که شروع کارها را مشاهده می‌کردید بیان می‌کند و علاوه بر آن جناب شما بسیار خوشوقت بودید که ما را به این زودی در کار می‌دیدید. تصور می‌کنم که خیال جناب اشرف شما این نیست که آن مراسله را قبول بفرمائید، زیرا که به واسطه آن مراسله بارون روتر ثابت می‌تواند کرد که دولت اعلیحضرت شاهنشاهی رسماً شروع راه‌آهن را تصدیق کرده است.

غیر ممکن است که مراسله سابق با مراسله پنجم نوامبر که تصدیق می‌کند دولت ایران قرارنامه [ای] که بارون روتر منعقد کرده است کانلم یکن می‌شمارد، مطابق شود. از جناب اشرف می‌پرسم اگر بارون روتر این طور رفتار می‌نمود چه تصور می‌کرد. دولت ایران و چه طور ملاحظه.....^{۲۹} به واسطه اروپا این نوع اختلاف و به چه نحو بارون می‌تواند اعتماد به دولت ایران داشته باشد، در صورتی که لازم و واجب است برای اجرای منافع عامه در ایران که او تعهد نموده است و امداد شراکت صرافان معتبر فرنگستان را. بارون روتر زیادتر از آن چه لازم بود اهتمام خود را کرده است برای اثبات شروع کارها. با وجود مراسله جناب وزیر فواید قویاً ضمانت می‌کنم که دولت ایران شروع کارهای راه‌آهن [را] تصدیق کرده است و این را دولت نمی‌تواند تکذیب نماید و دولت ایران هیچ نمی‌تواند بگوید، مگر این که دلیلی را که نمی‌دانم می‌خواهد جبراً تعهداتی که در قرارنامه با بارون روتر رسماً قبول کرده است رد نماید.

۲۹. یک کلمه خوانده نشد.

از جناب اشرف و از رجال دولت که قرارنامه را امضاء کرده‌اند مجدداً استدعا دارم که خیال نمایند نتیجه اشکالات تأسف‌آمیز را که روی خواهد داد، اگر این موافقت بارون‌روتر با دولت ایران مبدل به اختلاف بشود و این در منفعت دولت و مملکت نیست و این یقین است [که] این رفتار دولت در نظر اروپا و صرافان عالم...^{۳۰} نموده باعث عدم اعتماد آنها خواهد شد. بارون‌روتر از طرف خود نهایت میل دارد که تعهدات خود را به اتمام رساند و کارها را به طور قاعده و رفاه تمام نماید و عزم دارد که کارها را در نقاط عدیده امتداد بدهد، بلکه می‌خواهد مهندسین زیاد در مدت قلیلی بفرستد و آهن و چرخ زیاد فرمایش داده و در بهار فرستاده خواهد شد و دلیلی بهتر از این نیست که پسر خود را هم به ایران چند روز دیگر خواهد فرستاد و این علامت آن است که همه کارها را به اتمام خواهد رساند و تلاش دارد که به شرکای خود در این کار اعتماد بدهد به این نحو که نیت حسنه خود را به دولت ایران نشان می‌دهد. امیدوار است که دولت ایران تعهدات خود را بر وجه اکمل به عمل آورد، در هر صورت بارون‌روتر حق خود را در هر جا ثابت خواهد کرد. امضای کولنس و کیل‌روتر

۹۷

تاریخ: ۲۳ / نوامبر / ۱۸۷۳ شماره سند: ۱۴۸-۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: مسیو کولنس و کیل بارون‌روتر

ترجمه جواب مرحوم سپهسالار اعظم به مسیو کولنس و کیل‌روتر، به تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۸۷۳

مسیو جواب مراسله هفدهم این ماه شما مصدق و ترجمه مفصل تلگراف بارون‌روتر است که به من به تاریخ ۱۲ ابلاغ شده بود و من در ۱۳ جواب آن را داده‌ام.

این مراسله من هم مصدق دو مراسله سابق است، اما از مراسله حسین قلی خان سرتیپ که شما حرف می‌زنید و به واسطه آن می‌خواهید شروع کار راه آهن را معلوم نمایید

۳۰. دو کلمه خوانده نشد.

من هم رضایت خود را به شما اظهار نموده و به همان طور می‌نوشتیم. اگر کارها حقیقتاً شروع شده بود به آن طور که در قرارنامه مسطور است حقیقتاً هیچ چیز مطبوع‌تر و بافایده‌تر برای دولت علیه ایران نخواهد بود که بارون‌روتر را می‌دید تعهدات خود را کاملاً به انجام رسانیده و کارها را به طور خوشی و با منفعت به اتمام می‌رساند. مثل آن که خود شما می‌گوئید چنان که دولت علیه ایران آینده خود را به دست او وا گذاشته بود و این را حسین قلی‌خان در این نیت به مهندس باشی راه‌آهن نوشته است، وقتی که به ما خبر داده که شروع به کار کرده‌اند به واسطه تشریف‌فرمائی علی الغفلة اعلی حضرت شاهنشاهی تصور کردیم که کارها به طوری که در قرارنامه مقرر است ابتدا شده است و آن وقت محض رضایت شخصی حسنعلی خان تبریک به مهندس باشی نوشته است، لکن به او خاطر نشان کرده بود که امید داشت این شروع کار موافق نص قرارنامه می‌شد و به این طریق کاغذ خود را رد می‌نماید و حق به اظهارات امروز مأمن می‌دهد و به من اظهار می‌کند که بارون‌روتر عزم کرده است کارها را در نقاط عدیده امداد بدهد و مهندسین زیاد خواهد فرستاد. این خبر ما را خیلی خوشوقت می‌کرد اگر کارها بر وفق قاعده بود. اما مسیو بارون‌روتر پس از انقضای مدت دست به کار زده قرارنامه را باطل کرده در حالتی که به طور وضوح تعهدات خود را انجام نداده است. بنابراین نه تنها دولت ایران اعتنائی ندارد به اقدامات تازه بارون‌روتر، عزم خود را هم جزم کرده است مانع کارهای جزئی هم که مدعی هستند در رشت دست زده‌اند بشوند، زیرا که برای دولت قرارنامه مزبور وجودی ندارد. چنان که دو مراسله سابق من به شما اعلام می‌کند و در این جا هم آن را تصدیق می‌کنم قرارنامه وجودی ندارد برای این که بارون‌روتر تعهدات خود را مجری نداشته چنان که شروع کار در آن مقرر است قرارنامه باطل است برای آن که اگر هم موافق فصل هشتم قرارنامه این ابتدا به کار می‌شد و اگر علاوه بر آن هم آهن گذاشته شده بود بارون‌روتر به طور آشکار نقض عهد کرده و بدون این که بتواند خلاف آرا بگوید شرایط فصل بیست [و] سیم را مجری نداشته است، زیرا که فصل بیست [و] سیم می‌گوید که همه کار راه‌آهن و معادن و جنگل و آب و غیره می‌بایست یک دفعه شروع بشود و این به عمل نیامده است و به همین جهت قرارنامه بالکلیه باطل است.

تاریخ: ندارد

شماره سند: ت ۴۹/۱۱

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، غلام خان‌زاد از بدایت سن که همت ملوکانه در تربیت فدوی مبذول فرمودید همیشه خدمت به خیال مبارک را سرمایه ترقی خود قرار داده به قدر ذره [ای] از رای و فرموده همایونی تا این دقیقه که به عرض عریضه جسارت می‌ورزم انحراف نجسته‌ام و تا زنده‌ام انشاءالله نخواهم جست و چاره فلاح و نجات همین فقره را دانسته‌ام و یقیناً سهو نکرده‌ام و هر خدمتی از بزرگی و کوچکی که به این غلام رجوع فرموده‌اید بدون این که هر دقیقه مصدع اوقات مبارک شوم و خدمت فروشی نمایم در صدد انجام خدمت و فرمایش بوده‌ام، به اعتقاد این که نتیجه عمل خود معرف کار خواهد گردید، از جمله فقره ابطال قرارنامه راه‌آهن است چون رای مبارک به برهم زدن این عمل علاقه گرفته است دقیقه خودداری ندارم و مشغول کار هستم، از آن چه دیشب در مجلس گذشت به عرض استان مبارک رسیده است به همان قدرها اکتفا نکردم، امروز بعد از ظهری باز فرستاده وزیر مختار انگلیس را احضار منزل خود نمودم و تجدید مذاکره با او کردم و لزوم اعلان نامه ابطال قرارنامه را در روزنامه طهران با او به میان آوردم به طورهای خوب و با شأن و او را با خودم در این فقره متفق و متحد نمودم و فردا تلغراف ثانوی را به رایتر خواهم کشید و مسوده اعلان نامه را حاضر نموده به اقسام متعدد و مختلف و به عرض خاکپای مبارک می‌رسانم، هر یک را که مناسب و صلاح دیدید فوراً در روزنامه دارالخلافه طبع شده منتشر می‌گردد و خاطر مبارک مطمئن شده به جاجرود تشریف خواهند برد، این فقره را نیز به طور لزوم عرضه می‌دارم که به نمک مبارک همایونی و به صاحب عزای امشب قسم است اشخاصی که قلب مبارک را از بابت ملت متزلزل می‌سازند پولتیک و اجرای مقصود خودشان را در آن دیده‌اند والا ملت بی‌چاره مطیع و پادشاه پرست و از آن چه به وقوع رسیده است در کمال تألم و تأسف می‌باشند و به هیچ وجه خیالی به جز آسودگی و امنیت ندارند و بر ضد مؤسسين این حرکات و اعمال هستند، اگر

باور ندارید چند نفر جاسوس بی غرض و صدیق میان شهر بفرستید تا از افکار عامه از روی حقیقت خاکپای مبارک را استحضار بدهند و قلب همایونی آسوده شود. والله بالله تالله هیچ نقلی نیست و عامه مردم ساکت و راحت می باشند، مگر چند نفری که آن ها هم از چند روز قبل خیلی حساب می برند و با احتیاط حرکت می نمایند. زیاده جسارت ندارد خداوند جان و مال و هر چه در دنیا دارم به تصدق وجود مبارک نماید. آمین ثم آمین

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین شاه در بالای نامه]:

جناب مشیرالدوله خدا شاهد است شما را نوکر بی مثل برای دولت می دانم و کمال التفات را داشته و دارم و در حقیقت من و شما و همه باید دست به دست داده شب و روز در فکر ترقی دولت باشیم و همه شریک غم و شادی دولت باشیم.

اعلان ابطال در این اوقات لزوم دارد، اگر لزوم نمی داشت من این همه اصرار نمی کردم، شما هم الحمدلله در کمال خوبی انجام داده اید. مسوده ها را به نظر برسانید، هر کدام که پسندیده شد اعلام می شود و بالکلیه خیالات عامه تسکین یافته قرارهای خوبی می توان داد.

۹۹

شماره سند: ۱۳۰-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، خداوند را به حق مقربان در گاهش و به حرمت ائمه عظام علیهم السلام قسم می دهم که ایام همایونی را مستمراً بهتر از روز عید ولیالی ملوکانه را بالاتر از شب قدر نماید و به هیچ وجه کدورت و ملالت به وجود مسعود شاهنشاهی روحانفاده راه نیابد. به حمدالله در فقره راه آهن به طوری که مقصود همایونی بود که اصل عمل لغو گردد و در ظرف ماه رمضان به عامه خلق اعلان شود صورت گرفت. شکر می کنم خداوند را که منصوباً ام معزولاً، معزواً و ذلیلاً، هر چه به

این غلام خانه‌زاد امر فرمودید و میل باطنی مبارک را اظهار داشته‌اید لفظ نمی‌شود یا ممکن نیست یا در قوه ندارم از زبان عاجز این بنده ذلیل بیرون نیامده است و همه را بدون هیچ منظوری از خودم محض خدمت به خیال مبارک اقدام و اهتمام نموده خداوند هم اعانت فرموده موفق شده‌ام. فحمدالله ثم حمداً لله گناه کبیره این غلام خانه‌زاد به زعم پاره [ای] مردمان در امور دنیا و دولت داری نتیجه فقره را آه‌ن بود، حالا دیگر نمی‌دانم چه خواهند گفت یقین این اوقات برهم زدن قرارنامه را تقصیر بزرگ خواهند گرفت، چنانچه از یک دو جا بعد از طبع روزنامه شنیدم ایراد می‌گرفته‌اند که ملت بیچاره را از این منافع عظیمه بی‌بهره کرد، خدا و سایه خدا هر دو می‌دانند که در انعقاد قرارنامه اطاعت امر و اصرار همایونی را نمودم و خدمت به دولت و ملت کردم و نمک مبارک را حلال خوردم و در برهم زدن قرارنامه خدمت به میل ملوکانه کردم، دیدم می‌خواهند سدلسان مردمان ناهم را بفرمایند. هرچه در قوه داشتم به فعل آورده و باز خواهم آورد. همین قدر که مدام خاطر مبارک راضی و خوشنود است بهترین مکافات به جهت فدوی خانه‌زاد خواهد بود. کولنس مراسله طولانی به عنوان فدوی نوشته و کاغذ حسنعلی خان را اسباب دفاع خودشان قرار داده بود. جوابی مقرون به حق و قاعده به مراسله مشارالیه نوشتم و هر دو را ترجمه نموده اصلاً و ترجمه در جوف تقدیم خاکپای انوراعلی می‌دارم و خیال دارم بعد از چند روز به موجب تلغراف به نایب‌الحکومه رشت خبر بدهم. این جزئی حالا در راه می‌نمایند منع و تعطیل نموده خاطر مبارک شاهنشاهی روحانفاده را کاملاً آسوده دارم و آن وقت خدمت محوله به خودم را که یک حصه از وزارت فواید است تمام دانسته مفتخر باشم خداوند جان و مال فدوی خانه‌زاد را به تصدق وجود مبارک شاهانه‌ات نماید. آمین ثم آمین

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه‌زاد حسین

[در پشت سند به خط ناصرالدین شاه]: عریضه مشیرالدوله است درباره راه آه‌ن موقوفی آن

شماره سند: ۸-۱۰/۱

تاریخ: ۱۲۹۱/هـ ق

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: علاءالدوله

هو

تصدق خاکپای مبارکت شوم، به زیارت دستخط جهان مطاع اقدس مفتخر و سرافرازی حاصل نموده. شمشیر و شمسه و خرقه که مقرر شد به حاملی چهار نفر غلام و یک نفر پنجاه باشی به خاکپای اقدس انقاد نمود. فرامین مطاعه را به خاکپای اقدس فرستاد. فرامینی که اول نوشته شده بود چون اسم توپخانه و لقب سپه سالاری تصریح نشده بود به خواهش جناب مشیرالدوله فرامین را تجدید نموده فرستاد که به صحه و مهر همایون برسد. فردا ظهر چاپاران روانه شوند از برای اخبار مجلس. روز سه شنبه اخبار نموده انشاء الله باشکوه انجام خواهد داد و بعد از فراغت عازم آستان بوسی خواهد شد. در باب دستورالعمل کارها و نوشتجات ولایات و خزانه و غیره با جناب آقا گفتگو نموده تفصیل را بعد از شرفیابی به عرض خاکپای مبارک خواهد رساند.

امر امر همایون روحانفداه است

[دستخط ناصرالدین شاه در بالای نامه]:

علاءالدوله، احکام به صحه رسیده مهر شد. چاپاران خیلی زود بروند.

شمشیر و شمسه رسید، هر دو بسیار خوب بودند، بخصوص شمشیر که بسیار اعلا است، برات قیمت هر دو را هم بنویسند [که] از خزانه داده شود. حامل میرزا احمدخان است ظهر روز دوشنبه روانه شد.

سنه ۹۱

[در پشت سند آمده]: اعطاء شمشیر و فرمانی به میرزا حسین خان قزوینی سپهسالار

وقت ۱۲۹۱

تاریخ: جمادی الاخر / ۱۲۹۱

شماره سند: ۲۷۲ - ۵۰

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، دیروز بعض عرایض عبیدانه راجعه به خارجه و قشون حاضر شده بود، برای گذشتن از شرف عرض خاکپای جهان آرای همایونی فرستاد، البته تا حال به شرف لحاظ انور اقدس همایون ملوکانه روحانفداه مشرف گردیده است.

نوشتجات خراسان حسب الامر الاقدس الاعلی خلاصه شده لفاً به شرف عرض خاکپای مبارک مشرف خواهد شد، به هر طور احکام قضا نظام عز صدور یابد از آن قرار جواب آن‌ها حاضر خواهد گشت که به چاپار نیمه جمادی الاخر برسد و الآن که صبح روز دوشنبه است با نصیرالدوله مشغول کتابچه و نوشتجات صاحب دیوان و خواندن و بیرون نویسی کردن آن‌ها می‌باشم که از برای تشریف‌فرمائی موکب فیروزی کوکب به نیاوران حاضر بوده به عرض برسد و به هر نوع امر قدر قدر شرف صدور پذیرد جواب نوشته شود که امر عمده و مهمی است، حاجی سعدالدوله هم نزد چاکر فدوی حضور دارد. از میامن توجهات خاطر خطیر افتاب تأثیر همایونی امر شهر و قراول خانه‌ها از هر جهت منظم و قرین امنیت است، می‌توان جسارت به عرض نمود که طهران کمتر خود را به این امنیت و نظم و آسودگی دیده بود، انشاءالله خاطر الهام پذیر اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه از این جهت مطمئن و آسوده و بلااشتغال خواهد بود، محض اطلاع خاطر دریا مقاطر خسروانه جسارت به عرض ورزید. معروضه ۶ شهر جمادی الاخره ۱۲۹۱

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

در باب پول راه‌سازی دیروز به عرض خاکپای مبارک جسارت ورزیده بود، لیکن الآن که نصیرالدوله حاضر است مبلغ هشتصد تومان به آدم حسنعلی خان وزیر فواید تسلیم شد که دیگر به هیچ وجه معطلی نداشته باشد. به جهت استحضار خاطر خطیر مهر تأثیر مبارک جسارت به عرض عاجزانه ورزید.

غلام‌خان‌زاد حسین

۱۰۲

تاریخ: جمادی الاخره / ۱۲۹۱
شماره سند: ۲۷۶ - ۵۰
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، در ضمن دستخط آفتاب آیت جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده مرقوم بود که از جانب سنی الجوانب خسروانه امر و مقرر شده است امین لشکر زودتر به طهران بیاید که اگر چادر و ملبوس و غیره لازم باشد بدهد. این فرمایش مطاع اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده از الهامات غیبیه بوده، زیرا که از برای تشکیل اردوی نظامی در بیرون شهر هیچ حالت معطلی غیر از نبودن چادر موجود نیست. هر گاه تعجیل در آمدن او شود چادر بدهد زودتر اردوی نظامی تشکیل خواهد یافت و خیلی لازم است. محض اطلاع خاطر خطیر مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفاده جسارت ورزید. معروضه ۶ جمادی الاخره ۱۲۹۱
الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۱۰۳

تاریخ: ۴ ذیحجه / ۱۲۹۱
شماره سند: ۱-۲۹-۱۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، تنخواه قور خانه نرسیده است. عوض ده هزار تومان کرمان داده نشده است. وجهی هم که از بابت عربستان بایست داده شود هنوز از آن جا نرسیده است. جهانگیر خان هم آمده است تنخواه می خواهد و عرضش این است که اگر تنخواه حالا داده نشود نمی توان تدارک لازمه و فرمایشات را تهیه کرد، وقتی که تأخیر افتاد مایه خجالت و شرمندگی می شود. دو روز قبل این غلام دو هزار

تومان داد به طور قرض، ولی کفایت نمی کند، موقوف به اراده علیه همایونی است که هر طور امر و مقرر شود معمول دارد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۱۰۴

شماره سند: ۱۲-۲۹-۲

تاریخ: ۴ ذیحجه / ۱۲۹۱

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به شرف زیارت دستخط مرحمت نمط جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده که در باب عرایض کیف خراسان شرف صدور یافته بود مشرف گردید. بر حسب امر و اراده علیه مطاعه اقدس همایون ملوکانه با نظام الدوله در این خصوصات گفتگو نموده جواب تحصیل کرده با عرایض کیف به شرف عرض خاکپای مبارک خسروانه خواهد رساند. حقیقت این است چاکر فدوی هم کمال تعجب را از ظهور این عرایض با انتظاری که از حالت نظام الدوله بوده و هست کردم که چگونه با بودن او در خراسان حالت مردم به این طورها رسیده است! تا جواب نظام الدوله چه باشد؟ معروضه ۴ شهر ذی حجه ۱۲۹۱

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۱۰۵

شماره سند: ۱۲-۵-۱

تاریخ: محرم ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، در باب امر ضربخانه و

۱۰۵

پسته و معدنچی دستخط مبارک شرف صدور یافته بود. آنچه مواظبت کار ضرابخانه و پسته چی است که سپرده به ناصرالملک و وزیر فواید است مشغول کارند. مترجمی هم خواسته بودند برای ترجمه راپورت فرستادم، من بعد راپورت آنها را به عرض خاکپای مبارک همایونی می‌رسانند. در باب تعمیر ضرابخانه هم آدم فرستادم فردا تمام خواهد شد که معطلی برای آنها نداشته باشند.

در باب معدنچی هم که هفتصد و نود و پنج تومان باید جناب علاءالدوله بدهد، پانصد تومان داده است. دویست و نود و پنج تومان باقی بود حالا فرستادم قرار داده‌اند امروز بدهند. اسباب آنها را هم امین‌السلطان حاضر کرده است دیگر معطلی ندارند.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

مقصود از عرض این که به ناصرالملک و وزیر فواید سپرده است نه این است که خود این غلام مواظبتی ندارد، بلکه این است که آنها هم مراقبت دارند و این غلام هم مواظبت کاملی دارد و خواهد داشت.

امر الاقدس الاعلی مطاع غلام خانه‌زاد حسین.

۱۰۶

شماره سند: ۱۲-۵-۲

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، در باب عرض رعایای اصفهان بر قلب مبارک همایونی از همه کسی زیادتر واضح و آشکار است که نیت این غلام خانه‌زاد در آسایش رعایا و مزید دعاگونی به ذات اقدس شاهنشاهی روح‌العالمین فدا در چه درجه است. ابدأ خود را نمی‌تواند راضی کند که به احدی ظلمی وارد بیاید. از برای تحقیق این فقره شخصی که خیلی مناسب و امین و محل اعتماد بود همین علی محمدخان است که مأمور بردن تنخواه به استرآباد شد، چون تأکیدات اکیده در مأمور بردن وجه ایفادی به استرآباد شد، علی محمدخان را مأمور کرد و فردا صبح زود روانه است. اگر

۱۰۶

فقره تحقیق و رفع ظلم رعایای اصفهان اهم است این شخص را مأمور اصفهان و فردا روانه نماید [و] کس دیگر را برای استرآباد مشخص کرده با پول و حاکم روانه نماید، چون حاکم خود می رود و اجزاء کار هم در استرآباد موجود است می توان از تفنگداران امین و غیره کس دیگر را معین نمود والا برای اصفهان فکر آدم دیگری کرده به عرض برساند. در هر صورت امر امر جهان مطاع همایونی است. غلام خانه زاد حسین

۱۰۷

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۱۲-۶
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم، به جهت تدارک چراغانی شب مولود مسعود مبارک آنچه لازم باشد حاضر نموده و قدغن به جهانگیرخان نموده که مراقب تکمیل چراغانی بوده، لکن جهانگیرخان تعیین محل چراغانی را از این غلام خانه زاد استفسار می کند. خیابان باب همایونی، خیابان ناصریه، میدان ارگ، هر سه موقع قابلی است. مقرر می شود در هر سه یا در بعضی معین شود. هر طور که رای الهام ارای شاهانه مقرر فرمایند به جهانگیرخان اعلام شود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۱۰۸

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۱۲-۷-۱
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، در باب حرکت کردن جناب حاجی ظهیرالدوله به خراسان، دستخط مبارک شرف صدور یافته بود. محصل این

۱۰۷

غلام خانہ زاد در سر حاجی ظہیر الدولہ بود کہ امروز او را حکماً حرکت بدهد. گفته بودند کہ بہ توسط جناب علاء الدولہ بہ عرض خاکپای مبارک ہمایونی رسانند، الی روز سہ شنبہ مہلت مرحمت شدہ است، حالا کہ دستخط مبارک زیارت شد محمد حسن خان یوزباشی را کہ محصل او بود فرستاد کہ حکماً ایشان را حرکت بدهد و خبر بیاورد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

۱۰۹

شمارہ سند: ۸-۱۲

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۲

گیرندہ: ناصر الدین شاہ

فرستندہ: میرزا حسین خان سپہسالار

ہو

قربان خاکپای جواہر آسای اقدس ہمایون مبارکت شوم، در فقرہ حسن ہفت رنگ نوکر قونسول انگلیس مرقوم فرمودہ اند کہ این غلام خانہ زاد چہ صلاح می داند. بہ عرض خاکپای مبارک می رساند از درجہ تقصیر و جہت گرفتاری او اطلاع ندارم، لکن ہمین قدر عرضہ می دارم کہ مومی الیہ تبعہ دولت علیہ است. مثل سایر تبعہ ہا ہر حکمی کہ دربارہ او میل دارند بفرمایند و ہمین عریضہ فدوی سند در خاکپای مبارک باشد کہ بہ ہیچ وجہ حرفی و مشغلہ بیرون نیاید. گمان ندارم تقصیری کردہ باشد کہ مستحق سیاست بدنی باشد. امر امر ہمایون شاہنشاهی روحانفادہ است.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۰

شمارہ سند: ۱۳-۱۲

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۲

گیرندہ: ناصر الدین شاہ

فرستندہ: میرزا حسین خان سپہسالار

ہو

قربان خاکپای جواہر آسای اقدس ہمایون مبارکت شوم، چنان چہ در عریضہ عودت

۱۰۸

فریضه عاجزانه خود دیروز عرض نموده بودم شبانه فرستادم مهدی قلی میرزا را آوردند و فرمایشات ملوکانه روحانفاده را به او گفتم قسم‌ها خورد که از این عرض و استعفا منظورم اتلاف مال دیوان و ندادن چهار هزار خروار نیست او را به همان طوری که تعهد نموده‌ام، با قدری تقویت خواهم رسانید لکن از آتیه می‌ترسم و در کار من به قدر ذره‌ای حمایت نمی‌شود شرحی هم نوشته است که لفاً از ملاحظه انور اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده خواهد گذشت چون در آخر دستخط مبارک شاهانه دیروز مرقوم شده بود که یا مهدی قلی میرزا چهار هزار خروار را پادار نماید یا او را به علاءالدوله بدهم که در قراول داشته باشد لهذا محض احتیاط که مبدا خدای نکرده خلاف امر همایونی به وقوع برسد از دیشب تا به حال مهدی قلی میرزا در باغ غلام خانه‌زاد حاضر است تا بعد از لحاظ این عریضه چاکرانه به هر چه امر قدر قدر همایونی شرف صدور یابد اطاعت شود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۱

تاریخ: محرم / ۱۲۹۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 شماره سند: ۱۲-۷-۲
 گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده مشرف شده کسب افتخار نمودم، دستخط مبارک که در صدر نوشتجات عمادالدوله شرف صدور یافته بود زیارت نمودم و به جهة اطمینان قلب معزی الیه که آسوده شود و انتظام عمل اردو قوت بگیرد فردا به صحابت چاپار مخصوص ارسال می‌دارم و آن چه لازم است خود غلام خانه‌زاد هم می‌نویسم. در فقره الواط و اشرار خوانسار آنچه از قلم معجزنمای شاهانه روحانفاده جاری شده است عین صلاح و لازمه مملکت داری است. انشاء الله این امر و فرموده ملوکانه را هم به طوری که رأی انور همایونی است صورت خواهم داد. فردا شب احتشام الملک را خواسته‌ام که در خلوت دستخط مبارک را بدهم زیارت نموده و به طوری که مرقوم شده است رأی و خیال خود را نوشته

بدهد که به خاک پای مبارک تقدیم نمایم.

دستخط مبارک که در ذیل تلغراف اعتضادالملک به افتخار غلام خان‌زاد شرف صدور یافته بود الان زیارت نمودم، بحمدالله از تصدق سر مبارک همایونی روحانفداه و توجه مخصوص ملوکانه اعتبار و انتظام خزانه نظام به جانی رسیده است که تکلیف لازمه خود را ادا می‌نماید و به دیگران هم به جهت پیشرفت خدمات دولت باید قرض بدهد. بر حسب امر قدر قدر شاهانه روحانفداه انشاءالله فردا این فقره را هم صورت انجام خواهم داد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۲

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۲

شماره سند: ۱۹-۱۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفداه که در جواب عریضه غلام خان‌زاد شرف صدور یافته بود مشرف و مباهی گردیدم. و از بابت احتشام الملک و احکامی که به دستخط مبارک در فهرست او مرقوم شده بود بر حسب امر قدر قدر شاهانه روحانفداه همه را کلمه به کلمه مجری نموده و خاطر مهر مظاهر ملوکانه را از این بابت انشاءالله آسوده خواهم نمود. جواب فهرست سیستانی‌ها را فردا به خودشان داده و از طرف عاجزانة خودم نیز کمال سعی خواهم نمود که زودتر با امیدواری عازم شوند. در فقره مهدی قلی میرزا امروز صبح همین فرمایشاتی که با قلم مبارک مرقوم شده است به مشارالیه گفتم و اتمام حجت نمودم، خیال او به طورهایی که ذهن مبارک ذاهب شده است نیست، گویا از بابت استیصال و لاعلاجی و ترس اذیت‌های بی‌جای آتیه به این وسیله دست زده است، حقیقت این است که با او کاوش می‌کند و میل ندارند خالصه در دست او باشد. به اعتقاد و به قول خودش که امروز می‌گفت در کشتی نشستن و با ناخدا ستیزه کردن خلاف عقل و احتیاط است. بعد از زیارت دستخط مبارک فرستادم او را بیاورند که مجدداً مذاکره نموده فرمایشات ملوکانه

را ابلاغ داشته جواب صریح نوشته عرضه دارم، پیدا نشد. چون مرقوم شده بود جواب فوری عرض نمایم لهذا به همین قدر جسارت نموده و امشب او را حاضر کرده اتمام حجت نموده، فردا عرایض آخری او را به خاکپای انور همایون شاهنشاهی روحنافداه عرضه خواهم داشت. همین قدر خاطر مبارک را آسوده بدارید در امری که این بنده ذلیل بی مقدار را مداخله دادید ضرر و خسارت دولت نتیجه نخواهد داد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۳

تاریخ: ۲۸ / محرم / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۳۵-۱۲
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، قرار شرفیابی ایلچی فرانسه به حضور مبارک همایونی روحنافداه فردا پنج ساعت به غروب مانده است، به طوری که مقرر شده است در لاله زار شرفیاب خواهد شد. عقیده چاکر خاننژاد آن است که ایلچی بیرمان را هم اجازت بدهند برای مرخصی فردا شرفیابی حاصل کرده، او نیز عازم و روانه شود. معطلی او هم بی حاصل است و اسباب خرجی به جهت دولت خواهد بود چه ضرورت دارد انتظار معاودت موکب مسعود همایونی کشیده رفتنش یک هفته تأخیر افتد.

الامر الاشراف الاقدس الاعلی مطاع، غلام خاننژاد حسین

۱۱۴

تاریخ: ندارد
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۵۰-۱۲
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع همایونی روحنافداه مشرف و مفتخر گردیدم، بعد از مرخصی از خاکپای

۱۱۱

ملوکانه و ورود به دربار چون جناب مستوفی الممالک امروز در خانه نیامده بودند فوراً فرمایشات و اوامر شاهانه روحانفداه را به طوری که مقرر شده بود نوشته برایشان فرستادم و محصل به جهت حرکت دادن حاجی ظهیر الدوله و حسین قلی خان هر دو معین نمودم که روز یکشنبه حرکت کرده بروند و هر دو نوشتند که حاضریم و می‌رویم، لکن حاجی ظهیر الدوله نوشته بود که اگر حساب مرا گذرانند دیگر کاری ندارم و می‌روم و تمام روز را تا یک ساعت بعد از ورود موکب همایون در در خانه حاضر بودم. تنخواه به جهت سواره‌ها و فوج سمنان و دامغان و عرب [و] عجم حاضر نموده بستم که فردا ببرند. توپچی ساخلوی خراسان را [به] سرتیپی اصلان خان تنخواه داده موجود و حاضر کردم که با خود حاجی ظهیر الدوله بروند. احکام و نوشتجات جان محمدخان را نوشته [ای] دادم که فردا صبح به چاپاری برود. به نمک مبارک همایونی روحانفداه چهارده هزار تومان امروز تنخواه نقد قرض و حاضر نموده به خزانه نظام دادم که حوالجات معطل نشوند و اوامر همایونی تأخیر نیفتد. هجده هزار تومان هم سابقاً در اول امر داده‌ام، می‌شود سی و دو هزار تومان. دیگران تا تنخواه خود دولت نرسد سی و دو پول کارگشائی نمی‌کنند. اقساط ولایات خزانه نظام را مختل کرده‌اند. شانزده هزار تومان مجدداً از یزد حرف خرج نزدیک به قبول کرده‌اند که باید از جای دیگر عوض مرحمت شود. سی و هشت هزار تومان که از اصل محل مرحمت نشده است، چون فردا به جهت اتمام کارها جمعه نکرده به در خانه مشرف خواهم شد تفصیل تعطیل اقساط خزانه نظام را با عریضه خواهم نمود و الان هم وزیر لشکر را خواسته‌ام و حاضر است به جهت پاره [ای] کارها و دستورالعمل ولایات.

بعد از رفتن او باید تا صبح مسوده نوشتجات لندن و اسلامبول و پاریس را بدهم که فردا چاپار انگلیس می‌رود. فوج دماوند را هم اخبار نموده و لوازم حرکت آن‌ها را از ملبوس و چادر و جیره عرض راه و غیره حاضر نمودم. خداوند جان این غلام خانه‌زاد را هر آنی هزار مرتبه به تصدق وجود همایونی نماید آمین تا استرآباد نیز مخابره تلغرافی نمودم و آنچه لازمه سفارش بود در احترام صاحب اختیار نوشتم.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

هو

قربان خاکهای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دو دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده که در جواب عرایض عبیدانه این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود مشرف و مباهی گردیدم و امروز می توانم عرض نمود که اهتمام ملوکانه را درباره انتظام امور قشون تکمیل فرموده و آنچه تکلیف سلطنت و دولت بود ادا فرموده اید و اگر خدای نکرده در آتیه امور عسکریه به درجه مطلوبه نرسد خود فدوی اذعان و اعتراف دارد که تقصیر از غلام بوده است و ذات اقدس ملوکانه روحانفاده آنچه لازمه توجه سلطنتی و همراهی بوده است مضایقه نفرموده اند. امیدوار به درگاه خداوند چنان است که تفضل و عنایت فرموده این بنده کمترین را در حضور مهر ظهور شاهانه روحانفاده شرمنده و روسیاه نگرداند. آمین. چون جناب مستوفی الممالک امروز به در خانه نیامده بودند دستخط مبارک را هنوز زیارت نکرده اند، فردا اگر آمدند می فرستم زیارت کند و به مدلول لازم الاطاعه او امر همایونی روحانفاده رفتار کند. تدارک و تهیه دو عراده توپ خاندان با قورخانه لازمه و توپچی و ساخلوی خراسان به ریاست اصلان خان سرتیپ دیده شد و آنچه تنخواه طلب داشتند که قریب چهار هزار تومان می شد دریافت نموده جمعاً حاضرند که فردا به اتفاق حاجی ظهیرالدوله بروند. امروز توپچی های شقاقی که رئیس آنها را در حکومت شکنجه نموده بودند و از شدت اذیت مرده بود نعش را برداشته با قدری های هوی به اوطاق نظام آورده بودند. اشخاصی که نعش را مشاهده کرده اند می گفتند: که در کمال بی رحمی و وحشی گری او را شکنجه نموده اند، به طوری که از کثرت داغ جای سلامت در بدن او نبوده است. عجالاً امروز با قدری تغیر به الله وردی خان نعش را فرستادم دفن نمودند، لکن فردا جمع شمشیربند دسته شقاقی را از سرهنگ و سلطان و غیره خواسته ام آن ها را طوری تنبیه و مواخذه خواهم نمود که در آتیه نظام از این قبیل بی ترتیبی ها ننماید، بر فرض عرض داشته یا می خواستند تظلم نمایند یا سوء حرکت

حکومت را بیان کند دو نفر از آنها با یک عریضه کافی بود دیگر پنجاه شصت نفر...^{۳۱} را برداشته به اوطاق نظام بیایند لزومی نداشت. تفصیل فردا را به توسط عریضه به عرض آستان مبارک خواهم رسانید. دیشب احتشام الملک را خواستم و دستخط مبارک را دادم زیارت کرد. رفت که خیالات و طرح خود را روی کاغذ نوشته امشب بیاورد که تقدیم حضور انور گردد، انشاء الله فردا در تلو عریضه عبیدانه غلام خان‌زاد به ملاحظه انور خواهد رسید. امروز در فقره خواربار امین السلطان آنچه لازم بود گفتگو نموده بالاخره قرار شد که اطاعت امر همایونی را نموده آدم به جهت ضبط و نسق آنها بفرستد. فردا بر حسب امر قدر قدر ملوکانه روحانفاده ختم نظام الدوله را برچیده و روز شنبه به موجب اجازه ملوکانه نعلش مرحوم مشارالیه حمل به نجف اشرف خواهد شد. خداوند جان و مال این غلام خان‌زاد را به تصدق وجود مسعود مبارک نماید. آمین. ثم آمین

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۶

تاریخ: ۱۹ / صفر / ۱۲۹۲
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 شماره سند: ۵۶-۱۲
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، از برای افواج دامغان و شاهرود و بسطام الان در قورخانه مشغول بستن صندوق‌های فشنگ می باشند و حاضر است، فردا صبح انشاء الله چاکر فدوی بر قاطرهای خود حمل کرده به طوری سریع و به چاپاری روانه می دارد که هنوز حاجی ظهیر الدوله سه منزل حرکت نکرده به او برسد. برای اطلاع خاطر خطیر مهر تأثیر اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده جسارت به عرض ورزید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

معروضه ۱۹ شهر صفر ۱۲۹۲ غلام خان‌زاد حسین

۳۱. یک کلمه خوانده نشد.

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک همایون جهان مطاع شاهنشاهی روحنفاذ مشرف و مباهی گردیده دعای ازدیاد عمر و شوکت و قدرت شاهانه را تذکار نمودم. امروز غلام جان‌نثار اولاً به ملاقات جمعی از مجتهدین مشغول بودم، بعد از رفتن آن‌ها رفع اختلاف فیما بین علی خان و قونسول روس را که به توجه همایونی کرده بودم دستور العمل او را می‌نویسم که به چه قسم افتتاح مراوده با یکدیگر نمایند و ثانیاً به قدر چهار ساعت مشغول انتظام امورات قورخانه بودم و مستوفی آن‌جا را حاضر کرده دستور العمل لوازم هذه السنه را می‌دادم. در فقره تنخواه اکسپوزیسیون همان پریروز حسنعلی خان وزیر فواید را خواستم و سپردم سیاهه‌مجددی بنویسد و بیاورد تا تقدیم حضور انور گردد. گویا فردا بیاورند فوراً به خاکپای مبارک خواهم تقدیم نمود. امروز جمعه و خلوت بود امین‌الملک و ناصرالملک و وزیر فواید و پوسته‌چی را احضار نموده بودم که شش ساعت به غروب مانده در دربار اعظم حاضر شوند تا راپورت پوسته‌خانه مجدداً ملاحظه گردیده لوازم کار او را بدهیم و مشغول شوند. ناصرالملک و حسنعلی خان هر دو در محمودیه مهمان علاءالدوله بودند و عذر خواسته بودند به روز دیگر ماند. در فقره نوکرهای سفارت شرحی به قلم مبارک مرقوم داشته بودید چه کرده‌اند و کی‌ها بوده‌اند. دلیل این که افعال و اعمال آنها را به فدوی نگفته به خاکپای مبارک عرضه می‌دارند چه چیز است شکایت به طرز عموم در نزد فرنگی‌ها وقع و عظم ندارد. باید گفت فلان روز فلان نوکر شما مرتکب فلان هرزگی شده است. شخصی که این فقرات را به خاکپای مبارک عرضه داشته است مقرر فرمائید تفصیل را نوشته بدهد تا در صدد رفع برائتم. هیچ وقت دولت علیه ایران به قدر حالیه مسلط و مقتدر به سفرای خارجه نبوده است مگر در نظر مبارک نیست که ده نفر نوکر تلغرافچی‌ها را به قدر ده روز در باغ خودم زنجیر کردم؟ مگر در نظر مبارک نیست که از قم نوکرهای تلغرافچی را زنجیر کرده

به انبار آوردم و تلفرافچی را هم معزول کردم؟ مگر در نظر مبارک هست که دو ماه قبل امین حضور نوکر وزیر مختار انگلیس را به قدری زد که نزدیک به هلاکت بود نگذاشتم یک کلمه بگویند بد کردم مگر حالا حسن هفت رنگ نیست که بدون ثبوت هیچ تقصیری محض میل و اراده مبارک او را از رشت زنجیر کرده آوردم و الآن در انبار است و قونسول انگلیس هر قدر پروتست کرد و کاغذ نوشت اعتنا نکردم. کدام یک از این فقرات در سایر اوقات اتفاق افتاده بود؟ اگر فدوی خانه زاد مثل مرحوم میرزا آقاخان هر یک از این ها را رنگ روغن نزده به خرج نمی دهم اولاً از بابت این است که اعتنا به این قبیل خبرها ندارم و ثانیاً می گویم که ذات اقدس ملوکانه روحانفاده قدر هر خبر را در موقع خود ملتفت هستند و اظهارش یک نوع فضولی و جسارت است اگر فرمایش همایونی نبود باز هرگز عرض نمی کردم.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۸

شماره سند: ۱-۲۶-۱۲

تاریخ: صفر / ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده مشرف شده افتخار نمودم. فوت بی چاره نظام الدوله را در عریضه عبیدانه خود معروض سده سنیه ملوکانه داشته بودم معلوم می شود که عریضه فدوی هنوز به حضور مهر ظهور شاهانه مشرف نشده بوده است. کدام نعمت از برای نوکر بالاتر از این است که بعد از فوت او ولی نعمت همایون مثل ذات مقدس خسروانه روحانفاده اظهار تاسف بفرمایند این مرحمت و التفات بزرگ را که در حقیقت موجب زندگی بازماندگان و راحت روح خود اوست الآن به کسان مشارالیه رسانیدم و روز سیم بر حسب امر قدر قدر شاهانه روحانفاده خودم رفته ختم را به سلامتی وجود مبارک برمی چینم و هر وقت امر همایونی شرف صدور بیاید برادر و اولاد و کسان او را به حضور

۱۱۶

پرنور همایونی مشرف می سازم. ابراهیم خان دودانگه همان که وارد شده به طور فرمایش با او معمول داشته به عرض آستان مبارک می رسانم. در فقره یوسف خان شجاع الدوله بر حسب امر ملوکانه به صاحب دیوان و خود او تلغراف نمودم که در کمال عجله به محاسبه ولایتی او رسیدگی نموده معجلاً به دارالخلافته بیاید خداوند جان بنده ناقابل را به تصدق وجود مسعود مبارک نماید. امین.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۹

تاریخ: صفر / ۱۲۹۲
فرستنده: سپهسالار
شماره سند: ۶۱-۱۲
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده که در ظهر فرد صورت موجب مرحوم نظام الدوله به افتخار غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود مشرف و مباهی گردیدم. بدانچه امر قدر قدر ملوکانه روحانفاده صادر شده است اطاعت عبیدانه نموده تمام موجب مرحوم مشارالیه را به اختیار و میل خودشان گذارده به هر قسم که خود خواستند و قسمت نمودند تابع میل ایشان گردیده احکام آنها را از روی قسمت خودشان صادر کرده به صحه همایونی خواهم رسانید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۲۰

تاریخ: صفر / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۲۱۲-۸
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک

۱۱۷

جهان مطاع شاهنشاهی روحانفداه وسیله مفاخرت و قوت قلب غلام خانه زاد گردید. اعتقاد قاصر غلام این است که دولت روس یا باید حتماً یک خودنمایی بزرگ نماید یا فوراً از نمره و درجه اول دول تنزل نموده در درجه ثانی برقرار شود و هر قدر با دولت انگلیس ظاهر سازی نماید کینه و عداوت آن‌ها قدیمی است و اصلاح پذیر^{۳۲} نخواهد بود. در فقره نصره الله خان فردا صبح باز مجدداً تلگراف خواهم نمود که معطل سوار هم نشده فوراً بیاید، لکن این عرض را به خاکپای مبارک جسارت نموده عرضه می‌دارم که این تلگراف مسوده و تحریک ناصر الملک است و به خاکپای مبارک قسم است به طور یقین پارسال ده هزار تومان و امسال دوازده هزار تومان علاوه بر مالیات معمولی طوالش ناصر الملک از نصره الله خان گرفته است والله او هم از مردم می‌گیرد، اما در این موقع و این ازدحام بر دولت به جهت وقایع شان و عظمت خودش لازم و واجب است که از ناصر الملک نگاه داری نماید و خیال عزل او را نفرماید، اما به عرض رعیت هم برسد چنانچه از مصدر عدالت و رأفت همین قسم مقرر فرمودید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۲۱

تاریخ: صفر / ۱۲۹۲
 شماره سند: ۸۲۱۴
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مرحمت آیت همایون شاهنشاهی روحانفداه موجب کمال مفاخرت و مباهات غلام خانه زاد گردید. در فقره نشان شاهنشاه زاده اعظم آقای نایب السلطنه زید شوکت از مرحمت و توجه همایون شاهنشاهی روحانفداه نشان درجه اول گرفته به عرض آستان مبارک خواهم رسانید. در فقره عمارت اکسپوزیسیون چون سایر دول از بابت کثرت امتعه و چیزهای بزرگ علاوه بر آن بازاری که از جانب دولت به آن‌ها داده می‌شود یک نوع بازار و انبار گونه

۳۲. اصل: پزیر

خودشان می سازند، منظور نظر آقا او بوده است که استفسار نموده است والا عمارتی که خود او پاولیون نامیده و اصرار در ساختن او کرده است به اعتقاد قاصر غلام باید ساخته شود خاصه در صورتی که ذات اقدس همایونی روحانفاده به نفس مبارک تشریف فرمای اکسپوزیسیون خواهند شد، در هر صورت امر و اختیار در ید قدرت شاهانه است. امروز مخابرة تلغرافی نشد، فردا چون اخبار تشریف فرمائی ملوکانه به میدان مشق شده است پنج ساعت به غروب مانده به جهة غلام جان نثار ممکن نمی شود که توانم حاضر [شد]. به حضرات دیگر اخبار شده است که پس فردا روز جمعه از صبح در تلغراف خانه حضور به هم برسانند تا فرمایشات مرجوعه کلاً مخابره و تمام شود. اگر باز رأی مبارک بر این است که فردا مخابره شود غلام خانه زاد البته اطاعت نموده حاضر خواهم بود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۲۲

شماره سند: ۱۲-۷۰

تاریخ: ربیع الاول / ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک شاهانه روحانفاده که در ذیل تلغراف وزیر مختار اسلامبول شرف صدور یافته بود مشرف و مباهی گردیدم. بر حسب امر قدر قدر ملوکانه روحانفاده فردا از دایرة وزارت خارجه مأموری معین کرده به عرض خاکپای مبارک رسانیده به جهت هجرت دادن طایفه ایرملو از ارزنة الروم و اسکان آنها در خاک دولت علیه خواهم فرستاد و اجازه تلغرافی به وزیر مختار مشارالیه دادم که فقره شیخ عبیدالله را به طوری که نوشته است با وزیر امور خارجه عثمانی تمام نماید. صورت خارجی که ادعا می نماید نوشتم بفرستد تا بعد از عرض به سده سنیه همایونی روحانفاده به هر چه مقرر فرمایند معمول شود. اشخاصی که باید فردا به حضور مبارک مشرف شوند همه را اخبار نموده ام و حاضر خواهند بود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۱۹

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحنفاذیه که در فقره تحویل دادن خندق و غیره شرف صدور یافته بود در کمال تعظیم زیارت شد. خندق از دروازه شمیران تا دروازه دولت مدتی است به معمارباشی تحویل داده‌اند با وجود سخت گیری زیاد به جهاتی که در خاکپای مبارک مشهود است طوری درست بود که جای حرف باقی نماند، همان روز قرار بود قبض بدهند که مشارالیه ناخوش مشرف به موت شد و هنوز بیرون نیامده است، همین که آمد قبض او را گرفته خدمت شاهنشاه زاده اعظم آقای نایب السلطنه داده قبض معظم الیه از ملاحظه نظر انور خواهد گذشت. در فقره شروع به خندق از دروازه دولت الی دروازه یوسف آباد به طوری که شرف ترقیم یافته است موقع کار حالا است و جهت تأخیر در شروع این بوده است که می خواستم اشخاصی که خندق اول را مقاطعه کرده بودند آن کار را درست تحویل داده مطمئن بشوم تا خندق ثانی را به آنها مقاطعه بدهم و الا به اشخاص دیگر حالا که معلوم شد درست کار کرده‌اند چند روز است که باز به آنها مقاطعه داده از روز شنبه شروع خواهند کرد. در این موقع خالی از مناسبت ندیدم به عرض آستان مبارک برسانم که بنایی های نظام از قبیل قورخانه و باروی ارگ و بروج آنها و تعمیر قراول خانه های شهر هم بازدید و دقت شده همه حاضر است، هر قدر تأخیر بیافتد از کار عقب خواهد افتاد. امر امر اقدس همایون شاهنشاهی روحنفاذیه است.

غلام خان‌زاد حسین

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، در خاکپای مبارک همایون شاهنشاهی روحانفاده مکتوم و مستورست که از ابتدای تشرف به خدمت صدارت تا به حال در هر موقعی به مناسبت از لیاقت و استعداد امین‌الملک به خاکپای مبارک عرض نموده و توصیه از او کرده‌ام و به نظر قاصر خود در ناصیه او با توجه و مرحمت شاهانه اثر ترقیات عمده ملاحظه می‌نمایم. سرکار اقدس ملوکانه روحانفاده نیز او را مرجع بعضی از کارها و مخاطب پاره [ای] از فرمایشات شاهانه فرمودند و خیلی شکر می‌نمایم که این عبد ذلیل شرمنده را در حضور مهر ظهور ملوکانه روحانفاده شرمنده تر نکرد و اوامر همایونی روحانفاده را به طور خوب بهتر از اسلاف خودش انجام داد و هیچ وقت از خدمات حضوری نیز غافل نشد. می‌توانم عرض کنم در طرز نوکری و اطاعت و طریقه ولی‌نعمت پرستی و بی‌طمعی تا سی کامل به این غلام خانه‌زاد نموده است. امروز شرحی به غلام فدوی نوشته است که از مطالعه او به نمک مبارک همایونی روحانفاده قسم است تغییر حالت به جهت این غلام دست داد و مخصوصاً در جوف عریضه تقدیم خاکپای همایونی داشتم. از خارج، پریشانی وضع و کثرت قروض او را شنیده بودم لکن به این درجه گمان نمی‌کردم، حالا که فکر می‌کنم می‌بینم حق دارد از مخارج فوق‌العاده طهران خود مطلع و می‌دانم و علم دارم که طبعاً دله و طماع نیست، بر فرض هم که باشد از موقع استعمال محروم است. سلف او که دبیرالملک باشد در ایام اشتغال به این خدمت قریب شانزده هزار تومان از دیوان به او می‌رسید و حالا هم که معزول است به هشت هزار تومان موجب و استصوابی دریافت می‌نماید و به امین‌الملک به همه جهت از دیوان اعلی دو هزار و چهار صد تومان عاید می‌شود، از روی انصاف عرضه می‌دارم که ابداً این مبلغ کفایت ثلث مخارج سفری و حضری او را نمی‌تواند نمود. از خاکپای مبارک شاهنشاهی روحانفاده در کمال ضراعت و خاکساری استدعا می‌نمایم که حیفاً است از حالا این افکار خوب و

شعور او را بگذارید خفته این قبیل حالات بشود. مرحمتی شاهانه و شایسته از انعام و تعیین استصوابی درباره او مبذول فرمائید که به همه جهت آسوده شده، جمیع حواس^{۳۳} خود را مشغول انجام اوامر و فرمایشات شاهانه نماید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]: صحیح نوشته‌اید حالات امین‌الملک همین

است که عرض کرده‌اید. فردی بنویسند ببینم از نقد و جنس مواجب و غیره، حالا امین‌الملک چه دارد ترصد شده داده می‌شود.

۱۲۵

شماره سند: ۱۲-۸۰

تاریخ: ربیع‌الاول / ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، دستخط آفتاب نقط مبارک که در عنوان عربضه هوشنگ میرزا مقرر شده به زیارت آن مفتخر گردیده باز به لحاظ اقدس همایون می‌رسد. از قراری که به خانه‌زاد گفته‌اند رای آفتاب ضیا به تغییر حکومت گلپایگان قرار یافته، اگر حقیقت داشته باشد چون هوشنگ میرزا در سفر سابق به خوبی در آن ولایت حکومت نموده‌ و از عهد خدمت دیوان و رعیت‌داری برآمده، ظاهرآ به این خدمت مناسب‌تر از دیگران است. دیگر امر و اختیار بارای آفتاب ضیای همایون است. چیزی که به خاطر خانه‌زاد رسیده این است که جسارت ورزیده.

امر الاقدس الارفع الاعلی مطاع مطاع،

غلام‌خان‌زاد حسین

۳۳. اصل: هواس

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم، این غلام به جز آستان مبارک پناهی ندارد و از تصدق سر مبارک مدتی آسوده بودم و در خدمت خودم حاضر. در این ایام که مورد بی التفاتی و کم مرحمتی شاهنشاهی شده‌ام زیاد پریشانم خیانتی نکرده‌ام که به این شدت مورد کم مرحمتی باشم. خانه‌زاد پادشاه هم به جز لطف خدا و مرحمت پادشاه پناهی دیگر ندارم. از انصاف و عدالت شاهنشاهی دور است که غلام چندین ساله خانه نشین باشد و پریشان به هر خدمت که رای مبارک قرار بگیرد راضی هستم و شاکر حکم حکم همایون است.

[دستخط ناصرالدین شاه در بالای صفحه]:

جناب سپهسالار اعظم یک فکری بکنید. محرمانه بنویسید. معیناً حکمی بشود [که] در نظام یا حکومت آدم بی کاره نباشد.

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفاده مایه مفاخرت غلام خانه‌زاد گردید. عریضه حاجی محمد رحیم خان را مطالعه نموده و بر حسب امر قدر قدر ملوکانه روحانفاده مجدداً تقدیم خاکپای مبارک نمود. قلب مبارک شاهنشاهی خالی از جمیع اغراض بشریه است، لهذا مورد الهام الهیه گردیده است. هر فرمایش که می‌شود به مقتضای وقت و عین صلاح دولت و ملت و مملکت است. در همین دو روزه عصای

مرحمتی مشارالیه را به موجب دست خط مبارک از جناب مستوفی الممالک گرفته بعد از اجازه شرفیابی به آستان مبارک بدون تأمل روانه خواهد شد. در فقره گرفتاری حسن خان و غیره از اهالی خونسار مخفیاً آدم به مواظبت آنها گماشته ام و اعتقاد احتشام الملک بر این است که دو روز دیگر گرفته شوند و انشاء الله گرفته می شوند و امر خوانسار هم در کمال خوبی به طور دلخواه همایونی صورت خواهد یافت. خداوند انشاء الله جمیع مقصودات مبارک را با حسن وجه صورت انجام داده و خواهند داد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۲۸

تاریخ: ربیع الاول / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۱۲/۸۶
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، فرمایشات علیه همایون شاهنشاهی روحانفاده را آقا و جیه رسانید. خداوند حال بی مقدار این عبد ذلیل را هر آنی هزار مرتبه تصدق خاکپای مبارک گرداند که هیچ فرصت و وسیله را از دست نداده اند مگر به اظهار مرحمتی مجدد این غلام خانه زاد را مفتخر و مباهی فرموده اند. امروز صبح جمعی از علما و غیره به ملاقات خاکسار آمده و از قرارهای جدید همایونی استفسار می کردند. به قدر و اندازه عقل و فهم ناقص خودم توضیح و تفسیر به جهت آنها می کردم و از صمیم قلب تمجید می نمودم و کمال تشکر و ممنونیت واقعی دارم خاصه از آن مرحمتها و حفظ شانها که از جانب سنی الجوانب ملوکانه روحانفاده در وقت و موقع درباره این غلام ذلیل و عاجز ظهور یافت. خداوند توفیق خدمت و جان نثاری مرحمت فرماید، شاید انشاء الله از شرمندگی و خجالت این مراحم توانم بیرون آمد. پاره نوشتجات از علما و حکام ولایات به عنوان فدوی رسیده بود و عریضه به جهت تقدیم حضور مبارک فرستاده بودند. جمیع نوشتجات و عریض را در جوف پاکت گذارده نزد جناب مستوفی الممالک فرستادم که به هر طور صلاح دانند معمول دارند. بعد

ناصرالملک و امین السلطنه و جهانگیرخان را حاضر نموده قرار بقایای ناصرالملک و حرف هائی که به اصناف دارد دادم که مال دیوان اعلی از ورطه تلف خلاص شود. پس از او وزیر مختار روس به ملاقات جان نثار آمد و به قدر یکساعت نشست، پاره اظهارات بیان کرد که شفاه به عرض آستان مبارک خواهم رسانید. یک ساعت به غروب مانده به اصرار اطباء بابت مداوا تا بالای قصر رفته معاودت نمودم. تلغراف بسیار خوبی از عمادالدوله رسیده بود، باده تلغراف دیگر تقدیم خاکپای انور اقدس اعلی گردید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۲۹

شماره سند: ۱-۹۱-۱۲

تاریخ: ربیع الاول/ ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، الان که یک ساعت [و] نیم از شب می گذرد مسیو کرا بل از منزل غلام خانه زاد رفت که به عرض عریضه عبودیت فریضه جسارت می نمایم. جواب از جانب وزیر مختار آورده بود که چنین امری و خیالی ابدأ اصل ندارد احتمال می رود از بابت طوفان شدیدی که در دریا شده است چند چوبی در کناره زده باشند که کشتی ها رو به خشکی و خاک نروند. خریطه هم که چاپار استرآباد آورده است خریطه عاشورا ده و خساراتی که از بابت طوفان به آنجا رسیده است بود دخلی به عمل میان کالیه و غیره نداشت بر فرض هم چنین لزومی از برای دریابییگی عاشوراده به هم می رسید بدون عرض و اظهار به دولت و بدون تحصیل اجازه چگونه شروع به احداث بنا می کردند. فدوی خانه زاد در این موقع گفت نه چنین لزومی حاصل خواهد شد و نه چنین اجازه دولت می تواند بدهد از روش کلام چنین فهمیدم که خالی از خیال به جهت تحصیل اجازه نبودند لکن مذاکره را که سخت دیدند حاشا نمودند عجالتا چیزی که خیلی لازم است فرستادن دستور العمل واضح و صریح به جهت میرزا مسیح است و از این که اینها خودسر و بدون اجازه بیایند و شروع به کاری نمایند خاطر مبارک همایونی آسوده و

مطمئن باشد. عجالتاً مراتب جنسارت ورزیده معروض گردید تا انشاءالله در حین آستان
بنوسی آنچه لازم است شفاهاً عرضه می دارم و به هرچه رای انور علاقه گیرد معمول خواهند
فرمود. نوشتجات میرزا مسیح لفاً تقدیم حضور انور اعلی گردید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۳۰

شماره سند: ۲-۹۳-۱۲

تاریخ: ربیع الاول / ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک
جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفاده مشرف شده و نوشتجات میرزا مسیح را
ملاحظه عاجزانه نمودم و فوراً فرستادم مسیو کربل را آوردند و چنانچه باید و لایق بود
مذاکره نمودم اظهار تعجب و بی خبری کرد و رفت که با وزیر مختار حرف زده و جواب
بیاورد و مذکور می داشت چون نصرت الدوله به ملاقات وزیر مختار خواهد آمد و حتماً من
باید حاضر باشم احتمال می رود وقت غروب یا بعد از غروب جواب بیاورم و چون غلام
خانه زاد می دانست که قلب مبارک تا وصول جواب عریضه آسوده نیست سرعت در عرض
جواب فوری نمودم و بعد از معاودت مسیو کربل باز به عرض عریضه عبیدانه مجدد
جسارت خواهم نمود. قلب مبارک آسوده و مطمئن باشد که تا دفاع حقوق مقدسه دولت
علیه بر حسب امر قدر قدر ملوکانه روحانفاده در ید عاجزانه این غلام است ذره [ای] از
حقوق دولت پامال و متروک نخواهد شد. میرزا مسیح در عوض این که چوب هارا کننده و
زیر خاک پنهان کرده است کاش آشکارا به جهت آن ها می فرستاد و ممانعت خود را قویاً
ظاهر می نمود. عجالتاً چیزی که خیلی لازم است و بلا تأخیر باید معمول داشت فرستادن
یک دستوالعمل کافی و زیان دار به جهت میرزا مسیح [است] اگر مقرر می شود این غلام
خانه زاد بنویسد [و] حاضر نموده از ملاحظه انور بگذرانند و اگر با قلم معجزنمای
همایونی مرقوم می شود البته بهتر و اکفی خواهد بود. در هر حال جای اضطراب نیست در

صورتی که حق خودمان را محکم نگاه داریم شبانه عریضه ثانوی من بنده کمترین به حضور انور مبارک خواهد رسید، ملاقات نصرت الدوله از وزیر مختار روس در صورتی که مشارالیه از او دیدن نکرده است چه مناسبت دارد بدون جهت شئونات خودمان را ضایع می‌کنیم و بالاخره هیچ ثمری نخواهد داشت نوشتجات میرزا مسیح در نزد این غلام مانند شاید در ملاقات ثانوی مسیو کربل لازم بشود بعد از رفع احتیاج تقدیم خاکپای مبارک خواهم نمود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۳۱

تاریخ: ۲۱ / ربیع الاول / ۱۲۹۲
شماره سند: ۱۷۰-۲۱۶
فرستنده، میرزا یوسف مستوفی الممالک
گیرنده، ناصرالدین شاه

از امروز که چهارشنبه ۲۱ شهر ربیع الاول ۱۲۹۲ تنکوزئیل است، این چاکر آستان همایون در باب کارهای داخله سوای نظام و امور خارجه در خاکپای مبارک خود را مسئول قرار داد که انشاءالله تعالی بی‌زحمت وجود مسعود همایون موافق رضا و سلیقه همایونی از عهده خدمات مرجوعه به خود برآید.

شهر ربیع الاول ۱۲۹۲

[سجع مهر]: یوسف بن محمد حسن

[پشت سند]: اسناد تقبل مسئولیت

۱۳۲

تاریخ: ربیع الاول / ۱۲۹۲
شماره سند: ۱۷۰-۲۱۷

هو

این کمترین بنده درگاه آسمان جاه به تاریخ روز چهارشنبه بیست و یکم شهر ربیع الاول ۱۲۹۲ به شرف حضور مهر ظهور همایون شاهنشاه ظل الله و حنافداه مشرف

۱۲۷

شده و فرمایشات حکمت آیات ملوکانه را اصفا نمودم. عرض می‌نمایم دورشته خدمت که از جانب سنی الجوانب شاهانه روحنافداه به عهده فدوی جان‌نثار تفضلاً موکول و محول شده است، از امروز خود را در نیک و بد امور خارجه و امور قشون مسئول می‌دانم و به هیچوجه زحمتی به خاکپای مبارک نمی‌دهم و از خداوند توفیق می‌خواهم که موافق منظورات علیّه همایونی و نیت صادقانه و تعهدی که کرده‌ام در خدمات مختصر خود تحصیل رؤسفیدی کنم.

[نقش مهر]: سپهسالار اعظم

۱۳۳

تاریخ: ۱۶ / ربیع‌الثانی / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله
شماره سند: ۹۳۲۲-۹
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، این معنی در خاکپای مرحمت پیرای مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه واضح است که این غلام خانه‌زاد هرگز خود را قابل عرض و استدعای عاجزانه در عموم امور، خاصه در امری که خارج از خدمات مرجوعه به عهده چاکرانه این چاکر است ندانسته و جسارت نورزیده است، ولی چون حضرت اشرف ارفع والا شاهنشاهزاده اکرم نایب السلطنه شرحی به این غلام بی‌مقدار مرقوم و مخصوصاً این فدوی را مکلف به عرض مراتب به خاکپای مبارک همایونی فرموده و چنان پنداشته‌اند که به یک ملاحظه عرض عبیدانه این غلام موجب شمول مرحمت خسروانه در انجام این مرام ایشان است لهذا با کمال عجز و انکسار رقیمة حضرت ارفع اشرف ایشان را به حضرت سپهر بسطت ملوکانه لفاً تقدیم نموده همین قدر جسارت عبیدانه را تجویز کرد که اگر چه چاکران آستان قدرنشان همایون را هیچ‌گونه جسارت عرض عقیده در خاکپای مبارک نیست، ولی به عقیده قاصر این جان‌نثار حضرت آقای نایب السلطنه در این عرض خود به خاکپای مبارک بی‌حق نیستند و امیدوارند که مرام ایشان در حضرت سپهر بسطت ملوکانه به شرف قبول مقرون افتد لیکن در هر حال

بالکلیه و منحصرأ در رد و قبول و مرحمت زیاد و کم منوط به امر و اراده جهان مطاع
واجب الاتباع مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفاده است لاغیر، معروضه ۱۶ شهر
ربیع الثانی ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خان‌زاد حسین

۱۳۴

تاریخ: رجب / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۲۰۸-۳۶
گیرنده: ناصرالدین شاه

[دستخط ناصرالدین شاه]: عرایض و غیره که در روز ۲۴ رجب در سلطنت آباد
پاکت شد تنکوزئیل

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، دستخط جهان مطاع
مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده که در باب لطفعلی خان سرتیپ قراگوزلو و
مأمور غائله یهود همدان به افتخار این جان‌نثار عزا‌صدا پذیرفته بود زیارت و موجب
سرافرازی و مفاخرت گردید. همان روز که در باب احضار لطفعلی خان امر قدر نفاذ شرف
صدور یافت فوراً تلغراف کردم بعد که مقرر شد مأمور برای آوردن او فرستاده شود
بلا تأخیر یک نفر آردل^۳ توپخانه فرستادم او را بیاورد و به طوری که اراده علیه مطاعه
مبارکه خسروانه تعلق یافته است در حق او معمول و مجری گردد امیدوار است هر حکمی
که از مصدر جلالت به سرافرازی این خان‌زاد شرف صدور می‌پذیرد یک دقیقه تأخیر و یک
ذره در اجرای آن تخلف حاصل نگردد. در باب یهود همدان در روز شرفیابی خاکپای
مبارک از جانب سنی‌الجوانب ملوکانه سوال از مأمور این کار شد به عرض عاجزانه
جسارت ورزیدم که میرزا رحیم خان یاور توپخانه را برای این کار حاضر کرده‌ام تحسین
فرموده امر قدر قدر صادر فرمودند که روز تشریف‌فرمائی موکب فیروزی کوکب ملوکانه به

۳۴. مستخدم - پیشخدمت - گماشته

اردوی نظامی میرزا رحیم خان را به حضور مهر ظهور مبارک مشرف سازد و از آن جا روانه دارد از این جهت او را نفرستاده منتظر بودم حال به هر طور امر و مقرر فرمایند اطاعت و امتثال خواهد شد.

کتابچه حسنعلی خان وزیر فواید حاضر است. کتابچه تقی خان نایب آجودان مأمور ارزنة الروم قدری ناتمامی داشت رفته است تمام کرده بیاورد بعد از آن که حاضر شد هر دو یک مرتبه به عرض خاکپای مبارک خواهد رسید. تلغراف عزالدوله از همدان در جواب تلگراف این غلام که حسب الامر الاقدس الاعلی نوشته بودم رسیده بود با تلغراف حسام الملک و صاحب دیوان لفاً به شرف عرض خاکپای جواهر آسای مبارک خواهد رسید. معروضه ۱۷ شهر رجب ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام جان نثار حسین

۱۳۵

شماره سند: ۱۵-۳۶

تاریخ: رجب/ ۱۲۹۲

تلگراف: از میرزا حسین خان سپهسالار به ناصرالدین شاه

دارالخلافة ناصره

تلگرافخانه عمارت مبارکه روز سه شنبه ۱۵ شهر رجب سنه ۱۲۹۲

از حضرت عبدالعظیم نمره ندارد

به عرض خاکپای جواهر آسای همایون شاهنشاه ظل الله اسلام پناه روحنافداه در کمال عبودیت می رساند.

بر حسب اجازه علیه همایونی دیشب به شهر آمده و امروز صبح به زیارت حضرت عبدالعظیم محض دعا گوئی وجود مسعود شاهنشاه روحنافداه مشرف گردیدم. زیارت دستخط مبارک ملوکانه موجب کمال مباهات بنده ذلیل گردید و بر حسب امر قدر قدر فوراً تلگراف لازمه به بروجرد به عنوان معزالدوله فرستادم که سوار مخصوص برده در

خرم آباد برساند و جواب بیاورد. دیروز هم یک نفر اردل در کمال عجله و تأکید فرستادم که به...^{۳۵} رفته فوج سیلاخوری را تمام بدون کسر حرکت داده به خرم آباد رسانیده. از معزالدوله قبض گرفته بیاورد. تازه نوشتجات از امیر حسین خان شجاع الدوله و ضیاءالملک دیشب رسید که فردا از لحاظ انور اقدس اعلی روحنافته خواهد گذشت. فدوی خان‌زاد نهار را در حسین آباد دبیرالملک موعود می باشم. عصر انشاءالله به اردوی نظامی معاودت خواهد کرد. خداوند به حرمت این بزرگوار جان ناقابل این بنده بی مقدار را تصدق خاکپای مبارک گرداند. غلام خان‌زاد حسین

۱۳۶

شماره سند: (۱-۳۷)-۳۶

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، این غلام خان‌زاد امروز بعد از بازدید از سفر به اردوی نظامی سرآسیاب آمده چادرها را همه زده و اردو را از تصدق فرق مبارک در نهایت انتظام یافته به شهر آمدم که مامور روانه دارم. افواج کمره و کزار را انشاءالله پانزده روزه به خرم آباد برساند و الآن مشغول این فقره هستم. اخباری که از فرنگستان رسیده ایالت جیم یانیه که به اصطلاح فرانسه یا نیا معروف است شورش و طغیان نموده و صرب^{۳۶} هم در خیال اعلان محاربه به دولت عثمانی بوده است. خدیو مصر هم پنج کرور لیره انگلیس که عبارت از دوازده کرور نیم تومان باشد قرض شخصی از فرنگستان نموده اعتقاد عقلا این است که با این مبلغ می خواهد استقلال خود را به رسم سلطنت بخرد یعنی این مبلغ را به سلطان بدهد و سلطان اعتراف به استقلال سلطنتی او نماید خلاصه اوضاع عثمانی روز به روز بدتر و سخت تر می شود. انشاءالله

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۳۵. یک کلمه خوانده نشد

۳۶. اصل: صرب

تاریخ: ندارد

شماره سند: (۲-۳۷)-۳۶

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحنفاذ که در ذیل روزنامه تلغرافی استرآباد شرف صدور یافته بود مشرف و مباهی گردیدم. مخارج قشونی استرآباد را در اول سال به چهل [و] دو هزار تومان برآورد کرده بودند. امر همایونی صادر گردیده که بیست هزار تومان جمع خزانه نظام شود که به استرآباد بفرستند، تتمه هر وقت لازم شد از خزانه مالیه فرستاده خواهد شد تا این دقیقه از خزانه مالیه یک دینار فرستاده نشده است و از خزانه نظام یک هزار و ششصد تومان مواجب دو ماهه به فوج گروس که در جزو بیست هزار تومان بود داده شد و هشت هزار و چهارصد تومان هم حواله گمرک مازندران داده شد که به قسط دریافت نموده و می نمایند. ده هزار تومان از بیست هزار تومان باقی بود که چند روز قبل در جزو مطالب ساری اصلان مقرر شده بود انجام بدهم او را هم حواله گمرک مازندران که انقد وجوه خزانه نظام است دادم که حالا تمام بیست هزار تومان را خزانه نظام به طوری که در فوق عرض نموده ام داده است. مرقوم شده است که مطالبه حسینقلی خان از نظر آقا و حاجی محسن خان بدتر شده است در خاکپای انور مشهود است که مشارالیهما از یونیت ثیل و ماقبل ها می خواهد نه از ایت ثیل و هذه السنه وانگهی تنخواهی که جمع خزانه نظام شده و می شود همان که روی کاغذ رفت دفعه واحده تنخواه نقد نمی شود باید بزحمت ماه به ماه قسط وصول گردد و به فکر و تامل فیما بین جیره و ملبوس و قورخانه و مواجب و مخارج فوق العاده قسمت نمود خاطر مبارک آسوده باشد که اگر رشته منظم و به قاعده و درست و با حقانیت و بدون طمع در ایران هست انحصار به عمل قشون و رسانیدن حقوق نوکر است از نتایج معلوم خاطر مبارک شده و باز خواهد شد. روزنامه نویسن تلغراف استرآباد هم درست عرض نکرده است فوج گروس شش ماهه مواجب کلی دریافت نموده و دو ماهه در طهران حالا پنج ماهه از سال می گذرد و سه ماه است در سر خدمت هستند و هم چنین فوج دماوند اگر جیره ماه به ماه به آن ها برسد عجالتاً هیچ حرفی نمی توانند داشت.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، البته در نظر انور مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده هست که در حاجی ترخان مسجد موسوم به مسجد ناصری ساخته شده و میرزا محمد حسین نام نیز از برای امامت و وعظ مسجد مزبور از دیوان همایون موظف بود. این اوقات با تلگراف اجمالاً خبر رسید که روس ها مسجد را بسته و میرزا محمد حسین را از وعظ و امامت در آن جا ممنوع داشته اند. اگر چه هنوز معلوم نیست که این اقدام روس ها به چه جهت بوده و چه دلیل دارد [و] مبنی بر چه مأخذ است، ولی چاکر فدوی سست حرکت نمودن در این امر را به هیچ وجه من الوجوه تجویز نکرده تلگراف رمز خیلی با معنی و مغزی مسوده نموده به میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک وزیر مختار دولت علیه مقیم پترزبورغ تلگراف نمودم که سواد تلگراف مزبور لفاً از شرف عرض خاکپای مرحمت پیرای مبارک می گذرد. عقیده عاجزانه این غلام خانه زاد این است که اگر ساعدالملک درست بتواند معنی و مدلول این تلگراف را با نکاتی که در آن درج شده به اولیای دولت روس حالی نماید بلافاصله رفع اقدام خود را خواهند کرد و بر فرض اگر از برای او مقدور نشد و کار گزاران^{۳۷} روسیه هم از این اقدام خود ممنوع نشدند هر گاه اجازه علیه همایونی مرحمت [شود] مدلول تلگراف مزبور را این غلام خانه زاد در ایران مجری دارم، تا رای مرحمت پیرای جهان مطاع ملوکانه چه اقتضا فرماید، دیروز هم از کار پرداز دولت علیه مقیم حاجی ترخان تلگرافی رسید که اجازه رفتن به پترزبورغ را برای فهماندن مسئله به ساعدالملک و اقامه دلایل خواسته بود، این فدوی جان نثار هم به او اجازه دادم که با راه آهن به زودی برود و مراجعت نماید تا حال همین قدر اقدامی که شده بود محض اطلاع خاطر مرحمت تأثیر مبارک جسارت به عرض ورزید بعد از این نیز هر خبری برسد و اقدامی بشود جسارت به عرض خاکپای مبارک خواهد کرد و این مرحله قطعی است که

۳۷. اصل: کار گزاران

اگر کارگزاران روسیه یقین بدانند که دولت ایران از برای اجرای مدلولات این تلگراف مصمم است و تردید ندارد بلامرض کارگزاران حاجی ترخان را تکذیب می نمایند که سهل است از عزل هم مضایقه نمی کنند و مطلب ما هم از پیش می رود و مسجد را باز می نمایند تمام در صورتی است که تصمیم عزم این طرف را یقین نمایند و این غلام فدوی هم به این تلگراف اکتفا نخواهد کرد، با این چاپار روس که چند روز دیگر می رود نوشتجات مفصل خواهم نوشت که در پترزبورغ از برای پرنس قار جقوف بخوانند. معروضه ۹ شهر شوال ۱۲۹۲
الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۱۳۹

شماره سند: ۲-۹۶-۱۲

تاریخ: ۹/ شوال/ ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم،

این غلام خانه زاد به سرکشی راه حضرت عبدالعظیم علیه السلام رفته به قدری از مشاهده راه مزبور اوقات بر این فدوی تلخ شد که به حیز عرض و جسارت نمی آید، چرا که چاکر فدوی دو هزار تومان علاوه بر تنخواه مرحمتی از دیوان همایون مصارف کرده راه را تمام نموده و البته در نظر انور اقدس اعلی روحانفاده هست که آجودان مخصوص را برای ملاحظه راه مامور فرمودند آمد مشاهده کرد که با کمال خوبی و استحکام ساخته شده بود، بایستی سقاراه را آب بهاشد روی آن غلطک بخورد مستحفظین متصل مشغول مرمت شوند که تا اندک خرابی حاصل می کند فوراً بسازند حالا به کلی این راه خراب شده دروازه های خوبی که گذاشته بودیم برداشته شده در این ماه رمضان هم عبور زیاد شده بالمره از حالت راه شوسه خارج گردیده بر خاطر آفتاب مظاهر مبارک واضح است که راه شوسه آب و غلطک لازم دارد والا محال است محکم شود. این غلام خانه زاد این دفعه را که موکب فیروزی کوکب همایون تشریف فرمای سفر است باز خودم پول داده آدم گذاشتم راه

را درست نمایند و دقت لازم را به عمل آورند که خوب و محکم ساخته شود حالا هم رو به زمستان است و دور نیست بارندگی بشود دیگر عیب نکند ولی باز مستحفظ لازم دار داگر بی مستحفظ بماند متدرجاً به کلی خراب می شود و این غلام را مقدور نخواهد بود که هر وقت راه را بسازم و پاک و تمام کرده تحویل نمایم بعد از دو ماه باز به این حالت بیفتد و باز چاکر فدوی مبلغی مخارج نماید آن جا را دایر کند. بعد از این دفعه اگر راه مزبور از بی مستحفظی ضایع و خراب شود ساختن آن بر عهده عاجزانة این فدوی نخواهد بود.
معروضه ۹ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین.

۱۴۰

شماره سند: ۱-۹۶-۱۲

تاریخ: شوال/ ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، مابین وزیر مختار انگلیس و وزیر مختار عثمانی در فقره دیواری که سفیر انگلیس می خواست به واسطه حفاظ عمارت سفارت خانه خودشان در سفارت خانه عثمانی کشیده شود منیف افندی امتناع داشت خیلی اشتداد یافته و از روی حق و انصاف و منیف افندی در این مرحله محق بود و چون سفیر انگلیس به حضور مهر ظهور مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده در این باب عرض کرده بود و آن طور حکم جهان مطاع شرف صدور یافته بود بالمآل چاکر فدوی اصلاح این فقره را در این طریق دید که یخچالی مابین سفارت خانه عثمانی و انگلیس ساخته شود که دیوار آن بلند و حایل مابین دو سفارتخانه گردد زیرا که مقدور نبود بدون اجازه داخل یک سفارت خانه شده و دیوار در آن جا بنا نمایند و سفیر انگلیس هم اصرار کاملی داشت، اگرچه حالا هم سفیر عثمانی به این طور و بنائی یخچال در آن جا

روی رضا ننموده است لیکن انشاء الله به همین طور قطع خواهد شد. معروضه ۹ شوال ۱۲۹۲
الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۱۴۱

تاریخ: ۹/ شوال / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۹۷-۱۲
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، اجازه عبور فشنگ ابتیاعی دیوان همایون از خاک روسیه را تحصیل نموده به میرزا احمد خان تلغراف اکید کردم که بزودی و سرعت فشنگ‌ها را حمل نماید، بلکه انشاء الله طوری برساند که ولقا^۲ بسته نشده باشد امید است زود برسد. از برای حمل تفنگ‌های ابتیاعی دیوان از رشت به طهران این چاکر فدوی به مجرد زیارت دستخط جهان مطاع ملوکانه مبلغ یک هزار و نهصد تومان فوراً برات تلگرافی به رشت فرستاد و تفنگ‌ها حمل و بعضی داده شده، برخی در راه است. عریضه وزیر فواید که از جانب سنی‌الجوانب اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده نزد این غلام ارسال و مقرر شده بود، حالا که وزیر فواید تمسک ده ماهه سپرده است عیب ندارد. این غلام فدوی می‌داند که وزیر فواید تمکن ادای این پول را حالا ندارد و خود این فدوی هم پول بی کار نداشته مال نظام و مخارج معینه است که داده‌ام. مقدور نخواهد بود که ده ماه دیگر این پول از وزیر فواید گرفته و به جای این تنخواه گذاشته شود. هر گاه اراده مطاعه مبارکه علاقه گیرد این پول از طرف قرین الشرف دیوان مرحمت شود و تمسک وزیر فواید در دیوان ضبط شود در سر ده ماه پول را از وزیر فواید تحصیل فرموده به جای تنخواه خود بگذارد که از برای این غلام جان‌نثار سهولت باشد و از برای دیوان همایون هم ضرری نباشد معروضه ۹ شهر شوال ۱۲۹۲
الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، چون موعد مقرر عرایض عبیدانه این غلام جاننثار و فدوی خاکسار رسیده بود به عرض عریضه چاکرانه جسارت ورزید که الحمد لله از توجه خاطر مرحمت مظاهر مبارک اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه کارها در تحت انتظام و قاعده و همه جا در غایت امنیت و آرامی است و این غلام خانه زاد بر حسب اقتضای تکلیف جاننثاری هر روز با اجزای کار و کل صاحب منصبان و دفتر لشکر و خارجه در بالاخانه دربار اعظم در بخانه مبارکه همایونی حاضر و مشغول اجرا و انجام اوامر قضا مظاهر مطاعه علیه خسروانه است، و امیدوار است اثر تربیت های آستان همایون و توجهات کامله خسروانه نوعی خدمات محوله به عهده عاجزانه را متابع سلیقه مبارکه ملوکانه بدارد که خاطر آفتاب تخمیر مهر تأثیر مبارک آسوده باشد و این غلام خانه زاد در حضرت سپهر بسطت ملوکانه روسیاهی و شرمندگی تحصیل ننماید. این معنی واضح است که بدون توجه مخصوص همایونی هیچ یک از چاکران مصدر یک ذره خدمت نمی توانیم شد و همواره از مراحم و عنایات شاهانه استمداد می نمائیم. فوج سیلاخور به قم وارد شده اند، چادر و ملزومات آنها هم به کلی حاضر و موجود شده سه روز دیگر به طهران می آیند. پس از ورود [به] طهران زیاده از دو روز از برای همان جیره عرض راه و غیره معطل نخواهند شد. امیدوارم از برای بیست و پنجم شوال بلا تردید به استرآباد وارد شوند. معروضه ۹ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

تاریخ: ۹/ شوال/ ۱۲۹۲

شماره سند: ۲-۹۹-۱۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکهای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، وزیر مختار دولت اتریش و شارژدفر دولت فرانسه و شارژدفر روس چندی بود اصرار و خواهش می کردند که در ایام تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب همایون به مازندران یک روزی به تماشای عمارات مبارکه همایونی و جواهرها بروند، چون خیلی اصرار داشتند این غلام خانه زاد به حاجی خازن الملک و سرایدارباشی اطلاع داده روز پنجشنبه ۴ شهر شوال اشخاص مزبوره با زن وزیر مختار اتریش به باغ مبارک همایونی آمده عمارات ملوکانه و جواهرات را ملاحظه کردند و از برای آنها هم چای و بستنی و عصرانه حاضر کرده بودم. از توجه خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده با کمال خشنودی و خوشحالی مراجعت نموده نهایت امتنان را از این جهت حاصل کرده زایدالوصف اظهار خوشوقتی می نمودند. محض اطلاع خاطر دریا مقاطر مقدس ملوکانه روحانفاده جسارت به عرض ورزید. معروضه ۹ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

تاریخ: ۹/ شوال/ ۱۲۹۲

شماره سند: ۱-۹۹-۱۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکهای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، تلغرافی که دیشب از حاجی محسن خان رسیده مدلولش این است که شورش کماکان باقی و اوضاع مالیه عثمانی مغشوش و تمسکات دولتی رو به تنزل است. دیروز هم مخبرالدوله به این چاکر

فدوی خبر داد که ولیعهد دولت انگلیس وارد بمبئی^{۳۹} شده است به ملاحظه آن که اگر منتظر رسیدن عرایض عبیدانه به خاکپای مبارک و صدور حکم قدر قدر مطاع همایونی می شدم موقع می گذشت. از این جهت تلغرافنامه تبریکی از جانب سنی الجوانب اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده به ولیعهد فرستادم. بعد از رسیدن جواب هر دو را با ترجمه برای عرض حضور آفتاب ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه تقدیم خواهد نمود.
معروضه ۹ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانہ زاد حسین

۱۴۵

تاریخ: ۹/ شوال / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۱۲-۹۹-۳
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، دو طغرا جواب نامه امپراطور استریا^{۴۰} و مجارستان و دو طغرا ملفوفه فرمان برای نشان والی صربستان پرنس میلان و نشان خدیو مصر حاضر شده لفاً برای درک شرف از صحه و مهر مهر آثار و امضای مطاع مبارک تقدیم حضور مرحمت ظهور مبارک اقدس همایون شاهنشاه ظل الله روحانفاده شد که هر گاه در حضرت سپهر بسطت ملوکانه مطبوع و صحیح جلوه نماید به شرف دستخط و مهر مهر آثار مبارک مشرف خواهد شد.

معروضه ۱۹ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانہ زاد حسین

۳۹. اصل: ممبئی
۴۰. استریا = اطریش

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به طوری که در ضمن دستخط مرحمت آیت مبارک جهان مطاع اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده امر قدر نفاذ ملوکانه شرف صدور یافته بود لوازم عید فطر من جمیع الجهات به عمل آمده به سلامتی و صحت و اقبال مصون از زوال اقدس همایون خسروانه برای شب و روز عید رسوم نقاره خانه و شلیک توپ و حاضر شدن فوج و عموم طبقات نوکر از قشون و داخله و خارجه مرعی شد و به نوعی که اقتضای مراسم خانه زادی و چاکری بود در انتظام حضور کل مردم در خدمت و سلام حضرت نایب السلطنه رعایت نکات مقتضیه را نموده در نهایت خوبی به دعای وجود مسعود فایض الجود مبارک ملوکانه روحانفاده سمت اختتام پذیرفت. از روی حقیقت و واقع نفس الامری بدون هیچ گونه شائبه ریب و ریا این غلام فدوی می تواند جسارت ورزد که کمتر ماه رمضان را به این خوبی و امنیت و آسودگی و بی صدائی در مساجد و منابر و شهر و حوالی دیده بودم که عموم خلق با کمال آسودگی و آرامی به دعای ذات کامل الصفات مبارک شاهنشاهی رطب اللسان بودند و از هر زبانی صدای دعای وجود مسعود مبارک بلند بود و از توجهات بلانهایات خاطر خطیر آفتاب اثر همایونی به قدر یک ذره خلاف امنیت و انتظام از احدی به ظهور نرسیده است و امیدوار است از میامن اقبال قدر همان قضا مثال همایونی تا زمانی که موکب فیروزی کوکب مبارک شکوه افزای ساحت دارالخلافة می شود روز به روز امن تر و آسوده تر گردد، چون به غیر از احکام قضا نظام مطاعه مبارکه صادره از منزل صلاح الدین کلاً در ۲۲ شهر رمضان دیگر به زیارت دستخط قدر آیت جهان مطاع ملوکانه مشرف نگردیده و چهار پنج چاپار این غلام خانه زاد در راه است و هنوز از اردوی کیوان شکوه همایونی مراجعت نکرده اند و بدیهی است که اقتضای بُعد مسافت این قدرها تأخیر در معاودت آنها هست لهذا محض استحضار خاطر دریا مقاطر مبارک جسارت به عرض عبیدانه و گزارش روز عید ورزید و

الحمد لله توپخانه و افواج و لوازم که از طهران برای اردوی زهاب فرستاده بودیم در نهایت درستی و تکمیل وارد شده‌اند. معروضه ۲ شهر شوال ۱۲۹۲
الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خان‌زاد حسین
[پشت سند نوشته شده است]: عرایض جناب سپهسالار اعظم. شب هشتم شوال
تنگوزئیل ۹۲ در یورت پلنگان میانکاله لوله شد.

۱۴۷

تاریخ: ۲ / شوال / ۱۲۹۲ شماره سند: ۱-۴۹۶ (۱-۱۵۹)
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، چنانچه در ضمن فرد در طی عرایض سابقه به شرف عرض خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده مشرف شده است ضیافت افواج و سوار قشون حاضر طهران تا شب ۲۹ شهر رمضان تمام بود در شب ۲۹ این غلام خان‌زاد ملتفت شد که اهل معلمخانه و عملجات تلغرافخانه دعوت نشده‌اند، لهذا محض مزید ادعای ذات کامل الصفات مبارک در شب سلخ شهر رمضان از شاگردهای معلم خانه و معلمین و رؤسای آن‌ها و عملجات تلغرافخانه که قریب چهارصد نفر بودند دعوت کردم از توجهات خاطر الهام اثر مبارک به غایه القصوای خوبی و دعای وجود مبارک ختم شد، معروضه ۲ شوال ۱۲۹۲
الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خان‌زاد حسین

۱۴۸

تاریخ: ۲ / شوال / ۱۲۹۲ شماره سند: ۲-۴۹۶ (۱-۱۵۹)
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، به سلامتی وجود مسعود

۱۴۱

فایض الجود مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده حاجی خسرو میرزا در همدان تصدق سر مبارک شده، احمد میرزای معین الدوله در باب موجب مرحوم مزبور به این غلام خانه زاد رقعہ [ای] نوشته که لفاً از شرف عرض خاکپای مرحمت پیرای مبارک می گذرد. گویا سابق هم دستخط آفتاب نقط مبارک در این خصوص به معین الدوله مرحمت شده به هر طور رای مکرم اقتضای مبارک علاقه گیرد امر جهان مطاع شرف صدور خواهد یافت و همچنین حاجی صفر علی خان سرتیپ شاهسون شب سلخ شهر رمضان تصدق سر مبارک گردید، به طوری که لازم بود اقدامات مقتضیه در حق بازماندگان او شده دیروز که روز عید فطر بود محض سلامتی ذات کامل الصفات مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفاده مجلس ختم او را برچیدم، صورت موجب و خانواری او با صورت اولاد ذکور آن مرحوم لفاً از شرف عرض خاکپای مبارک خواهد گذشت. به هر طور اراده جهان مطاع مبارک علاقه گیرد در حق آن‌ها مرحمت خواهد شد. معروضه ۲ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۱۴۹

شماره سند: ۴۹۹- (۱-۱۵۹)

تاریخ: ۱۲ / شوال / ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، در باب پنجاه نفر سوار جاف حاضر رکاب از جانب سنی الجوانب اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده مقرر شده بود تا تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب مبارک در دارالخلافة بمانند و مخارج داده شود که به آن‌ها بد نگذرد چاکر فدوی و کیل لشکر را حاضر کرده با آن که حق سوار مزبور آن بود که مثل سوار زرین کمر و بختیاری به آن‌ها مرحمت شود لیکن مثل غلامان کشیکخانه به جزئی تفاوت برآورده گردد. فردی که مشعر به تفصیل جزو سوار به خط و کیل لشکر نوشته شده است لفاً به خاکپای مرحمت پیرای مبارک تقدیم داشت هر گاه رای

۱۴۲

مکرمت آرای همایونی همین فرد را تصویب می فرمایند فرد مزبور به دستخط مبارک
موشع خواهد شد که برات صادر شود و هر گاه جرح و تعدیلی لازم باشد منوط به اقتضای
رای جهان آرای ملوکانه روحانفداه است. معروضه ۲ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۱۵۰

شماره سند: ۱-۵۰۰- (۱-۱۵۹)

تاریخ: ۲/شوال/۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، در باب قسط فارس همه
وقت این غلام خانه زاد مراقبت دارد و تأکید لازم را به معتمد الملک می نماید، حتی روز
عید تلگراف موکدی کردم که تشریف فرمائی موکب نصرت عنان نزدیک شده و باید به هر
طور است تا تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب یک قسط مقرری روانه دارد. تلگرافی از
معتمد الملک رسید که می نویسد انشاء الله تا آن وقت قسط را خواهد رساند تلگراف مزبور
لفاً از عرض خاکپای مبارک می گذرد. از نصر الله خان گماشته این غلام خانه زاد که برای
عمل طولش به رشت رفته بود تلگرافی رسید که نصرت الله خان و سایر خوانین طالش را در
رشت نزد ناصر الملک حاضر کرده است، امیدوار است که انشاء الله اراده مطاعه مبارکه
اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه کاملاً انجام یافته اجرا و امتثال گردد. منظور از این
عرایض عبیدانه این است که هر گونه اوامر مطاعه مبارکه همایونی در کمال درستی و
معقولیت بدون غایله و بی آن که دیناری ضرر از برای دیوان و رعیت حاصل شود با
ملاحظه تقویت حاکم اجرا می شود و این ها از توجه و تربیت آستان همایون است و لا غیر.
معروضه ۲ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

شماره سند: ۲-۵۰۰- (۱-۱۵۹)

گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: ۱۲۹۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، چون دستخط مرحمت آیت مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده شرف صدور یافته بود که ورود فشنگها دیر شد، این غلام خانه زاد علاوه بر تأکیدات سابقه تلگراف مجدد نمودم. دیروز که روز عید بود تلگراف میرزا احمدخان رسید که فشنگها حاضر است و جهت تعویق آن عدم اجازه عبور از سرحد دولت روس است و معلوم شد که یک کرور در حاجی ترخان و سه کرور در سرحد پروس حاضر است، چاکر فدوی فوراً جواب میرزا احمدخان را نوشته تأکید تلگرافی به میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک وزیر مختار دولت علیه مقیم پترزبورغ کردم که به زودی اجازه عبور فشنگ را تحصیل نماید و در این جا هم یادداشتی به سفارت دولت روس نوشتم که اصل و ترجمه تلگراف میرزا احمدخان و سواد سایر نوشتجات مزبوره اینک لفاً به شرف عرض خاکپای مبارک مشرف می شود. امیدوارم به زودی اجازه حاصل و فشنگ وارد شود. در هر حال خاطر خطیر مبارک اقدس همایون ملوکانه آسوده باشد که فشنگها حاضر و صندوق بسته و مهیا شده است و به زودی می رسد. حقیقت نمی توان اغماض از عرض نمود قدری میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک در تحصیل اجازه عبور فشنگ از خاک روسیه بی عرضگی کرده است و الا این قدر هم تعویق حاصل نمی کرد. معروضه ۲ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خانه زاد حسین

شماره سند: ۱۰۶-۱۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: ۲۹/ شوال / ۱۲۹۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به زیارت دستخط جهان

مطاع آفتاب شعاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنفاذ که در صدر عریضه عاجزانه این غلام خانه زاد در باب جهانسوز میرزا شرف صدور یافته بود سرافرازی و مباحات و افتخار حاصل نمود. جهانسوز میرزا را چند روز است که حسب الاراده العلیه احضار کردم جمیع نکاتی که در این خصوص در مرآت غیب نمای خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارک جلوه کرده بود و در ضمن دستخط مرحمت آیت مبارک مرقوم شده بود کلاً محل ملاحظه و نکات عمده بود بعد از زیارت این دستخط مطاع مبارک به طوری که مقرر شده بود با تلگراف اختیار اردوی زهاب را به حشمت السلطنه واگذار کردم و از برای مراجعت اردو از زهاب یک نفر صاحب منصب کافی قابل از برای ریاست نظام آنجا حاضر کرده پس از عرض خاکپای مبارک خواهد فرستاد که از روی دقت به امور قشونی برسد و با حشمت السلطنه هم سازش کند خلاصه بعضی نوشتجات که از ولایات رسیده بود لفاً از عرض خاکپای مبارک خواهد گذشت. بعضی عرایض دیگر هم بود ولی چون میمنت و سعادت و اقبال تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب مسعود مبارک نزدیک است زیاده بر این جسارت به اشتغال خاطر خطیر مهر تخمیر مبارک ننمود. معروضه غروب ۲۹ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۱۵۳

تاریخ: شوال / ۱۲۹۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
شماره سند: ۱۲۸-۱۲
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، زیارت دستخط آفتاب آیت جهان مطاع و احکام قضا نظام مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنفاذ که از منزل رینه لاریجان به افتخار این چاکر جان نثار شرف صدور یافته بود به قدری موجب افتخار و سرافرازی و مباحات گردید که عرض و بیان و قلم و خیال عاجزانه قاصر و متحیر است،

خاصه آن که متضمن مرده تشریف فرمایی مویک فیروزی کوکب مسعود همایونی به دولت و میمنت و اقبال بود. شکرانه این موهبت کبرای خداوندی از دست و زبان کسی بر نمی آید مگر آن که هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید. امید است که دیده امیدوار چاکران از زیارت خاکپای جواهر آسای مبارک که کحل البصر غلامان بی مقدار است ضیاء گیرد و بینائی پذیرد. در باب ایجاد روزنامه غیر رسمی در طهران و رو به خود کردن روزنامه نویسان فرنگستان در امر قضا بنیان ملوکانه عز اصدار پذیرفته بود بدون هیچ گونه شائبه تملق چاکری می تواند با کمال انکسار جسارت به عرض ورزد که از ملهمات غیبیه است و ایجاد این روزنامه از واجبات و علاج بسی اشکالات و مانع خیلی ظهورات می تواند شد و چه بسیار خیالات را به واسطه آن می توان قوت داد، ولی من غیر جد جسارت به این عرض عبیدانه می ورزد که به ملاحظات عدیده مصنف این روزنامه با روزنامه حالیه بایست علیحده باشد که سد بعضی خیالات خارجه را نموده غیر رسمی صرف شود تارای آفتاب ضیای مبارک چه اقتضا فرماید. در باب نوشتجات خراسان به طوری که امر قدر مطاع ملوکانه شرف صدور یافته بود کاغذهای حاجی ظهیر الدوله را از جناب مستوفی الممالک فوراً خواستم کاملاً خوانده به اطراف مسئله غور و امعان نظر نموده هر چه به عقل قاصر عاجزانه این غلام برسد بنا به اطاعت حکم جهان مطاع همایونی جسارت به عرض خاکپای مبارک خواهد نمود، بعد از آن به هر طور رای جهان آرای خسروانه علاقه گیرد امتثال خواهد شد. در باب محمد قرچی و زدن شارژدفر فرانسه از اثر تربیت های آستان همایون و توجه خاطر قضا مظاهر مبارک گویا این دستور العمل را که حالا مقرر فرموده اند پیشتر مرحمت شده بود این غلام خیلی شکر کرد که تربیت آستان ملوک پاسبان همایونی را به قدر قوه چاکرانه حفظ نموده و از متابعت سلیقه مبارکه ذره [ای] خارج نمی شود و تا جان دارد نخواهد شد. در فقره استرداد اموال یهودی همدان که آن طور حکم قدر نظام جهان مطاع مبارک شرف صدور یافته که این غلام خانه زاد قرار لازم را بدهد حسب الامر الاقدس الاعلی اقدام لازم را کرده به عرض خاکپای مبارک می رساند. منظور از این اقدام این است که هم فی الواقع احقاق حق شده باشد و هم زبان قلم از برای درج کردن در روزنامه دراز شود و از میمنت عدل خسروانه به طور عدالت خواهد شد. چاپار پطر بورغ که می رفت

مختصری در این باب به ساعدالملک نوشتم که از جالا زمزمه بی اصل بودن آن تفصیل را بکند و شهرت بدهد که اگر چهار نفر شریک در غیاب حاکم یک یهودی را کشته‌اند دولت اشخاصی را که منتسب به ارتکاب بودند گرفته حبس نموده و مجازات داده است. معروضه
غروب ۲۹ شهر شوال ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانم‌زاد حسین

۱۵۴

شماره سند: ۱-۲۱۰-۲۶

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم،
دستخط مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفداه که پس از ملاحظه
راپورت تقی خان به افتخار این غلام خانم‌زاد شرفصدور یافته بود مایه امید کلی این خانم‌زاد
و جمیع طبقات عساکر منصوره گردید. فرمایشات حکمت آیات ملوکانه روحانفداه که در
دستخط مبارک مندرج بود والله موجب دوام و قوام و انتظام دولت و اسباب همه چیز است.
جوابی بر فقرات مرقومه در دست دارم و به عرض خاکپای انور اقدس اعلی روحانفداه
خواهم رسانید و بعد شروع به انجام اوامر مرقومه خواهد نمود. عریضه مفصلی که از بابت
گمرک و وجه او امروز به عرض خاکپای مبارک رسانیده‌ام اگر چه صلاح دولت و قشون و
راحت وجود مبارک هست، لکن میل و خواهش خود امین لشکر در عرض این عریضه بود،
چنانچه مسوده همین عریضه را خود او داده است و همان مسوده به خط مشارالیه را محرمانه
به جهت استحضار خاطر خطیر انور اعلی لفاً تقدیم نمودم و استدعا دارد پس از ملاحظه
همایونی اعاده فرمایند و قبول استدعای مشارالیه به هیچ وجه ضرری به جهت دولت مقرر
نیست فرجی به جهت او است و از اول هم همین مبلغ محل قشونی بود. از بابت این که
نصر الدوله می‌خواست در سال نو بدهد فدوی خانم‌زاد قبول کردم و عوض از جاهای دیگر

مرحمت شد حالا ممکن است از گیلان یا هر جای دیگر که امر شود برگشت نماید. در هر حال امر امر شاهانه روحنافداه است.

امرالاقدرس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۵۵

شماره سند: ۲۰۹-۳۶

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحنافداه مشرف و مباهی گردیدم. در فقره نشان خدیو به طوری که امر و مقرر شده است اطاعت خواهد نمود و وجه را از آن دو محل دریافت خواهد نمود محلی که در خاک عثمانی اختلال به هم رسانیده است، ایالت هر سک است که مجاور ایالت بوسنه در سرحد اوتریش و قاراداغ واقع شده است و همیشه اسباب وحشت عثمانی است، فتنه که نتیجه او قسمت عثمانی خواهد گردید هر وقت موقعش رسید از همین هر سک و بوسنه طلوع خواهد کرد. جواب تلغراف فقره سرحد نرسیده است. امروز باز در ضمن جواب این تلغراف تجدید خواهد نمود و هر وقت جواب رسید فوراً به عرض خاکپای مبارک همایونی روحنافداه خواهد رسانید.

امرالاقدرس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۵۶

شماره سند: ۲۱۰-۲-۳۶

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحنافداه که پس از ملاحظه عریضه و نوشتجات امیر

۱۴۸

حسین خان شجاع الدوله شرفصدور یافته بود زیارت نمودم و عرضه می دارم که ابوالحسن خان عن قریب با احمد علی خان به آستان مبارک مشرف خواهد شد و از امیر حسین خان ابدأ حرکتی برخلاف صداقت و خدمتگذاری دولت به وقوع نخواهد رسید. آه [و] ناله که کرده است از بابت سوزدل و از بابت ضررهایی است که به او وارد آمده نه به بهانه به جهت نفرستادن ابوالحسن خان است، اگر منظورش نیامدن ابوالحسن خان به دربار همایونی بود او را از میان ترکمان نمی آورد. خاطر مبارک از این فقره مطمئن و آسوده باشد.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۵۷

شماره سند: ۴۱-۳۶

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، از زیارت دستخط جهان مطاع آفتاب شعاع اقدس همایون شاهنشاه ظل الله روحنا فداه که در صدر عرایض عبیدانه این غلام خانه زاد به افتخار این چاکر بی مقدار شرف صدور یافته بود، مایه کسب اقصی درجه مفاخرت و سرافرازی و مباهات گردید. ظهور آن نوع مراحم علیه همایونی و رضای خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارک اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه از خدمات عاجزانه چاکرانه ناقابل این فدوی جان نثار، به نوعی این چاکر خانه زاد را شرمسار فرموده که اگر هر دقیقه هزار جان خود را تصدق خاکپای مرحمت اقتضای مبارک خسروانه سازد از عهده شکرانه یک شمه از آن الطاف ضمیر منیر مهر اتصاف همایونی بر نخواهد آمد، چه رسد به این که خدمات ناقابل خود را درازا آن مراحم تشکر قرار دهد، زیرا که این چاکر جان نثار هر چه و هر قدر مصدر جان فشانی و خدمت گردد از پرتو اشعه توجیحات خاطر الهام اثر مبارک ملوکانه است و اگر العیاذ بالله یک ذره از شعاع عنایات خسروانه یک طرفه العین محروم بماند مصدر هیچ خدمتی نمی تواند شد، سهل است معدوم صرف خواهد شد. از

میامن اقبال مصون از زوال همایونی تدارک و تهیات هشت فوج کلا و کاملاً بدون یک دره
نقص امروز روانه شد. توپخانه هم تکمیلًا بلا نقص فردا روانه خواهد شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

۱۵۸

تاریخ: ندارد

شماره سند: ۴۲-۳۶

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، در ضمن دستخط
مرحمت نمط انجم نقط مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده از نرسیدن جواب
تلگراف رمز از حاجی محسن خان استعجاب فرموده بودند. این غلام خانہ زاد نیز خیلی
منتظر بودم تا دیشب دو ساعت از شب گذشته رسید، فوراً استخراج کرده لفاً برای عرض
خاکپای مرحمت اقتضای مبارک تقدیم نمود. از تاریخ آن معلوم می شود که این تلگراف
پنج روزه به طهران رسیده و جهت تعویق خرابی سیم و ستونهای تلگراف بوده است، پس
از گذشتن تلگراف مزبور از عرض لحاظ انور اقدس همایون ملوکانه به هر طور امر قدر قدر
جهان مطاع مبارک شرف صدور یابد اطاعت ورزیده جواب می نویسد. در باب فشنگها
چه با تلگراف و چه تحریراً تأکیدات کامله به ناصرالملک کرده و می کند و اصلاً غفلت
ندارد تا انشاء الله صحیح و بی عیب به طهران وارد شود. یک تلگراف از نواب رکن الدوله و
یک تلگراف از مصطفی قلی خان میر پنج رسیده بود لفاً از عرض خاکپای مبارک خواهد
گذشت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

تاریخ: ندارد
شماره سند: ۴۶-۳۶
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، این روزها به هیچ وجه من الوجوه از فرنگستان خبری نرسیده، حتی روز تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب اقدس همایون شاهنشاهی روحنافته هم مخصوصاً به حاجی محسن خان تلگراف و مطالبه جواب تلگراف رمز را کردم باز خبر نرسید، متحیر بودم که چه شده بعد معلوم شد که سیم تلگراف در قریمه به واسطه کثرت باریدن برف اغتشاش حاصل کرده و این چند روز اصلاً تلگراف از فرنگستان نرسیده و با هندوستان هم مخابره نشده است. محض اطلاع به خاکپای مبارک اقدس همایون مبارک ملوکانه روحنافته جسارت ورزید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

تاریخ: ذیقعد ۱۲۹۲
شماره سند: ۱۰۲-۱۲
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

تصدق خاکپای مبارک همایونت شوم، چون آقا وجیه در تهیه این تنخواه زحمت کشیده ریاست سواره جاف هم به او مرحمت شد، در سفر مازندران هم از بابت رسانیدن جیره و ملزومات قشونی اهتمام نموده و سگ آستان مبارک است اگر امروز خلعتی به او مرحمت شود مایه افتخار خانه زاد است. امر امر همایون شاهنشاهی روحنافته است.

[دستخط ناصرالدین شاه در بالای سند]: امین السلطنه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، غلام خانہ زاد امروز وزیر لشکر و امین لشگر و چند نفر لشکر نویس دیگر حاضر نموده احکام استرآباد را از بابت گرفتن سیصد سوار و احضار فوج سیلاخوری از روی ثبت و قاعدہ حاضر نموده ہزار تومان تنخواہ نقد آمادہ نمودم کہ فردا مأمور استرآباد بہ طوری کہ عرض نمودہ بودم سہ شنبہ خواهد رفت عازم شود. مراسلہ رسمیہ بہ سفارت انگلیس را با سواد نوشتجات بانک و غیرہ بہ طوری کہ لازم بود فرستادم، بعد شارژ دافر روس [و] وزیر مختار انگلیس [و] وزیر مختار عثمانی [و] شارژ دافر فرانسه بہ نوبہ آمدند، ہر یک پارہ [ای] کارہای عادی و غیر لایق اظہار نمودند و منظور ہر یک جدا جدا تحصیل اطلاع از اظہارات و معروضات مسیو طولوزون و امتیازی کہ خواستہ است بود، جوابی کہ لازم بود شنیدند و بر علمشان ہیچ نیفزود و رفتند. با وزیر مختار عثمانی آن قسمی کہ میل خاطر مبارک بود مذاکرہ نمودم و گویا مؤثر و مفید شد، رفت با چاپار انگلیس کہ روز شنبہ می رود مراتب را بہ دولت خود اظہار نماید و اصرار در تحصیل رضای دولت علیہ ایران نماید. چاپار روس بہ پترزبورغ می رفت جواب نامہ امپراطور را با پارہ [ای] نوشتجات فرستادم. چون امر قدر قدر ملوکانہ روحنافدہ شرف صدور یافتہ بود کہ تفصیل معروض آستان مبارک گردد جسارت ورزید.

[پشت سند بہ خط ناصرالدین شاه]: سنہ ۹۲ تنکوژیل در طهران ۲۸ ذیقعدہ لولہ شد قوس

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، مرحمت جدیدی کہ دربارہ

امین‌الملك مبذول فرموده نظم و محصلی مجلس شوری را به عهده او محول فرموده‌اید، در انظار مردم محتاج به اظهار یک مرحمت علنی از جانب سنی الجوانب ملوکانه و حنّافده است، اگر در نظر انور شاهانه روحنّفاده درست و مناسب بیاید و خلعتی درباره او مرحمت شود مایه تشکر همه مجلس خواهد گردید والا امر امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحنّفاده است.

۱۶۳

شماره سند: ۱۳۰-۱۲

تاریخ: ذی‌قعدة ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارک شوم، چون موافق احکام جهان مطاع که به زیارت آن مباهات و افتخار حاصل شده انشاء الله تعالی تشریف فرمائی موبک مسعود همایون به مقر سلطنت و مرکز خلافت ابدآیت و تشرف غلامان محروم از التزام رکاب ظفر انتساب به خاکپای مبارک اقدس شاهنشاهی روحنّفاده نزد یکست، حکیم الممالک را روانه اردوی همایون ساخت که دستور العمل و تکالیف جان نثاران را در وقت ورود دارالخلافة به آن قسم و طرزی که مقتضای رای آفتاب ضیا می باشد حاصل نموده، غلام خانه زاد را اطلاع بدهد که بر حسب فرمایش مقررہ تقدیم لوازم آن به عمل آید. از امور دارالخلافة از هر جهت که خاطر مبارک در صدد استعمال باشد عرضه داشت می نماید. لهذا زیاده جسارت نرفت.

امر الاقدس الرفع الاعلی مطاع مطاع، غلام خانه زاد حسین

۱۶۴

شماره سند: ۱۴۴-۱۲

تاریخ: ۲۵ ذی‌قعدة ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، زیارت دستخط مرحمت

۱۵۳

نقط انجم نقط جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده که در صدر عریضه عبیدانه این غلام جان نثار شرف صدور یافته بود موجب افتخار و مباهات و سرافرازی گردید، از مزده سلامتی و صحت و استقامت ذات کامل الصفات مبارک مقدس ملوکانه روحانفاده که مایه حیات و روح حقیقی چاکران بی مقدار است سجدهات شکر به جا آورد، زندگانی جدید حاصل نمود.

خداوند جان و مال و هستی این غلام خانه زاد را تصدق وجود مسعود فایض الجود اقدس اعلی روحانفاده گرداند که به این مزده جانبخش سرافراز و مفتخر و زنده ام فرمودند، امیدوارم چنانچه در این شکارگاه میمنت پیشگاه با عظمت و اقبال پنج ارقالی هدف تیر قضا تأثیر و آماج رصاص گران مناص مبارک همایونی کرده از برکت خمسه طیبه سال های بی شمار ارقالی و شکار به این شرف و افتخار نایل گردند و موکب فیروزی کوکب همایون زیب افزای ساحت جاجرود شود.

در باب دهات برادوست همان طور است که در مرآت خاطر الهام اثر مبارک جلوه گر شده اگر فی الجمله در این خصوص مساهله شده بود باعث جرأت و خدای نکرده موجب تجاوز عثمانی ها و زحمت زیاد می شد، از میامن اقبال مصون از زوال همایونی به زودی رفع شد. در فقره دستور العمل قشونی که رای مرحمت پیرای الهام اقتضای مبارک نیز آن طور که تصویب و انتخاب فرموده و امر قدر قدر شرف صدور یافته است در سال نواز همان قرار خواهد نوشت که انشاء الله مواجب و جیره و لوازم قشونی به هیچ وجه من الوجوه تفریط نگردد. آتش بازی روز جمعه ۲۳ برای عرض حضور ساطع النور مبارک فرستاده شد. انشاء الله به تفرج نظر انور اقدس همایونی روحانفاده رسیده است. از اثر تربیت آستان ملوک دربان همایون عموم کارها منظم و این غلام خانه زاد هر روزه مشغول مراسم جان نثاری است، اخبار تلگرافی نرسیده به محض این که برسد برای عرض خاکپای مبارک ملوکانه تقدیم خواهد نمود. دیروز عصر منیف افندی به ملاقات این چاکر آمده تا نیم ساعت از شب گذشته ماند بعد از مذاکره کارهایی که داشت و جواب های لازمه گفت در شهر چنین اشتها دارد که دولت علیه ایران بغداد را می خواهد از دولت عثمانی بخرد و این شهرت موجب وهن کلی از برای دولت عثمانی شده است، چاکر فدوی جواب داده که من می دانم

این اخبار مجعوله را سید خلف نامی است از برای شما آورده و خاطر شما را مشوب می‌دارد و بدیهی است نتیجه این جاسوسی و اکاذیب او از برای طرفین خوب نیست. لابد شده‌ام که قبل از آن که نتیجه بدی از جعلیات او ظهور یابد او را از طهران نفی نمایم. بر فرض آنکه چنین چیزی هم در میان عوام مذاکره شده باشد حرف بازاری بی‌مأخذ کجا محل اعتنا است، اغلب اوقات از برای خودمان اخبار مجعوله شهرت می‌یابد که به هیچ وجه اصل ندارد. دهن کل عوام را نمی‌توان بست. در هر حال نفی کردن سید خلف را من لابد شده‌ام. این فقره را چاکر فدوی مخصوصاً برای اجرای آن فرمایش جهان مطاع مبارک به گوش او زدم که از حالا مسبوق باشد. محض اطلاع خاطر خطیر آفتاب تاثیر مبارک به عرض عبیدانه جسارت ورزید. دیروز هم به قاعده معموله فدوی به مجلس دارالشورای کبری رفتم، کل اهل مجلس نیز حاضر شده بودند تا یک ساعت ونیم به غروب مانده بعد از آن متفرق شدند. معروضه ۲۵ شهر ذی حجه ۱۲۹۲.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین.

۱۶۵

شماره سند: ۱۴۶-۱۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: ذیقعد ۱۲۹۲

فرستنده: سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، امروز به زیارت دو دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده مشرف و مباهی گردیدم. آقا وجیه هم او امر علیه ملوکانه را ابلاغ نمود. اگر در عرض جواب تاخیر شد محض این بود که در تفرج و شکار گاه مصدع اوقات همایونی نشده باشم. اولاً در فقره قورخانه استفسار فرموده بودند که با ناصرالملک یا دیگری شد عرضه دارم و تاخیر در این عمل نشود آنچه ممکن و لازم بود با ناصرالملک گفتگو کردم میل او به مبیع است از روی قمه سنه ماضیه و قدری زیادت در پاره از امتعه و میل زیاد دارد به سفارت پاریس مامور شود، حالا امر و اراده با خاکپای

۱۵۵

مبارک است که به هر چه فرمائید اطاعت شود. در صورتی که قرار تغییر ناصرالملک شود اعتقاد ناقص فدوی بر این است که آدم قلبه لازم ندارد که شخص خجالت بکشد و نتواند به طور تحکم بگوید که در خلال کار قلب^{۴۱} شده است و باید رفع کرد و از برای این قسم و این جور که واسطه باشد فیما بین فدوی خانه زاد و عمله قورخانه چند نفری در نظر هست که در شرفیابی به آستان مبارک عرضه داشته هر یک که به نظر مبارک درست آمدند او انتخاب و مامور شود. به عادت قدیم عمله قورخانه از صبح روز ۱۸ رمضان تا غروب روز ۲۳ مآذون و مرخصند که به مساجد و زیارت‌ها بروند، تا آن موعده انشاء الله به شرف آستان بوسی همایونی مشرف گردیده عرایض عاجزانه خود را نموده اوامر شاهانه را اخذ کرده به موقع اجرا خواهم گذارد. امروز بعد از زیارت دستخط مبارک فرستادم مسیو دولیه مهندس که در قورخانه اجیر است آوردم اطمینان و وعده می‌دهد که چدن را در طهران آب کند و گلوله پیکانی در همین جا بریزد انشاء الله بخت مبارک همایونی یاری خواهد کرد. در فقره تعهدنامه حاجی رجب علی خان و عریضه سرکار شاهنشاه زاده آقای نایب السلطنه زید شوکت کار و عملی از این بهتر نمی‌شود و البته صلاح دولت است که گمرک ارومیه و کشتی‌ها و نمک زار را با سه هزار تومان تفاوت عمل به مشارالیه داد زیرا که بدون تفاوت عمل یا تخفیف باز دولت را آسوده نگذارد همه ساله ادعای کسر عمل می‌نماید. حالا اگر می‌فرمائید اولاً با تلفراف به شجاع الدوله اخبار نموده اگر او قبول کرد فبها والا به حاجی رجب علی خان داده شود و اگر می‌فرمائید به هیچ وجه معترض نشده فردا او را خواسته تمسک گرفته احکامش نوشته شود. در هر حال منتظر امر و فرمایش شاهنشاهی روحانفاده می‌باشم. صاحب منصب‌های قورخانه در این دو روزه مواجب می‌گرفتند به این جهت از برای بازدید قنடاقهای توپ شاید حاضر نشده‌اند از فردا البته حاضر خواهند شد. امروز نصرالملک و آجودان باشی را فرستادم رفتند فوج خمسه را دیدند خیلی تعریف می‌کردند که خوب برگشته‌اند و زود هم باید بروند و طلبی هم از دیوان به هیچ وجه ندارند اگر مرخص می‌فرمائید روز یکشنبه که ۲۰ شهر حال است اولاً فوج امیریه به ملاحظه نظر انور همایونی برسد بعد فوج خمسه احتمال کلی می‌رود تا آن روز خود خانه زاد هم به شرف زیارت جمال مبارک مشرف تواند شد. امر امر همایون شاهنشاه ظل الله روحانفاده است.

تاریخ: ۱۲۹۲

شماره سند: ۱۶۶-۱۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

خداوند جان این غلام خانه زاد را به تصدق خاکپای مبارک اقدس همایونت نماید که در این وقت شب که هر کس مشغول راحت و آسودگی است ذات اقدس همایونی روحانفداه در خیال ترقی قشون و انتظام آنها هستند. بر حسب امر قدر قدر انشاء الله در زیر سایه مبارک افواج لرستانی و پرخلو و در جزین امسال احضار به کات مبارک و مشغول مشق و ترتیب خواهد شد. امروز عصر وزیر مختار انگلیس نزد خانه زاد آمد. و حقیقتاً او را از مشق پریروز بیاناتی که امریکائی ها بعد از معاودت از مشق به مشارالیه نموده بودند مشعوف و مسرور دیدم و انشاء الله به جهت روز یکشنبه به طوری که امر شده است توپخانه حاضر مشق و تیراندازی خواهد شد. با این نوع تشویقات و مراحم همایونی روحانفداه چگونه ممکن است که قشون ترقی ننماید. خداوند اولاً جان این بنده بی مقدار و ثانیاً همه اهل قشون را به تصدق وجود مسعود مبارک نماید.

آمین ثم آمین امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: ذیحجه ۱۲۹۱

شماره سند: ۱۲-۲۶-۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، چنانچه به عرض عریضه عبیدانه با ضراعت چاکرانه جسارت ورزیده است برای فقره شکایت اهل نوکیان طارم از علی قلی خان تفنگدار به نواب رکن الدوله تلغراف کرده منتظر وصول جواب و تحقیقات ایشانم و مامور برای گروس هم چنان چه امر قدر نفاذ شرف صدور یافته بود اطاعت

کرده‌ام. هر چه از این دو اقدام نتیجه ظاهر شود مجدداً به شرف عرض خاکپای مبارک
خواهد رساند. معروضه ۳ شهر ذی حجه ۱۲۹۱

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۱۶۸

شماره سند: ۲۰۳-۱۲

تاریخ: ۱۲۹۲ ق

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دیشب سرکار شاهنشاه
زاده اعظم ولیعهد زید شوکتہ رقمی به خط خودشان به این غلام خانه زاد مرقوم و آن قدر
اظهار دلتنگی و یاس نموده بودند که فدوی از بابت این که مبادا خاطر مرحمت مظاهر
همایونی روحانفاده از ملاحظه او متالم شوند جسارت نکردم که به عینها تقدیم خاکپای
مبارک نمایم. در خاکپای انور مشهود است که سرکار ولیعهد از جمیع طبقات نوکرهای
درباری به احکام و اوامر ملوکانه روحانفاده مطیع تر است. چنانچه فوراً میرزا نظام را روانه
کاشان فرمودند و الان در حضرت عبدالعظیم است و لکن صدور این حکم همایونی را
درباره خودشان مثل نسبت عدم تمیز و شعور تصور نموده‌اند و خودشان را در نزد
برادرهای خود خیلی سرافکنده و خجالت زده می‌دانند و از این تصورات مافوق آنچه فدوی
بتواند عرضه دارد متالم می‌باشند و فی الجمله اسباب نقار خاطر ایشان از سرکار
نواب علیه عالیہ شکوه السلطنه دامت شوکتها و صاحب دیوان هم گویا شده است و در
حقیقت سبک و رفتار سرکار ولیعهد در این سفر به هیچ وجه نسبت به سفرهای سابق
ندارد و به کلی مغایر موضوعاتی است که در غیاب ایشان شنیده می‌شد و آن قدر مواظبت
به تحصیل رضای همایونی دارد که مافوقی بر او متصور نیست و هنوز بعد از تشرف به
آستان مبارک موردیک التفات علنی از جانب سنی الجوانب همایونی روحانفاده نگردیده
است. حقیقه طاق و استعداد این قسم بی التفاتی را به اعتقاد خودشان ندارند و در

۱۵۸

حقیقت میرزا نظام قابل این نقل ها نیست و عرایضی که درباره او نموده اند اکثرش از رقابت است چون خاطر سرکار ولیعهد خیلی آزرده است اگر در خاکپای مبارک عرض عاجزانه این غلام به اجابت مقرون آید اجازه فرمایند که مشارالیه از شاهزاده عبدالعظیم مراجعت نماید و تشفی قلب سرکار ولیعهد از این مرحمت شاهنشاهانه^{۴۲} بشود، بعد اگر واقعاً به علم الهامی ملازمت او در خدمت ولیعهد به نظر مبارک درست نمی آید چون مشارالیه مهندس نظامی است هنگام مرخصی سرکار ولیعهد فدوی خانه زاد او را نگاه خواهد داشت، حالاً منفیاً به کاشان فرستادن در انظار به جهت ایشان خوب نیست. در هر حال امر و اختیار در ید قدرت نمای همایون شاهنشاهی روحانفداه است.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۶۹

شماره سند: ۱۴۲-۱۲

تاریخ: ۲۲ ذی حجه/ ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، انشاءالله امیدوار است از اثر تربیت های آستان ملوک پاسبان مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه جمیع احکام قضا نظامی که از مصدر سلطنت و جلالت شرف صدور یافته قرین اجرا و انجام داشته با کمال ضراعت چاکرانه به عرض خاکپای جهان آرای مبارک برساند. آدم از برای حکومت زهاب و مأمور کافی از برای گردش محال جوانرود در تحقیق رفتار محمد پاشاخان و توقف در آن جاها تا آخر پائیز و آدم از برای بردن تحریرات لازمه به زهاب نزد حشمت السلطنه و رفتن از آنجا به کردستان و انتظام امور آن جاها معین و به طوری که در ضمن عرایض دیروزه به عرض عاجزانه جسارت ورزیده بود با دستورالعمل لازم روانه می نماید. پیروز را بر حسب قرار معمول به مجلس شورای کبری رفته مذاکرات نافع شد و دیروز که چهارشنبه بود با آن که برف شدید می بارید به موجب مراسم چاکری به دربخانه

۴۲. اصل: شاهنشاه

مبارک که دربار اعظم رفته، از توجهات خاطر خطیر مبارک هر قدر در این چند روزه از لوازم و اصول و فروع کارها مانده بود از صبح زود تا مغرب نشسته انجام داد. عصر روز چهارشنبه هم شارژد فرروس در دربار اعظم به ملاقات چاکر فدوی آمد. مذاکرات لازمه به عمل آمده، در باب عبور زوار رعایای روس از این طرف به عراق عرب گفتگوی خیلی مساعد شد. امیدوارم یک مجلس دیگر که گفتگوی این مطلب را با او بکنم، بر حسب اراده مطاعه مبارک که قرار موقوف شدن عبور زوار آن‌ها از این طرف داده شود. شب چهارشنبه هم این غلام جان‌نثار و حسام السلطنه و اعتضاد السلطنه و علاءالدوله و غیره در منزل حشمت‌الدوله حاضر شده مذاکرات مقتضیه را نموده، امیدوارم تا تشریف فرمایی موکب فیروزی کوکب مبارک اقدس همایون ظل‌الهی روح‌نافداه کتابچه به قاعده تمام شده به عرض خاکپای مبارک برسد. در باب حاصل عمل قورخانه درازای سی هزار تومان مکرر به امین السلطنه نوشته‌ام و از امروز شروع به تحویل گرفتن می‌نماید. امیدوارم از توجه خاطر خطیر آفتاب تأثیر ملوکانه از آن عرضی که در ابتدا به خاکپای مبارک جسارت نموده‌ام تخلف نشود. معروضه ۲۲ شهر ذی‌حجه ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام‌خان‌زاد حسین

۱۷۰

شماره سند: ۱۴۰-۱۲

تاریخ: ذی‌حجه/۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، زیارت دستخط مرحمت آیت مبارک اقدس همایون شاهنشاه ظل‌الله روح‌نافداه که مشعر به مقبول افتادن محقر پیشکش عاجزانه چاکرانه در خاکپای مبارک و مرحمت شدن شکار آرقالی که از فرط خوش‌بختی هدف تیر قضا تأثیر ملوکانه روح‌نافداه شده بود موجب بسی افتخار و مباهات و سرافرازی گردید که هر قدر خیال و تصور و وهم قاصر این غلام‌خان‌زاد

می خواهد به اقصر حقیض مدارج و مراتب شکرانه این موهبت عظمی و عطیه کبری برسد صورت امکان نمی پذیرد، زیرا که سلاطین ارض نمی توانند لایق و سزاوار نایل شدن به این افتخار و بلوغ به اعطای این طور شکار شد مگر کسی که در نقطه عبودیت به درجه فنا رسیده باشد که از خود ذره [ای] جان و مال و هستی در دنیا نبیند و همه چیز او به توجهات بلاتهایات مخصوصه خاطر دریا مقاطر مبارک اقدس همایونی صورت وجود حاصل کرده باشد که هرگونه مرحمتی در حق او ظهور یابد، در واقع به همان توجهات همایونی مبذول گردیده باشد و امیدوار است که این خانه زاد بی مقدار از اثر تربیت آستان ملوک پاسبان همایونی در مرکز عبودیت و فدویت و چاکری طوری باشد که هیچ چیز را در خود از خود نداند و این مرحمت آفتاب آیت خسروانه به همین ملاحظه در حق این غلام جانثار شامل گردیده باشد والا این چاکر فدوی چه حد لیاقت این مراحم را دارد. معروضه
 ۲۲ شهر ذی حجه ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
 غلام خانه زاد حسین

۱۷۱

تاریخ: ۲۳ / ذیحجه / ۱۲۹۲ شماره سند: ۱۳۳ - ۱۲
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، از زیارت دستخط مرحمت نمط آفتاب نقط مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فاده که روز چهارشنبه ۲۱ شهر ذی حجه ۱۲۹۲ به افتخار این غلام جان نثار شرف صدور یافته بود کسب غایه القصوای افتخار و مباهات و سرافرازی نموده، احکام قضا نظام جهان مطاع ملوکانه که در تلگراف ها عزا صدار پذیرفته بود فوراً اجرا داشته به جای خود ابلاغ داشت. در باب حاکم زهاب که مقرر شده بود حالا سلطان خان کافیت حاکم علی حده لازم نیست. چاکر جان نثار به ملاحظه تاکیداتی که در ضمن دستخط آفتاب آیت مبارک در این خصوص

۱۶۱

شده بود بلا تاامل به صدد تهیه آن برآمد. حالا که رای آفتاب پیرای مبارک این طور اقتضا فرمود موقوف نمود بدیهی است این چاکر جان نثار منتظر امر قدر قدر و فرمایش مطاع همایونی است که به هر طور شرف صدور یابد فوراً اطاعت نماید. در باب امر قشون خراسان و نرسیدن جواب حاجی ظهیرالدوله که غلام خانه زاد آن تفصیل را به عرض عبیدانه جسارت ورزیده بود، محض اطلاع خاطر مرحمت مظاهر الهام اثر خسروانه است والا بدیهی است جواب او خواهد رسید و بعد از آن به هر نوع که اراده مطاعه مبارک که علاقه گیرد مقرر خواهند فرمود، از خود این چاکر اصرار در عرایض چاکرانه نیست. با چاپار خراسان به خود حاجی ظهیرالدوله تاکید نوشتم که جواب را زودتر بفرستد. اخبار تازه که قابل عرض پیشگاه مرحمت دستگاه مقدس همایونی باشد به غیر از امنیت و آسایش مردم در ظل ظلیل مبارک ممدود ملوکانه خبر دیگری نیست. دیروز که پنج شنبه بود بر حسب اراده مطاعه مبارک که و رسم مستمره به مجلس دارالشورای کبری رفتیم. مدارج مذاکرات و مراتب گفتگوها در ضمن صورت مجلس به عرض خاکپای فلک فرسای مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فدا خواهد رسید. حاجت به جسارت این چاکر جان نثار نیست از برای رفتن به جوانرود و تحقیق رفتار محمد پاشا خان جاف و کسان او با اهل جوانرود و توقف در آن جا تا پائیز بر حسب اطاعت و امتثال دستخط جهان مطاع مبارک که شرف صدور یافته بود، جواد بیک را که سابقاً هم در خدمت وزارت خارجه بوده است با دستور العمل کافی حاضر کرده ام که برود. هر گاه باز رفتن او در خاکپای مبارک لازم است فوراً برود. در هر حال منوط به امر و اراده علیه ملوکانه روحنا فدا است. معروضه ۲۳ شهر ذیحجه ۱۲۹۲

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین.

[دستخط ناصرالدین شاه]:

روزنامه مهمانی خانه مرحوم سپهسالار حاجی میرزا حسین خان است.

روز چهارشنبه ۱۲ شهر جمادی الاول سنه ۹۲ صبح مهمان سپهسالار بودیم، در باغ او نهار [و] عصرانه و غیره، همه حرم خانه هم آمده بودند، کل خواجه‌ها و غیره، معرکه بود، کل صاحب منصبان نظام و سایر شاهزاده‌ها، پیشخدمتها همه بودند. حرم در باغ و عمارت بودند. برای ما چادر در روی سکوی باغ پائین زده بودند. حوض هم روی سکو بود. هوا بسیار گرم بود. بعد از نهار رفتیم اندرون قدری گشتم، نشستیم خواننده‌های^{۴۳} قدم حاجی قدم شاه^{۴۴} غیره بودند، حاجی فرخ هم رقصید. قمرالسلطنه مهمان‌داری می‌کرد. باز بعد رفتیم بیرون روی سکو نشسته شاهزاده‌ها بازی کردند. طرف اعتضادالسلطنه امین ایلخانی چهارصد تومان بردند. نصرت‌الدوله نوری باختند. امین حضور هم سردست آن‌ها بسته کرد خیلی باخت، این الفاظ را روی تخته بازی می‌گفتند زود نوشتیم. فرهاد میرزا هم بود. بهرام میرزا هم بود.

عجب - غریبک - کم حرف بزن - شش و چهار هم رفتیم - نزده - هاباریکلا - اول گاه است - این شش و بیش دو تا رام و رده - دو است - ندارد - ندارد - بریز شازده بریز - ...^{۴۴} نفرینم می‌کند - من تلف هستم - بازی برده را باخته - حالا این دو گاه است - هابارکلاه - درویش الماس روحش شاد - خورده بی شش - این یک - این چهار - این سیه نکش - درش هم بگیر - سر تو در خانه - معتمدالدوله بازی راست حسینی را خوب می‌داند - جفتکش بزن - بیابا چهار گاه دودو - دو گاه است - نواب - دودارد چه دارد - ندارد مفت شما - همین که رفت پس می‌اندازد - آقا جان - مرشدی - مرشدی نقشش خیلی است - ها عملش گذشت - این جا باز است یک دو بر یک - نه استغفرالله - حسابی - از برای گرفتن اینجا

۴۳. اصل: خواننده

۴۴. کلمات نامفهوم

گذشت کار پوشش - ... مانده است آتش - او چه ناله می کند - هر دو را بده دستش - این را هم بکوب مغزش قفسی الامر نایب ناظر ندارد - بد آورد - بد آوردی و خواهی آورد - خیلی خوب بیاد اینجا - بالا بز ن آقا جان - خورده - بیاتو - بازی ندارد - دشمن وقت نشو - کم می آورد - سر شما ندارد - می خواد گشاد بگیرد - ده تا این مال بسته - آنصرا الله خمسه - افتاد به طلسم زنگوله - بگیر می گم - باخ باخ باخ - خط کرد آخ آخ - تلافی چهار و سه را کرد - بازیش همین بود - یک شش نیاورده بود تمام بود - افشار را گرفت - واسش ببینم - نکن - ای جانته می رم - ندارد می عوض می کند - داواست - بدو بدو - رفتیم که بزدیم - بلکه نشیند - می شد نزنه - چون شما یک خال بندازد کار را خراب می کند - چهار گاه آواز حمار است.

۱۷۳

شماره سند: ۱۹۱-۱۲

تاریخ: ربیع الاول/ ۱۲۹۳

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گردم، در فقره فتوحات خراسان به دستخط مبارک همایونی روحنا فداه بیش از حدو اندازه این غلام خانه زاد ظهور مرحمت فرموده که پیشانی خوبی در کارها دادید. برای غلام خانه زاد واضح است که این امور بلکه انجام هر امر جزئی که به دست این غلام می شود اثر توجه و نتیجه اقبال بی زوال همایونی است که متوجه این غلام خانه زاد است و تا هر وقت و هر درجه که این توجه باقی و برمزید است به همان مدت و همان اندازه خدمات راجعه به این غلام رو به ترقی و پیشرفت است و پناه می برم به ذات پاک خداوندی از ساعتی که در این نعمت بزرگ خداوندی قصوری حاصل شود، آن وقت بهترین نعمت ها برای این غلام مرگ است و تصدق شدن خاکپای مبارک، امیدوار به فضل بی منتهای خداوندم که مادام العمر این سعادت را از این غلام سلب نکند. صورت تلگراف های فارس را به حضور همایون فرستاد لیکن هنوز معتمدالملک ندانسته که درجه مقصود چه چیز است؟ و همه چیز را نمی توان با تلگراف حالی کرد.

مسوده هائی برای چاپار شیراز حاضر کرده که تا پس فردا بفرستد و او را درست ملتفت طرز کار کند و بنیانی انشاءالله تعالی غیر از خیالات آن ها بگذارد. امیدوار است که با همان توجهات خاطر همایونی با یک درجه مراقبت و عدم غفلت کار فارس از هر جا بهتر و به طریق استقامت حرکت کند و رفع مشغله خاطر مبارک از طرف فارس بشود. انشاءالله تعالی از هر چه مقتضی نظم باشد غفلت و اغماض و فروگذار نشود. انشاءالله تعالی روز بیست و چهارم که آخر ثور است قسط ثور هم خواهد رسید. خاطر مبارک مطمئن باشد و اگر کار و اصلاح عمل فارس محتاج به عزل و تبدیل معتمدالملک بشود به نمک همایونی اگر لحظه ای تامل شود و از خاکپای همایونی امیدوارم که توجه خودتان را به طوری متوجه این غلام خانم زاد فرمائید که بتواند این مقصود را به نحو دلخواه و میل همایونی انجام دهد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خانه زاد حسین

۱۷۴

شماره سند: ۲۲۵-۱۲

تاریخ: ربیع الثانی/ ۱۲۹۳

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط مبارک همایون شاهشاهی روحانفاده را در فقره اتمام امر لاریجانی ها زیارت نمودم و به همان قسم که مرقوم شده بود امشب از غلام حسین خان و سیفاله خان التزام گرفته فرامین همایونی به افتخار هر یک از آن ها به طور مقرر شرف صدور خواهد یافت و روز شنبه به زیارت خاکپای مبارک مشرف شده، روز یکشنبه عازم لاریجان خواهد شد.

ابراهیم خان را هم در حبس اوطاق نظام نگاه خواهم داشت

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: ربیع الثانی/ ۱۲۹۳

شماره سند: ۱-۲۳۰-۱۲

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، تلغراف نامه جات همایونی و عرایض تلغرافی معتمد الملک را زیارت و ملاحظه نمودم. فرمایشات ملوکانه همه صحیح و عرایض عبیدانه معتمد الملک هم خارج از درستی نبود. تتمه اقساط را انشاء الله خوب می‌رساند و اقساط هذه السنه را هم در موقع خواهد داد و خاطر عاطر شاهانه را راضی و خشنود^{۴۵} خواهد نگاه داشت. در فقره احتشام الدوله چون میل مبارک را در ابقای او دیدم و خدا از من بنده کمترین راضی نباشد که اگر بخواهم ذره‌ای از میل مبارک خارج شوم، امروز به معتمد الملک تلغراف نمودم که اگر نصیر الملک نرفته است او را نگاه دارد تا احتشام الدوله وارد شیراز شود، شاید همان قرارهایی که درباره تخفیف و غیره به نصیر الملک داده است خود احتشام الدوله قبول نماید و تعهد کند، در این صورت باز مجدداً او را ابقاء نماید و الا اگر زیر هیچ باری نرفت آن وقت بحثی بر معتمد الملک نخواهد بود. مراتب را امروز تلغراف نمودم اگر نصیر الملک تا امروز نرفته باشد یا بعد از زیارت امر تلغرافی همایونی تمکین به تلغراف غلام خانم زاد ننماید، هر چه واقع شد به عرض آستان مبارک خواهم رسانید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: ربیع الثانی/ ۱۲۹۳

شماره سند: ۲-۲۳۰-۱۲

فرستنده: —

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

تصدق خاکپای مبارکت شوم، در جستجوی کریم آنچه لازمه سعی است نموده

۴۵. اصل: خوشنود

هنوز اثری معلوم نشده است، اگر در شهر باشد امیدوارم به دست بیاید. در باب تنخواه عربستان با سه سالار محرمانه گفتگو نموده قبول کرد محل عربستان را تبدیل نماید، اما اسم فارس را مناسب ندانست دفعه اول بگوید. خود خانه زاد قسمی خواهد کرد که فارس را قبول کند. به مشیر در باب قسط ثور تلگراف نمود هر وقت جواب رسید عرضه می دارد. کوچه های دور ارک آنچه خیابان شمس العماره است عیبی ندارد از قراولخانه جدید به آن طرف کثیف است که قدری از آن را باید صاحب دکاکین بسازند. فدوی را خانه زاد قرار بنایی و تمیزی آن جا را داده، انشاء الله در ماه آینده ساخته می شود، حالا از برای امر خیر غلام زاده استطاعت نداشت، انشاء الله در ماه نو ساخته می شود. خیابانی که از زیر نقاره خانه به سمت سنگلیج می رود و به خانه زاد مرحمت فرموده اند مشغول بنایی هستند، آن را هم در ماه آینده انجام می کند که زودتر تمام شود. معمار باشی ناخوش است تا امروز قادر به بیرون آمدن نبوده حالا فرستاد اگر بتواند فردا شرفیابی حاصل کند، قدری طلب دارد که مقرر شده داده شود. اصل بنای معمار باشی به اهمال است اگر چه در گرفتن تنخواه باشد. از برای سر در نگارستان که مکرر فرمایش فرمودند و البته بیست محصل عوض شده است و هزار تغیر شده، این جزئی که باقی مانده است هنوز تمام نشده، نه این است که خانه زاد کوتاهی کند و فرمایشات همایونی را فراموش کند. اطراف میدان را هم توپچی هایی که منزل دارند علاوه بر خرابی که دارد کثیف می کنند، از فردا همه این فرمایشات را خود گردش کرده قرار لازمه که باشد داده می شود. امر امر همایون است. خیابانی که از سمت سنگلیج به میدان مشق می رود آدم گذاشته مشغول ساختن طاقنا هستند.

۱۷۷

شماره سند: اسناد وزارت خارجه

تاریخ: جمادی الاخره/ ۱۲۹۳

گیرنده: —

فرستنده: ناصرالدین شاه

از ابتدای هذه السنه سیچقان ٹیل خیریت تحویل سنه ۱۲۹۳ هجری لغایت ده سال تمام کامل الشهور والایام همگی و تمامی کل شیلات و صید انواع ماهی بحر خزر را چه در

گیلان و چه مازندران و تنکابن و رودخانه‌های^{۴۶} مخصوصه و مرداب و غیره آنچه متعلق به دولت علیه ایران است به اجازه صحیحه شرعیه متصله غیر منفکه در سالی سی [و] یک هزار تومان وجه رایج خزانه عامره به جناب مستطاب اشرف حاجی میرزا حسین خان مشیر الدوله سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه واگذار فرمودیم که همه ساله، سالی هجده هزار تومان موجب خود را از مبلغ مزبور موضوع داشته، مبلغ سیزده هزار تومان باقی را که خالص از وجه اجاره می‌ماند کارسازی دارد و ضمناً اختیار تام تمام شرعی به جناب معزی الیه دادیم که برای ترقی شیلات هر گونه عملجات و اسباب و آلات صیادی و پیرپاس و ابنیه که صلاح داند زیاد نموده و از ارباب خبرت و بصیرت به هر کس که مقتضی ترقی این عمل ببیند رجوع کرده کمال جهد و کوشش را در ترقی این عمل به عمل آورد و همچنین شرط بشی شرعی شد که پس از انقضای مدت ده سال که موعده اجاره است آنچه اسباب و آلات و پیرپاس و غیره بر نهج مرقوم جناب معزی الیه حاضر و یا زیاد کرده است مال و ملک خالص خود او است، هرگاه مستاجر جدید و هر کس دیگر کائنا من کان آن اسباب و غیره را کلاً او بعضاً بخواهد از او به قیمت عادله ابتیاع نماید و در مدت این ده سال احدی را شرعاً و عرفاً حق و اجازه نخواهد بود که بدون اطلاع و اجازه مستاجر مرقوم مداخله جزئی یا کلی در امر شیلات بنماید. حررفی غره شهر جمادی الاخر سنه ۱۲۹۳

۱۷۸

شماره سند: اسناد خزانه ت ۸ (۳-۱۱۱)

تاریخ: —

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: علاء الدوله

تصدق خاکپای مبارک شوم، در باب تنخواه ایت ثیل فارس در صورتیکه رای همایون علاقه گیرد یک نفر فراش خلوت به چاپاری برود و تنخواه باقی را از اشخاصی که مشیر می‌نماید گرفته مراجعت نماید، یا همان محمد آقا را مقرر می‌فرمایند، بسته به اراده علیه است.

۴۶. رودخانه‌های

سلطان خان از جانب جناب سپهسالار اعظم مامور گیلان است، آنچه از گمرک گیلان عمل آمده است به سلطان خان داده‌اند و می‌دهند. اگر رای مبارک به برگشت محل نظام از گیلان و غیره و تبدیل به فارس علاقه یافته است و مرخص می‌فرمایند به ناصرالملک تلگراف شود که محل نظام تبدیل به فارس شد و تا حال هر قدر از گیلان به نظام رسیده است قبوض سلطان خان را با چاپار بفرستد. امر امر همایون است.

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه نامه]: علاءالدوله به اطلاع جناب سپه سالار اعظم به محمد آقای سر تیپ تلگراف بکن، سپه سالار هم تلگراف بکند، تنخواه را از مؤدیان به زودی و به تعجیل به اطلاع مشیرالملک بگیرد و زود برساند. جواب جناب آقا نوشته شد زود روانه دارد. نرخ اردو بازار از این قرار خوب است، اما باید نگذارد از این گران تر بشود و سعی بکند فراوان بشود.

۱۷۹

شماره سند: اسناد خزانه ت (۱۱-۱۹)

تاریخ: ندارد

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، دیشب را که سفیر کبیر از جانب دولت مدعو بود با کمال شوق و مباهات حاضر شده این خانه زاد دولت هم که همه وقت آمال و آرزویش شکوه و فر دولت است به نحوی که مقتضی بود تمهید لوازم نموده پنجاه و شش نفر هم از رجال دولت و امرای نظام در سر میز حاضر بودند. سفیر کبیر خیلی مفتخرانه و مسرورانه علناً به ذات اقدس ملوکانه روحنا فداه دعاها کرد و بسیار خوش حال و خوش وقت بود. شاهزادگان عظام و رجال هم تا انقضای مجلس همه به صحبت و مسرت و تقدیم دعوات مشغول بودند. محض استحضار خاطر مرحمت مظاهر اقدس شاهانه جسارت رفت.

دیروز عصر را هم وزیر مختار انگلیس نزد این غلام آمده بود، خانه زاد از او پرسیدم که واقعاً یک مهمه [ای] از بابت قشون انگلیس که در قندهار محصور بودند در میان مردم

۱۶۹

هست تفصیل و حقیقت امر چه چیز است، خود شما بیان کنید. وزیر مختار گفت: صورت مسئله نه به طور است که مشهور است. قشونی که در محاصره قندهار داشتیم بیرون آمدند جنگ نمایند، یک نفر ژنرال و یک نفر کلنل در جنگ با افغان‌ها کشته شدند و بسیاری هم از صاحب منصب جزء قشون مقتول شده و بقیه قشون دو مرتبه به ارگ قندهار که محصور بودند معاودت کردند و کومکی که از برای این قشون از کابل خواسته بودند دیروز به قندهار رسیده و می‌گفت در این دو روز خبر خواهد رسید و هر خبری برسد من خود به شما خواهم گفت، اما می‌گفت افغان‌ها قسم خورده‌اند به قرآن که تا یک نفرشان هم باقی بماند جنگ کنند تا بعد چه شود.

تلگرافی هم از حضرت ولیعهد در باب حمزه آقای منگور رسیده بود که عیناً تقدیم شد. دیشب در این مورد با سفیر کبیر مذاکره شد می‌گفت: حمزه آقا نمی‌تواند دیگر به خاک عثمانی و میان طوایف داخل شود، زیرا که در این مدت رفتاری با اکراد و ایلات نکرده که حالا بتواند بیاید و قرار داد آن چه لازم است بنویسد.

در باب تفنگداران مامور آذربایجان هم ابلاغ تلگرافی تلگرافچی سلطنت آباد دیروز عصر رسید و از امر مبارک مستحضر شد، چون در ضمن معروضات دیروز این فقره را به موقف عرض رسانیده بود دیگر تجدید عرض ننمود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در بالای نامه]:

جناب سپه سالار اعظم،

تفصیل مهمانی را آقا وجیه هم عرض کرد، خوب شد به سفیر کبیر خوش گذشت. در فقره حمزه آقا حاکم ساوجبلاغ بی جهت ماده فساد را فراهم آورده است، حمزه آقا را که مطمئناً پیش حاکم می‌آید چرا باید حکم به گرفتنش بدهد و بعد از این کار بی قاعده نتواند به گرد [او] هم برسد. خلاصه این فساد زود تمام نخواهد شد و کار خوبی نکرده‌اند.

قربان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، زیارت دستخط مرحمت آیت آفتاب سمت مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده که در صدر عریضه عبیدانه این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود باعث افتخار و سرافرازی و مباهات گردید. امیدوار است در اجرای اوامر قضا مظاهر همایونی به طوری که تابع سلیقه مبارک است جان فشانی نماید. در باب چاپ شدن مسوده عریضه ملوکانه به سرکار فیض آثار و جواب آن در روزنامه دولتی به طوری که مقرر شده جواب را جرح و تعدیل خواهد کرد. لیکن چون روزنامه به خارجه می رود و واضح است که اگر چه باطناً در مصدر نقطه ولایت و مرکز ایالت جواب مرحمت شده، لیکن ظاهراً جواب از آنجا مرحمت نگردیده است تنها عریضه ملوکانه که آیت رحمت و رأفت بر ملت و آئین و عقیده راسخه همایونی به مذهب و دین و در همه جا ممدوح است، در روزنامه دولتی چاپ شود ولی در هر حال منوط به امر قدر قدر مطاع همایونی است. هرگاه مقرر شود فوراً هر دو را به طوری که فرمایش خسروانه شرف صدور یافته به صنایع الدوله برای چاپ شدن در روزنامه خواهد داد. در باب عریضه استرآبادی ها و حکومت استرآباد آنچه به عقیده عاجزانه برسد به عرض خاک پای مبارک جسارت خواهد ورزید. به هر طور رأی مرحمت پیرای همایونی تصویب فرمود اطاعت و امتثال می شود. تلگراف رمز حاجی محسن خان و استخراج آن لفاً از عرض خاک پای مبارک خواهد گذشت. تلگراف اخبار عمومی از لندن رسید ترجمه آن در لف عریضه عاجزانه به شرف لحاظ انور اقدس همایونی مشرف خواهد شد. از سفارت دولت انگلیس کاغذ رسمی مفصلی در باب فقره خاک کلات که به میرزا ملکم خان دستور العمل داده شده بود در لندن با لاردر در پی مذاکره نماید، به چاکر فدوی نوشته اند، لفاً از عرض خاک پای جهان آرای مقدس ملوکانه روحانفاده خواهد گذشت. در واقع این کاغذ سفارت انگلیس برای این مطلب بهانه ورشته خوبی به دست این خانه زاد داد، انشاء الله از میامن توجهات

خاطر خطیر الهام اثر همایونی جوابی که در خاک پای مبارک مقبول افتد به این کاغذ خواهد نوشت، و قبل از آنکه جواب مزبور را برای سفیر انگلیس بفرستد. برای عرض خاک پای مرحمت اقتضای مبارک تقدیم خواهد نمود که هر گاه رأی جهان آرای ملوکانه تصویب فرماید از برای او فرستاده شود. معروضه فی شهر رجب ۱۲۹۳

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۱۸۱

شماره سند: ۳۶-۶۱

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، این غلام امروز وقت غروب به اردوی نظامی رسید، در وقتی که شارژد فرروس یک ساعت منتظر این خانه زاد نشسته بود. ابتدا در باب مطالبات تلگرافی روس که هنوز مخبرالدوله نپرداخته است خیلی مذاکره و سختی کرد، بالاخره قرار دادم که روز شنبه عصر مخبرالدوله را حاضر کنم، شارژد فر هم حاضر شود، این فقره گفتگو و قرین اختتام گردد. بعد از آن مذاکره اقدامات عثمانی ها را به طورهای کامل مذاکره با او نموده حالی کردم، حالا که یک ساعت و نیم از شب می گذرد رفت و تلگراف رمز از برای حاجی محسن خان نوشته داده بودم رمز می کردند که به شرف زیارت دستخط مرحمت آیت جهان مطاع مبارک ملوکانه روحانفاده مشرف و مفتخر گردیدم. او امر قضا مظاهر مطاعه انشاء الله کلاً اجرا می شود. چاپار انگلیس که بایستی امروز برود خبر آوردند که فردا صبح می رود مشغول تحریرات از برای حاجی محسن خان و دستورالعمل او هستم که با باب عالی بر وفق اراده علیه همایونی قویاً مذاکره نماید و کاغذ خیلی سخت با معنی هم به منیف افندی می نویسم، سواد آن را برای سفرای انگلیس

و روس می فرستم. فردا را هم خیال دارم از برای بستن پل^{۴۷} به جهت استرآباد یا صبح
 طوری شهر بروم که وقت ناهار مراجعت کنم یا عصر بروم که شب را برگردم در شهر،
 به طوری که امر قدر قدر جهان مطاع مقدس ملوکانه شرف صدور یافته است تلگراف
 سخت مؤکد به صاحب دیوان می کنم، رئیس قورخانه آذربایجان خود صاحب دیوان است
 بیست هزار تومان تنخواه او را از آن قد و جوه که پول گمرک است قرار داده برات آن را به اداره
 گمرکخانه دادم و حواله گمرک آذربایجان از برای او گرفته فرستادم که پول نقد گرفته اصلاً
 و قطعاً معطلی نداشته باشد. تلگراف جناب اجل مستوفی الممالک را هم حسب الامر
 الاقدس الاعلی لفاً اعاده و به خاکپای مبارک تقدیم نمودم، انشاء الله از میامن اقبال مصون از
 زوال مبارک همایونی دنباله این کار را سخت خواهم گرفت و به طوری که اراده مبارک است
 انجام خواهم داد. خاطر خطیر الهام پذیر مبارک خسروانه روحانفاده آسوده باشد. الامر
 الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع. امروز مقارن ورود این فدوی خانه زاد به اردوی نظامی یک
 تلگراف مفصل و یک تلگراف مطابق مضمون تلگرافی که به جناب مستوفی الممالک رسیده
 است از صاحب دیوان به این غلام خانه زاد رسید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
 غلام خانه زاد حسین

۱۸۲

تاریخ: رجب ۱۲۹۳
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 شماره سند: ۵۷-۳۶
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، مدتی بود نصر الملک به
 وسایط مختلفه اصرار داشت که این غلام خانه زاد به منزل او که در جعفرآباد است برود و از
 برای فدوی فرصت نمی شد تا امروز که به ملاحظه اصرارهای او دیدم کدورت حاصل

۴۷. اصل: پول

خواهد شد، لاعلاج به اتفاق نوابان مؤیدالدوله و اعتضادالسلطنه و حاجی شریف خان مستشارالدوله و جمعی از صاحب منصبان و غیر هم که اصحاب کار بودند به آنجا رفتم، چون وقتی می رفتم تلگراف رمزی از اسلامبول رسیده بود دادم استخراج نمایند. در آنجا زیاد توقف نکرده چهار ساعت به غروب مانده از آنجا به طرف اردوی نظامی آمدم که از تلگراف مزبور مستحضر شده برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نمایم. فدوی جان نثار و نواب اعتضادالسلطنه در یک کالسکه بودیم در سرازیری رودخانه تجریش در آن سنگلاخ شدید کالسکه برگشت، این فدوی و شاهزاده معلق شدیم و تارفتند کالسکه چی را ملتفت نمایند اسب را نگاهدارد به قدر سی قدم هر دو را کشیده در روی آن سنگها برده بود. این غلام خانه زاد یقین و قطع نمود که دیگر خلاصی و حیات نخواهد داشت، بعد از نگاهداشتن اسب و خلاصی از آن خطر دیدم به ساعد دست راست فدوی که روی سنگها کشیده شده صدمه وارد آمده، لیکن استخوان عیب نکرده و به کتف و سایر اعضا صدمه قلبی وارد گردیده که درد شدید ذکورد این غلام خانه زاد خیلی تعمق در سبب ورود این خطر نموده. چیزی که به خاطر قاصر عاجزانه رسید این بود که چون علاوه بر حقوق مالک رقابی ملوکانه روحنافداه که تمامی نوکران در آن مستغرقند، حقوق مخصوصه عظیمه مبارکه همایونی به جان و عمر و حیات این خانه زاد بالاخصاص هست که همواره مراقب و مواظب است که مبادا قصوری در تکالیف چاکری از این خانه زاد ظهور یابد، زیرا که بلاتردید می داند با آن حقوق مخصوصه مقدسه همایونی غمض اندک قصور عبیدانه در بخش خاطر دریا مقاطر مبارک خسروانه این غلام خانه زاد فنای صرف خواهد شد. دور نیست از این ذره قاصر بی مقدار قصوری و غفلتی در مراسم جان نثاری سر زده و به قدر ذره اغبراری به خاطر مهر مظاهر مبارک خسروانه روحنافداه رسیده باشد که در معرض این خطر عظیم واقع شد و از آنجا که سایه اروحنافداه را تخلق به اخلاق خدا هست، باز امواج عفو ملوکانه و ترحم خسروانه اغماض فرموده و به فضل خداوند و توجه مخصوص همایونی خلاصی یافته به همین قدر صدمه کفایت گشته و یا آنکه تقدیری بوده و فضل خدا و توجهات کامله مخصوصه مبارکه که همواره فریادرس این خانه زاد بوده باز دستگیری فرموده و به فریاد رسیده است. هرگاه فقره اول باشد در کمال ضراعت و انکسار

ذات مقدس ملوکانه را به وجود مسعود فایض الجود مبارک اقدس همایون شاهنشاهی
روحانفداه قسم می‌دهم که اگر فی الواقع قصور و غفلی از این جان‌نثار شده باشد ترحم و
عفو و اغماض فرمایند که طاقت ذره‌ای زیاده بر این وجودهای ناقص نیست و اگر
شق اخیر باشد امیدوارم که خداوند محض آنکه جان خود را چندین هزار بار در
خدمت‌گذاری تصدق خاکپای مبارک سازد خلاصی مرحمت فرموده است والا هرگز امید
سلامت نبود. نواب اعتضاد السلطنه هم صدمه به پای ایشان وارد شد، ولی از توجه آستان
همایونی به خیر گذشته اصلاً عیب نکرد. معروضه ۱۵ شهر رجب ۱۲۹۳

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام‌خان‌زاد حسین

۱۸۳

شماره سند: ۱۶۴-۸

تاریخ: شوال ۱۲۹۳

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک
همایون شاهنشاهی روحانفداه مشرف و مباهی گردیدم. در فقره خلایق اهل نظام امر قدر
قدر شرف‌صدور یافته بود که تدارک و داده شده است یا خیر؟ به قراری است که عرض
می‌شود: جهانگیر خان قیمت شمشیر را خواست که خودش در فرنگستان تمام نماید و به
میرزا ولی قلی گماشته خودش حواله نموده است که دریافت نماید. چند فقره سرداری هم
تهیه و حاضر شده، لکن هنوز داده نشده است که حسب الامر در یک روز داده شود و همه
دفعته واحده به حضور مبارک مشرف شوند دو بوقچه شال خوب هم خریده شده و حاضر
است، لکن اگر رأی مبارک منحرف شده است می‌توان پس داد و هیچ جای عرض نیست.
پنج نفر از سرهنگان که مأمور بودند نفری یک طاقه شال داده شده است، مابقی موقوف به
امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحانفداه است.

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، دیروز امین‌الملک دو نسخه قرارنامه مسیونچان ضرابی که یکی را مسیونچان امضا و شارژد فراتریش مهر و تصدیق نموده و یکی امضا نشده نزد این غلام خانه‌زاد فرستاده و نوشته بود که فرمایش مطاع مبارک ملوکانه روحانفداه چنین شرف صدور یافته که این غلام جان‌نثار مبادله نماید. فدوی جواب نوشتم که همان‌طوری که مسیونچان قرارنامه خود را امضا کرده و سفارت اتریش تصدیق خود را نوشته مهر کرده است، باید هر کس ریاست عمل ضرابخانه را دارد در نسخه قرارنامه امضا نماید، آن وقت وزارت خارجه آن را تصدیق و مهر کند. مجدداً امین‌الملک قرارنامه‌ها را اعاده کرده نوشته بود: معجلاً باید این قرارنامه تمام شود و حسب الامر الاقدس الاعلی این غلام خانه‌زاد امضا و مبادله کند. چون امروز جمعه بود و این چاکر فدوی از زیارت آستان همایون محروم است لابد محض آن که انجام و اجرای او امر قضا مظاهر جهان مطاع همایونی معوق نماند به عرض این عریضه عبیدانه جسارت ورزید که چون علاءالدوله ریاست این کار را دارد و پول هم در دست اوست و از برای تحویل گرفتن اسباب و رساندن تنخواه و مراقبت جزو به جزو فصول قرارنامه آدم و اسباب حاضر دارد بهتر این است که علاءالدوله قرارنامه را امضا نماید. وزارت خارجه مهر و تصدیق کند و هر گاه اراده علیّه مطاع مبارک شاهنشاهی روحانفداه اقتضا فرماید که خود این غلام خانه‌زاد امضا و مبادله نماید البته فوراً اطاعت و امتثال نموده، ذره [ای] تعویق را حرام می‌داند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه‌زاد حسین

تاریخ: ۲۵ / ذی حجه / ۱۲۹۳
 شماره سند: ۱۸۲-۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

دارالخلافة ناصرہ جواب نمبرہ ندارد

تلگرافخانه عمارت مبارکہ، روز پنجشنبه ۲۵ شهر ذیحجه الحرام سنہ ۱۲۹۳
 از دارالخلافة به عرض خاکپای جواهر آسای مقدس همایون شاهنشاهی
 روحانفادہ در کمال عبودیت و خاکساری می‌رساند.

از تصدق فرق مبارک مزاجاً سالم و در بالاخانه دربار اعظم مشغول خدمات مرجوعه
 می‌باشم. از جمله الان مشغول محاسبه میرزا مسیح وزیر سابق مازندران هستم. احکام
 صادره همایونی روحانفادہ دیشب هر دو شرف وصول بخشیدند و موجب اوامر علیہ
 همایونی به موقع اجرا گذارده شد. تلگراف رمز لندن الان رسید. در کنفرانس امید مصالحه
 در ترقی است. در افغانستان شورش ظهور نموده است. در اتاق نظام به باقیه فوج فیروزکوه
 جیره می‌دهند. در وزارت خارجه مشغول تحریر جواب‌های معین‌الملک و پاره [ای]
 تحریرات به بغداد هستند، چون چاپار انگلیس فردا عازم بغداد است صبح هم
 غلامحسین خان سردار و ساعدالدوله را خواسته مذاکرات لازمه را نمودم، تفصیل بعد
 عرض خواهد شد.

امر امر اقدس اعلی مطاع

غلام خانہ زاد حسین (مهر تلگرافخانه مبارکہ)

تاریخ: ذی حجه / ۱۲۹۳
 شماره سند: ۱۹۷-۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، چندی قبل از این مخابرات

تلگرافی امین الملک و صاحب‌دیوان از جانب سنی‌الجوانب اقدس همایون ملوکانه روح‌نفاذ نزد این غلام‌خانه‌زاد ارسال و فرمایش مطاع همایونی صادر شد که فدوی جواب لازم را بدهد. جواب آن مخابرات و منظور صاحب‌دیوان واضح بود، که اولاً می‌خواهد بلاسبب سی و هفت هزار تومان به دیوان ضرر بزند ندهد و از آن طرف دیوان که آن پول را به قورخانه و غیره محل داده است، ناچار این جان‌نقد مرحمت فرماید و ثانیاً نمی‌خواهد یک دینار از وجوه قشونی هذه السنه و سنواتی را بدهد و این غلام‌خانه‌زاد از ترس آن که مبادا العیاذ بالله در خاکپای جواهرآسای مبارک در این باره مستقل به عرض جلوه نماید، به نمک مبارک ملوکانه روح‌نفاذ به قدری که مقدور بلکه فوق‌الطاقه بود با او راه رفته حتی می‌تواند به خاکپای مبارک قسم یاد نماید که از شأن چاکری خود که در آستان همایون دارد کاسته و با او به طور تمکین حرکت کرده است و باز فایده نکرده. این حالات او چاکر فدوی را بالکلیه از رسیدن دیناری موجب قشون آذربایجان مأیوس کرده و قطع دارد که نخواهد داد و همه را به طورهای بی‌اصل و شرکت با سر کرده و غیره خواهد برد. از جمله از برای وجه نظام آذربایجان محمدآقای سرتیپ به موجب فرمان جهان مطاع مبارک تحویلدار معین و دستورالعمل به او مرحمت شد، تا حال یک دینار به او نداده است. کاغذهای محمدآقا لفاً از عرض خاکپای مبارک می‌گذرد که نوشته است تو می‌نویسی با صاحب‌دیوان راه برو او هم پول نمی‌دهد. سابق این چاکر بی‌مقدار زاید‌الوصف از کسی تعجب و تنفر می‌کرد که در خدمت و اجرای مراسم جان‌نشاری به لفظ (به من چه) تفوه نماید و در مذهب چاکری و جان‌نشاری این لفظ را کفر و مستوجب مخلد بودن در عذاب و نکال می‌دانست. حالا این وضع صاحب‌دیوان العیاذ بالله نزدیک به آن نموده که بی‌غیرتی و بی‌دینی در این غلام نیز اثر کرده به آن درجه برسد، زیرا که به ملاحظه نظم کار و این که غرضی ملحوظ نیفتد سختی نمی‌کنم. صاحب‌دیوان هم یک دینار نمی‌خواهد بدهد. در عوض پول دادن می‌گوید: من به تهران آمدم پنجاه هزار تومان ضرر کردم. فدوی متحیر است [که] چه ضرری کرده، اگر نوزده هزار تومان به خاکپای مبارک پیشکش کرد، در عوض بیست و دو هزار و هفتصد تومان بدون جهت و سبب برات صادر کرد و رفت. از آن جمله به خاکپای مرحمت اقتضای

مبارک عریضه کرد که سه هزار تومان خلعت بها به وجیه الله میرزا دادم. به نمک مبارک ملوکانه اگر تا حالا یک پول داده است و این غلام در وقت عروسی او دو هزار تومان دادم و از هیچ جا نمی توانم بگیرم، مانده ام حیران. وقتی که امر اکید همایونی در روانه کردن فوج چهارم به خراسان شرف صدور یافت صاحب دیوان به فدوی گفت ششصد تومان طلب فوج را شما بدهید، من در بیست و چهار ساعت ادا می نمایم. فدوی دادم، چند ماه است قادر نشده ام پس بگیرم و نمی دهد. مؤید الملک برادرزاده اش یک هزار و ششصد و کسری دو تمسک سپرده که تمسک های او از عرض خاکپای مبارک می گذرد و از هذاه السنه فارس مأخوذ کرده است. هر چه می نویسم نه او را می فرستد که خودش در طهران پول بدهد، نه پول را می گیرد بفرستد و کذلک در هر امری این حالت را دارد. از میامن تربیت آستان همایون چنان نیست که از وصول وجوه نظام سنواتی و هذاه السنه و وصول سایر وجوه عجز داشته باشد. آن چه به عقیده عاجزانه این فدوی غلام می رسد این است که این شخص تا صریح یقین نکند که اگر تعویق در این امور قشونی نمود، اظهارات چاکر فدوی را اعتنائی در این خصوصات نکند، تا درجه عزل از برای او تزلزل خواهد بود، زیرا که از عزل او هیچ تزلزلی به ارکان نظم آذربایجان وارد نمی شود. مؤید الدوله و غیره حاضرند، محال است دیناری بتوان از وجه نظام آذربایجان چه امسال و چه سنواتی از او وصول کرد. یا به این درجه باید این غلام خانه زاد را مستقل بداند که اگر آن سی و هفت هزار تومان و وجوه هذاه السنه را ندهد عقبه آن عزل خواهد بود، یا به هر طور دیگری که رأی آفتاب ضیای مبارک در پول قشون آذربایجان اقتضا فرماید مقرر شود از آن قرار اطاعت و امتثال شود و در پول قشون آذربایجان اقتضا فرماید مقرر شود از آن قرار اطاعت و امتثال شود و در هیچ یک از این دو شق نیز العیاذ بالله اصرار در استدعا ندارد. منظور پیشرفت خدمت و حفظ ناموس چاکری است که امر و اراده مطاعه مبارک را اطاعت ورزد.

از جمله کاغذ و کیل الملک لفاً از عرض خاکپای مبارک می گذرد. نوشته است سه ماه توپچی اردبیلی را بفرستید به آن ها داده شود و یک پول از تنخواه وجه نظام آذربایجان نرسیده است جسارت. به عرض این تفصیل محض آن است که حقیقت و صدق امر به

عرض خاکپای مبارک برسد و الا این چاکر بی مقدار حاضر است که حکم مطاع مبارک شرف صدور یابد و کل وجوه را از صاحب دیوان بگیرد و سی و هفت هزار تومان بلاجهت به دیوان ضرر وارد نشود.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانہ زاد حسین

۱۸۷

تاریخ: سلخ ذی حجه / ۱۲۹۳
فرستنده: میرزا حسین خان سپہسالار
شماره سند: ۱۹۸-۸
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون شوم، تلگراف معتمدالدوله که به نظر اقدس همایون روحنافده رسیده مقرر فرموده اند چه پولی است. تنخواه لازم شده بود در خزانه نظام گرفته حواله فارس نموده بودند. معتمدالدوله نوشته که آن شخص نگرفت، لهذا حواله نمودند به دیگری بدهد و منظور از این که تلگراف مزبور تقدیم حضور مبارک شده بود این بود که از این تلگراف معلوم می شود قسطی در راه دارد یا این دو روز روانه می نماید. خاطر آفتاب مظاهر را اطلاع بوده باشد.

امرہ الاقدس الاعلی مطاع مطاع
غلام خانہ زاد حسین

۱۸۸

تاریخ: سلخ ذیحجه ۱۲۹۳
فرستنده: میرزا حسین خان سپہسالار
شماره سند: ۲۱۵-۸
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، در این عزیمت موکب منصور که جان جهانیان بدرقه باد، لازم است چاکران آستان را به هر وسیله از پیشگاه حضور مرحمت

۱۸۰

ظهور اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی روحانفاده کسب روح و روان نمایند، علیهذا در این موقع به عرض این عربضه عبیدانه خود را متذکر انجمن حضور مهر ظهور ساخته به شکرانه این شرف خانه زادی با کمال ضراعت یکصد تومان نقد و یک طاقه شال افشان سفید محض صدقه وجود مسعود ظل اللّهی تقدیم خاک پای اعلی داشت.

امیدوار است به کرم عمیم مقبول و عفو و اغماض ملوکانه حقارت آن را پرده پوشی فرمایند.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

[در حاشیہ]: قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون اعلی شوم، بعضی نوشتجات ولایات و تلگراف که رسیده بود نزد امین الملک فرستاده که تقدیم خاک پای مبارک شاهنشاهی سازد. البتہ انقاد داشته است.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

۱۸۹

شماره سند: ۵۱-۸۴

تاریخ: محرم ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده موجب کمال افتخار و مباهات غلام خانہ زاد گردید. امروز بعد از زیارت ابلاغ همایونی به خط آجودان مخصوص فوراً تلگرافی به خراسان و تلگرافی به استرآباد نوشتم و قدغن اکید نمودم که اوضاع حیدری و نعمتی را کلیتاً موقوف دارند و تلگراف استرآباد را خیلی مشدد و با تأکید نوشتم، فردا هم بر حسب امر قدر قدر شاهانه روحانفاده با استرآباد تجدید مخابره نموده و به طوری که منظور همایونی است

۱۸۱

مواظبت تمام در پراکنده کردن جمعیت دهاتی و منع منازعه حیدری و نعمتی به عمل
خواهم آورد. خاطر انور اعلی آسوده و مطمئن باشد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۱۹۰

شماره سند: ۵۱-۸۳

تاریخ: محرم ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک
جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفاده وسیله کمال افتخار و مباهات غلام خانه زاد
گردید. فدوی بی مقدار از دیشب تا به حال مشغول بیمار داری است. قمر السلطنه باز به
قولنج شدید گرفتار و چهارده ساعت طول کشید، یعنی می توان گفت مکرر مرد و زنده
شد. حالا از تصدق فرق مبارک ساکت و آرام است. خود غلام هم الان به آستان بوسی
مبارک مشرف می شوم. عریضه محرمانه معتمدالدوله را ملاحظه نمودم. چنانچه سابقاً به
خاکپای مبارک عرضه داشته بودم با همین پوسته تحریراتی به خط خودم به شاهزاده
می نویسم و از افکار و خیالات عالیه همایونی روحانفاده به طوری و به زبانی او را مطلع و
مطمئن خواهم نمود که ترک خیال مسافرت و یقین به ابقای در حکومت نموده و با اولیای
دولت هم به طریق امن مماشات نماید. در جواب شاهزاده اگر به نظر مبارک درست و
مناسب بیاید همین قدر مرقوم فرمایند که باطناً امورات تو را به سپهسالار سپرده ام و قدغن
فرموده ام که در جمیع امورات تو مواظبت داشته باشد و این دفعه هم مراتبی به او فرمایش
شده است که به تو خواهد نوشت و موجب اطمینان خاطر تو خواهد گردید و الاً به هر طور
اراده اصابت عاده همایونی شرف صدور یابد اطاعت خواهد شد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، امروز این غلام جان نثار درد سینۀ شدید و تب داشت حکیم باشی طولوزون ماء الشعیر و دوا داد، بحمدالله تعالی از مرحمت همایونی قدری بهتر است و مشغول کارهای خود بود. تنخواه استرآباد موجود و بسته شده همراه سواره دویرن تا شاهرود می رود. از آن جا سوار نظامی به استرآباد می برد، می دهد قبض جهانسوز میرزا را خواهد آورد. قورخانه خراسان هم بسته موجود دو روز دیگر انشاء الله حرکت خواهد کرد. کار آن صفحات هم از توجه خاص همایونی روحانفاده خوب و روز به روز بهتر می شود که هیچ مشغله خاطر انشاء الله از این طرف به جهت خاطر مبارک نماند. عمل باقی جهانگیر خان چون چند روز است وزیر لشکر ناخوش است علت تعویق آن کار شد، لیکن خاطر مبارک را اطمینان می دهد که محض بیرون آمدن وزیر لشکر این کار را تمام کرده به عرض می رساند و بر رأی مبارک ظاهر است که فرمایشی که به این غلام جان نثار می شود آن کار به خوبی و درستی انجام و حقوق دولت کاملاً محفوظ و امر بی حرف و بدنامی قطع و تمام می شود، دیر و زود چند روزه به واسطه بعضی اتفاقات انشاء الله ضرر نخواهد داشت. سواره خمسه هم انشاء الله زود می رسد و به فارس بی معطلی خواهد رفت. دو تلگراف حالا در فقره این سوار از ذوالفقار خان و عزالدوله رسیده بود، در لف عریضه حضور مبارک ایفاد داشت. تلگراف ورود آذوقه سرخس هم حالا رسید که به سلامتی بحمدالله تعالی رسیده حضور مبارک فرستاد. به معتمدالدوله هم کاغذ مفصل خوب به خط خود نوشته با چاپار فرستادم. انشاء الله تعالی اثر آن به طوری که مقصود خاطر مبارک است زود معلوم شده به عرض حضور مبارک می رساند. از این فقره هم خاطر مبارک آسوده باشد، طوری می کنم که دیگر اسباب مشغله خاطر مبارک نشود. در فقره قرار جدید گمرک امین لشکر نزد غلام است، یادداشت فقرات آن را می کنم که انشاء الله بزودی قرارنامه آن نوشته مجری شود و اهمالی در این فقره نخواهد شد. وزیر مختار روس که امروز

با این غلام ملاقات کرد امر فوری نبود که عرضه دارد، لیکن مذاکرات خیلی خوب بود و انشاءالله در حین مصالحه حقوق ما محفوظ خواهد بود. تفصیل مذاکرات را انشاءالله تعالی روز شنبه به عرض حضور مبارک می‌رساند. وزیر مختار انگلیس هم امروز از غلام وقت خواسته بود، فردا به او وقت داد، مذاکرات با او را هم روز شنبه عرضه خواهد داشت. در فقره توپچیان شاطرانلو به نحوی که مقرر شده است به صاحب دیوان و اقبال‌الدوله و حاجی رجبعلی خان تلگراف سخت مؤکد خواهم کرد که رفع تعدی از آن‌ها کرده مراتب را اظهار نمایند، صورت جواب دیوان را به عرض خاکپای مبارک می‌رساند. خداوند وجود ناقابل این غلام را قربان خاکپای اقدس همایون کند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

۱۹۲

شماره سند: ۵۱-۷۹

گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۴

فرستنده: میرزا حسین خان

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، مبارک دستخط آفتاب شعاع همایون روح‌نفاذ بر ساحت وجود خان‌زاد تابش و پرتو افکند و قالب فسرده را از مراحم مبذوله جانی تازه و حیاتی ابدی بخشید. خداوند جان ناقابل چاکران را تصدق و وقایه وجود مسعود بی‌زوال همایون گرداند. کدام نعمت بالاتر از این است که این خان‌زاد عمر خود را در چاکری آستان مبارک مصروف دارد، هم‌چنین بالاترین نعمت‌ها این است که در سایه رأفت وجود همایونی تصدق شوند. عجالتاً که عارضه تب و درد سینه موجب حرمان از آستان همایون آمده امیدوار است با توجه مبذوله ملوکانه کسالت باقی نماند. فرد مأخوذ معتمد‌الملک که مقرر رفته بود تقدیم دارد، حسب‌الامر از شرف عرض حضور معدلت ظهور می‌گذرد. لیکن به طور یقین عرض می‌کند چنین نیست که معروض افتاده، انشاءالله تعالی در موقع شرف‌اندوزی آستان مقدس به عرض خواهد رساند. حالاً راهم طامسُن وزیر

۱۸۴

مختار انگلیس این جا بود، تلگرافی مبنی بر نطق ملکه در پارلمنت دیروز که مفتوح شده بود و به سفارت اعلام کرده بودند آورد، فرستاد ترجمه شود. ترجمه آن برای استحضار خاطر قرین الشرف مقدس همایون روحانفاده تقدیم می شود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۱۹۳

شماره سند: ۶۷-۵۱-آ

تاریخ: محرم ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: محمدزکی الحسینی

جان غلام خانه زاد تصدق خاکپای مبارک باد، در فقره نصرت الله خان هم که امسال دو سه بار در دربار معدلت مدار جواب و سؤال شده است، به هیچ وجه ربطی به خانه زاد نداشته و ندارد. در میان خودشان خوانین طوالتش از قدیم الایام عداوتی داشته و دارند و همچنین فیما بین نصرت الله خان و میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان هم خصومتی در میان است. در حکومت سابق اسم مدیری به نصرت الله خان داده بودند. امسال که بر حسب امر قدر قدر همایونی روح العالمین فداء مقرر گردید معزی الیه مدیر نباشد، چنان می داند کمترین غلام عرضی نموده است و الاغیر از اینکه یک روز در قزوین چاکر او را دیده است دیگر تا حال نه او را دیده و نه کسان او را، وجهی هم به قدر چهار هزار تومان از مالیات او به حاجی محمدرضای تاجر قزوینی خانه زاد حواله نموده بود که در قسط سنبله برساند، تا حال نداده و حاجی محمدرضا از خود غلام مطالبه داشته. حال که بر حسب فرمایش جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم قرار شده است تنخواه را در دارالخلافه به خزانه نظام بدهد، ظاهراً تنخواه حاجی محمدرضا را قبول نموده، دیگر از بابت فرع و پیشکش ولایتی و حق الحکومه و غیره هم به هیچ وجه چیزی نداده است. اگر چه یک بره و یک جوجه مرغی باشد این هم حالت این غلام با نصرت الله خان است که محض استحضار خاطر مبارک عرضه داشته است. امر امر اقدس همایون است.

[نقش مهر بیضی شکل پشت سند]: محمدزکی الحسینی
[دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]: سنه ۹۴ اودئیل در طهران لوله شد، محرم

۱۹۴

شماره سند: ۳۱-۵۱

تاریخ: ۱۲۹۴ ق

گیرنده: سپهسالار

فرستنده: ناصرالدین شاه

[دستخط ناصرالدین شاه به سپهسالار اعظم]

دستور العمل خراسان و مخارج، علاوه بر دستور العمل آنچه شده است که میرزا محمدرضا مستوفی عرض کرد، مستوفی الممالک تفصیلش را نوشته بود فرستاد دیدم، قرار شد کتابچه را تمام کرده همراه میرزا محمدرضا روانه کند که به شما برسد. در این روزها ده هزار تومان می فرستم. در باب اضافه خرج باقی را هم انشاء الله می رسانم. اما یک نکته هست، به شما صریح می نویسم که همین طور معمول دارید. مواجب قشون بر همه چیز و همه طوایف دیگر مقدم تر است. این طلبی که در تحت کتابچه مانده است شما چرا عوض جیره مواجب قشون زمین می گذارید؟ مال قشون را برسانید. از سایر طبقات مردم مثل مستمری بگیر و غیره و غیره و غیره بماند از تنخواهی که ما می فرستیم، عوض فاضل حساب آن وقت برسانید و فلان پدر سوخته باید نقد مستمری و پرداخت بی معنی خود را بگیرد و قشون بماند برای چه؟ البته این کار را بر همه مقدم بدارید. اول طلب قشون را از سواره و پیاده بپردازند، سایر مردم را به آخر بیاندازند. البته البته هزار البته. و آن چه هم خرجتان شد بدهید. یک دینار بدون عرض ندهید که قبول نخواهد شد. جواب را زود بنویسید.

۱۹۵

شماره سند: ۴۲۸-۱۴

تاریخ: صفر / ۱۲۹۴ ه. ق

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون شوم، به زیارت دستخط های آفتاب نقط

۱۸۶

جهان مطاع که در جواب عرایض چاکرانه غلام خانه‌زاد شرف‌صدور یافته بود افتخار و مباحات کامله حاصل ساخته، شکار مرحمتی مایه افتخار و سرافرازی فوق‌العاده گردید. خداوند منان قوه [ای] مرحمت فرماید که در لوازم جان‌نثاری به قدر عشری از اعشار و ذره [ای] از بسیار مراحم شاهنشاهی روح‌نافداه اقدام تواند نمود. صورت مخابرات تلگرافی نواب حسام‌السلطنه و جهانسوز میرزا را دیشب بلا تأخیر تقدیم خاکپای مبارک نموده، انشاء الله از لحاظ همایونی گذشته است. در باب جیره مأمورین استرآباد که دستخط همایون به آن قسم مقرر شده بود باعث اطمینان و افتخار خزانه نظام شده، همین دو روز بار نموده روانه می‌سازد. انشاء الله قورخانه عربستان با دو عراده توپ که برات آن را مزین فرموده بودند، همین دو روز روانه می‌سازد. از فردا که روز چهاردهم است قرار داده‌ام تا زمانی که موکب مسعود تشریف‌فرمای خارج شهر هستند، هر روز در اتاق قورخانه مبارکه نشسته کارهای آن‌جا را بر حسب اوامر علیه و آنچه لازم است درست می‌نمایم. هشت هزار گلوله هم ماسوره‌اش^{۴۸} حاضر است، خاطر مبارک از آن بابت آسوده بوده باشد. اسباب توپ‌کشی و تهیه و ریختن توپ و غیره لوازم قورخانه همین روزها که در قورخانه می‌نشینم انشاء الله تماماً سرانجام می‌شود. در باب کوره‌های اصطبل مبارکه، امروز سیزده صفر بود و مردم متفرق بودند مناسبت هم نداشت، فردا میرآخور را حاضر نموده بر حسب مقرر مجری می‌دارم، در فکر خریدن اسب هم هستم. در باب مصارف قورخانه مقرر شده بود هر وقت تنخواه لازم شود به عرض برساند، از روی حقیقت و انصاف جسارت به عرض می‌نماید که به جهت مرحمت فرمودن وجوه لازمه به هیچ وجه از جانب سنی‌الجوانب مضایقه نشده است، حالا اگر هم به جهت قورخانه تنخواه مرحمت می‌شد بی‌حاصل می‌ماند. آنچه تنخواه مرحمت شده کارش به‌تمام برسد و حاصل آن معین شده به عرض اقدس برساند، بعد تنخواه مجدد مرحمت خواهد شد. منظور از عرض عریضه سابقه هم استحضار خاطر مبارک بود نه مطالبه. تنخواه افواج خمسه را دیروز در تلگراف اخبار و احضار نموده‌ام، آنچه منظور رأی مبارک بوده به عمل آید، غلام‌حسین خان و صاحب منصبان لاریجانی را محصل گذاشته‌ام روانه نمایند، با غلام‌خانه‌زاد هم وداع روانه

۴۸. اصل: ماسوله

شدن نموده‌اند، به طور یقین عرض می‌کند گمان آن است که رفته باشند. تلگراف به صاحب‌دیوان انشاء الله فردا می‌زند و صورت را عرضه داشت می‌نماید، اکنون مشغول اتمام دستورالعمل حشمت‌الدوله می‌باشد، فردا صبح که آدم روانه می‌نمایم صورت دستورالعمل را عرض می‌نمایم. حکم روانه شدن سرباز نزد امین‌السلطان حسب الامر داده شد. ذره بین هم امروز سیزده [صفر] بود دکان‌ها کمتر نشسته بودند، فردا انشاء الله گرفته می‌فرستم. در باب تنخواه خمس مقرر فرموده بودند که انجام آن به عرض نرسیده بر حسب دستخط مبارک در مجلس وزرا گفتگو شده، امین‌الملک شرحی در آن باب نوشته که حاصل آن رجوع به وزیر دفتر و تعیین وصولی و لاوصولی و مطالبه آن است، هر زمان وزیر دفتر وصول آن را انجام برساند البته به عرض همایون خواهد رسید. اگر از جانب سنی‌الجوانب همایون هم حکمی به مشارالیه می‌شود موقوف به اقتضای رأی آفتاب ضیای همایون است.

امره الاقدس الاعلی مطاع مطاع

غلام خانہ زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت سند]: در جاجرود ۱۳ صفر سیچقان نیل لوله شد.

۱۹۶

شماره سند: ۳۲۱-۹

تاریخ: رجب ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، بزیارت دستخط مبارک شاهنشاهی روحانفاده سرافراز گردیدم. اوامر مطاعه ملوکانه در نزد این غلام خانہ زاد دقیقه‌ای تأخیر بردار نبوده است و تا زنده‌ام نخواهد بود. حسب الامر الاعلی فردا اول طلوع آفتاب فقره اقساط گمرک را با حضور امین‌الملک و نصیرالدوله به جهة عرض به خاکپای مبارک حاضر نموده و بعد فوراً به عرایض اردستانی‌ها با حضور مشکوة‌الملک رسیدگی کرده به طور حقانیت و عدالت به قسمی که رعایا دعاگوی وجود مسعود شاهانه روحانفاده

گردند تمام کرده به عرض خاکپای مبارک خواهم رساند. خداوند جان این غلام را هزار مرتبه به تصدق خاکپای مبارک گرداند. آمین

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[در حاشیه]: پس فردا صبح دو شنبه

۱۹۷

شماره سند: ۲۸۱-۹

تاریخ: ۴/ رجب/ ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحانفاده که در فقره اصلاح تفنگ شاسپو به افتخار و مباحات غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود زیارت نموده، موجب تشکر و امتنان فدوی خانه زاد و جمیع صاحب منصب و افراد قشونی از توجهات ملوکانه روحانفاده درباره قشون گردید. تفنگ مزبور به هیچ وجه عیبی به جز فقره کاوچو ندارد. پنج هزار عدد از بلغار در عوض کاوچو به طوری که از تفنگ یار محمد خان ایل خانی به ملاحظه نظر انور همایونی روحانفاده رسیده است، سپردم در قورخانه حاضر نمایند، همین که کاوچو عیب کرد فوراً آنچه از بلغار حاضر کرده اند و موجود است و در هوای ایران ابداً عیب نخواهد کرد استعمال نمایند. در تفنگ به جز این فقره عیبی نیست و این هم در حکم رفع است، خاطر مبارک شاهانه روحانفاده می توانند آسوده بشود. در فقره فشنگی که در قورخانه به جهت این تفنگ ساخته اند بسیار خوب و به همه جهت مقابله با فشنگ فرنگستان می نماید، چیزی که احتیاطاً ایراد گرفته شد پارچه نازکی است که به اطراف فشنگ باید پیچیده شود، می گویند از حریر باشد بهتر است، در ایران گویا از همان پارچه یافت شود، سپردم تفحص نموده حاضر کنند، در صورتی که یافت نشود با تلغراف از پاریس خواهم خواست و یک کرور از فشنگ شاسپو از همان پارچه حریر تا واسطه رمضان آتیه به هر که مقرر فرمایند تحویل داده می شود، از بابت این تفنگ و این فشنگ خاطر مبارک به هیچ وجه

مشوش نباشد. در فقره جهانگیر خان امر همایونی شرف صدور یافته بود که اگر خبری رسیده است عرضه دارم، شاید او اسلحه مفیدی بیاورد. قبل از زیارت دستخط مبارک جهان مطاع تلغرافی از جهانگیر خان رسیده بود، با استخراج او در ضمن عرایض دیروز به عرض آستان مبارک رسانیده‌ام. به هر چه امر قدر قدر شرف صدور یابد اطاعت خواهد نمود. در فقره راپورت غلام خانه زاد به جهت خرید اسلحه مرقوم شده بود کیفیت او را به جناب آقای مستوفی الممالک حالی نموده و تعهد عاجزانه خود را نوشته تقدیم خاکپای انور نماید تا مقدار اسلحه و قیمت و قسط تنخواه معین شده و اسلحه جدیدی که موجب اطمینان تواند شد امتیاع گردد. راپورت معروضه بر حسب امر قدر قدر شاهنشاهی روحانفداه به امین الملک داده شد، در نزد ایشان ضبط است. از جانب سنی الجوانب ملوکانه روحانفداه مقرر شود که عین راپورت را امین الملک نزد غلام خانه زاد بفرستند تا به جناب معزی الیه حالی نموده و آنچه مرقوم شده است عرضه داشته، تقدیم خاکپای انور اقدس اعلی نماید. این غلام خانه زاد مطیع میل مبارک است، به هر چه بفرمایند و امر همایونی شرف صدور یابد آسان یا مشکل فوراً قبول و اطاعت می نماید و به هر چه میل مبارک نباشد احتراز قوی خواهد داشت. از قرار اخبار تلغرافی روس ها مجدداً با یزید را گرفته و ساخلوی خودشان را مستخلص داشته، چهار عراده توپ هم گرفته اند و در سمت بلغارستان هم کار روس ها خیلی پیش می رود. رقعہ [ای] وزیر مختار روس به فدوی خانه زاد نوشته با سواد تلغرافی که به جهت او آمده است فرستاده بود ترجمه نموده با تلغراف رمز لندن و استخراج او لفاً تقدیم خاکپای مبارک می شود. خود غلام خانه زاد هم بعد از عرض عریضه از اردوی نظامی به شهر به جهت مجلس خواهد رفت. بروات قورخانه که امر شده بود بر وفق امر و فرموده ملوکانه نوشته مهر نکرده لفاً تقدیم شد تا به هر چه امر مبارک شرف صدور یابد معمول گردد. زیاده جسارت است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

[در پشت سند آمده]: در منزل لوله شد، به تاریخ یوم شنبه چهارم شهر رجب

المرجب، اودئیل سنه ۱۲۹۴ سیاه پلاس لار

تاریخ: ۳/ ذی‌قعدة/ ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۲۲-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، یک عدد پول از سگه قدیمه که تقدیم خاکپای مبارک می‌شود، در سبزواری در باغ یک نفر ملّائی پیدا شده است که هنگام شیار زمین باغ کوزه [ای] از این پول یافته، مراتب به عرض رسیده بود، آن کوزه را به آن شخص مرحمت فرموده بودند مشروط [براین] که یک عدد نمونه آن را بفرستد. اینک به توسط مباشرین پسته فرستاده است و مباشرین نزد این غلام آوردند. تقدیم خاکپای همایون داشت.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
 غلام خانه زاد حسین

تاریخ: ۳/ ذی‌قعدة/ ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۲۶-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، دستخط آفتاب شعاع جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده که در باب عین علی خان به افتخار این غلام جان‌نثار شرف‌صدور یافته بود زیارت و موجب غایة القصوای مفاخرت و سرافرازی و مباهات گردید. بدون هیچ‌گونه تملق و عرض مراسم چاکری جای آن دارد که جمیع اهل ایران جان و مال و عیال خود را تصدق خاک آستان ملوک پاسبان چنین ولی نعمت تاجدار که به این درجه غم‌خواری و پرستاری از رعیت و نوکر می‌فرمایند کرده، یک دقیقه از دعای وجود مسعود مبارک رثوف رعیت پرور ملوکانه روحانفاده غفلت نورزیده، شب و روز شکر این نعمت عظمی را بنمایند. اما در این فقره به طوری که امر قدر

قدر مطاع مبارک شرف صدور یافته، بدون یک ذره زیاده و نقیصه کاملاً و سریعاً اجرا داشته نتیجه را به عرض خاکپای مبارک خواهد رساند. لیکن با کمال ضراحت چاکرانه به این عرض عبیدانه جسارت می‌ورزد که اهل لرستان و کردستان و کرمانشاه و کلیه کرد زبان بر این عادت دارند که اگر یکی به دیگری یک چوب بزند می‌گویند او را کشت و اگر یک قران ادعا داشته باشند از یکصد تومان کمتر ادعا نمی‌نمایند. خود این غلام خانه‌زاد وقتی که به وزارت عدلیه سرافراز بود کاملاً حال آن‌ها را ملاحظه کرده است، هر وقت ادعای هزار تومانی را به دیوان‌خانه می‌آوردند، در آخر پس از تحقیقات و زحمات معلوم می‌شد دعوی پنج قران تا یک تومان بوده است. وانگهی در حق نواب حسام السلطنه که از سلیقه مبارکه همایونی کاملاً مستحضر و از رأفت خاطر آفتاب اثر خسروانه باخبر است این گمان مشکل است برود که پنجاه یا بیست هزار تومان از عین علی‌خان بگیرد و به هیچ وجه من الوجوه به عرض خاکپای مبارک نرساند و یا در ابتدا تفصیلی از برای مقدمه اقدام خود ننویسد و از این احتراز نکند که لا علاج این طور امور به عرض پیشگاه حضور مهر ظهور مبارک خواهد رسید. در هر حال این چاکر خاکسار بر حسب دستور العمل مطاع مبارک از فرستادن محصل مخصوص و تحقیقات و غیره که مقرر شده سریعاً و کاملاً اجرا و نتیجه را به خاکپای مبارک عرضه خواهد داشت. این مراتب محض استحضار خاطر خطیر مبارک از حالت کردها جسارت و عرض شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه‌زاد حسین

۲۰۰

شماره سند: ۱۲۷-۵۱

تاریخ: ذی‌قعدة / ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، دستخط مرحمت نمط انجم نقط مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فدا که در باب اردوی خوی به

سرافرازی و افتخار این غلام خانه‌زاد شرف‌صدور یافته بود زیارت نموده، مفتخر و سرافراز گردید. به طوری که امر قدر قدر مطاع ملوکانه شرف‌صدور یافته با وزیر مختار روس در باب مرخصی اردوی مزبور مذاکره کرده، مراتب را به عرض خاکپای مبارک خواهد رساند. تلگراف رمزی از ناظم‌الملک رسیده بود، استخراج آن با ترجمه تلگراف اخبار عمومی لفاً به عرض خاکپای مبارک خواهد رسید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه‌زاد حسین

۲۰۱

شماره سند: ۱۳۱-۵۱

تاریخ: ۳/ ذی‌قعدة / ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، امروز با آن که این غلام خانه‌زاد نقاقت داشت وزیر مختار فرانسه را حسب الاراده علیه حاضر و به قدر دو ساعت با او مذاکره کردم، از میامن توجهات خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده کل مذاکرات مطابق و مساعد بود، تفصیل آن را فردا انشاء الله اگر اثر توجه همایونی شفا عطا فرماید، در زمان شرفیابی شفاهاً به عرض خاکپای مبارک جسارت خواهد ورزید. برای سرعت وصول و ایصال وجوه خزانه نظام چهار طغرا دستخط به افتخار نوابان معتمدالدوله و حشمت‌الدوله و حسام‌السلطنه و حضرت اشرف والا شاهنشاه‌زاده ظل‌السلطان نوشته شده و لفاً از عرض حضور مرحمت ظهور مبارک همایونی می‌گذرد. با کمال ضراعت چاکرانه به عرض عبیدانه جسارت می‌ورزد که چون فردا اکثر چاپارها می‌روند، هر گاه رأی مرحمت پیرای مبارک اقتضا فرماید به مهر مهر آثار جیب مبارک مشرف خواهد شد و هر گاه در صدر هر یک از آنها نیز دستخط قضا سمت مرحمت آیت مبارک شرف‌صدور یابد، موجب سرعت وصول و تسهیل در ایصال وجوه و

افتخار این خان‌زاد خواهد شد، تا رای قضا امضای مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفدا چه اقتضا فرماید.

الامر اقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

۲۰۲

شماره سند: ۱۳۳-۵۱

تاریخ: ۳/ ذی قعدة / ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به شرف زیارت دستخط مرحمت آیت مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه که به افتخار این غلام جان‌نثار عزاصدار پذیرفته بود مشرف و سرافراز و مفتخر گردیده، به طوری که امر قدر قدر جهان مطاع مبارک شرف صدور یافته، فردا اسمعیل خان تفنگدار را با ملفوفه فرمان قضا جریان همایون روانه می‌نماید که تتمه طلب فوج خاصه را از صاحب دیوان حتماً گرفته در آنجا به فوج برساند و یک هزار و هفتصد و چهل تومان را که از خزانه نظام داده شده به طهران بیاورد. در باب سرقت اموال چاپار پست دولت علیه و چاپار روس به نوعی که اراده مطاع مبارک اقتضا فرموده است، علاوه بر تأکیداتی که دیروز شده است، حسب الامر الاقدس الاعلی تأکیدات کامله به حضرت اشرف ارفع والا ولیعهد و صاحب دیوان کردم، ولی از قراری که معلوم شد چاپارها از طهران و تبریز به طرف سرحد می‌رفته‌اند، در جلفا یعنی نزدیک جلفا گرفتار شده‌اند و همراه چاپار روس پنجهزار منات اسکناس بوده با نوشتجات او برده‌اند و همراه چاپار ایران هر چه پول بوده برده و نوشتجات او را دست نزنده‌اند. سواد تلگراف رئیس اداره پستخانه تبریز که به رئیس اداره طهران نوشته است با ترجمه لفاً در عرض خاکپای مرحمت اقتضای مبارک ملوکانه روحانفداه می‌گذرد، مکشوف خاطر الهام اثر مبارک خواهد شد که چه برده‌اند. در باب اردوی خوی این چاکر خان‌زاد تأخیر در اجرای اوامر مطاعه را کفر محض می‌داند، لکن وزیر مختار روس را دو

مرتب به خواسته ام که در این فقره مذاکره نمایم، به واسطه آن که زن وزیر مختار ناخوش است عذر خواست، دیروز شنبه قرارداد، انشاء الله روز شنبه که حاضر می شود آن طوری که سزاوار اطاعت او امر قضا مظاهر مبارک است مذاکره کرده صورت مذاکرات را به عرض خاکپای مبارک خواهد رساند. تلگراف رمزی از ناظم الملک رسید ترجمه کرده اینک استخراج آن به عرض خاکپای مبارک مشرف خواهد شد. تلگراف صاحب دیوان و مؤید الملک در جواب تلگراف های دیروزی این غلام خانه زاد رسید، اینک با تلگراف نواب جهانسوز میرزا امیر تومان لفاً از عرض خاکپای جهان آرای مبارک ملوکانه خواهد گذشت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۰۳

شماره سند: ۱۳۴-۵۱

تاریخ: ۳/ ذی قعدة / ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به شرف زیارت دستخط آفتاب شعاع جهان مطاع مبارک اقدس همایون اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه ظل الله اسلام پناه روحنا و روح العالمین فداه که در جواب عریضة عاجزانه مفصله به افتخار این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود، مشرف و مفتخر و سرافراز و مباهی گردید و متحیر است به چه زبان از عهده عرض تشکر عبیدانه در خاکپای مرحمت اقتضای مبارک ملوکانه روحانفاده برآید و چگونه به مقام شکرانه این موهبت عظمی بیاید که عرایض چاکرانه این خانه زاد فدوی در حضرت سپهر بسطت همایونی مصدق و خدمت عاجزانه ناقابل این ذره بی مقدار در خاکپای مبارک مقبول افتاده و مشمول این نوع مرحمت گردیده ام. اگر هر دقیقه و هر آن جان ناقابل خود را در ازای یک ذره از این مراحم ملوکانه تصدق نماید، باز در عرض تشکر عجز و قصور دارد مگر آن که عنایت خسروانه امداد و دستگیری فرماید. این غلام جان نثار به طوری که فرمایش همایونی عز صدور یافته است، به هیچ وجه از تکلیف و خدمتگزاری خود غفلت ندارد و هر خدمتی از صعب و سهل رجوع شود متعهد اجرای آن

هستم، اما این چاکران بشخصه مصدر خدمتی نمی توانیم بود، مرحمت و توجه ملوکانه همه کار را انجام می دهد. هرگاه به آن طور که در سر سواری به عرض عبیدانه جسارت ورزیدم عنایت و توجه و تقویت نشود تعهد هیچ خدمتی را نمی توان کرد، ولی با توجه و مرحمت ملوکانه متعهد اجرای همه طور و همه نوع خدمت و جان نثاری هستم و خواهم بود.

در باب قورخانه هم خیال عبیدانه این غلام این است که پس از تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب همایونی جهانگیرخان در عمل قورخانه مستقل و مشغول انتظام امر آن جا گردد، زیرا که جهانگیرخان با سر رشته و ربط از قورخانه بود، حالا در فرنگستان کارخانجات و قورخانه های آن جا را دیده تحصیل اطلاعات نموده تکمیل شده است، از عهده نظم قورخانه خوب می آید.

امروز صبح را بر حسب اقتضای تکلیف چاکری به میدان مشق رفته، از آن جا به دربخانه مبارکه در بالاخانه دربار اعظم آمده، با اجزای مجلس اصلاحات نظامی که حاضر شده اند مشغول مذاکره می باشیم. محض اطلاع خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارک ملوکانه روحانفاده جسارت به عرض عبیدانه ورزید. یک صورت دیگر از مذاکرات مجلس اصلاحات نظامی حاضر شده بود لفاً برای عرض خاکپای مبارک تقدیم شد و همه روز یکشنبه و چهارشنبه که هفته [ای] دو روز باشد مستمراً مجلس مزبور منعقد خواهد شد و صورت مجالس به عرض خاکپای مبارک خواهد رسید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۰۴

شماره سند: ۱۳۵-۵۱

تاریخ: ۳/ ذی قعدة / ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به موجب عریضه عبیدانه سابق و بر طبق اجازه همایونی دیشب که شب جمعه بود بر حسب دعوت وزیر مختار

روس یک ساعت از شب گذشته به زرگنده رفت. مجلس غیر رسمی و مبنای ضیافت به جهت معارفه فدوی خانه زاد با قدم زیناویف بود. از ایرانی به جز فدوی همان معتمد الملک بود و از خودهاشان جنرال فرانکلین و دو نفر از اتباع سفارت بودند بعد از صرف غذا که بنای صحبت از امور شد، اولاً از ملاقات امپراطور آلمان و امپراطور اتریش خیلی مشعوف بودند و نتیجه این ملاقات را مساعد برای کارهای خودشان می دانستند و همچنین از نطق آخری که وزرای انگلیس در پارلمنت نموده بی طرفی و عدم مداخله دولت مشارالیه را تا آخر محاربه تصریح و تحکیم نموده اند، راضی و ممنون بودند و می گفتند: در صورتی که دولت انگلیس و اتریش بی مداخله و ساکت بمانند، شبهه در غلبه ما و اتمام مسئله مشرق باقی نخواهد بود و متحیر بودند که پرنس قارچکوف شرایط و نتایج مصالحه را چه قرار خواهد داد. جنرال فرانکلین می گفت: راست است امپراطور روس در اول مصالحه اعلان نموده که در این جنگ به هیچ وجه خیال وسعت خاک به جهت خود ندارد و منظورش منحصر به اصلاح حال عیسویان خاک عثمانی است، لکن حالا بعد از این همه مخارج و خسارات که به او وارد شده قطعاً خیالات و شرایط تغییر خواهد کرد و البته علاوه بر اصلاح حال عیسویان چیزی که مقابله با خسارت و مخارج روس تواند نمود باید حاصل نماید و در این زمینه آراء مختلف بعضی گفتند از قطعات روملی به جهت خود ضبط خواهد نمود. جنرال فرانکلین می گفت که قطعات روملی وصلت به خاک روس ندارد و رومانی حد فاصل است، از برای قطعات روملی یک قانون انتخاب نموده و رئیس معین خواهند نمود، آن رئیس و آن قانون را در تحت ریاست جمیع فرنگستان خواهند گذارد. مسیو زیناویف می گفت این کار را خواهند کرد و لکن این عمل کفایت خسارت روس را نخواهد نمود. شهر اسلامبول را هم محال است فرنگستان بگذارد که در تصرف دائمی روس باقی بماند و لکن روس اختیار عبور از بوغاز را سعی خواهد نمود که به جهت خود نگاه بدارد و متفقاً بر این شدند که اگر دولت روس فتح فوق العاده نمایان بکند یا فتح وسطی نماید یا در حالت حالیه مصالحه منعقد شود دیگر بقای قدرت عثمانی در روملی از جمله ممتنع است. جنرال مشارالیه و مسیو زیناویف هر دو معترف به تفوق اسلحه و ادوات حربیه عثمانی بر اسلحه و ادوات حربیه روس بودند و می گفتند: سلطان عبدالعزیز اگر پاره [ای] سفاهت ها داشت لکن در فقرة قوه بحریه و اسلحه و ادوات حربیه حق بزرگی به گردن دولت عثمانی دارد که همه آنها را او ابتیاع نمود و حاضر کرد و

حسین عونی پاشا هم قاعده ردیف نمره اول و دوم و سوم و مستحفظ را گذاشت که امروز زیست و بقای دولت عثمانی تا به حال از برکت آن اسلحه و آلات ناریه و آن قاعده و قانون است. در بین صحبت در همان موقع مسیوزیناویف و فرانکلین اظهار کمال ممنونیت امپراطور و ملت روس را از سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده می کردند و می گفتند: دولت و ملت روس تلافی این موافقت های همایونی و دوستی هائی که ابراز فرموده اند، هر وقت باشد خواهند کرد و از راپورت های کارپرداز ارزنة الروم خیلی اظهار امتنان می کردند که اطلاعات دولت روس از اردوی آناتولی عثمانی انحصار به آن راپورت ها دارد و فرانکلین می گفت که اگر ما یک نفر صاحب منصب آتامازور [را] مأمور اردوی عثمانی نموده بودیم و مأذون به دخول هر یک از انبارهای آن ها می شد. به این خوبی و درستی ما را نمی توانست مستحضر سازد. در ساعت چهار غلام خانه زاد معاودت به شهر نمود. زیاده جسارت به عرض رفت. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع غلام خانه زاد حسین

۲۰۵

شماره سند: ۱۳۸-۵۱

تاریخ: ۳ ذی قعدة ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: —

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم، دستخط جهان مطاع همایون که به افتخار و اعتبار این غلام جان نثار شرف صدور یافت در بین راه زیارت نمود. رأی جهان آرای همایون به هر چه اقتضا فرماید بر این غلام خاکسار اطاعت آن واجب است، بخصوص این فقره که اسباب آسودگی و رفع بدنامی کل حکام مخصوصاً این غلام است، بر ضمیر منیر الهام پذیر^{۴۹} همایون آنچه منعکس گردد الهی و الهامی است، از این فقره کمال تشکر را حاصل نمود. برای آسودگی خاطر مبارک و انتظام کل راهها از این بهتر نمی شود که نظم راهها و انتظام قراسوران کل راهها فقط به عهده جناب سپهسالار اعظم باشد و مسئولیت این کار با ایشان باشد. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۴۹. اصل: پزیر

۲۰۶

تاریخ: ۳/ ذی قعدة / ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۴۲-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، الان که صبح سه شنبه بیست و دوم است تلغرافی از ارض اقدس از مصطفی قلیخان رسید که از اقبال بی زوال اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحانفاده متضمن مژده فتح و ظفر است، به شرحی که در تلغراف نوشته است ساروق را تنبیه کامل نموده و صد و پانزده اسیر و سر و گوسفند و سیاه مال فراوان به دست قشون دولت آمده است. تلغراف عیناً از شرف لحاظ مبارک خواهد گذشت. امیدوار است که این غلام همیشه اخبار فتح و نصرت و شکوه دولت را به عرض برساند. محض استحضار خاطر همایون جسارت نمود.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
 غلام خانه زاد حسین

۲۰۷

تاریخ: ۳/ ذی قعدة / ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۴۲-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، این شخصی را که به دزدی متهم کرده اند سید است و خودش اعتراف ندارد و درست مشخص نشده است، امر به قتل او فرموده اند. اگر امنیت و محافظت راهها را به این غلام رجوع فرموده اند این قدرها از قتل او عفو شود، در انبار نگاه بدارند تا معلوم شود که سید است بدون تقصیر به قتل نرسد. استدعا دارم قبول فرمایید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع
 غلام خانه زاد حسین

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم، در فقره قراسوران و امنیت طرق و شوارع دستخط مطاع همایون زیارت شد. همین طور که رأی جهان آرای همایونی اقتضا فرموده است عین صلاح است. سابقاً هم همینطور بود. چاکر جان نثار در این فقره عرضی نکرده بود و هر وقت امری اتفاق می افتاد ورقنامه تلگرافی می رسید و دستخط مبارک در آن مرقوم می رفت، به جناب سپهسالار اعظم می داد. نمی دانم چه قسم شد که به طور اکمل مراقبت در آن فقره نکردند؟ مقصود امنیت طرق و شوارع است. البته ایشان مراقبت نمایند بهتر است، به همان دلیل که مرقوم فرموده بودند همه جا قراسوران از سوار دیوانی است و باید ایشان اهتمام در این باب نمایند. زیاده عرض و جسارتی ندارد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم، حسن شیرازی شاهسون را بر حسب امر قدر قدر جهان مطاع همایون به علاء الدوله سپرده در انبار مبارک که محبوس گردید. قبض او در جوف عریضه عاجزانه از لحاظ انور اقدس همایون خواهد گذشت. محض دقت همانروز که از خاکپای مبارک مرخص شد و به شهر آمد، خود حسن را نزد جناب سپهسالار اعظم فرستاد، موافق همان صورتی که به نظر مبارک رسید و مقرر فرمودند به سپهسالار داد، شفاهاً در نزد ایشان اقرار و بیان نمود و در حاشیه همان ورقه به خط خود شرحی نوشت. فتحعلی خان و چند نفری که نظامی و نوکر بودند [حضور داشتند] جناب

سپهسالار اعظم حکمی نوشت به محصلی میر رفیع آردل که او به اتفاق آدم این غلام برود. این غلام هم خود میرزا محمود خان نایب اول را که قسط مالیات را آورده بود و پاره‌ای مطالب داشت به اتفاق گماشته ایشان دیروز گذشته روانه نمود که سایرین را او و فتحعلی خان و چند نفر بسته او را آدم سپهسالار به طهران حاضر نمائید، دیروز گذشته هر دو روانه شده رفتند. محض اطلاع خاطر خطیر همایون جسارت ورزید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۲۱۰

شماره سند: ۵۱-۱۵۰

تاریخ: ذی قعدة ۱۲۹۲

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: —

قربان خاکپای مبارکت شوم، عریضه حاجی علی اکبر امین معاون به خاکپای مبارک عرض کرده است از شرف لحاظ انور ملوکانه روحنافداه خواهد گذشت. این مرد الان مشغول خدمت دیوان همایون است و متصل اوقات مشغول به تهیه سرب و گوگرد قورخانه مبارک می باشد و جناب جلالت‌آب سپهسالار اعظم از بابت سربی که از مشارالیه برای قورخانه مبارک ابتیاع می کند کمال رضایت از او دارد و طوری است که منافع و صرفه برای دیوان همایون دارد. حالت او همان طوری است که عرض کرده است، پریشان است. از این مرحمت‌ها درباره بسیار اشخاص شده است، هرگاه درباره مشارالیه هم بذل عنایتی شود و مقرر فرمایند دو سال به او ارباب طلب مدارا نمایند، خیلی به جا و سزاوار است. حیف است خانواده معتبر که پشت در پشت از رعایای معتبر دولت جاوید آیت بوده‌اند برچیده شود. حاجی علی اکبر آدمی نیست حق کسی را نگاه دارد. این استدعا را هم محض ادای حقوق مردم از خاکپای مبارک نموده است. امر امر همایون جهان مطاع روحنافداه است.

تاریخ: ۳/ ذی قعدة/ ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۵۱-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، الان را که بر حسب امر مقدس ملوکانه با نواب اعتضاد السلطنه و مخبر الدوله و آجودان مخصوص مشغول مذاکره مسئله معدن هستیم، مخبر الدوله مذکور داشت که خبر تلگرافی رسید که دولت یونان به دولت عثمانی اعلان جنگ نموده است، چون فوری و استحضار خاطر مرحمت اثر مبارک لازم بود به عرض عریضه عاجزانه جسارت ورزید که خاطر قرین الشرف اقدس شاهنشاهی روحانفاده از این خبر قرین اطلاع و آگاهی باشد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
 غلام خانم زاد حسین

تاریخ: ۳/ ذی قعدة/ ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۵۵-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، مبارک دستخط همایون زیارت و تاج تارک افتخار گردید و نوشتجاتی که تقدیم شده بود رسید و احکام مقرر زیارت شد. در مسئله تنخواه استرآباد روز هجدهم محرم الحرام مبلغ شش هزار و شش صد تومان به صحابت مأمور مخصوص فرستاده است. خبر وصول تنخواه به زودی از استرآباد به عرض خواهد رسید. ملزومات فوج سمنان و عرب و عجم را چند روز است از ملبوس و چادر و غیره تهیه شده یاور آن‌ها را این چند روزه خواهد برد، مواجب نو و کهنه آن‌ها را هم بعد از آن که صورت حساب‌ها فردا از شرف عرض گذشت قرار لازمه در ایصال آن می شود و از این جهات نقصی باقی نخواهد ماند و در موقع با سواره جمعی امین السلطان خواهد رفت.

در باب افغانستان و سؤال و جواب با وزیر مختار انگلیس مدتی است نوشته رسمی به سفارت نگاشته شده و آن‌ها هم ترجمه کرده با چاپار به لندن فرستاده‌اند، صورت همان نوشته را هم خان‌زاد نزد ناظم‌الملک فرستاده چون چاپار آن طرف حالا از راه ارض روم و معمولی نمی‌رود و از طرف دیار بکر و سامسون می‌رود، قدری نوشتجات دیر می‌رسد، گویا این روزها به لندن رسیده باشد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خان‌زاد حسین

۲۱۳

شماره سند: ۱۵۶-۵۱

تاریخ: ۳/ ذی قعدة / ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، زیارت دستخط مرحمت آیت جهان مطاع مبارک جان تازه به غلام خان‌زاد بخشید و سجدهات در تشکر مراحم مبذوله را به اندازه خان‌زادی تقدیم داشت. خداوند جان ناقابل چاکران را تصدق وجود مبارک نماید. حالت این غلام همان است که در پیشگاه حضور مرحمت ظهور معروض افتاده از دیشب تا کنون این غلام و معتمد‌الملک و نصر‌الملک و وجیه‌الله میرزا همین طور نشسته و گرفتار بودیم، لیکن خداوند شاهد است با این که عارضه قمر السلطنه مؤثر است و حالت خود غلام هم کسل است، اما این مراتب اثر آن را ندارد که آنی انجام اوامر علیه در موقع تأخیر ماند، همان قدر عرض می‌نماید در زیر سایه همایون تا جان دارد و نفس می‌کشد هرگز نمی‌تواند دقیقه [ای] تأخیر روا دارد. الان با وزیر لشکر نشسته و حاجی میرزا علی‌نقی را هم حاضر نموده مشغول اتمام و انجام اوامر علیه است و انشاء الله تعالی فردا حساب‌ها از شرف عرض خواهد گذشت. قمر السلطنه حالا ساکت است و جعی که بود تخفیف دارد، مسئله اطباء ایرانی و فرنگی را هم حکیم‌الممالک حاضر بود مراتب القا شد. شفاهاً به خاک پای اقدس اعلی روح‌فداه معروض خواهد داشت.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خان‌زاد حسین

۲۰۳

هو

جان کمتر این غلام خانه زاد تصدق خاکپای مبارک اعلیحضرت قدر قدرت
ظل اللهی روحی و روح العالمین فداء باد

حسب الامر، پریشب را منزل جناب مشیرالدوله رفته امین السلطان هم آمد، مجلس که خلوت شد از او سنوال حساب کردند، در جواب گفت: من حسابی نتوانستم بنویسم و نمی دانم چه بنویسم و من چیزی نمی فهمم. قرار شد که دیروز در آبدارخانه مبارک که خانه زاد برود معلوم کند، چاکر دید بی...^{۵۰} برود همه حرفها و حسابها را به میان بیاورد، ماخذ وجوه خیلی کلی است، صلاح ندید به طفره گذرانید. لیکن دیشب را امین السلطان با حضور جناب مشیرالدوله و خانه زاد گفتگو کردیم که شما چه حساب می گوئید و چه طور می خواهید ماخذ حساب را درست کنید، از جمله فقرات سی و پنج هزار تومان قیمت آرد وزیر امور خارجه است که وجه نقد را به اسم اینکه مال قبله عالم است انقد وجوه بود برداشتید به همین ملاحظه این وجه را از بابت تفاوت و سایر مخارج نگذاشته دست بزنند، بعد از اینکه حساب دیوانی را جناب مشیرالدوله رسید در حساب و صدور برات اضافه آورد عوض زیاده محل گرفت. در حضور جناب مشیرالدوله اقرار کرد که این پول به مصرف تفاوت و مخارج خبازخانه نرسیده باید از محاسبات شخصی خودم خارج کرده بدهم. حرف به این جا که رسید خانه زاد به ملاحظه اینکه اگر فقرات همه را به میان بیاریم ماخذ کلی است موجب وحشت مشارالیه و مزاحمت وجود مقدس می شود باقی را مسکوت عنه گذاشتیم که بعد از ادای اینوجه به فاصله چند روز مجلس دیگر گفتگو و مدلل بداریم، زیرا که در یک مجلس موجب اضطراب و اضطرار می شد و دور نبود باعث توهین نوکر محترم می شود و مال دیوان پامال گردد. صلاح را خانه زاد در این دانست که باقی وجوهی را که به مصرف نرسیده است بعد از تقدیم داشتن این سی و پنج هزار تومان گفتگو کنیم.

اعاده مطلب همه وقت ممکن است. حساب را هم خانه زاد قطع و فصل نمی کند تا باز به نظر مبارک برسد. همین قدر به جرئت عرض می کنم که در آن ماخذ معروضه هیچ اختلاف نیست، هر وقت مقرر باشد که فقره به فقره مدلل و عاید دیوان اعلی خواهد شد.

امر امر قدر قدر جهان مطاع روحی و روح العالمین فداه است.

[در حاشیه یادداشت شده است] دستخط جهان مطاع که به افتخار چاکر آستان

صادر شده بود شب چهارشنبه چهار ساعت از شب گذشته به زیارت آن مفتخر شدم...^{۵۱}

۲۱۵

شماره سند: ۱۴۲-۳۶

تاریخ: ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

[دستخط ناصرالدین شاه در صفحه قبل که اشاره به این سند است]: عرایض و غیره

شهر ذی قعدة لوله شد. طهران - سچقان نیل

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به زیارت دستخط جهان مطاع آفتاب شعاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده که در باب فشنگ های ابتیاعی و جواب ناصرالملک مشعر به عدم وصول آن ها شرف صدور یافته بود مشرف و مفتخر و مباهی گردید. در این که میرزا احمد فشنگ ها را با خود تا بادکوبه آورده و برای آن که اگر هوا منقلب شود کشتی بزرگ لابد به رفتن استرآباد و مراجعت از آن جا و طول زمان نشود، کمپانی بحریه فشنگ ها را به دو کشتی دیگر نقل کرده که در صورت انقلاب هوا هم بتوانند داخل مرداب گردند. شکی نیست دیشب هم از ناصرالملک به این غلام خانه زاد تلگراف رسید که فشنگ وارد نشده، ولی آدم فرستادم به انزلی رفته تحقیق نموده خبر بیاورد. دور نیست که فشنگ به انزلی وارد شده به رشت هنوز خبر نرسیده بود و اگر احياناً تا آن وقت نرسیده بود تا حال رسیده است. با این حالت یک نفر یاور توپخانه فرستادم که مستعجلاً به رشت رفته مراقب شود که ناصرالملک به زودی فشنگ ها را روانه

۵۱. یک کلمه نامفهوم

دارد. محض اطلاع خاطر خطیر مرحمت تأثیر مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفداه
جسارت ورزید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۱۶

شماره سند: ۱۲۹-۵۱

تاریخ: ذی حجه ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایون شوم، بر حسب اقتضای مراسم
چاکری و فدویت و خانه زادی و عبودیت به اجرا و انجام خدمات و جان نثاری اشتغال دارد
و از میامن توجهات خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارک اقدس همایون ظل اللهی روحانفداه
همه امور منظم و تابع سلیقه مبارکه است. در باب مواجب دو ساله تنگوز نیل و سیچقان نیل
فوج اول خاصه که در عریضه سابقه به عرض عبیدانه جسارت ورزیده بود که یک هزار تومان
به فوج مزبور در این جامی دهد و مابقی را قرار می دهد در تبریز از صاحب دیوان دریافت
دارند. چون طلب دو ساله فوج سه هزار و دو بیست و چهل تومان و کسری بود با یک هزار
تومان مقدور نبود فوج روانه شود، لابتاً یک هزار و هفتصد و چهل تومان در این جا به فوج
داده قرار دادم باقی طلب خودشان را در تبریز بگیرند. گفتند شما با اقتدار دولتی با آن که
دو سال در سر خدمت بودیم و تظلم می کردیم مقدور نشد حق ما را از صاحب دیوان
بگیرید، ما چگونه در تبریز می توانیم پول بگیریم. این غلام خانه زاد برای اسکات فوج و
به جهت این که فی الواقع پول وصول شود ملفوفه فرمانی نوشته برای عرض حضور
مهر ظهور مبارک تقدیم داشت که هر گاه رأی آفتاب ضیای مبارک اقتضا فرماید به شرف
صحنه مبارک مشرف گردد، اسمعیل خان تفنگدار ببرد به تبریز سه هزار و دو بیست و چهل
تومان و کسری حقوق دو ساله فوج را بگیرد، باقی طلب فوج را در آن جا داده طومار بگیرد

۲۰۶

و یکهزار و هفتصد و چهل تومان و کسری را هم که خزانه نظام در این جا به فوج داده همراه خود آورده به خزانه نظام تسلیم نماید تا رأی مرحمت پیرای مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفاده چه اقتضاء فرماید. پاکتی از امین الملک از منزل قروه رسید که ورود خودش را به قزوین نوشته و عریضه تعهد نواب عضدالدوله را در باب راه و پست لفاً فرستاده است، برای عرض خاکپای مبارک تقدیم داشت. نوشتجات حاجی میرزا محمدرضای مستشارالملک هم از خراسان رسیده بود، از عرض خاکپای جواهرآسای مبارک خسروانه می گذرد. در خاکپای مرحمت اقتضای مبارک مکشوف است که اگر این غلام خانه زاد لابد نمی شدم یکهزار و هفتصد و چهل تومان را در این موقع دست تنگی نقد نمی دادم، بعد از افراد جمع و خرج خزانه نظام که پریروز به عرض خاکپای مبارک رسید علاوه بر یکهزار و پانصد تومان که سابق به مهاجر داده شده بود پنج هزار تومان به مهاجر و پنج هزار تومان به توپچی داده ام و این یکهزار و هفتصد و چهل تومان را بازحمت و مشقت حاجی میرزا علی نقی راه انداخت و لابداً به فوج خاصه دادم، الآن که به عرض عریضه عبیدانه جسارت می ورزید، عرب صاحب مترجم سفارت روس نزد این غلام خانه زاد آمده اظهار نمود که چاپار روس را که با چاپار پست ایران می آمده و هشت هزار تومان پول و نوشتجات همراه چاپار روس بوده مابین جلفا و تبریز برهنه کرده پول و نوشتجات آن ها را برده اند. این خانه زاد فدوی فوراً به صاحب دیوان و علی خان کارگذار خارجه تبریز و مؤیدالملک تلگراف و تأکید کردم که در گرفتاری سارقین و تحصیل اموال اهتمام نمایند. وجیه الله میرزا الان وارد شد انشاء الله فردا قرار کارهای سوار را داده بعد از آن به خاکپای مبارک مشرف می شود. خبر تازه از جایی نرسیده است، به محض رسیدن برای عرض خاکپای مبارک تقدیم خواهد کرد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

تاریخ: ۲۵ / ذیحجه / ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۰۰-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

تلگراف خانه عمارت مبارکه همایونی

از دارالخلافه
 نمره ندارد

به عرض آستان همایون شاهنشاهی جمجاه ظل الله روحنا فدا می‌رساند
 که این عریضه تلگرافی را از تلگرافخانه به عرض خاکپای انور می‌رساند. بعد از
 مخابره تلگرافی با رکن الدوله و موتمن الملک و مشار و میر پنجه معلوم شد که مدلول
 روزنامه که امروز تقدیم حضور مبارک نمودم اخبار غیر صحیحیه بوده است و هنوز مخابره
 با حضرات تمام نشده عین صورت مخابره را بعد از مراجعت به منزل فوراً به عرض خواهم
 رسانید. غلام خانه زاد حسین (مهر تلگرافخانه عمارت مبارکه)

تاریخ: ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۴
 شماره سند: ۱۰۲-۵۱
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونی شوم، به زیارت دستخط آفتاب نقط
 مبارک افتخار حاصل نموده از فرمایشات جهان مطاع قرین عز استحضار آمد. در باب
 صورت حساب منافع ضرابخانه، حسب الامر فردا از مباشرین آن می‌خواهد و به لحاظ انور
 همایون می‌رساند. در باب حساب قورخانه به وزیر لشکر اخبار نمود که فردا حاضر نموده
 بیاورد که به عرض خاکپای مبارک برسد. در باب حساب امساله تذکره ولایات مقرر شده
 بود، سایر ولایات سوای آذربایجان که مطلقاً وجه تذکره ندارد منحصر به آذربایجان است
 و در هذه السنه تاکنون به قدر پنجهزار تومان رسیده و هر روز آه و ناله می‌نویسند که به جهت
 اغتشاش و دعوی و غیره وجه تذکره به عمل نمی‌آید. صورت جمع و خرج آن را از روی

تحقیق نوشته به لحاظ انور همایون می‌رساند. با اسناد خرج آن در باب رفتن زوآر به عتبات عالیات که مقرر فرموده بودند بدون اذن به زیارت می‌روند، بر رأی آفتاب ضیاء واضح است که ابلاغ امر اقدس همایون به عموم مردم شده است و به احدی هم بدون اذن و اجازه همایونی سند مرخصی داده نمی‌شود، ولیکن رفتن از هر ولایت راه منع آن مسدود است. به جهت آن که هر روز از هر ولایت به هر ولایت هزار نفر و دو هزار نفر اقل می‌روند و معلوم نیست که هر کس به کجا می‌رود. ضبط و نسق این کار باید در سرحد بشود که هر کس از هر طرف همین که بخواهد از سرحد عبور نماید و بگذرد مانع شوند، بلکه مؤاخذه نمایند و مکرر تأکید شده است. حال هم حسب الامر تلگراف سخت به حسام السلطنه و سایر حکام سرحدیه می‌نماید که یک نفر را بدون حکم همایون اجازه عبور ندهند و در سرحد مانع شده مراجعت بدهند و با تلگراف التزام دریافت می‌نماید و به لحاظ انور همایون می‌رساند. در باب نفری دو هزار [دینار] که در زهاب از زوآر می‌گیرند از حسام السلطنه بعد از تحقیق آنچه لازمه مجازات این کار است به عمل خواهد آورد. تلگراف مؤکد هم به حاجی محسن خان فردا می‌نماید و انشاء الله بر طبق امر قدر قدر سندی که لازم است تحصیل می‌نماید که خاطر مهر مظاهر همایون را از این راه نگرانی نباشد. زیاده جسارت نرفت.

امره الاقدس الاعلی مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۱۹

شماره سند: ۱۰۹-۵۱

تاریخ: ۲۸ / ذیحجه / ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان مشیرالدوله

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، وجیه الله میرزا آمده او امر قضا مظاهر جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاه ظل الله و حنافته را ابلاغ نموده و این غلام خانه زاد را به اصفای آن مفاخرت و سرافرازی و افتخار حاصل کرده. اگر چه

فرمایشات مطاعه مبارکه از روی حکمت است ولی چون این غلام خانه‌زاد در عالم چاکری بر ذمه فدویت خود فرض می‌داند که نگذارد زحمت امور جزئی که قابل عرض خاکپای مبارک هم نیست به خاطر دریا مقاطر مبارک برسد، از این جهت با نهایت ضراعت چاکرانه جسارت می‌ورزد که این امور جزئی به هیچ وجه من‌الوجه در خاکپای مرحمت اقتضای مبارک ملوکانه روح‌افداه بزرگ جلوه نکند و در حضرت سپهر بسطت همایونی عمده جلوه ندهند، با کمال عجز و انکسار استدعای عاجزانه می‌نماید که پنج روز ذکر این امر جزئی و اسم دویرن و محبوسین در حضور مهر ظهور مبارک و از جانب سنی الجوانب اقدس همایون ملوکانه به هیچ وجه نشود و وقتی به ذکر این فقرات اصلاً گذاشته نشود. چاکر جان‌نثار رفتن سوار را در کمال نظم و درستی و وصول آنها به ایوان کیف [را] با تلغراف به عرض خاکپای جواهر آسای مبارک خواهد رساند و تفصیل این فقره را شفاهاً به عرض خاکپای مبارک خواهد رساند خاطر خطیر افتاب تأثیر مبارک ظل‌اللهی در این چند روز به این فقره جزئی مشغول نباشد. این فدوی از روی کمال اطمینان این فقره را جسارت به عرض ورزید تا رأی مرحمت پیرای مبارک چه اقتضا فرماید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه‌زاد حسین

۲۲۰

شماره سند: ۵۸-۵۱

تاریخ: ذیحجه ۱۲۹۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روح‌افداه موجب مزید مفاخرت و مباهات غلام خانه‌زاد گردید. بر حسب امر قدر قدر ملوکانه از فردا می‌دهم به جهت یکصد و بیست نفر موزیکانچی‌های مخصوص لباس تازه به اندام و قواره خودشان قبا ماهوت گلی و شلوار ماهوت مشکی بدوزند و انشاء الله به جهت محرم حاضر و آماده خواهد شد. آتش بازی و چراغان به جهت

۲۱۰

عید قربان و غدیر هر دو از توجه همایونی حاضر و آماده است، انشاء الله از لحاظ مبارک خواهد گذشت. خدا کند مقبول طبع مبارک شاهنشاهی روحانفداه گردد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۲۲۱

شماره سند: ۵۱-۶۰

تاریخ: ۹ محرم ۱۲۹۵

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده:—

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم، الان از خانه جناب سپهسالار اعظم مراجعت نمود. از جانب سنی الجوانب ملوکانه احوال پرسی نمود بسیار اظهار تشکر و امتنان از مراحم ملوکانه نمودند. احوالشان خوب است. روز شنبه شرفیاب می شوند. در باب فرمایشات مرجوعه برای سفر فرنگستان مذاکره زیاد به میان آمد. یک دو فقره مذکور شد که می بایست به عرض حضور مبارک شاهانه برسد و جواب و حکم آن را مقرر فرمایند، انشاء الله صبح به خاکپای همایون معروض می دارم. هر طور امر و مقرر شود از آن قرار رفتار و اطاعت می شود.

۲۲۲

شماره سند: ۵۱-۶۲

تاریخ: ۹ محرم / ۱۲۹۵

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، دستخط آفتاب نقط مرحمت نمط مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه که در باب عرض چهار نفر اردستانی به افتخار این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود، مصحوب ناظم خلوت زیارت و کسب مفاخرت و سرافرازی و مباهات نمود. اردستانی ها را با مصطفی قلی خان سرتیب مواجهه نمود، سه نفر آن ها اشخاصی هستند که قاتل چاپار کرمان در خانه آن ها بوده [و]

۲۱۱

فرار کرده و پول چاپار هم از باغ آن‌ها بیرون آمده و این‌ها را هم به اتفاق جعفر که قاتل بود و به سزای خود رسید، مغلولاً به طهران آوردند، اراده همایونی چنان بود که همه به کیفر حرکات خود به قتل برسند، چون این سه نفر قاتل نبوده و جعفر قاتل بود محض سلامتی وجود مسعود مبارک ظل‌اللهی روحانفاده این غلام خان‌زاد این سه نفر را فی‌الحقیقه از قتل...^{۵۲} برای مکافات تقصیری که کرده بودند حبس نمود، بعد از آن التزام گرفته‌ها کرد. در هر حال در مواجهه با مصطفی قلی‌خان و گفتگوئی که کردند با حضور ناظم خلوت چیزی معلوم نشد. یک نفر آن‌ها که دخلی به این مقصرین نداشت و جزع می‌کرد چاکر جان‌نثار برای دعای ذات کامل الصفات همایونی روحانفاده پنجاه تومان از خود دادم و شرحی هم به حضرت والا ظل‌السلطان دام‌اقباله نوشتم که قدغن نمایند اگر ملک آن‌ها را ضبط کرده باشند به خودشان رد کنند و نوشته از اردستانی‌ها گرفته شد، کارشان از میامن مراحم همایونی به خوبی گذشت. هر گاه من بعد مجدداً در سر معابر به حضور مهر ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفاده عارض شوند جواب آن‌ها غیر از آن‌که فراشان سواری آن‌ها را دفع نمایند چیز دیگر نخواهد بود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

بعد از اتمام عریضه عاجزانه ناظم خلوت مجدداً آمد و اظهار نمود که اردستانی‌ها به مرافعه شرعیه میل دارند و به این طور که پنجاه تومان بگیرند راضی نیستند. این خان‌زاد فدوی نیز آن‌ها را به مرافعه شرعیه به محضر جناب حاجی شیخ باقر اصفهانی که از عمل و حالت آن‌ها مستحضر و طرف رضای اردستانی‌ها بودند رجوع کردم که در آنجا مرافعه نمایند. به هر طور ظهور یافت ختم عمل آن‌ها را به عرض خاکپای جواهرآسای مبارک ملوکانه روحانفاده خواهم رساند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

۵۲. یک کلمه خوانده نشد. ظاهرأ دزدیده

تاریخ: محرم ۱۲۹۵

شماره سند: ۵۱-۸۵

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحانفاده را با کمال تعظیم و نهایت افتخار نمودم. نوشته که باید به وزرای مختار روس و انگلیس در فقره سرحد نوشته شود، هم چنین در فقره تجاوزات عثمانی در زهاب شروخی که باید به حاجی محسن خان و ملکم خان بنویسم همه را از تصدق فرق مبارک در یک شب نوشته و حاضر نموده انشاء الله روز پنجشنبه صبح به عرض آستان ملوک پاسبان شاهنشاهی روحانفاده خواهم رسانید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: صفر / ۱۲۹۵

شماره سند: ۹۳ و ۹۴-۳۶

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

[دستخط ناصرالدین شاه در صفحه قبل]: یک کاغذ سپهسالار است در فقره

سیستان، سند است، سنه ۹۵ بارس ثیل، رمضان نیاوران

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، از زیارت هر دو دستخط آفتاب شعاع جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاه ظل الله اسلام پناه روحنا و روح العالمین فداه که در باب جسارت تاج محمدخان و اقدامات لازمه در این خصوص به افتخار این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود کسب افتخار و سرافرازی و مباهات نموده، با کمال عجز و ضراعت چاکرانه به عرض عبیدانه جسارت می ورزد که مدلول قضا شمول دستخط های مطاعه مبارکه از الهامات سبحانی است که قلب مبارک سایه خدا روحانفاده مخزن آن ملهمات و فیوضات ربانی می باشد. در این موقع تکلیف مجدانه و پلتیک حقیقی

همان است که از رشحات قلم قضاشیم مبارک تراش فرموده، انشاء الله به طوری که مقرر شده است در این جا با سفیر انگلیس مذاکره و به ناظم الملک در تلگراف مخابره نمود. نتیجه آن‌ها را به عرض خاکپای مرحمت اقتضای مبارک می‌رساند و امروز به تلگراف‌خانه شهر خبر فرستادم که نواب رکن الدوله و مستشار و غیره را در تلگراف‌خانه حاضر نمایند. امیدوارم در هیچ نکته از نکات و لوازم اجرای منظور میمنت ظهور مبارک همایونی غفلت نرود. در این مواقع و موارد و امور معضله باید معلوم شود که تربیت آستان ملوک در بان همایون در حق این ذره بی مقدار به هدر نرفته و چاکری که جان‌نثار و فدوی است در این گونه موارد باید جوهر خدمتگزاری خود را در پیشگاه مرحمت دستگاه حضور مهر ظهور مبارک به ظهور رسانده نگذارد به قدر ذره [ای] دغدغه به خاطر آفتاب اثر مبارک ملوکانه راه یابد، یا اندکی [از] این چیزها تواند باعث مشغله خاطر خطیر الهام پذیر خسروانه گردد. از روی حقیقت و صداقت چاکری و فدویت صریحاً جسارت به عرض می‌ورزد که اگر به قشون‌کشی و جنگ با افغانه هم احتیاج شود برای فرستادن پانزده فوج و سه هزار سوار و سه هزار بار قورخانه از فضل خدا و میامن تربیت سایه خدا روحانفاده نمی‌گذارم به قدر ذره [ای] زحمت مذاکره یا مخارج یا لوازم آن به خاطر خطیر مهر تأثیر مبارک ولی نعمت تاجدار روحانفاده برسد و از میامن اقبال مصون از زوال قدر همال مبارک ظل‌اللهی روحانفاده شریف خان و تاج محمدخان را می‌گیرم مخدول و منکوب کرده آن وقت به عرض می‌رسانم که هرگونه مجازات و کیفر مقرر فرمایند در حق آن‌ها جاری و مجری گردد. این رو به سگالان را مجال جولان در میدان سطوت قاهرانه و قادرانه همایونی نیست و به فصل خدا و بهزودی آن‌ها را تمام می‌کنم. اما در عالم فدویت عرضی که دارم و استدعائی که با کمال انکسار می‌نمایم این است که به هیچ وجه خاطر خطیر مبارک را به زحمت خیال این فقره مشغول نفرموده اصلاً به خاطر مبارک راه یافتن آن را اجازه نفرمائید. حاصل این همه نعمت‌ها که در ظل ظلیل مبارک خسروانه برده‌ایم و عزت‌ها که دیده‌ایم همین است که در چنین مسائل نگذاریم زحمت هیچ چیز از این قبیل امور به خاطر مبارک راه یابد. امیدوار است این استدعای عاجزانه در آستان ملوکانه مقبول افتد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام‌خانه‌زاد حسین

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، از زیارت دستخط آفتاب شعاع جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاه ظل الله روحنا و روح العالمین فداه که در تفقدات بلانهایات خاطر دریا مقاطر مبارک همایونی شرف صدور یافته بود درک افتخار و کسب سرافرازی و مباحات نمود. خداوند جان این غلام خانه زاد را تصدق وجود مسعود مبارک ملوکانه روحنا فداه فرماید. این چاکران در عرض سال همواره از شمول مکارم همایونی نعمت و راحت و عزت و مرحمت و عنایت می بینیم که در یک چنین روز مبارک و عید مسعود که خداوند این عید را قرون بی شمار به خلق ایران نصیب فرماید خدمت نمائیم، خاصه این چاکر بی مقدار که هرگز در نوکری و جان نثاری نمی تواند ملاحظه برف و سرما کرده از چنین فیض خدمت محروم بماند. از تصدق خاکپای مبارک بسیار خوش و خوب گذشت و کل مردم به دعای وجود مبارک خسروانه روحنا فداه رطب اللسان بودند. حال درد سینه و کمر و کسالت این غلام خانه زاد قدری شدت کرد، حکیم طولوزن فدوی را از حرف زدن و چیز خواندن و حرکت منع نموده است، ولی با این حالت از صبح آجودان باشی توپخانه و اللهیارخان آجودان باشی و الله وردی خان و جمعی را حاضر کرده نوشتجات متعلقه به کار آنها را تمام کرده، بعد از آن حاجی میرزا علی نقی را برای قرار تنخواه اردوها حاضر نموده مشغول است. بعض نوشتجات و تلگراف که رسیده بود مصحوب وجیه الله میرزا برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نموده است. در باب فوج سیلاخور که تأکید فرموده بودند از میامن تربیت آستان همایون امروز صبح یکی از کارهائی که با اللهیارخان آجودان باشی داشتیم همین فقره بود. تلگراف مؤکد سخت کردم که به زودی به عربستان بروند. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[حاشیه] قرارنامه محافظت تفنگ ها را نوشته با دستور العمل لازم امروز صبح به آجودان باشی دادم که از حالا تفنگ ها را پاک نموده بی عیب کنند، تا روز اول مشق که خود

این خانه زاد برود و اعلام نمایند که همگی باید این قانون را معمول دارند و تفنگ‌ها را محافظت نمایند که به قدر ذره‌ای نقص در آن نباشد و آجودان باشی را روانه کردم. محض اطلاع خاطر خطیر مبارک جسارت ورزید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خانه زاد حسین

[پشت سند با دستخط ناصرالدین شاه نوشته شده است]: سنه ۹۵ در طهران لوله

شد، صفر

۲۲۶

شماره سند: ۱۰۳-۱۷۰

تاریخ: شعبان ۱۲۹۵

تعهدنامه سپهسالار

هو

ملتزم و متعهد گردیدم اقل و احقر خدام آستان ملایک پاسبان همایون شاهنشاه جمجاه ظل الله فی الارضین روحی و روح العالمین فداه که در رشته امور خدمات دولت که از جانب سنی الجوانب همایونی به عهده این غلام خانه زاد محول شده است، خاصه در رشته معظمه وزارت امور خارجه و وزارت جنگ که از کلی و جزئی هیچ امری را بدون استیذان و اجازه همایونی مباشرت ننمایم و هیچ اظهار اقتدار و اختیار از خود ننمایم و همچنین در هر یک از امور که به نظر مبارک درست بیاید و مخفیاً دستورالعمل شفاهی یا مکتوبی مرحمت فرمایند فوراً مجری داشته معطل ندارم، مشروط بر این که از جانب سنی الجوانب همایون شاهانه روحناده هم ظاهراً طوری وانمود فرمایند که هیچ عرضی از این غلام دائر به این دورشته از خاک پای مبارک رد نمی شود و به هیچ وجه ظاهراً مداخله در جزئیات نفرمایند و اگر رأی مبارک علاقه گرفت که برخلاف این فریضه رفتار فرمایند فوراً این غلام طلب عفو از این دو خدمت نمایم و در خاک پای مبارک مقبول شود، معروضه دهم شهر

شعبان ۱۲۹۵

[نقش مهر]: سپهسالار اعظم

[دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]: التزام است باید ضبط شود.

از اسناد وزارت امور خارجه

تاریخ: ندارد

فرستنده و گیرنده ندارد نقد قرارداد است

حواشی ملاحظات اقل بندگان مجبلی است

مسوده مقاوله نامه ای است که مابین حضرت دولت مآب ابهت مآب مشیرالدوله حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه و سعادت مآب فخری بیگ افندی سفیر کبیر دولت علیه عثمانیه برای دوام استحصال آسایش در امتداد حدود و چاره و جلوگیری سوء نتایج عشایر و سایر اهالی داخله سرحدات دولتین علتین ایران و عثمانی که در حین وقوع حرکات ناشایسته از آن‌ها دولت متبوعه به تربیت و تأدیب آن‌ها اقدام و یا به اخذ مالیات دیوانی از آن‌ها قیام می نماید از حدود تجاوز و خانه خود را به طرف دیگر نقل کرده از مجازات و تکالیف فراغت حاصل می نمایند و این حالت انواع سوء نتیجه خواهد بخشید به نام دولت‌های متبوعه خود به فرار آتیه منعقد خواهد شد.

ماده اولی

یک نفر یا یک طایفه از هر نوع عشایر و اهالی متوطن در داخله ممالک یکی از دولتین در حالتی که بر حسب لزوم باید تأدیب شوند یا تحصیل مالیات از آن‌ها بشود یا جسارت به قتل و غارت کرده باشند، منفرداً یا با عونه و طایفه عشایر معاً از حدود تجاوز و به ممالک دولت دیگر التجا و دخالت نمایند هیچ نوع وسیله و اعتراض ظاهر ننموده آن‌ها به مملکت هر دولت گذشته باشند قطعاً قبول نشده با همان اموال و اشیاء دستگیر شدن و تسلیم نمودن به حکومت محل اصلیه آن‌ها و در صورت دستگیر نشدن بالتعقیب اعاده دادن آن‌ها را دولتین مشارالیهما تعهد می نمایند.

[حاشیه ۱] جمله ای که بالای آن بارقم یک خطی کشیده شده است و مشتمل است به اجازت تعاقب فراریان مقصر در خاک یکدیگر، به ظن این بنده معایب و مفاسدش بیش از محاسن است، خصوصاً در حق ایران زیادتر مایه غبن خواهد بود چراکه عثمانی تعاقب را کاملاً اجرا و استفاده می کند، ولی [ما] نه تعاقب می کنیم و نه از تعاقب صرفه می بریم،

خصوصاً در صورتی که قطعاً عثمانی‌ها هم باطناً با هزاران وسیله اخلاص هم می‌نمایند.

مادهٔ ثانیه

چون اراضی و محالی که متنازع فیها معدود است تا حل مسئله حدود در ادارهٔ هر دولتی باشد اهالی که در آن جا هستند موقتاً تبعهٔ آن دولت معدودند چه به آنجا بیایند و چه بخواهند از آن جا هجرت نمایند، تمامی احکام این مقوله در حق عشایر و اهالی آنجا اجرا خواهد شد، اما ادعای دولتین مشارالیهما را در حق اراضی و محال مذکوره و عشایر و اهالی آن جا قطعاً تغییر نخواهد داد.

[حاشیهٔ ۲] جمله [ای] که بالای آن به رقم دو خط کشیده شده است به ظن من زاید و بی معنی است، اگر حکماً باید نوشته شود باید ابضاح شده هر چه مقصود است به مقتضای آن اگر مناسب شد نوشته شود.

مادهٔ ثالثه

از عشایر متوطن و یا خیمه‌نشین داخلهٔ ممالک دولتین علتین مشارالیهما جمله عشایری که در آن مملکت هست و تبعهٔ دولت هستند^{۵۳} هر گاه طالب هجرت یافت شود از این مقوله اشخاص از احکام مادهٔ اولی مستثنی هستند، اما آن‌ها وقتی بخواهند بروند در هر حال قبل از آن که اول به حکومت محلیهٔ خبر داده تحقیق احوال شده اگر مالیات دیوان بر عهدهٔ آن‌ها باشد تأدیه و یا ادای آن‌ها را تعهد نمایند و یا مثل قتل و غارت و تهمت اگر متهم باشند اجرای مجازات قانونیه بشود قبول نخواهد شد.

[حاشیهٔ ۳] مادهٔ ثالثه و رابعه به ظن بنده به کلی بی معنی و خلاف منافع خاصه ایران است که به زحمت‌ها داخل معاهدات نموده است، بلی اگر حکم این دو ماده تنها به عشایر متنازع فیها که در ممالک یکدیگر هستند راجع بشود عیبی نخواهد داشت. در حق این مقوله عشایر هم پنجاه فرسخ تبعید نسبت به حالت ایران مناسب نیست، چرا که در جاهائی که پنجاه فرسخ از سرحد دور باشند ما جای عشیرتی نداریم مگر آنکه از حدود غربیه به حدود شرقیه و جنوبیه یعنی به خاک فارس و خراسان فرستیم، آن هم متضمن عسر و حرج است.

۵۳. در حاشیهٔ بالای این جمله نوشته شده است: این جمله هم افادهٔ معنی واضح نمی‌کند، توضیح لازم دارد که بی‌پرده معلوم شود مقصود چیست.

ماده رابعه

در حالتی که عشایر متوطن یا خیمه‌نشین دولتین که در ماده‌ی ثالثه بیان شده از روی اصول و قاعده به مملکت یک‌دیگر هجرت نمایند آن‌ها لا اقل سی فرسخ در داخله توطن داده خواهند شد و از آن‌ها در امتداد حدود چه با مأموریت و در سایر صورت‌های دیگر افسادی ظهور نخواهد یافت، اگر چه کسانی که سابق هجرت کرده باشند و در امتداد حدود متوطن شده باشند بالطبع از محل خود حرکت داده نمی‌شوند، ولیکن در میان آن‌ها هر کس به شقاوت شهرت یافته و در حق او به دفعات شکایت حقه شده باشد لا اقل پنجاه فرسخ به داخله تبعید خواهند شد و همچنین کسانی که مقدماً از خلق عشایر هجرت کرده در امتداد حدود به هیچ خدمت مستخدم نخواهند شد و اگر مستخدمین هم باشند تبدیل خواهند شد.

[حاشیه ۴] اگر شرط ابعاد سی فرسخ و پنجاه فرسخ نبود، یحتمل همین دو ماده سیم و چهارم هم خلاف صرفه ایران نمی‌بود، ولی ابعاد مزبور هم غیر ممکن است، هم اگر ممکن هم بوده باشد مقتضی است که متدرجاً تمامی حدود از عشیرت خالی و اغلبی که غیر قابل اسکان رعیت محال دیگر است خالی از سکنه و بایر بماند.

ماده پنجم

هر گاه عشایر و اهالی دولتین یک نفر یا جمعیتی به تجاوز حدود و به امثال غصب و غارت به تقصیرات کوچک مجاسرت نمایند، این مقوله‌ها که در دست می‌باشند یا به تعیین مأمور از طرفین و یا به معرفت کمیسیون^{۵۴} که تدقیق داده شود اجرای مجازات آن‌ها را نظر به حالتی که تبیین نموده در حکومت محلّیه که به دست آمده‌اند و شرعاً و قانوناً معین خواهد شد و استرداد و اموال مغضوبه اگر باشد کاملاً و استحصال چاره عدم تجاوز عشایر را از حدود بلا رخصت دولتین علیین تعهد نمایند.

[حاشیه ۵] فقره عمده همین ماده پنجم بود که خیلی به ابهام و اختصار گذشته و تحقیقات لازمه را راجع به حکومت محلّیه و شرع و قانون نموده است و حال آن‌که همه اشکالات در سر همین فقره است، رسیدگی ارتکاب و جرم و جنایت آن‌ها و اثبات اموال

۵۴. اصل: قمیسیون

مسروقه یا منهبه یا در محصر کمیسیون مختلط جانبین با مقبولیت با تسویه شهود آن‌ها از هر طایفه و هر فرقه که بوده باشند به قانون شریعت مطهره مجری بشود همیشه این منازعات باقی خواهد بود، یعنی از هر طرف یک ملائی در جزو کمیسیون باید بوده باشد آن‌ها به حکم شرع رسیدگی نمایند، چنانکه میان ما و روسیه متداول است.

ماده ششم

تسلیم کردن عساکر فراری را هر جا باشد و به هر صفت و مأموریت دیده شود به همان حکومت دولتی که منسوب به آن است دولتین علیین متعهد هستند. [حاشیه ۶] به آخر این فقره علاوه می‌شود، مگر در صورتی که عسکر مزبور از تبعه اصلیه دولت مستخدم نبوده باشد.

ماده هفتم

فراری‌های پولتیک از احکام این مقاله نامه مستثنی است. [حاشیه ۷] فراری پولتیک هم شرح و ایضاحی لازم دارد که سرحد داران عوام بفهمند

ماده هشتم

گذشتن عشایر دولتین به ممالک طرفین برای بیلاق و قشلاق و فرستادن هر نوع حیوانات آن‌ها کماکان در تحت ممنوعیت خواهند بود. [حاشیه ۸] این جمله نیز کنایه و متضاد است یک جا می‌گوید احکام معاهده را اخلال نخواهد کرد، این جا^{۵۵} می‌گوید الی الابد مجری خواهد بود.

ماده نهم

این مقاله نامه احکام هیچ یک از معاهدات موجوده منعقدہ بین الدولتین و مقاولات مرعی الاجری را تغییر نخواهد داد. مرعی الاجری نمودن این مقاله نامه را سه ماه بعد از تاریخ امضای آن و خلل نرسیدن به این مقاله نامه را به هیچ سبب و وسیله دولتین مشارالیهما تعهد می‌نمایند.

[حاشیه ۹] این مقاله باید موقت باشد در ختام و عده تراضی طرفین تجدید شود، یک نقص دیگر هم دارد [و آن] این است که منازع فیه عشایر متوقفین امروز در خاک

دولتین معین نیست تا معین نشود دائم اسباب نزاع خواهد بود، یک طایفه را طرفی منازع و طرفی دیگر...^{۵۶} معدود خواهند داشت.

۲۲۸

شماره سند: ۷۴-۱۷۰

تاریخ: ۱۲۹۶

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، امروز صبح روز هفتم شوال ۱۲۹۶ قبل از آنکه غلام خانه زاد به دربخانه مبارک که برود وزیر مختار روس نزد چاکر فدوی آمده خیلی اظهار خلوص عقیدت و ارادت صمیمانه در حضرت سپهر بسطت اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه نموده با اظهار تأسف گفت: خدا گواه و قلب مبارک همایون ملوکانه روحنا فداه آگاه می باشند که من به چه درجه در خدمت و خیر خواهی این دولت علیه ساعی و جاهدم و از روی حقیقت خود رایک آو کا برای حفظ حقوق و صرفه این دولت مسعود می دارم، با این حالت منتظر نبودم که از برای یک حرکت یعقوب اوف نسبت به یکی از اهل قاری قلعه آن طور کاغذ به من بنویسید و سختی و پرتست نمائید و از این فقره رنجیده بود. چاکر فدوی گفتم من از روی حقیقت شما را کاملاً مطمئن می نمایم که ما هم کمال اطمینان و خشنودی قلبی از شما داریم و ذات مقدس ملوکانه روحنا فداه مخصوصاً یک نوع التفات و اطمینان مخصوص به شما دارند که مقام تعجب است، این کاغذ را شخصی نوشته ایم که به شخص شما راجع شود. خودتان می دانید در امور دولتی لاعلاج باید ملاحظاتی را کرد که حقی از دست نداد، مثلاً هر گاه شما ترقی کرده به جای دیگر بروید این اطمینانات شفاهی شما که از روی کمال حقیقت است در دفتر نمی ماند و از برای خلف شما سند نخواهد شد، نوشتن این کاغذ محض حفظ (فورم) کار است والا معلوم است که امروز به قدری شما طرف اطمینان خاطر خطیر مبارک اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه می باشید که به تصور نمی آید و خیلی به او اظهار مودت و مسرت از

۵۶. یک کلمه خوانده نشد.

خیر خواهی او کرده او را به حال آوردم، با خرمی و شاد خاطری رفت. روز چهارشنبه ۶ شوال عصر ایلچی کبیر دولت عثمانی نزد چاکر فدوی آمد، بعد از مذاکره مطالب عادی گفت موقع و مقام دولت ایران روز به روز باریک و مشکل نازک می شود زیرا که اگر اهل اروپا تا حال متعرض دولت ایران نبودند به این جهت بود که حالت افغان را که می دیدند و اغتشاش آن ها را مشاهده می کردند که به درجات شتا از ایران زیادتر است و از طرف دیگر تراکمه را می دیدند که همه وحشی و در حالت حیوان می باشند. می گفتند باز دولت ایران سلطنت دارد، حکومت دارد، دیوانخانه دارد، نسبت به اغلب مشرق زمین امنیت و نظم دارد، از این جهت متعرض نبودند، لکن حالا که دولت انگلیس افغان را زیر بار کشیده است لابد بدون تأخیر سیویلیزاسیون خود را در آنجا با کمال اهتمام منتشر می نماید، دولت روس هم که آخال را متصرف شد ترکمانها را مجبور به انتظام و تربیت می نماید آنوقت می ماند دولت ایران محصور از سه طرف به دولت روس و یک طرف عثمانی و یک طرف انگلیس و هرگز اهل اروپا نمی گذارند اینجا به این حالت بماند، هر گاه از حالا خودتان (رفورم) کردید و با کمال عجله رو به ترقی دویدید ضررتان خیلی کم خواهد شد و اگر خدا نکرده به حالت خود بمانید تا شما را مجبور به رفورم نمایند ضرر زیاد خواهید برد، زیرا که شهدالله نه از بابت اینکه عثمانی هستم می گویم از روی حقیقت و انصاف می گویم دولت عثمانی خیلی تلاش کرد خیلی ترقی را استقبال کرد و حالا سی سال است که رشید پاشا ما را داخل ترقیات کرده و الان خیلی دولت عثمانی زایدالوصف ترقی کرده است، لیکن چون به ترقی اقتضای عصر نتوانست خودش را برساند این است که اینهمه صدمه می خورد و ضرر می بیند. چاکر فدوی گفتم چنین نیست که دولت ایران ترقیات عصر را استقبال نکرده باشد، هر گاه از سفر عتبات عالیات و سفر فرنگستان همایونی را تا حال ملاحظه نمائید که اراده مخصوصه ملوکانه روحنا فداه به ترقی علاقه گرفته است تصدیق خواهید کرد که دولت ایران هم خیلی ترقی کرده است و انگهی موقع دولت عثمانی با موقع دولت ایران فرق دارد، شما دریا دارید که هر چه از کارخانجات و ملزومات بخواهید در شش روز به خاک خودتان وارد می نمائید، من حالا چهار ماه است دیگ کارخانه گاز را می خواهم بیاورم به جهت نبودن دریا با کمال اشکال و صعوبت دیروز وارد

کرده‌ام. شما در حقیقت به واسطه کشتی‌ها و راه‌ها و دریا با دول اروپ مخلوط می‌باشید به این ملاحظات ما زیاد تر رو به ترقی دویده‌ایم. سفیر کبیر گفت: نمی‌گویم ترقی نکرده‌اید لیکن ملاحظه نمائید دولت عثمانی که به آن درجه ترقیات کرده است مبتلای چه ضررهاست. اوایل به بهانه آنکه ملت مسیحی ممالک سایر باید آسوده باشند متعرض ما می‌شدند حالا آشکار می‌گویند اسلام و مسیحی نزد ما فرق ندارد، مخلوق نباید گرفتار حکومت جور و بی‌نظم باشند. اوایل به طور تعهد بعضی اظهارات می‌کردند، حالا به طور تحکم، مثلاً تازه انگلیسها آدم به آناطولی فرستاده‌اند. عدالت خانها را از حکومت موضوع می‌نمایند و تحکیمات غریب می‌نمایند. منظور من این است که هر قدر تعجیل شود بهتر است. منظور ایلچی کبیر دلسوزی و خیر خواهی بود و به طور اتحاد دولتین و ملتین این اظهارات را می‌کرد. بعد از آن سفیر انگلیس آمد، بعد از مذاکرات عادیه گفت: دولت انگلیس هنوز پلیتیک خود را در حق افغانستان در یک میزان و نقطه قرار نداده متردد است که آنجا را تصرف و جزء هندوستان نماید یا یعقوب خان را تغییر بدهد دیگری را به جای او بگذارد، یا او را بگذارد، هنوز یک رأی نشده است و از سوق قشون و تحمیل یک مخارج گزافی لابد و ناگزیر است و از قراری که اخبار رسیده است افواج هرات هم مواجب خواسته شورش کرده دور ایوب خان را گرفته‌اند کار آنجا هم قرین اختلال است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع غلام خان زاده حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت سند]: عرایضی است که در کوه و رچین لوله شد.

سنه ۹۶ توشقان ثیل ۸ شوال

۲۲۹

شماره سند: ۷۵-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، از میامن توجهات کامله

۲۲۳

خاطر خطیر آفتاب تاثیر مبارک اقدس همایون اعلیٰ حضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحنا فداه کلیه امور منظم و دایر، با کمال خوبی همگی مشغول خدمات خود می باشند. چاکر فدوی امیدوار است جمیع روش و نظم کارها و خدمات در طبق سلیقه مبارکه بدون عیب و نقص باشد و هرگاه از بابت قصور و عجز چاکری نقص جزئی هم تصور شود میمنت توجه و اقبال اقدس همایون ملوکانه تکمیل خواهد فرمود. دیشب صاحب دیوان را حاضر کرده با حضور امین الملک به حرف های او رسیدگی و مذاکرات لازم را نمود. امروز صبح هم بر حسب اقتضای تکلیف چاکری به دریاخانه مبارکه رفته در مجلس حاضر گردیده پس از انقضای مجلس بعد از ظهر امین الملک را به تلگرافخانه فرستادم که اشخاص در تلگرافخانه تبریز حاضر کرده در باب بیست و دو هزار تومان مخاברה لازم را با آنها نموده گفتگو را تمام و عمل را معلوم نماید که در وقت تشریف فرمایی موکب فیروزی کوکب مسعود مبارک بتوان تفضیل را به عرض خاکپای مرحمت اقتضای مبارک رساند. امین الملک هم تفصیل اوامر قضا مظاهر مطاعه مبارکه اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه را که به او فرمایش شده بود تحریراً به چاکر فدوی ابلاغ نمود، در طبق امر قدر قدر جهان مطاع خسروانه فوراً جهانگیر خان را حاضر کرده و در باب پاک و مرمت نمودن اسلحه و حاضر کردن فشنگ و غیره سفارش کامل کرد که بر وجه احسن حاضر نماید. امیدوار است به نوعی که مقرر شده است در کمال خوبی و تنقیح حاضر شود که در تشریف فرمایی موکب منصور ملوکانه آماده باشد که هر دقیقه امر مطاع صادر شود، فوراً به عرض خاکپای مبارک برسد خود این چاکر فدوی نیز به قورخانه رفته سرکشی کرده اسلحه ها را ملاحظه کرده قرار تعمیر آنها را بدهد. مجلس قانون نظامی نیز به طریق مقرر در باغ منزل عبیدانه فدوی منعقد است و کل اجزای مجلس از صبح حاضر می شوند نهار را هم آن جا می خورند، تا سه ساعت به غروب مانده بر می خیزند متفرق می شوند. از محمد حسن خان یوزباشی که برای عمل طالقان رفته است کاغذی رسید که مشغول است، لذا برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نمود و فوراً به او جواب نوشت که به مجرد پرداختن عمل مالیات ملا ابوطالب را حکماً به کربلا بفرستد و سایرین را هم بگیرد به طهران بیاورد. عمیدالملک

که از برای اظهار مطالب خودش احضار شده بود دیروز وارد شد و به منزل چاکر فدوی آمده در منزل این غلام خانه زاد هم منزل کرده مانده است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۳۰

شماره سند: ۷۸-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دیشب تلفراف رمزی از وزیر مختار اسلامبول رسید که استخراج نموده تقدیم خاکپای مبارک داشت. از قراریکه می نویسد شروع به مجلس تعیین حدود نموده اند و انشاءالله امیدوار از بخت بلند شاهانه می باشم که به طور خوب و صرفه و میل مبارک درباره زهاب و غیره این عمل را تمام نمایم و این خدمت بزرگ را با توجه همایونی به دولت علیه نمایم تا همه بدانند که تربیت های ملوکانه را به هدر نداده ام و این مراحم و الطاف و پاداری شاهنشاهی درباره این عبد ذلیل و این غلام خانه زاد بی جا و عبث نبوده است. این که می نویسد دول اسپانیا و اوتریش به دولت عثمانی اخبار نموده اند که افلاق و...^{۵۷} و صربستان^{۵۸} با دول خارجه معاهده تجارتی مستقیماً خواهند بست ابتدای فراهم آوردن اسباب قسمت خاک عثمانی است، زیرا که غلام خانه زاد می داند نتیجه و مال این کار به کجا منجر خواهد شد و دولت عثمانی هر قدر از این فقره بد حال و مکدر باشد حق دارد چنانچه از دریافت این خبر غلام خانه زاد فوق العاده مسرور و مشعوفم. صدر اعظم حاضر عثمانی هر قدر زودتر معزول شود نفع ما است، زیرا که این آدم شخصاً یک نوع عداوت با کارهای ما می داشت و می خواست به

۵۷. یک کلمه خوانده نشد

۵۸. اصل: صربستان

وسيلة ما خود نمائی کند و اشتهاى حاصل نماید. جواب تلغرافى که خواسته است فقره
اسلحه است، امسال با این مخارج گمان ندارم مجال خرید اسلحه بشود، بلا جواب
گذاردن مطلب هم خوب نیست، هر نوع مقرر فرمائید جواب داده شود، خداوند جان و مال
خانه زاد را به تصدق وجود مسعود همایون نماید. آمین ثم آمین

امر الاقدس الاعلى مطاع مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین در پشت سند]: عریضه مشیرالدوله است در باب سرحدات

عثمانی و غیره، سند است.

۲۳۱

شماره سند: ۸۲-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم،

به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحنا فداه مشرف و مباهی
گردیدم، روزنامه ورود و خروج وزیر مختار روس را که ملاحظه کردم شلیک توپ در
عهد نامه نیست و لکن از وقتی که سیف الملک به سفارت پطرزبورغ رفت فیما بین مرحوم
میرزا آقاخان و سفارت روس این قرار مقرر و معمول شده است. در فقره محمودخان فومنی
البته به عرض آستان مبارک رسیده است که محمودخان چند سال است به ناخوشی خیال
مبتلا شده و محتاج به یک معالجه طولانی است، بعد از ورود به دارالخلافه از بنده فدوی
اذن خواست که شروع به معالجه نماید چون مانعی نبود فدوی هم اجازه دادم در نزد اطبای
فرنگی مشغول معالجه شد، ده روز قبل از این شنیدم به منزل فدوی آمده است و می خواهد
توقف نماید، جهت را استفسار نمودم گفت: در وسط معالجه، امین الملک دو نفر فرارش
سر من گذارده که حتماً مرا بیرون نماید و به رشت بفرستد. گفتم آخر تو حکومت داری و
مالیات باید بدهی، قرار آن ها را چه قسم داده، معلوم شد که از اول سال حکومت فومن را از

او گرفته و تجزیه نموده‌اند و به هیچ وجه دخلی به او ندارد و حاکم نیست. گفتم شاید از تنخواه مالیات سنه ماضیه باقی داشته باشی، گفت: در سنه ماضیه جمیع مالیات را بدون یک دینار تخفیف پرداخته‌ام و سند دارم در این دو صورت که نه در هذه السنه حاکم باشد و نه از سنه ماضیه باقی داشته باشد از تخفیف مرحمتی هم به او نداده باشند و محتاج به معالجه و مداوا هم باشد مرحمت و رافت ملوکانه البته تجویز نخواهد فرمود که بدون هیچ شغل و کار از صحت بدن و مزاج دست کشیده به رشت برود، جمیع این فقرات را هم به امین‌الملک نوشته‌ام، حتی نوشتم شاید از بابت سنه ماضیه باقی داشته باشد و منکر است، اگر چنین است یک شخصی که بلدیت داشته باشد بفرستید با او مواجهه شود، اگر باقی دارد قرار باقی خود را حتماً باید بدهد، دیگر جوابی از امین‌الملک نرسید و محمودخان هم در بنده‌خانه است. بعد از اطلاع همایونی روحانفاده از اصل حقیقت عمل به هر چه امر بفرمایند بنده مطیع و فرمان بردار بوده و خواهم بود. امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

۲۳۲

شماره سند: ۹۷-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم،

دیشب تلغراف رمزی از اسلامبول رسید و بسیار مغلوط بود، با خیلی زحمت استخراج نموده لفاً تقدیم آستان مبارک همایون اعلی روحانفاده نمود، از ملاحظه نظر انور شاهنشاهی روحانفاده خواهد گذشت. منظور از عبارت وکیل کمپانی^{۵۹} شارژ دافر روس است، به هر چه امر قدر قدر شرف صدور یابد جواب نوشته خواهد شد. جواب تلغراف بغداد هم رسید، ترجمه نموده در جوف از لحاظ مبارک خواهد گذشت. معلوم می شود تلغرافی که به توسط مخبرالدوله فرستاده شد و از کرد قاصد برده بود رسیده و جواب را به همان وسیله فرستاده است. باید امروز عصر یا فردا صبح جواب به توسط مخبرالدوله برسد

۵۹. اصل: گاه پتی

و تکلیف معلوم شود، بر حسب امر قدرقدر ملوکانه روحنافته رضا قلی خان پسر سلمان خان صاین قلعه در انبار توپخانه محبوس شد.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع مطاع.

۲۳۳

شماره سند: ۹۸-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم،

به زیارت دستخط انجم نقط مبارک اقدس همایون ملوکانه روحنافته مشرف و سرافراز گردید. قبل از زیارت دستخط مرحمت آیت مبارک مخبرالدوله را برای همین فقره تلگراف حاضر کرده بودم، حالا هم حاضر است، خود او نیز منتظر است که جواب امروز تا عصر برسد. بعد از وصول جواب اگر موافق منظور نباشد همانطور که امر و مقرر فرموده اند اطاعت و عمل و امتثال خواهد کرد. جواب تلگراف حاجی محسن خان را هم به طوری که امر قدر قدر جهان مطاع شرف صدور یافته است خواهد نوشت. فردا صبح نیز اعم از اینکه موکب فیروزی کوکب مسعود همایونی زیب افزای اریکه سلطنت در باغ مبارک همایونی یا ساحت آرای شکارگاه باشند، این غلام خانه زاد جبهه سای آستان آسمان سان مبارک خواهد شد، زیرا که شفای هر گونه اسقام در زیارت آستان مبارک است و این غلام خانه زاد تجربه کرده هر وقت به شرف تقبیل عتبه علیه مبارک مشرف شده است هر مرضی داشته رفع شده و صحیحاً مرخص شده است. در باب تشریف فرمائی به دوشان تپه انشاء الله تعالی بالیمن والاقبال والعظمه والاجلال روز بیست و چهارم مقدور است تشریف فرما شوند، زیرا که روز هجدهم جشن اعیاد مبارک همایونی شروع و شب بیست و چهارم تکمیل خواهد شد که روز بیست و چهارم به میمنت و اقبال تشریف فرما خواهند شد. در باب عریضه سوادکوهی ها اگر لفظ جیره را داخل عریضه نکرده بودند احتمال می رفت که صادق باشند، ولی چون جیره آن ها به ترتیب با سایر افواج بدون تفاوت داده

می شود که اصلاً عقب نمی ماند. از جیره خودشان یقین دروغ عرض کرده اند، از موجب محلی دور نیست چیزی مانده باشد، موجب رکابی سایر افواج هم هنوز نرسیده است که موجب آن ها رسیده باشد، با این حالت عریضه آن ها را به امین السلطان داده تحقیق می کنم و صدق مراتب را به عرض خاک پای مبارک می رساند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۳۴

شماره سند: ۹۹-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به زیارت دستخط آفتاب شعاع جهان مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده که در سه فقره به افتخار این غلام جان نثار شرف صدور یافته بود مشرف و مفتخر و سرافراز گردید. در فقره عباس میرزا پریروز از راه ناوه تلگرافی به بغداد کردم که معلوم شود تلگرافهایی که به مخبرالدوله داده بودم رسانده است و کار پرداز بغداد از تکلیف خود مستحضر شده است یا خیر، تا بعد از معلوم شدن این فقره حسب تکلیف اقدام شود. انشاء الله امروز تا غروب یا فردا صبح جواب می رسد به طوری که اقتضای جان نثاری است معمول خواهد افتاد. شخص شیروانی قاتل حاضر و در محبس با کنده و زنجیر مغلول است، از برای محاکمه حضور چند نفر از مکاری و غیر مکاری لازم است که از سبزواری و غیره باید بیایند، به محض آنکه حاضر شدند محاکمه شده قرار مجازات او داده خواهد شد. در باب قتلی که در رشت واقع شده است چاکر خانه زاد به مجرد زیارت دستخط مرحمت آیت مبارک که در صدر روزنامه تلگرافی این فقره عرض صدور پذیرفته بود فوراً کاغذ رسمی به سفارت روس نوشتم که صورت آن لفاً از عرض خاک پای مبارک می گذرد و به ناصرالملک هم دستور العمل داده که اسکندرنام را بگیرد حبس نماید. با کمال ضراعت عاجزانه جسارت می ورزد که حالت

حکام در این موارد محض تحصیل استراحت خود کل حوادث را به رعیت خارجه نسبت داده خود را دور نگاه می دارند، بر فرض آنکه اسکندر رعیت خارج باشد عهدنامه حق صریح می دهد که او را ناصرالملک بگیرد، چرا نگرفته است؟ این چاکر جان نثار شخص شیروانی را از سفارت روس می گیرم و می آورم زنجیر می نمایم، ناصرالملک هم باید او را گرفته باشد. علاوه بر این در روزنامه تلگراف صریح ننوشته است که اسکندر قاتل فراس حکومت است. با این حالت چاکر جان نثار کمال ایستادگی را خواهد کرد و به هر جا منتهی نمود. به عرض خاکپای مبارک خواهد رساند.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان زاده حسین

۲۳۵

شماره سند: ۱۰۰-۱۷۰

تاریخ: شوال ۱۲۹۱

گیرنده ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قزبان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک مرحمت آمیز همایونی روحنا فداه که دوا و معالجه جمیع امراض فدوی خان زاده بود مشرف و مباحی گردیدم. خداوند جان بی مقدار این غلام خان زاده را به تصدق خاکپای مبارک گرداند که هیچوقت از اظهار مرحمت و تشویق درباره فدوی مضایقه نفرموده اند. سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه که در تربیت این غلام به نفس نفیس مبارک اینقدر همت فرموده اید از برای انجام کارهای بزرگ و خدمات عمده است و الا این کارهای عادی و سهل و آسان را همه کس می توانند مجری داشت، امیدوارم که در این فقره اختلاف فیما بین روس و انگلیس که بدون جهت زحمتش عاید روزگار دولت ایران شده است به طوری که میل مبارک شاهانه روحنا فداه است خدمت نمایم و حسن ظن همایونی را در باره خودم ضایع نسازم، امروز به قدری که لازم بود با وزیر مختار انگلیس مذاکره نمودم و وزیر مختار روس را هم احضار کرده ام که با او نیز مذاکره نمایم و چاپاری هم که مقرر فرمودید

به پطر بورغ خواهم فرستاد. در فقرة توپ خاندان صبح عرض نموده‌ام که چهار صد تیر را به جهت توپهای خانداری که در استرآباد است باید تدارک دید یا دو عراده توپ دیگر از این جا فرستاده خواهد شد که به اندازه پوند آنها تیرها بسته شود، جواب مرحمت نشده است. استدعای عاجزانه این است که جواب مرحمت شود تا انجام فرمایش همایونی دقیقه تاخیر نشود، امروز مسیولاسور را آوردم پانزده نفر شاگرد را معین کردم و رقععه به اعتضاد السلطنه نوشته با مسیولاسور فرستادم که جا و مکان در مدرسه معین نموده از روز سه شنبه مشغول درس شوند. یکی از فرامین سفارت بیرمان سهواً به مهر مبارک مزین نشده است، مجدداً تقدیم شد که مشرف گردد، با چند طغرا بروات مخارج ایام توقف سفارت و مخارج محمد پاشای جاف و غیره که به صحه همایونی مشرف خواهد گردید.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت سند]: عریضه مشیرالدوله است، در باب تعهد رفع

اختلاف راه آهن روس انگلیس. سنه ۹۱ ایت ثیل، شوال

۲۳۶

شماره سند: ۱۰۱-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع شاهنشاهی روحنا فداه که در جواب عریض عبیلدانه غلام خان‌زاد شرف صدور یافته بود دیشب مشرف شده افتخار حاصل نمودم. چاپار اسلامبول و دو نفری که باید به پطر بورغ و لندن بروند با نوشتجاتشان حاضرند، همینکه موکب مسعود همایونی به سلامتی مراجعت به مقر خلافت کبری فرمودند و نوشتجات از لحاظ انور اقدس اعلی روحنا فداه گذشت فوراً عازم خواهند شد، چون خاطر مبارک شاهانه روحنا

۲۳۱

فداه را در باره زهاب قدری مضطرب دیدم لهذا امروز عریضه می دارم که اگر مزدگانی^{۱۰} ملوکانه مرحمت شود سندی صریح و صحیح به لحاظ انور خواهم رسانید که آنچه از زهاب الان در تصرف دولت علیه است خواهد باقی ماند بلکه قدری هم علاوه می شود، لکن مثل مزدگانی سیستان نشود، این فقره را از بابت اطمینان قلب مبارک عرضه داشتم و الا همین حیات و زندگی که امروز دارم مزدگانی است که مرحمت فرموده اند. غلام خانه زاد هر عیبی که داشته باشد بحمداله حق شناس و قدر نعمت و احسان ندان نیست. مخابرة تلغرافیه با امپراطور روس را حسب الامر همایونی می دهم در روزنامه طبع نمایند و اطلاع عموم اهالی از این خصوصیت های ملوکانه با سایر تاجداران لازم و واجب است.

در فقره تهیه بقیه چرخ ضرابخانه اوامر همایونی را زیارت نمودم، در صورتی که بتوانم تنخواه امتعه اکسپوزسیون را از چنگ حسنعلی خان بیرون آورم، آوردن استاد قابل و تهیه اسباب خیلی سهل و آسان است. در باب فشنگ (تا با تیر) دیروز جواب تلغراف فدوی از نظر آقا رسید که با ترجمه از ملاحظه مبارک همایونی روحنا فداه خواهد گذشت، قیمت فشنگ را باز در هزاری هشت تومان نوشته است، در جواب این عریضه تکلیف غلام خانه زاد را معین فرمائید که فردا در راس شش ماه تاخیری در ورود آنها نشود و عرضی که غلام به خاک پای مبارک نموده است خلف نگردد یا باید هشت تومان به توسط نظر آقا خرید یا باید به میرزا احمد تلغراف کرد که مجدداً از حاجی ترخان به برلین رفته به همان طوری که در شش تومان نوشته بود قرارنامه ببندد. تلغراف رمز مطولی از حاجی محسن خان دیروز رسید، استخراج نموده با عین تلغراف نامه لفاً تقدیم خاکپای اقدس اعلی گردید و جوابی که مسوده شده است که پس از ملاحظه همایونی و تنسیب فرستادن به صحه مبارک مشرف شود. اعتقاد خانه زاد بر این است که عهدنامه را مطابق آنچه در اسلامبول قرار داده شده است باید امضا نمود و معطل نکرد، زیرا که عثمانیها ابن الوقت غریبی هستند و در فرصت اول از همه نکول خواهد کرد. بعد از انعقاد عهدنامه می توان به مرور و سخت گیری درباره تبعه عثمانی در ایران آنها را مجبور به اصلاح مجدد نمود، چنانچه خود حاجی محسن خان هم این قسم رأی داده است به هر چه امر قدر قدر ملوکانه

۶۰. اصل: مزده گانی

شرف صدور یابد اطاعت خواهد شد. الان تلغرافی به خط رمز به حاجی محسن خان کردم که مطالبه جواب تلغراف همایونی را به شدت نماید. گویا همین دو روزه برسد خداوند مال و جانم را به تصدق وجود مسعود همایونی گرداند. آمین ثم آمین.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت سند]: عریضه‌ای است از مشیرالدوله، سند است،

باید ملاحظه شود.

۲۳۷

شماره سند: ۱۰۲-۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، از نواب معتمدالدوله دایر به احضار آن دسته سرباز گروسی که در بوشهر بودند و از کارگذار بوشهر دایر به تفصیل و علت آن حرکت سربازان گروس در بوشهر تلگراف رسیده بود لفاً از عرض خاکپای مرحمت اقتضای مبارک ملوکانه روحنا فداه خواهد گذشت و از مستشارالملک هم تلگرافی مشعر به وصول سه هزار تومان برای تدارک و بذر سیستان رسید، برای عرض خاکپای مبارک تقدیم شد در باب ترکمان‌های مروی به طوری که امر قدر قدر جهان مطاع مبارک شرف صدور یافته بود انشاء الله حاضر رکاب ظفر نصاب مبارک خواهد شد و نتیجه مطلوبه حاصل می‌شود. کسر اسباب فشنک سازی را هم مشغول ساختن می‌باشند. سایر خدمات مرجوعه به عهده عاجزانه این غلام خان‌زاد امیدوار است تابع سلیقه مبارک باشد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

۲۳۳

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس مبارکت شوم، دستخط جهان مطاع مبارک که به افتخار این غلام شرف صدور یافته بود زیارت گردید. احکامی که به توسط امین الملک عز نفاذ یافته بود تماماً رسید. دستخط مبارک که در مسئله حکیم الممالک مقرر آمده بود همین روز مختصری هم جواب نوشته با آدم خود او که آمده توقع همایون را عیناً برای او فرستادم، فردا در قم به او خواهم رسانید، به چا پاری رفت. در فقره تفاوت قیمت گندم عراقی هنوز جواب به حضرت ولیعهد داده نشده. حاجی محمد حسن امروز در ضرابخانه بود حالا او را آورده ام قراری که لازم است می گذارم و صبح به موقف عرض خواهم رساند. جسر را هم امروز صبح فرستادم و بردند. سوارهای جمعی امین السلطان را هم ملزوماتی که داشتند از چادر و غیره داده برواتی که از بابت جیره و علیق آنها بود تماماً حواله نموده و داده شده قریب یکهزار و ششصد تومان جیره ایام توقف و عرض راه آنها شد، دیگر کاری ندارند فردا بعد از دفیله مرخص شده به شاهزاده عبدالعظیم بروند. امروز را هم خبر تازه [ای] نرسیده بود [که] به عرض برساند. خانه زاد مشغول تهیه لوازم فردا بود. در باب عمل تراکمه مروی هم دیروز مذاکراتی که در مجلس شد صورت آن را بنا بود امین الملک تقدیم دارند و در ثانی هر طور امر قدر قدر است معمول افتد، معلوم می شود امروز مجال نیافته است. الان هم امین الملک حاضر است و فابیوس را هم آورده ایم در باب عمل گاز مذاکره در میان است، الان که موقع ختم عریضه بود امر قیمت گندم را با حاجی محمد حسن انجام نمود به طوری که نه ضرر دیوان و نه تحمیل بر مردم باشد، انشاء الله فردا مراتب را معروض خواهد داشت.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، امروز بعد از انقضای مجلس این غلام در موقع عبور غفلتاً به قورخانه رفته به جمیع کارخانجات سرکشی نموده به دقت مطابق صورت روزنامه که از عرض می گذرد واریسی کرد، بعد به فاصله ساعتی جهانگیرخان هم آمد و به هر یک از دستگاه و کارها رسیدگی شد، بسیار خوب کار می کردند، اجزاء جمیع کارخانجات جمع و به کار خود اشتغال داشتند. آن هشت عراده توپ از توپ های فرمایشی حاضر کرده و سوار عراده مشاهده شد هشت عراده دیگر هم ریخته و اسبابش حاضر شده است که در این چند روزه سوار کرده حاضر خواهد شد، همان قدر به خاکپای اقدس معروض می دارد که خوب کار می کنند. هر روز میرزا محمود خان منشی را می فرستاد از قورخانه روزنامه بیاورد امروز هم که این غلام غفلتاً وارد شد مراتب را موافق روزنامه جات مطابق دید. ملزومات نوکر مامور کرمانشاهان و کردستان را هم حاضر کرده و تهیه نموده است [ای] که از الهیارخان آجودان باشی در این خصوص رسید عیناً تقدیم خاکپای اقدس اعلی روح نافداه گردید. امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع هو - قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، سواره [ای] هم که باید برای خدمات عربستان و غیره بروند امروز حاضر کرده هم سان نظری و هم سان دفتری دیده بعضی اصلاحات که از بابت عوض کردن اسب و تمیز اسلحه و شمشیر و غیره لازم داشتند نموده و حاضر کرد که به طور تکمیل بروند. فقره خبری هم که از طرف استرآباد رسیده بود که ترکمان تکه قریب سیصد نفر از روسیه را کشته و سیصد عراده تدارکات و آذوقه شان را برده عیناً تقدیم داشت. نقشه روز اسب دوانی را هم از برای تعیین امکانه فوج و سواره مشخص کرده تقدیم ساخت اگر مقبول خاطر مرحمت مظاهر افتد از همان قرار مجری والا به هر قسم مقرر شود اطاعت خواهد شد.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خانه زاد حسین

۲۴۰

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۹۷
شماره سند: ۲۳۷-۸
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، دستخط جهان مطاع
همایون شاهنشاهی روحانفاده را که در صدر عریضه این غلام خانه زاد در فقرة سیادهنی ها
شرف صدور یافته بود زیارت نمودم البته سیاست مدن لازم و امر مبارک همایون شاهنشاه
ظل الله روحانفاده واجب الطاعه است، همین قدر است که در قزوین پیش قزوینی ها هم از
علما و عوام قدر و قابلیت این غلام خانه زاد در خاکپای مبارک معلوم و آشکار شد،
به هر چه قبله عالم روحانفاده درباره این غلام بی مقدار بپسندند و روا بدارند شاکر و راضی
می باشم.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۲۴۱

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۹۷
شماره سند: ۲۳۸-۸
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به زیارت دستخط
مرحمت آیت مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده مشرف و سرافراز و مفتخر
گردید. چند طغرا تلگراف رمز از اسلامبول و لندن و پطر بورغ رسیده بود استخراج و
ترجمه کرده محض آن که خاطر مرحمت مظاهر مبارک ملوکانه روحانفاده زودتر از اخبار
قرین استحضار گردد برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نمود که در نهارگاه خسروانه هم
اگر باشد به خاکپای مرحمت اقتضای همایونی برسد. در باب تشریفات ورود موبک
فیروزی کوکب مسعود ملوکانه روحانفاده که مقرر فرموده اند که لازم نیست این غلام
خانه زاد بر حسب اقتضای جانثاری لوازم تشریفات را من جمیع الجهات حاضر کرده بود،

۲۳۶

پس از زیارت این دستخط جهان مطاع مبارک همه را مرخص نموده اطاعت امر قدر قدر ظل الهی را واجب تر شمرد. بر حسب اراده مطاعه مبارک که در باب تحدید حدود تلگراف رمز مؤکد به میرزا ملکم خان نمود و یک تلگراف رمز هم به حاجی محسن خان نوشت سواد هر دو را برای اطلاع خاطر خطیر مبارک لفاً تقدیم نمود. از حشمت السلطنه هم تلگرافی لفاً از عرض خاکپای جواهر آسای مبارک می گذرد رسید معلوم می شود آنطور خیالاتی که در حق محمد پاشا خان می رفت خود او در آن خیالات نبوده است تا بعد چه ظهور نماید. امروز چون یکشنبه است و پروتستان ها بیرون نمی آیند ایلچی انگلیس را از برای فردا خبر کردم که بیاید و مذاکره لازم را با او بکنم.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع غلام خان زاد حسین

۲۴۲

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۹۷
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 شماره سند: ۲۴۷-۸
 گیرنده: ناصر الدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، زیارت دستخط مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفاده موجب کمال افتخار و مباهات غلام خان زاد گردید. امر قدر قدر ملوکانه را شاطر باشی رسانید و فردا جسرا به جاجرود حمل خواهند نمود و انشاء الله مقبول خاطر عاطر شاهانه روحانفاده خواهد شد. در فقره جاف و کردستان دیشب و امروز با حسام السلطنه مذاکره نموده ام و خیال دارم به جهت مخارج قشونی که مأمور می شوند حسام السلطنه را و ادارم مبلغی به اسم پیشکش و کمک مخارج تقدیم خاکپای مبارک نماید. هنوز مسئله را با او تمام نکرده ام امیدوارم فردا کار را تمام نموده معروض آستان مبارک نمایم. بر آورد مخارج و تنخواه لازمی که به طور استقراض از خزانه مبارک به موجب حجت دریافت شود حاضر شده است، پس فردا به عرض خاکپای مبارک می رسانم و به هر طور که به اراده مطاعه خسروانه علاقه گیرد بدون ذره اختلاف اطاعت خواهم نمود. خداوند جان ناقابل این غلام را به تصدق خاکپای مبارک نماید. آمین

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

۲۳۷

تاریخ: ربیع الثانی/ ۱۲۹۷
 شماره سند: ۲۶۰-۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، به زیارت دستخط مبارک جهان مطاع همایون شاهنشاهی روحانفداه مشرف و مباهی گردیدم. فقراتی که درباره استرآباد به عرض رسانیده بودم تحریرات معتمدالملک بود به اعتقادات خودم، چنانچه اگر عین عریضه غلام خانه زاد موجود باشد و مجدداً به ملاحظه انور برسد تصریح نموده ام که تقریر معتمدالملک این است که عجالتاً حاکمی به جهت استرآباد بهتر و جامع تر از مصطفی قلی خان در میان نوکرهای همایونی نیست و هر که تکلیف تبدیل او را نماید به ذات اقدس شاهانه خیانت نموده است و انشاءالله این غلام هیچ وقت از آن اشخاص نخواهم بود و به نمک مبارک قسم است که کمال رعایت و حمایت باطنی و ظاهری را از او داشته و خواهم داشت و به لعنت خداوند گرفتار شوم که اگر ابدأ در باره احدی از خیر و صلاح همایونی بگذرم. در فقره فوج لاریجان و حرکت دادن آنها به طوری که امر شده است احکام آنها را در کمال تشدد و سختی امشب حاضر نموده فردا به عرض آستان مبارک می رسانم و اسمعیل خان را روانه می دارم و انشاءالله تا یک هفته دیگر خبر حرکت فوج را عرضه خواهم داشت. خاطر عاطر انور همایونی روحانفداه آسوده باشد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

تاریخ: جمادی الثانی/ ۱۲۹۷
 شماره سند: ۲۷۵-۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم،
 در مراجعت از آستان اقدس اعلی روحانفداه اللهیار خان آجودان باشی و جهانگیر

خان و سایر صاحب منصبان از قبیل حسام الدوله، ناصر الدوله و شجاع السلطنه و غیرهم را حاضر نموده در مسئله نان افواج مذاکرات لازمه را نمود و با این که موافق حساب روزی هفتاد و شش خروار خوراک افواج و نوکر و طبقات آن بود به روزی چهل خروار قرارداد که هر ده روز به ده روز یا بیشتر گندم را به جهانگیر خان تحویل داده از روز تحویل بعد از سه روز دیگر احدی از طبقات نظامی درب دکاکین خبازی مرئی نشوند و همه به همین قرارداد مسئول و ملتزمند. جهانگیر خان هم که پول می خواست این خانه زاد قبض از او گرفته و تنخواه به او می دهد که گندم را بخرد و چند دکان هم در نقاط معینه مفتوح نماید که ابدأ سرباز و توپچی و سوار و قزاق داخل بازار به جهت نان نشود. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۲۴۵

تاریخ: جمادی الاول/ ۱۲۹۷
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
سند شماره ۲۴۶-۸
گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس مبارک شوم، دستخط جهان مطاع همایون روحنا فداء که در خصوص ارسال بعضی اسباب و چوب آلات که به جهت جسر جاجرود مقرر و شرف اصدار یافته بود زیارت شد. موافق امر قدر قدر اعلی حضرت ظل اللهی روحنا فداء همان صورت اسبابی را که ذوالفقار خان خواسته بود فوراً نزد امین السلطان فرستاد، البته به موقف عرض بار یافتگان اعلی خواهد رسانید.

امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین

۲۴۶

تاریخ: ۲۲/جمادی الاول/۱۲۹۷
شماره سند: ۲۵۴-۸
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

شیر و خورشید

مرکز سلطنت آباد، مخبره تلگرافخانه عمارت مبارکه همایون از دارالخلافه

نمره ندارد

به خاکپای جواهرآسای اقدس همایون شاهنشاه جمجاه روحنا فداه، این که مقرر رفته بود به عرض برساند که در چه خدمت اشتغال دارد با کمال ادب و ضراعت معروض خاکپای اقدس می دارد که در تلگرافخانه حاضر و با حضرت ولیعهد در مخبره است، لیکن کار آذربایجان از بابت نبودن نان بسیار بد است و فقرا به هلاکتند. گندمی که از اطراف حمل می شد به واسطه ضرری که به صاحبان غله می رسید جلو گرفتند و دنباله اش بریده شده، فقط منحصر شده است به جنسی که باید از خمسه حمل شود و این غلام خانه زاد در تلگرافخانه خواهد بود تا این که یک قراری که موجب آسایش خلق و رضامندی خاطر مهر اقتضای مبارک باشد بگذارد.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع، غلام خانه زاد حسین (مهر تلگرافخانه مبارکه)

گیرنده مخبره

به تاریخ یکشنبه ۲۲ شهر جمادی الاول ۱۲۹۷

۲۴۷

تاریخ: ۲۴/جمادی الاول/۱۲۹۷
شماره سند: ۲۵۵-۸
فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
گیرنده: ناصرالدین شاه

مرکز سلطنت آباد مخبره تلگرافخانه عمارت مبارکه همایون از دارالخلافه

نصرالله خان سرهنگ

به خاکپای جواهرآسای همایون شاهنشاه ظل الله روحنا فداه عرض نمائید که دیروز

۲۴۰

تا مغرب در تلگرافخانه بودیم، از تصدق فرق مبارک کار غله پانزده روزه تبریز و دو هزار خروار گندم خمسه را حاضر نموده مطمئن شدیم، به اتفاق امین السلطان منزل آمدیم و تا ساعت سه امین السلطان در نزد این بنده بود و امروز هم از صبح آمده نزد من است و مشغول کاریم، از توجه همایون شاهنشاهی روحنا فداه کار حمل هزار خروار انبار هم رو به راه است، قلب مبارکشان آسوده باشد. خداوند این وجود مبارک را که این قدر رأفت و رقت قلب دارند در حفظ و حمایت خود محفوظ داشته و سایه مبارک را از سر ماها کم نگرداند.

حسین (مهر تلگرافخانه مبارک)

گیرنده مخابره

به تاریخ سه شنبه ۲۴ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۹۷

۲۴۸

شماره سند: ۲۵۶-۸

تاریخ: جمادی الاول/۱۲۹۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم،

به زیارت دستخط مبارک که ثانیاً مقرر آمده بود افتخار حاصل نمود. این غلام از وقتی که امر قراسورانی را به امین الملک راجع داشته دیگر به جزئیات شخصاً رسیدگی نکرده و قرار رئوس مسائل را به توسط امین الملک می گذارد این مقدمه سرقت راه شاهزاده عبدالعظیم هم چنین نیست که به عرض رسیده است، قراسورانها گرفته و دزد هم پسر عینعلی خان نوکر مرحوم عمادالدوله است که یک وقتی خیلی در نزد آن مرحوم معتبر بود و اموال هم غیر از اینها زیاد پیش اینها پیدا شده است. رقعته [ای] که صبح امین الملک در گرفتاری سارقین به این غلام نوشته بود و مشروحاً نوشته است لفاً تقدیم خاکپای مبارک همایون روحنا فداه گردید

امرالاقداوس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خانه زاد حسین

تاریخ: جمادی الاول/۱۲۹۷
 شماره سند: ۲۵۷-۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم،
 دستخط جهان مطاع مبارک زیارت شد این غلام خانه زاد صبح این مقدمه را شنیده
 بود که دیشب چند نفر پیاده از باری که از سلطنت آباد می آورده اند بعضی اسباب با یک
 قاطر برده اند به امین الملک هم اعلام شد که زودتر قدغن نماید مرتکبین را پیدا کنند. بعد
 حسینقلی خان نانکلی و آدم امین السلطان آمدند دزد پیاده را معلوم کردند، خود
 امین السلطان هم حاضر بود. مراتب را در پیشگاه اقدس اعلی روحناده معروض خواهد
 داشت و از گرفتن مرتکبین و اسباب و قاطر غفلت نمی شود.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع غلام خانه زاد حسین

تاریخ: جمادی الاول/۱۲۹۷
 شماره سند: ۲۵۸-۸
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گروم،
 دستخط مطاع مبارک را زیارت کرد درست مرقوم شده کار ارزاق آذربایجان به
 سختی کشیده و علاج فوری لازم دارد. اقداماتی که این غلام جان نثار کرده بود به توسط
 تلگراف به عرض رسانید، لکن عمیدالملک تا هنوز تعهد درستی نکرده و علما و اعیان
 تبریز هم زیاد ناله از نبودن جنس کرده اند که اصل جنس نیست والا کسی احتکار نکرده
 فرضاً هم هر کس احتکار کند امروز روز سکوت و تحمیل نیست. کلاً بیرون خواهیم
 آورد، لیکن از طرف دولت باید علاج فوری در این کار بشود این غلام جان نثار در جواب
 نامه ها تحسین کرد و دل داد لیکن نوشت که علاج فوری این است که شده و می شود شما

هم هر چه به نظر تان می‌رسد اظهار کنید، دولت حتی المقدور از انجام آن مضایقه نخواهد کرد. هنوز جواب آن‌ها نرسیده که چه تکلیف می‌کنند. یادداشتی هم حالا از سفارت انگلیس راجع به این مطلب رسید در لف عریضه از نظر انور همایونی روحنا فداه می‌گذرد. این غلام جان‌نثار این دو روز تمام هم خود را منحصر به این کار کرده و هر چه از قوه عاجزانه این غلام برآید خودداری نخواهد کرد و جای خودداری نیست، چنان که از صورت مخبرات که فردا به نظر مبارک می‌رسد معلوم خواهد شد که از هیچ نکته فروگذار نشده، حالا جزو اخیر و عمده این کار فرستادن جنس از دارالخلافة است که از فردا جناب امین السلطان به جد حمل نماید. این‌ها به عقل قاصر این غلام بی‌مقدار رسیده رأی انور اقدس همایون روحنا فداه هم که مظهر الهام خداوندی است به هر چه علاقه گیرد مقرر فرمایند که اقدام شود. این‌ها که عرض نمود محض اطلاع خاطر مبارک از وضع و حالت است والا از مراحم همایونی روحنا فداه این غلام تا کار را به یک جایی نرساند که اطمینان از رفع اشکال این کار حاصل نکند بر نخواهد خاست و هر چه کرد مراتب را به عرض خواهد رساند.

الامرا الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع، غلام خان‌زاد حسین

۲۵۱

تاریخ: جمادی الاول / ۱۲۹۷ شماره سند: ۲۶۹-۸

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم...

اعلیحضرت ملوکانه روحنا فداه را به معتمد الملک...^{۶۱}

و با هزاران زبان و بیان خلوص به تقدیم سجدهات تشکر پرداخته در کمال ضراعت و..... روحنا فداه پوشیده نیست که حالا برای مازندران منافی قابل متصور نیست و اگر سابقاً در این عرض شبهه [ای] بود عرض حال حاکم حالیه شاهد حال است و حکومت آن جا تجزیه است ساعدالدوله محل مخصوص دارد امین السلطان هم علیحده گمرک

۶۱. قسمتهای نقطه چین شده این سطر و سطر مقابل حاصل بریدگی موجود در اصل سند می‌باشد.

هم که موضوع است بقیه هم دهات آباد تیول شده است چیزی که باقی مانده است چند شهر از قبیل ساری و آمل و غیره است و اگر رای مرحمت اقتضای اقدس اعلیٰ به تکمیل این موهبت قرار یابد که استرآباد هم ضمیمه شود چنانچه در سابق هم حاکم واحد از قبیل مرحوم اعتضاد الدوله و عضدالملک داشت حالا هم همان موهبت مبذول آید که در جان نثاری صرف اوقات را دقیقه [ای] به عطلت نگذارد و اگر از باب سرحدی و قشون کشی آن محل باشد همین استرآباد است که ضمیمه مازندران و در حکومت مرحوم اعتضاد الدوله مقرر بود و محمدعلی خان را از طرف خود گذارده بود این مسئله ذیل استدعای عاجزانه معتمدالملک است که در موقع این موهبت به وسایل ظهور عنایات ملوکانه به موقف عرض آورده و به موجب امر قدر قدر همایونی روحانفداه خودش هم حاضر است که برود و آن طور که میل خاطر انور اقدس است در انتظام امور و آسایش مردم اقدام نماید تا رای صواب نمای همایونی چه اقتضا فرماید

امر الاقدس الاعلیٰ مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۵۲

شماره سند: ۲۸۵-۸

تاریخ: غره جمادی الثانی / ۱۲۹۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، جان عالم و عالمیان تصدق و وقایه وجود مسعود مبارک اعلیحضرت ظل الله روحانفداه باد و ادعیه عبیدانه خالصانه غلامان بدرقه دائمی موکب فیروزی نشان همایونی و هیچ روز مباد که چشم خانه زادن خاصه این غلام از خاکپای اقدس اعلیٰ توتیا نگیرد، زیرا که تلخی و عذاب حرمان از حضور مبارک نه آن قدر بر این خانه زادن سخت و صعب است که به تصور درآید، باز تجدید دعای بی ریا نموده از خداوند مسئلت دارد که سایه بلند پایه اعلیحضرت شاهنشاهی ابدالدهر بر مفارق جهانیان پاینده و ابدی باد در کمال ضراعت و انکسار در موقع عرض این عریضه عاجزانه

به تقدیم یکصد تومان نقد و یک طاقه شال لیموئی مبادرت ورزیده از کرم عمیم شاهنشاهی
روحانفداه استدعای قبول و بخشش افتخار و سرافرازی دارد و امیدوار است کرم خسروانه
این غلام را خجمل نخواهد تلغراف رمزی هم که بر حسب امر به ناظم الملک مقرر شد
بنویسد امروز مخابره کرده مسوده آن را عیناً تقدیم خاکپای جواهر آسای اقدس اعلی
روحانفداه ساخت از شرف عرض خواهد گذشت

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه بالای سند]: جناب سپهسالار اعظم عریضه را دیدم، پیشکش که

فرستاده

۲۵۳

شماره سند: ۱۷۰-۵

تاریخ:

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم،

اسمعیل افندی به جهت سه مطلب به ملاقات غلام خان‌زاد آمده بود. اولاً تلغرافی از
باب عالی ابراز نمود که در جواب مشارالیه نوشته بودند، در فقره حرکت هر کسی احکام
مؤکد و مشدد به ولایت وانوموش فرستادم که در صورت صدق رؤسای مرتکبین این
حرکت را گرفته به اسلامبول بفرستند و سایر را در همان جا تأدیب و تنبیه نمایند و اگر
مالی به غارت برده‌اند استرداد نمایند و ثانیاً باز تلغرافی از باب عالی ابراز نمود که در فقره
حرکت اهالی مدینه مأمور مخصوص فرستادم که تحقیقات لازمه را به عمل آورده مرتکبین
حرکت خلاف را قویاً تنبیه و از مدینه تبعید نمایند و در هر دو تلغراف خیلی اظهار
خصوصیت و مودت نسبت به دولت ایران نموده بودند و ثالثاً تلغرافی از عاکف پاشا والی
جدید بغداد ابراز نمود که بعد از اظهار خصوصیت فوق‌العاده نسبت به غلام خان‌زاد
به قدری از حسینقلی خان والی پشتکوه شکایت کرده بود که حد نداشت و نوشته است

۲۴۵

هنوز حرکات اولیه او مرمت نشده کارپرداز و مطهر پاشا معاودت نکرده باز دو مرتبه تجاوز از خاک ایران نموده و در خاک عثمانی عشایر ما را نهب و غارت نموده است و در آخر این تلغراف قدری تهدید نموده بود که زیاده بر این من نمی توانم طوری تبعه و مأمورین خودمان را نگاه دارم، منتظر جواب این تلغراف می باشم که اگر باز نتیجه و ثمری مترتب نشد تبعه و مأمورین خودمان را مطلق العنان نمایم. فدوی خان‌زاد بعد از اظهار استبعاد زیاد قرار جواب عاکف پاشا را به فردا دادم به عرض آستان مبارک برسد به هر چه مقرر فرمایند جواب داده شود. اعتقاد خان‌زاد این است چون حشمة الدوله از محرمه مراجعت و به خرم آباد خواهد آمد به قدر یک ماه چهل روز او را بر وجود خواسته از حالات پشتکوه و ایالت او استحضار حاصل نموده بعد مراجعت بدهد. امر امر قدر قدر همایونی روحنا فداه است.

[دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]: در باب عهدنامه تجارتنی ایران و روس تغییر

داده شود. انشاءالله

۲۵۴

شماره سند: ۱۲۷، ۱۲۸ - ۱۷۰

تاریخ: ندارد

گیرنده ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم،

در فقره کار خراسان در دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحنا فداه شرف صدور یافته بود که این غلام خان‌زاد ملاحظه و تأمل نموده پس از ورود موکب مسعود ملوکانه اگر چیزی به عقل ناقص فدوی مفید بیاید به عرض خاکپای انور برساند. حرکتی که این دفعه از تراکمه به وقوع رسیده است از روی حقیقت از برای هر نوکر با غیرت دولتخواه خیلی جای افسوس و کدورت است، در وقتی که سایر دول متوقعند که دولت علیه ایران مرورا به زور اسلحه مسخر نماید یا مانع تصرف و مداخله روس در امور تراکمه گردد جسارت آنها به درجه ای برسد که از عدم مراقبت و مواظبت مأمورین خودمان تا نزدیک مشهد آمده نهب

اموال و گرفتن اسیر نموده به پای گوسفند حرکت نمایند و مطمئن باشند که از تعاقب آن‌ها به جهت استرداد اموال منهوبه احدی نخواهد آمد نوکری که دولت در خراسان اداره می‌نماید به قدر یک اردوی بزرگی است، به نمک مبارک همایونی روحنا فداه قسم است اگر حقوقی که دولت از برای نوکر معین کرده است و از کیسه دولت خارج می‌شود یا نقد مرحمت می‌فرماید و یا به خرج حکام می‌آورد تماماً به جیب نوکر داخل شود، حکام و مباشرین در او طمع نکرده نوکر را بی‌پا ننمایند، هیچ خدمتی نیست که از قشون ایران ساخته نشود و از یک فوج یا یک دسته سوار این دولت به حق خدا به قدر ده مقابل این عدد قشون سایر دول کار ساخته می‌شود، چه فایده که حکام و مأمورین ما انصاف ندارند و به جز منافع شخصی خودشان از هر راه و هر قسم باشد به چیز دیگر ملتفت نمی‌شوند و به وسایل و اسامی مختلفه هر قدر ممکن است از حق نوکر بیچاره برمی‌دارند و نوکر را بی‌پا و مأیوس می‌کنند، نتیجه او این قسم می‌شود که پیاده ترکمان می‌آید و از پشت دروازه مشهد گوسفند می‌برد و سوارهای ما جرأت تعاقب ندارند. روساء و حکام کمال سعی را می‌نمایند که عمل را در نظر همایونی قلیل و خفیف قلم بدهند و همچو می‌دانند که به همین تردستی رفع عیبها شد. بعد از آنکه به ترکمان تا طرق بیاید گوسفند و مال و آدم ببرد و کارگذاران ماده روز قبل از دخول ترکمان به خاک ایران مطلع شده تهیه به جهت دفاع حاضر نکرده باشند و بعد از وقوع مقدمه چند روز باز ترکمان در خاک ایران بوده و از کثرت اطمینان به پای گوسفند حرکت نمایند و جمعیتی به جهت استرداد اموال منهوبه فرستاده نشود. چه تفاوت خواهد داشت که چهل هزار گوسفند برده باشد یا چهار هزار یا چهل عدد، نواقص و مفاسد امور ما در جای خود باقی خواهد بود و هیچ نوکری که داعیه غیرت و وطن پرستی و ادای حقوق ولی نعمت داشته باشد نمی‌تواند باز بنا به ملاحظه اشخاص سکوت نموده و پرده پوشی نماید و در صدد اصلاح مفاسد امور بر نیاید و معایب را به جهت دولت باقی بگذارد. به دو قسم ممکن است کار خراسان را منظم داشت یکی به حالت حالیه، به این معنی که یک نفر حاکم مسلط و مقتدر مختار در امور ولایت و معامله و قشون گذارده شود و هر چه او لازم دارد و بخواهد از سوار و پیاده و پول علاوه بر آنچه در خراسان موجود داریم به او داده شود و رفع این مفاسد و معایب را از او بخواهیم در

این صورت فدوی خانه‌زاد حاضر است هر قدر که حاکم استعداد بخواهد و ذات مقدس ملوکانه روحنا فداه صلاح بدانند و امر بفرمایند حاضر نموده بفرستم و دولت هم علاوه بر مالیات خراسان باز وجهی مرحمت بفرماید و همان تنخواه به عینها معاودت به طهران و داخل خانه حاکم گردد. قسم دیگر این است که عمل تجزیه شود، به این طریق که حاکم هر که هست مسئول در معامله و لوازم او باشد و یک سرکرده‌ای به جهت نظم و تاخت و تاز و 'سنت طرق و رسانیدن حقوق نوکر و منتظم داشتن امور آنها. در صورت اول پار[ای] معایب به نظر می‌آید که رفع آنها خالی از صعوبت نیست. اولاً یک نفر که مسئول عمل مالیات و معامله و قشون و طرق باشد مشکل است و نمی‌تواند حواس خود را هم صرف تحصیل مالیات و لوازم او نماید و هم چشم و گوش او شب و روز باز باشد که از هر گوشه صدائی بلند شود، فوراً در تهیه دفع او بشود. ثالثاً اشخاصی که از برای این خدمت در نظر هستند به قدری حرص و طمع دارند که در همان عمل مالیاتی و معامله به طوری غرق می‌شوند و در خیال جلب نفع خودشان می‌افتند که نظم قشون و انتظام طرق و ابراز قدرت و شوکت دولت را در درجه ثانیه و ثالثه منظور خواهد داشت و هر وقت صدائی بلند شود، حاکم نوکر حاضر را مأمور می‌نماید و مطمئن است که اگر کاری هم نشد به عهده آن مأمور خواهد بود و عذرهای تراشد که به محض شنیدن حرکتی فلان سرکرده را فرستادم رفت و خیلی هم زحمت کشید، لیکن کاری از پیش نبرد. سرکرده هم چون مستقیماً مسئول نیست و خیر و شر را راجع به حکومت می‌داند چنانچه باید دلسوزی نکرده خود و سوار را از خطر و مهلکه حفظ می‌نماید و جسارت طرف مقابل زیادتر شده بدنامی به جهت دولت می‌ماند و حاکم خراسان همینکه خود را مختار در کل دید خودش را محتاج الیه می‌داند و از هر گونه تکالیف شاقه به دولت مضایقه نخواهد کرد و یک وقت معلوم می‌شود که وجود خود او اسباب خیال دولت شده است، بعد مجبور به اخذ تدابیر در دفع او باید شد و البته در نظر دورانیش همایونی مخفی نیست. در هر صورت اگر رأی مبارک به اداره شق اول که اختیار کلیه یکنفر حاکم مختار در کل قرار گرفت باید هر چه زودتر ممکن است حاجی ظهیرالدوله و یا هر کس را که قبله عالم و عالمیان روحنا فداه صلاح بدانند به مورد سؤال آورده و هر چه استعداد لازم دارد و بخواهد این غلام خانه‌زاد

حاضر است که آماده نموده روانه دارد، مشروط بر اینکه اگر یک بزغاله از خراسان برود یا پای یک ترکمان به طور مخالفت به خاک خراسان برسد مسئول باشد، یعنی مسئول واقعی نه این قسم مسئولیت‌هایی که حالا متداول است و اگر رأی همایونی به شق ثانی قرار گرفت که تجزیه شود، این غلام خانه‌زاد می‌تواند در خاکپای مبارک تعهد نماید و به ذمه بگیرد که منع تاخت و تاز و امنیت طرق و حفظ سرحدات و رسانیدن حقوق نوکر و پادار کردن سواری آن جا را طوری نماید که اگر یک بزغاله از خراسان برود یا پای یک نفر ترکمان به مخالفت داخل خاک ایران بشود از عهده برآمده در خاکپای مبارک غرامت بدهم و قبول مسئولیت نمایم. فدوی خانه‌زاد معنی مسئولیت را در خاکپای اقدس اعلی و درجه اهمیت او را خوب می‌داند. هرگاه این شق مقبول خاطر انور ملوکانه روحنا فداه گردید آن وقت طرح جداگانه دارد که باید با سرکردگان خراسانی و یک نفری که از اینجا می‌فرستم قرار داده شود و سرکردگان خراسانی بعضی هستند که باید احضار به دارالخلافه نموده بعد روانه سازم و بعضی هستند که باید به نوشتجات دستورالعمل بدهم بعد از استحضار از رأی صریح شاهانه آن طرح هم مکتوباً به عرض خاکپای مبارک خواهد رسید. این فقره هم در خاکپای مبارک همایونی معلوم باشد. از تصدق فرق مبارک و از برکت توجه و تربیتهای شاهنشاهی روحنا فداه سرکردگان خراسانی همینکه دانستند و فهمیدند که مستقیماً در نزد فدوی خانه‌زاد مسئول هستند می‌دانند چه قسم باید حرکت نمایند و یقین دارند که اجر خدمت و جزای خلاف و تکاثر آنها بلا تردید داده می‌شود و بعد از فقره شجاع الدوله و معاودت او یک اطمینان فوق‌العاده به اقوال فدوی حاصل نموده‌اند، البته در نظر مبارک هست یک سمت خراسان متصل به افغانستان است و هر قدر در انتظام کلیه خراسان اهمال شود و خدای نکرده از این وقوعات اتفاق افتد مایه قوت افغان‌ها و کثرت اعتنای انگلیس‌ها به آن‌ها و بی‌اعتنایی به ما خواهد گردید. امر امر همایون شاهنشاهی روحنا فداه است.

غلام خانه‌زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت سند]: التزام سه‌ساله است در کار خراسان.

تاریخ: ندارد

شماره سند: ۲-۱۳۵-۱۷۰

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم،

در توقیع رفیع همایون ظل‌اللهی روحنا فداه شرف ترقیم یافته بود که دستخط‌های مبارک شاهنشاهی که در این سنوات به افتخار این غلام خان‌زاد شرف صدور یافته است اغلب که جواب عرایض و مطالب داخله و مسائل عادی به است‌اهمیتی ندارد، لکن پارهای که در امور مهمه و معظمه خاصه راجع به امور پولتیکی است مثل سایر اسناد دولتی نباید از آرشیو دولت خارج باشد. در فقره مذاکره هرات با انگلیسی‌ها خیلی نوشتجات در میان بود که اکثر یا موشح به دستخط مبارک بوده است یا رأساً مرقوم شده است، آن‌ها را خوب است منتخب کرده به خاکپای مبارک ایفاد و تقدیم دارم. با کمال ضراعت و خاکساری عرضه می‌دارم هر امر و فرمایشی که از مصدر جلالت صادر شود غلام خان‌زاد او را واجب‌الاطاعه فوری دانسته و می‌دانم و از حکیم علت و جهت سنوال کردن یک نوع جسارت و غلط است، دستخط‌های مبارک تماماً همراه این غلام نیست. نوشتجات و دستخط‌های متعلقه به امر هرات که اهمیتش از همه زیادتر بود در جعبه مخصوص خود ضبط نموده بودم که احدی نبیند و مطلع نشود، حاضر بود فوراً موازی پانزده طغرا از عرایض که صدر آن‌ها موشح به دستخط مبارک است یا فرمایشاتی است که رأساً و مبادرتاً شرف صدور یافته در جوف پاکت گذارده مهر نموده نزد جناب امین‌الملک فرستادم که تقدیم خاکپای مبارک نماید. سایر اوامر و توقیعات همایونی بعضی همراه و متفرق است که باید جمع نمایم و بعضی همراه نیست که باید حاضر نموده تقدیم نمایم. انشاءالله عنقریب همه آن‌ها به حضور مهر ظهور اقدس اعلی روحنا فداه در کمال امانت و نهایت دل‌سوزی تقدیم خواهد شد.

امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خان‌زاد حسین

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم،

در تویعات رفیعه همایون شاهنشاهی روحنا فداه مرقوم بود که در باب تفاوت عمل خراسان و قرارداد هذه السنه آنچه عرض کرده بودم مقرون به صدق و مطابق واقع بوده است و در این مواقع خاطر خطیر همایونی در باره این غلام خانه زاد مشوب نیست و یقین دارید آنچه عرض می‌نمایم صحیح و درست است. از زیارت این امر همایونی فوراً سجده نمودم که به حمدالله صدق عرایض خانه زاد در خاکپای انور معلوم و مشهود شده است، نه تنها در این مواد بلکه در جمیع امور که از خود غلام استفسار فرمایند، والله العلی الغالب به نمک مبارک شاهنشاهی روحنا فداه قسم است به جز صدق و عین واقع امکان ندارد چیز دیگر عرض نمایم. در فقره مأخوذ از خراسان و آذربایجان که شرف ترقیم یافته بود به جناب امین‌الملک امر همایونی شرف صدور یافته است که اطلاعات لازمه به غلام خانه زاد بدهد که رفع اختلافات را هم نمایم تا تکلیف دیوان با کار گزاران خراسان و آذربایجان معلوم گردد. جناب مشارالیه شرحی نوشته بودند در کمال عبودیت و خاکساری عرضه می‌دارم که خزانه نظام در محاسبه که الان می‌دهد یک مبلغی از بابت توشقان نیل آذربایجان و یک مبلغی از بابت لوی نیل خراسان قلمداد نموده و جمع خود کرده است. اگر اسنادی که کار گزاران آذربایجان و خراسان از خزانه نظام سابق در دست دارند مطابق است با آنچه قلمداد و جمع شده است و خرج او را گرفته‌اند جای حرف باقی نمی‌ماند و اگر اسناد کار گزاران آذربایجان و خراسان علاوه بر آن قلمدادی است که خزانه نظام کرده است آن علاوه یا ثانیاً جمع می‌شود یا عوض او دریافت می‌گردد و هیچ اختلافی در عمل حساب به میان نخواهد آمد و تنخواه دیوان نه عیب کرده و نه خواهد کرد، ولکن حاجی میرزا علی نقی به جز حقانیت و عدالت فطری همایونی امیدی ندارد، گویا قدری با او به سخت گیری و خارج از قاعده حساب می‌خواهند رفتار نمایند. امید و استدعای صدور حکم به حساب

و حقانیت در باره مشارالیه دارم. امر امر قدر قدر همایون شاهنشاه جمجاه روحنا فداه است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

۲۵۷

تاریخ: ۱۲۹۷ هـ. ق.

شماره سند: ۱۹-۵۷

فرستنده: —

گیرنده: —

فدایت شوم چون حالت بخت این بنده این است که در مثل آذربایجان جایی در معامله شش سال اگر بیست هزار تومان ته بمانده و خورده و پاشیده مالیات نزد حکام باشد چهار روز دیر و زود می شود طوری بدگو دارم والاف والوف قلم می دهند و در سایر بلاد صد هزار و پنجاه هزار اگر باقی داشته باشند نقلی نخواهد بود چون سه روز قبل جناب جلالتماب حضرت اجل سپهسالار اعظم تلغرافی کرده بودند که یک سد و چهل رأس اسب خریدار شود و تدارکات اردوئی که حسب الامر مقرر است در سرحد زده شود این بنده از بابت مالیات هذه السنه بدهد هر چه تصویری نماید بعد از وضع مخارج تیولات و مقرری و مستمری وجه نظام و مقرری حضرت ارفع والا ولیعهد روحی فداه و مواجب و مقرری بعضی از ملتزمین رکاب که به خرج آذربایجان می آید چندان قسطی و باقی برای آذربایجان نمی ماند که بتوان به این مخارج رسانید چنانچه در سنه ماضیه سی هزار تومان باقی و دستور العمل آمده بود امسال اگر کمتر نشود زیاد نخواهد شد معادل شش هزار و پانصد و شصت تومان موضوعات و مکرر جمع شده و کسر محل است که در سنه ماضیه سهواً موضوع نکرده بودند و جزء قسط افتاده بود در ثانی به خرج قسط قبول فرمودند در هذه السنه استدعا دارم قدغن بفرمائید که از حشو موضوع کنند که اسباب زحمت و گفتگو و جواب و سؤال نشود بیست و سه هزار و هفتصد و نود تومان باقی بود باقی دستور العمل پارساله را حشو گذاشتند موضوعات را موضوع نموده آنچه تا به حال حواله شده فدوی نوشته ایفا داشتم که در نظر مبارک حضرت اجل اعظم عالی مدظله العالی

۲۵۲

باشد که پس فردا برای هر مخارج هزار نوع گفتگو نشود این اردو مبالغی خرج دارد از قبیل مخارج و کرایه و سیورسات و غیره اگر کار اردو به زمین بماند خدای نخواستہ امری روی داد مورد مؤاخذه می شوم و اگر بخواهم انجام بدهم یک پول در دست نیست چگونہ می توان چهارده پانزده هزار قشون را به صرف حرکت داد هر طور حضرت اجل اعظم دام اجلاله العالی مقرر می فرمائید رفتار شود الامر العالی مطاع

۲۵۸

تاریخ: شوال ۱۲۹۷
شماره سند: ۱۲۲-۱۲۱-۵۷
فرستنده: ولیعهد مظفرالدین میرزا
گیرنده: میرزا یوسف مستوفی الممالک

هو

جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم اعظم آقا، اولاً انشاء الله حالت مزاج آن جناب مستطاب قرین کمال صحت و استقامت بوده و در سایه مسعود مبارک همایونی روحانفاده نهایت خوشوقتی و مسرت از شمول مراحم علیه ملوکانه دارند، ثانی یک و دو فقره تلگراف به آن جناب نموده ام و جوابی نرسیده خیلی مایه نگرانی گردیده اکنون که چاپار دولتی عازم بود محض استعلام حالت مزاج آن جناب اشرف این مختصر ملفوفه مهر مالوفه مرقوم می شود و ضمناً فقره [ای] که اظهار آن را لازم می دانم اینست در باب مخارج علاوه بر دستور العمل و باقی که در کتابچه دیوانی این مملکت قلمداد شده صورت مخارج علاوه بر دستور فقره به فقره در ضمن کتابچه مخصوص نوشته شده با چاپار قبل نزد جناب مستطاب مشیرالدوله انفاد گردیده بود. مقارن ورود چاپار به دارالخلافه که فقره خیر معافی جناب معزی الیه رسید من تلگراف نمودم که همان نوشتجات را سربسته نزد آن جناب بیاورند ملاحظه نموده در باب بعضی فقرات و مطالب لازمه مملکتی که اظهار شده بود مطلع بوده مراتب را به عرض برسانید تا وصول تلگراف من چون چاپار آذربایجان در جناح حرکت بوده است آن پاکت را هم عودت داده ام، حال عین آن کتابچه را نزد آن جناب مستطاب می فرستم که ملاحظه نموده مستحضر بشوید. مخارجی که در آن جا قلمداد شده همه موافق دستخط مطاع مبارک همایونی روحانفاده و مطابق سند است شرحی که به

جناب مشیرالدوله نوشته بودم چون این فقره درست در ضمن آن نوشته تشریح شده است آن را انفاد داشتیم بعد از آن که در مخارج و فقرات آن تأمل کردید مراتب را انشاء الله به عرض اقدس رسانیده و تکلیف مرا در این باب عاجلاً معلوم بدارید.

فی شهر شوال المکرم ۱۲۹۷

امضا

۲۵۹

شماره سند: ۸-۱۶۱/۴

گیرنده: ناصرالدین شاه

تاریخ: ندارد

فرستنده: علاءالدوله

تصدق خاکپای مبارکت شوم، امین السلطان را مرخص زیارت مکه فرموده‌اند خدمات متعدد و مختلف به او رجوع است، آدمی که بتواند از عهده خدمات محوله به او بخصوص در سفر برآید ندارد اگر باطناً رأی همایونی مایل به رفتن او نیست خانه‌زاد نمی‌گذارد که بعد از این در این باب استدعائی نماید، مشغول خدمات محوله به خودش باشد. امین السلطنه یا غیره نمی‌توانند از عهده کار او برآیند چون امروز با او حرف زده خودش را هم پشیمان از این اصرار دیدم جسارت نمود.

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه نامه]: علاءالدوله ما دقیقه‌ای راضی نیستیم امین السلطان از خدمت خود دور باشد خودش چون اصرار زیادی دارد از آن جهت مرخص کردم اگر بتوانید منعی بکنید بسیار بجاست.

در باب مأخوذ معتمدالملک از تنگوزئیل تنخواه دیوان غارت و چپوست، آنچه مأخوذ کرده است بدون خرج معینه باید پس بدهد به این معنی که همان وجه را که منبع خط سیاق است پای وجه نظام گیلان بگذارد، جناب سپهسالار از معتمدالملک بگیرد هم به سپهسالار جناب آقا اطلاع بدهد که به ناصرالملک تلگراف بکنند که این منبع از وجه نظام را کسر بگذارد که خود جناب سپهسالار اعظم از معتمدالملک بگیرد. تلگرافی هم به خود معتمدالملک در این فقره جناب آقا بکنند در اصفهان به او بدهد جواب بگیرند که این

۲۵۴

منبع مأخوذ شخصی شما را پای وجه نظام تنگوزئیل گیلان گذاشته‌ایم به جناب سپهسالار باید پردازد و اگر حرف حسابی هم داشته باشد بگوید.
باقی محل را هم از ناصرالملک سوال بکنند.

۲۶۰

شماره سند: ۱۱-۱۸

تاریخ: ۱۲۹۷ ق

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، به طوری که امر قدر قدر جهان مطاع مبارک اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه به شرف صدور مقرون گردیده به نریمان خان تلگراف کردم که پنجاه هزار تومان بانک را پنج هزار قبضه تفنگ کوتاه قرابینه سواره و سه کرور فشنگ آن [را] ابتیاع و ارسال نماید، لکن در خاکپای مبارک واضح است که قیمت این تفنگ و فشنگ قریب دو هزار تومان از پنجاه هزار تومان زیادتر می شود و تنخواه بانک هم پنجاه هزار تومان حساب شده، حال آن که لابد نریمان خان مبلغی مخارج وصول کردن آن نموده است که کسر خواهد شد اگر چه فدوی تلگراف کردم که معطل زیاد و کم نشده زود ابتیاع و ارسال نماید اما لازم است تنخواه از برای او تهیه شود که در وزارت جنگ اتریش معطل نکنند. برای توضیح تلگراف رمز ناظم الملک در باب خیال آن که عثمانی ها می خواهند زور خلافتی در هندوستان و ایران نشان بدهند امر مطاع مبارک شرف صدور یافته بود. اطاعة جسارت می ورزد اولاً می خواهند ملت اسلام را در صفحات آسیا متحد نمایند مثل آلمان به طوری که به هر یک از آنها از طرفی یا از دولتی تعرض شود همه به صدا بیایند و یا بناء این هیئت اتحاد به خلافت سلطان عثمانی باشد، چنانچه در روزنامه اختر شرحی از لزوم اتحاد اسلام^{۶۲} درج کرده و شرحی هم راجع به ایران از روزنامه (پل مل گازت) که روزنامه انگلیس است و از قول مخبر طهران نوشته نقل نموده نسخه روزنامه اختر لفاً تقدیم شد که هرگاه اراده مطاعه مبارک علاقه گیرد از عرض لحاظ انور بگذرد، اما این ها همه خیالاتی است که عثمانی بعد از یأس اقتدار در رومیلی کرده

۶۲. در بالای سطر اضافه شده است: (از ترجمه) که چند کلمه آن ناخوانا است

می خواهد به قوت مسلمان‌های آسیا خودداری نماید و از جمله خیالاتی است که هرگز صورت پذیر نخواهد بود چرا که اهل ایران عموماً من دون الاستثنا احدی زیر خلافت عثمانی و سنی نمی‌رود. اهل هندوستان هم اکثری خلافت آن‌ها را قبول نمی‌نمایند باز همان طوری که حالا هستند خواهند ماند و این خیالات واهی هدر خواهد شد اگر چه حالت گرانی و وضع آذربایجان دیروز در ضمن عریضه عبیدانه جسارت و عرض شده امروز هم از حضرت والا ولیعهد و دیگران تلگراف رسیده بود برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نمود. پاکت حشمت السلطنه نیز لفاً از عرض خاکپای مبارک خواهد گذشت. سایر امور عموماً از شمول توجهات همایونی در کمال انتظام است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانم‌زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در بالای صفحه]:

جناب سپهسالار اعظم علاوه بر تنخواه بانک هر چه قیمت اسلحه که معین کرده‌ام بود بعد از تعیین و دقت شما برات صادر بکنید علاوه تنخواه داده می‌شود که انشاء الله همین پنجاه^{۶۳} قبضه قرابینه و سه کرور فشنگ به زودی اتباع شده برسد.

روزنامه اختر را خواندم^{۶۴} و از خیالات عثمانی که توضیح کرده‌اید مطلع شدم. بعد از این هم هر چه شد به عرض برسانید.

سنه ۹۷

۲۶۱

شماره سند: ۱۱۱-۳۶

۸/شوال/۱۲۹۷

گیرنده: سفرای دول متحابه

[دستخط ناصرالدین شاه]:

به سفرای دول متحابه نوشته شد

بر حسب اراده علیه سرکار اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی

۶۳. بارقم سیاق نوشته شده است.

۶۴. اصل: خاندنم

روحنا فداه جناب جلالتمآب اشرف حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله به ملاحظه مقتضیات چند از منصب سپه سالاری و وزارت امور خارجه خلع گردید و حسب الامر الاقدس الاعلی بنده درگاه که صدیق الملک رئیس دفاتر وزارت جلیله خارجه هستم عجالاً برای انجام اظهارات و رجوعات سفارت محترمه دولت فخمه متبوعه آن جناب جلالتمآب حاضر می باشم تا قرار دیگر که لازم است به اقتضای رأی جهان آرای همایون اقدس صاحبقرانی داده شود. برای استحضار خاطر شریف آن جناب جلالتمآب زحمت افزا شد. فی یوم سه شنبه ۸ شهر شوال المکرم ۱۲۹۷

۲۶۲

شماره سند: ۴۲-۱۷۰

تاریخ: شوال ۱۲۹۷

[دستخط ناصرالدین شاه به ولیعهد مظفرالدین میرزا]

۱- آذربایجان تلگراف بشود به ولیعهد

بنا به مقتضای مصالح دولتی سپهسالار از مناصبی که داشت خلع شد و از این تاریخ به بعد سپه سالاری و ریاست کل قشون منحصر به وجود خود پادشاه است و ما خود به نفسه به امور قشون رسیدگی خواهیم فرمود. همین حکم را به همه صاحب منصبان سواره و پیاده و توپخانه و آحاد و افراد قشون برساند و یکان یکان همه را مطلع نماید، من بعد هر عرضی و مطلبی داشته باشند بلا واسطه به عرض ما برسانند و احکام لازمه در این خصوص بعد از^{۶۵} این شرف صدور خواهد یافت. بعد از این مطالب ولایتی و سرحدی و قشونی را مستقیماً به حضور ما بفرستد و جواب بگیرد.

می دانید اگر بعد از این ذره [ای] عیب و نقص در امور سرحدات و رعیت و قشون بشنوم یقیناً گذشت و اغماض نخواهم کرد و شما را مورد مواخذه خواهم کرد یقیناً.

۶۵. اصل: بعدز

تنخواه استرآباد را آنچه الی حال داده اید صورتش را بفرستید، آنچه هم الی آخر سال مانده است صورتش را بفرستید و قسط به قسط در طهران تحویل بکنید که باید به استرآباد فرستاده بشود.

و آنچه هم از تنخواه استرآباد به سپه سالار و دیگران می رسیده است حالا تماماً مال دولت است آن ها را هم به روی طلب دیوان کشیده حساب بکنند.

از بابت خراسان سوای عمل تنخواه استرآباد به سپه سالار و کسان او چه می دادید همه را معیناً به عرض برسانید و آنچه الی حال داده اید از روی سند صحیح معلوم دارید آنچه مانده است مال دولت است باید به عرض رسیده قسط به قسط انقاد طهران بشود.

حسینعلی بیگ همان طور که تحویلدار وجوه نظام خراسان است تا آخر سال باشد و به اطلاع او پول قشون داده شود، به او اطلاع بدهید که در کار خودش مستقل باشد و صورت حساب وجوه خزانه نظام را ماه به ماه به عرض برساند بی کم و زیاد و تنخواه قسط را به موقع وصول کند و به موقع به نوکر نفر به نفر برسانند. در بنائهای ای ارگ و عمارات قلعه و بدنه شهر مشهد و خندق سرخس و دربندهای کلات کوتاهی نکنند. همه را امسال انشاء الله به اتمام برسانند در کمال پاکیزگی البته. در نظم ساختن و قلعه سرخس دقیقاً [ای] کوتاهی نکنند و آذوقه آن ها را به وقت و موقع برسانند. سان تمام قشون خراسان را از ساختن و غیره و عراقی، آذربایجان توپچی و خراسانی و سرکرده و صاحب منصب لشکر نویس به جزء نوشته کتابچه زبان دار مبسوطی با چاپار بزودی انقاد دارد.

تاریخ: شوال ۱۲۹۷

شماره سند: ۳۸-۱۷۰

[دستخط ناصرالدین شاه به سلیمان خان صاحب اختیار، خراسان]:

۳- خراسان به سلیمان خان صاحب اختیار

این تغییرات این دفعه و عزل سپهسالار و قرارهای جدید همه برای نظم است و بس و انتظام قشون و رعیت و مملکت از میرزا تقی خان‌الی حال زیاد تغییرات تو دیدم [ای] و این قسم احکام زیاد شنیده [ای] مبادا خیال و تصور بکنی که این احکام حالا و این تغییرات حالیه هم به همان منوال قدیم است و عقب ندارد، خیر ابدأ همچو تصورات کن که با خون خود بازی کردن است، الحمد لله تعالی با تجربه‌های^{۶۶} زیادی که در ایام سلطنت شده است، دیگر حالا وقت آن نیست و جای آن را ندارد که از روی هوس کاری بکنیم، پس بدانید که این اقدامات همه از روی لزوم است که برای نظم قشون و رعیت و دولت باید بکنیم و هر کس خلاف او را بکند یا ذره [ای] از فرمایشات تخلف نماید واضح است که به سزای آن به جز سیاست کلی چیز دیگر نخواهد شد. نصیحتاً به تو این حکم شد که از مکنون خاطر ما و حقیقت امر درست اطلاع بهم برساند و اگر بعضی خیالات داشته است یا حالا از تازگی بخواند بکند که غیر آن فرمایشات باشد بالمره از گوش و هوش خود به در کرده دور بیاندازد.

تاریخ: ۱۲۹۷ ق

شماره سند: ۴۳-۱۷۰

[دستخط ناصرالدین شاه]:

گیرنده: اعتماد السلطنه

به آذربایجان به اعتماد السلطنه رئیس قشون آذربایجان

منصب سپهسالاری بعد از این منسوخ شد و به عمل کلیه قشون ما خود بنفسه

۶۶. اصل: تجربها

خواهیم توجه نمود، البته کل مطالب قشونی را از توپخانه و قورخانه، پیاده، سواره بلاواسطه به حضور ما عرضه دارد و جواب بگیرد حاجی علی قلی خان همان طور که تحویل دار کل وجوه قشونی بود باز برقرار است، این حکم را به او برسان. در تحصیلداری وجوه قشون ذره [ای] کوتاهی نکند. سان حاضر و غایب کسر نفری کل قشون آذربایجان را بعد از وضع مأمورین عراق و غیره آنچه حالا موجود است در آذربایجان تماماً را آدم‌های کافی و لشکر نویس بفرستد بروند محل به محل قشون را حاضر کرده سان صحیح درست از صاحب منصب و تابین ببینند و همه را کتابچه صحیح درستی کرده به زودی انقاد حضور نماید بی کم و زیاد و آنچه کسر نفری باشد به چه جهت و سبب است و کسی نمی‌دهد و کسی نداده است و چه شده است همه را بنویسد.

و از چهار سال پیشتر الی اول لوی ثیل هم معین کند از افواج و دستجات توپخانه و سواره موجب محلی کدام دسته و قشون مانده است نرسیده است و جهت چه بوده است و پیش کی مانده است، همه را مفصلاً بدون ذره [ای] کم و زیاد بنویسند بفرستد. البته در نظم مالیه قشون از هر قبیل کمال سعی را بکند و در رساندن حقوق امساله قشون و غیره می‌دانی که بعد از نسخ سپه سالاری و بر عهده گرفتن خودمان بنفسه عمل قشون را اگر ذره [ای] خلاف کسی بکند سرش بریده خواهد شد لا غیر، احکام مفصل بعد خواهد رسید.

۲۶۶

شماره سند: ۴۵-۱۷۰

تاریخ: ۱۲۹۷ ق

[دستخط ناصرالدین شاه به میر پنجه (استرآباد)]:

به استرآباد به میر پنجه تلگراف شود

بعد از آن که سپه سالار مداخله به کار قشون و استرآباد و کلیه امور ندارد باید سعی و خدمت شما در نظم استرآباد و ترکمان و صحرا خیلی زیاد از سابق باشد، انشاء الله تعالی به هیچ وجه عیب و نقصی در امور آن سرحد به هم نرسد. می‌دانی که ما خود ترا انتخاب

کرده به این خدمت بزرگ مأمور فرمودیم و حالا هم در تقویت عمل حکومت شما نهایت سعی را خواهیم فرمود. عرایض خود را چه با چاپار چه با تلگراف مستقیماً به حضور بفرستد و جواب بگیرد. حالا در کجاست و چه می کند. عمل فندرسک چه شد؟ پول برای بنائی آق قلعه و غیره با معمار حاضر است نمی دانم از حالا به بعد می شود بنائی کرد که فرستاده شود یا نه. حساب پارساله استرآباد را از تنخواه تحویلی خزانه و خود ولایت نمی دانم فرستاده است به طهران یا نه؟ البته حساب پارساله خود را به زودی به دفترخانه بفرستد. و حساب تنخواه مرسولی هذالسنه قشون استرآباد را هم به زودی صورتی بفرستد زبان دار که معلوم شود از خزانه نظام الی حال چه فرستاده اند و به کدام دستجات و غیره از بابت جیره و مواجب داده است و چه مانده است که باید ارسال شود زود حساب را به عرض برساند. از صحرا و اردوی روس ها هر خبری باشد به زودی به عرض برساند. فوج فیروزکوهی و سواره چگنی وارد شده اند یا نه. صورت سان همه قشون مأمور و متوقف استرآباد را درست پاکیزه از روی حقیقت بدون این که سرکرده ها بتوانند عوض و بدلی بگذارند. پس به زودی به عرض برساند.

۲۶۷

شماره سند: ۴۹-۱۷۰

تاریخ: شوال ۱۲۹۷

[دستخط ناصرالدین شاه به امین الملک]:

به امین الملک تلگراف بشود

عریضه جناب حاجی میرزا حسین خان را دیدم، حقیقتاً بسیار بسیار از طرز نوکری و اطاعت ایشان در اوامر ما خوشمان آمد و کمال مسرت حاصل شد که خود را باز هم حاضر خدمات دولت نموده و حاضر است. برای اجرای آن همین دستخط را بده ملاحظه کند و در اکبرآباد منتظر احکام باشد که به هر طرف حکم شد با کمال آسودگی برود.

تاریخ: ۱۲۹۷ ق

شماره سند: ۱۱۲-۳۶

گیرنده: سفرای دولت ایران در اسلامبول، لندن، پاریس، پتربورغ و

سواد تلگراف

به سفرای دولت علیه متوفقین اسلامبول و لندن و پاریس و وینا^{۶۷} و پتربورغ و سایر مأمورین خارجه به فرانسه و مارسی تلگراف شد.

بر حسب اراده علیه اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه جناب اشرف حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله به مقتضیات چند از منصب سپه سالاری و وزارت خارجه خلع گردید و حسب الامر الاقدس الاعلی بنده درگاه که صدیق الملک هستم عجاله به جهت انجام اظهارات و رجوعات شما حاضریم تا قرار دیگر به اقتضای رأی جهان مطاع همایون داده شود برای استحضار شما نگاشت.

تاریخ: ۱۲۹۷ ق

شماره سند: ۱۳۵-۱۷۰

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

گیرنده: ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، روزی که اراده مطاعه همایون شاهنشاه روحنا فداه به خلع این غلام خانه زاد از مشاغل درباری قرار گرفت این خیال مبارک را طوری ظاهر فرمودید که موجب نهایت تشکر این غلام خانه زاد و تحسین جمیع دنیا گردید که ترقیات عمده از برکت وجود مبارک همایون ظل اللهی روحنا فداه در دولت حاصل شده است و این غلام هم در کمال اطمینان و امیدواری و صداقت عازم محل مأموریت گردید و از نیت پاک و قلب رؤف مبارک شاهنشاهی روحنا فداه خاطر جمع است که به اذیت یک مورچه بی جهت رضا نمی دهند و از خود نیز اطمینان دارم که تازه

شده ام قدم و قلمی بر خلاف میل مبارک بر نمی دارم لکن خیلی می ترسم که سعایت مردمان مغرض طوری نماید که قلب مبارک را خدای نکرده از نیت حقیر منحرف سازند لابد شرم که در این موقع جسارت ورزیده به خاطر مبارک بیاورم و عده ملوکانه که در توی ضریح مقدس مطهر حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه در بالای سر قبر منور روزی که از سر قبر مبارک تربت بر می داشتند و به جز این بنده خاکسار و میرزا حسین کلید دار حضرت احدی در حضور مهر ظهور نبود به این غلام خاننژاد در ازای خدمات سفر عالیات و فراهم آوردن اسباب این مسافرت همایونی در دولت عثمانی فرمودید. خداوند تعالی و حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه شاهد و عده همایونی در آن مکان مطهر منور هستند، دیگر امر و اختیار در قدرت همایون شاهنشاه ظل الله روحانفداه است.

والامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع
غلام خاننژاد حسین

۲۷۰

شماره سند: ۵۱-۱۷۰

تاریخ: شوال ۱۲۹۷

[دستخط ناصرالدین شاه:]

تلگرافی که عموماً به حکام می شود سوای خراسان و آذربایجان که مخصوصاً زده شد.

در این اوقات بر حسب بعضی مقتضیات امور دولتی سپه سالار را از مناصبی که داشت خلع فرموده و ریاست و سپه سالار قشون که به انفراد بر عهده یکی از نوکران مقرر بود منسوخ و متروک فرموده بعد از این انتظام قشون و رسیدگی به امور آنها را به عهده شخص سلطنت مقرر فرمودیم، شما مأمور هستید که همین حکم تلگرافی را به همه صاحب منصبان و آحاد و افراد قشون آن ولایت از مأمور و متوقف نشان داده همه را از مدلول حکم همایون ما اطلاع بدهید و مقرر است که بعد از این آنچه مطالبی که دارند مستقیماً به حضور ما عرضه داشته جواب بگیرند.

۲۶۳

آذربایجان، خراسان، فارس، عراق، گیلان، خمسه، قزوین، سمنان، شاهرود، کرمان،
کرمانشهان، کردستان

صورت دستخط اقدس اعلى روح العالمین فداه است:

به همه حکام به یک مضمون

وجوه خزانه نظامی ابواب جمع امین السلطان است. الی حال آنچه به تحویلداران و
گماشتگان سپه سالار داده باشند و قبض و سند در دست داشته باشند صورت آن قبض و
سند را فوراً به حضور بفرستند و از این تاریخ به بعد دیناری به تحویلدار و گماشته
سپه سالار سابق ندهند تا دستورالعمل از امین السلطان برسد و هم چنین وجه ششماهه
محلّی قشون که به خرج ولایات آمده است آنچه به تحویلدار و گماشته سپه سالار داده
باشند سند او را بفرستد، آنچه نداده باشند بدون هیچ مداخله همان طور بگذارند بماند تا
حکم ثانی برسد.

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم،
زیارت توفیق رفیع همایونی و دستخط مبارک ظلّ اللّهی روحنا فداه چنان ریشه بر
بدن این غلام خانه زاد بی مقدار انداخته است که بعد از بیست و چهار ساعت والله العالی
القاهر هنوز حالت این که قلم به دست گرفته مسوده عریضه نمایم در خود مشاهده نمی کنم
و این اضطراب فدوی بی مقدار نه از بابت تهدیدی است که در دستخط مبارک شرف

صدور یافته بود، زیرا که این خانه زاد در حضور مهر ظهور همایون ظل‌اللهی روحانفاده مثل یک میتی است که ابداً نه قوت حرکت و نه قدرت تکلم و نه خیال و رأیی دارد و هر چه از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی روحانفاده وارد شود جمیعاً را به قدم رضا و تمکین و اطاعت و تشکر قبول نموده و حاضر در اجرا خواهم بود و تا جان در بدن دارم از این جاده مستقیمه ناجیه خارج نشده و نخواهم شد. بلکه قلق و اضطراب و وحشت این غلام بی مقدار از بابت این است که دشمنان بی رحم و مروت فدوی تا چه اندازه در پای این بنده ایستاده‌اند که می‌خواهند العیاذ بالله نسبت بی غیرتی و بی عاری و خیانت و حرامزادگی به بنده کمترین بدهند که خدای نکرده در دنیا به جز ذات مقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده چشم داشت رعایت و حمایت از کسی داشته باشم یا به جز آستان مبارک پادشاهی ملجاء و پناهی به جهت خود تصور آورده باشم که در دستخط مبارک حکایت میرزا تقی خان و میرزا آقاخان و حرکاتی که از آن‌ها به وقوع رسید تمثیلاً فرمایش شده بود. حاشا و کلاً فدوی ذلیل بی مقدار از این عوالم جاهلیت به حمدالله خارج است و این عیب را به این بیچاره فلک زده نمی‌توانند چسبانید. در مملکت ایران کدام حمایت و کدام پناه و کدام قدرت بالاتر از این است که خداوند به ذات مقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده مرحمت فرموده است و از برای کدام رعیت و نوکر و وزیر صورت امکان یافته است که قبله عالم روحانفاده آن شخص را در زیر حمایت مقتدرانه خودشان پناه مرحمت فرموده باشند. الحمدلله خداوند این نعمت را به این بنده کمترین عطا فرمود و به دستخط مبارک مرقوم و به افتخار این غلام عنایت شد که خانه زاد با جمیع متعلقانش در زیر حمایت شخص تاجدار همایونی است. والله بالله تالله که از حین زیارت آن دستخط مبارک با تمام قوت قلب تا این دقیقه که به عرض این عریضه عبودیت فریضه جسارت می‌ورزم بعد از فضل خداوند اگر به جز پناه و حمایت همایونی روحانفاده خیالی به خاطر این بنده رسیده باشد. معاندین من می‌خواهند به این وسایل البته مرا در خاکپای مبارک خراب و در پست مطمئن شوند. فدوی به مثابه یک غلام زر خریدی است از قبله عالم روحانفاده مال و جانم هر دو ملک و متعلق به ذات اقدس ملوکانه است هر آن و دقیقه که اشارت فرمایند فوراً جمیع مایملک خود را از روی کمال صداقت و درستی تماماً تسلیم می‌نمایم و اگر میل به

حیوة و زندگی خاکسار نداشته باشید والله العلی الغالب به یک اشاره آخرت خودم را نیز در راه رضای همایونی ضایع نموده قصد جان خود را با کمال انقیاد و اطاعت می‌کنم اگر این عرایض را از بابت زیانه‌سازی تصور می‌فرمائید امتحان بفرمائید تا معلوم شود غلام در عرایض خود صادق بوده‌ام یا کاذب. دستخط مبارکی که شرف حمایت شخص مقدس همایونی روحانفداه را به این غلام و متعلقات این غلام مرحمت فرموده‌اید حرز خود نموده در بازویم بسته‌ام و سفارش کرده‌ام در وقت مردن لای کفن من بگذارند که اگر خدای نکرده برخلاف آنچه مرقوم شده است و امنیت مرحمت فرموده‌اید رفتار شود در حضور خداوند تبارک و تعالی که شاه و گدا در محکمه او درجه مساوات دارند عرض و شکایت نمایم. مرقوم شده است که این غلام رعایت احتیاط نکرده بعد از ورود به قزوین آدم‌های متعدد به دارالخلافه فرستاده و نوشتجات پی‌درپی ارسال داشته است و کسان غلام بعضی مرادوات نامناسب را جایز دانسته‌اند و از ملاقات سفرا پیام و سلام بعضی دیگر احتراز نکرده‌اند. این غلام ابداً گماشته از خودم مبادرتاً به طهران نفرستاده‌ام و یک کلمه مطلب یا حرفی که اگر او را تجزیه نمایند بتوانند حرفی که محل ایراد تواند شد خارج نمایند به کسی ننوخته‌ام و اگر سه چهار کاغذ نوشته‌ام جواب اشخاصی بوده است که انسانیت نموده احوال‌پرسی کرده و اظهار حقوق نموده بودند والا مبادرت در تحریر ننموده‌ام، از امروز آن قبیل نوشتجات را هم ترک کردم و والله پیغام و سلام به سفرا و احدی نداده‌ام و از این فقره کمال اجتناب را داشته‌ام و از مرادوات نامناسب کسان خودم اگر کرده‌اند بی‌خبرم و خارج از علم من بوده است و گمان هم ندارم که کرده باشند و والله این جور و این قبیل شیطنت‌ها و فسادها در خمیره فدوی نبوده و نیست و نخواهد بود. خلاصه به عظمت و وحدانیت خداوند و جمیع انبیاء و اولیا و به حقه مبارک همایونی قسم است که از آنچه در توقیع رفیع مرقوم و مطالبی که از کنایات مرقومه در آن توقیع معلوم می‌شد کلیتاً بی‌خبر و معصومم و از این قبیل حرکات که انحصار به ارادل و اوباش و استحضار از امور ندارند می‌باشد بیزارم. امر همایونی شرف صدور یافت، قزوین بیایم اطاعت نمودم و باز هر وقت میل مبارک به هر مکان یا به هر حسب و یا به هر زجر درباره این غلامی که در پناه وزیر حمایت مقتدرانه شخص همایونی روحانفداه می‌باشم علاقه بگیرد و امر فرمایند حاضر در اطاعتم.

همین قدر را جسارت ورزیده معروض می‌دارم که جمعی دشمن بی‌انصاف و بی‌رحم دارم در معروضات به وجدان همایونی تعمق بفرمایند. به جز توکل به خداوند و توسط به ذیل عنایت سایه خدا روحانفاده امیدی نداشته و نخواهم داشت و حرکت خلاف قاعده و مغایر رضای شاهانه از فدوی خاکسار ناشی نخواهد شد. قلب مبارک همایونی آسوده و مطمئن باشد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع غلام خان‌زاد حسین

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت سند]: عریضه مشیرالدوله است از قزوین. سنه ۹۷ لوی ٹیل، ۹ ذی قعدة لوله شد.

۲۷۳

شماره سند: ۱۱۰-۱۷۰

تاریخ: شوال ۱۲۹۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: امین‌الملک

تصدق خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت اقدس همایونت شوم، دیشب بعد از امضای یادداشتی که مقدر شده بود فرمایشاتی که آغامحمد به خان‌زاد ابلاغ کرد به منزل نیاوران خود معاودت کرده مطابق اوامر علیه همایونی یک ساعت قبل از آفتاب به طرف شهر حرکت نمودم، از بین راه فرستادم آجودان باشی را بیرون منزل خودش حاضر کردند در عبور از خیابان لاله‌زار او را ملاقات کرده دستورالعمل مشارالیه و اینکه باید در سلطنت [آباد] شرفیات شود ابلاغ گردید و بلافاصله مستقیماً به منزل جناب سپهسالار اعظم آمدم، ایشان را تنها ملاقات و دستخط‌های مبارک [را] رسانیدم. فرمایشاتی که شده بود با نکته‌های باریک‌رأفت و مرحمت همایونی تقریر شد. در جواب مقدرات علیه عریضه ایشان به عز عرض لحاظ مبارک می‌رسد و در حرکت از شهر هم اراده ملوکانه را استقبال نموده امروز طرف عصر به اکبرآباد نقل مکان می‌کنند. در فقراتی که از حکومت ولایات یا توقف ولایتی مقرر شده بود اگرچه حکومت را به بعضی ملاحظات برای خودشان موجب مشغله و زحمتی تصور کردند، لکن به صمیم قلب و میل طبیعی تابع و مطیع میل و اراده همایون روحانفاده هستند که هر جا و هر طور اشارت رود بدون درنگ

عزیمت کنند. برای ایشان تصریح کردم که میل همایونی به رفتن ایشان به فارس غلبه داشت، در عالم تفویض صمیمی و قلبی اشاره مجدد ملوکانه را انتظار دارند. صدیق‌الملک را هم خانه‌زاد فرستادم آمد جناب سپهسالار اعظم شرفیابی او را به سلطنت آباد و اینکه باید اسناد وزارت خارجه را تحویل بگیرد بیان کردند و برای شرف‌اندوزی خاکپای همایون روانه شد، احدی را هم جز کسان خودشان نپذیرفتند الا کلنل شیمل که به اصرار زیاد آمد و امتنان خودش و افسوس ازین تغییر را گفت و رفت. در باب امور شخصی و عمل نوکرهای خودشان یادآوری کردم که هرچه دستورالعمل بدهند و لازم دانند مراقبت شود عجله هیچ نوع اقدام ضرور ندیدند. خانه‌زاد حسب‌المقرر اینجا حاضر و عصر هم بالمناسبه به اکبرآباد رفته شب را در همان جا توقف می‌کنم و به هرچه امر و مقرر شود از معاودت به شهر یا شرفیابی شمیران یا اقامت اکبرآباد اطاعت خواهم کرد. امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع

۲۷۴

شماره سند: ۱۰۹-۱۰۸-۱۷۰

تاریخ: ۱۲۹۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم، بر حسب امر قدر قدر جهان مطاع مبارک اقدس همایون اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه ظل الله روحنا و روح العالمین فداه جناب امین‌الملک آمده دستخط آفتاب نقطه قضا نمط مبارک ملوکانه روحانفاده را با یادداشت موشح به صحه مبارکه ابلاغ و فرمایشات مطاعه شفاهیه مبارکه را تقریر نموده با کمال عجز و انکسار به عرض عبیدانه جسارت می‌ورزد که چگونه این غلام خانه‌زاد از عهده شکرانه این موهبت و عطوفت عظمی می‌تواند برآید که وقتی اراده سنی همایونی به معافی این ذره بی‌مقدار از خدمات درباری علاقه می‌گیرد، باز از جانب سنی الجوانب همایونی این طور مرحمت و رأفت مبذول می‌شود و کدام افتخار از برای احدی بالاتر از این می‌تواند به تصور آید که در چنین حالتی

۲۶۸

خود و متعلقات و کسان این چاکر را در حمایت مخصوص شخص ذات کامل الصفات خسروانه روحانفاده مقرر فرموده‌اند. از برای احدی چنین افتخاری تصور نمی‌شود چنانچه همیشه جسارت به عرض ورزیده و پرپر روز هم در ضمن عریضه عبیدانه معروض داشته است این چاکر فدوی فی الحقیقه مخلوق سایه خدارو حنانفاده است که از عدم به وجود آورده و در چاکری آستان ملوک دربان همایون به درجات عالیه مقرر فرمودند، حال هم همان مخلوق ضعیف است و به هیچ وجه من الوجوه از خود رأی و عرضی ندارد و کالمیت از برای اطاعت فوری او امر قضا مظاهر همایونی حاضر است. در باب حکومت بزرگ یا کوچک هم که مقرر شده است خود این خانه زاد اختیار و عرض می‌نماید العیاذ بالله در حضرت سپهر بسطت مالک رقابی روحانفاده چگونه این چاکر خاکسار از خود رأی و انتخاب عرضه دارد به هر جا و به هر مقام و به هر طرف و به هر نوع که رأی قضا امضای مبارک اقتضا فرماید فوراً بدون یک لمحہ درنگ امتثال کرده می‌روم و از خود هیچ رأی و عرضی ندارد. این که مقرر شده بود دو روزه این خانه زاد از طهران برود محض آن که اطاعت امر قدر قدر همایونی را زودتر کرده باشد امروز عصر به باغ اکبر آباد که متعلق به امین الملک است می‌رود و منتظر است که هر طور امر قدر قدر در رفتن به هر جا شرف صدور یابد فوراً اطاعت نماید. از میامن تربیت‌های آستان ملوک دربان همایون شاکر است که مقام و مسندهای مرحمتی را امروز بدون یک ذره عیب و نقص و لکه تسلیم می‌نماید. عمل حساب را محض اطمینان خاطر خطیر ملوکانه روحانفاده جسارت می‌ورزد که یک دینار از مال دیوان عیب نکرده و مبلغی هم فاضل است. حاجی میرزا علی نقی در این جا است معین خواهد نمود. نوشتجات وزارت خارجه هم تا سال ۱۲۹۶ به میرزا محب علی، مباشر دفتر وزارت خارجه تسلیم شده است و از اول سال ۱۲۹۷ که در نزد میرزا نصرالله خان بود و به واسطه آن که مباشر تحریرات سفر بود هنوز به دفتر نداده بود چاکر فدوی گفتم ترتیب و حاضر و به صدیق الملک تحویل نماید و چند کاغذی هم که نزد خود این خانه زاد است به صدیق الملک تسلیم خواهد نمود و در باب خود این چاکر بی مقدار مجدداً با کمال ضراعت و انکسار جسارت می‌ورزد به فارس یا قزوین یا هر جای دیگر مقرر شود فوراً اطاعت می‌نماید. بدیهی است که چاکر جان‌نثار باید در

نهایت مراقبت و صدق و ارادت به خدمت و جان نثاری مشغول باشد و خدمت ولی نعمت تاجدار روحنافته بزرگ و کوچک آن باعث افتخار است حالا برای فدوی وقت انزوا و خارج شدن از چاکری نیست هر جا را مقرر فرمایند با نهایت افتخار و سرافرازی و مباحات حاضر است.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع
غلام خانه زاد حسین.

۲۷۵

شماره سند: ۸-۱۶۷/۵

تاریخ: ۱۲۹۷

[دستخط ناصرالدین شاه: (دستور العمل به مشیرالدوله در آذربایجان)]

دستور العمل مختصر جناب مشیرالدوله در امورات آذربایجان تا بعد انشاء الله تعالی دستور العمل های مفصل مرتب فرستاده شود و همین دستور العمل را بعینها بدون کم و زیاد بدهد ولیعهد ملاحظه کند البته.

۱- اولاً با کمال عجله خود را به شهر تبریز برساند و زمام کل امور آن مملکت را از لشکری و کشوری به دست گرفته دقیقه [ای] از نظم امور آن مملکت غفلت نکند .

۲- ثانیاً خود را در امور مملکت آذربایجان در کمال استقلال بداند، مثل استقلال محمدخان امیر نظام و قایم مقام بزرگ و کوچک بلکه بالاتر.

۳- ثالثاً ولیعهد باید بدون اطلاع و مشورت شما و بدون صلاح و صوابدید شما آب باید نخورد، سنگی را روی سنگی نگذارد تا چه رسد به کارهای دیگر. اگر غیر این بکند و شما فوراً به عرض نرسانید و رعایتی بخواهید از ولیعهد بکنید و اغماض و صرف نظر نمائید صریح می نویسم خابین بزرگ و دشمن دولت هستید و آن وقت جزای شما معلوم است چه خواهد بود. دولت و پادشاه عقیم است عشق دولت به نظم و اسلوب با معنی است لاغیر.

۴- رابعاً دربخانه و اطراف ولیعهد را درست سان دیده ملاحظه نمائید آنچه

اشخاص بی معنی و زاید و بد ذات و لوطی و هرزه و مردم آزار باشد تماماً را اخراج و از آذربایجان بیرون نماید. دربخانه را با کمال شأن و شکوه و مردمان اهل درست پاک بی عیب نگاه دارد، در این مرحله بعضی ملاحظات [را] هرگز از بعضی ها نکند و آنچه لازم است مجری دارد.

۵- خامساً در نظم شهر تبریز و تعیین بیگلربیگی قابل و دیوانخانه با اجزای منضبط دقیقه [ای] غفلت نکند. روزی نیست که در شهر آدم نکشند، مردم را لخت نکنند، غوغائی برپا نشود، البته آنچه الی حال شده است مرتکبین را حتماً خواسته و به چنگ بیاورد و سیاست و تنبیه لازم بکند و بعد از این را طوری قرار بدهد که الواط نتوانند شرارتی بکنند.

۶- در فقره قورخانه و لوازم سرحدیه و چادر و ملبوس ذخیره و تدارک و تعمیر توپخانه سرحدات و غیره و غیره آنچه را بعد از ورود فهمید همه را به عرض برساند و آنچه باید قرارداد شود مفصلاً عرض کند که احکامش بشود.

۷- حکام جزء را خیلی ملتفت باشد که به رعایا و سایرین ظلم نکنند و بی قاعده حرکت نکنند، مثل عمل لطفعلی خان در ساوجبلاغ که از طمع و نفهمیدگی این همه مفسده را به ظهور آورد و حکام جزء باید مردمان خوب با قاعده باشند.

۸- هر قدر از اشخاص معتبر از قبیل مهندس، معلم، میرزا، اشخاصی که لایق حکومت و رجوع کار باشند که خود می پسندد و می داند که آنجا به کار می خورند، به عرض برساند فوراً از طهران فرستاده شوند که مشغول خدمات آذربایجان باشند و در طهران بی کار راه نروند.

۹- می دانید برای شاهسون و قشلاق موغان روس ها چقدر اهمیت قرار داده اند. میرزا معصوم خان با دستورالعمل و احکام مجدد مأمور شد که پیش ولیعهد برود، حالاکه او می آید قرار کارهای سرحد موغان را طوری بدهید که راه شکوه روس ها بسته شود و دیگر ابدأ نتوانند حرفی و ایرادی بگیرند.

گرنمایه را هم برای خدمات آذربایجان نگاه بدارید.

۱۰- در حفظ و نظم محال قطور شخصاً خودت طوری حرکت کن که مقصود ما به عمل بیاید و منظم باشد. همیشه روزنامه اش برسد.

- ۱۱ - اهمیت حکومت‌های خوی [و] ارومی [و] ساوجبلاغ خیلی زیاد است، آنچه لازمه دقت است در این سه نقطه بکند. حکام معتبر درست بی طمع مردم‌دار که با اکراد وحشی درست حرکت کنند آن‌ها را نرنجانند لازم است.
- ۱۲ - در فقره قره‌سورن و راه همان‌طور که حکم شده است حاجب‌الدوله را در امر قره‌سوران مستقل نماید، بی مداخله دیگری و تا آدم او برسد و استقراری بیابد خودت مراقب نظم راه‌ها و سواره قره‌سورن باش.
- ۱۳ - امر غله و وجوه نظام تماماً سپرده به امین‌السلطان است، به اطلاع و دستورالعمل او کار بکنند. در امر گمرک و نظم آن کمال تقویت را آدم امین لشکر بکند.
- ۱۴ - طلب ۴ سالة قشون آذربایجان را مشخص بکند و معلوم نماید در کجا و پیش کی مانده است و چه باید کرد، کتابچه مفصلی بنویسد و رأی و عقیده خود را هم در آن فقره معروض دارد.
- ۱۵ - صورت‌سان صحیح از کل قشون بفرستد و کسر نفری قشون را تماماً باید بگیرد.
- ۱۶ - گندمی که باید به تبریز و سایر شهرها از غله دیوانی حمل شود، دستورالعمل به امین‌السلطان داده شده است، کمال تقویت را بکند که گماشته او گندم را زود برساند به انبارهای شهرها.
- [در پشت سند آمده]: آذربایجان، دستخط ناصرالدین شاه به مشیرالدوله میرزا (حسین خان سپهسالار قزوینی) صدراعظم که قرار بوده قبل از امیر نظام با سمت پیشکاری ولیعهد به آذربایجان مأمور شود.

۲۷۶

تاریخ: شوال ۱۲۹۷
 شماره سند: ۱۳۸-۱۳۷-۵۷
 فرستنده: ولیعهد مظفرالدین میرزا
 گیرنده: یوسف مستوفی الممالک

هو

جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم اعظم آقا، البته آن جناب مستطاب اطلاع دارند که علاوه بر خرابی‌های پیش در این یک دو سال به جهت حادثه زلزله و صدمه قحطی و

گرانی، حالت این مملکت چه بوده مخصوصاً چند ولایت از قبیل ارومی و خوی و سلماس و شقاقی خیلی خرابست و مردم آن جاها زیاد پریشان و مستأصل شده‌اند. در هذمه‌السنه اگر رعایت و ملاحظه از آن‌ها نشود یقیناً اغلب متفرق بوده در سنوات آتیه هم دیگر اصلاح خرابی و جبران کسر آن‌ها نخواهد بود. در این باب با چاپار پیش و چاپارهای دیگر شروحنی به جناب مستطاب مشیرالدوله نوشته شده بود و معزی‌الیه اطلاع درست داشت. مراتب لازم به عرض اقدس مبارک همایونی روحنا فداء رسانیده موافق تلگراف جناب معزی‌الیه که در نزد من ضبط است مقرر شده بود قدر تخفیف را من معین کرده اطلاع بدهم، آن وقت به عرض رسانیده قرار آن داده شود. حال این فقره با این حالت مانده و اهالی ولایات مزبوره از علماء و اعیان و سایر حکام آن‌ها متصل آه و ناله دارند و خودم درست از پریشانی و استیصال آنها اطلاع دارم، حتی از علماء ارومی که به تبریز آمده بودند نمی‌رفتند، خیال آمدن دارالخلافه و التجا و به خاکپای مبارک و توقف تبریز را داشتند، بعد از وصول تلگراف مزبور که حسب الامر بود رقمی به آن‌ها داده با هزار زحمت مطمئن نموده روانه داشتم و آن رقم را در مساجد و رثوس منابر خواننده مردمان آنجا را نوعی اطمینان داده و همگی دعاها به وجود مسعود مبارک همایونی روحنا فداء نمودند و حالا منتظر تفضل و مرحمت ملوکانه هستند، شرحی در این باب هم به جناب مشیرالدوله نوشته بودم فرستادم ملاحظه نمائید، به هر که مناسب دانند مراتب را به عرض برسانند، به هر نوع امر قدر قدر علاقه بگیرد اطلاع بدهید تکلیف معلوم شود و هر قدر هم تخفیف مرحمت می‌شود کتابچه صورت مخارج باقی دستور عمل که فرستادم ملاحظه خواهید کرد دیگر محلی اینجا نیست. از بابت قیمت غلّه دیوانی محل تخفیف مزبور باید مقرر گردد که داده شود. در باب باقی دستور العمل بعضی چیزها جمع شده است، به نمک قبله عالم روحنا فداء که ابدأ محل ندارد، در ضمن ملفوفه که به جناب مشیرالدوله نوشته‌ام تفصیل این فقرات شرح داده شده است مطلع خواهید بود. در باب فقره تخفیف و سایر در ضمن مطالب مملکتی که این روزها کتابچه آن را همراه اعزاز جمند اسحق میرزا میراخور خواهم فرستاد مشروحاً به خاکپای مبارک معروض خواهم داشت. فی شهر شوال المکرم ۱۲۹۷

[امضاء]

تاریخ: ۱۲۹۷ هـ ق

شماره سند: ۳۴۱

گیرنده: میرزا یوسف مستوفی الممالک

فرستنده: —

هو الله تعالی شانه

جناب جلالتمآب مستطاب اجل اشرف افخم اعظم آقا، چاپار دوشنبه وارد شد. از آن جناب نوشته نداشت، ان شاء الله احوال آن جناب خوب است ملالتی و کدورتی ندارید. احوال ما هم الحمد لله خوب است. امورات ولایتی الحمد لله در کمال نظم است و جناب جلالتمآب اجل اشرف افخم سپهسالار اعظم حقیقت خیلی خوب و به قاعده حرکت نموده اند. از توفیقات ربانی و از توجهات خسروانی امورات آن سرحدات منظم و موافق دلخواه همایونی گردید امیدوار است که من بعد جمع امورات مثل این امر موافق دلخواه بشود. در آن فقره که به شما اظهار شد به حق خدا قسم است اگر معطل نبودم هرگز اظهار نمی کردم لکن خیلی معطل هستم مخصوصاً از آن جناب می خواهم که این فقره را به طور خوبی به عرض اقدس همایونی برسانید. جواب گرفته بفرستید.

تاریخ: ۱۲۹۷

شماره سند ۱۷۲-۱۷۱-۵۷

گیرنده: —

فرستنده: —

به عرض می رساند این روزها تقلبات و انقلاباتی که در این صفحات اتفاق افتاده، مقتضی شده که به جهت اطلاع جناب جلالتمآب اجل افخم از بعضی اوضاع این ولا به تحریر عریضه مبادرت ورزیده، بیش از پیش توجه به حال اهالی این مملکت که مشرف به هلاکت هستند بفرمایند. البته این روزها فتنه [ای] که شیخ عبیدالله در صفحات آذربایجان برپا کرده به سمع شریف رسیده و معروض گردیده که این مزد خام طمع به هوای تسخیر بلاد آذربایجان بنای لشکرکشی گذاشته بعد از تسخیر صفحات کردستان از ساوجبلاغ

آمده به قدر سیصد پارچه بلکه بیشتر ده متعبر [را] چاپیده و محال مراغه و بناب و ارومیه و در جرود را به کلی باثر و خراب کرده و به قرار چهار هزار نفس از مرد و زن و بچه به قتل رسانیده و به قدر چهارصد و پانصد نفر زن و دختر اسیر و دستگیر کرده بی حسابی ها و بی مروتی ها کرده اند که به تقریر نمی آید و به تحریر نمی گنجد، از جمله زن ها را پیش شوهران خود دست درازی کرده و بچه ها را از آغوش مادران خود کشیده پیش روی آن ها بعضی را به آتش انداخته و بعضی را کباب کرده به خورد پدران و مادران ایشان می دادند و هر جا علما و سادات بوده سرهای آن ها را بریده بالای نیزه ها کرده پیش عبیدالله برده اند و قرآن ها را سوزانیده و به خانه های رعایا آتش زده هر چه داشتند از دواب و مال و غلات و اوضاع خانه و آذوقه سالیانه بعضی را به غارت و یغما برده بعضی را سوزانیده چیزی ابقا نکرده اند. نواب شاهنشاهزاده آزاده ولیعهد دامت شوکت آن چه که از تهیه لشکر مقدور بود مضایقه نفرموده تا این روزها جناب جلالتما ب سپه سالار اعظم وارد شده از اقدامات و اهتمامات ایشان در این چند روزه از هر دو طرف پی در پی خبر فتح و ظفر از جانب اردوی نصرت اثر رسید، فی الجمله اطمینان و آرام قلب از برای اهالی این ولا حاصل شده، امیدواریم انشاء الله بعد از ورود اردوی ظفر نمون که از دارالخلافة حرکت کرده است از فضل خدا و یاری ائمه هدی و بخت و اقبال روزافزون حضرت اقدس همایون تلافی مافات به طریق اکمل به عمل آمده بکلی قلع و قمع ماده فساد گردیده اهالی آذربایجان به رفاه حال به دعاگوئی و ثناگوئی ذات اقدس بی همال شاهنشاه جمجاه اسلام پناه اشتغال ورزند و یقین داریم که حمیت و غیرت اولیای دولت این را قبول نخواهد کرد که زنان شیعیان در دست سنیان اسیر و دستگیر بوده و انتقام مظلومین از ظالمین کشیده نشود و احدی را از آن ها در روی زمین باقی بگذارند. باری با همه این ها معتقد حقیر در حدوث این حادثه عظمی و بنیه کبری این است که این قضای ربانی از جانب حضرت قدس و عزت مبینی بر این نکته و حکمت بوده که عموم رعیت و دعاگویان دولت ثمر وجود مسعود پادشاه اسلام پناه و قدر آسایش [و] رفاه را بدانند و حمد شکر اله را به جا بیاورند و اولیای دولت نیز در نظم و ترتیب و تحریر و ترغیب لشکر نصرت اثر و حفظ ثغور آنی غفلت نفرمایند و تقویت و تربیت رؤسای ملت و دعاگویان دولت را همیشه منظور نظر فرموده در این جور

مواقع وجود آنها را نیز خالی از ثمر ندانند. چنانچه از جمله آنها جناب حاجی آقا علی قاضی است که با همت عالی و دست خالی امروز چهل روز است در مقابل اکراد بد نهاد ایستاده مشغول حفظ و حراست قصبه و رعایت فقرا و عجزه و مساکینی است که از اطراف آنجا جمع شده اند، هر چه اندوخته بود بکلی پرداخته، در این دعوای آخری که به قدر بیست و پنجهزار لشکر جرار اردوی ظفر نمون را از شش جهت احاطه کرده بودند، در خارج بناب با لشکر ظفر انتساب سه شبانه روز متوالی مشغول جنگ بودند شعبه [ای] که از آنها جدا شده میان اردوی و قصبه بناب حائل گشته هجوم به قصبه آورده بودند، خود آن جناب با جمعی از رعیت با آنها بنای دعوا نهاده آخر الامر اکراد روبه گریز نهاده جمعی را به قتل رسانیده، همه را از سنگرها بیرون کرده اند و اگر آن جناب پیش از رفتن اردو پیش دستی نکرده و مردم آن جا را به حفظ و حراست قصبه وانمی داشت اکراد بعد از نسخیر میان دو آب یکسر به شهر می آمدند و کار به جای بد می رسید، حقیقتاً آن جناب خدمتی که به دین و دولت کرده هیچ کس نکرده بود، جا دارد که از جانب اولیای دولت مورد التفات های شایان و تقویت حالی و مالی باشد. متمنی است که همه اوقات این دعا گوی بی ریا را به ارجاع خدمات و فرمایشات قرین مباهات فرمایند. عریضه [ای] به حضور عدلت دستور همایون معروض شده، اگر مصلحت دانستند مقرر فرمایند به عرض حضور برسد، زیاده چه جسارت ورزد.

الامر الاعلی مطاع

۲۷۹

شماره سند: ۱۶۷-۱۵۷

تاریخ: ۲ محرم / ۱۲۹۷

گیرنده: —

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

فدایت شوم، امروز که دویم محرم است به عرض تلگرافی خاطر جنابعالی را قرین استحضار داشتم و تا وصول عریضه البته آن تلگراف به ملاحظه جنابعالی رسیده است. حالات اردوی دولت و قشون با نصرت از هر حیثیت خوب است. عمل مالیات ساوجبلاغ

۲۷۶

را هم از بابت هذه السنه قرارش را داده و از آقايان ساوجبلاغ سند اخذ شد که تقدیم دارند و ضرر دیوان نشود و خودشان مابین خودشان مالیات را تقسیم کرده بدهند و تعهدات دیگر در انتظامات کلیه و استرداد اسرا و غارت‌ها از آن‌ها گرفته شد. همان قدر عرض می‌کنم دیگر منقصتی در امور این جانیست. جناب وزیر فواید را هم به شرحی که عرض شده بود با ساخلو به حکومت این صفحات گذارده روز پنجم خواهم رفت. خدا بخواهد زودتر قرار استرداد مقصرین از خاک عثمانی داده شود که دیگر از این امور کلیتاً فراغت حاصل گردد. رقیمه مورخه ۴ ذی حجه هم که به صحابت میرزا علی خان سرتیپ افشار مرقوم شده بود دیروز زیارت شد و از تفقدات جنابعالی کمال امتنان و تشکر حاصل گردید. امیدوارم با توجهات مخصوصه جنابعالی بیش از این‌ها در خدمات دولت و ملت روسفیدی حاصل شود و با تحصیل رضای خاطر مبارک همایون روحنا فداه این مسائل بیابان گردی و صحرا نوردی و شدت سرماها و نبودن ارزاق هیچ حکایتی نیست، همانا که خاطر مبارکشان متوجه است، همه این اشکال‌ها آسان خواهد بود، زیاده عرضی ندارم. شهر محرم ۹۷ [۱۲]

[نقش مهر پشت سند] سپهسالار اعظم

۲۸۰

شماره سند: ۱۶۸-۵۷

تاریخ: ۱۲۹۷

گیرنده: —

فرستنده: —

به شرف عرض اقدس همایون می‌رساند، هرگاه رأی جهان‌آرا بر تفقد حال دعاگویان دولت و عموم اهالی این مملکت تعلق گیرد، بحمدالله تعالی همه رعایا و عامه برابا در ظل عنایت اعلیحضرت اقدس همایون هر جا که هستند مصون و مأمونند و به دعاگوئی و ثناگوئی مشغول، اگر چه این روزها به اغواء سمی عبیدالله بن زیاد اکراد بد نهاد فتنه بر پا کرده در سمت مراغه و بناب و ارومیه بنای قتل و غارت گذاشته از ساوجبلاغ تا مراغه و بناب و ارومیه اغلب دهات باثر و خراب شده و خسارت بیرون از اندازه و حساب

به اهالی آن حدود وارد آورده‌اند، ولی شورش این جماعت در نظر اهل بصیرت به منزله شعله خاری است که به تندی سرکشی کند و به زودی خاموشی پذیرد و چنانچه نواب مستطاب اشرف امجد والا ولیعهد دامت شوکته همین که از این نوع جسارت آن‌ها خبردار شد جمعی از لشکر ظفر انتساب در حوالی ارومیه و مراغه و بناب مهیا ساخته و به تهیه دفع آن‌ها پرداخته خاطر اهل عناد که دشمن مال و جان عرض ناموس فرقه اثنی عشریه هستند از رخنه ثغر بلاد مایوس گشته اهالی آن ولا عجالاً از هجوم آن‌ها محروس بوده، گویا الهام الهی بود که به قلب مبارک اعلیحضرت اقدس ظل الهی القاء شده جناب جلالتمآب اجل افخم سپه سالار اعظم را از یک طرف مأمور حفظ این ثغور فرموده دل‌های ضعیف مستمند قوی و خرسند گشته از اهتمامات و اقدامات کامله ایشان اردوی ظفر نمون که ابوالجمع اعتماد السلطنه است این روزها شکست‌های فاحش به اکراد بدنهاد داده بعد از جنگ و ستیز ناچار روی به گریز نهاده، اهالی دارالسلطنه تبریز نیز از علما و سادات و کسبه و تجار و اصناف بازار و جوانان دلاور که به سربازی مشهورند و به دینداری معروف همگی یکدل و یک جهت به ترغیب این دعاگویان دولت کمر مجاهدت بر میان بسته، تیپ تیپ و دسته دسته از محلات شهر با بگلربگی و کدخدایان خود همه روزه به دیوانخانه مبارکه رفته از سان سپه سالار اعظم گذشته و به جان و دل اظهار جانبازی در راه دین و دولت و حفظ ملک و ملت می نمایند و از طرف دیگر که خبر ورود لشکر گران از سمت دارالخلافت طهران به حدود آذربایجان رسید. بحمدالله الان اکراد بدنهاد در ششدر^{۶۸} اضطرابند که تا کجا به حکم همایون عزم شود و شعله رزم خیزد مگری و منقوریو مایاش هر سه در چهار موجه اضطرابند که تا چه وقت به قهر و قسر از عاج شوند و به سبی و اسر تاراج امیدواریم که انشاء الله از فضل کرم الهی و اقبال [و] بخت پادشاهی زنان و دختران شیعیان که الان در دست سنیان اسیر و دستگیر هستند به زودی مستخلص شده کار به عکس مراد سمی عبیدالله بن زیاد بوده و انتقام مظلومین از ظالمین کشیده شود.

والله عزیز ذوالانتقام

الامر الاعلی مطاع

۶۸. اصطلاحی در بازی نرد و بمعنی هیچ گونه راه گریز نداشتن.

خداوند گارا، چون چاپار روانه می شد به عرض این مختصر جسارت ورزید. چند روز است که جناب سپهسالار وارد شده مشغول انجام و تدارک دفع شر اکراد ساوجبلاغ و غیره است، از هر طرف سوار حاضر و روانه اردوی بناب می شوند، بدیهی است که انشاء الله تنبیه کامل و مکافات خواهد شد. آن‌ها هم در خسارت و قتل و غارت در اطراف مراغه و ارومی و سایر جاها مضایقه نکرده‌اند، حتی به دهات هشتروند که سمت مراغه هستند اهل دهات از هشتروند و بلوکات ثلاثه در سمت سه‌سند همه متفرق شده‌اند. از واهمه از دهات اطراف شهر اکثری به شهر آمده‌اند، امیدواریم انشاء الله در این نزدیکی‌ها رفع واهمه از همه بشود و آرام بگیرند. اکثر اهل دهات حالا که وقت زراعت است در کسب و کار خود سست و معطل شده‌اند. در سمت‌های مراغه وارد و غله بسیار گران و کمیاب است، به فضل الله تعالی در شهر و نواحی عمل نان خوب است و عسرتی به هم نرسیده است، حمل و نقل غله از دهات هشتروند و آن طرف‌ها به شهر مشکل شده است. امروز که پنجشنبه ۱۵ ماه است خبر فتح جزئی رسید که اقبال الدوله به اردو و کسان شیخ عبیدالله از طرف ارومی زور آورده و عقب نشانده و قدری هم کشته است. قادر آقا هم که با پسرانش به گروس رفته و خیلی باعث سستی کار حضرات تبعه شیخ شده است. از شنیدن این خبرها مردم را آرامی شده است. اهل آذربایجان چنین نبوده که از این اغتشاشات این قدر اضطراب داشته باشند، مدت‌های مدید امنیت دیده و احتیاجی به اسباب و اسلحه و تدارکات دفع این طور اغتشاشات نداشتند، در یک طرف هم تدارکات دولتی از اسباب و اسلحه و توپ و قورخانه و افواج و سواره مهیا نبود، در وقت بدی این غائله و حادثه اتفاق افتاده این است که اضطراب و وحشت از حاضر نبودن تدارک جنگ شد. جناب سپهسالار در موقع بسیار خوبی رسیدند باعث آرام مردم شدند، در حقیقت حضرت اقدس والا ولیعهد در زحمت و کار تنها بودند بسیار صدمه می کشیدند. اوضاع در خانه حالا بسیار خوب و به قاعده

است. در حقیقت سپهسالار خوب از عهده این کارها خواهد آمد. در خدمتشان به هیچ وجه غفلت نیست و جودش را بسیار مغتنم می‌شماریم. در شهر و نواحی به هیچ وجه عیبی نیست امن و با نظم است، شرارتی اتفاق نیفتاده است و نخواهد افتاد، آنی آسوده در خدمت و زحمت نیستیم خاصه در این روزها در کارهای خارج از تکلیف خودمان هم سعی هستیم و آنچه به عقل می‌رسد عرض می‌کنم. زیاده چه جسارت نماید. حالت اردوی بناب در انتظار نزدیک شدن و رسیدن شاهزاده حشمت‌الدوله است که پشت بندی باشد. تیمور پاشا هم در شرف حرکت از خوی است بعد از چند روز انشاء الله خبرهای خوب خواهد رسید.

جناب سپهسالار در همان ساعت ورود و ملاقات از بنده پرسید که از جناب آقا چه خبر داری کاغذ و خبر تازه آمده است یا نه؟ عرض کردم تعلیقه تازه صادر نشده است. فرمودند: من خبر دارم همیشه کاغذ نویسی داریم. بسیار اظهار امتنان و خوشوقتی و تعریفات مجلسی از سرکار عالی فرمودند اگر مردی در دنیا هست همین جناب آقا است. [دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]: کلانتر تبریز نوشته است، جوابی نوشته شود.

[نقش مهر پشت سند]: عبدهالراجی مهدی

۲۸۲

شماره سند: ۶۸ تا ۵۲ - ۱۷۰

تاریخ: ۱۲۹۷

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: ولیعهد مظفرالدین میرزا

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم، چون بر این خانه زاد بلکه به عموم جان‌نشان لازم است که در هر مقدمه واقعه به طور راپورت کیفیت ماوقع را به عرض خاکپای مبارک برساند تا خاطر دریا مقاطر همایونی را از حقایق آن استحضار کامل حاصل آید، آن وقت البته به هر چه رای جهان‌آرای مبارک تعلق پذیرد همان عین صواب است، لهذا در مقدمه شیخ عبیدالله حرام زاده ملعون لازم به عرض و جسارت دیده آن چه از بدایت به نهایت سمت وقوع یافته جهت و سبب و هر چه مکاتبه و مشاوره رو داده به عرض

می‌رساند. در این فقره آنچه اول ظاهر شد و در خود اسباب استعدادی فراهم دید رضا بیگ نام‌گردد را که سابقاً نوکر مرحوم عزیزخان سردار کل بود و بعد به توسط اجزاء مرحوم سردار در جزو غلام پیشخدمتان برقرار شده بود فرستاده محرمانه نزد جناب صاحب دیوان و شرحی به این غلام شاهنشاه نوشت و تفنگ مارتینی هم ارسال داشت و وضع داعیه‌داری خود را به این مضمون محرمانه به اظهار نموده بود. خیال من این است با دولت روم جنگ نمایم از سرحد تا اسلامبول به حیطة تصرف بیاورم و خود صاحب یک ایالت بشوم و در این خیال از دولت علیه ایران هیچ توقعی ندارم جز آن که حواس مرا مختل نمایند و در عرض سال یک مبلغی هم به طور باج و خراج به دولت ایران تعارف می‌نمایم، وقتی این فقره را محرمانه به توسط جناب صاحب دیوان به این غلام اظهار کردند در جواب به جناب صاحب دیوان گفتم این مطلبی سهل نیست [که] مراتب را به عرض اولیای دولت رسانیده جواب دهم، باید این فقره را به توسط امنای دولت قاهره به عرض خاکپای مبارک همایونی برسانم، هر طور امر قدرقدر شاهنشاهی مقتضی و مقرر شد از آن قرار جواب داده خواهد شد. فردای آن روز با تلگراف رمز به جناب سپهسالار اعظم اشاره نموده و خود رضابیگ را هم قرار داده روانه دارالخلافه نمایم، بعد از وصول جواب تلگراف فوراً به استعجال تمام روانه ساخته و شرحی هم به جناب معزی‌الیه نوشتم، اواخر سال بارس‌نیل بود رضا بیگ به دارالخلافه آمد هر آنچه در این فقره معروض خاکپای مبارک گردید این غلام را اطلاع حاصل نشد تا این که به فاصله دو ماه خود این غلام جناب صاحب دیوان احضار و شرف‌اندوز رکاب فیروزی انتساب همایونی گردید، بعد از کسب افتخار از خاکپای مبارک و تقبیل اعتاب سنیة همایونی که شب عید توشفان‌نیل بود رضا بیگ را در رکاب مبارک دیده از مطالب معروضه سوال نمود، در جواب گفت: مراتب به توسط اولیای دولت به عرض رسیده سه ماه است به هیچ وجه جوابی داده نشده، هایم و حیران مانده‌ام. بعد خود این غلام از جناب سپهسالار اعظم تحقیق کرده جواب گفتند که به عرض رسانیده‌ام. فرمایش شده است [که] شیخ عبیدالله غلط کرده این گونه اظهارات را نموده، چون قول جناب معزی‌الیه معتمد علیه بود اسباب سکوت گردید، در این بین مقرر گردید که امور این غلام را به اتمام رسانیده مراجعت دهند، به حکم لزوم و وجوب هر گونه مطالبی

که در خور آسودگی رعیت و نظم مملکت و پیشرفت خدمات دولت بود کتابچه نموده به توسط جناب سپهسالار اعظم به عرض رسانیده جواب‌هایی که به هیچ وجه مکفی انجام مهام و مطالب معروضه نبود داده شد. این غلام دید در عالم غلامی و دولت خواهی اجوبه عرایض محل تأمل است و اگر جسارتی نماید شاید مورد تغیر شود، حتی به این غلام گفتند که اظهار مجدد لازم نیست به لحاظ آن که از ابتدا تا عمر دارد همه حواس خود را جمع و صرف این کرده که در هیچ امری بی‌رضای خاطر دریا مقاطر همایونی اقدام ننماید، عرضی ننموده اجزائی هم معین نمودند این غلام را مورد عنایات شامله همایونی داشته مراجعت دادند بعد از رخصت رجعت به آذربایجان در دو منزلی رضا بیگ را بین راه جزو همراهان دید [که] به ارومیه خانه خود می‌رفت، از وضع سفارشات که محول به تقریر او بود سوال کردم در جواب گفت: کسی به عرض این غلام اعتنائی ننموده و حال آنکه مقتضی بود همان وقت که این گونه اظهار از شیخ عبیدالله شد اگر محل اعتنا هم نمی‌شد در مقابل همچو شخص سنبه دیوانه که به صدق داعیه‌داری آمده و خود بی‌پرده و متهورانه به دولت اظهار می‌کند لامحاله در نزدیکی او که سرحد است تهیه و تدارکی که در مورد ضرورت، سد راه ضرر نماید حاضر باشد و به کار دولت آید این که ابداً اعتنائی نشد و درجه واقعی نیافت، متحمل بر این گردید از مقدرات و از قضایای آسمانی بوده، پس از آن که این غلام وارد آذربایجان شد یک طرف خرابی زلزله اسباب انهدام محال گرمرو و سراب شده و از یک طرف ابتلاء قحط و غلا پیش آمده علی‌الاصول اوقات خود را به اصلاح این فقرات که مستلزم رفاهیت رعیت دولت بود صرف نمود که نوعی رعیت بیچاره خود را به خرمن آتیه برساند، با آن شرح و بسط که البته به عرض رسیده غلام جان‌نثار در معرض زحمت فوق‌الغایه بود و بحمدالله تعالی به طوری در قحطی خودداری کرد که به نمک با محک شاهنشاهی روح‌الکمل فداء قسم که هر کس جای این غلام بود قادر نبود دو روز به آن اوضاع حادثه متحمل شود. در این بین امر احضار قشون ظفرنمون و حکایت سفر خراسان قبله عالمیان روحنا فداء پیش آمده قریب پانزده هزار قشون یک مرتبه از آذربایجان احضار شد، با آن همه اطلاعات و عاقبت‌اندیشی که در حفظ سرحدات داشت مستعجب دیده در جواب کاغذ جناب سپهسالار اعظم که به این غلام نوشته همین مشروحه ذیل را

که سواد آن است به خط خودم نوشتم، سواد کاغذی است که در شهر ذیقعدہ الحرام توشقان ثیل به جناب جلالتمآب اجل سپهسالار اعظم نوشته شده. جناب جلالتمآب اجل اکرم سپهسالار اعظم با این چاپار نوشتجات آن جناب را ملاحظه نمودم، از سلامتی شما مسرور شدم بحمدالله من هم در کمال صحت و سلامت مشغول انجام خدمت دولت هستم، تلگراف هائی که به تیمور پاشا خان سر تیپ کرده بودید دیدم نمی دانم چه واقع شده انشاء الله خیر است، لیکن این قدر هم بری از پولتیکهای دولتی نیستم، آن جائی که منظور دارید بفرستید خوب است اگر همسایه پاداری کامل بکند نه این که شما را اسباب کار خود نماید و عاقبت بگوید به من چه، علی ای حال صلاح مملکت خویش خسروان دانند، هر چند من در پیش وزرای ثلاثه عقلی ندارم لیکن گویا چیزی هم به عقل ناقص من برسد، اگر از مکنونات آنجا با اطلاع باشم باری این قدر هست که آذربایجان را خالی می گذارید، نمی دانم به چه جهت است دولت به منزله بدن است یک جا که در دیافت سرایت به عضو دیگر می نماید، ملتفت باشید آذربایجان است شوخی نیست، همسایه های بزرگ دارد گیرم شما با یکی پولتیکتان موافق است با دیگری که نیست. «دشمن نتوان حقیر [و] بیچاره شمرد» تصور نکنید که شکست خورده است یا ضعیف شده است یا در مجلس برلن عهدنامه بسته شده است نه والله دشمن هرگز فرصت را از دست نمی دهد و عقب وقت می گردد. باری اگر واقعاً خیال شما این است که گوشمالی به ترکمان بدهید یا این که انشاء الله تعالی اخذ هرات نمائید، خوب شما ملاحظه نمی کنید وجود مبارک همایونی شأنشان بالاتر از این است که به نفس نفیس خودشان بروند به مشهد مقدس و تشکیل اردو بفرمایند، اگر واقعاً منظور این است و از همسایه ها اطمینان کاملی دارند، این غلامشان حاضر است به هر خدمتی که بفرمایند والله نه خرج می خواهم و نه چیزی، به شوق و ذوق در راه دولت مایل به جان دادن هستم و از این گذشته ارث است، مگر نایب السلطنه مرحوم این خدمات را نکرد، پس کی باید تربیت شویم جنگ دیده [و] دشمن بکشیم خدمت ها نمائیم پشت پرده نشستن دور از رسم جان نثاری است، ماها اقلاناً تا به حال باید هر کدام جنگ ها کرده باشیم نوکری ها نموده باشیم جانی که در راه ولی نعمت داده نشود چه مصرف دارد. اگر اعلیحضرت شهر یاری روحنا فداه این اراده را دارند قبله عالم روحنا فداه

را به جقه مبارک خودشان که منت بگذارند به جان این غلام بی مقدار این شغل را به این غلام ناقابل محول فرمایند تا ملاحظه فرمایند جان فشانی و نوکری چه چیز است، این قدر هست که به جان و دل آرزو مندم و اگر از سرحد آذربایجان می ترسند بی نظم شود هر کسی را که میل دارند نایب الحکومه می فرمایند می فرستند تا این غلامشان مراجعت کند، شما را به خدا این عراض را بکنید بلکه این غلامشان به این خدمت سرافراز شود، بالجمله این فقراتی که نوشته ام به حدس است و خیال، تا چه اندیشه کند رای جهان آرایش، و هرگاه مقرر نمودند و این غلام را از این جان نثاری معاف داشتند لامحاله به جهت این سرحد هم فکری بکنید قریب پانزده هزار نفر قشون از این جا خواهد آمد، پنج شش هزار هم که در طهران و سرحدات است، راست است آن ها مراجعت خواهند نمود ولی تا بیایند باز حاصلی ندارد، از این گذشته یک مرتبه کل سرحدات را شما از احضار این افواج خالی می نمائید، افواج ثلاثه افشار می آید، افواج ثلاثه مراغه می آید، افواج ثلاثه خوی و ماکو می آید، ملاحظه کنید از لایجان الی خطه مراغه دیگر به هیچ وجه قشونی نیست به جز در ارونق که یک فوج دویم خواهد ماند، در حقیقت اصل بحبونه هرزگی ایلات خودمان و دولت روم است که آن ها هم در واقع عاجز از نظم ایلات خودشان هستند. شیخ عبیدالله کذائی هم که به آن سفاهت حاضر است، آنچه به عقل من می رسد خوب است که انشاء الله تعالی بیست روز بعد از عید مقرر شود در چمن درشک اردوئی تشکیل شود و چهار پنج فوج و چند عراده توپ و قدری سواره با یک نفر رئیس معتبر مثل اعتماد السلطنه و محمد صادق خان امین نظام و چند نفر صاحب منصب دیگر تا مراجعت موکب همایونی سه چهار ماه در آن جا مشغول مشق باشند که اسباب آسودگی آن سرحدات و نقاط خواهد بود، بلکه هرگاه صلاح باشد خودم هم به طور اختصار یک ماه چهل روز به خوی می روم سرکشی می نمایم، صلاح هم نباشد در شهر می مانم و به هیچ جا حرکت نمی کنم تا به سلامت اقبال موکب فیروزی کوکب همایونی مراجعت فرمایند. البته البته این از لوازم است و چاره نخواهد بود و آن سرحدات را نمی توان تحالی گذاشت، هرگاه خدای نخواست یک دعوی جزئی در ایلات بشود تا من بخواهم از خلخال دو بیست نفر سرباز به این جا بفرستم آنچه باید بشود خواهد شد، برای احضاری هم حقیقتاً خوب خیالی کرده اید این

سرکرده‌هائی که خواسته‌اند خوب هستند چاره هم غیر از این نداشته‌اید به جهت خرج اردو هم نباید مضایقه نمائید، هر گاه از مقرری این غلامشان مقرر شود داده خواهد شد. من در غلامی طالب آسودگی خاطر مبارک هستم اظهار این فقرات را محرمانه لازم دیدم، به نمک قبله عالم روحنا فداء از این خیالات هم احدی جز خودم به هیچ وجه مطلع نیست این‌ها را به هوای خیال و حدس نوشتم جواب را هم شما بعد از عرض به خط خودتان بنویسید. و حال آن‌که بعد از این کاغذ که به طور صریح حالی نموده نمی‌بایست دو مرتبه به آن تأکیدات و سختی امر شود که سرحدات را در آن حالت قحط و غلاخالی کرده، اصراری نموده جواب سخت‌تری دیده که چرا در امر دولت تکاهل می‌شود، این غلام دید در این مدت بیست سال که در آذربایجان بود همه وقت مسئول غیر مکلف بوده و به هیچ وجه به هیچ یک عرایض صادقانه این غلام واقعی گذاشته نشده و در هر مطلب حسابی ده مرتبه عرض کرده و الان چند کتابچه موشح به دستخط مبارک در کار قورخانه آذربایجان و سایر مطالب دولتی دارد که همه را معروض داشته و جوابی که لازم آن کار بوده به عزامضاء نرسیده، در حقیقت اصل خرابی کار این غلام از این است که عرایض این غلام قسمی بی‌وقع است، به هیچ وجه اعتنائی اولیاء دولت نمی‌نمایند و حال آن‌که حالا در روی زمین بر حسب قانون کلیه ادنی رعیتی اگر یک کلمه سخن حسابی به دولت اظهار نماید به اجتماع حواس ملتفت عرض آن عارض هستند، اگر عرض مفید است با کمال اعتماد و اعتنا عمل می‌نمایند و اگر معتنا به نیست جواب می‌دهند، به این قیاس روز به روز کارشان در ترقی و تصاعد است. این غلام عرض نمی‌کند که هر چه عرض می‌نماید صحیح و استماع و اجابت آن لازم است، همین قدر جسارت می‌نماید در هر سه چهار مطلبی که برای دولت محل حاجت و از روی دولت خواهی است یکی بر وفق صواب است مقبول آید، در همچو مواقعی که همه عرایض با صیرف جان‌نثاری مقارن و موافق مصالح دولتی است عاطل و باطل و اسباب یأس نشود و هر یک از عرایض خود قابل قبول اجابت نیست از معایب آن واقف نمایند معلوم کند که خبط کرده البته تنبه آن را نهایت سعادت شمرده، در ظل ظلیل همایونی روحنا فداء می‌داند تربیت خود می‌داند و با کمال شوق امیدوار و شاکر خواهد بود، بالجمله بعد از آن که مکرر در باب قشون و احضار آن امر و مقرر شد این غلام

عرض‌ها کرد که لامحاله بگذارید قشونی که خود این غلام می‌داند روانه نماید، باز جواب شنید که باید حتماً همین‌ها بیایند و مقصود این غلام از این عرض این بود که یک مرتبه سرحدات را خالی نگذارد، ابدأ پیشرفت نکرد ناچار به احضار افواج بر حسب امر مبارک ارقام فرستاد وقتی دست به عمل آن‌ها زد دید مبالغی طلبکار و به همه جهت بیست هزار تومان از تنخواه نظام در آن موقع که زمستان قحط و غلام را گرفته حاضر است و تخمیناً تهیه و تدارک این کار را مبلغ پنجاه هزار تومان لازم است و این غلام هم تعهد کرده که هر طور است این قشون را بفرستد، لاعلاج از بابت آن که در عرض خود تخلف ننماید و امتثال امر قدر قدر همایونی را واجب داند قریب سی هزار تومان از صراف و تجار آذربایجان قرض کرده به مرور تحویل حاجی علی‌قلی خان نموده قبض گرفته که امین لشکر هم استحضار دارد و خود حاجی علی‌قلی خان نیز حاضر است، اگر سؤال شود به عرض خواهد رساند و به فضل خدا و اقبال شاهنشاه عالم پناه روحنا فداه در آن سختی زمستان قشون را با نهایت آراستگی علی‌التوالی راه انداخت و دستخط‌هایی که در ازاء این خدمات ناقابل غلام جان‌نثار شرف‌اصدار یافته و مراحم خسروانه مشمول شده همه حاضر است و وعده اظهار مرحمت به این غلام و اجزاء این غلام شده باعث امیدواری بود، بعد از آن که از این کار فراغتی حاصل نموده همان‌طور در معرض قحط و غلام با کمال مهربانی و رأفت زیاد با مردم راه می‌رفت و مدارا می‌کرد که به سلامت جانی به بهار برسانند و ضمناً هم مترصد هرزگی و حرامزادگی شیخ عبیدالله شریب بوده، در بدایت سال لوی نیل هم جناب سپه‌سالار اعظم به این غلام شاهنشاه نوشتند که هرگونه مطالبی از مهمات مملکت دارد بنویسد زودتر بفرستد که به عرض برساند، جواب حاصل نماید اقلاد در همچو سالی از جهت مطالب مملکتی آسوده شود، این غلام کتابچه نوشته با عریضه عاجزانه و پیشکش نوروزی به همراهی روح‌الله میرزا پیشخدمت باشی خود ارسال نمود، در ضمن فصول آن باز شرحی از بابت عدم قورخانه و تهیه و تدارک و بی‌سامانی و بی‌مواجبی قشون و تصریح به اینکه رفته‌رفته یک سه ماهه مواجب بی‌پا و بی‌محل خواهد ماند و در فقره سرحد و شیخ عبیدالله معروض است و در لزوم اردو که شرحی عرض کرده بود شاید آن کاغذ مفصل این غلام به عرض نرسیده باشد و مجدداً بخوانند و ملاحظه فرمایند این فقره را هم درج کرده

باز جوابی که مرحمت شده این است که سواد آن عرض و نوشته شد، به نظر آفتاب اثر همایونی روحنا فداه مقرون خواهد گشت و معلوم خواهد شد که عریضه چه بوده و جواب چگونه مرحمت گشته سواد عریضه است:

در باب انتظام این صفحات در چهار ماه قبل شرحی به جناب مستطاب سپهسالار اعظم این غلام به خط خود نوشته بود که البته از شرف لحاظ انور گذرانیده‌اند و این فقرات منوط بر این است که هرگاه صلاح دانند و اجازه مرحمت فرمایند در چمن در شک و اوجان ده یک اردوئی که متضمن سه چهار فوج و قدری سوار باشد در سر خرمن و حاصل تشکیل شود که هم افواج حاضره مشقی نمایند و هم پرداخت موجب کنند و هم قشون مختصری حاضر باشد که برای هر یک از سرحدات لازم شد فرستاده شود و همین تشکیل اردو و حاضر بودن سه چهار فوج و خود این کار خیلی فواید دارد، اگر مقرر می‌شود صورت جیره و مصارفی که لازم است کتایچه به عرض برساند و اگر لازم نیست امر امر قدر قدر مبارک است.

سواد دستخط مبارک:

در هذه السنه بعد از این گرانی و قحطی مردم باید قدری راحت بکنند، انعقاد اردو را امسال صلاح نمی‌دانیم. اگر ولیعهد بخواهد یا صلاح داند یک دو فوج یا چند دسته سوار احضار نماید، فرداً فرداً می‌تواند احضار نمود و در خارج باغ شمال توقف نموده سان بدهد. اگر خدمتی باشد مأمور شوند و الا مرخص خانه گردند.

معهداً چون این غلام به جز استحکام کار و آسودگی خاطر مبارک مقصودی نداشت به همان قدر که چند فوج حاضر باشد راضی شده و به مرحوم اعتماد السلطنه اظهار کرد که چهار و پنج فوج و پانصد نفر سوار و یکصد نفر توپچی احضار کرده بیاورند در یانق و صحرای پشت باغ شمال اردوئی مرکب شود، افواج در آن جا هم مشق کنند و هم موجب بگیرند

و هم به کسر نفری آنها قراری داده شود و هرگاه خدای نخواستہ اگر کاری رخ نماید و قشونی لازم شد حاضر باشند و به ولایت مطلقه امیر المومنین علیه السلام که اگر همان اردوئی که در چمن در شک این غلام در یک ماه قبل از این مقدمه عرض کرده بود مأذون

شده بود و منعقد می شد ابتدا آن ملعون حرامزاده به این خیال نمی افتاد و هرگاه در ثانی این افواج در تبریز حاضر می شد بر فرض اگر حرکتی می کرد باز ابتدا نافع نمی شد و این همه ضرر به دولت و به مردم نمی رسید، بعد از آن که این غلام به اعتماد السلطنه گفت او هم افواج را معین کرد و ارقام و احکام بر حسب اظهار این غلام صادر نمود که غرة شهر رمضان المبارک حاضر شوند و دریانق اردو منعقد گردد و این غلام اتصالاً برای تمهید این فقره تأکید می نمود تا غرة رمضان که بنای حاضر شدن اردو بود یکدفعه اعتماد السلطنه حاضر شد و دستخط مبارکی که از جانب سنی الجوانب همایونی در روی پاکت نوشتجات او مرسولی نزد جناب سپهسالار صادر شده بود ابراز داشته به زیارت این غلام رسانید. مضمون آن هم این است:

سواد دستخط آفتاب طلعت همایونی که در روی پاکت مرحوم اعتماد السلطنه صادر و مقرر شده،

اردو به هیچ وجه لازم نیست، عقب مانده قشون را واسطه چرا می شوند؟ مهلت چرا باید داد؟ ولیعهد چرا محصلی نکند که عقب مانده را راه اندازند خود چرا مهلت می دهد؟ تعمیرات اطاق نظام و قورخانه ها چقدر است؟ معین کند.

این فقره در غرة شهر رمضان بود. این غلام فوراً تلگراف مفصلی به جناب سپهسالار اعظم نمود که واجب است اردو و باید حکماً حاضر شود. بعد از پنج روز جواب رسید که تلگراف در باب حاضر شدن اردو رسید، فرستادم به خاکپای مبارک همایونی روحنا فداه به شهرستانکه باز بعد از پنج روز جواب خواستم جوابی دادند که با چاپار تفصیل را می نویسم.

در این جواب و سوال که روز پانزدهم شهر رمضان بود خبر از ساوجبلاغ رسید [که] حمزه آقا فرار کرد و احتمال دارد نزد شیخ عبیدالله برود، فوراً مراتب را به عرض خاکپای مبارک رسانید، دستخط مبارک شرف صدور یافته که این فقره خوب نشد و خداوند از عاقبت این امر حفظ فرماید. گویا این واقعات به قلب مبارک که آئینه الهامات غیبی است الهام و تأکید به این جان نثار شده بود تا زود است جلو این فتنه را بگیرد، ملاحظه فرمایند در همچو وقتی که افواج آذربایجان را کلاً به رکاب مبارک فرستاده اردو هم اذن داده نشده

تهیه و تدارکی از هیچ جهت مقدور و ممکن نبوده بعد از زیارت دستخط مبارک تلگرافی دقیقه [ای] آرام نگرفته اول به مقام این آمده که اصلاحی فیما بین قادر آقا و حکومت ساوجبلاغ نماید، فوراً طهماسب قلی خان یوزباشی را که احضار به دارالخلافه بود با سوار حاضر نموده یک ششماهه مواجب داده با محمد صادق خان آجودان باشی که با قادر آقا مراد و انس داشته با احکامی که لازم بود فرستاد، دو سه روز دیگر سواره رحیم خان سرکرده سواره چلبهانلو را حاضر ساخته روانه داشت، بعد از دو روز محمد حسین خان بختیاری را با بیست و پنج نفر سوار که در نزد این غلام بود فرستاد به اطراف آن جا هم که مراغه و صاین قلعه و چهار دولی بود احکام فرستاد که هر چه سواره و پیاده داشته باشند حاضر کنند، سلیم خان را هم فوراً با پنجاه و شصت نفر سواره حاضر ساخته به ساوجبلاغ رفته در ظرف ده پانزده روز به قدر چهارصد پانصد نفر سوار در ساوجبلاغ حاضر داشت هر قدر خواسته بودند فیما بین قادر آقا و حکومت التیام دهند ظاهراً التیام پذیر شده باطناً چون مدت ها بوده که با شیخ عبیدالله اهالی آن جا ربط و مراد داشته اند و خاطر جمع هم بودند که دیگر در سرحدات قشون حاضری نیست، در جواب گفته بودند هر وقت قشون دولتی رسید ما هم حاضریم، در این بین خبر عزل جناب سپهسالار اعظم رسید چون دو سال بود طرف سوال و جواب مطالب این غلام معزی الیه بود عزل او که احاطه بر مطالب کلیه داشت جهت بی حواسی گردید که چگونه مطالب لازمه را به سایر امنای دولت حالی کند، چنان که چند تلگراف متوالیاً نموده جوابی که داده شده به هیچ وجه دخلی به سوال این غلام نداشت، از جمله نوشته بودند که قادر نام کی است؟ و این و جنگ ها جنگ چه چیز است؟ تنخواه خواستم دیدم جواب می رسد که از بابت بقایا فلان قدر تنخواه در آذربایجان باقی است، بعد گفتند از گمرک بگیرد این غلام مباشر گمرک را خواست در جواب گفت چهار پنج روزه یک هزار تومان به اشکال ممکن است داده شود. این غلام دید که به این طورها نمی شود و کار از موقع می گذرد و از بابت اقساط نظام و غیره هم که حواله محالات شده بود به ملاحظه قحطی و پریشانی به حیطة وصول نرسیده بود لاعلاج چند نفر از تجار [را] حاضر نموده و بیست و پنجهزار تومان در همچو وقت از آن ها قرض خواسته در ظرف دو روز گرفته اعتماد السلطنه و حاجی علی قلی خان را حاضر نموده گفتم

تنخواه حاضر است باید هر طور است افواج را حاضر کرده اول فوج امیریه که قراول خود این غلام بود موجب داده بعد فوج چهارم ابواب جمع آقاخان سر تیپ را که نزدیک به شهر بود حاضر ساخته با فوج بهادران آن هم که نزدیک بود موجب داده بدون فاصله ده دوازده نفر مأمور علی التوالی به سر حسین قلی خان جنرال فرستاد، او هم با دو فوج هشتروند حرکت نموده بی درنگ روانه شود، از این طرف که این فوج ها به مراغه می رسد او هم رسیده ملحق شود و از آن سمت با اقبال الدوله سوال و جواب نمود جواب داد از این فقرات هنوز چیزی واقع نشده و حال آنکه آن بیچاره هم در غفلت بوده، یک مرتبه شراره آتش از خاک او گذشته بوده است. به مجرد آن که تلگرافی از خوی به این غلام رسید تیمور پاشا خان را که به جهت پاداری فوج های خوی به خوی خواسته بود در آنجا حاضر بود در تلگراف خانه حاضر و تهیه او را دیده و شیخ علی خان را با لوازمی که به جهت دو فوج افشار لازم بود فوراً با قرض و پول که از تلگرافخانه تبریز به خوی رسانده حرکت داده به اقبال الدوله رساند. به نمک مبارک قبله عالم روحنا فداء اگر یک روز دیرتر به اقبال الدوله رسیده بود آن بیچاره تلف و ارومیه هم به کلی تمام شده بود، آن ها که در آن جا اردوئی پیدا کردند. از این سمت شهر هم کاغذی در بیست و دویم شهر شوال المکرم از علی خان حاکم مراغه که از میان دو آب نوشته رسید که الان کاغذ او حاضر است. نوشته است این جا بعضی می گوید شیخ عبیدالله خواهد آمد و بعضی می گوید دروغ است، این غلام این کاغذ را دید فوراً در باب حکومت ساوجبلاغ به عرض رسانید. مقرر شد تغییر داده شود و بر حسب امر قدر قدر حاجی صدرالدوله مأمور و روانه گردد او را خواسته بلاتأمل خلعت داده دو سه فوج هم هر طور بود تهیه دیده چهار عراده توپ با سیصد بار قورخانه داده حتی از لاعلاجی اسب کالسکه خود را به توپ بسته در ظرف یک شبانه روز تهیه آن ها را دیده پانصد تومان هم به آقاخان سر تیپ انعام داده با خلعت و اطمینان کامل در صبح بیست و سوم از شهر تبریز روانه کردم، آن ها که رفتند دو روز بعد خبر رسید که به اغوای جلیل حرام زاده و باباخان و سایرین که روزنامه نگاری می کردند آمدند به میان دو آب و خود آن ها که اسباب اغوا شده بودند حاکم را به عنوان این که برویم جلو پسر شیخ عبیدالله، وقتی که از قصبه ساوجبلاغ بیرون می روند از راه علیحده تا نزدیک میان دو آب می آورند همان جا

عذر می خواهند بعد از آن که اکراد از میان دو آب و اطراف آن جا فارغ شده و آتش زده و غارت کنان به شهر تبریز رو می گذارند از این طرف حاجی صدرالدوله و آقاخان سرتیب و آن اردو که می رفتند در حوالی قریه بناب می رسند اکراد هم به یک کوچه بناب هجوم آور شده بوده اند که صدای شلیک تفنگ طرفین به اردو می رسیده از طرف اردو هم بنای توپ انداختن را می گذارند و همین طور شلیک کنان رو به بناب می روند، وقتی که اردو به بناب رسیده که یک مرتبه اهالی بناب که قریب بیست هزار جمعیت متفرقه جمع شده به بیرون آمده اردو را استقبال کرده و رسم شکر گزاری و دعا گوئی را به وجود مسعود قبله عالم روحنا فداء به عمل آورده به نوعی بی تابی و دعا می نمایند که به اهل اردو رقت کامل دست می دهد، اکراد که صدای توپ را می شنوند فوراً عقب نشسته اردو داخل بناب شده مراتب را به این غلام می نوشتند.

در این بین امر قدر قدر ملوکانه شرف صدور یافت که اعتماد السلطنه مرحوم را هم به کمک آن ها روانه نماید، امثالاً للامر الاقدس الاعلی لازمه کمال مراقبت و اهتمام را در راه انداختن او به عمل آورده به قدر دو هزار تومان نقد به شخص او از بابت مواجب و غیره که داشت داده و اردوی دیگر هم برای او به چه مشقت و زحمت ترتیب نموده سه فوج دیگر حاضر کرده در نهایت استعجال در ظرف سه شبانه روز که شب ها تا شش ساعت از شب گذشته مشغول سان و مواجب دادن بوده با سیصد بار قورخانه و دویست و سیصد نفر سوار و چهار عراده توپ همراه او کرده روانه داشت، اگر این غلام بخواهد آن چه واقع شده و به تقدیم رسانیده مطابقاً للواقع شرح و عرض دهد موجب اطاله و اطناب و بلکه نوعی از جسارت خواهد بود. بعد دو هزار تومان پول نقد تحویل میرزا اسماعیل سررشته دار فوج دوم خاصه نموده که به جهت فوج هفتم شقاقی و قهرمانیه به فاصله سه چهار روز پس از حرکت اردوی اول روانه و ارسال داشت که بی تأمل سه چهار روزه به اردو ملحق گردید، بعد از این که اجتماع آن ها به قاعده شد از بناب خارج شده در نیم فرسخی آن چادر زده و اردوی بزرگی ترتیب دادند. به همه ولایات آذربایجان هم علی التوالی تفنگدار و غلام مأمور و روانه داشت که سواره چریک و نوکر دیوانی هر قدر ممکن و میسر شود روانه نمایند و به چریک نفری پنج تومان انعام قرارداد نوشت که بدهند تا مقدور است روانه کنند، بعد از

آنکه از اطراف و اکناف جمعیت رسید و اردوی معتبری تشکیل یافت اگراد رفته رفته عقب نشسته تا آن که بعضی حرام زاده های نمک به حرام که مرادده مخصوصی با آن ها داشتند به آن ها خبر می دهند که اردو خیلی استعداد ندارد، آن ها هم باور کرده به سر اردو هجوم آورده سه شبانه روز علی التوالی مشغول جنگ و جدل و معرکه شدند، دیدند که از عهده نمی توانند برآیند از اقبال بی همال همایونی تاب مقاومت نیاورده شکست خورده رفتند، از جانب اردو آن ها را دنبال کرده بعضی گرفتار و برخی مجروح و فرار کرده متفرق شدند. در این بین جناب مستطاب سپهسالار اعظم وارد شده و ابدأ از هیچ چیز اطلاع و استحضار نداشت مراتب ماوقع را به او اظهار کرده بصیر و خبیر نموده بر حسب امر قدر قدر همایون اعلی با نهایت موافقت همراهی کردم، سوارهایی که قریب چهل روز مأمور فرستاده و خبر داده بود علی التوالی رسیدند، جناب معزی الیه سان دیده روانه گردیدند بعد از پانزده شانزده روز توقف جناب معزی الیه در شهر تبریز چون دو اردوی معتبر دولتی به هم می رسید و رئیس نداشت و احتمال خطر می رفت از جانب سنی الجوانب همایونی مقرر گردید [که] جناب سپهسالار به سرحدات برود فوراً تهیه خود را دیده به سمت مراغه و ساوجبلاغ و خوی و ارومیه رفته به امور آن صفحات سرکشی کرده قرار نظم اردوها و توقف ساخلوها را داده آن چه شرط دولت خواهی بود به فعل درآورده، هر گاه این غلام بخواهد فقره به فقره عرضه دارد خیلی مطول خواهد بود، البته راهپورت و تلگراف هائی که عرض کرده در نظر آفتاب اثر مبارک هست از آن جا به تبریز مراجعت کرده به فاصله سه روز که سه ماه به آخر سال مانده بود روانه دیدار جهان مدار همایونی گردید و هر گاه بخواهد به عرض رساند که در این مدت دو سه ماه که جناب سپهسالار در خارج بود به چه اندازه این غلام شاهنشاه روحانفاده در رسانیدن وجوهات به اردوها و فرستادن بالاپوش زمستانی و چادر به افواج و تقدیم سایر مهمات چه قدرها متحمل مشقت و مرارت گشته اسباب تصدیق خاطر مبارک خواهد بود، وانگهی عرض این فقرات منتهای جسارت است زیرا که وظیفه نوکری این غلام این بوده که به عمل آورده بلکه در آن اوقات خورد و خواب را کلیتاً به خود حرام می کرد و یک لحظه آسوده نمی شد و متصل مورد زحمت و صدمه می گشت باز در غلامی شاهنشاه روحانفاده خود را شرمنده می دانست، اگر چه بحمدالله تعالی در انجام این

خدمات به هیچ وجه خود را خجیل و روسیاه نمی‌داند لیکن اقتضای بندگی و غلامی در مورد خدمتگزاری جان دادن است نه مبتلا به زحمت و مرارت شدن. بالجمله با آن که خیلی بی‌خبر این شیخ حرامزاده طلوع کرد بفضل الله تعالی از یمن اقبال همایون شاهنشاه روحانفاده ستاره نحسش روید غروب نمود و زحمات این غلام جان‌نثار هم به هدر نرفت و بعد از انجام این خدمات دستخط مبارک تلگرافی به افتخار این غلام صادر شد که انشاء الله تعالی در حق این غلام و اجزاء خدمت همگی مرحمت ملو کانه شامل خواهد شد. وقتی که حکم احضار این جان‌نثار بر حسب دستخط مبارک تلگرافی زیارت شد همان دستخط مبارک را حرز بازوی امیدواری نموده به شوق این که در ازاء خدمات خود مورد همه قسم مراحم کامله خواهد بود، مستعجلاً روانه دارالخلافه گردید. بعد از ورود و تشریف به خاکپای اقدس همایونی روحانفاده همچو معلوم و ظاهر شده هر کس به هوای خیال خود ایرادی می‌نماید که چرا این غلام این فقرات را به عرض نرسانیده [است]، به طوری که دیده و استنباط نموده این حالات در انظار اسباب خفت به جهت این غلام گردیده، به نمک شاهنشاه قبله عالم روحانفاده مشاهده این حالات نوعی تولید غصه باطنی کرده نزدیک است مدقوق شود که به این همه تفصیلات یک سال قبل مراتب را به اولیای دولت خبر دهد و عرایض خود را در معرض بی‌اعتنائی دیده باشد، بعد هم بی‌آن که زحمتی بدهد خود غلام از تصدق فرق مبارک در مقام دفع دشمن دولت برآید و به آن زودی و بی‌پولی و بی‌تدارکی که داشته جلو این فتنه بزرگ را بگیرد حالا این طور در انظار اسباب خفت حاصل نماید. از انصاف و عدالت شاهانه داوری می‌خواهد به اقتضای مراحم کامله باطنیه که در حق غلام خودشان دارند عنایتی شامل فرمایند، اگر چه با این همه امتیازات که از تصدق فرق مبارک همایونی به این خانه زاد جان‌نثار مرحمت شده جسارت استدعائی ندارد و در غلامی اگر هزار جان داشته باشد همه را تصدق خاکپای جواهر آسای همایونی روحانفاده نماید یکی از عوض مراحم باطنی شاهانه را تلافی ننموده است ولی مع هذا این گونه عنایات مخصوصه راجعه به قلب مبارک است از اعلی و ادنی متذکر بعضی فقرات هستند، ظاهراً هر گاه التفات و مرحمت مجدد و بین مشاهده نکنند سلب خفت از این غلام نخواهد شد. استدعا از خاکپای مبارک آن است قسمی مرحمت شود همه کس

دانند که این غلام در اندازه چاکری از خدمت تغافل ننموده منتها واقعه [ای] از قضایای آسمانی بفتتاً واقع شده منوط به حکم قضا و قدر الهی است، کسی را به رد آن قدرتی نیست. همچنین در باب مواجب قشونی حالا سه چهار سال است علی التوالی این غلام عرض می نماید و در ضمن عرایض کتابچه به عرض رسانیده و همه به دستخط مبارک موشع شده که قرار درستی داده خواهد شد، این است که حالا اسباب زحمت شده نه این است که در این فقره این غلام کوتاهی کرده باشد، در هر صورت حالا اشکالی ندارد همین قدر که توجه شاهانه مقتضی شود به محض توجه اندک انشاء الله تعالی به اسهل وجه درست می شود و نهایت آسودگی حاصل می گردد.

در عمل معاملات سنه لوی ٹیل هم که به امانت این غلام مقرر شده بود با وصف آن که این همه انقلابات و آن قحطی اول سال مانع بود صورت حساب آن از عرض حضور مبارک همایونی گذشت که به چه نحو از عهده برآمده، به نمک شاهنشاه روحانفاده هر گاه به طوری که امسال مقرر شده مواجب قشونی ششماه منظور شود پارسال هم این طور مقرر می فرمودند، حالا یک دینار باقی در کل مملکت آذربایجان نبود و محاسبات کلیه هم دو ماه به آخر سال مانده تمام شده بود زیرا که در آذربایجان پول داد و ستدی چیزی نیست همان وجه نظام است، همان که آن هم با خود سرباز قبض و اقباض شود فوراً محاسبات تمام است، این پنجاه هزار تومانی هم که باقی مانده به جهت این است که حواله جزو از خزانه دار نظام نشده بود که این انقلابات به میان آمد و اگر همان وقت حواله شده بود بالکلیه تمام و پرداخت شده بود. وضع رفتار و سلوک این غلام شاهنشاه روحانفاده هم که در مدت بیست سال در آذربایجان متوقف بوده البته به امنای دولت و در خاکپای همایونی معلوم شده که حبه و دیناری به احدی ظلم نکرده و از عملجات این غلام هم کسی قادر نشده به کسی متعدی شود، چنان نیست مراتب مکرر به عرض خاکپای جواهر آسای همایونی نرسیده باشد و خاطر معدلت مظاهر مبارک از فقرات کلیه آن آگاه نگردیده از بابت آن که خود این غلام هم عرضه داشت نماید جسارت در عرض این راپورت نمود.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع است [۶۸-۱۷۰]

[مهر ولیعهد]، جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم اعظم آقا، شش و هفت ماه قبل مخصوصاً شرحی به جناب مستطاب مشیرالدوله نوشته بودم که ترتیب و تشکیل اردوئی در چمن در شک لازم است و اهمیت آن را اظهار داشته بلکه از خیالات و حالات اکراد هم اشاره کرده بودم و حال آن که آن وقت این مقدمات نبود، معزى الیه خیالات و اظهارات مرا تحسین کرده ولی تکلیف را معین نکرده بود، بعد مجدداً در ضمن کتابچه مطالب مملکتی که به خاکپای مبارک همایونی روحانفداه عرض کرده بودم آن جا هم عرض نمودم که موقع آن است در پشت باغ شمال اقلادو سه فوجی اردو نماید و مشغول مشق شوند، آراسته باشند اگر ضرورتی شد مأمور شوند، اگر هم نشد باز اسمش اردوئی است، لامحاله از مذاکره آن در اطراف حسابی می برند این فقره که به عرض خاکپای مبارک رسید دستخط فرمودند و عرض این غلامشان را اجانب فرمودند، بعد دستخطی به اعتمادالسلطنه صادر شد که لازم نیست. من هم که نمی توانستم بی اذن و اجازه اقدامی کنم، حتی نوشته بودم مخارج این اردو را من خود پیشکش می نمایم. ملاحظه کنید اگر این سه فوج در شهر و حاضر بود همین که بعضی مذاکرات به میان آمد من فوراً روانه ساوجبلاغ می کردم چه قدرها به موقع می شد و بلکه یقیناً با وجود آن فوج هرگز اکراد جرأت تخطی و این گونه بی مبالاتی را نمی نمودند، چنان نیست که من ملتفت این کارها نبودم، هر چه می نوشتم به اظهارات من واقعی نمی گذاشتند و بلکه احتمال دارد به عرض هم نمی رساندند. از من این بود عیبی که می دیدم فوراً اطلاع بدهم و راه چاره را بنمایم، مطلقاً در این فقره قصور ننموده ام. افواج آذربایجان را که احضار کردند چندین دفعه با مخابره تلگرافی و تحریراً نوشتم که صلاح نیست، به جانی نرسید. خلاصه حالا که کاری است شده و پیش آمده باید در فکر اصلاح حالت حالیه و روانه نمودن فوج و سوار و استعداد باشید، من هم که شب و روز آرام ندارم و مراقبت دارم و وقایع همه روزه را با تلگراف اطلاع می دهم. فی شهر شوال المکرم ۱۲۹۷ صحیح است.

فدایت شوم، رقیمة جناب مستطاب عالی که در هشتم ذی قعدة سمت ترقیم و ارسال یافته بود مصحوب پست عز و صول بخشید و زیارت گردید. چنانچه به واسطه تلگراف هم عرض شد در این هشت روز که وارد تبریز شده ام دقیقه [ای] مجال نیافته ام، ضیق وقت، وحشت مردم، جسارت اکراد، نبودن اسباب، موقع بروز کفایتی نگذاشته است، لیکن از هیچ جهت مقام خودداری نبوده سوار و فوجی تهیه کرده قورخانه به هر تدبیر بوده است به اعتماد السلطنه رسانیده به مردم و اهل اردو دلداری ها و نویدها داده شد. بحمدالله از دیروز خبر خوب رسید. از اکراد چهارصد سر گرفتند و نتوانستند دیگر مقاومت نمایند، تا ورود وزیر فواید خبرش برسد، انشاءالله خیلی کار را پیش می اندازم و تا ورود نواب والا حشمت الدوله دیگر اخبار خوب خواهم داشت. انشاءالله سوار چریک و داوطلب که گرفته و از قراچه داغ خواسته ام سهل است تفنگچی چریک هم تهیه شد، انصافاً گوی سبقت را کلانتر برد و از محله خودش و پسرش تفنگچی چریک آورد و سان داد. سایرین هم به او لابد تاسی دارند و این فقره خیلی باعث اطمینان شهری است. واقعاً اهل تبریز از کاشی بدتر شده اند من بعد باید مثل را به اهل تبریز زد، اما با توجهات مبذولة اعلی حضرت همایونی روحانفاده در این هفته همه این ها رفع خواهد شد. آمدن بنده خیلی اسباب اطمینان مردم شده است بنده هم دیگر از هیچ قسم اهتمام فروگذار نکرده ام انقلاب یکی دو تا نیست خیال نان شهر و این اردوها خودش یک مطلب عمده بزرگیست تا مقدر چه باشد. زیاده عرضی ندارم، در ۱۹ ذی قعدة عرض شد. در حاشیه: جواب نوشته شد.

[نقش مهر پشت سند]: عبده الراجی محمد حسین

فدایت شوم، در پست قبل مراتب حالات عرض و تشکر شد اینک هم که موقع عزیمت چاپار است و رقیمة مورخه ۲۲ از طرف جناب مستطاب عالی زیارت گردید معلوم شد عریضه بنده نرسیده بوده است و حال آن که در هر پست عرض فدویت شده است. امروز هم اگر چه در تلگراف عرایض لازمه حضوراً مخابره شد، لیکن باز ترتیب پست را از دست نمی دهد. حالت تبریز و امورات این سامان در حضور جناب مستطاب عالی پوشیده نیست بالنسبه حالت ها بهتر است، حالا هم که مقرر شده است خود این بنده به اردوی سرحدات بروم و انشاء الله خواهم رفت، تا بعد از رفتن ببینم چه پیش خواهد آمد و امورات بر وفق مرام انشاء الله خواهد شد. اردوها قدری جان گرفته اند و استعدادی دارند لیکن حالا آذوقه و سیورساتشان محل تأمل است و امروز مشروحاً عرض کردم حاجت تجدید عرض نیست. نان شهر هم البته به عرض عالی رسیده است در این چند روزه بالنسبه خیلی خوب شده است، آن وضع پیش هم تغییری دارد و مردم قدری آسوده می خوابند و همه طبقه به دعای ذات اقدس همایون شاهنشاهی روحفداه اشتغال دارند. معروضه ۲۹ شهر ذی قعدة ۹۷ (۱۲)

[نقش مهر پشت سند]: عبدهالراجی محمد حسین

هو

فدایت شوم، حالت سپهسالار را در این سفر نسبت به این بنده تا بودم همه را ملاحظه می فرمودید، بعد از حرکت این بنده هم هر چه کار شکنی و اهانت می کرد بیان الملک همه

را خدمت حضرت اجل اکرم عرض کرده و استحضارات و افیه حاصل فرموده‌اید تا زنده است و این بنده هم در هر جای عالم باشد امکان ندارد به قدر قوه دست از حالات خود و اذیت و خفت این بنده بردارد، هر چه خلاف استدعا و پیشرفت کار این بنده و نظم مملکت باشد برای تفسیح این بنده همان را طالب است. حکومت ارومیه را وقتی که این بنده دید دیگر محال است نواب شجاع الدوله با آن جسارت و هرزگی عشایر و ایلات خارجه و داخله از عهده نظم سرحدات و امنیت آن صفحات برآید و ناچار به اقبال الدوله واگذار نمود و فی الحقیقه آنجا هم در این مدت اندک رو به آرامی و امنیت گذاشته چون موضوعی عمل گمرک آن جا در این یک ساله که حکومت با نواب معظم‌الیه هم بود هر روزه شکایت داشت و دو تلگراف او را در دارالخلافت هم به نظر مبارک حضرت اجل اعظم رسانید و ملاحظه فرمودند ناچار گمرک ارومیه را ضمیمه عمل حکومت کرد و این معامله برای دیوان همایون ضرر و تفاوتی نداشت. حاجی رجبعلی خان که همه التجا و اتصال او به آن دستگاه و آنچه در این مدت کرده در واقع به اشاره آن جاست معلوم شد به جناب سپه سالار تلگراف کرده و شکایت نموده است. الان که روز دوازدهم و موعد حرکت چاپار است تلگرافی از سپه سالار به اقبال الدوله رسید، بعینه تلگراف را برای استحضار خاطر مبارک حضرت اجل فرستادم و امکان ندارد اگر هزار تلگراف از او برسد این بنده به خلاف مصلحت دولت و مملکت و حکومت گمرک را موضوع کند که هر روز اسباب دردسری فراهم شود، اما مقصود آن است طوری نشود [که] از حضرت اجل حکمی بگیرند و قصه را بر این بنده مشکل نمایند. در خاطر مبارک باشد کاری به اقتضای صلاح دولت و ولایت کرده‌ام و گوش به این تلگراف‌ها نمی‌دهم، همین قدر باشد که از حضرت اجل حکمی به اصرار نگیرند هیچ وقت رسم نبوده است و اشتباهاً حاجی رجبعلی خان این کار را کرده بود، زیاده عرضی نبود. الامر الاجل الاکرم مطاع

فدایت شوم حالا دیده است که این ارادتمند نمی‌تواند بعضی احکام بکند در هر امر ماجرای نظامی احکام صادر می‌کند منحصر به این نیست در باب ارس حکم کسر آن می‌کند. حاجی رجبعلی خان را اسباب دست بی‌احترامی به این بنده نموده است خوب به حکم همایون تعدی در کارهای ارادتمند می‌نماید

فدایت شوم، با چاپار قبل مختصری عرض حال شده بود البته به ملاحظه جناب مستطاب عالی رسیده است چاپار طهران هم الان که اول مغرب شب جمعه بیست و چهارم است وارد شد و قیمه مورخه ۱۵ را رسانید، با عدم وقت تقدیم تشکر و عرض حال را واجب می داند. اولاً از این نوع التفات های جنابعالی و زحمتی را که آن روز در توقف تلگرافخانه و ابلاغ عنایات ملوکانه روحنا و روح العالمین فداء تحمل فرمودند تا قیامت ممنونم. امیدوارم با این که این مرحمت مجدد و اعطای مهر سپهسالار اعظمی را به واسطه جنابعالی مشمول شده ام خبرها و اثرهای خوش هم به توسط جنابعالی در خاکپای اقدس اعلی روحانفاده معروض افتد. خدا شاهد است به نمک شاهنشاه روحانفاده در این مدت ورود آذربایجان خواب و خوراک و آسایش را بر خود حرام کرده ام و الحمدلله خیلی کار پیش انداخته ام. آذربایجانی را به غیرت آورده ام که هر کس داوطلب جان نثاری شده است و از همه طرف به رغبت دیگر اتصالاً می رسند [و] انعام خلعت می گیرند [و] می روند. فوج ها هم شقاقی به سمت بناب رفت، تخته قاپو هم حاضر شده است. فوج ششم شقاقی هم خواسته می شود به ارومیه. تیمور پاشاخان را هم چهار پنج روز است که از خوی فرستاده ام حالا باید در ارومیه باشد. چون این دو سه روزه به واسطه اغتشاش قوه سیم خط خوی خبری نرسیده از ارومیه خبر تازه نرسیده مگر تلگرافچی مرند ساعتی قبل اطلاع داده است که در ارومیه هم شکست دادند و اکراد در کار تفرقه هستند، هر خبر برسد به واسطه تلگراف عرض خواهد شد. شهر و توابع و هشت رود این صفحات بحمدالله همه امن است. اعتماد السلطنه هم به قدری فارغ است که روزها مشق نظامی و امتحان می کند. از ورود وزیر فواید هنوز خبری نرسیده است هر وقت برسد عرض خواهد شد. زیاده عرضی ندارم.

[نقش مهر پشت سند]: عبدهالراجی محمد حسین

تاریخ: صفر/۱۲۹۸

شماره سند: ۱۴۷ تا ۱۴۵-۵۷

فرستنده: ولیعهد آذربایجان

گیرنده: میرزا یوسف مستوفی الممالک

مهر ولیعهد

جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم اعظم آقا، نوشتجات آن جناب مستطاب که پنجم شهر صفر تاریخ داشت امروز که دوازدهم ماه است مصحوب چاپار دولتی رسید. صدور فرمان جهان مطاع مبارک در باب مستمری حاجی آقا علی، قاضی بناب اسباب کمال مفاخرت و امیدواری این غلام شاهنشاه گردید. معلوم است خدمت احدی در خاکپای اقدس همایونی روحنا فداه بی نتیجه نمی ماند و از مراقبت مخصوصه آن جناب هم در این ماده بسیار خوشوقت شدم. دو فقره هم بود اظهار آن را به آن جناب لازم دانستم یکی فقره دهاتی است که اکراد چاپیده و سوزانده [و] مبالغی خسارت به مردم وارد آورده و عمده طرف مراغه و آن صفحات است و بالفعل جمعی از علمای مراغه به این جهت به تبریز آمده و امروز نزد من آمدند آه و ناله زیاد داشتند و حق هم به جانب آنهاست تا رعایتی از جانب دیوان اعلی به ملاک دهات مزبوره نشود قوه و استطاعت آبادی آنها را نخواهند داشت، علاوه بر این که بهره مالکانه آنها در آتیه به دست نخواهد آمد مبالغی مالیات دیوانی هم نکث خواهد نمود. قرار بود جناب مستطاب اشرف اکرم سپهسالار اعظم مأموری فرستاده و دهات مزبوره را بازدید و حالت حالیه آنها را معلوم دارند هنوز اطلاع ندارم که جناب معظم له چه قراری در این باب داده فرصت رسیدگی به این کار نموده اند یا نه؟ این چند روزه که وارد می شوند معین خواهد شد، لیکن قبل از وقت لازم است آن جناب مستطاب فکری به حالت این دهات نمایند و من متحیرم که جواب این جمع را چه بدهم؟ یک فقره هم مسئله غله و امر خبازخانه این جاست، زحمات و خسارت های زیادی که در سنه ماضیه متحمل شدم و مشکلاتی که پیش آمد آن جناب باید بهتر اطلاع داشته باشند و حال آن که در سنه ماضیه نسبت به هذه السنه وسعتی در کار بود، به این

معنی که ترتیبی داده بودم مبالغی زیاد غله چه به توسط تجار و سایر از خمسه و جاهای دیگر به این شهر حمل شد و طرف مراغه هم این طورها نبوده قطع نظر از این که حاصل اغلب دهات آن جا در غائله اکراد پامال و تلف گردید بقیه هم در حقیقت به سیورسات و مصرف اردوها رسید، می دانم کمال تنگی و اشکال در آتیه حاصل خواهد گردید. عجالتاً قرار داده ام ماهی یک هزار خروار غلّه حسینقلی خان از بابت غلّه دیوانی به خبازخانه عاید دارد هزار خروار هم به موجب تقسیمی که کرده ام از ارباب و ملاک دریافت شود و به قدر یک هزار خروار هم خود خبازها از جانی دست و پا نمایند. درست ملاحظه نمائید آذوقه این شهر مصرف خبازخانه قطعاً ماهی بیشتر از سه هزار خروار می شود، این سه هزار خروار که من قرار داده ام زور زیاد می برد تا کار از پیش برود. برای ملاک هم امسال یک قدری صعب است زیرا که در سنه ماضیه غله دیوانی با آن ها تسعیر شده قیمت دریافت گردیده جنس در نزد خودشان بود، امسال که جنس را در ولایات عیناً می دهند راه عذری دارند با وجود این به استمالت و رأفت یا غنف هر طور است در نظر دارم بدون ملاحظه این قرار را مستقر بدارم، ولیکن رشته و ترتیب این کار موقوف بر این است که ماهی هزار خروار غلّه دیوان را حسینقلی خان برساند [تا] نکشی در کار نشود و آن جناب مستطاب باید در این باب به جناب مجدت نصاب امین السلطان همیشه تأکید نمایند. عجب دارم که معزی الیه به حسینقلی خان اظهار داشته بود ماهی پانصد خروار غله به خبازخانه بدهد و حال آن که اگر هزار خروار از غلّه دیوانی داده شود اقل مراتب است، پانصد خروار چه کفایت خواهد داشت. یکی هم باید آن جناب مستطاب قرار بدهند که لامحاله به قدر دو هزار خروار از غلّه خمسه یا گروس به تبریز حمل نمایند که به سنگ این جا یک هزار و دوست خروار باشد. اگر چه در ضمن مخابرات تلگرافی اظهار داشته بودید که در هنگام بهار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه تشریف فرمای صفحات صابین قلعه می شوند و غلّه خمسه و آن طرف ها برای مصرف موکب فیروزی کوکب باید بماند. صحیح است ولیکن فکر حالت مردم این جا که این همه سختی دیده اند لازم است یقیناً اگر غلّه امسال از خارج به این

ولایت نرسانید کار به قحطی و سختی کشیده جمع^{۶۹} کثیر از نفوس از گرسنگی به
 هلاکت خواهند رسید و تلف خواهند شد آن وقت حالت این ولایت نمی دانم چه خواهد
 شد. از من در غلامی شاهنشاه این است آن چه بدانم و در اصلاح امر مملکت لازم دانم قبل
 از وقت اظهار دارم، حالت ولایات این مملکت هم نوعی است همین که برف آمد راه‌ها را
 مسدود می نماید و غله آوردن بسیار مشکل می شود خاصه این که مال کرایه هم خیلی کم
 است به جهت قحطی و گرانی سنه ماضیه و هذه السنه مردم بالمره از اوضاع افتاده‌اند، کرایه
 هم گران است، آن بود [که] به حسین قلی خان سپردم و جداگانه به خود جناب
 امین السلطان نوشتم که وقت آن نیست [که] ملاحظه گرانی کرایه را کرد و حمل غله را
 تأخیر انداخت، صرفه دولت در حفظ حالت رعیت و امنیت ولایت است آن هم در چنین
 سال با غله و آذوقه حاضر می شود [و] لاغیر و باید تا ممکن است آن جناب اشرف در فکر
 حمل غله از خمسه و سایر [نقاط] بشوند.

فی شهر صفر المظفر ۱۲۹۸

۲۸۹

شماره سند: ۲۲۱-۲۱۷-۱۷۰

تاریخ: رجب/ ۱۲۹۸

گیرنده: ناصرالدین شاه

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

[پشت سند عنوان ذیل نوشته شده است]:

دستور العمل و تکالیف جناب سپهسالار اعظم است که به مهر ایشان در حضور

ضبط می شود

هو

در غره شهر شعبان انشاء الله سپهسالار باید حرکت نماید. چون موکب مسعود

همایونی روحانفاده در سال آینده انشاء الله تشریف فرمای خراسان خواهند شد باید در

۶۹. اصل: جمیع

عبور از راه از دارالخلافة الی مشهد مقدس راه‌ها را درست به دقت ملاحظه و معاینه نموده که کالسکه بدون زحمت برود. هر چه راه متعلق به خاک خراسان است اگر عیبی داشته باشد باید از جانب ایالت تعمیر و درست شود و هر چه متعلق به خاک خوار و سمنان و دامغان و شاهرود است معایب نقاط راه را باید به عرض خاکپای مبارک مکتوباً و توضیحاً برسانم که به دستگیری حکام آن ولایت تعمیر نمایند. وجیه‌الله میرزا باید از سبزواری برود راه ترشیز^{۷۰} و تربت را درست ملاحظه کند و معایب راه ساخته شود که موکب مسعود از آن راه تشریف خواهند آورد. راه نیشابور تا مشهد هم باید تعمیر و درست گردد شاید بدایی به خاطر مبارک برسد. مذکور است که در عرض راه و منازل از تازگی یخچال‌ها ساخته‌اند باید سیاهه و مواقع آن‌ها مکتوباً به عرض خاکپای مبارک برسد و از اول سال نو باید تأکیدات بلیغه بشود که یخچال‌ها دست نخورند تا اردوی همایونی به سلامت آمده معاودت فرمایند آب میان‌دشت باید درست دقت شود که کفایت اردو را خواهد داد یا خیر در صورتی که کافی نباشد تدبیر و علاج او را [۲۱۷-۱۷۰] در موقع و مکان مزبور باید تفکر نموده به عرض خاکپای مبارک برسانم. در راه‌های خراسان هر چه کاروانسرای مخروبه باشد باید سپهسالار تعمیر و آباد نماید. بعضی از اشخاص مثل مرحوم نظام‌الدوله و از تجار کاروانسراها به جهت رفاه حال زوار ساخته‌اند آن‌ها را هم سپهسالار باید دقت قدغن کند که پاک و تمیز نگاه دارند تا اسباب زحمت عابرین و زوار نشود. راه شریف‌آباد که مرحوم سپهسالار ساخته بود آن را باید حتماً ساخته شود که کالسکه از آن راه باید عبور کند. بعضی از مروی‌ها به خراسان آمده‌اند الآن به سهام‌الدوله تلغراف شود که مخارج آن‌ها را بدهند تا در ورود خود من و بعد از ورود به شرحی که شفاهاً فرمایش شد که خلاصه‌اونه مایوس کردن آن‌ها و نه مداخله واضح نمودن است رفتار شود و زود آن‌ها را روانه دارند بعد از ورود به مشهد همه ایلخانی‌ها را از قبیل شجاع‌الدوله و یارمحمدخان سهام‌الدوله و اللهیارخان درجزی و بهبودخان را باید احضار نمود و دستورالعمل مجدد به آن‌ها داد و روانه کرد. دستورالعمل آن‌ها از این قرار است که در سرحدات خودشان از اتک و غیر تا هر جائی از سنوات قبل حقیقتاً در تصرف و اداره داشته‌اند به این معنی که زراعت

۷۰. هم‌اکنون به کاشمر معروف است

می کرده‌اند و نوکر می گرفته و ساخلو می گذارده‌اند و انواع تصرفات ملوکانه و حکومتانه می نموده‌اند باز کماکان بدون هیچ فتور و نقصان باید آنجاها را در تصرف داشته و حکومت خود را مجری دارند [۲۱۸-۱۷۰] و بعضی از امکنه که در ایام قدیم ملک ایران و در تصرف یکی از این حکام بوده است و بعد از بابت سوانح مخروبه و مسلوب‌المنفعه مانده و آثار تصرف و منفعت فعلی در آن‌ها ندارند آن‌ها را باید مداخله جدید نکرده به همان حالت باقی گذارد. اسامی مواقعی که هر یک از آن‌ها در تصرف داشته‌اند و الآن متصرف می باشند باید در کتابچه نوشته و با آنچه سابقاً مال ایران بوده است و حالا تصرف فعلی ندارند یک نقشه خراسانی به خط خودشان کشیده روی هر یک از کتابچه‌ها گذارده به حضور مبارک بزودی بفرستم و بعد میرزا محمدعلی مهندس شیرازی که مخبرالدوله فرستاده است او را روانه سرحدات کرده که نقشه درست از تصرفات حالیه کشیده به حضور مهر ظهور بفرستم. چون ولایت بجنورد و قوچان به ایلخانی‌های آن‌ها واگذار است که در مقابل معدودی سوار نگاه دارند چون این اوقات آن قدر سوار در آن جاها لازم نیست باید دو بیست سوار از قوچان و دو بیست سوار از بجنورد در تحت اختیار ایالت بگذارند که به سایر امکنه و سرحدات خراسان به طور ساخلو فرستاده شود و یکصد سوار هم از درجز دریافت گردد. این حکام و ایلخان‌ها سابقاً خود را مالک مال و جان رعیت می دانستند و انواع تعدیات و ظلم‌ها می کردند و خود را مختار می دانستند باید [۲۱۹-۱۷۰] این‌ها را متدرجاً طوری به تحت اطاعت آورد و مردم را از چنگ ظلم آن‌ها آسوده نمود که مثل حاکم نیشابور و سبزوار باشند. جام و یاخرز یک حاکم جداگانه می خواهد از خراسانی یا غیر خراسانی که غیر از یوسف خان هزاره [ای] باشد خود او و اولادش ابداً نباید در این جاها حکومت داشته باشد.

صورت تعهدات جدید امیرقاین را باید یا از جناب آقا و یا از امین السلطان گرفته سوادى بردارم و کمال تقویت باید از امیرقاین بشود و شرایطی که قید شده است هم دولت باید تماماً با او رفتار نماید و هم خود او کاملاً از عهده تعهدات خود برآید. به سرخس باید خیلی اهمیت داد و آن جا را معمور نمود و خانوار محکمی آن جا برد و کاری کرد که در آن جا زراعت نمود همان کرایه که به جهت حمل آذوقه سرخس داده می شود باید نوعی

اهتمام نمود که زراعت در خود آن جا بشود در زمینی که تخمی صد تخم عمل می‌آید چرا از مشهد آذوقه حمل شود و همچنین قلعبجات فیما بین مشهد تا سرخس را باید آباد کرد و اتصال داد باید متدرجاً آن جاها را درست متصرف شد و به دستیاری اهالی خراسان به شراکت ترکمان ساروقی و سالوری [۱۷۰-۲۲۰] آن جاها را آباد نمود و آثار تصرف گذارده که ده سال دیگر محل حرف و مذاکره نشوند در معامله حکام جزو خراسان باید خیلی دقت کرد هر یک که درست رفتار [بوده] و متعددی نیستند باید ابقاء نمود و هر یک که نقدی نموده‌اند آن‌ها را باید تغییر داد در فقره معدن فیروزج باید رسیدگی نمایم که اگر دولت خود تصرف و استعمال نماید چه عیبی خواهد داشت و صلاح چه چیز است عرضه دارم مورخه ۲۷ شهر رجب ۱۲۹۸ غلام خانه زاد حسین

[سجع مهر]: (سپهسالار اعظم)

[دستخط ناصرالدین شاه]: میرزا یوسف خان مستشار را در همان خراسان نگاهداری نماید که محتاج^{۷۱} به دوباره آمدن طهران نباشد. همیشه جواسیس خیلی بهتر خیلی خوب بقاعده به صفحات افغانستان بفرستد از هرات قندهار کابل بلخ ترکستان کسب اخبار نماید و به عرض برساند خیلی لازم است در حفظ قراولخانه‌های مشهد و سرحدات کمال سعی را بکند و قراولخانه آباد و همیشه قراول بهتر حاضر باشد. جواسیس در مرو داشته باشند و اخبار ترکمانیه مرو و غیره را به عرض برساند از سیاحان و جواسیس دول خارجه خیلی باخبر باشند که کجاها می‌روند و به چه کار مشغولند همیشه حتی المقدور نگذارند که بتوانند این طرف و آن طرف بروند و از اعمالشان باخبر باشند اگر من بعد از بزرگان افغانه بخواهند پناه به دولت بیاورند قبول نکرده جواب ندهند. [۱۷۰-۲۲۱]

۷۱. از ابتدای جمله تا اینجا دستخط ناصرالدین شاه است و بقیه تقریر او و تحریر دیگری است.

تلگراف‌های ضمیمه

تاریخ: ذی قعدة/ ۱۲۸۸
 شماره سند: ۲-۲۱۲-۹
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: امین حضور

مخابره تلگرافی دولت علیه ایران ولایت تهران

به امین حضور

نمره ندارد

جواب

مژده شکار پلنگ را گماشته شما آورد و خیلی مسرور شدم و یک طاقه شال اعلی
 مژدگانی دادم. فوج فردا شرفیاب می شود. با ناصرالملک قسط فارس چند روز دیگر
 می رسد. قسط عربستان را حالا می گویند وارد بروجرد شده است. الان چاپار کرمان آمد
 هشت هزار تومان هم از کرمان آورده اند. به عرض خاکپای همایونی برسانید.

صدراعظم. به تاریخ ۱۸ شهر ذیقعدة سنه ۱۲۸۸

عدد کلمات ندارد

تاریخ: ربیع الاول/ ۱۲۹۲
 شماره سند: ۱-۸۱-۱۲
 فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار
 گیرنده: مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه همایونی

مخابره تلگرافی، شیر و خورشید، دولت علیه ایران

ولایت طهران، به مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه همایونی، نمره جواب ندارد.
 تلگراف شما رسید. خداوند جان مرا صد هزار مرتبه به تصدق وجود مبارک
 همایونی روحنا فداء نماید که همچو وقت از اظهار مرحمت شاهانه درباره من مضایقه
 نفرموده اند. به خاکپای مبارک بعد از اظهار تشکر و عبودیت عرضه می دارد که امروز دوا

خورده ام و حالا الحمد لله از توجه همایونی احوالم خیلی بهتر است و با معتمد الملک و حسینقلی خان مشغول محاسبه و گرفتن تنخواه می باشم. سه ساعت به غروب مانده هم ایلچی انگلیس نزد من می آید.

حسین به تاریخ جمعه ۹ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۲

۳

تاریخ: محرم/ ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۵۲-۳۴۹-۵
چهار فقره تلگراف: از سپهسالار به میرزا علی اکبر خان کارگذار بوشهر و بالعکس

نمره ۲

مقرب الخاقان میرزا علی اکبر خان کارگذار خارجه بوشهر، شیخ محمد حسن بوشهری به موجب عریضه نظلم نموده که یک قطعه زمین او را مسترلوکس مسیحی غصباً تصرف کرده، اگرچه مراتب از نواب اشرف والامعتمدالدوله فرمان فرما تحقیق شد، محض مزید اطلاع به شما هم می نویسم در این خصوص تحقیقات لازمه را به عمل بیاورید. صورت مسئله را صحیحاً اعلام دارید. مطلب معلوم شده احقاق حق شود. حسین ۶

جواب

حضرت اشرف امجد سرکار سپهسالار اعظم دام اقباله العالی، مسترلوکس نایب بالیوز کری زمینی خریده خانه کوچکی شهر ساخته اسناد متعدده معتبره دارد. مرحوم نایب الایاله میرزا محمدخان تحقیق کرده جواب داده ادعای عارض به املاک بوشهر ریشهر محدود نیست. کتباً عرض می شود. اکبر ۱۱

نمره

میرزا علی اکبر خان کارگذار خارجه، دیروز شنیدم یک دسته از سرباز گروسی به ریاست غلامحسین سلطان از بابت طلب شخصی که از حیدرخان دشتی داشته اند رفته اند در بالیوزکری انگلیس بست نشسته اند و بعد حاجی محمد باقر خان آنها را بیرون آورده است، منظور از این تلگراف اینست که می خواهم حقیقت این مسئله را من اوله الی آخره

بدون کم و کسر بدانم. سرباز اگر از حیدرخان طلب شخصی دارد به بالیوزگری بست رفتن چه معنی دارد. بعد از آن که آن‌ها به بالیوزگری رفته از طرف بالیوز چه معامله شد، آن‌ها را نگاهداشته و حمایت دادند یا جواب کردند و جهت رفتن و واسطه بیرون آمدن چه و که بوده است و غلامحسین سلطان در این فقره محرک یا مسکت بوده است و حالا این دسته سرباز کجا هستند؟ البته بدون ذره‌ای خلاف این واقعه را الآن به واسطه تلگراف نوشته به تفصیل خبر دهید.

حسین ۱۹

جواب

بندگان حضرت اشرف امجد سرکار سپهسالار اعظم دام اقباله العالی، سربازها صبح پانزدهم محرم دور بیدق دولت انگلیس رفتند حمایت و نگاهداری نکردند. سه از شب هفدهم گذشته خود غلام به شخصه با لباس نیم رسمی میان سرباز رفت، مطمئن کرده همراه به حکومت برد استمالت شد. سربازخانه رفته حکومت بوشهر و غلام معاً تلگراف شفاعت خدمت نواب اشرف والا زدیم قبول فرمودند. سلطان ظاهراً محرک و مقصر نیست، خدا دانا است. تحقیق از سلطان در طهران بهتر می شود تا در شیراز.

اکبر ۱۹

۴

تاریخ: ۲۰ / محرم / ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۸۱-۵
دو فقره تلگراف: از سپهسالار و مستوفی الممالک به نصرت الدوله.

طهران به تاریخ شهر محرم الحرام نوشقان نیل سنه ۱۲۹۶ به کرمان

نمره ۹

خدمت سرکار نواب اشرف والا نصرت الدوله فرمان فرما، مدتی است از سلامتی احوال شما اطلاع ندارم، انشاء الله در کمال سلامت و عافیت می باشید. مراتب اخلاصی که در خدمت شما دارم و التفاتی که از شما نسبت به خودم سراغ دارم مقتضی آنست که کارهایی که در کرمان دارم کلیه انتظام آن‌ها را از سرکار والا بخواهم و شما هم کارهای متعلقه به مرا از خودتان بدانید، به شرحی که سابقاً مرقوم فرموده بودید و جواب نوشتم

امورات نظام کرمان را از هر جهت و هر حیثیت به سرکار والا واگذار نمودم. عبدالله خان سرهنگ را هم به طوری که مسرور باشد معاودت دهید و همین تلگراف را هم به مشارالیه بنمائید. مأمور دفتر لشکر از برای ثبت و محاسبه در خدمت شما باشد. مهمات و فرمایشات را تحریراً و تلگرافاً مرقوم دارید.

حسین ۲۰

نمره ۱۰

خدمت نواب والا نصرت الدوله فرمان فرما، به پسرهای نصرالله خان بهارلو ابلاغ بدهید که اگر به مشهد مقدس رفتند و نواب رکن الدوله ورود آنها را به مشهد مقدس تلگراف کردند و از آنها توسط نمودند، می توان آنها را امان داد والا اگر نرفتند و آن جاها پنهان و آشکار ماندند از گرفتن و زدن و بستن آنها به هیچ وجه مضایقه نکنید و هر کس هم که آنها را پناه بدهد مقصر دولت می باشند و از آنها مؤاخذه خواهد شد.

مستوفی الممالک ۲۰

۵

تاریخ: ۲۵/ محرم توشقان نیل / ۱۲۹۶ شماره سند: ۴۱-۵

طهران به قم

۴ فقره تلگراف: از سپهسالار به امین السلطان و بالعکس

نمره ۲۱

جناب امین السلطان انشاء الله به سلامتی به کسب سعادت زیارت آستانه مقدسه فایز و نایل شده و در این ایام و اوقات مخصوصه فیض یاب و بهره مند خواهید بود. چنانچه از خاطر من فراموش نمی شوید، البته در موقع دعوات مرا ترک نخواهید نمود و مؤرده معاودت خودتان را با مدت توقیف در آن آستانه مقدسه اعلام خواهید داشت.

حسین ۲۵

جواب

خدمت حضرت اجل اشرف سپهسالار اعظم مدظله العالی، تلگراف مرحمت آمیز زیارت شد، اظهار محبت که فرموده اند خیلی امتنان دارد. امشب را هم که شب جمعه الهیت

۳۱۲

فیض از دیاد دعاگوئی وجود مسعود بندگان اعلیٰ حضرت شاهنشاهی روحانفداه در قم می شود، فردا انشاء الله تعالی حرکت به سمت مسیله و دیر و سرکشی قرقها و انتظامات آن صفحات می شود و متدرجاً ادراک خدمت ملاطفت آیت را حاصل خواهد داشت.
امین السلطان ۲۶

نمره ۲۲

امیرالامراء العظام حشمت الملک امیر تومان، از ورود خودتان خبری نداده‌اید، انشاء الله در راه به شما بد نگذشته و سلامت وارد شده‌اید. مجاری حالات را اعلام دارید.
حسین ۲۵

جواب

جواب تلگراف بندگان اجل اکرم امجد افخم سپهسالار اعظم دام اجلاله العالی، تصدق حضور مبارکت شوم. به شرف زیارت تلگراف که از فرط مرحمت به سرافرازی جان نثار صادر شده بود در قم مشرف شد، الحمد لله تعالی از مرحمت بندگان اجل افخم امجد اعظم دام اجلاله العالی در بین راه هم خوش گذشت و در روضه منوره حضرت معصومه صلوات الله و سلامه علیها دعاگوی وجود مبارک هستم و فردای جمعه انشاء الله عازم شرفیابی حضور مبارک هستم.
علم ۲۶

۶

تاریخ: ۲۸/ محرم توشقان نیل/ ۱۲۹۶ شماره سند: ۲۳۳-۵

طهران به اصفهان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به مظفر الملک و بالعکس.

نمره ۳۱

مقرب الخاقان مظفر الملک و علینقی خان سرتیپ، نوشتجات شما رسید و تماماً ملحوظ شد، از خدمات و رفتار شما خرسند شدم. مواجب شش ماهه تفاوت ایام خدمت شماها را در همان اصفهان می‌رسانم که به آحاد و فوج برسانید. مواجب محلی را هم زود و

۳۱۳

خوب قدغن می‌کنم عاید سازند. در باب مواجب محلی صاحب منصبان فوج مظفرالملک هم که از خودشان محل دارند و دستی بده هستند تلگراف تأکید به عمیدالملک نوشتم که محسوب دارد.

حسین ۲۸

جواب

حضور حضرت مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم مدظله‌العالی، تلگراف مبارک زیارت شد. خداوند سایه مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف را مستدام فرماید. به آحاد و افراد افواج مضمون تلگراف مبارک ابلاغ شد، با کمال امیدواری و دلگرمی مشغول خدمات محوله به خود می‌باشند.

مظفرالملک علی‌نقی ۲۹

۷

تاریخ: ۱۶ / صفر / ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۵-۵

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به اعتضادالدوله و بالعکس

نمره ۲۶

جناب اعتضادالدوله، از قرار اظهار کلنل از سربازان جدید قریب شصت نفر در قم به مرور باقی مانده، یک نفر هم از صاحب منصب جدید در آن جا است. قدغن نمائید آن‌ها را معلوم کنند کجا هستند، اگر به رضا و خوشی می‌آیند روانه کنند بیایند، اگر تقاعد دارند قدغن کنید آن‌ها را بگیرند دست بسته به طهران بفرستید.

حسین ۲۸

جواب

خدمت ذیرفعت جناب اجل اشرف اکرم سپهسالار اعظم مدظله‌العالی، از صاحب منصبان یک نفر میرزا ابراهیم نایب در قم است و از قرار تقریر خودش به اجازه کلنل مانده است، برای روانه کردن بقیه سربازان از سربازان جدید در قم کسی نیست. میرزا ابراهیم می‌گوید: سیزده نفر از سرباز خلع باقی است که تاکنون حاضر نشده‌اند و تفنگ‌های آن‌ها در انبار موجود است، از قرار معلوم فراری هستند. حکومت عراق باید

بفرستد آن‌ها را هر جا هستند به دست بیاورند و روانه دارند اینجا اگر کسی بود به طوری که امر فرموده بودند اطاعت می‌شد. او امر مطاعه را مترصد است.
اعتمادالدوله ۲۹

۸

تاریخ: شهر صفر المظفر نوشقان ثیل / ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۲۸ و ۳۲۷-۵

طهران به شیراز

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به فرهاد میرزا معتمدالدوله و بالعکس.

نمره ۲۲

خدمت نواب اشرف والا معتمدالدوله فرمان فرما دام اقباله، جماعت مکوندی که ساکن در جانکی گرمسیرند تلگراف کرده‌اند که قشقائی‌ها بدو مال و حیوانی که داشته‌اند غارت کرده و برده‌اند. ثانیاً هم آمده تتمه را برده‌اند و حالا جماعت مکوندی با زن و بچه به تظلم تلگرافخانه شوستر آمده و نشسته‌اند. نمی‌دانم این مسئله به عرض والا رسیده است یا نرسیده، اگر رسیده است با عدالت والا خیلی منافی است و اگر نشنیده‌اند، حالا بنده عرض می‌کنم اقتضای عدل را حکم به احقاق حق فرمائید و آن‌ها را آسوده فرمائید، چون متظلمانه تلگرافی از آن‌ها ملاحظه شد، لزوماً مستقیماً خدمت خود والا عرض شد اگر مسئله این طور نیست مرقوم فرمائید که رفع شبهه از بنده هم بشود.

حسین ۱۶

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، امروز صبح در این فقره جناب مستطاب اجل اکرم آقا دام اقباله همین فقره را به این بنده تلگراف مرقوم فرموده بودند جوابی عرض کرده بودم، حالا هم خدمت جناب عالی عرض می‌کنم. جناب معظم الیه با دو چاپار قبل در این فقره مرقوم داشته بودند و این بنده هم به احتشامالدوله نوشته بودم در جواب همین قدر نوشته بود قشقائی در گرمسیر از کجا آمده رفته‌اند که احدی آن‌ها را ندیده چه غارت برده‌اند که یک نفر نشنیده، الان هم همین تلگراف جناب عالی را با قاصد می‌فرستم خدا از شر ابلخانی و دروغ‌های او سلطنت صد و پنجاه ساله

قاجاریه را حفظ کند. مثل غارت میر عبدالله بوده که سه نفر مجتهد ده در عتبات معروفند نوشتند که چنین چیزی نشده، باز میر عبدالله می گوید: آن‌ها دروغ می گویند. باری جناب عالی امتحان فرموده جواب آن‌ها را مرقوم فرمائید. سه چهار نفر از آن‌ها تلگراف جناب عالی را حرز جواد خود کرده برداشته بردند بهبهان نزد احتشام الدوله عرض بکنند معین بکنند قشقای از کجا آمده کجا رفته است چه بوده است تا حق خود را بگیرند، اگر یک نفر از آن‌ها رفتند از من مواخذه بفرمائید. به حق خدا همه بازی‌های ایلخانی است که به دروغ تحریک می کند که بختیاری مغشوش شده زودتر مرخص شود، اگر کسی از آن‌ها نرفتند یک کلمه از او مواخذه بفرمائید مرد که چه قدر دروغ می گوئی. ماه شعبان بود تلگراف کرد خدا کرم خان و داراب خان و محمد حسین خان با هزار سوار به فلارد آمدند یک نفر نرفته بود، هیچ مواخذه فرمودید شما را به خدا به سلامتی وجود مسعود همایون روحانفاده مرا از این سؤال و جواب‌ها انشاء الله خلاص بکنید. راستی ایلخانی را به این شدت بی شرم نمی دانستم، نمی دانم چه در پیمانہ کردند. زودتر فرمایش بکنید که تا آخر ماه بروند احتمال دارد که ماه ربیع الاول احتشام الدوله حرکت بکند و باز ایلخانی والاشان عرض بکند. احتشام الدوله طفره زده گریخت.

فرهاد ۱۷

۹

تاریخ: ۵/شهر ربیع الاول توشقان نیل/۱۲۹۶ شماره سند: ۳۳۱ و ۳۳۰-۵

طهران به اصفهان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به فرهاد میرزا معتمد الدوله و بالعکس

نمره ۳۶

خدمت سرکار اشرف ارفع والا معتمد الدوله فرمان فرمای فارس زیداجلاله، تلگراف و نوشتجاتی که به جناب نصیر الدوله مرقوم داشته بودید ملاحظه نمودم. یک عبارت او مرا واداشت که به تحریر این تلگراف خدمت سرکار والا زحمت بدهم. شما در دنیا اگر یک نفر دوست و خیر خواه بی غرض و خالی از ریا بلکه یک نفر عاشق داشته باشید من

می باشم، زیرا آن متاعی که شما دارید و عبارت است از راستی و درستی و مردی و مردانگی و عدم نفاق و عدالت و غیره و غیره گویا به قدر من طالب و به قدر من در ایران مشتری نداشته باشد و از روزی که ثانیاً عهد مودت و ارادت فی مابین بنده و شما بسته شده تا این دقیقه که این تلغراف را عرض می نمایم اگر از شرایط ارادت و خیرخواهی و حفظ الغیب شما در ظاهر و باطن در عرایض شفاهی و مکتوبی تصور کرده باشم یا احدی را بدون استثناء به سرکار والا ترجیح داده باشم و یا آنکه اخلاص شما و التفات صمیمی شما را درباره خودم بهترین و بالاترین ذخایر به جهت خودم محدود نکرده باشم، پس در آخرت که من و شما هر دو یقیناً از روی اعتقاد معتقدیم از شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم محروم بمانم در این صورت که حالت من و شما این قسم باشد و مثل جناب نصیرالدوله که وکیل الطرفین است شاهد عدل حاضر و ناظر در جمیع امورات باز سرکار والا شبیه و تردید داشته باشید و چنین عبارتی مرقوم دارید، پس از خود شما می پرسم با شما چه قسم می توان راه رفت و تکلیف چه چیز است. عجله اگر حلیت نطلبید و من حلال نکنم نمی دانم چه خواهید کرد. امکان دارد که در میان کار انسان و دوست صدیق حرفی بزند و اطلاعات خارجی داشته باشد که حاشیه نشین خالی از استحضار است و همان بیان ناقص را محمل قرار داده بخواهد ادخال شبیه به قلب شما نماید، لیکن سرکار والا باید از روی اطمینان اعتنا فرموده منتظر نتیجه کار باشید و سوء ظن را قطعاً و تماماً دور بیندازید.

حسین ۵

جواب نمره ۳۶

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، تلگراف جناب عالی را زیارت کردم. اولاً ندانستم چه عبارتی بود که در نوشتجات جناب نصیرالدوله نوشته باشم که مایه ملالت خاطر جناب بندگان عالی شده، به ثبت کاغذها رجوع کردم، به سر عزیز جناب عالی چیزی دستگیر من نشد. که این قدر مایه ملالت خاطر شریف شده باشد. کاش می فرمودید جناب نصیرالدوله می نوشت، ثانیاً اگر از دلتنگی عرضی کرده باشم معذورم با این تفصیلات که در حق این بنده درگاه مرقوم فرموده اند که به این بنده به پاره ای صفات عشق دارید و جمعی هم چنین می دانند که محبت جناب عالی در غیاب این

بنده به مقام عشق است. اگر چنین است عاشق نباید از حرف معشوق ملالت حاصل کند و نباید دل معشوق را برنجانند. اگر راست گفته‌ام امضی بدارید و اگر دروغ گفته باشم حق دولت نیست که آدم دروغگو را به سرحد وسیع عریض بفرستد و ایلخانی را به روی من وادارند و در زمان حکومت من ملک پانصد ساله قشقای را به باد بدهم. ایلخانی چه سند دارد. باری اگر هم از من ترک اولی صادر شده، البته حلالی می‌طلبم و هرگز به قدر ذره‌ای به رنجش خاطر جناب عالی راضی نمی‌شوم. انشاء الله دستخط همایون را امضی خواهید فرمود. از قول من بی‌ادبی نباشد به خاکپای همایونی عرض کنید از اصفهان تا شط العرب بس است. باغفل و امضی این کربهای تو را من می‌شناسم. پس از رفتن ولایت چه قدرها به همه خواهی خندیدی. به روح ولیعهد مرحوم عهدی که دوباره با تو بستم این عهد به جا است تا که هستم، مگر خدا نکرده از جانب جناب عالی بی‌لطفی آشکار بشود و مرا ارزان بفروشید.

فرهاد ۶

۱۰

تاریخ: ۱/ربیع‌الاول/۱۲۹۶ شماره‌سند: ۷۰-۵
دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

به تاریخ شهر ربیع‌الاول توشقان‌نیل ۱۲۹۶

نمره ۱۰

حضور مبارک حضرت شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات ادام الله اقباله الوالا، رأفت شاملة عام اعلی حضرت شاهنشاهی روحنا فداه که با عدالت کامله امتزاجی کلی دارد هر آن به هر وسیله مقتضی نشر نصفت است محض تفضل و ترحم به حالت طایفه و جماعت ارامنه اصفهان به دستخط جهان مطاع امر و مقرر فرموده‌اند که جماعت ارامنه خیلی آسوده و آزاد باشند، اولاً حضرت والا توجه کاملی در حق آنها مبذول فرمایند و این معنی را که مفاد امر صریح مبارک است واجب و همیشه مطمح نظر گذارند و ثانیاً هر جا بخواهند بروند رعیتی و سکنی کنند آزاد باشند به این لحاظ که اگر

در ده فلان مالک به آن‌ها تعدی شود و راضی نباشند بمانند نباید آن‌ها را مجبور به ماندن و توقف آنجا کنند. هر جا بخواهند بروند سکنی نمایند مأذون هستند، مالک حق منع و مزاحمت ندارد. البته حضرت والا این شمول عاطفتِ ملوکانه را گوشزد روسای آن طایفه بفرمایند که بیشتر از پیش دعاگوی وجود مسعود اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاهی روحافداه بشوند.

حسین سلخ ربیع الاول

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اجلاله، خداوند انشاء الله جان جمیع اهالی ایران را تصدق وجود مبارک و لینعمت کل فرماید که این گونه رأفت و مرحمت در حق عموم خلق می فرمایند و توجه خاطر مبارک در آسایش عامه است و خداوند جنابعالی را هم در زیر سایه همایون سالم و با عزت بدارد که همیشه این گونه امور خیریه را که آسایش مردم و دعاگویی به جهت سلامتی وجود مبارک است اقدام می فرمائید، واقعاً خیلی اذیت به آن‌ها می کردند. تلگراف جنابعالی را به جهت آن‌ها فرستادم در حقیقت از این تلگراف عیدی گرفته اند و با ماها در این ایام به عشرت و سرور شراکت دارند. نمی دانم سرباز و سواری که خواسته بودم و وعده فرموده اید از عدم به وجود آمده و ترقی کرده و تربیت شده اند و قابل خدمت هستند یا نه؟ وقت شده و مأمور فرموده اید کی می رسد؟ در این باب توجهی بفرمائید که خیلی زود برسند، خیلی لازم است.

ظل السلطان ۲ شهر ربیع الثانی

۱۱

تاریخ: ۲۳/شهر ربیع الاولی توشقان نیل/۱۲۹۶ شماره سند: ۳۴۳-۵

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به معتمدالدوله (فرهاد میرزا) و بالعکس

نمره ۱۷۹

خدمت سرکار اشرف والا معتمدالدوله فرمان فرما، از شیراز به وزیر فواید نوشته اند که شصت و هفت تومان از مواجب بارس نیل محلی فوج گروس کسر نموده اند، به جهت

صدور برات، برات سند خرج را وزیر فواید خود صادر می نماید، چون صد تومان باید از بابت غایب و متوفی گروسی تقدیم حضور همایون شود و جمع خزانة نظام شده قدغن فرمائید شصت و هفت تومان را برات تلگرافی نمایند که به خزانة نظام بدهند قبض بگیرند.

حسین ۲۳

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، تلگراف جناب عالی در باب شصت و هفت تومان محلی فوج گروس زیارت شد. حساب بارس نیل این بنده گذشته است. این تنخواه را بنده فرستاده بودم که به اطلاع جناب وزیر لشکر به لشکر نویس ها به جهت صدور برات برسد، دیگر چه طور شده است این بنده نمی دانم. جناب وزیر لشکر و جناب وزیر فواید عامه در طهران هستند، جناب عالی بفرمائید تحقیق نمایند و کیفیت را عرض کنند.

فرهاد ۲۴

۱۲

شماره سند: ۲۳۸-۵

تاریخ: ۱۱ / ربیع الثانی / ۱۲۹۶

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به فرهاد میرزا و بالعکس

نمره ۲۶

نواب مستطاب والا فرمان فرما، از سفارت انگلیس اظهار شد که اداره تلگرافی انگلیس می خواهد به جای اتاق چوبی که در ریشهر برای سیم های بحری دارد اتاق آجری بسازد که چهارده پا ارتفاع و چهارده پا عرض و طول داشته باشد. من به مخبر الدوله رجوع کردم تحریراً جایز شمرد. چون در آخر وعده قرارنامه همان بنا متعلق به دولت ایران خواهد بود اجازه بفرمائید بسازند.

حسین ۱۱

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، از قرار فرمایش جنابعالی به بوشهر اعلام می کنم که به همان اندازه که مقرر شده اتاق آجری برای سیم های بحری در ریشهر بسازند.

فرهاد ۱۲

تاریخ: ۱۵ / جمادی الاولی / ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۲۳-۵

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۶۷

حضور مبارک حضرت اشرف والا ظل السلطان زید شوکت، محمود موزیکانچی
فراراً به اصفهان آمده مقرر بفرمایند او را گرفته بفرستند.

حسین ۱۵

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد اکرم افخم سپهسالار اعظم دام مجده، محمود
موزیکانچی از محال جردکان و بهارنچی ماریبین است به میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ
سفارش اکید نمودم که آدم بگذارد [تا] هر وقت برسد او را گرفته تحت الحفظ روانه
نمائید، سهل است به قراسوران و راه دارها هم سپردم که در راه مواظب باشند، انشاء الله تا به
دست آمد خدمت جنابعالی فرستاده می شود.

ظل السلطان ۱۶

تاریخ: ۱۱ / ربیع الثانی / ۱۲۹۶ شماره سند: ۷۸-۵

طهران به اصفهان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان

به تاریخ شهر ربیع الثانی توشقان نیل ۱۲۹۶

نمره ۳۲

حضرت اشرف ارفع والا ظل السلطان دام اقباله، تلگراف حضرت والا در باب تفاوت
عمل فوج گلپایگان فرموده بودید مدتی است برات به خاکپای همایون فرستاده اند
به عرض حضور مرحمت ظهور مبارک ملوکانه روحانفداه رساندم. دستخط مبارک این
طور صادر شد: هرگز به این اسم تنخواهی به حضور نرسیده است یقیناً خلاف عرض

کرده است. محض اطلاع بعینه درج شد وانگهی بر خاطر مبارک حضرت والا واضح است که این وجه نظام جمع این بنده است، باید به بنده برسد. حضرت والا یقین مستقیماً به حضور مهر ظهور مبارک تقدیم نمی فرمایند و نزد خود بنده ارسال می فرمایند. منتظرم که برات فرمائید خوش حسابی و درست حسابی حضرت والا هم که جای حرف نیست من کلیه این تنخواه را به خاکپای همایون روحانفاده پرداخته ام.

حسین ۱۰

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده العالی، تلگراف جناب عالی رسید. در باب صدور دستخط همایون بدیهی است که آنچه دستخط مبارک صادر شده مطاع است، اگر بی مرحمتی هم باشد به جان می خرم زیرا که هزار دستخط مرحمت آمیز صادر می فرمایند، اگر یک دستخط بی مرحمتی هم مرحمت شود باز عنایت است و بحث بر خود اینجانب وارد است زیرا که «ادخلوا البيوت من ابوابها» محکم و به جای خود است در کمال معذرت به خبط خود قائلم، ولی امیدوارم تا به حال به خاکپای همایون روحانفاده خلاف عرض نکرده باشم و من بعد هم نکنم چون مأمور تلگراف شما را نرسانده بود با چاپار سلخ ربیع الاول برات پانصد و چهل و پنج تومان به مهر حاجی محمد صادق به حواله حاجی عباس صراف در جوف عریضه حضور همایون به توسط عفت السلطنه فرستاده ام نمی دانم چه شده؟ یا هنوز عریضه به حضور مبارک نرسیده بوده یا از نظر مبارک محو شده است. چگونه می شود که به اشتباه عرض کرد به هر صورت انشاء الله تا به حال خلاف عرض نکرده و نمی کنم و نخواهم کرد وانگهی مگر شوخی است که کسی در حضور شاهنشاه قادر قاهر روحانفاده به خلاف عرض کند. [۷۸] در جزئیات هرگز خلاف عرض نکرده ام این کار که پوشیده و مخفی نیست و حواله دهند و گیرنده همه حاضرند. بلی خبطی که شده اینست که عملی متعلق به جناب عالی بوده چرا فضولی شده و به حضور مبارک فرستاده ام، این پندی شد که دیگر من بعد این گونه خطاها و خبطها نشود. در حقیقت متنبه شدم، ولی محمود بیک قورخانه چی تلگراف جناب عالی را در ششم ربیع الثانی آورد و این جانب در سلخ شهر ربیع الاول فرستاده بودم و چون اطلاع نداشتم، این طور شد انشاء الله من بعد پند گرفتم و دیگر خبط نمی شود.

ظل السلطان ۱۱ ربیع الثانی

تاریخ: ۱۱ / ربیع الثانی / ۱۲۹۶ شماره سند: ۵-۸۱

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۳۶

حضور حضرت مستطاب شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان دام اقباله، مهاجرین آنچه هستند احضار به رکاب مبارک شده‌اند، بزودی باید حاضر به رکاب مبارک شوند، از جمله مهاجرین ساکن و مأمور اصفهان و بروجرد هستند لهذا عرض می‌کند که محصل بگمارید معجلاً آنها [را] روانه کنند. در غره شهر جمادی الثانیه حاضر دارالخلافة شوند و دیناری از بابت هذه السنه در آنجا به آنها داده نمی‌شود تا بعد از مراجعت و صدور دستورالعمل جدید.

حسین ۱۱

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده العالی، مهاجرین بروجرد را فرستادم احضار کنند روانه می‌شوند. مهاجرین اصفهان اینقدرها نیستند، چند نفری هستند و اینجانب از جنابعالی خواستم که سوار زیاد مأمور فرمائید این چند نفر هم بیایند چه می‌شود منتظر حکم ثانی هستم که بفرمائید سوار کی می‌رسد و این‌ها باید حتماً بیایند یا نه جواب را حکم بفرمائید.

ظل السلطان ۱۲

۱۶

تاریخ: ۳ / شهر ربیع الثانی / توشقان نیل / ۱۲۹۶ شماره سند: ۷۲ و ۷۱-۵

تهران به اصفهان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۱۶

حضرت اشرف ارفع والا ظل السلطان دام اقباله، از سفارت انگلیس اظهار شد که در

مهیاری ستون سیم را قطع کرده اند. اهمیت این فقره بر حضرت والا واضح است، فوراً مقرر فرمائید مأمور مخصوص برای دست آوردن مرتکبین و اخذ غرامت تعمیر سیم از آنها و تنبیه آنها برود. پس از اقدامات لازمه سریعاً بنده را مستحضر دارید

حسین ۳ ربیع الثانی

[در حاشیه این جمله نوشته شده]: خط تلگراف انگلیس را گلوله زده.

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده العالی، در باب گلوله زدن به سیم تلگراف آدمی فرستاده و تحقیق نموده صدق آن را به جناب عالی عرض می کنم، با خود اجزای تلگرافخانه هم در این جا سؤال و جواب کرده معین نموده اظهار می دارم، لیکن این نکته ای است که چرا باید در شش فرسخی اصفهان افتاد بیفتد [و] به این جانب که حکومت دارم به هیچ وجه اطلاع ندهند و هفتاد فرسخ راه خدمت جناب عالی عارض شوند، همین قدر در این مسئله نکته [ای] هست که چرا چنین شده، سوار سرباز مأمور اصفهان نرسید، نمی دانم چه شد.

ظل السلطان ۵

جناب مستطاب اشرف امجد اکرم سپهسالار اعظم دام مجده العالی، در باب سیم تلگراف دیروز میرزا تقی خان را به جلفا فرستادم، با نپیر صاحب رئیس تلگرافخانه و ائانور کارپرداز انگلیس گفتگو نماید و تحقیق کند که در کجا این اتفاق افتاد. که مأموری مخصوص فرستاده شود و تحقیقات لازمه به عمل آید ایشان بالمره منکر شدند که در این باب اظهاری نکرده ایم، مکنتر ناظم که هرچندی یک دفعه به جهت بازدید خط تلگراف عبور می کند در بالای ارچینی تیری را دیده است که ترکیده، معلوم نبوده است چرا ترکیده و در چه وقت معیوب شده، آیا در شش ماه قبل بوده یا ده روز قبل و جهت ترکیدن چه بوده است، به طور روزنامه اطلاع داده بود ظاهراً در معاهده ایشان قرار شده که هر تیر و سیمی عیب کند و معلوم نباشد که معیوب کرده است جناب مخبرالدوله از عهده غرامت آن برآید، لهذا اطلاعاً گفته بود که تیری ترکیده است، بحتمل وقتی هوا سرد شده معیوب شده بیفتد تا در صدد آن باشد دخلی به عمل ولایت و حکومت و گفتگوی داخله و خارجه

نداشته است، گفتگوی خود تلگرافچیان باهم بوده است. سوار چه شد؟ و کی خواهد رسید؟

ظل السلطان ۷ ربیع الثانی

نمره ۱۹

به توسط محمود بیگ نایب قورخانه که مأمور رساندن موجب فوج گلپایگان بود ابلاغ شود، نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان زیداجلاله، موجب بارس نیل فوج گلپایگان پرداخته شده از بابت وجه تقدیم حضور و رسوم لشکر نویس مبلغ پانصد و چهل و هشت تومان و چهار هزار [دینار] پیش میرزا ابراهیم خان حاکم گلپایگان مانده است، بفرمائید به تاجر معتبر داده برات بگیرد و برات تجارت را تسلیم محمود بیگ نایب قورخانه نموده از او قبض دریافت دارد. موافق قبض محمود بیگ برات به جهت سند خرج گلپایگان صادر و به کارگزاران سرکاری تسلیم می شود.

حسین ۴

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اجلاله العالی، در باب موجب فوج گلپایگان وجه تقدیم حضور را حالا مدتی است که برات به حضور همایونی فرستاده ام جناب عالی لطف فرموده سند او را گرفته بفرستید.

ظل السلطان ۶ ربیع الثانی [۷۲]

۱۷

تاریخ: ۲۷ / ربیع الثانی / ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۴۵-۵

سه فقره تلگراف: از سپهسالار، معتمد الملک و حاجی بابا

مخابرات دولتی تلگراف هذه السنه توشقان نیل سنه ۱۲۹۶

دار الخلافه الباهرة با بوشهر

به تاریخ شهر ربیع الثانی

۳۲۵

نمره ۴

از بوشهر به بصره، شهبندر ایران مقیم بصره، عیال حاجی بابا صاحب و دو صبیبه او از کربلا مراجعت کرده در بصره مانده‌اند و حاجی از قرار شرحی که نوشته راضی نیست. البته به آن‌ها بگوئید بروند بوشهر نزد حاجی و اگر عیال او راضی نشد با دختر بزرگ خودش که شوهر دارد مختار است در بصره بماند، اما دختر کوچک را که شوهر ندارد البته به بوشهر نزد حاجی بابا روانه دارد.

حسین ۲۷

به تاریخ شهر جمادی‌الاولی

نمره ۱۸

از حاجی بابا صاحب احوالپرسی می‌کند، تلگراف بصره زده شد، صورت آن هم تحریراً فرستاده شد، امضای احکام مرسوله از علما گرفته شد، حکم دیوان خانه صادر می‌شود.

معتدلاً الملک ۲ [جمادی‌الاولی]

جواب

قربان حضور مبارکت شوم، از وصول تلگراف سرکار سرافرازی و افتخار حاصل نمود. الحمدلله از تصدق سر سرکار حیات عاریت برقرار و ملالتی واقع نیست. حکم تلگرافی به بصره صادر فرموده امضای حکم از علما گرفته بر طبق آن‌ها حکم از دیوان خانه مبارکه صادر می‌فرمایند. مزید امیدواری و مایه امتنان جان‌نثار گردید. خداوند وجود مبارک را پاینده و برقرار فرماید. همواره چشم به راه صدور فرمایشات و رجوع خدمات هستم.

حاجی بابا ۴ [جمادی‌الاولی]

تاریخ: شهر جمادی الاول توشقان نیل / ۱۲۹۶ شماره سند: ۲۵۱-۵

طهران به شیراز

سه فقره تلگراف: از مستوفی الممالک، فرهاد میرزا و سپهسالار

نمره ۶۱

خدمت نواب اشرف والا معتمدالدوله دام اقباله، تفصیل قتل حاجی میرزا نصرالله حاکم کوهمره چه چیز است؟ قاتل به دست آمده یا خیر؟ در گرفتن مرتکب این حرکت اهتمام فرمائید.

مستوفی الممالک ۲۸

جواب

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای معظم سرکار مستوفی الممالک دامت شوکت، تفضیل حاجی میرزا نصرالله را با چاپار گذشته نوشته ام که انشاء الله دو روز دیگر می رسد. قضای الهی است که یک دسته سرباز همراه او بود که به کارون می رفت، سرباز را پیش روانه کرد و خودش در ماصرم و در وقت نماز که در چادر هم کسی نبود این واقع اتفاق افتاد. سوار و محصل رفت امروز چند نفر که متهم بودند آوردند به تازیانه قناعت شد، تا ملا برفی و سوار که پی آن کار رفته اند خبر بیاورند و از این که این کار از اهل کوهمره سرزده است حرفی نیست تا اقبال اعلی حضرت همایون روحنا فداه انشاء الله چه کند.

فرهاد ۲۹ [جمادی الاول]

به تاریخ شهر جمادی الثانیه

نمره ۱

خدمت سرکار اشرف والا معتمدالدوله فرمان فرما، تلگراف سرکار والا با برات قسط ثور که غالباً تأخیر آخر هر برج از برات مرستولی سرکار می شود که اگر افتاب هم یک روز اختلاف نماید برای سرکار تخلف نمی شود رسید در حضور مهر ظهور مبارک مذاکره این مطلب که اگر همه حکام رفتار سرکار والا را سرمشق قرار دهند هیچ امری ناقص نمی ماند، مرقوم شده بود ده هزار تومان از قسط خزانه نظام به جهت تفاوت تسعیر و غیره مانده به

عرض می‌رسد و حکم آن مقرر می‌شود ولیکن مشیر لشکر حساب را این قسم قلمداد می‌نماید، صحت فرمایش سرکار که محل شبهه نیست غالباً در عمل حساب از مشیر لشکر خلاف و اشتباه دیده نشده تا منشاء این تفاوت از کجا باشد.

حسین ۲ [جمادی‌الثانیه]

۱۹

تاریخ: ۲۵ / جمادی‌الاول / ۱۲۹۶ شماره سند: ۲۵۰-۵

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به معتمدالدوله و بالعکس

نمره ۵۴

خدمت نواب اشرف والا معتمدالدوله فرمان فرما، محمد بیگ نایب اصطبل توپخانه کردستان مدعی است اصطبلی که در حومه شهر ساخته شده و قنات معروف به قنات آقا محمود از وسط آن می‌گذرد، سه دانگ از آن قنات ملک دیوان و حق اصطبل است، اربابی نیست اطلاع خاطر والا در این خصوص چه چیز است.

حسین ۲۵ [جمادی‌الاول]

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکت، مرقوم فرمودید که محمد علی بیگ نایب اصطبل توپخانه عرض کرده که سه دانگ قنات آقا محمود ملک دیوان و حق اصطبل است، آن وقت که این بنده در کردستان بود امیر آخور توپخانه آنجا محمد خان بیگ بود، حال اگر دیگری است نمی‌دانم، زمینی که اصطبل توپخانه در آنجا ساخته شده خالصه دیوان است، یعنی پول داده برای اصطبل ساخته‌اند. مرحوم میرزا فرج‌الله خان وزیر قناتی داشت که از جنب اصطبل توپخانه می‌گذشت. مرحوم آقا میرابوطالب تاجر هم قناتی احداث نموده بود که از پهلوی آن جاری بود چنین می‌دانم محمد خان بیگ مجرائی از آنجا به اصطبل آورده بود که برای آب دادن اسب‌ها آسان باشد

و محتاج به سطل^۱ نشود. قنات‌ها ملکی خودشان بوده و دخلی به دیوان نداشته است. اگر محمدخان بیک عوض شده محمدعلی بیک گویا نداشته عرض کرده.

فرهاد ۲۶

۲۰

تاریخ: شهر جمادی الاولی توشقان ثیل/ ۱۲۹۶ شماره سند: ۹۷-۹۶-۵

طهران به اصفهان

سه فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان

از تلگرافخانه اصفهان یک نفر سوار برداشته فوراً عزیمت نموده فیما بین کاشان و اصفهان به مقربی الخاقان مظفرالملک و علی نقی خان سرتیپان افواج خمسه برساند. دیشب به شما تلگراف نموده‌ام و الان هم می نویسم، از قرار اخباری که رسیده است بعضی از جهال اهل اصفهان به اسم تظلم بنای خودشان را به هرزگی و لوطی‌گری گذارده‌اند، چون تمکین به این حرکات مغایر نظم مملکت‌داری و مخالف سلیقه همایون شاهنشاهی روحانفاده است لهذا بر حسب امر قدر قدر ملوکانه روحانفاده می نویسم که عجالتاً شما عزیمت به فارس را موقوف داشته و در کمال عجله دو منزل یکی خودتان را به اصفهان برسانید و بعد از ورود در هر جایی که سرکار شاهنشاهزاده افخم ظل السلطان زید شوکت صلاح بدانند و امر بفرمایند اردو زده و در تحت اختیار و مطیع اوامر و فرمایشات حضرت شاهنشاهزاده اعظم باشید، من باب احتیاط دو فوج و پانصد سوار دیگر هم این روزها مأمور اصفهان خواهم نمود. حسین

خدمت حضرت شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان زید شوکت، از قراری که از تلگرافخانه انگلیس خبر رسید معلوم می شود که پریروز و دیروز اهل اصفهان به اسم تظلم و شکایت دست به پاره [ای] حرکات جاهلانه زده‌اند که سکوت و اغماض مغایر شرط دولت‌داری و تمکین به حرکات آنها مخالف نظم مملکت است. این مردم اگر واقعاً مظلوم

۱. اصل: سطل

بودند و اگر منظورشان عرض شکایت و احقاق حق بود سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنافته به طوری ابواب اصغای عرایض را متعدد و مفتوح فرموده‌اند که امروز هیچ زن بیوه و بی‌کس نیست که بخواهد مراتب مظلومیت خود را به عرض آستان مبارک برساند و نتواند. این‌ها می‌بایست مقاصد خودشان [را] به وسیله یکی از آن طریق به عرض خاکپای مبارک برسانند و احقاق حق ببینند، معلوم می‌شود اهل اصفهان تشریف‌فرمائی شاه مرحوم را به آنجا و تنبیهی که از آن‌ها به عمل آوردند فراموش کرده‌اند تا در اوایل سلطنت جاوید مدت و حکومت مرحوم سپهدار خرابی و خسارت که به اصفهان وارد شد از خاطرشان رفته است. خدا می‌داند وقتی که این فقرات را به عرض خاکپای انور رسانیدم به قدری خاطر مبارک متغیر شد که نزدیک بود حکم به تخریب اصفهان و قتل عام شرف صدور یابد، لہذا بر حسب امر قدر قدر دو فوج بسیار ممتاز آراسته خمسه که مأمور به فارس بودند تلغراف نمودم به شیراز نرفته در اصفهان متوقف و مطیع اوامر سرکار شما باشند که به هر قسم حکم کنید و امر نمائید اطاعت داشته باشند که فوج خلیج و پانصد سوار دیگر هم همین دو روزه روانه می‌دارم که به شما برسند و اگر لازم باشد به نمک مبارک همایونی روحنافته قسم است پانزده فوج و به قدر لزوم سوار و توپخانه خواهم فرستاد به طوری که از اصفهان و اصفهانی اسم و آثار باقی نماند. سرکار والا باید عجالاً دو کار بکنید یکی آنکه مقرر دارید تلغراف به اسم سرتیبان خمسه را خیلی زود برده فیما بین کاشان و اصفهان به آن‌ها برسانند که زودتر وارد اصفهان شوند دویمی آنکه همین تلغراف را بدهید ببرند و به اشخاصی که مرتکب این حرکات شده و می‌شوند بنمایند. اگر عارض و مظلوم می‌باشند ساکت مانده یک نفر را وکیل کرده به جهت عرض شکایات خود به دربار دولت بفرستند و احقاق حق بخواهند و اگر یاغی هستند باشند تا به سزای عمل خودشان برسند.

حسین

خدمت شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان زید شوکت، ساعت قبل در فقره فوج و سوار و سایر تلغراف مفصلی خدمت حضرت والا نموده‌ام البته رسیده است، حال هم عرض می‌شود که فوج هفتم افشار ارومیه به سرهنگی مهدی خان از ساخلوی فارس مراجعت و عازم خانه خودشان می‌باشند، فوج هزار نفری و سرهنگشان هم آدم خدمتگزار درستی

است. سرکار والا قدغن فرمایند همین تلگراف مرا به مهدی خان بدهند و او با فوج در اصفهان در خدمت سرکار والا متوقف و مطیع اوامر سرکار والا باشد تا این غائله رفع [شود] و بعد عازم دارالخلافه گردد^۲

حسین

۲۱

تاریخ: ۲۵ / جمادی الاولی / ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۲۸-۵

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به کاظم خان سرتیپ و بالعکس

نمره ۸۸

کاظم خان سرتیپ، تلگرافی که به شهاب الدوله نوشته بودی دیدم. گردن تو بشکنند که این قدر بی عرضه و زبان نفهم و بیکاره هستی هر وقت کاری به تو رجوع می شود این قدرها معاذیر غیر موجه پیش می آوری، چرا نرفتی فوج را ببری که به اصفهان تنهارفته حالا هم این چه عذر است؟ کدام نوکر اول سال موجب ششماهه محلی گرفته که تو می خواهی؟ البته با همان تدارک فوج که می گیری فوج را فوراً بردار بیاور. این عذرهای نامربوط چه چیز است؟

حسین ۲۵ [جمادی الاولی]

جواب

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اعظم، معروض می دارد از گلپایگان به چاپاری آمده مأموریت کل فوج را معین نمایم. چهار دسته سرباز نه ماه است [در] بروجرد [و] خوانسار [و] گلپایگان در سر خدمت هستند، حال حضرت والا شش دسته مأمور بختیاری بروجرد فرموده اند که اردو زده دو دسته هم [به] یزد مأمور فرموده اند، به رسیدن گلپایگان به محل مأموریت حاضر می شویم. منظور از موجب محلی مالیات خود فوج است که مطالبه نشود، تا زمانی که دستور العمل مرحمت شود.

کاظم ۲۶ [جمادی الاولی]

۲. اصل: گردید

تاریخ: ۲۸/جمادی الاولی/۱۲۹۶ شماره سند: ۹۳

چهار فقره تلگراف: از: (۱) سپهسالار به مظفرالملک و بالعکس

(۲) سپهسالار به ابوالقاسم خان سرهنگ و بالعکس

به مظفرالملک، غایب و فراریان افواج خمسه را به قدر چهل و سه نفر آوردند، اینک دو نفر آردل روانه کردم. فراری آن‌ها را خواستم اینجا تنبیه کنم. آجودانباشی گفت: چون در زنجیر از اینجا تا اصفهان راه باید بروند مشکل است با تنبیه بتوانند راه بروند و تنبیه آن‌ها را هم خود مظفرالملک و علی نقی خان سرتیپ باید در میان افواج بکنند که عبرت آن‌ها بشود. لهذا فرستادم که تنبیه کاملی در آن جا بکنید. در باب مرخصی شما هم که از اصفهان خلاص شده و به محل مأموریت [۱۲۹] خود بروید خدمت حضرت والا ظل السلطان تلگراف کردم، منتظر جواب او هستم که دستورالعمل شمارا بدهم.

حسین ۲۸

جواب

حضور حضرت مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم مدظله العالی، از زیارت تلگراف مبارک افتخار حاصل شد. در باب فراری افواج تا به حال نشده بود که یک نفر گرفته به محل مأموریت آورده شود. از یمن توجه ملازمان حضرت عالی این فقره انضباط عمل و قوام نظم خواهد شد، نهایت تشکر مراحم مبذوله را داشته و داریم. خداوند سایه مرحمت حضرت عالی را بر سر امثال چاکران مستدام بدارد. حسب المقرر در میدان مشق آن‌ها را تنبیه کامل می‌کنیم که عبرت سایرین باشد. در باب باقی مانده فراری هم مستدعی است مقرر شود زود برسد. در خصوص عزیمت افواج به محل مأموریت تلگراف را به حضور حضرت مستطاب اشرف والاشاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان دامت شوکته برده فرمودند: توقف افواج دو سه ماه لازم است و به حضرت اجل اشرف اعظم مدظله العالی خواهم نوشت.

مظفرالملک و علی نقی ۲۸

ابوالقاسم خان سرهنگ فوج چهار محال مأمور کرمان است، به حضرت والا ظل السلطان هم نوشته‌ام بزودی تدارک خودتان را دیده روانه شوید. ملبوس و چادر را به جلیل خان سرتیپ قدغن کردم بنویسد در آن جا بدهند، از مباشر او قبض داده بگیرید. جیره عرض راه شما را هم می نویسم در اصفهان بدهند. البته خیلی زود سرباز را تدارک دیده روانه شوید.

حسین ۲۸

جواب

خدمت جناب جلالت‌ماب اجل اشرف افخم سپهسالار اعظم روحی فدا، عرض می شود به زیارت تلگراف مشرف شده از تصدق فرق مبارک فوج حاضر و مستعد خدمت است، ولی مستدعی آن که حکم کلیه در باب تدارک و مواجب محلی چادر و ملبوس بفرمائید که دریافت نموده روانه شوند. مراتب مأموریت خدمت ملازمان حضرت والا [۱۳۰] روحی فدا عرض شد. ابوالقاسم سرهنگ چهار محالی ۲۹

۲۳

تاریخ: شهر جمادی الاول توشقان نیل / ۱۲۹۶ شماره سند: (۳۵-۳۴-۳۳-۳۲)-۵

به اصفهان

طهران

چهار فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۱۰۲ حضوری است

خدمت حضرت شاهنشاهزاده افخم ظل السلطان زید شوکت، سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده به جهت حفظ انتظام فارس اصرار دارند که افواج خمسه زودتر به شیراز بروند و می فرمایند در ابتدای غایله اصفهان می گفتید که اگر آقا میر محمد حسین را احضار به طهران نمائید جمیع فتنه‌ها خوابیده و هیچ حرفی و زحمتی باقی نخواهد بود، بر حسب میل شما مشارالیه احضار شد. بعد نوشتید که اگر میر محمد حسین معزول و آقا میرزا محمد علی به امام جمعه‌گی منصوب گردد دیگر هیچ اختلافی باقی نخواهد ماند و

جميع مردم شاكر مى شوند، اين عرض شما هم به درجه اجابت رسيد و به ميل شما رفتار فرمودند. آقا ميرزا محمد علي امام جمعه شد و عازم گرديد. بالاخره نوشتيد كه آمدن آقا مير محمد حسين به طهران صلاح نيست، او را روانه مشهد نماييد كه امورات كاملاً اصلاح شود و همين قسم فرمودند مأمور مخصوص بر حسب امر قدر قدر فرستادم مشارالیه را از حوض سلطان روانه مشهد مقدس نمودند، بعد از اين همه تعهدات حالا باز از فرستادن افواج به فارس مضايقه داريد. الان بايد به طور صريح جواب بدهيد اگر واقعاً امنيت كامل چنانچه مى نوشتيد حاصل شده است افواج را مرخص كنيد بروند و اگر باز درست مطمئن نيستيد و احتياج به استعداد داريد، او را هم صراحتاً مرقوم داريد كه سيف السلطنه را با دو فوج بفرستم و قلوب ماها و سركار والا آسوده شوند. اين دو فوج بايد حسب الامر به شيراز بروند. جواب آخري را بدهيد كه بايد الان به حضور مبارك همايون شاهنشاهى روحفداه عرضه دارم.

حسين

جواب

جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اقباله العالى، وضع اصفهان و حالت اهالى اين جا و هرزگى اين خانواده [۱۳۲] پوشيده نيست. چنانچه خاقان خلد آشيان از براى دفع و رفع اشرار اين جا تشریف آوردند و شاه مبرور انارالله برهانه به جهت اضمحلال اين ها با اردو تشریف آوردند. ولى نعمت كل روحفداه كه خودشان تشریف فرما شدند باز به همين جهت بود، ديگر اين جانب تقصيرى نكرده كه مقصرم بفرمائيد. مسلماً اگر عرايض من خلاف بود و غرضى داشتم و صدقم به خاكپاى مبارك واضح نبود هرگز گوش به حرفم و عرضم نمى دادند و ولى نعمت روحفداه كه عقل كل هستند عرايضم را قبول نمى فرمودند و شماها كه اولياى دولت عليه هستيد اعتنا نمى كرديد. معلوم شد كه صادق دانستيد كه عرايضم قبول فرموديد. اين جانب هم دروغ نگفته ام منتها اينست كه عرض كردم تقصير بر شخص واحد است و اصفهانى هاى بيچاره تقصيرى ندارند. درست هم عرض كرده ام ديگر از اين حرف مقصر نمى شوم، مى فرمائيد چنان عرض كرديد و چنان حكم كرديم. پريروز كه تلگراف جناب عالى رسيد، جواب عرض شد كه تفصيل را با چاپار مخصوص مى نويسم، ديروز ظهر عباس خان آدم خودم را به چاپارى فرستادم فردا

ظهر وارد طهران می شود، تفصیل نوشته ام ملاحظه فرمائید. آن وقت آنچه بفرمائید و رأی مبارک تعلق گیرد و شماها صلاح بدانید همان کنید. اصفهان و فارس همه خانه دولت است چه فرق دارد، معلوم است شما ملاحظه شخص می کنید نه ملاحظه خانه، والا درب یک خانه بستن و خانه دیگر را باز گذاشتن معنی ندارد. از نظم ولایت هم بپرسید ببینید در هیچ جای دنیا این نظم نیست. منتها این است که من دروغ بگویم. جمیع دنیا که دروغ نمی گویند. هزار قسم ممکن است که تحقیق بفرمائید از هر جهت همه قسم نظم هست و می توانم گفت که در هیچ جا این طور نظم ممکن نیست بپرسید تا بدانید. ولی سوء ظن من چون زیاد است و ملاحظات بعیده دارم تفصیل را نوشته ام با عباس خان ملاحظه فرمائید. هر طور دستور العمل بدهید مختارید این قدر صبر کنید تا عباس خان بیاید آن وقت هر چه می فرمائید اطاعت شود. در هر حال تا فردا عصر منتظر نوشتجات و عرایض من باشید، پس از اطلاع آنچه قبله عالم روحنافده مقرر فرمایند و شما صلاح دانید بفرمائید حاضریم. با آن همراهی های جناب عالی که اول فرمودید و حال این طور اغفال خیلی غریب است. جناب عالی که متلون المزاج نیستید، نمی دانم پلتیک و صلاح دولت چه اقتضا کرده است، گله نیست به دوستی محرمانه عرض می کنم.

ظل السلطان

خدمت حضرت شاهنشاهزاده ظل السلطان زید شوکته، حقیقت این است که سرکار والا خیلی سوء ظن دارید. من که عرض نمی کنم که قشون و استعداد نمی دهم اگر خود شما مانع نشده بودید تا به حال چند فوج و سوار و توپخانه در اصفهان حاضر بود، البته شرط احتیاط لازم است، حالا هم همین قدر که بنویسید که چند فوج به جهت احتیاط لازم دارید فوراً می فرستم. شما همچو تصور می فرمائید که من اصرار در رفتن این افواج دارم، خدا می داند و به سر مبارک خودتان و به نمک قبله عالم روحنافده که سهو فرموده اید، مرا در حضور مبارک نشانیده و فقرات تلغراف را شفاهاً فرموده اند و نوشته ام ملاحظه کرده اند بعد فرستاده اند تلغرافخانه الآن هم همین جواب شما را به خاکپای مبارک فرستادم هر چه به خط مبارک خودشان مرقوم فرمودند عرض خواهد شد، من با شما شریکم و می گویم زود است اصفهان را خالی گذارد این نوکر پدر سوخته که در خانه خوابیده است زیر

اسلحه باشد و قلب آسوده چه ضرر دارد، زود از این سوء ظن خودتان استغفار بفرمائید و قدر بدانید.

حسین

جواب

جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اجلاله العالی، خداوند انشاء الله جنابعالی را در زیر سایه مبارک همایون همیشه با عزت و شوکت بدارد و طرف مراحم خاطر مبارک بیشتر باشید. این که فرموده اید این جانب سوء ظن دارم بلی در من این عیب قدیم است و به در نمی رود از این مخلوق به جز سوء ظن چاره [ای] نیست، ولی این معنی در حق اصفهان و سایر مردم این صفحات است سوء ظن را نسبت به زیردستان و کوچک تر باید داشت نه نسبت به مثل شما شخصی که بزرگتر هستید و قدرت دارید، در حق شما حسن ظن دارم. شهد الله نهایت امتنان از لطف ها و همراهی های شما دارم و محبت و لطف شما محل شبهه نیست. نهایت همراهی فرموده اید این هم که عرض کرده و عباس خان را فرستاده ام محض صلاح دید و دولت خواهی بوده است بسته به میل خودتان است، عرایض مرا ملاحظه بفرمائید. هر طور صلاح بدانید معلوم است باید اطاعت کرد. اینجانب محض دولت خواهی که پس فردا نفرمائید چرا صلاح دید خود را عرض نکردی. عباس خان فردا عصر وارد می شود هر چه بفرمائید می کنم. این که سابقاً عرض کرده بودم فوج نمی خواهم، عرض کردم فوج زیاد و سوار بسیار لازم نیست، اصفهانی که مقصر نیست، شخص واحد مقصر بود، فوج چهار محال هم پهلوی دستم بود، عرض کردم [۱۳۴] فوج زیاد لازم نیست، حال هم عرض می کنم که بیشتر از چندی لازم نیست، چنانچه با عباس خان عرض کرده ام مطلع می شوید.

ظل السلطان

تاریخ: شهر جمادی الثانیه توشقان نیل / ۱۲۹۶ شماره سند: ۲۵۷-۵

طهران به شیراز

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به معتمدالدوله و بالعکس

نمره ۲۰

خدمت سرکار نواب اشرف والا معتمدالدوله فرمان فرمای فارس، تلغرافی که به جناب نصیرالدوله نوشته و مرقوم فرموده بودید دیدم. تنخواه خزانه نظام مثل سنوات ماضیه برات دیوانی به اسم سرکار والا صادر و در نزد مشیر لشکر ضبط است و ملفوفه فرمان همایونی به افتخار شما شرف صدور یافته، امروز دادم نصیرالدوله بفرستد که مستقیماً تنخواه خزانه نظام باید به مشیر لشکر برسد، به جهت نواب والا نصرت الدوله حکمران کرمان هم چنین شبهه القاء شده بود و رقعہ به من نوشته بودند که همان رقعہ به عرض خاکپای مبارک رسید. گذشته از این که حضوراً احضار و مورد تغیر و اعتراض شدند، در صدر همان رقعہ نواب معزی الیه دستخطی شرف صدور یافته بود که سپردم نصیرالدوله همان رقعہ موشح به دستخط مبارک را در جوف پاکت بفرستد که سرکار والا زیارت نموده اعاده دهید و مطمئن باشید که هیچ تغییری در وضع خزانه نظام داده نشده است و به طریق سابق تنخواه مستقیماً و بدون توسط یا مداخله احدی باید به خزانه نظام برسد لاغیر و این عریضه تلغرافی منهم سند سرکار والا می تواند بود.

حسین ۱۳

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، تلگراف عالی در باب قسط به تاریخ سیم جمادی الاخر زیارت شد، جوابی هم عرض شد. روز دوشنبه یازدهم که چاپار رسید ملفوفه فرمان همایون زیارت شد که به این عبارت مقرر شده بود: محل نظام که جناب امین السلطان برات را ضبط کرده حواله بدهد، دو بیست [و] بیست هزار تومان کسری به جناب نصیرالدوله تلگراف کردم که به عرض جناب عالی برساند سهل است امروز که چاپار روانه شد سواد تلگراف جناب عالی و جواب خودم را هم به

جناب امین السلطان فرستادم، حال عرض می شود که مقرر شده است مثل سابق به حواله جناب بندگان عالی برسد. انشاء الله حیاتی باشد اطاعت خواهد نمود و بحشی بر این بنده درگاه نیست. اگر چاپار نرفته بود سواد همین تلگراف را هم می فرستادم. فرهاد ۱۵

۲۵

تاریخ: ۲۷/شهر محرم الحرام توشقان ثیل/ ۱۲۹۶ شماره سند: ۴۲

طهران به قم

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به کامران میرزا نایب السلطنه و بالعکس

نمره ۲۵

حضور مبارک حضرت شاهنشاه زاده اعظم امیر کبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله الوالا، ورود مقدم حضرت والا را در ساحت قم با کمال ارادت قلبی و بندگی عرض تبریک دارم و از برای این تهنیت و بهجتی که از معدلت و استقامت وجود مسعود مبارک والا دارم خود به تلگرافخانه آمده که بالنسبه بلا واسطه تقدیم فدویت شده باشد. دستخط مضامین مرقومه مرسوله حوض سلطان را دیشب زیارت کردم و خیلی استظهار و امیدواری حاصل نمودم و امیدوارم در این موقع زیارت و بدو تشریف در آن آستانه منوره این بنده نیز از خاطر مبارک حضرت والا فراموش نباشم و در دعای بی ریا شریک باشم و خیلی مستد عیم زودتر تشریف بیاورید. عید مولود همایون شاهنشاهی روحانفاده نزدیک و حضور حضرت والا از جمله واجبات است. سرکار نواب علیه عالیه منیر السلطنه دامت شوکتها بحمد الله سلامت می باشند، لیکن از مفارقت حضرت والا خیلی متأسفند. دیروز قمر السلطنه خدمتشان رسیده بود از برای مسرت ایشان هم که باشد باید زود تشریف بیاورید. موکب همایونی روحانفاده فردا نزول اجلال به دوشان تپه خواهند کرد و گویا چهارشنبه یا پنجشنبه [به] شهر تشریف بیاورند. بنده ارادتمند

حسین ۲۷

جواب

جناب مستطاب سپهسالار اعظم، مقارن ورود به قم درب دروازه تلگراف نامه مهر و

۳۳۸

محبت علامه اشرف رسید. خداوند را گواه و شاهد می طلبیم که به قدری خوشحال و به حدی خوشوقت گردیدم که هزار سال دیگر بهجت و شرف و ممنونیت خودم را از این دوست نوازی های متواتر که از طرف شریف شما به من می رسد از عهده نمی آیم و تلگراف شریف شما را برای ورود قم و این سفر به خیر و به فال مبارک و میمون دانستم. لله الحمد که وجود شریف را ملالی و کلالی نیست. الحمد لله از محبت شما احوالم خوب است و الساعه وارد شده [۴۲۰] به زیارت بقعه متبرکه شریفه نایل و مستفیض گردید و مخصوصاً از جانب شما زیارت کردم. چگونه متصور بود که با این همه اظهار دوستی و مهربانی و محبت پی در پی خالصانه که سراپا مرا همین منت نموده در آستانه منوره شریفه فراموش نمایم. تجدید امتنان از این فقره نیز می نمایم که نواب قمر السلطنه از سرکار منیر السلطنه دامت شوکتها دیدن نموده ایشان را تنها نگذاشته اند. این که تأکید نموده بودید زودتر بیایم و برای عید مولود مسعود همایون انشاء الله بر حسب تلگراف شما خود را برای عید مولود به طهران خواهم رسانید. مقصود زیارت حضرت و دعا گوئی وجود مسعود همایون سرکار اعلی حضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه بود که الحمد لله به عمل آمد و نایل شدم و انشاء الله بعد از سه چهار روز بیرون آمده به عون الله تعالی قبل از عید به طهران خواهم آمد.

نایب السلطنه امیر کبیر ۲۷

۲۶

تاریخ: توشقان نیل ۱۲۹۶
شماره سند: ۵-۹۱
دو فقره تلگراف: از سپهسالار به مظفر الملک و علینقی خان و بالعکس

نمره ۱۳

مقربى الخاقان مظفر الملک و علینقی خان سرتیپ، حضور شما و توقف افواج خمسه در اصفهان به بعضی ملاحظات کمال لزوم دارد. البته بدون معطلی در راه و منازل به اصفهان وارد شده در مدت توقف اصفهان مطیع امر و فرمان حضرت اشرف ارفع والا

۳۳۹

ظل السلطان دامت شوکته الوالا باشید و در روانه شدن به محل مأموریت و فارس منتظر حکم مجدد و ثانی باشید و همین تلگراف را به حضور حضرت والا برسانید. حسین ۴
حضور حضرت اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم مدظله العالی، تلگراف مبارک را حسب الامر به جناب آقای امام جمعه نشان داده عرض می کند مطیع هستم. در تهیه شرفیابی حضور مبارک هستند. چاکر هم اهتمام کرده زودتر روانه می شوند.
مظفرالملك

۲۷

تاریخ: ۵/ جمادی الثانی / ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۴۴-۵
دو فقره تلگراف: از سپهسالار به مظفرالملك و بالعکس

نمره ۱۷

مظفرالملك مشک و راویه فوج را با یابوی آن بدهید ابوالقاسم خان سرهنگ فوج چهار محالی، فوج را برداشته روانه کرمان شود. عوض آن را از این جا برای شما می فرستم.
حسین ۵

جواب

حضور حضرت مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم مدظله العالی، حسب الامر مشک و راویه با یابوی آن به ابوالقاسم خان سرهنگ داده می شود.
مظفرالملك

تاریخ: ۱۱/شهر جمادی الثانیه توشقان نیل/۱۲۹۶ شماره سند: ۱۴۷-۱۴۶-۵

طهران به اصفهان

سه فقره تلگراف: از مستوفی الممالک و میرزا حسین خان سپهسالار به ظل السلطان و

بالعکس

به تاریخ شهر جمادی الثانیه توشقان نیل ۱۲۹۶

نمره ۲۷ حضوری است

خدمت حضرت شاهنشاه زاده اکرم ظل السلطان زید شوکته، عرض ارادت می‌رسانیم سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده در باغ عشرت آباد تشریف دارند. ما بندگان را احضار و فرمایشات شاهانه خودشان را مقرر فرمودند که متفقاً تلگرافخانه آمده و به حضرت والا ابلاغ نمائیم تا ورود موکب مسعود همایونی جواب سرکار والا را عرضه داریم. می‌فرمایند که از ابتدای غائله اصفهان هر چه شما گفتید و نوشتید و صلاح دیدید بدون چون و چرا جمیع صواب دیدهای شما را قبول فرمودیم. مثلاً گفتید میر محمد حسین از اصفهان احضار به طهران شود احضار کردیم. نوشتید او از خدمت امام جمعه‌گی معزول و میرزا محمد علی منصوب گردد، فوراً پذیرفته مجری داشتیم. استدعا کردید که آمدن او را به دارالخلافت تجویز نفرمائیم، مأمور مخصوص فرستادند او را از حوض سلطان برداشت و از کناره کرد عبور داد از خوار گذرانید و دیشب معاودت کرد، بالاخره به جهت شرط احتیاط صلاح دیدند که فوج خمسه مدتی در اصفهان بمانند و به فارس بروند. فرمودیم هیچ عرض و اظهاری از طرف شما نشد که از جانب ما رد گردد، حالا فصل حواله و اطلاق و گرفتن مالیات است که به مخارج دیوان اعلی سکته روی ندهد و ده روز دیگر موکب مسعود همایون شاهانه بیلاق فیروز کوه و سواد کوه تشریف خواهند برد، شما که در مرکز غائله حاضر هستید علم و بصیرتتان زیادتر خواهد بود. آیا بویی از شرارت و فساد باقی مانده است یا خیر، آیا علاوه بر این استعدادی که موجود دارید با استعداد دیگر خود را محتاج می‌بینید یا نه، حقیقت امر را به طور تصریح بنویسید و تعهد

تلگرافی علاوه بر تعهدات مکتوبی سابق خودتان نموده که موجب اطمینان قلب گردد و اگر بوی فتنه و فساد به مشام شما می‌رسد و قوه و قدرت تازه لازم دارید بدون پرده عرض نمائید.

مستوفی الممالک و حسین

به تاریخ شهر جمادی الثانیه توشقان نیل ۱۲۹۶

جواب

جنابان مستطابان اجل آقا و سپهسالار اعظم دام اجلالهما، الحمد لله از محبت شماها خیلی احوالم خوب است، مشغول ترتیب محاسبات و انجام خدمات سنه ماضیه و هذه السنه بودم که احضار شدم، اگر چه به واسطه بعد مسافت و شدت گرما در راه خیلی زحمت کشیده تا به تلگرافخانه رسیدم، ولی چون طرف فرمایشات شما می‌شوم زحمت را راحت می‌دانم [و] در کمال شوق حاضرم. فرمایشات جنابعالی به عینه فرمایشات دو سه روز قبل است که جواب عرض کردم، شما خودتان می‌دانید اگر قبله عالم روحانفاده که عقل کل هستند عرایض صادقانه غلام خود را اندک مهمل می‌گذاشتند و در این فقره غمض عین می‌فرمودند و شماها تقویت و همراهی نمی‌فرمودید خدمت دولت به هیچ وجه در هیچ جا پیش نمی‌رفت، مسلماً پس از این که ظل السلطان غلام مخصوص شاهنشاه روحانفاده در اصفهان که مرکز ایران است به ملاً بازی بخواهند پامالش کنند، در فارس و آذربایجان و خراسان با سایر نوکرها چه می‌کردند. خودتان صدق عرایض مرا بهتر دانستید که تقویت فرموده شاهنشاه عقل کل و وزیرای دولت که در عقل و کفایت و تدبیر بی‌نظیرند نسنجیده تقویت نمی‌فرمایند، معلوم است صلاح دولت را در اصغای عرایض بی‌غرضانه غلام شاهنشاه دانستید که تقویت فرمودید. شیوه غلام پروری و نوکرداری همین بود که ولی نعمت روحانفاده فرمودند و رسم همقطاری و دولتخواهی این است که جنابان عالی می‌فرمائید. این که فرموده بودید تو در میان این غائله بوده و میدانی همان است که به کرات عرض کرده‌ام. این جانب هرگز دروغ نمی‌گویم، زیرا که دروغ فروغی ندارد: جنابان عالی از صد طرف دیگر تحقیق می‌فرمایند آن وقت اسباب خجالت خودم می‌شود. در این مقدمه و این اوضاع احدی تقصیر نداشت و کسی اسباب فتنه نشد الامیر محمد حسین و میرزا سلیمان که همه وقت در هر زمان این طور کرده بودند و به عادت

دیرین خواستند فتنه کنند. اگر هم دو نفر بی سروپائی با آن‌ها بوده‌اند تاکنون اینجانب نفهمیده و بوئی نبرده‌ام. همه مردم دعاگو، همه شاکر، همه امیدوار، همه مشغول رعیتی و خدمت هستند. جنابعالی تحقیق بفرمائید اصفهان و یزد و بروجرد و خوانسار و گلپایگان به قدری منتظم است که در هیچ جا این طور نظم و آرامی ممکن نیست. این دو فوج هم که عرض کردم سه چهار ماه در اصفهان بماند محض بعضی مقدمات و خیالات بود زیرا که در همه جا جاسوس دارم و از هر راه تحقیق مراتب می‌کنم. از تصدق سر مبارک و همراهی های شما هیچ حکایت و نقلی نیست ولی محض این که در دهن مردم افتاده بود که افواج می‌آید و بعضی گفته بودند که دروغ و تشر است خواستم این دو فوج سه چهار ماه بمانند که مردم بدانند دولت هر وقت هر جا هر چه استعداد بخواهد بفرستد و اقامت دهد ممکن است. نگویند این‌ها آمده بودند به شیراز بروند یک دو هفته مانده و رفتند. این فرمایشات می‌دانم از راه کمال دروآندیشی و حزم و ملاحظه و التفات نسبت به اینجانب است ولی مسلم بدانید که اینجانب بی هوش و بی عقل نیستم، هر چه به گوشم برسد فوراً عرض می‌کنم. عمل میر محمد حسین لوطی باشی بود که رفت و مردم آرام گرفته و میرزا سلیمان هم مرخص شد و رفت به عتبات عالیات، همین قدر که شش هفت ماه دیگر میر محمد حسین را به طهران نخواهند که اسباب کاغذ پرانی و بازار لوطی بازی گرم بشود دیگر در ابواب جمعی اینجانب آب از آب نمی‌جنبند و احدی قدرت خلاف ندارد و شهری است در کمال نظم و آسودگی و مالیات دیوان هم بهتر از هر سال می‌رسد و اقساط زودتر از همه وقت روانه می‌شود. قدرت غلام شاهنشاه روحانفاده در حضور مبارک و خدمت شماها باید در این گونه امور و این وقت‌ها ظاهر شود که بدانید در چاکری ولی نعمت و همقطاری شما و التفاتی که دارید از اینجانب هم کاری ساخته می‌شود. در هر حال مطمئن باشید که از همه جا بهتر و خدمت بیشتر و منظم‌تر خواهد شد اگر عیب و نقصی کند اینجانب مسئولم، نه تزلزلی به خیال خود راه دهید و نه گوش به حرف اشخاص مفرض که گمان می‌کنند ترقی ایشان در تنزل اینجانب است و حال آن که به عکس فهمیده‌اند، هر چه اینجانب ترقی داشته باشم اسباب گفتگوی ایشان است که مرا دست‌آویز نموده و همه چیز خواهش نمایند. به هر حال در کمال اطمینان باشید که اقساط

نظام و غیر نظام از همه وقت و همه سال بهتر و ولایات اداره اینجانب از پیشتر منظم تر است. دستورالعمل فوج چهار محال مرحمت نشد، موجب خود را گرفته اند. دستورالعمل ایشان را بدهید زود روانه کنم. تنخواه گمرک را حاجی مشیر لشکر نوشته اند باید به ایشان برسد، اگر فی الحقیقه باید به ایشان برسد جنابان عالی اطلاع بدهید تا با ایشان قرار قسط گمرک را مثل آن اقساط بگذارم. چنانچه مرقوم داشته اید بی پرده عرض کنم که کمال اطمینان داشته باشید و تزلزل به حال خود راه ندهید. بعضی اشخاص از راه غرض و حسد، بعضی عرایض می کنند، ولی هیچ گوش ندهید که اقساط بهتر می رسد و ولایات با نظم تر خواهد بود هیچ خیالی نیست مفسد همان دو نفر بود [ند] که رفتند.

عرض می کنند از این تلگراف حضرت والا خیلی ممنون شده کمال شکر را داریم دیگر عرضی نداریم به سلامت.

جواب فوج چهار محال عرض می شود:

مستوفی الممالک و سپهسالار اعظم

اینجانب هم در کمال اخلاص و ادب اظهار تشکر می کنم. خداوند انشاء الله شماها را در زیر سایه مبارک همیشه سالم و کامران و با عزت بدارد. بهترین چیزها در نوکری و خدمت ولی نعمت روحانفاده صدق است، چیزی که نیست چرا مردم را در آتش بیاندازم و خاطر مبارک ولینعمت را نسبت به رعیت بیچاره دعاگو برنجانم و قلب اولیای دولت را متزلزل دارم، الحمد لله به هیچ وجه تشویش و خیالی نیست و عموم خلق بی گناه و رعیت و دعاگو هستند. اصل ماده فساد از مزاج ولایت دفع شد و این فقره منحصر بود به همان دو نفر که رفتند و دولت و ولایت و رعیت همه آسوده شدند، انشاء الله من بعد هم هرگز این گونه فساد رو نخواهد داد و به خواست خداوند و عنایات ملوکانه و همراهی شما دو نفر همقطار بزرگ با غیرت امیدوارم تا صد سال دیگر فتنه امام جمعه پاری روی ندهد و خدمتی امسال بکنم که تا به حال کسی نکرده و گوش نشنیده باشد. «مالا عین رأی و مالا اذن سمعت ولا خطر علی قلب بشر» همین قدر از جنابان عالی استدعا دارم که قدغن به بعضی بفرمائید که چند ماهی ایشان را در خراسان آسوده بگذارند و کاغذ پرانی را به آنجا و این جا موقوف دارند، زیاده از این طالب در دسر اولیای دولت نباشند و در صدد بدنامی

دین و دولت برنیابند، عبث زحمت نکشند و زحمت ندهند و بدانند که اولیای دولت به اسباب چینی، یک نفر نوکر مثل ظل السلطان را خراب نمی کنند و نظم ولایات و مملکت را به هم نمی زنند، جنابان عالی رسیدگی می فرمایند و عاقل و عادل هستند، همین قدر بدانند رسیدگی می فرمایند آسوده می شوند.

ظل السلطان

به تاریخ شهر جمادی الثانی توشقان نیل ۱۲۹۶

خدمت حضرت اشرف ارفع والا ظل السلطان زید شوکته، در فقره تنخواه اقساط گمرک استفسار فرموده بودید که مشیر لشکر تلگراف نموده مطالبه کرده است، اگر مطالبه مشارالیه صحیح است قرار اقساط را با او بدهید. لهذا عرض می نمایم که وجوه گمرک از جانب دیوان اعلی جمع جناب امین لشکر است در صورتی که امین لشکر خدمت حضرت والا تحریراً یا تلگرافاً عرض نموده است که اقساط گمرک اصفهان جمعی خودتان را به مشیر لشکر بپردازید البتہ مقرر فرمائید قرار اقساط را با مشارالیه بدهند.

مستوفی الممالک و حسین ۱۱

۲۹

تاریخ: ۱۴/شهر جمادی الثانی/توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۵۲-۵

تهران به اصفهان

سه فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۳۳

حضور مبارک حضرت شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان دام اقباله، مخابرة والا در خصوص فوج چهار محالی شرف وصول بخشید، البتہ به نحوی که اعلام فرموده اید و اطمینان داده اید معمول و روانه خواهند شد. در خصوص پادارانه آن ها که کسب تکلیف فرموده بودید قدغن فرمائید پادارانه معمول سنواتی را گرفته بروند، لیکن حق مداخله

۳۴۵

به عمل مواجب محلی ندارند و دیناری عجالاً نباید قبض یا اقباض و مداخله کنند تا در موقع دستور العمل مواجب آنها داده شود.

حسین ۱۴

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سهسالار اعظم دام اقباله، در باب فوج چهار محال فردا که شنبه است صاحب منصبان ایشان را خواسته فوراً می فرستم، در چهار محال خانواری خود را گرفته در کمال تعجیل بروند و حرکت نمودن ایشان را به تلگراف اطلاع می دهم. در باب مواجب مرقوم داشته بودید قبض اقباض نشود چگونه چنین کاری می شود، خانواری که حق آنهاست و باید رعیت بدهد اینجانب بی استجازه جنابعالی ندادم، مواجب دیوان را چگونه بی اذن جنابعالی قبض و اقباض می کنم. «در حق من به ذردکشی ظن بد مبر کالوده هست خرقه ولی پاک دامنم» انشاء الله هیچ وقت از اینجانب خلاف رسم و قاعده دیده نخواهد شد.

ظل السلطان ۱۶

نمره ۳۶

به توسط مقرب الخاقان میرزا محمد حسین لشکر نویس، حضور مبارک حضرت اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله، توقیف میرزا محمد حسین در اصفهان به طول انجامیده که باید به رکاب همایون روحنا فداه بیاید. حضرت والا اجازه فرمایند به طهران بیاید، عمل سنه ماضیه را که پرداخته است از بابت عمل هذه السنه، لشکر نویس دیگر به عوض او روانه خواهد شد.

حسین ۱۴ [جمادی الثانی]

تاریخ: ۲۳/شهر جمادی الثانی/توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۵۸-۱۵۷-۵-
 طهران
 به اصفهان
 دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۶۲

حضور حضرت اشرف والا ظل السلطان، حکمران سواره مهاجر که احضار شده است باید زودتر بیایند که بر حسب امر همایون در جزو ترتیب سواره قزاقی که به آن قسم‌ها باید تربیت بشوند نوشته شده‌اند، مقرر بفرمائید که بدون معطلی روانه دارند تا وقت و موقع نگذشته است برسند.

حسین ۲۳

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام‌اجلاله‌العالی، تلگرافی در باب سواره مهاجر فرموده‌اید چون اینجانب هر چه و هر وقت باشد از راه صدق و یک‌جهتی و صفا به جناب عالی می‌گویم، حقیقت این است که این سواره مهاجر صد نفر و دویست نفر نیستند، ده بیست نفر هستند که ابواب جمع کریم خان سرهنگ و امامقلی خان یاور هستند. این‌ها هم قریب ده سال است که مامور خدمت این جانب هستند و در معنی یک نوع نوکری شخصی این جانب را دارند. امامقلی خان چون آدم خوش‌سلوک باکفایتی است به شهر بابک که البته شنیده‌اید چقدر خرابی کرده بودند فرستاده‌ام که بلکه به‌وضع خوشی و طور خوبی کم‌کم رفع آن خرابی‌های شهر بابک را کند و مرهم جراحات اهالی آن‌جا باشد و علی‌خان برادر کریم خان و سوارهای آن‌ها را هم فرستادم مشغول نظم طرق فارس و این اطراف باشند، اگر چنان‌چه جناب عالی مصلحت بدانند این چند نفر را از قزاقی معاف بفرمائید که در واقع سال‌ها است مشغول خدمات شخصی و جزو عمده خلوت و نوکرهای مخصوص این جانب هستند، اگر ممکن است دوست خود را از این باب راضی و خوشنود دارید سالی مبالغی علاوه بر مواجب دیوانی، این جانب موجب و جیره به آن‌ها می‌دهم و محرمیت حاصل کرده‌اند، اگر هم جناب عالی با وجود این همه

تفصیل طور دیگر صلاح بدانید و حکما بفرمائید بیابند، رضای من هم آنست کان رضای شماست.

ظل السلطان ۲۳

۳۱

تاریخ: ۷/ رجب / ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۶۶ و ۱۶۵-۵
دو فقره تلگراف: از مستوفی الممالک به ظل السلطان و بالعکس

به تاریخ شهر رجب المرجب توشقان نیل ۱۲۹۶

نمره ۱۸

خدمت حضرت والا ظل السلطان دامت شوکتہ، به عرض خاکپای مبارک رسیده است که از اشرار طایفه عرب فار در چهارمحال جمع شده‌اند. در آن جا سکنی گرفته‌اند، راه فارس و غیره را می‌زنند و مشغول شرارت می‌باشند. مقرر فرمودند تلگراف شود که حکماً بلامعتلی و فوت یک روز فرصت آدم مخصوص روانه فرمائید آن‌ها را از خاک چهارمحال بیرون نمایند که به فارس بروند، داخل ایل عرب بشوند و محتاج این نشوند که آدم مخصوص برای این کار از رکاب مامور شود.

مستوفی الممالک ۷

جواب

جواب جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقا دام اجلاله العالی، کراراً به توسط نوشتجات و تلگراف عرض کرده‌ام که مطالب معروضه در خدمت جناب عالی از بابت اصفهان می‌شود، ضمناً از امنای خودتان تحقیق فرمائید و بعد کیفیت را از این جانب جویا شوید، هرگاه صحیح عرض کردم بدانید که این جانب نوکر صدیق خدمتگذار دیوان هستم و هرگاه خلاف عرض کردم یک نوع مواخذه بفرمائید که عبرت دیگران شود و کسی دیگر چنین جرئت و جسارت نکند، بحمدالله از شهر بابک یزدالی رازان که آخر خاک بروجرد است در کمال امنیت و رعایا در کمال فراغت به دعاگوئی ذات اقدس اشتغال دارند، اگر جزئی وقایعی اتفاق بیفتد مطلع می‌شوم در این فقره اعراب چنین مطلبی اتفاق نیفتاده از شهر بابک الی چهارمحال و فریدن و بروجرد همچو اتفاقی نیفتاده، زیرا که اگر

چنین امری بود و اطلاع نمی‌دادم نمک به حرامی به ولی نعمت کل می‌کردم، لیکن در فلارد و خانه میرزا و امامزاده فیل که مشترک فیما بین قشقائی و بختیاری است و خاک عربستان است اطلاع ندارم زیرا که این جانب کمال مواظبت را باید در جمعی خود داشته باشم، به ابواب جمعی سایرین کاری ندارم، اینست که مستحضر از این عمل نیستم، فوراً صورت تلگراف را با حکمی و محصلی سخت نزد ایلخانی فرستادم اگر چه ایلخانی آدم عاقلی است و نباید به این شدت پنجه به روی خود بزند ولی تأکید نوشته و محصل فرستادم که احتمال از کسان و اقوام او در خانه میرزا و فلارد کسی این کار را کرده باشد در صدد برآمده و حکماً آن‌ها را بگیرد و هر گاه نباشند عریضه به قید التزام نوشته بفرستد که این مطلب در فلارد و خانه میرزا و جانکی که خاک عربستان است نیست و هر گاه خلاف عرض کرده باشم جان و مالم در هدر باشد. منظور اینست که مطمئن باشید که در خاک اصفهان و ابواب جمعی‌های این جانب نیست زیرا که این مطالب دخلی به عداوت کردن یا خصوصیت کردن ندارد، خیانت به ولی نعمت است ولی یک فقره هست که باید تحقیق بشود زیرا خوش ذات و پاره‌گوزیادند و تحقیق این مطلب لازم است که همین امروز از مجتهدین اصفهان حتی از میر محمد حسین که الفضل ما شهدت به الاعداء باشد و از حکام سلف از قبیل جناب صاحب دیوان و سعدالملک تفحص فرمائید چند خانوار نفر در مهیار قریب یکصد سال است وطن دارند که شتر دارند مثل نفرهای حضرت عبدالعظیم و چند خانه از ماجدی در رودشت مدتهاست وطن و ملک و علاقه دارند، نهصد تومان به اسم مزارع آن‌ها در کتابچه جمع است که به فریدن می‌روند و گله‌داری می‌دهند، این دو فقره است مخصوصاً این تلگراف را مفصل نموده که درست از کیفیت مستحضر باشند. تحقیق این دو فقره را امروز بفرمائید و کمال اطمینان داشته باشید مثل فقره قشقائی پارسال که چند مرتبه تلگراف فرمودید و عرض کردم در خاک اصفهان نیست آخر محقق شد که اینجانب صدق عرض کرده بودم امسال هم عرض می‌کنم که کمال اطمینان داشته باشید این گونه اشخاص نه اینجا هستند نه خواهند آمد، نه من می‌گذارم بیایند، لیکن مکرر عرض کرده‌ام سؤال و جواب حکومت فارس و عربستان و

کرمان را با اینجانب نفرمائید، یا فرمان حکومت آنجاها را هم مرحمت فرمائید، دخیلی به عالم اینجانب ندارد. رفته رفته این مطالب ذهنی خاطر مبارک می شود.

ظل السلطان ۹

۳۲

تاریخ: ۸/شهر رجب المرجب/توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۶۸-۵

طهران به اصفهان

یک فقره تلگراف: از سپهسالار به مظفرالملک و علی نقی خان

نمرة ۲۳

مقربى الخاقان مظفرالملک و علی نقی خان، امروز جناب عمیدالملک سی و شش نفر باقى فرارى و عقب مانده افواج را فرستاده است به طهران آوردند، معجلاً می فرستم به فوج ملحق کنید. در انجام امورات راجعه به شما به هیچ وجه خودداری نمی شود. نوشتجاتی هم که به آجودان باشی نوشته بودید رسید، جواب مکتوبی نوشتم. از باب املاک و کسان خود آسوده باشید و محبت مرا هم نسبت به خودتان به سرحد کمال بدانید. در خصوص اجحافات شاهسون هم همان طور که علی نقی خان خواسته بود تلگراف کردم، به توسط عباس قلی بیک رفع و جبران کنند. در خصوص مطالبه محل هم با این که حکم عمومی است لیکن محض آسایش به توسط مأموری که به جهت وجه نظام خواهد رفت قرار لازمه را می گذارم که آسوده باشد.

حسین ۸

تاریخ: ۷/شهر رجب المرجب/توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۶۷-۵

طهران به اصفهان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۱۹۵

خدمت حضرت اشرف امجدارفع افخم والا ظل السلطان دام اقباله، به قاعده همه ساله
چهل تومان بدهی مزارع جناب حاجی پیرزاده را از بابت وجه نظام محسوب بدارند این
بنده به موجب همین تلگراف قبول دارم.

حسین ۷

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام شوکته، پارسال اگر در این
مورد فرمایش می فرمودید نوع دیگر بود، ولی از روزی که با جناب عالی در بالاخانه معاهده
شده و جناب نصیرالدوله هم حضور داشتند دیگر این جزئیات قابل سوال و جواب نیست،
انشاء الله خداوند عمری به جناب عالی بدهد به مرور از حالت واردت اینجناب مطلع
خواهید شد و رفته رفته یک جهتی و اتحاد اینجناب را مستحضر خواهید گردید. در باب
این فقره اینجناب قبل از تلگراف جنابعالی در خیال بودم کاش تلگراف نمی فرمودید تا بر
جنابعالی واضح می شد که خود این جزئی را داده بودم، تمنای اینجناب از جنابعالی این
است که جواب تلگراف های حسابی لازمه اینجناب را زود بفرمائید و از خاکپای همایون
بگیرید عمل چادر سرباز مأمور بختیاری جواب نرسید، در این باب لطفی فرموده جواب
مرحمت شود که بالله وقت وصول مالیات آنجا گذشت.

ظل السلطان ۸ رجب

تاریخ: ۱۶/شهر رجب المرجب/توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۴۷-۵
 طهران
 با بوشهر
 چهار فقره تلگراف: از سپهسالار به میرزا علی اکبر خان [کارگذار بوشهر] و کریپال
 و بالعکس

نمره ۳

کارگزار از سفارت انگلیس اظهار شد که عبدالنسی در شوشتر اموال دارد، معلوم
 نمائید اموال او نزد کیست. به نواب حشمت الدوله اطلاع بدهید طوری بسپارد که تلف
 نشود و نزد هر کس است از میان نبرد.
 حسین ۱۶

جواب

حضور مبارک بندگان حضرت اشرف اعظم دام اقباله العالی، به کمپانی کریپال اطلاع
 دادم بیاید اطلاعات کامل بدهد تا تلگراف خدمت نواب حشمت الدوله شود، هنوز نیامده
 است. بی بصیرت هم تلگراف کردن مناسب نیست، هر وقت آمد اطلاعات لازم داد به
 موجب فرمایش عمل خواهد کرد، خبر خارجی دادم نواب والا ضبط فرموده اند.

اکبر ۲۴

به تاریخ شهر شعبان المعظم

نمره ۱۰

به کریپال اکوپانی بارها را چه کردید حمل نموده اید یا خیر؟ یک هزار تومان پیش
 کرایه از حکومت به شما رسید یا نرسیده است؟
 حسین ۳

جواب

به حضور مبارک جناب جلالتمآب آقای سپهسالار اعظم دام مجده العالی، پولی به ما
 نرسید. وکیل جهاز بدون قبض قبطان جهاز مالی که از مارسیه حمل شده به ما تحویل
 نمی دهد. قبض قبطان مزحمت فرموده ارسال فرمائید. به جهت گرما و قلت تردد قوافل
 حالا نمی شود حمل کرد، چندی دیگر قوافل تردد کند حمل می شود.

کریپال ۶

یک فقره تلگراف: از سپهسالار به معتمدالدوله

نمره ۲۸

نواب اشرف والا فرمان فرما دام اقباله، از این که بیست هزار تومان از وجه نظام حواله شد، به حاجی کاظم صراف التفات بفرمائید. از تلگراف و نوشتجاتی که به جناب نصیرالدوله فرموده بودید استنباط کردم که حضرت والا چنان دانسته اند خیال من اینست قسمی بشود که عمل تنخواه فارس از حاجی میرزا کریم انتقال بیابد. برای رفع این خیال تفصیل این فقره را عرض می کنم حاجی کاظم اختصاص به من دارد. امسال به قدر پنجاه هزار تومان قرص در فارس خریده و تنخواهی برای او لازم شد آن بیست هزار تومان را [که] حواله کردم مقصودی غیر راه افتادن کار و رفع معطلی او نبود، بیست هزار تومان دیگر هم ناچار باید به او برسد، علاوه بر این از وجه نظام و غیره دیناری به او حواله نخواهد شد و عمل همان طور که همیشه مقرر بود با حاجی میرزا کریم خواهد بود خاطر والا از این جهت آسوده باشد، این قدر از تنخواه چنین اتفاق افتاده که باید به او برسد.

حسین ۲۹

۳۶

تاریخ: ۲۷/شهر رجب المرجب/توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۸۰-۱۷۹-۵

به اصفهان

طهران

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمره ۵۶

حضور حضرت اشرف والا ظل السلطان دام اقباله الوالا، سواد ملفوفه فرمان مبارک با چاپار ارسال حضور والا شده که مواجب نوکر مأمور و متوقف ولایات باید به خزانه نظام

برسد و یک قلم برات به صیغه تحویل جهت سند خرج حکام با احتشام صادر شده در خزانة نظام است می دهند قبوض خود را می گیرند و مأمور مخصوص به این جهت به همه ولایات رفت، ولیکن با وجود مراقبتی که سرکار والا در خدمات دیوان اعلی دارند واضح است آمدن مأمور لازم نیست اقساط آن را موافق اقساط تحویلی نظام ارسال خواهند فرمود و نصف

۴۷۱۷۵ تومان

اصفهان	بروجرد	گلپایگان	یزد
۲۷۲۷۸ تومان	۸۵۶۷ تومان	۳۱۶۹ تومان	۷۴۶۱ تومان

تنخواه را مقرر فرمایید نقد به خزانة نظام موافق قسط بفرستند و نصف در محل بماند که بعد از صدور بروات آن ها در ولایت به نوکر داده شود، جنس هم موافق شرح دستور العمل جزو تحویلی خزانة نظام است، به هر قسم باید به نوکر برسد با چا پار مخابره می شود. جواب که در حقیقت سند باشد مرقوم خواهید فرمود.

حسین ۲۷

جواب

جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده، از قرار تفصیل مخارج قشون جزو ولایت ابوالجمعی اینجانب موافق دستور العمل دیوان اعلی منظور است. اصفهان بیست و هفت هزار و پانصد و نود و دو تومان و کسری است، توپچیان یک هزار و سی تومان، اصطبل توپخانه سیصد و ده تومان، قورخانه شصت و سه تومان، افواج اصفهانی و مأمور نوزده هزار تومان، سواره عرب و مهاجر و بختیاری هفت هزار و یکصد و نود تومان، بروجرد هشت هزار و هشتصد و پنجاه تومان، توپخانه هشتصد و هفتاد تومان، اصطبل یکصد و پنجاه و هفت تومان، قورخانه هفتاد و هفت تومان، فوج سیلاخور چهار هزار و هفتصد و هفتاد تومان، سربازان مأمور چهارصد تومان، سواره با جلان و مهاجر و کرزه بر و پیرانوند دو هزار و پانصد و هفتاد و پنج تومان، یزد هفت هزار و پانصد و چهارده تومان، توپخانه یکصد و هشتاد تومان، اصطبل پنجاه [و] سه تومان، قورخانه چهل و هشت تومان، سرباز مأمور چهارصد تومان، سواره عرب و حجازه و اردستانی شش هزار و هشتصد و سی و دو تومان، گلپایگان از بابت فوج محلی سه هزار و هشتصد و هفتاد

تومان، این جزو محلّ ابوالجمعی اینجانب است. در این مسائل آنچه اینجانب عرض کند فضولی است و صلاح مملکت و ملک خسروان دانند، رای رای اولیای دولت و جنابعالی است، البته هر چه صلاح دیده‌اید و حکم کرده‌اید اینجانب اطاعت دارم و تفاوتی برای اینجانب نخواهد کرد. آن‌که در اینجا به سرباز و نوکر بدهم به طهران می‌فرستم، این مسئله مشتبه شده است که آیا در دیوان نصف این مخارج را که فرموده‌اید به خزانه نظام برسد از نوکر مقطوع داشته‌اند یا این که باید بیایند در طهران بگیرند، اگر مقطوع شده چگونه این کار خواهد شد. اسب توپخانه چگونه نصف مخارج می‌شود، سرباز مأمور چگونه به نصفه خدمت می‌کند، فردا است [که] پنجهزار نفر در تلگرافخانه اسباب زحمت و تصدیع اولیای دولت خواهند بود، هر گاه مقطوع نشده و باید در طهران از خزانه نظام بگیرند، فرضاً فوج گلپایگان هر روزی چند دسته مأمور جانی می‌شود چگونه می‌شود بیایند در طهران مواجب خود را بگیرند. باری همان است که عرض کردم. اختیار امر ما به دست اولیای دولت و جناب عالی است. هر قسم که مرقوم داشته‌اید اطاعت خواهد شد، آنچه تا حال داده‌ام کسر می‌شود بعد از این هم نخواهم داد.

ظل السلطان ۲۹

۳۷

تاریخ: ۲۷/شهر رجب المرجب/توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۸۱-۱۸۰-۵

به اصفهان

طهران

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمبره ۶۰

خدمت حضرت ارفع والا ظل السلطان دامت شوکت، آنچه مذکور شد میرزا محمد حسین در خوانسار میرزا ابراهیم یوزباشی سواره قراسوران را به چوب بسته است و مبالغی نقد و جنس از مواجب قراسوران‌ها از او قبض به اسم جریمه گرفته است، اگر این طور باشد میرزا محمد حسین بی مجازات نخواهد ماند، زیرا که این عمل تکلیف او

۳۵۵

نبوده است و باید تقصیر او را به حضور حضرت والا دام اقباله عرض و اثبات دارد، نه این که به غرض خود او را چوب زده جریمه کند، بفرمائید جریمه او را رد کند که نوکر بی موجب و جیره نماند و هر حکمی که لازم این کار می دانید بفرمائید.

حسین ۲۷

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده، در باب میرزا ابراهیم یوزباشی مرقوم داشته بودید، البته اگر جریمه از او گرفته باشند در کمال سختی گرفته استرداد می شود، لیکن البته بر جنابعالی واضح است که گلپایگان و خوانسار جای سخت و معدن الواط است، سه سال بیشتر نیست که محل مأموریت فوج و توپ واقع نشده والا همه وقت مصدر شرارت بوده، اگر نایب الحکومه آنجا اختیار تنبیه یک قراسورانی نداشته باشد الواط آنجا خیلی جسور می شوند. انشاء الله تحقیق کرده مراتب را اظهار می کنم، تنبیهش به عقیده اینجانب در صورت تقصیر بی جا نبوده، جنابعالی هم تصدیق خواهید فرمود لیکن جریمه غلط بزرگی است البته گرفته استرداد خواهد شد.

ظل السلطان ۲۸

۳۸

تاریخ: ۱/ شهر شعبان المعظم/ توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۸۲-۵

طهران به اصفهان

چهار فقره تلگراف: از سپهسالار ظل السلطان و بالعکس

نمره ۲۵

حضور حضرت شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان ادام الله اقباله الوالا، مأموریت فوج چهار محالی به کرمان موقوف شد، نواب فرمان فرما حاجت نداشتند، حضرت والا فوج را مرخص فرمائید به خانه های خودشان بروند.

حسین غره

۳۵۶

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده، از این مرحمت مرخصی که در حق فوج چهارمحال فرمودید کمال شکر و دعاگوئی و ابتهاج حاصل کرد، امروز سان ایشان را دیده به خانه های خودشان رفتند، چادر هم که گرفته بودند به مشهدی علی میرزارد کرده قبض خود را دریافت داشتند.

ظل السلطان ۶

نمره ۴۸

حضرت اشرف والا ظل السلطان دام اقباله، در باب مواجب محلی نوکر اصفهان و بروجرد و غیره به همان جزو که تلگراف فرموده اید صحیح است، یک دینار اختلاف ندارد اما تردیدی در باب سه ماهه آن که باید به خزانه نظام نقد فرستاده شود فرمودید که این تنخواه به نوکر داده می شود یا مقطوع است، محل تعجب شد چرا یک دینار از مواجب نوکر مقطوع می شود، تمام و کمال به نوکر داده خواهد شد و این حکم کلیه محض آن است که به افراد نوکر برسد، همان قسم که ملفوفه فرمان مبارک صادر شده مقرر فرمایند سه ماهه را به خزانه نظام بفرستند و برات تحویل را دریافت نمایند، در وقت دادن مواجب یا صاحبان مواجب در رکاب خواهند بود که اینجا می گیرند، اگر در محل مأموریت یا آن ولایت هستند نقد ارسال می شود که تماماً به افراد نوکر حاضر داده شود، اگر غایب متوفی دارد تقدیم حضور مبارک شود. قرار کلیه را که مبنی بر مصالح عدیله است البته مجری فرموده قسط ها را با قسط خزانه نظام ارسال خواهند فرمود. جنس در تصرف خود حضرت والا باشد تا در موقع عرض می شود چه باید کرد.

حسین ۲

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده، سبب تاخیر در جواب جناب عالی این بود که از جمعه بیست و هشتم تا جمعه پنجم دیروز به شدت نوبه و تب شدید مبتلا بودم و جناب عالی هم به هیچ وجه اظهار لطفی و احوال پرسی نفرمودید، مثل آن دفعه که جناب عالی را تکسری حاصل شد و این جانب مطلع نشدم لیکن تفاوتی که دارد اینست که اگر جزئی تکسری برای جناب عالی حاصل شود از جانب سنی الجوانب اظهار مرحمت می شود و هم مرحمت باعث رفع کسالت است، ولی اگر این

جانب ناخوش باشم کسی مطلع نمی شود و دور نیست اگر وقتی فوت شوم تا سه چهار ماه کسی مطلع نشده و علی الاتصال تلگراف خواستن قسط و غیره بشود. باری چون ننخواستم در بین کسالت جواب عرض کنم حال که به حمد الله رفع تکسر شده جواب عرض می شود که فقره تنخواه محلی حسب الفرمایش اطاعت می شود. ظل السلطان ۶

۳۹

تاریخ: ۶/شهر شعبان المعظم/توشقان ٹیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۲۷۱-۵

طهران به شیراز

دو فقره تلگراف: از مستوفی الممالک به معتمد الدوله و بالعکس

خدمت سرکار اشرف والا معتمد الدوله دام اقباله، تعویض حمال تلگرافخانه را مقرر فرموده اند یکصد تومان خرج شود و کفایت می کند. مستوفی الممالک ۶ [شعبان المعظم] جواب

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم مستوفی الممالک دامت شوکت، در خصوص بنائی تالار تلگرافخانه مرقوم فرمودید، که تعویض حمال صد تومان خرج شود. کافی است پارسال در فقره بنائی خیلی اسباب زحمت جناب عالی و معرض بنده شد. بهتر اینست این خدمت را به یکی رجوع نمایند از بنده دادن تنخواه و رسیدگی است و مراتب هم هستم فرهاد [جمادی الثانی] ۷

۴۰

تاریخ: ۵/شهر شعبان المعظم/توشقان ٹیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۶۴-۵

طهران با بوشهر

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به کمپانی کریپال

نمره ۱

کریپال کمپانی، سابقاً تلگراف کرده بودید بارها رسیده و سه هزار تومان هم کرایه تا این جا دارد، نو شتم یک هزار تومان پیش کرایه کار گزاران فارس بدهند بارها زودتر بفرستید، باقی را هم این جا بدهیم، از قرار معلوم هنوز اقدامی نکرده و به همان حالت مانده، البته به طوری که سابقاً اعلام شد معمول دارید بارها را بفرستید، به کار گزاران فارس هم تأکید در ایصال پیش کرایه شده

حسین ۵

جواب

حضور مبارک جناب جلالتمآب اجل اکرم سپهسالار اعظم افخم دام مجده العالی، تلگراف سرکار در جواب تلگراف چند ماه قبل که اول اعلانی است به ارادت شعار از سرکار زیارت کردم، به وصول تتمه و مخارج بوشهر و کرایه مکاریان فوراً حسب الامر تمام بارها [را] بدون تأمل با ممنونیت حمل و ارسال می دارد.

کریپال ۶

۴۱

شماره سند: ۶۹-۵

تاریخ: ۵/شعبان/۱۲۹۶

چهار فقره تلگراف: از سپهسالار به معتمدالدوله و بالعکس

سرکار اشرف والا معتمدالدوله دام اقباله، در باب حواله فارس مرقوم فرموده بودید که اسباب کسر اعتبار حاجی میرزا کریم است نکته این کار معلوم نبود و نمی خواهم معلوم شود، زیرا که فرمایشات سرکار را بدون استدلال صحیح می دانم، در آخر هر برج برات یک ماه وعده طهران التفات فرمائید به دستیاری هر کس خودتان صلاح دانید حواله به آنجا نوعی از تسهیل کار ما بود به جهت آن که پنج ماه از سال رفته قسط از جانی نمی رسد و مخارج قشونی حاضر است لابد باید قرض کرد و فرع داد صراف و غیره برات فارس می گیرند و تنزیل می نمایند می دهند که در سر وعده در فارس بگیرند و به هیچ وجه ضرر این کار را به احدی راجع نمی دانستیم و الاً ابدان نفع خود را با وجود ضرر غیر نمی خواهم، باز هم راه ضرر را نمی دانم ولیکن محض فرمایش سرکار والا این تسهیل کار را هم صرف

نظر نمودم، ولیکن قسط چون تنزیل و دریافت شده برگشت نفرمائید و قدغن فرمائید حاجی میرزا کریم به حاجی میرزا عبدالرحیم بنویسد که اگر گاهی لازم شود تنزیل نماید کاری راه بیندازد و سوای قسط اسد قدغن نمودم دیناری حواله نمایند.

حسین ۲ (شعبان المعظم)

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکتہ، قسط بیست هزار تومان را دیروز به فرمایش جناب عالی به آقا محمد حسین بندگی کردم. قسط اسد را هم حیاتی باشد بندگی می شود، ولی مشیر لشکر دیگر حواله نکند. در همه ولایت منتشر شده که بیست و پنج سال است حاجی میرزا کریم اعتبار خزانه را داشت حالا چه کرده که از او گرفته اند، این خبر که به هندوستان برسد مردی ضایع می شود و مردم که در نزد او امانت و حساب دارند همه متزلزل شده اند، پار سال هم گاهی برات های جزئی حواله می فرمودید چرا به خودتان ضرر می زنید، به سلامتی وجود مبارک اعلیحضرت همایون روحنا فداء چهار روز صبر کنید سر وعده بگیرید. دو فوج سیف السلطنه کی می رسد و اگر این فرمایش را به خود حاجی میرزا عبدالرحیم هم بفرمائید که تنزل بکند باید قوه داشته باشد مضایقه ندارد.

فرهاد ۵

نمره ۵

خدمت سرکار اشرف والا معتمد الدوله، فرمان فرما امسال قرار موجب محلی همه ولایات این شد که به خزانه نظام بدهند و از خزانه نظام به نوکر داده شود، از جمله تنخواه فوج گروس است، باید به فوج برسد. حکومت گروس قلمداد نموده که دو هزار [و] چهار صد و شصت تومان دادنی مالیاتی خود سرباز است و باید از دادنی آنها محسوب شود و طومار بدهند و مابقی را دو هزار و هشتصد و نه تومان است به خزانه نظام بدهند که به جهت فوج فرستاده شود، لهذا سرکار والا از فوج تحقیق فرمایند که به این معامله راضی هستند و به قدر... در ولایت دادنی دارند که محسوب شود یا تمام مواجیشان از حکومت گروس دریافت و ارسال فارس شود و جواب را مرقوم فرمایند.

حسین ۵

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف امجد افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، در باب محلی فوج گروس مرقوم فرموده بودید که از پنج هزار [و] دویست و شصت و نه تومان که باید به فوج برسد حکومت گروس قلمداد نموده که دو هزار و چهارصد و شصت تومان دادنی مالیات خود سرباز است و باید از دادنی خود سرباز محسوب شود و این بنده از صاحب منصبان فوج تحقیق نمایم که این قدر دادنی در ولایت دارند و به این معامله راضی هستند یا تمام مواجیشان از حکومت دریافت و ارسال فارس شود، در این باب از تمام صاحب منصبان فوج مزبور تحقیق شده همگی نوشته و مهر کرده اند که سرباز این قدر در ولایت دادنی ندارد و رضای آنها این است که در ولایت این وجه به عیال آنها برسد، زیرا که اگر به فارس هم ارسال فرمایند باید از اینجا برای عیال خودشان بفرستند بهتر اینست که همان جا به عیالشان برسد که آسوده باشند.

فرهاد

۴۲

شماره سند: ۱۸۵-۵

تاریخ: ۷/شعبان/۱۲۹۶

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

حضور مبارک حضرت شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان ادام الله اقباله الوالا، تلگراف والا عجب شراره در دل ارادتمند انداخت و فرمایشات مؤثرانه چه طور راه اعتذار را بست، جز اعتراف به قصور عذری ندارم، اما شکر خدا را وقتی از کسالت مزاح حضرت والا مطلع شدم که مژده بشارت و استقامت در پی داشت، از خداوند می خواهم که هیچ وقت عارضه به وجود مبارک نرسد مویک مسعود همایون روحناده هم تشریف فرمای بیلاقات سواد کوه بودند امروز به فیروز کوه نزول اجلال می فرمایند، البته اگر در شهر تشریف فرما بودند به تفقدات عاجل فوری همه قسم ظهور عنایات می فرمودند، چنانچه باز هم البته بعد از آن که به عرض برسد همه طور بذل عاطفت و توجه که رافع جمیع کسالت ها باشد خواهند فرمود.

خداوند وجود مبارک حضرت والا را به جهت امیدواری من حفظ فرماید. آمین

حسین ۷

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد اکرم سپهسالار اعظم دام مجده، مرقوم داشته بودید تلگراف اینجناب شراره در دل جنابعالی انداخته است، امیدوارم شراره بر جان بداندیشان جنابعالی اندازد اگر چه این شراره محبت و میل بوده است که باطناً جناب عالی را با اینجناب است، ولی تلفظ این لفظ را هم هرگز راضی نخواهم شد. خداوند وجود جناب عالی را مصون از آفات و بلیات فرماید که پشتیبان دولت و باعث قوت قلب ملتید، سلامت همه آفاق در سلامت تست. امیدوارم وجود جناب عالی که مرکز اهالی ایران است و اطمینان دولت و ملت است سالم و محروس باشد و الا وجود امثال ماکه لایضر و لاینفع سالم یا علیل تفاوتی ندارد، ولی بحمدالله از توجه باطنی جناب عالی دو سه روز است بالمره رفع مرض گردیده و در کمال صحت و سلامتی به دعاگوئی و خدمتگزاری ذات اقدس مقدس اعلی اشتغال دارم، کسب صحت و تکمیل عافیت از این تلگراف محبت آمیز جناب عالی نمودم.

ظل السلطان ۸

۴۳

تاریخ: ۷/ شهر شعبان/ توشقان نیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۳۸۴

طهران به شیراز

چهار فقره تلگراف: از سپهسالار به میرزا علی اکبر و بالعکس

نمره ۳

میرزا علی اکبر خان کارپرداز چند روز قبل تلگرافی به کریپال نوشته شد که از بارها چه حمل کرده است و از کرایه چه از ایالت دریافت داشته، اطلاع بدهد. خبری نرسیده و جوابی ملاحظه نشده زود مراتب را معلوم نموده اطلاع دهد و خیلی سعی کند بارها را زود بفرستد و زود خبر بدهد.

حسین ۷

جواب

جواب بندگان حضرت اجل اشرف امجد ارفع سپهسالار اعظم دام اقباله العالی، چهارم شعبان کریپال تلگرافی عرض کرده است بار نامه می خواهد، هنوز پول نگرفته

۳۶۲

است. جهت گرمی هوا قافله کم کرایه گران است. اول پائیز موقع حمل غلام مواظب است.
زودتر حمل شود.

اکبر ۸

به تاریخ شهر شوال المکرم نمره ۱۴

به عالی جاه کریپال کمپانی تلگراف شما رسید. خدمت سرکار معتمد الدوله تلگراف
نمودم هزار و سیصد [و] شصت تومان به شما بدهند، قبض بگیرند البته بارهای کازرا زود
بفرستید.

حسین ۶

نمره ۴

مقرب الخالقان نصرت الملک از بابت مواجب و سیور سات قوی ثیل فوج سیلا
خوری جناب ضیاء الملک یک هزار [و] دویست تومان از میرزا فرج خان یاور گرفته به فوج
داده و تنخواه مزبور را به شما حواله کرده که الان حواله حکومتی موجود است و به خرج
حساب خود نیز آورده است و ثانی قرار داد که نواب اشرف والا حشمت الدوله دریافت
نموده عاید سازد، در حکومت ثانوی خود ضیاء الملک تنخواه مزبور را خود مشارالیه
گرفت. از شما یا نواب شاهزاده معزی الیه تنخواه را به هر کس داده اید اظهار دارید. حسین ۱۹

۴۴

تاریخ: ۸/ شهر شعبان المعظم/ توشقان ثیل ۱۲۹۶ شماره سند: ۲۷۲-۵

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به معتمد الدوله و بالعکس

خدمت سرکار نواب اشرف ارفع والا معتمد الدوله فرمان فرمای فارس، مدتی است که
مخابره تلگرافی که انحصار به خلوص و عقیدت داشته و خارج از مطالب و حوایج باشد
خدمت سرکار والا ننموده ام و شما هم غنیمت دانسته آسوده نشسته اید، انشاء الله وجود
مبارک سالم و اهالی فارس به طوری که شاید و باید قدر نعمت وجود شما را که موجب
رفاه و آسودگی آنها است مال و جانشان محفوظ عزت و آبروشان برقرار، امنیت که مافوق
هر نعمتی است دارند، خوب می دانند و شکر این نعمت را به جامی آورند. والله خیلی
خوش بخت بوده اند که ظل حکومت و حمایت شما واقع شده اند اگر قدر ندانند و کفران

نمایند به بدترین عقوبات گرفتار خواهند شد. به اعتقاد من سعادت مند است آن ولایتی که شما در آن جا حکومت و نفاذ امر داشته باشید. خوشبخت است آن کسی که شما با او داعیه دوستی و صدق نمائید. خدا می داند از روی اعتقاد می نویسم که هنوز بعد از تفحص زیاد ثانی به جهت سرکار والا نتوانسته ام پیدا کرد ای کاش به جهت خدمات پادشاه جمجاه روحانفاده و دلسوزی دولت دونفر یا اقلاً یک نفر مثل شما می بود و به ذات پاک خداوند و به نمک پادشاه جمجاه روحانفاده که این عبارت و الفاظ بدون شایبه است و از قلب جاری می شود. و تقویت و سرعت در انجام فرمایشات شما را بر خود واجب می دانم و هیچ تصور نکرده ام و نخواهم کرد. در فقرة طالقانی ها به اعتقاد خودم خیلی خدمت کردم و میرزا محمد علی را در نیابت خود ابقا داشتم و فرستادن گماشته از جانب خودم را تجویز نکردم و به صحابت گماشته از خود سرکار والا فرستادم و همه آب ها از آسیاب افتاد و منظور سرکار والا کامجوی شد، نمی دانم احتشام الدوله کجا است، وارد شده یا هنوز گرفتار گرمای بوشهر و دشتستان است. امسال هوای طهران مثل هوای مکه است، تفاوتی که هست اینجا یخ هست و آنجا نیست، نمی دانم سرکار نواب علیه عالیه حاجی شاهزاده خانم کمافی السابق با من التفاوت دارند یا خیر، من که نگذارده ام ایشان خجالت بکشند.

حسین ۸

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، تلگراف محبت آمیز عشرت انگیز که سراپا مهربانی بود زیارت شد. راه مخابرة تلگرافی حسیمی اگر مسدود باشد راه تلگرافی روحانی الحمد لله مفتوح است هر چه نوشته اید از صفای قلب و التفات باطنی است و من خود را دارای هیچیک از آن مقامات به جز صداقت نمی دانم که به اینطور در نظر شریف جلوه کرده است، گر هنری داری و هفتاد عیب دوست نبیند، به جز آن یک هنر، کاش دیگران صد یک عقیده جناب عالی را داشته باشند. با چاپار روز پنج شنبه چهارم که روانه شد خدمت جناب عالی شرحی عرض شده، خدا می داند اگر یک ماه قبل شنیده بودم از وسواس اختلال حواس پیدا می شد. خداوند شما را و دولت اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفاده را مستدام و محبت و عنایت قبلی سرکار را پاینده

بدارد. به حق محمد و آله در خصوص طالقانی ها حاجی آخوند شرحی وافی با این چاپار از التفات های سرکار نوشته بود، خواستم با چاپار تشکر محبت های سرکار را مطول عرض کنم، حالا به تلگراف مختصر عرض شده مشت نمونه خروار است. احتشام الدوله به سلامتی تا آخر ماه ناچار روانه سر حد است که با فوج ملایر برود، در حقیقت انتظار شیخ مذکور را دارد که امسال خلاف کرده تا به حال به شهر نیامده است که قرار باقی سنه ماضیه و مالیات امساله را بدهد ناخوشی درد پا خیلی به او صدمه می زند، اخلاص و ارادت او در خدمت جناب بندگان عالی اگر از من زیادتر نباشد کمتر نیست. والده احتشام الدوله عرض ارادت دارد، از صفر پارسال تا به حال که یک سال و نیم است ناخوشی ایشان حالتی برای من نگذاشته، حالا به ناخوشی انسی گرفته اند اگر جناب عالی نگذاشته اید که ایشان خجالت بکشند ایشان مدعی بر آن هستند که نگذاشته اند، دیگران هم در خدمت سرکار خجالت بکشند آن قول به جا است تا که هستم انشاء الله در مهربانی و ریاست و حکمرانی پایدار باشید.

فرهاد ۹

۴۵

شماره سند: ۲۷۶-۲۷۵-۵

تاریخ: شعبان ۱۲۹۶

به شیراز

تهران

دو فقره تلگراف: از مستوفی الممالک به معتمد الدوله و بالعکس

نمره ۴۸

خدمت نواب والا معتمد الدوله، حضرت والا از عسرت اهالی یزد و قحطی ماکولات از آنجا تلگراف مفصلی نوشته بودند که نواب والا از سمت فارس و نواب نصرت الدوله از سمت کرمان قدغن سخت کرده اند که جنس به یزد نبرند، فرمایش ملوکانه این شد که به نواب والا و نواب نصرت الدوله اظهار شود که به ولایت داخله این همه سخت گیری برای چیست. مگر اهالی یزد مسلمان و رعیت ایران نیستند. البته منع را بردارند که از بلوکات نزدیک یزد جنس حمل یزد بشود.

مستوفی الممالک سلخ

۳۶۵

جواب

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای معظم سرکار مستوفی الممالک دامت شوکتہ، در خصوص حمل جنس یزد مقرر شده بود از کرمان خبر ندارم، ولی از بلوک نزدیک مثل سرحد و آباده و قنبری وقتی که حضرت والا ظل السلطان مد ظله العالی فرمایش کردند، نوشتم هر که بخواهد ببرد منع نیست و از قراری که از تجار شنیدم هر که گوسفند و گندم و جو فرستاده بود ضرر کرده بود. امروز که سلخ شهر شعبان است از تجار به تلگراف جو یا شوید، گندم خوب در شیراز خرواری شش تومان و گندم بد پنج تومان و نیم است و در اصفهان چهار تومان [و] پنج هزار است و از اصفهان حمل شود خیلی به صرفه نزدیکتر است و برنج که مقدور بود از شهر شیراز و اطراف تا کنون از پانصد [و] پنجاه خروار زیادتر حمل شده است. فرهاد سلخ شعبان

۴۶

شماره سند: ۲۹ و ۲۸ و ۲۷ و ۵

تاریخ: ۱۷/شعبان/۱۲۹۶

۵ فقره تلگراف: متبادله سپهسالار، میرزا علی و نظام الدین

به رئیس قرا سوران راه قم جمعی مصطفی قلی خان سرتیپ عرب، از قم روزنامه داده اند که در غره این ماه در سه فرسخی قم پیاده و سواره دزد ریخته پنجاه شتر حاجی اسحق خان و قدری چادر و اسباب از کسان دیگر را برده اند، مگر شماها مرده اید، به رسیدن این تلگراف تا ده روز دیگر عین مال و دزد را از شماها می خواهم. پی عذر اگر حرفی هم دارید بنویسید. حسین ۱۷

جواب

در باب دزدهایی که شترهای حاجی اسحق خان را برده اند راه عراق و راه ساوه دخلی به این جان نشاران ندارد، آن ها سپرده به آقای والی هستند و سپردگی کمترینان علیحده می باشد.

میرزا علی ۱۹

۳۶۶

به تاریخ شهر رمضان المبارک نمره ۶

جناب سید نظام الدین استرآبادی، نوشتجات شما رسید ملاحظه نمودم. توقف در قم و عزیمت به عتبات را موقوف داشته به طهران معاودت کنید. حسین ۷

جواب

به حضور جناب سپهسالار اعظم دام اجلاله، دعاگو به هزار مرارت خودی به قم رسانیده هر گاه صلاح بدانید تا احیایا را نایب الزیاره و دعاگوی وجود مبارک اعلی حضرت ظل اللهی روح العالمین فداء و جناب عالی باشم معجلاً باید شرفیاب شوم اختیار با سرکار است.

نظام الدین ۹

نمره ۸

به جناب سید نظام الدین استرآبادی، چه عیب دارد این چند روزه تا احیایا بمانید بعد مراجعت کنید بیائید التماس دعا دارم.

حسین ۱۰ رمضان

۴۷

شماره سند: ۲۷۶،۲۷۷ ۵

تاریخ: ۱/رمضان ۱۲۹۶

گیرنده: مشیرالدوله

فرستنده: میرزا حسین خان سپهسالار

خدمت نواب اشرف والا معتمدالدوله دام اقباله حسینقلی خان ایلخانی تلگراف نوشته است که نواب والا امر فرموده اند دارابخان و خداکرم خان و محمد حسین خان با جمعیت به سر فلارد بروند و خانواری که از بختیاری در آن جا است غارت نمایند تفصیل چه چیز است مراتب را اعلام فرمائید

حسین نمره (رمضان)

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته به تاریخ بیست و هشتم شعبان جناب اجل اکرم آقا دامت شوکته همین سئوال را فرمودند جواب مبسوطی عرض شد چنان گمان می کردم که در مجلس شورا به نظر جناب اشرف رسیده معلوم شد که ایلخانی والا شأن از جناب معظم الیه مایوس شده خدمت جناب بندگان عالی عرض کرده است اولاً فلارد چه دخلی به ایلخانی دارد قباله ملکی است که سیصد سال است

خوانین قشقای دارند فرمان همایون است که امروز با چاپار سواد او را می فرستم فلارد که جزو نواحی سته ملک خوانین قشقای است یک تیره سال احمدی در آن جا سکنی دارند و صد تومان مال المقاطعه به بختیاری همیشه داده اند بدین جهت ۱ ایلخانی همیشه بهانه در می آورد که فلارد را صاحب شود در او و نیل میرزا زکی خان سر تیپ مالیات آن جا را گرفت که ایلخانی می گفت بیست هزار تومان مال مرا بردند کسی نپرسید که این مال کجا بوده مالیات بارس نیل مانده و توشقان نیل هم باید گرفته شود داراب خان دوروز است که از شهر رفته هنوز در بیضا است خدا کرم خان در اردکان منتظر احتشام الدوله است که انشاء الله این چند روزه می رود محمد حسین خان در طائفه بیورا احمدی است ایلخانی والا شأن این دو نظر را می گوید که پیش بندی کرده باشد نواحی سته از این قرار است دزکور سمیرم علیا، فلارد، کرمایان و نک در دشت، به سلامتی وجود مبارک روحنا فداء مالیات فلارد را هم خواهم گرفت. مگر آن که دیوان به خرج من بیاورد اگر از فلارد تجاوز کردم مقصر باشم به ایلخانی مرقوم فرمائید تا حیات فلانی از این خیالها بگذرد صد هزار تومان بدهی تمام فارس را بردارد و هزار مرتبه بهتر از عهده این کار بر می آید من چهار پنج فوج ساخلو می خواهم تا بتوانم نظم بدهم. او پنج هزار سوار دارد که هیچ احتیاج به نوکر دیوان ندارد من قوه این را ندارم که از خود مال دیوان بدهم او بخواهد صد هزار تومان می دهد که عوض هم نگیرد من پیر شده ام عاطل و باطل شده ام او جوان است و از محمد خان بلوچ خیلی بالاتر است که در عهد نادر شاه مرحوم فرمان فرمائی فارس بوده خداوند از شر این مرد دولت صد و پنجاه ساله قاجاریه را عموما و اولاد سلطنت عظمی را خصوصا نگاهدارد و از داراب خان از بیضا خبر رسید که ایلخانی سوار فرستاد جنس فلارد را تر و خشک می برند و از این طرف این طور به عرض می رساند.

فرهاد ۲

۴۸

شماره سند: ۲۰۰-۵

۲۳/رمضان/۱۲۹۶

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

حضور مبارک حضرت شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان دام اقباله، دو فوج خمسه

۳۶۸

ملبوس می خواستند قدغن شد جلیل خان تلگراف کرد دو فوج ملبوس قدکی بدهند، امر فرمائید موافق حواله جلیل خان از مباشر او گرفته به افواج بدهند و لبعین هم نوشته شد بدهند، از این جا فرستاده می شود.

حسین، شب ۲۳

جواب

جناب مستطاب اشرف امجد اکرم افخم سپهسالار اعظم دام الله مجده العالی، از همراهی های متوالیه و مهربانی های پیاپی که از جناب عالی اظهار می شود اقسام شرمساری برای این جانب حاصل می فرمایند، هر مطلب که خدمت جناب عالی اظهار می شود، خواه معقول یا منقول قبول آن را تعجیل فرموده و انجام آن را کمال سعی دارید. امیدوارم این جانب هم ابدأ خواهش بدون حساب نکنم، چنان چه در فقره ملبوس افواج خمسه تلطف شد، فوج سه ده هم یک دست لباس قدک پارسال ایشان باقی است. امسال هم علی الرسم لباس لازم دارند لباس قدک پارسال پیشکش بندگان عالی باشد. در باب لباس امسال متمنیم یک دست لباس کیش مرحمت شود چون قراول این جانب هستند منقح و تمیز باشند در حقیقت لباس معمولی خودشان را مرحمت فرموده و نهایت منت بر این جانب گذارده اند.

ظل السلطان، شب ۲۵

۴۹

شماره سند: ۵-۲۰۲

تاریخ: ۱/شوال/۱۲۹۶

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

حضور مبارک حضرت شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان ادام الله اقباله، در خصوص ملبوس به جهت فوج سه دهی کیشباف فرموده بودید تقدیم شود، موافق اظهار و فرمایش اطاعت می شود و انشاء الله هیچ وقت چنانچه تا کنون قصوری نشده در فرمایشات و خواهش های حضرت والا احدی فروگذار نخواهد شد.

حسین، غره

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد اکرم افخم سپهسالار اعظم دام مجده العالی، در

۳۶۹

باب ملبوس فوج سه دهی اشهد بالله چنین است که مرقوم فرموده‌اند، در هیچ موردی از موارد در همراهی و مراقبت در کارهای اینجانب دقیقه [ای] از دقائق فرو گذاشت نفرموده‌اید، خداوند انشاءالله وجود جنابعالی را به سلامت داشته و روز به روز مراحم اعلیحضرت اقدس اعلی را در حق جنابعالی زیادت‌تر کند و همواره بر مسند عزت متمکن و برقرار باشند. کلاه و لبعین فوج را هم مرحمت فرمائید [تا] آسوده باشند.

ظل السلطان ۳

۵۰

شماره سند: ۲۰۷-۵

تاریخ: ۶/شوال/۱۲۹۶

به اصفهان

طهران

دو فقره تلگراف: از مستوفی الممالک و سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

به تاریخ شهر شوال المکرم توشقان ثیل ۱۲۹۶

نمرة ۱۶

حضور حضرت اشرف ارفع والا شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان ادام الله ایام شوکتہ حکمران اصفهان و یزد و مضافات، توپچیان مأمور ولایات از جمله یزد از بابت تفاوت قیمت جیره خودشان تظلم نمودند، بر حسب امر قدر قدر اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداء رجوع به مجلس شد، بعد از ملاحظات لازمه قرار دادند قیمت جیره توپچیان به قرار عادله داده شود، علی هذا موافق قرارداد مجلس حضور حضرت اشرف والا زحمت افزا گردیده مقرر فرمایند قیمت جیره توپچیان مأمورین یزد را به نرخ عادله تمام و کمال بپردازند و قبض بگیرند.

مستوفی الممالک و سپهسالار اعظم ۶

جواب

جواب جنابان مستطابان اجل اکرم آقا و اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اجلالهما، در باب جیره توپچی یزد مرقوم شده حسب‌الفرمایش به نایب‌الحکومه یزد تلگراف نمودم که موافق تسعیر حالیه جیره توپچیان را بدهند.

ظل السلطان ۷

۳۷۰

تاریخ: شوال ۱۲۹۶

شماره سند: ۳۶۴-۵

طهران

به کرمان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به نصرت الدوله و بالعکس

به تاریخ شهر شوال المکرم توشقان ثیل ۱۲۹۶

نمره ۶

خدمت نواب اشرف والا نصرت الدوله فرمان فرما دام اقباله، در باب اصطبل توپخانه که در زمان نواب والا در عراق ساخته اند دیوان اعلی قبول فرموده و الان اسبها در آفتاب بسته است، موافق امر قدر قدر سابقاً شرحی مکتوباً هم نوشته شد که نواب والا آن اصطبل را قدغن نمایند ضبط کنند و تنخواه آن را از خرج خودشان موضوع دارند که به دیوان اعلی عاید شود، جواب این فقره را مطالبه دارند. اعلام فرمائید به موجب اصرار و تأکید همایونی تلگراف شد.

حسین ۲۳

جواب

خدمت جناب جلالتمآب اجل اشرف سپهسالار اعظم دام اقباله، عرض می شود تلگراف جناب عالی را که در خصوص اصطبل جدید البنیای عراق فرموده بودند زیارت کردم و اول این حکم تلگرافی جناب عالی سبب تشخیص تکلیف مخلص در امور مملکتی شد. بعدها احکام مطاعه را زیارت کرده ضبط نموده فارغ از امتنان خواهم بود و با این تفصیل هر جوابی در عدم اجراء آن بر مخلص نخواهد بود. بعد از آن که موافق پنجاه فقره دستخط همایون و فرمان مبارک و تلگراف حسب الامر الاقدس و تعلیقه جات اولیای دولت قاهره اصطبلی به آن خوبی و مرغوبی بنا کنم و در مدت سه سال، چهار صد و پنجاه تومان کرایه جیره علیق آنها را که معمولی سنواتی بوده از خود داده تقدیم خاکپای مبارک نمایم و متحمل ضرر دویست هزار آجر که در آن محل تهیه کرده بودم و سیل برد، بشوم و به حکم دیوان معمار بازدید نماید بازدید او را با احکام مطاعه به عرض خاکپای مبارک برسانم، سند خرج موشح به صحه مبارک صادر کنم. بعد از دو سال، فلان نایب اصطبل که

برای این دخلش کاسته شده، غرض آلوده به این عرض نماید، این طور حکم صادر شود و حال این که این خرج اصطبل پنج هزار تومان است. در این صورت با کلیه عمل سرحدی و مخارج فوق العاده این مملکت چگونه دخیل باشم. با این تفصیل اگر من گناهی کرده‌ام بنده را جریمه بفرمائید. اولی از اینست که به این عنوان اظهار می‌فرمایند که اسباب اختلال کلیه امر باشد. اشاره فرموده بودند که اسب‌ها در آفتاب بسته است اگر چنین است پس اصطبل لزوم داشته که ساخته شده که در وسط خالصجات غله خیز دیوان بوده آب جاری داشته متصل به چمن مرغوب باشد، اگر این عرض صاحب منصبان اصطبل مشوب به غرض نباشد پس عرض غرض آلوده کدام است.

نصرت‌الدوله ۲۵

۵۲

شماره سند: ۳۶۳-۵

تاریخ: ۲۲/شوال/۱۲۹۶

به کرمان

طهران

دو فقره تلگراف: از نصرت‌الدوله به سپهسالار و بالعکس و یک فقره از سپهسالار به

عبدالله خان سرهنگ

به تاریخ شهر شوال المکرم توشقان ثیل ۱۲۹۶

خدمت جناب جلالتمآب اجل اشرف سپهسالار اعظم دام اقباله، عرض می‌شود در باب ربیع سلطان چند روز بعد از ورود کرمان شکایت سربازان متصل از او بود، بعد از مراجعت او از طهران که سربازان فهمیدند باز تمنای سلطانی دارد بر شکایت افزودند. تلگراف مفتوح شد خواستند به طور هرزگی عارض شوند از تنبیه و سختی ترسیدند باز تظلم و شکایت نامه را طرف مخلص راجع نمودند. سه دسته مجتمع و متفق القول این حالت را دارند و گویا سلوک هم نداشته باشد، اگر تحریک می‌بود اقلاده نفر از خفا اظهار رضامندی می‌نمودند، سازش این‌ها به نظر مشکل می‌آید اختیار با جناب عالی است.

نصرت‌الدوله ۲۲

نمرة ۵۴

خدمت نواب اشرف والا فرمانفر دام اقباله، از عبدالله خان تنخواه مطالبه می شود متعذر است که حوالجات کار گزاران والا هنوز در معرض تعویق است، چون فقط حواله تنخواه نمی شود و مراقبت در وصول هم لازم است، مساعدتی بفرمائید قسط تاخیر نیفتد.

حسین ۲۰

نمرة ۵۵

مقرب الخاقان عبدالله خان سرهنگ، در باب تأخیر حوالجات خدمت نواب والا فرمانفر ما تلگراف مساعد نوشته شد. خود آن مقرب الخاقان هم مراقبت نماید زودتر قسطی بفرستد در باب حرکت آن دو دسته و شکایت از محمد ربیع سلطان از نواب معزی الیه تحقیق شد بعد از وصول جواب حکم خواهد شد جواب نوشتجات شما هم با پست فرستاده شد. بم و نر ما شیر هم در صورتی که نواب والا فرمانفر ما تشریف می برند و شما را هم امر فرموده اند چه عیب دارد بروید.

حسین ۲۰

۵۳

شماره سند: ۲۱۰-۵

تاریخ: شوال/۱۲۹۶

به اصفهان

طهران

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

نمرة ۵۴

حضور حضرت اشرف والا ظل السلطان دام اقباله الوالا، در رسانیدن اقساط خزانه نظام کمال تشکر حاصل است که از سه قسط اول زیاده بر سیصد و سی تومان باقی نمانده و با قسط میزان التفات خواهید فرمود، ولیکن از بابت اقساط مواجب محلی نوکر که آن هم تحویل خزانه نظام باید بشود و تفصیل آن مکرر عرض شده چهل و هفت هزار تومان است، شش هزار و هشتصد تومان رسد سوار مصطفی قلی خان است از بابت یزد، چهل هزار و سیصد و هفتاد تومان می ماند، نصف آن قرار بود در محل باقی بماند، نصف دیگر

نقد به خزانه نظام برسد که بیست هزار تومان متجاوز می شود و از بابت سه قسط گذشته
قریب هفت هزار تومان باید فرستاده باشید و هیچ مرحمت نفرمودید، البته مقرر فرمائید به
زودی برات بی وعده ارسال دارند.

حسین ۲۳

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد اکرم سپهسالار اعظم دام مجده العالی، علت
تأخیر جواب تلگراف نبودن اینجانب در شهر بود که دو سه روزی بیرون رفته بودم، حال که
مراجعت شده با نهایت استعداد اولاً از جنابعالی احوال پرسى می کنم و ثانیاً در باب قسط
محل نظام اگر چه این مطلب از گرفتن یک مالیات بیشتر صعوبت دارد و اسباب مرارت
بزرگی است، لیکن به حمد الله حکم اعلی حضرت اقدس اعلی جاری است و قادر است و
این جانب نیز عجز ندارم فرمایشات جناب عالی را اطاعت دارم، لیکن هر گاه ملاحظه
فرمائید چندی نیست که این تلگراف فرموده اند در ششم ماه قبل این جانب اطلاع نداشتم
این اقساط از بیستم ماه ثانی پرداخته می شود در حقیقت یک قسط هم از بابت یزد پرداخته
شده است زیرا که به سواران عرب مطابق حکم جناب عالی داده شده است از یک قسط
کسر می شود و قراسوران بروجرد هم چون بعد از شنیدن این حکم بنای استعفای از
نوگری داشتند، این جانب و کالّه از جانب جناب عالی قراردادم که مواجب شش ماهه جمیع
ایشان پرداخته شود. او هم از قسط شما کسر خواهد شد. فوج گلپایگانی هم که مأمور
بروجرد بودند یک تخته قبض کاظم خان سرتیپ اول سال سراج الملک داده است و از
بابت مالیات سرباز محسوب کرده است، هر گاه باید بدهند محصل از جانب عالی باید
برود از کاظم خان دریافت کند آن هم از قسط کسر می شود. تتمه را به این قسط از شش
ماهه ثانی اطاعت می شود و سوار بختیاری ایلخانی هم جزو افواج^۳ در طهران مواجب داده
می شود، دخلی به عمل اصفهان ندارد. مواجب توپچیان یزد و مخارج اصطبل توپخانه آن
جا را خود جناب عالی حکم داده اید تمام داده شود. اینها که از چهل [و] هفت هزار تومان
برگشت کرد بیست [و] نه هزار تومان باقی می ماند، نصف آن چهارده هزار تومان است.
قسطی که از میزان که اول شش ماهه ثانی است الی ثور سنه آتیه است که در هشت قسط در

۳. اصل: فروج

معنی قسطی یک هزار و هفتصد [و] پنجاه تومان در هر قسط مثل قسط نظام در موعد خودش داده خواهد شد، صریحاً عرض می‌کنم که زودتر از این بنای جدید که گذارده شده است نمی‌توان اجری داشت. چند سال است که نوکر عادت به این کار کرده است و حال گمان می‌کند که این سه ماهه را از او خواهند گرفت و دیگر نخواهند داد. هر قدر اطمینان می‌دهم که بعد در طهران مرحمت خواهد شد قبول نمی‌کنند. در باب کاظم خان هم ممد اینست که تنخواه گرفته باشد. زمان حرکت فوج بروجرد از بابت مالیات سرباز قبض و اقباض کرده‌اند. هر گاه باید دریافت شود گماشته از جانب جناب عالی رفته در بروجرد از کاظم خان سرتیپ دریافت کند و از آحاد و افراد سرباز مأخوذ دارد.

ظل السلطان ۲۶

۵۴

شماره سند: ۲۱۲-۵

تاریخ: ۲۴/شوال/۱۲۹۶

گیرنده: ظل السلطان

فرستنده: مستوفی الممالک

نمره ۵۸

حضور حضرت اشرف والا ظل السلطان دامت شوکته، دستخط مبارک شرف صدور یافته است که به کل حکام تلگراف شود. لهذا تلگراف می‌شود که در ولایات اشرار زیاد است و وقوع شرارت ممکن، اما چیزی که رفع این جسارت می‌کند شدت بطش و سیاست است و نگذشتن از جرم و خطابه خلاف این که در مجازات و سیاسات سستی و اهمال شود جرئت اشرار زیاده و مایه فساد در اشتداد خواهد بود. مثلاً می‌نویسد فلان ماده قتل واقع شد به مصالحه یا دیه جزئی قطع و رفع کردیم. این وضع معاملات مسلماً خبط و مغایر قانون شرع و عرف است تکلیف حکومت اینست که موارد قتل را مخصوصاً خیلی مراقب باشید اگر قتل عمد باشد و محقق است بلا تردید قاتل باید به سزا برسد، اگر قتل خطا و لوث باشد در طرفین نزاع چون سبب شرارت و مفسده طرفین بوده است باید هر دو طرف را گرفت تنبیه سخت کرد. چند سال حبس سخت بشوند که راه این نوع وقایع مسدود

گردد. مصالحه و ملاحظه و خاطر خواهی یعنی چه.

مستوفی الممالک. ۲۴

جواب

جواب جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقا دام اجلاله العالی، ابلاغ یرلیخ جهان مطاع همایونی را در باب تنبیه اشرار زیارت نمودم. البته «کلام الملوک ملوک الکلام» تنبیه اشرار نهایت لزوم دارد و شریر به سزای عمل خود باید برسد. تلگراف را به عموم مردم نموده و مطابق حکم همایون اطاعت خواهد شد.

ظل السلطان ۲۶

۵۵

شماره سند: ۲۱۵-۲۱۴-۲۱۳-۵

تاریخ: ۲۸/شوال/۱۲۹۶

به اصفهان

طهران

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

به تاریخ شهر شوال المکرم توشقان ثیل ۱۲۹۶

نمره ۶۹

حضور مبارک حضرت شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان ادام الله ایام اقباله الوالا، تلگراف جوابیه حضرت والا دایر به مسئله قسط و ترتیب تفقدی که مقرر فرموده بودید زیارت کردم. اولاً از ظهور مرحمت های والا کمال امتنان دارم و تشکر می کنم. ثانیاً در باب قسط ها با این که تأخیر جواب را حمل بر آن می داشتیم که تهیه اقساط و وجه نقد می شود هیچ منتظر نبودم، این طور جواب بفرمائید. اول سال هم این طور تصریحاً خدمت حضرت والا عرض شده است و سه ماهه از موجب نوکر باید نقد بشود و از هر تصرفی محفوظ خواهد بود و با این اعلان و حکم دولت سراج الملک به کدام جرئت موجب فوج را با کاظم خان قبض و اقباض کرده است. کاظم خان و سراج الملک بسیار بد و کار غلطی کرده اند. ابداً این حرف را حضرت والا از او نپذیرند که پذیرفته نخواهد بود و باید نقداً وجه را سراج الملک از عهده برآید. به هر کس داده پس بگیرد موجب قراسوران بروجرد و غیره را هم که حضرت والا فرموده بودند چون بنای استعفا داشتند امر به ایصال فرموده اند آخر این

وضع را که در هذه السنه دولت مقرر فرمود به ملاحظه آنست که تصور می شود در این قسم پنج شش هزار تومان پول نوکر را حاکم و مباشر و نایب و غیره می برند و می خورند. این طور مقرر داشتند که این محذور مرتفع بشود. وانگهی براتی که به اسم و رسم تحویل خانه نظام صادر شده تا بعینها پول دریافت نشود چگونه می توان داد باری هیچ کدام اینها ناقض حکم دولت نمی شود و اقساط را موافق دستور العمل امر به ایصال فرمائید، آن چه به سوار و غیره داده شده موافق حکم صحیح است تتمه مقبول نیست و حضرت والا باید قرار قسط آن را بگذارند که زود برسد.

حسین ۲۸

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام مجده العالی، به مفاد عاشقم بر لطف و بر قهرت به جد، هر چه فرمائید قبول دارم و در انجام آن حاضریم، ولیکن چون هر سوالی را جوابی لازم است ناچارم عرایض عرض کنم و انصاف جنابعالی تصدیق خواهد نمود. صورت سوال و جواب تلگراف را ملاحظه فرمایند خلاف قاعده نگفته بودم، در جواب این گونه تنیدی و تلخی فرموده اید: تلگرافی از جنابعالی حسب الامر در بیست و هفتم شهر رجب نمرة ۵۶ رسیده است که نصف مواجب محلی نوکر به خزانه نظام طهران برسد. جواب عرض کردم که در تدارک نبودم و مثل سنوات سابق رفتار می کردم، حالا که حکم چنین شده است باید در صدد برآیم، حال که اطلاع داده از قسط شش ماهه ثانی ماه به ماه می رسانم. حال هم همین قسم است سوار عرب را حکم فرموده اید تمام بده سوار قراسوران بروجرد هم حکم سواره عرب دارند هر گاه بی نظمی یا شرارت و دزدی در بروجرد واقع شود اینجانب مسئول نباشم و بی عرضه و بی نظم به خرج نروم هیچ حرفی نیست من می فرستم حکماً می گیرم می خواهند نوکری بکنند یا نکنند بروند یا بمانند به درک با اینجانب رجوع نیست. فوج گلپایگان هم در ماه ربیع الثانی که مأمور بروجرد بودند و از غیب هم اطلاع نداشتم که بعد از چهار ماه چنین حکمی خواهد شد. چهار ماه قبل از تلگراف جنابعالی قبض مالیات داده تنخواه گرفته و رفته اند، خواستم به جناب عالی اطلاع داده باشم که حالت این یک فوج این قسم است و الا اگر مقصودم طفره بود چهار فوج دیگر هم در اداره این جانب بود، گفتگوها می کردم. حال مأمور می فرستم در سرخانه سرباز

می رود، در کمال تشدد و سختی مطالبه می کند و از قرار قسطی که عرض شده است به این تفصیل از ششماهه ثانی اطاعت می شود [و] هفت هزار تومان تنخواه محلی نظام است. هشت هزار پانصد تومان مواجب سواره قراسوران عرب است که بر حسب حکم داده شده، دو هزار شش صد تومان قراسوران بروجرد است. باقی سی و شش هزار تومان نصفی هیجده هزار تومان است به هشت قسط از میزان،^۴ آتیه قسطی دو هزار و دویست و پنجاه تومان اطاعت خواهد شد. تنخواه مالیه و تنخواه نظام خودتان هم قسم به نمک مبارک ولی نعمت و به جان عزیز جناب عالی هر گاه ممکن می شد هم یک دفعه می دادم، ولی امکان ندارد از این زودتر بتوانم از عهده برآیم، وقتی پیش سایر ولایات بگذارند معلوم می شود از همه جا بهتر خواهد شد. اما در باب قراسوران بروجرد اهمیت آن خیلی بیشتر از سواران عرب و راه یزد است. با وضع بروجرد و اغتشاش بختیاری و حرکت ایلات به گرمسیر بسیار مشکل است هر گاه نباید داد مال سوار عرب را هم نباید داد و اگر باید داده شود سوار بروجرد بسیار از سوار عرب و راه یزد و مورچه خورت لازم تر است. این که مرقوم فرموده اید سالی پنج شش هزار تومان حاکم می برد و می خورد جواب این فقره را هم به هوش صائب خودتان واگذار می کنم. اگر این جانب را مثل سایر حکام فرض فرموده اید خیلی اسباب یأس است. هر چه ملاحظه می کنم در این فقره حکومت بهترین جوابها است و الا دو سه ورق در این باب جواب داشتم که حالی کنم که این جانب مال دیوان خور نیستم و بر خود اولیای دولت هم واضح است.

ظل السلطان ۶ ذی قعدة.

۵۶

شماره سند: ۲۹۷-۵

گیرنده: سپهسالار

تاریخ: ذیقعدة/ ۱۲۹۶

فرستنده: فرهاد میرزا معتمد الدوله

خدمت سرکار نواب والا معتمد الدوله فرمان فرما جواب تلغراف اخیره من از سرکار والا در فقره تنخواهی که از قسط میزان گرو کشیده اید و به بقیه قسط تصرف نشده منتظر

۴. یک کلمه خوانده نشد

جواب سرکار می باشم و ابدأ نمی توانم تحمل نمود و قبول کرد که هر کس از هر که ادعا داشته باشد و زورش به طرف مقابل نرسد تنخواه خزانة نظام این قدر بی نظم شده که توسری خور واقع شود و از سرکار والا هم هیچ منتظر نبودم که این قدر به نظام و رئیس نظام و تنخواه نظام به نظر بی اعتنائی ملاحظه بفرمائید همین قدر که خیال آخر خودتان را در این فقره مرقوم دارید تکلیف من معلوم خواهد شد

حسین ۱۳ [ذی قعدة الحرام]

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دامت شوکته، قبل از وصول تلگراف جناب عالی صبحی خدمت جناب عالی عرض کردم که چاپار روانه شد که به خاکپای مبارک روحنافداه خدمت اجل اکرم آقا دامت شوکته و خدمت بندگان عالی که تفصیل عرض کرده ام انتظار جواب

۵۷

شماره سند: ۲۱۸-۵

تاریخ: ۱۲/ذی قعدة/۱۲۹۶

به اصفهان

طهران

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به مصطفی قلی خان و بالعکس

ذی قعدة ۱۲۹۶ توشقان نیل

نمرة ۲۴

به مصطفی قلی خان سرتیپ عرب، البته از سرقت پست دولتی که در حوض سلطان برده اند مطلع شده اند که مبلغی امانات تجار از فارس و کرمان در حمل پست مزبور بوده و برده اند. صراحتاً می نویسم که این مال را به زودی، اصل امانات را یا غرامت آن را می خواهم عاجلاً اقدامات لازمه نموده مرتکب و اموال مسروقه را به دست آورده اطلاع بدهید که حقوق مردم زودتر رسیده رفع این طور بی نظمی ها بشود.

حسین ۱۲

جواب

حضور مبارک حضرت اجل اشرف افخم مد ظله العالی بلی از چاپار سرقتی در کویر

۳۷۹

حوض سلطان شده و به اندک فاصله بیست و سه سوار مستعد آماده از دنبال آن‌ها رفته انشاء الله هم مال و هم سارقین به دست خواهد آمد و کار به غرامت نخواهد کشید. همین آماده و مستعد بودن بیست و سه سوار و تعاقب کردن سارقین بر مواظبت و اهتمام فدوی دلیل کافی است. امیدوارم دقیقه [ای] غفلت نشود. عصر جمعه تلگراف فرمایشی زیارت و صبح شنبه جواب همراه آدم مخصوص به اصفهان عرض شد.

مصطفی قلی عرب ۲۴

۵۸

شماره سند: ۲۹۸-۵

تاریخ: ۱۸/ذی قعدة/۱۲۹۶

به شیراز

طهران

دو فقره تلگراف: از سه سالار به معتمد الدوله و بالعکس

به تاریخ شهر ذی قعدة الحرام توشقان نیل ۱۲۹۶

خدمت نواب اشرف والا معتمد الدوله فرمان فرما دام اقباله، به جهت حمل اسباب چراغ گاز به کریپال پولی لازم است برسد، نواب والا امر فرمایند یک هزار و پانصد تومان به کریپال عاید داشته از بابت قسط قوس محسوب فرمائید.

حسین ۱۸

جواب

خدمت جناب مستطاب اشرف افخم سه سالار اعظم دامت شوکته، مقرر شده که از بابت اسباب چراغ گاز مبلغ هزار و پانصد تومان از بابت قسط قوس به کریپال داده شود ندانستم در نوشتن عقرب و قوس اشتباه شده یا در قوس، انشاء الله تعالی حیاتی باشد باید داده شود یا از حالا فرمایش می کنید که از بابت قسط قوس داده شود، هر کدام که رای شریف است مقرر فرمائید.

فرهاد ۱۹

تاریخ: ۲۸/ذی قعدة/۱۲۹۶

شماره سند: ۳۷۳-۵

طهران

به کرمان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به نصرت الدوله

به تاریخ شهر ذی قعدة الحرام توشقان نیل ۱۲۹۶

نواب اشرف والا فرمانفرما حکمران کرمان و بلوچستان دام اقباله، کاغذهای مفصلی که به خط شریف به جناب نصیرالدوله نوشته بودید تمام دیدم، همه را صحیح نوشته بودید و البته شما از برای هر کار از هر کس بهترید. در صداقت صادق تر و در حساب درست تر، در دوستی محکم تر، به همان طور که نوشته بودید قبول دارم و چون چاپار دیر می رسد به تلگراف خاطر والا را مطلع کردم که جمیع فقراتی که مرقوم فرموده بودید پذیرفته است، با چاپار احکام آن خدمت سرکار والا می رسد و خواهید دید. انشاء الله که هیچ صرّفه و خیر و حفظ و همه چیز شما ترک نخواهد شد.

حسین ۲۸

جواب

حضور جناب جلالتمآب اجل اشرف سپهسالار اعظم، عرض می شود به ذات پاک الهی صدیق تر از همه چنانچه خودتان فرموده اید این بنده شما می باشد و باز عرض صادقانه خود را می کنم که عزت و آبروی جناب عالی به واسطه چند با عزت و آبروی مخلص در این مملکت مخلوط و ممزوج است. العیاذ بالله اگر ملاحظه شما را نکرده باشم، ناچاراً ملاحظه خود را باید نموده باشم و حال آن که ملاحظه خودم را فقط بی فایده و بی حاصل خواهد بود، اما ملاحظه سرکار اولی تر و اقوی تر و با فایده تر است. اگر ذره ای سرکار غفلت فرمائید و مرا از خود و متعلق مخصوص خود به جا نیاورید نقص کلی به هر دو وارد خواهد آمد. با این زحمت های شما همین قدر را عرض می کنم از خدمات صادقانه این بنده خودتان در صورت همراهی فرمودن خیلی محفوظ و آسوده خاطر شده و لذت ها خواهید برد و تحسین ها را زیادتر خواهید فرمود و آنچه را که رای شریف در هر امری قرار گیرد و از شخص مخلص مخلص نخواهید بدون ملاحظه صرّفه خودم فوراً در صرّفه

جویی شما اقدام و اطاعت و حاضر خواهد شد. در این سنوات در هر ولایت و هر جا که بودم کدام حکم و فرمایش را که از هر جهت فرمودند فوراً انجام داده نشد، الحال عوض نشده ام و انگهی با این مرحمت‌ها از دوست یک اشارت از ما به سر دویدن.

نصرت الدوله، غره ذیحجه

۶۰

شماره سند: ۲۱۹-۵

تاریخ: ۶/ذی حجه/۱۲۹۶

به اصفهان

طهران

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

به تاریخ شهر ذیحجه الحرام توشقان نیل ۱۲۹۶

نمره ۵

خدمت سرکار نواب اشرف ارفع والا شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان زید شوکت انشاء الله مزاج حضرت والا در کمال اعتدال و صحت است، انشاء الله تشریف فرمایی به دار الخلافه و شرفیابی خدمت سرکار نزدیک شده است. پریروز در دوشان تپه بر حسب احضار به خاکپای مبارک مشرف شدم و آنچه لازمه ارادت و اخلاص و بندگی سرکار والا بود در خاکپای انور عرض نموده فروگذار نکردم به درجه [ای] که خود سرکار هم این قدر متوقع نبودید و همه را سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء با حسن قبول تصدیق فرمودند و نتیجه خوب هم حاصل شد. انشاء الله بعد از تشریف فرمائی معلوم و مشهود سرکار والا خواهد گردید.

حسین ۶

جواب

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اجلاله العالی، تلگراف شریف که مبنی بر سلامتی وجود عالی و حاکی از محبت‌های قلبی شما بود اسباب هزار گونه مسرت و خوشوقتی شد. معلوم است با مراتب محبت جنابعالی باید از هر باب اطمینان حاصل نمود. پس از آن قول محکم که در بالاخانه خودتان فرمودید اینجانب بعد

از فضل خداوندی در کمال قوت قلب مطمئنم و امتنان دارم. خداوند انشاء الله در زیر سایه مبارک جنابعالی را همیشه شادکام و کامران و به روشنی چشم دوستان با عزت و سلامت بدارد. واقعاً در این سفر دلخوشی که دارم همان زیارت آستان مبارک و ملاقات مسرت آیات جنابعالی است که جبران این همه ضرر و زحمت می کند، مگر همراهی های جنابعالی و دوستی های صادقانه و قدردانی های شما اصلاح کند آن چه هم به حضور مبارک عرض کرده اید محض نیک ذاتی و دولت خواهی و ظیلت پاک خودتان بوده است و هست والا خدمت من قابل حضور مبارک نیست، چون شما محبت دارید بد را خوب می بینید، انشاء الله امیدوارم همیشه شادمان با دوستان کامران باشید. قسط عقرب هم تماماً با این پسته می فرستم.

ظل السلطان ۷

۶۱

شماره سند: ۲۲۰-۵

تاریخ: ذی حجه ۱۲۹۶

به اصفهان

طهران

یک فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان

به تاریخ شهر ذی الحجة الحرام توشقان نیل ۱۲۹۶

نمرة ۲۰

حضور مبارک حضرت شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان دامت شوکتة الوالا، فوج سیلاخوری احضار شد و تا غره صفر المظفر باید به طهران حاضر شود که در موقع عید مولود همایون روحناده حاضر باشند. عجالاً تأکیدی از طرف حضرت والا لازم است که تلگرافاً به نایب الحکومه بر و جرد مقرر شود موجب سه ماهه ثانی محلی آنها را نقداً بدهد که بدون معطلی بیایند. نواب ناصرالدوله هم روز دوشنبه به چاپاری روانه می شود، البته در این خصوص تأکیدات لازمه مقرر خواهد شد که به مجرد ورود نواب ناصرالدوله از قرار قبض مشارالیه تنخواه را نقداً عاید سازد.

حسین، ۱۳ شهر ذی حجة الحرام

تاریخ: ۲۶/ذی حجه/۱۲۹۶

شماره سند: ۲۲۴-۲۲۳-۵

طهران

به اصفهان

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان

به تاریخ شهر ذی حجه الحرام توشقان نیل ۱۲۹۶

حضور مبارک حضرت شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان ادام الله اقباله الوالا، از وقوع این حادثه عظیمه که موجب کدورت و افسردگی خاطر مبارک والا است حالت ملالت بندگان از این افسردگی والا خیلی بزرگ و محل افسوس است، اما از این که این امر تقدیری است و اختیاری نیست با کمال عجله به مستمسک این تلگراف خاطر حضرت والا را از این رهگذر منصرف می خواهم و از خداوند مسئلت دارم که در سایه اقدس همایون روحنا فداه هیچ وقت را دیگر غمگین نشوند و خداوند تعالی به زودی این افسوس والا را تبدیل به انبساط فرماید که منتها آرزوی بندگان خاصه این بنده مسرت خاطر والا است.

حسین ۲۷

جواب جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اجلاله، کمال سعادت ماها همگی این است که تصدق وجود مبارک ولی نعمت خود شویم. منتها آرزوی ماها همین است که گوی سعادت را او برد که زودتر تصدق شد. انشاء الله ماها هم همگی به وقت خود تصدق می شویم. اگر حالت این جانب را بخواهید با این آخر سال و سر سفر محتاج به نوشتن نیست. از محبت شما کمال امتنان حاصل کردم، بدیهی است محبت و مهربانی شما بیش از اینها است که در تصور آید. خداوند انشاء الله در زیر سایه مبارک جناب عالی را همیشه سالم و با عزت بدارد و هرگز چنین روزها را نبینید و نصیب شما نشود. کمال محبت فرموده اید. بلی با تقدیرات الهی به جز صبر و شکیبایی چه باید کرد. در هر حال شاکر باید بود خداوند ذات همایونی را به سلامت بدارد که سلامت همه آفاق در سلامت او است و جناب مستطاب عالی را با عزت و شرف برای قوت قلب مهجور سلامت بدارد.

ظل السلطان ۲۷

تاریخ: جمادی الثانی/ ۱۲۹۶ شماره سند: ۱۴۲-۱۴۰-۵
 طهران به اصفهان
 چهار فقره تلگراف: از سپهسالار به ظل السلطان و بالعکس

به تاریخ شهر جمادی الثانی توشقان نیل ۱۲۹۶

نمره ۱۳ حضوری است

خدمت سرکار شاهنشاهزاده اکرم ظل السلطان زید شوکته، گماشته حضرت والا دیروز وارد [شد] و عریضه [ای] که به خاکپای مبارک انور اقدس اعلی عرض نموده بودید، همان دیروز تقدیم نمود و فوراً پس از ملاحظه به انضمام دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحانفاده نزد این بنده فرستادند، رقیمه هم که به خود من مرقوم [فرموده بودند] مضمون و مطلب هر دو یکی بود امروز زیارت نمودم و حالا بر حسب امر قدر قدر ملوکانه تلغرافنامه آمده حضرت والا را هم زحمت داده ام که فرمایشات و اوامر شاهانه را به شما تبلیغ نمایم. اولاً می فرمایند که عریض و مطالب شما را مقرون به قبول و صلاح دیدم و مقرر فرمودم سیف السلطنه را و فوج خلیج را که هزار نفری است مأمور و روانه خدمت حضرت والا نمایم، به طوری که خواسته اید چهار ماه متوقف بوده و در میدان نقش جهان مشق نمایند. ثانیاً بعد از ورود سیف السلطنه و فوج آن وقت فوج خمسه به شیراز بروند. و ثالثاً قورخانه به همان اندازه که خواسته بودید از فشنگ و چاشنی و باروط فرستاده شد، اگر تا به حال نرسیده امروز تا فردا یقیناً خواهد رسید و رابعاً مقرر فرمودند که عجالاً این یک فوج خلیج که هزار نفری است کافی و مقابله با دو فوج خمسه خواهد بود، اگر بعدها وجود فوج دیگر ضرور و لازم شد آن وقت مضایقه ندارند که فوج در جزین را هم مأمور فرمایند، البته از این قدر موافقت و همراهی که از جانب سنی الجوانب همایونی روحانفاده در امورات متعلقه به حضرت والا می شود خیلی متشکر خواهیم بود و قدر این همه مرحمت را کما هو حقّه خواهیم دانست

حسین

جناب مستطاب اشرف امجد سپهسالار اعظم دام اجلاله، انشاء الله وجود ذی وجود

جناب عالی به سلامت باشد، بر اینجانب است که در دولتخواهی ولی نعمت روحنا فداه آنچه به عقل ناقص خود می‌داند عرض کند و به اندازه اصرار و سماجت کند که در آخر کار نگویند عرض نکردی، دیگر معلوم است پذیرفتن و نپذیرفتن بسته به میل خاطر مبارک و رای اولیای دولت علیه است. صورت ساخلو اصفهان همان است که در جوف پاکت انفاد داشتیم و ملاحظه فرمودید که در پای بیدق صد نفر سرباز نیست. فوج چهار محال هم که در دست بود که مامور کرمان است و می‌رود به کرمان. اصفهان هم فوج مخصوصی لازم ندارد و بیش از یک دو ماه در این جا لازم نیست. الحمدلله به دولت کسی یاغی نیست و نه سرکشی دارد، اینجانب این دو سه ماه هم محض چهار کلمه حرف بی معنی خواستم که مردم بدانند که دولت عاجز نیست و به همه قسم قدرت دارد و خیالات طولانی غریب که از برای من دست داد هرگز روی نخواهد داد این عرض را کردم و الا نه خرجی از برای دولت لازم است و نه بیشتر از دو سه ماه سربازی لازم می‌شود. سیف السلطنه نوکر خدمتکار و کهنه نوکر دیوان است و او را آزموده‌ام دو سال هم در شیراز با فوج خود مامور بود، بسیار خوب است ولی در همین اصفهان همین میر محمد حسین که برادر و کسانش را به کشتن داد، در حقیقت این فوج خلیج با اصفهانی خونی هستند و فوج خلیج و حاجی اسحق خان را اینجانب به هزار زحمت یک سال در این جا راه بردم، پس فردا اسباب دردسر و هزار زحمت است. ما برای وصل کردن آمدیم نه برای فصل کردن آمدیم، به عقل اینجانب به جهات عدیده بهتر می‌آید که سیف السلطنه مامور فارس شود و این دو فوج سه چهار ماه در اینجا بمانند، پس از ماه مبارک این‌ها هم به فارس می‌روند بروند، به طهران یا حسابی دیگر هم می‌روند شما مختارید، عقل اینجانب در صلاح دین و دولت خواهی این طور می‌پسندد، یا این که بفرمائید دو فوج دیگر مامور شود بیایند وارد اصفهان که شدند این‌ها بروند. خود سیف السلطنه بسیار آدم خوبی است و خیلی دلم می‌خواهد پیش من باشد، اما ماموریت فوج او این عیب را دارد.....

شیخ علی خان برادر او را در همین جا کشته‌اند که در حقیقت خونی هستند ملاحظه این مطلب خیلی اهمیت دارد، وانگهی در این مقامات باز یک ملاحظه فرمودید که در همین مقدمه بزرگ به طوری از تصدق سر مبارک و توجه شماها پختگی کردم که دماغ

احدی خون نیامد، چنانچه اولش این طور پختگی شد آخرش هم می خواهم به پختگی بگذرد نکته فرموده بودیم که از مرحم ملوکانه شکر گذاری کنم. «از دست و زبان که برآید از عهده شکرش به در آید». در مقابل این همه مرحمت و عنایت ملوکانه چه می توانم کرد و گفت الا این که از خداوند مسئلت کنم که خدا جانم و عیالم و اولادم را تصدق وجود مبارک کند، اینهنایست مگر از فضل خداوندی و توجه و همراهی جناب عالی انشاءالله همراهی را به آخر برسانید.

ظل السلطان

خدمت حضرت اشرف و الاصل السلطان زید شوکته، تلغراف نامه جوابیه شما را به عرض خاکپای همایون شاهنشاه ظل الله روحنا فداه رسانیدم. مقرر فرمودند فوج سیف السلطنه به فارس برود وافواج خمسه دو سه ماه که خودتان خواسته اید در اصفهان متوقف بوده بعد مستقیماً به فارس بروند و فوج اردبیل و مشکین که مدتی است در فارس می باشند مرخص خانه، مراتب به جهت استحضار حضرت والا عرض شد.

حسین

جواب

تلگراف جناب عالی در باب افواج رسید، بسیار خوب انشاءالله در روز غره شهر شوال المکرم افواج خمسه را از این جا روانه می کنم که مستقیماً به فارس بروند. خیلی از مرحم شاهنشاهی روحنا فداه و همراهی جناب عالی مفتخر و شاکرم.

ظل السلطان

۶۴

شماره سند: (۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲)-۵

تاریخ: ۲۱/محرم/۱۲۹۷

به بوشهر

طهران

دو فقره تلگراف: از سپهسالار به میرزا علی اکبر کارگذار بوشهر و بالعکس

به تاریخ شهر محرم الحرام توشقان ثیل ۱۲۹۷

کارگذار خارجه، حقیقت این است من شما را با کفایت و درایت می دانستم، اما تلگرافی در باب سربازها دیروز به شما کردم جوابش آن بود که شما نوشته بودید که من با

لباس نیم رسمی رفتن آن‌ها را آوردم شما کدام لباس نیم رسمی را دارید؟ من منظورم اطلاع صحیح است، که جهت این حرکت سربازها چه بوده، از کی شکایت داشتند، به آنجا چه شده که رفته‌اند. محرک خارجی داشته‌اند شما آن طور جواب می‌دهید. تلگراف مرا درست بخوان، بالا طرف جواب بده.

حسین ۲۱

جواب

بندگان حضرت اشرف امجد ارفع سپهسالار اعظم دام اقباله‌العالی، تفصیل این حرکت خلاف سربازها اینست: غلامحسین سلطان با دسته‌اش پارسال و امسال مأمور تنگستان و فضل علی سلطان با دسته‌اش متوقف بوشهر بودند. میانه این دو سلطان و دو دسته سابقه عداوت طایفه‌ای بود. فضل علی سلطان برای اجرای منظور خود به وسایل مختلفه حالی حکومت بوشهر می‌کند، غلامحسین سلطان آن جا مداخله دارد و چون خودش و سربازش طلب کلی از حیدر خان و رئیس حسین آدمش دارند هر چه مالیات وصول بکنند به عوض اصل و فرع طلب خودشان برداشته مالیات وصول نخواهد شد. حکومت بوشهر مراتب را به حضرت اشرف والا فرمانفرما عرض کرده غلامحسین سلطان با دسته احضار بوشهر و فضل علی سلطان با دسته مأمور تنگستان شدند. در این بین‌ها تلگرافی از حضرت اشرف فرمانفرما به حکومت بوشهر می‌رسد که سرباز منفعت نگیرد و تنگستانی منفعت ندهد، پس از وصول مالیات سرباز عرض خود را بکند. این تلگراف را برای فضل علی سلطان به تنگستان می‌فرستند. حین قرائت چند نفر از دسته غلامحسین سلطان آن جا بوده بوشهر آمده سایرین را از این تفصیل حکم آگاه می‌کنند. همگی متوحش شده به هیجان می‌آیند. یکی دو دفعه به حکومت رفته عارض می‌شوند. عریضه هم می‌نویسند ولی بی حضور و اطلاع سلطان‌شان و از قراری که حکومت ذکر می‌کرد در همان عریضه اظهار کرده بودند اگر در وصول طلب ماها کوتاهی شود یا کم و کسری بشود. می‌رویم زیر بیدق انگلیس. ملامت زبانی لازمه به آن‌ها می‌کنند، به جهت ذکر این فقره و سخن لغوی پنداشتند اعتنایی به آن‌ها نمی‌کنند و به سرباز می‌گویند حیدر خان و فضل علی سلطان را خواسته‌ام می‌آیند به صدق و کذب طلب شما رسیدگی می‌کنم، اگر طلب دارید قراری بدهند چند روز طول می‌کشد. مجدداً می‌روند به حکومت باز

بی حضور و اطلاع سلطان همان جواب را می شنوند. و چون وحشت از فضل علی سلطان هم داشتند که طلب آن‌ها را بسوزاند یا ضرر کلی بزند و طول هم کشیده خبری از آمدن آن‌ها نبود، مایوس از حکومت می شوند در راه به سلطان برخورد می خواهد سرباز را به سربازخانه برده جمع آوری نماید اعتنا به او نکرده در این بین‌ها مکتوب بی موقعی هم از حکومت به آن‌ها می رسد، محرک آن‌ها جز عدم شعور و به خیال خودشان عدم اطمینان از وصول و ایصال فرغ طلبشان چیزی دیگر به نظر نمی آید. اقوال و افعال سلطان در منع سرباز رفتن بالیوزکری تفصیر او را نمی رساند. معامله بالیوزکری به آن‌ها سابق عرض شد. حمایت و محافظت نکردند.

اکبر. شب ۲۵

فهرست اعلام

ابراهیم (خان) ۱۶۵، ۲۷
ابراهیم میرزا، خان، نایب، [حاکم گلپایگان]
۳۲۵، ۳۱۴، ۷۰

ابراهیم (خان، دودانگه) ۱۱۷
ابراهیم (میرزا، یوزباشی) ۳۵۶، ۳۵۵
ابوالحسن (خان) ۱۴۹
ابولحسن شاه (سید) ۴۰
ابوالقاسم (خان) ۳۳۳، ۳۴۰
ابوالقاسم (خان، سرهنگ) ۳۳۲
ابوطالب (آقامیر، تاجر) ۳۲۸
ابوطالب (ملا) ۲۲۴
اتریش (استریا، اطروش، اوتریش) ۱۴۸، ۱۳۹
۲۵۵، ۲۲۵، ۱۹۷

اثانور (کارپرداز انگلیس) ۳۲۴
احتشام الدوله، اويس میرزا ۴۸، ۸۴، ۱۶۶
۳۱۵، ۳۱۶، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۸
احتشام الملک ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۴
احمد (میرزا) ۱۲، ۲۰۵، ۲۳۲
احمد (میرزا، سید) ۱۶، ۴۵
احمد (میرزا، خان) ۱۰۲، ۱۳۶، ۱۴۴
احمد علی (خان) ۶۰، ۱۴۹
اختر (روزنامه) ۲۵۵، ۲۵۶
ارامنه اصفهان ۳۱۸
اردبیل ۸۸
اردبیل (فوج) ۳۸۷
اردستانی، اردستانی‌ها ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۱۲
ارزنة الروم (ارض روم) ۱۹، ۱۹۸، ۲۰۳
ارگ (میدان) ۱۰۷
ارگ قندهار ۱۷۰
اروپا ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۲۲۲
ارومیه (ارومی) ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷-۲۷۹، ۲۸۲

آ

آباده ۳۶۶
آقامازور ۱۹۸
آجودان باشی ۱۵۶، ۲۱۶
آجودان باشی، اللهیار (خان) ۲۱۵، ۲۳۵، ۲۳۸
آجودان باشی، محمدصادق (خان) ۲۸۹
آذربایجان ۱۴، ۱۵، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۶، ۶۳، ۷۶، ۸۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۹، ۲۰۸، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۵۱-۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۰-۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۷۹
۲۸۲-۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۴۲
آذربایجان (فوج) ۱۸، ۲۸۸
آردل، میررفیع ۲۰۱
آستارا ۳۰
آسیا ۲۵۵
آشوراده — عاشوراده (جزیره)
آغاباشی ۲۶
آقاخان ۷۲
آقاخان (میرزا) ۱۱۶، ۲۲۶، ۲۶۵
آقاخان سرتیب ۲۹۰، ۲۹۱
آقاوجیه ۸۰، ۱۲۴، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۷۰
آق قلعه ۲۶۱
آلمان (آلمانی) ۱۸، ۲۵۵
آمل ۲۱، ۲۴۴
آناطولی ۱۹۸، ۲۲۳

الف

ابراهیم (میرزا) ۸۴

۳۱۵	۳۳۰-۲۹۸، ۲۹۲، ۲۹۰
اعتضاد السلطنه، علی قلی میرزا (امین ایلخانی)	اسپانیا ۲۲۵
۶۳، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۳۱	استرآباد (گرگان) ۳۶، ۵۶، ۷۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۳
اعتضاد الملک ۱۱۰	۱۸۷، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۴
اعتماد السلطنه، مصطفی قلی (خان، قراگوزلوی	۲۶۰، ۲۵۸
همدانی) ۲۵۹، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۷-۲۸۹، ۲۹۱	استرآبادی، نظام الدین (سید) ۱۷۱، ۳۶۷
۲۹۵، ۲۹۹	اسحق (حاجی، خان) ۳۶۶، ۳۸۶
افاغنہ ۲۱۴	اسحق (میرزا، خان) ۴۱
افشار (فوج) ۲۸۴، ۲۹۰، ۳۳۰	اسحق میرزا (میرآخور) ۲۷۳
افشار، علی (میرزا، خان، سرتیپ) ۲۷۷	اسدآبادی ۳۹
افغانستان ۱۷۷، ۲۰۳، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۹، ۳۰۵	اسکندر ۲۲۹، ۲۳۰
افغانها ۱۷۰	اسلامبول ۱-۵، ۹، ۱۲، ۱۷، ۳۷، ۵۴، ۱۱۲
اقبال الدوله، امام قلی ۱۸۴، ۱۷۹، ۲۹۰، ۲۹۸	۱۷۴، ۱۹۷، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۴۵
اقبال الملک ۲۶	۲۸۱، ۲۶۲
اکبرآباد ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۶۸	اسماعیل (میرزا) ۲۹۱
الله وردی (خان) ۱۱۳، ۲۱۵	اسمعیل (خان، تفنگدار) ۱۹۴، ۲۰۶
اللهیار (خان درجزی) ۳۰۳	اسمعیل (خان) ۲۳۸
الیسون (وزیر مختار انگلیس) ۴۰	اسمعیل افندی ۲۴۵
امام قلی (خان، یاور) ۳۴۷	اشرف پاشا ۹
امان الله (خان) ۷۸	اصفهان ۳۶، ۵۶، ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۵۴، ۳۱۳، ۳۱۶
امتیازنامه رویتر ۹۶	۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۹-۳۳۳، ۳۳۵
امیر نظام، محمد خان ۲۷۰	۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۱-۳۴۳، ۳۴۵-۳۴۸، ۳۵۰
امیریه (فوج) ۱۵۶، ۲۹۰	۳۵۱، ۳۵۵-۳۵۷، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۷۶
امین السلطان، آقا ابراهیم (میرزا، خان) ۱۳، ۲۴	۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۲-۳۸۷
۳۱، ۳۲، ۳۸، ۴۳، ۴۵، ۵۰، ۵۲، ۵۹، ۶۰، ۷۱	اصفهان (افواج) ۳۵۴
۸۹، ۹۲، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۸۸، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۹	اصفهان، باقر (حاجی شیخ) ۲۱۲
۲۳۴، ۲۳۹، ۲۴۱-۲۴۳، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۷۲	اصلان (امیر، خان) ۷۸، ۱۱۲، ۱۱۳
۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۳۷، ۳۳۸	اعتضاد الدوله، محمد مهدی ۸۰، ۲۴۴، ۳۱۴
امین السلطنه ۱۲۵، ۱۶۰، ۲۵۴	

بادرای (مکان) ۱۲	امین‌الملک، علی (خان) ۷۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۳
بادکوبه ۲۰۵	۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۲۴
باغ اکبر آباد ۲۶۹	۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۱
باغسالی طایفه ۱۱	۲۶۷-۲۶۹
باغسالی (مکان) ۱۳، ۱۰	امین حضور، آقا علی آشتیانی ۵۰، ۷۵، ۱۶۳
باغسی (مکان) ۱۱	۳۰۹
باف (مکان) ۲۳۷	امین لشکر، قهرمان (میرزا، فمشه‌ای) ۹۲، ۱۴۷
باقر (خان، چگنی) ۱۹	۱۵۲، ۱۸۳، ۲۷۲، ۳۴۵
بالیوزکری ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۸۹	امین معاون، علی اکبر (حاجی) ۲۰۱
بایزید (مکان) ۱۹۰	امین نظام، محمد صادق (خان) ۲۸۴
بجنورد ۳۰۴	انزلی (بندر) ۳۰، ۲۰۵
بختیاری (طایفه) (مکان) ۳۱۶، ۳۳۱، ۳۴۹	انگلیس ۵۷، ۷۹، ۸۳، ۱۱۸، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۹۷
۳۵۱، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۸	۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۴۹، ۲۵۰، ۳۱۱، ۳۸۸
بختیاری، محمد حسین (خان) ۲۸۹	انیس الدوله ۹۱
برادوست (روستا) ۱۵۴	اورمانلو (طایفه) ۳۸
برلین ۲۳۲	ایران ۹، ۱۱، ۱۳، ۲۳، ۶۲، ۶۷، ۷۰، ۷۹
بروجرد ۴۵، ۲۴۶، ۳۰۹، ۳۲۳، ۳۳۱، ۳۴۳	۹۵-۹۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۸، ۱۹۱
۳۴۸، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۳	۱۹۴، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۵۶
بسطام ۱۱۴	۳۲۰، ۳۴۲، ۳۶۲
بصره ۳۲۶	ایرملو (طایفه) ۱۱۹
بغداد ۳، ۱۱، ۱۲، ۷۲، ۱۵۴، ۱۷۷، ۲۲۷، ۲۲۹	ایلیخانی، حسینقلی (خان) ۳۶۷
۲۴۵	ایلیخانی، یارمحمد (خان) ۱۸۹
بلخ ۳۰۵	ایران کیف ۲۱۰
بلغارستان، بلغار ۱۸۹، ۱۹۰	ایوب (خان) ۲۲۳
بلوچ، محمد (خان) ۳۶۸	
بلوچستان ۳۸۱	
بلوچ‌ها ۱۵	
بم ۳۷۳	
بمبئی ۱۳۹	
	ب
	باباخان ۲۹۰
	باخرز ۳۰۴

ت	بناب ۲۷۵-۲۷۷-۲۸۰-۲۹۱-۲۹۹
	بوسنه (بوسنی) ۱۴۸
تاج محمدخان ۲۱۳-۲۱۴	بنسوشهر ۴۹-۲۳۳-۳۱۰-۳۱۱-۳۲۰-۳۲۵
تسبریز ۳-۱۴-۹۴-۱۹۴-۲۰۶-۲۲۴-۲۴۱	۳۲۶-۳۵۲-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۴-۳۸۷-۳۸۸
۲۴۲-۲۷۱-۲۷۳-۲۷۸-۲۸۸-۲۹۰-۲۹۲	بوشهری، محمدحسن (شیخ) ۳۱۰
۲۹۶-۲۹۷-۳۰۰-۳۰۱	بهاه‌الدوله ۱۹-۲۰
تجریش (رودخانه) ۱۷۴	بهادران ۱۲۹۰
تراکمه (ترکمان) ۸۱-۲۲۲-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۹	بهارن چی ماربین (مکان) ۳۲۱
۲۶۰	بهبود (خان) ۳۰۳
تراکمه تکه ۲۳۵	بهبهان ۴۹-۳۱۶
تراکمه ساروقی ۳۰۵	بهجت‌آباد ۵۰
تراکمه سالوری ۳۰۵	بهرام میرزا ۱۶۳
تراکمه مروی ۲۳۳-۲۳۴	بیان‌الملک ۲۹۷
تربت ۳۰۳	بیضا (مکان) ۳۶۸
ترشیز (کاشمر) ۳۰۳	بیوراحمدی (طایفه) ۳۶۸
ترکستان ۳۰۵	پ
نمهدنامه ارزنة‌الروم ۸۳	
تفلیس ۹	
تقی (میرزا، خان) ۱۴۷-۲۵۹-۲۶۵-۳۲۴	پاریس ۳۷-۴۰-۷۳-۱۱۲-۱۵۵-۱۸۹-۲۶۲
تقی (خان) [نایب آجودان مامور ارزنة‌الروم]	پاشاخان قزاق ۲۳
۱۳۰	پرخلو (فوج) ۱۵۷
تقی (میرزا، لشکر نویس) [داماد معین‌الملک] ۷	پروتستان‌ها ۲۳۷
تنکابن ۱۶۸	پروس ۱۴۴
تنگستان ۳۸۸	پشتکوه ۲۴۶
نیمورپاشا ۱-۲۸۰-۲۹۰-۲۹۹	پطرزبورغ ۲-۳۷-۴۹-۷۳-۱۳۳-۱۳۴-۱۴۶
	۱۵۲-۲۲۶-۲۳۱-۲۳۶-۲۶۲
ج	پل‌مل‌گازت (روزنامه) ۲۵۵
	پیرزاده (حاجی) ۳۵۱
جاجرود ۳۲-۴۵-۹۹-۱۵۴-۱۸۸-۲۳۷-۲۳۹	

چگنی (فوج سواره) ۲۳
چنگیز (خان، مغول) ۷۰
چهاردولی ۲۸۹
چهارمحالی‌ها ۱۶، ۱۷، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۴۰،
۳۴۴-۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۸۶

ح

حاجب‌الدوله ۱۳، ۲۶، ۲۷۲
حاجی‌آخوند ۳۶۵
حاجی‌بابا ۳۲۵، ۳۲۶
حاجی‌ترخان ۷۳، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۴، ۲۳۲
حسام‌الدوله ۲۳۹
حسام‌السلطنه سلطان مرادمیرزا ۷، ۱۹، ۲۰،
۳۶، ۳۷، ۴۸، ۹۰، ۱۶۰، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۳،
۲۰۹، ۲۳۷
حسام‌الملک ۳۹، ۱۳۰
حسن (خان) ۱۲۴
حسن (میرزا، خان، منشی میرزا حسینخان
سپهسالار) ۷۳
حسن (آقا، نایب) ۳۱، ۳۲
حسن شیراز شاهسون ۲۰۰
حسنعلی (خان) ۴۹، ۶۵، ۷۲، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳،
۱۳۰، ۲۳۲
حسنعلی (خان) [وزیر فواید] ۹۶، ۱۱۵
حسنعلی (خان) [وزیر مختار ایران در اسلامبول]
۵۴
حسن هفت‌رنگ (نوکر قنول انگلیس) ۱۰۸،
۱۱۶

حاف، محمدپاشا (خان) ۱۶۲
حام (مکان) ۳۰۴
حانکی (مکان) ۳۱۵، ۳۴۹
حان محمد (خان) ۱۱۲
حردکان (مکان) ۳۲۱
جمفر ۲۱۲
جمفر (استاد) ۳۵، ۵۰
جمفرآباد ۱۷۲
جلفا ۱۹۴، ۲۰۷، ۳۲۴
جلیل ۲۹۰
جلیل (خان) ۳۶۹
جلیل (خان مباشر) ۹۴، ۹۵
جلیل (خان سرتیپ) ۳۳۳
جواد (حاجی میرزا) [مجتهد تبریز] ۹۳
جوادیبک ۱۶۲
جوانرود ۱۶۲
جهانسوز میرزا (امیر تومان) [پسر فتحعلی‌شاه]
۴۲، ۱۴۵، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۵
جهانگیر (خان) ۸، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۶۷، ۱۰۴،
۱۰۷، ۱۲۵، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۶، ۲۲۴،
۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹
جهانگیر (خان، آجودان باشی) ۲۷، ۲۸
جیم بافیه (ایالت) ۱۳۱
چابهار ۴۰، ۴۱
چلیپانلو، رحیم (خان) ۲۸۹
چمن درشک ۲۸۷، ۲۹۵

چ

خ

- خازن الملک، محمد رحیم (حاجی) ۱۳۸
 خانقین ۲
 خانه میرزا (مکان) ۳۴۹
 خداداد (خان) ۳۹
 خداکرم (خان) ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۱۶
 خراسان ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۷، ۴۰، ۴۲، ۴۶، ۵۳، ۵۶، ۶۴، ۷۷، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۶۴، ۱۶۲، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۰۷، ۲۴۶، ۲۴۹-۲۵۱، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۸۲، ۳۰۲-۳۰۵، ۳۲۲، ۳۴۴
 خراسانی ۳۰۴
 خرم آباد ۱۳۱، ۲۴۶
 خزر (بحر) ۱۶۷
 خسرو میرزا (حاجی) ۱۴۲
 خلیج (فوج) ۳۱۴، ۳۳۰، ۳۸۵، ۳۸۶
 خلخال ۲۸۴
 خمسه ۱۸۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۶۴، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۳۰
 خمسه (فوج) ۸۲، ۱۵۶، ۱۸۷، ۳۲۹، ۳۳۲
 ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۴۱، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۸۵، ۳۸۷
 خمسه، نصرالله ۱۶۴
 خوار ۳۰۳
 خوانسار ۱۲۴، ۳۳۱، ۳۴۲، ۳۵۵، ۳۵۶
 خوزستان - عربستان (خوزستان)
 خوی ۱۹۲، ۲۷۳، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۹
 خوی (فوج) ۱۹۴، ۲۸۴
- حسین (آقا) ۱۷، ۱۶
 حسین (رئیس) ۳۸۸
 حسین (ع) [سیدالشهدا] ۲۶۳
 حسین آباد ۲۰، ۱۳۱
 حسین (میر، خان) ۷۲
 حسین بیک باور ۳۸
 حسینعلی بیک ۲۵۸، ۸۱
 حسین عونی پاشا ۱۹۸
 حسینقلی (خان) ۶، ۱۰، ۱۲-۱۰، ۲۱، ۳۶، ۹۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۱۰
 حسینقلی (خان، والی پشتکوه) ۲۴۵
 حسین قلی (خان سرتیب) ۹۷، ۲۹۰
 حسینقلی (خان نانکلی) ۲۴۲
 حشمت الدوله، حمزه میرزا [پسر عباس میرزا نایب السلطنه] ۱۹، ۷۱، ۷۶، ۱۶۰، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۴۶، ۲۸۰، ۲۹۶، ۲۵۲، ۳۶۳
 حشمت السلطنه ۱۴۵، ۱۵۹، ۲۳۷، ۲۵۶
 حشمت الملک امیرتومان ۳۱۳
 حضرت عبدالعظیم ۸۵، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۵۶، ۱۵۸، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۹
 حضرت ~~محمود~~ سومه ۳۱۳
 حکیم الممالک، علی نقی (میرزا) ۱۵۳، ۲۰۳، ۲۳۴
 حمدالله ۴۷
 حمزه آقا ۲۸۸
 حمید میرزا (سلطان) ۸۲
 حیدر (خان دشتی) ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۸۸
 حیدر علی (میرزا، خان) ۳۹
 حیدری ۱۸۱

ذ

ذوالفقار (خان) ۵۷، ۱۸۳، ۲۳۹

ر

رازان ۳۴۸
 رجبعلی (میرزا، خان) ۱۵۶، ۱۸۴، ۲۹۸
 رحیم (میرزا، خان یاور) ۱۲۹، ۱۳۰
 رشت ۵۴، ۵۹، ۷۳، ۷۸، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۳۶
 ۱۴۳، ۲۰۵، ۲۲۶، ۲۲۹
 رشیدپاشا ۲۲۲
 رضا (میرزا، گماشته مستوفی الممالک) ۷۵، ۷۸
 رضاییگ ۲۸۱، ۲۸۲
 رضاقلی (خان) ۲۲۸
 رکن‌الدوله، محمد تقی میرزا ۱۵۰، ۱۵۷، ۲۰۸
 ۲۱۴، ۲۵۸، ۳۱۲
 رودشت ۳۴۹
 روزنامه رسمی ۱۴۶
 روسها ۱۳۳، ۱۹۰
 روسیه ۱۷، ۳۰، ۸۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۶۰
 ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۲۲
 ۲۳۰، ۲۳۵
 رومانی ۱۹۷
 رویترا (بارون) ۸۴، ۹۵-۹۹
 رئوف پاشا ۱۳، ۷۲
 ریشه ۳۱۰، ۳۲۰
 رینه لاریجان ۱۴۵
 زرگنده ۱۹۷

د

داراب (خان) ۳۱۶، ۳۴۷، ۳۶۸
 دامغان، ۱۱۴، ۳۰۳
 دامغان (فوج) ۱۱۲
 داس (موسیو) ۳۶
 دبیرالملک ۱۹، ۲۰، ۳۷، ۴۱، ۵۶، ۷۵، ۱۲۱
 ۱۳۱
 دربی (لارد، لرد) ۱۷۱
 درجروود ۲۷۵
 درجز ۳۰۴
 درجزین (فوج) ۱۵۷
 دروازه دولت ۱۲۰
 درویش پاشا ۸۳
 دریاییگی ۶۰
 دشتستان ۳۶۴
 دماوند (فوج) ۱۱۲، ۱۳۲
 دویسکی ۷۹، ۸۹
 دوشان تپه ۳۵، ۴۶، ۶۸، ۲۲۸، ۳۳۸، ۳۸۲
 دولیه (مسیو) ۱۵۶
 دویرن ۱۸۳، ۲۱۰
 ده‌باشی ۲۴
 دیاریکتر ۲۰۳
 دیر ۳۱۳
 دیکسون ۴۰، ۹۲
 دیوان همایون ۲۰۱

سلطان خان ۱۶۱.۱۶۹	زرندی (فوج) ۵۱
سلطانیه ۳۷	زهاب ۱۲.۴۷.۵۶.۷۷.۱۴۱.۱۴۵.۱۵۹
سلطنت آباد ۲۹.۶۳.۶۵.۶۷.۱۷۰.۲۴۰	۲۳۲.۲۲۵.۲۱۳.۲۰۹.۱۶۱
۲۶۸.۲۶۷.۲۴۲	زیناویف (مسیو. مدم) ۱۹۸.۱۹۷
سلماس ۲۷۳	
سلمان (خان صاین قلعه) ۷۶.۲۲۸	ص
سلیم (خان) ۲۸۹	
سلیمان (میرزا) ۳۴۲.۳۴۳	ساری ۲۴۴
سمنان ۲۳.۲۶۴.۳۰۳	ساری اصلان (مکان) ۱۳۲
سمنان (فوج) ۱۸.۲۲.۱۱۲.۲۰۲	ساعداالدوله ۱۷۷.۲۴۳
سمیرم علیا (مکان) ۳۶۸	ساعداالملک، عبدالرحیم (میرزا، خان، وزیرمختار در پترزبورغ) ۸۳.۱۳۳.۱۴۴.۱۴۷
سنگلج ۱۶۷.۱۷۴	سام سون ۲۰۳
سهام الدوله، یارمحمد (خان) ۳۰۳	ساجبلاغ ۱۷۰.۲۷۱.۲۷۲.۲۷۴.۲۷۶.۲۷۷
سهام السلطنه، حیدرقلی (خان) ۷	۲۸۸-۲۹۰.۲۹۲.۲۹۵
سه دهی (فوج) ۳۷۰	سبزواری ۱۹۱.۲۲۹.۳۰۳.۳۰۴
سهند ۲۷۹	سراج الملک ۳۷۴.۳۷۶
سوادکوه ۳۴۱.۳۴۱	سراب ۲۸۲
سوادکوهی ۲۲۸	سربند (فوج) ۸۵
سیدخلف ۱۵۵	سرحد ۳۶۶
سیستان ۲۷.۵۶.۵۷.۶۴.۲۱۳.۲۳۲.۲۳۳	سرخس ۱۸۳.۲۵۸.۳۰۴.۳۰۵
سیف الدوله ۷۴	سعدالدوله، جواد (حاجی خان) ۵۶.۹۱.۹۳
سیف السلطنه ۳۸۵-۳۸۷.۳۳۴	۱۰۳
سیف السلطنه (فوج) ۳۶۰	سعدالملک ۳۴۹
سیف الله (خان) ۱۶۵	سفارت اتریش ۱۷۶
سیفی (طایفه) ۱۱	سفارت انگلیس ۳۷.۱۷۱.۱۵۲.۲۴۳.۳۲۰
سیلاخوری (فوج) ۱۲۷.۱۵۲.۲۱۵.۳۵۴	۳۵۲.۳۲۳
۳۸۳.۳۶۳	سفارت ایران در اسلامبول ۳.۱۲.۹۴
	سفارت روسیه ۱۴۴.۲۰۷.۲۲۶.۲۲۹.۲۳۰

ش

ص

صاحب اختیار، سلیمان (خان) ۸۱، ۸۲، ۲۵۹
 صاحب دیوان، فتحعلی (میرزا خان) ۱۵۸، ۱۷۳،
 ۱۷۸-۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۶،
 ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۸۴، ۳۴۹
 صادق (آقا سید) ۷۳، ۷۷
 صار (محل) ۷۱
 صابن قلعه ۲۸۹، ۳۰۱
 صدرالدوله ۲۹۰، ۲۹۱
 صدیق الملک ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۶۹
 صراف، عباس (حاجی) ۳۲۲
 صراف، کاظم (حاجی) ۳۵۳
 صراف، محمدرضا (حاجی) ۳۸
 صرب (قوم) ۱۳۱
 صربستان ۲۲۵
 صفرعلی (حاجی، خان، سرتیپ شامسون)
 ۱۴۲
 صلاح الدین ۱۴۰
 مصمم الدوله ۵۱، ۹۲
 مصمم الملک ۶۴
 صنیع الدوله، محمدحسن (خان) ۲۹، ۱۷۱
 صیفی (محل) ۱۰، ۱۲، ۱۳

ض

ضرابخانه ۱۷۶
 ضرابی، پنخان (مسیو) ۱۷۶
 ضیاءالدوله ۳۴

شاطرانلو (فوج) ۱۸۴
 شاهرود ۴۱، ۱۱۴، ۱۸۳، ۲۶۴، ۳۰۳
 شامسوند (شامسون) ۸۸، ۲۷۱، ۳۵۰
 شامسوند، نقدعلی ۱۹
 شجاع الدوله ۳۴، ۱۵۶، ۲۴۹، ۲۹۸، ۳۰۳
 شجاع الدوله، امیرحسین (خان) ۱۳۱، ۱۴۹
 شجاع الدوله، یوسف (خان) ۱۱۷
 شجاع السلطنه ۲۳۹
 شریف آباد ۳۰۳
 شریف (حاجی، خان) ۱۷۴، ۲۱۴
 شط العرب ۳۱۸
 شقاقی (فوج) ۲۸، ۲۹۱، ۲۹۹
 شقاقی (ولایت) ۲۷۳
 شکوه السلطنه ۱۵۸
 شمس العماره ۸۱، ۱۶۷
 شمیران ۲۱، ۴۸، ۱۲۰، ۲۶۸
 شوشر ۳۱۵، ۳۵۲
 شهاب الدوله ۳۳۱
 شهاب الملک ۶۴، ۶۷
 شهربابک ۳۴۷، ۳۴۸
 شهرستانک ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۲۸۸
 شیراز ۱۶۵، ۱۶۶، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۷،
 ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۵۸، ۳۶۲، ۳۶۵،
 ۳۶۶، ۳۸۰، ۳۸۵، ۳۸۶
 شیرازی، محمدعلی (میرزا، مهندس) ۳۰۴
 شیل (کلنل) ۶۰، ۲۶۸

ضیاءالملک، میرزازکی ۱۶، ۱۷، ۴۵، ۴۷، ۷۲

۱۳۱، ۳۶۳

ط

طالب قدرت بیگلر ۱۹

طالقان ۲۲۴

طامسن (وزیرمختار انگلیس) ۹، ۲۷، ۵۷، ۷۹

۸۳، ۱۸۴

طوالش ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۸۵

طولوزون (پزشک فرانسوی) ۶۵، ۷۶، ۹۰

۱۸۳، ۲۱۵

طهران ۱۱، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۴۲، ۵۱، ۵۴

۵۶، ۶۳، ۶۷، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۸۹، ۹۲، ۹۹

۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱

۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۶

۱۹۴، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۴۸

۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۸، ۲۸۴

۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴-۳۱۶

۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۳-۳۳۵

۳۳۷-۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۵۰-۳۵۲

۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۵

۳۶۷-۳۷۱، ۳۷۷-۳۸۷

طهران (فوج) ۹۲

طهماسب قلی (خان، یوزباشی) ۲۸۹

ظ

ظل السلطان، مسعود میرزا ۴۹، ۷۱، ۱۹۳، ۲۱۲

۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱-۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳

۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۵۰

۳۵۳، ۳۵۵-۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶

۳۶۸-۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۸۲

۳۸۳-۳۸۵، ۳۸۷

ظہیرالدوله ۵۷، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۱۰۷، ۱۰۸

۱۱۲-۱۱۴، ۱۴۶، ۱۶۲، ۲۴۸

ع

عاشوراده (جزیره) ۱۲۵

عاکف پاشا ۲۴۴، ۲۴۵

عالی پاشا (صدر اعظم عثمانی) ۴، ۹، ۱۰

عباس (خان) ۳۳۴-۳۳۶

عباس (میرزا، خان) ۴۹

عباس آباد ۲۱، ۴۹، ۷۲

عباسقلی (میرزا) ۸۱، ۸۴، ۹۲

عباس قلی بیگ ۳۵۰

عباس میرزا نایب السلطنه ۲۲۹

عبدالحسین (خان) ۷۳

عبدالرحیم (حاجی میرزا) [وزیرمختار ایران در

پطرزبورغ] ۴۹، ۳۶۰

عبدالمعز (سلطان) ۱۹۷

عبدالقادر (خان) ۵۳

عبدالله (خان، سرهنگ) ۳۱۲، ۳۷۳

عبدالله (میر) ۳۱۶

عبدالنبی ۳۵۲

عبدالوهاب (میرزا، خان، سرتیپ) ۳۲۱

عبدالوهاب (میرزا) [مستوفی گیلان] ۱۸۵

علی (ع) [امیرالمومنین] ۵۵، ۶۲، ۲۸۷
 علی (مشهدی، میرزا) ۳۵۷
 علی (میرزا) ۳۶۶
 علی آباد ۷۲
 علی اکبر (میرزا، خان) [کارگزار بوشهر] ۲۰۱
 ۳۱۰، ۳۵۲، ۳۶۲، ۳۸۷
 علی قلی (حاجی، خان) ۲۶۰، ۲۸۶، ۲۸۹
 علی قلی (خان، تفنگدار) ۱۵۷
 علی قلی (خان، سرتیپ) ۲۳
 علی محمد (خان) ۱۰۶
 علی نقی (خان، سرتیپ) ۸۵، ۲۰۳، ۲۰۷
 ۲۱۵، ۲۶۹، ۳۱۳، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۵۰
 عمادالدوله ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۰۹، ۱۲۵، ۲۴۱
 عمیدالملک ۲۲۴، ۲۴۲، ۳۱۴، ۳۵۰
 عهدنامه تجارنی ایران و روس ۲۴۶
 عیسی (میرزا، وزیر) ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۵۵، ۵۶
 ۸۵، ۹۰
 عینعلی (خان) ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۴۱

غ

غریبه (محل) ۱۱
 غلامحسین (خان) ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۸۷
 غلامحسین سلطان ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۸۸
 غلامعلی (خان) ۳۹

ف

فارس ۲۵، ۳۷، ۴۰، ۴۹، ۶۳، ۶۶، ۷۵، ۱۴۳

عبیدالله، شیخ طه ۱۱۹، ۲۷۴، ۲۷۵
 ۲۷۹-۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸-۲۹۰
 عبیدالله بن زیاد ۲۷۷، ۲۷۸
 عتبات عالیات ۳۶۷
 عثمانی ۳، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۸
 ۱۷۰، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۲
 ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۷۷
 عراق ۴۵، ۲۶۰، ۲۶۴، ۳۱۴
 عراق عجم ۳۷۱
 عراق عرب ۳، ۹، ۱۰، ۱۶۰
 عرب (فوج) ۱۱۲
 عرب، عربها ۲۰۲، ۳۴۸، ۳۷۸
 عربستان (خوزستان) ۶۴، ۱۰۴، ۱۶۷، ۱۸۷
 ۲۱۵، ۲۳۵، ۳۰۹، ۳۴۹
 عزالدوله، عبدالصمد میرزا ۱۳۰، ۱۸۳
 عزانویل (لرد) ۵۷
 عزیز (خان، سردارکل) ۲۸۱
 عزیزافه (خان) ۷۷
 عشرت آباد (باغ) ۳۴۱
 عضدالدوله، احمد میرزا ۳۴، ۲۰۷
 عضدالملک، علیرضا (خان) ۳۰، ۲۴۴
 عفت السلطنه ۳۲۲
 علاءالدوله، محمد رحیم (خان) ۲۵، ۳۰، ۴۶
 ۵۰، ۵۱، ۸۰، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵
 ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۶، ۲۰۰، ۲۵۴
 علی (حاج، ملا) ۷۳، ۷۷
 علی (حاجی آقا) [قاضی بتاب] ۳۰۰
 علی (شیخ، خان) [حاکم مراغه] ۲۵، ۴۰۷، ۴۹۰
 ۳۸۶

قاری قلمه ۲۲۱	۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷-۱۶۹، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۳
قازلی کوی (مکان) ۵-۳۰۱	۲۱۸، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۰۹، ۳۲۹، ۳۳۰
قاشتیقیر (مسیر) ۲۱	۲۳۳-۲۳۵، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۲-۳۴۸، ۳۴۹
قاضی، علی (حاجی آقا) ۲۷۶	۳۵۳، ۳۵۹-۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۹، ۳۸۷
قائم مقام بزرگ ۲۷۰	فتحملی (خان) ۲۰۱، ۲۰۰
قاین ۵۶	فخرالملوک ۸۰
قدربیک ۱۱	فخری بیگ افندی (سفیرکبیر عثمانی) ۲۱۷
قدم حاجی قدم شاه ۱۶۳	فراهان (فوج) ۸۲
قراچه داغ ۲۹۶	فرانسه ۲۶۲
قرارداد رویتر ۹۸	فرانگلین (جنرال) ۱۹۷، ۱۹۸
قرارنامه راه آهن ۸۴، ۹۹	فرج الله (میرزا، خان) ۳۲۸
قرقچی، محمد ۱۴۶	فرج (خان یاور) ۳۶۳
قروه ۲۰۷	فرخ (حاجی) ۱۶۳
قریمه (محل) ۱۵۱	فردوس (باغ) ۷۸
قزوین ۴۱، ۵۹، ۶۰، ۷۲، ۷۶، ۱۸۵، ۲۰۷	فریدن ۳۴۸، ۳۴۹
۲۳۶، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹	فازآباد ۷۲
قزوینی، محمدرضا (حاجی، تاجر) ۱۸۵	فضل علی سلطان ۳۸۸، ۳۸۹
قشقای ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۴۹، ۳۶۸	فلارد ۳۱۶، ۳۴۹، ۳۶۷، ۳۶۸
قصرشیرین ۴۷	فندر سک ۲۶۱
قم ۸۴، ۱۳۷، ۳۱۲-۳۱۴، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۶۶	فومن ۲۲۶
۳۶۷	فیروزکوه ۳۴۱، ۳۶۱
قمرالسلطنه ۱۶۳، ۱۸۲، ۲۰۳، ۳۲۸، ۳۳۹	فیروزکوه (فوج) ۱۷۷، ۲۶۱
قندهار ۱۶۹، ۳۰۵	
قنقری ۳۶۶	
قوام الدوله ۸، ۳۰، ۴۰، ۵۲، ۵۳، ۸۱، ۸۴	
قوچان ۳۰۴	
قهرمان (میرزا) ۳۸	
قهرمانیه ۲۹۱	
قهرمانیه (فوج) ۱۸، ۲۲	
	ق
	قاجاریه (ایل) ۳۶
	قادرآقا ۲۷۹، ۲۸۹
	قاراداغ ۱۴۸
	قارچکوف (پرنس) ۲۷، ۱۳۴، ۱۹۷

ک

کمپانی راه آهن ۴۰
 کمپانی کریسال ۳۵۲، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳
 ۳۸۰
 کمره (فوج) ۸۲، ۱۳۱
 کولنس (وکیل بارون جولیس روینر) ۹۴، ۹۵
 ۱۰۱، ۹۷
 کوهمره ۳۲۷

گ

گرگان - استرآباد
 گرمرو ۲۸۲
 گروس ۱۵۷، ۲۳۳، ۲۷۹، ۳۰۱
 گروس (فوج) ۱۳۲، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۶۰، ۳۶۱
 گلپایگان ۱۲۲، ۳۳۱، ۳۴۳، ۳۵۴، ۳۵۶
 گلپایگان (فوج) ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۵۵، ۳۷۴
 گلداسمیت ۵۷
 گیلان ۲۵، ۳۰، ۴۴، ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۷۲، ۱۴۸
 ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۴
 گیوی، رضا (خان) ۱۶

ل

لاریجان ۱۶۵، ۲۸۴
 لاریجانی (فوج) ۲۳۸
 لاسور (موسیو) ۲۳۱
 لاله زار (باغ) ۵۶، ۱۱۱
 لاله زار (خیابان) ۲۶۷
 لرستان ۱۹۲

کابل ۱۷۰، ۳۰۵
 کارون ۳۲۷
 کاشان ۳۳۰، ۳۲۹، ۱۵۹، ۱۵۸، ۳۳
 کاشمر ۳۰۳
 کاظم (خان سرتیپ) ۳۲۱، ۳۷۴-۳۷۶
 کامران میرزا نایب السلطنه ۳۳۸
 کراپل (مسیو، کریل) ۱۲۵-۱۲۷
 کربلا ۲۲۴، ۳۲۶
 کردستان ۴۶، ۵۱، ۱۵۹، ۱۹۲، ۲۳۵، ۲۳۷
 ۲۶۴، ۲۷۴، ۳۲۸
 کردها ۱۷۰، ۱۹۲، ۲۷۲، ۲۷۶-۲۷۹، ۲۹۱
 ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۹-۳۰۱
 کرزه بر (سواره) ۳۵۴
 کرمان ۴۰، ۴۱، ۵۶، ۷۵، ۲۱۱، ۲۶۴، ۳۰۹
 ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۴۰، ۳۵۰، ۳۵۶
 ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۲، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۶
 کرمانشاهان (کرمانشاه) ۶، ۴۸، ۵۶، ۶۵، ۶۷، ۱۹۲، ۲۳۵، ۲۶۴
 کرمانیان ونک (محل) ۳۶۸
 کوند ۲۲۷
 کرید (جزیره) ۷۲
 کریم ۱۶۶
 کریم (حاجی میرزا) ۳۵۳، ۳۵۹، ۳۶۰
 کریم (خان سرهنگ) ۳۴۷
 کزار (فوج) ۱۳۱
 کلات ۱۷۱، ۲۵۸
 کنیداره حسین (میرزا) ۲۶۳

محمدیگ ۳۲۹، ۳۲۸
 محمد پاشا (خان) ۲۳۷، ۲۳۱، ۱۵۹
 محمد تقی (خان) ۷۱
 محمد حسن (خان یوزباشی) ۲۳۴، ۲۲۴، ۱۰۸
 محمد حسین (آقا) ۳۶۰
 محمد حسین (آقا، میر) ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۱-۳۴۴،
 ۳۸۶، ۳۴۹
 محمد حسین (خان) ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۱۶
 محمد حسین (میرزا) [امام جماعت مسجد
 ناصری واقع در حاجی ترخان] ۱۳۳
 محمد حسین (میرزا، لشگونویس) ۳۵۵، ۳۴۶
 محمد ربیع (سلطان) ۳۷۳
 محمد رحیم (حاجی، خان) ۱۲۳
 محمد زکی الحسینی ۱۸۵، ۱۸۶
 محمد صادق (حاجی، خان، ایلخانی) ۷۰، ۸۸
 ۳۲۲
 محمد علی (آقا، میرزا، خان) ۱۱، ۱۲، ۳۷،
 ۲۴۴، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۱، ۳۶۴
 محمد علی بیک ۳۲۸، ۳۲۹
 محمره (خرمشهر) ۲۴۶
 محمود (میرزا، خان) ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۵
 محمود آقای سرهنگ ۱۶
 محمود بیک (فورخانهچی) ۳۲۲، ۳۲۵
 محمود موزیکانچی ۳۲۱
 محمودیه ۱۱۵
 منبرالدوله، علی قلی (خان) ۶، ۱۳۸، ۱۷۲
 ۲۰۲، ۲۲۷-۲۲۹، ۳۰۴، ۳۲۰، ۳۲۴
 مدحت پاشا ۱۱-۱۳، ۴۱، ۴۹، ۷۰، ۷۲
 مرافه ۲۷۵، ۲۷۷-۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۰

لرستانی (فوج) ۱۵۷
 لطفعلی (خان، سرتیپ) ۱۲۹، ۲۷۱
 لندن ۱۸، ۳۷، ۵۷، ۷۳، ۱۱۲، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۹۰
 ۲۰۳، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۶۲
 لوکس (مستر) ۳۱۰

م

ماجدی (خانواده) ۳۴۹
 ماری ۲۶۲
 مازبین (شخص) ۱۱
 مازندران ۷۶، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۶۸، ۱۷۷
 ۲۴۴، ۲۴۳
 ماصرم (محل) ۳۲۷
 ماکو ۲۸۴
 مجارستان ۱۳۹
 مجدالدوله، مهدی قلی (خان) ۶۰
 مجید میرزا (سلطان، تفنگدار باشی) ۷۸
 محال جوانرود ۱۵۹
 محبعلی (میرزا) ۱۱، ۱۳، ۸۲، ۲۱۷، ۲۶۹
 محسن (حاجی خان) [مشیرالدوله بعدی، وزیر
 مختار ایران در لندن] ۳۶، ۴۷، ۵۶، ۵۷، ۷۷
 ۷۹، ۸۳-۸۵، ۹۵، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۱
 ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۷
 محمد (آقاخان) ۲۴، ۷۳، ۱۶۸
 محمد (آقاسرتیپ) ۱۶۹، ۱۷۸
 محمد (میرزاخان) ۳۱۰
 محمد (میرزا یوزباشی) ۳
 محمد باقر (حاجی خان) ۳۱۰

۲۸۰، ۳۷۹، ۳۷۳، ۳۶۶، ۲۳۸، ۲۱۲	۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۲
مطهر پاشا ۲۴۶	مراغه (فوج) ۲۸۴، ۲۶
مظفرالدین میرزا ۲۸۰، ۲۷۲، ۲۵۷، ۲۵۳	مَرَنَد ۲۹۹
مظفرالملک ۳۳۹، ۳۳۲، ۳۲۹، ۳۱۴، ۳۱۳	مروى‌ها ۳۰۳
۳۵۰، ۳۴۰	مربان (شخص) ۱۳، ۱۲
مظفرالملک (فوج) ۳۱۴	مستشارالدوله، میرزا یوسف ۳۰۵، ۲۱۴، ۱۷۴
معاون الملک ۳۹، ۱۹	مستشارالملک، محمدرضا (حاجی، میرزا)
معاهده پاریس ۱۸۵۶م بین روسیه و عثمانی	۲۳۳، ۲۰۷
۱۸، ۱۷	ستوفی، عبدالوهاب (میرزا) ۵۹
معمدالدوله، فرهاد میرزا ۷۳، ۴۸، ۴۶، ۳۸	ستوفی، محمدرضا (میرزا) ۱۸۶
۹۰، ۹۲، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۳، ۲۳۲	ستوفی الممالک، یوسف (میرزا) ۸، ۱۶، ۶۱
۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۲۸	۷۲، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۴۶، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۹۰
۳۳۷، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۵	۲۵۳، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۱۱، ۳۱۲
۳۸۰، ۳۷۸، ۳۶۷	۳۲۷، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۵۸
معمد الملک، یحیی (خان) ۵، ۲۱، ۲۹، ۱۴۳	۳۶۶، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۷۶
۱۶۴، ۱۶۶، ۱۸۴، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۳۸، ۲۴۳	مسجد شاه ۹۱
۲۴۴، ۲۵۴، ۳۱۰، ۳۲۵، ۳۲۶	مسقط ۴۰
مغزالدوله، بهرام میرزا ۳۱، ۳۲، ۱۳۰، ۱۳۱	مسیح (میرزا) ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۷
معصوم (میرزا، خان) ۲۷۱	مسیله (مکان) ۳۱۳
معیرالممالک، دوست محمد (خان) ۲۱، ۸۱	مشکوة الملک ۱۸۸
معین الدوله، احمد میرزا ۱۴۲	مشکین (فوج) ۳۸۷
معین الملک، شیخ محسن (خان) ۷، ۸۲، ۸۳	مشهد ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۸، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۱۲
۱۷۷	۳۳۴
مکونندی (محل) ۳۱۵	مشیر ۱۶۷، ۱۶۸
مکه ۷۳، ۲۵۴	مشیرالدوله ۲، ۱، ۳۶۷
ملایر (فوج) ۳۶۵	مشیرالملک ۱۶۹
ملخطاری (طایفه) ۱۱	مشیرلشکر [میرزا قهرمان قمشه‌ای] ۳۲۸، ۳۳۷
ملخطاری (محل) ۱۰-۱۴	۳۴۴، ۳۴۵، ۳۶۰
ملکم‌خان (میرزا ناظم‌الدوله) ۴۵، ۸۳، ۲۱۳	مصطفی قلی (خان، سرتیپ) ۱۵۰، ۱۹۹، ۲۱۱

ناصرالدوله ۲۳۹، ۲۸۳	۲۳۷
ناصرالملک، محمود (خان) ۲۷، ۲۸، ۳۶، ۴۵،	ملک‌نیز خان ۱۲، ۶۹، ۷۰
۵۴، ۶۳، ۷۱، ۹۱، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۴۳،	مندلیج (محل) ۱۲
۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۰۵، ۲۳۰، ۲۵۴، ۲۵۵، ۳۰۹	منیرالسلطنه ۳۳۸، ۳۳۹
ناصری (مسجد) ۱۳۳، ۱۳۴	منیف افندی ۱۳۵، ۱۵۴، ۱۷۲
ناصریه (خیابان) ۱۰۷	مومن الملک، سعید (میرزاخان) ۲۰۸
ناظم افندی ۱	مورچه خورت (محل) ۳۷۸
ناظم الملک ۹، ۴۷، ۷۵، ۷۹، ۱۲۵، ۱۶۹، ۱۹۵،	موسی (میرزا) ۶۴
۲۰۳، ۲۱۴، ۲۴۵، ۲۵۵	موش (محل) ۲۴۵
ناظم خلوت ۲۱۱، ۲۱۲	موغان ۲۷۱
ناظم میزان، عبدالله (میرزا) ۳۸	موبدالدوله، طهماسب میرزا ۳، ۴۶، ۴۷، ۵۶،
ناوه ۲۲۹	۷۱، ۷۲، ۷۷، ۸۵، ۱۷۴، ۱۷۹
نپیر (صاحب، رئیس تلگراف‌خانه) ۳۲۴	مؤیدالملک، احمد (میرزا، خان) ۱۷۹، ۱۹۵،
نجف ۷۵، ۱۱۴	۲۰۷
نرماشیر ۳۷۳	مهد علیا (مادر ناصرالدین شاه) ۲۱، ۶۷، ۸۰،
نریمان (خان) ۲۵۵	۹۰
نصرالدوله ۱۴۷	مهدی (خان، سرهنگ) ۳۳۰، ۳۳۱
نصرالله (حاجی میرزا) ۳۲۷	مهدی قلی (خان) ۳۰۹
نصرالله (خان) ۱۱۸، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۶۹،	مهدی قلی میرزا ۸۵، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۰،
نصرالله (خان بهارلو) ۳۱۳	مهبیار (مکان) ۳۲۴، ۳۴۹
نصرالله (خان سرهنگ) ۲۴۰	میان دشت ۳۰۳
نصرالملک ۱۵۶، ۱۷۳، ۲۰۳	مباندوآب ۲۷۶، ۲۹۰، ۲۹۱
نصرت‌الدوله ۱۸-۲۳، ۲۹، ۱۲۶، ۱۲۷، ۳۳۷،	میانکاله (محل) ۱۴۱
۳۶۵، ۳۷۱-۳۷۳، ۳۸۱، ۳۸۲	میدان مشق ۱۶۷، ۱۹۶
نصرت‌الدوله فرمان‌فرما ۳۱۱، ۳۱۲	میلان (پرنس) [والی صربستان] ۱۳۹
نصرت‌الملک ۳۶۳	
نصیرالدوله، عبدالوهاب (میرزا، خان) ۱۴، ۹۲،	ن
۱۰۳، ۱۸۸، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۳۷، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۸۱	
نصیرالملک ۱۶۶	نادرشاه ۹، ۳۶۸

ولگا - ولقا	نظام الدوله ۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۵۰
ولی قلی (میرزا) ۱۷۵	۳۰۳، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۰۵، ۷۸، ۶۳
وینا (وین) ۲۶۲	نظام الدین ۳۶۶
ه	نظام الملک ۲۳، ۲۱
	نظرآقا ۴۷، ۷۸، ۱۱۹، ۱۳۲، ۲۳۲
	نعمتی ۱۸۱
هرات ۱۵، ۲۵۰، ۳۰۵	نگارستان (باغ، کاخ) ۲۵، ۵۶، ۱۶۷
هرسک (محل) ۱۴۸	نمسه (اطریش) ۷۷
هزاره، یوسف (خان) ۳۰۴	نورمحمد (خان) ۲۷، ۲۸
مشرود ۲۷۹، ۲۹۹	نوری، نصرت الدوله ۱۶۳
مشرود (فوج) ۲۹۰	نوکیان طارم ۱۵۷
ممدان ۳۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۴۶	نیاوران ۵۳، ۷۱، ۹۱، ۱۰۳، ۲۱۳، ۲۶۷
هندوستان ۴۱، ۷۹، ۱۵۱، ۲۲۳، ۲۵۵، ۲۵۶	نیریز ۲۹
۳۶۰	نیشابور ۳۰۳، ۳۰۴
هوشنگ میرزا ۱۲۲	

و

ی	وان (محل) ۲۴۵
بزد ۲۵، ۶۳، ۱۱۲، ۱۳۱، ۳۲۳، ۳۴۸، ۳۵۴	وجبه الله میرزا ۱۷۹، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۵
۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۴	۳۰۳
یعقوب (خان) ۲۲۱، ۲۲۳	ورامین ۳۶
یوسف (میرزا، سید) ۱۶، ۱۷	ورچین (کوه) ۲۲۳
یوسف آباد ۱۳، ۵۰، ۶۶، ۶۷، ۹۰، ۱۲۰	وزیردفتر ۱۸۸
یونان ۲۰۲	وزیر لشکر ۱۵۲، ۱۸۳، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۲۰
	وکیل الملک ۴۱، ۱۷۹
	وکیل لشکر ۱۴۲
	ولقا (رود ولگا) ۱۳۶

تصاویر اسناد

در بیان سبب کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

مطلب اول در خصوص اینست که در روز دوشنبه در وقت صبح در آنجا که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

باشند در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

چون در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

بدر آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

که در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

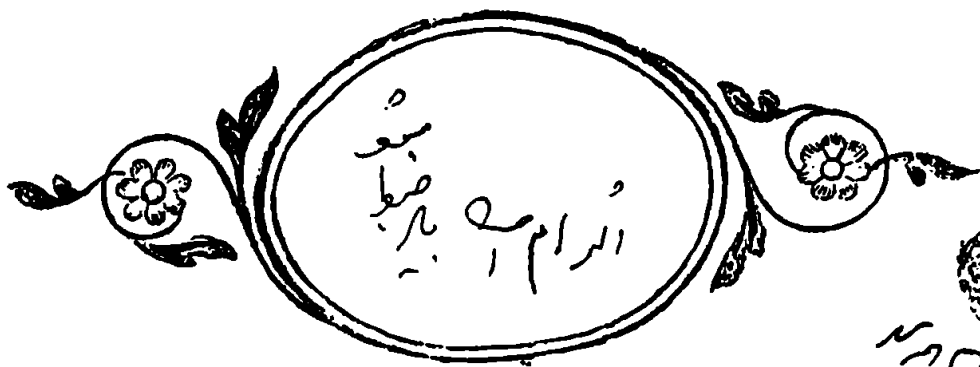
که در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

که در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

که در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

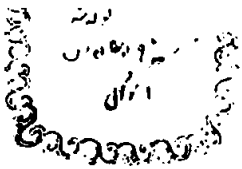
که در آن روز که در آنجا کشتن کالی کوهی به سبب ناراضی باطنی شاه (سند شماره ۱۸۲)

Handwritten marginal notes in Persian script, likely providing commentary or additional details related to the main text.



الحمد لله
 الذي جعل
 الدنيا دار
 فناء
 والآخرة دار
 بقا
 والدار الآخرة
 خير
 من الدار الدنية
 والدار الآخرة
 خير
 من الدار الدنية
 والدار الآخرة
 خير
 من الدار الدنية

عزيمت ودمه كبريت قهر وقرضه ام استن ملايك بسب
 ان يفرج شفت به جمنا طرايه في اللرضى در دروغ
 که درشته ابرفته مات رت که درعاسر کور
 لسه . بهللم ما يعلو لول شده است فاصه در رت سله از رت
 امر و صاره و زارت حان که در کا رونغ ام اکر سول
 اینه ان راعا زه ایا یون ما شرت بنام روح الله را قهر
 و حیا دره خون بنام روح خفی در زنگ از امر که سلم مارک
 درت باید رلیفا در سر لهر شفا هر ما کتر به سعت حاکم
 نورا کور داشته سلم نازم شرط درج که درعاسر کور



تذکره اسب بکلیت

در تاریخ ...

دوس گوید که در ... اسب بکلیت ...

دوس گوید که در ... اسب بکلیت ...

دوس گوید که در ... اسب بکلیت ...

بر عفت و خفاک همین بود زنده بر آید در خاک پر لعلت عزت بهم و قبح سوابت نیم فرود از زلف سوزنی
 در خاک پر بر تن ایام دور به بیت اور جنب ایند بر گاه این من معبر طرائف مولا که در دغا فاکریم وقت طرح طراز
 در دو باید بر کردگان و سنانا دیک نفر و از این میزتم زرد هر کرد در کردگان و سنانا بفرستد باید حصار
 ناز به روزم و بفرستد باید بفرستد در هر بهریم براند بفرستد از هر صبح است آن طرح هم
 که در لعلت خورشید استقیق هم در هر بارک با ایند معلوم است از لعلق زوق بارک و از بارک زود در میان
 شایه در دغا فاکر کردگان و سنانا بیکه دیند و خنده مستقیقا در زلف فرود از زلف سوزنی است نیم بهریم
 نایه و بختین دانه و اجزیت و بفرستد و کجا هر است با تمهید هر شود و بوزن فنون نجیب آمده سعادت اولی
 اطفال زوق همه بفرستد فرود هر روز است و در نظر یک است کیمت نشان مقصد خفای است در هر روز
 کیمت و زبان اهل شود و در اثر خرد این دو وقت عشق بنه مایه درت افغانا و کمرت غنای سببها بنام و با
 با خفاک که بر هر بر این شایه در دغا فاکر است
 علی حاکم
 مستحق

حیات شکر مقدس سینه روغن فلفل بنفشه و سقزاق بنفشه درخت زردی در هر روز خوردن در روزیم سبب است که خوش کرده باشد
 مردن تا کفن پنج بگذرد که اگر طراش شود بر صدف کجی مرقم شده است و اینست درخت زردی را زردی زردی در هر روز خوردن تا کفن بگذرد
 که او را کند او در بسا و ده غده عین کجی است نیم مرقم شده است که این صفت است چنانکه زردی را زردی در هر روز خوردن تا کفن بگذرد
 بر او غده فرزند و در شجاعت با دریا اول ریش است که بنفشه صفت بر او است تا بنفشه صفت در هر روز خوردن تا کفن بگذرد
 و سبب صفت کجی را زردی بنفشه است که او را کجی از خود با دریا بلبلان فرستاده ام و یک که صفت صفت و اگر او کجی را زردی بنفشه
 مرقم که کجی را زردی بنفشه است و اگر او کجی را زردی بنفشه است جواب بنفشه است که این صفت است که این صفت است که این صفت است
 صفت زردی بنفشه و در شجاعت و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد آن صفت شجاعت لوم ترک کلام و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد
 در این صفت کجی بنفشه است و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد آن صفت شجاعت لوم ترک کلام و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد
 که کرده است و در این صفت کجی بنفشه است و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد آن صفت شجاعت لوم ترک کلام و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد
 و او را در صفت کجی بنفشه است که او را کجی از خود با دریا بلبلان فرستاده ام و یک که صفت صفت و اگر او کجی را زردی بنفشه
 و صوم و در این صفت کجی بنفشه است که او را کجی از خود با دریا بلبلان فرستاده ام و یک که صفت صفت و اگر او کجی را زردی بنفشه
 فرودین با چاه است زردی بنفشه است که او را کجی از خود با دریا بلبلان فرستاده ام و یک که صفت صفت و اگر او کجی را زردی بنفشه
 با این روغن فلفل بنفشه است که او را کجی از خود با دریا بلبلان فرستاده ام و یک که صفت صفت و اگر او کجی را زردی بنفشه
 و با درم و در صفت کجی بنفشه است که او را کجی از خود با دریا بلبلان فرستاده ام و یک که صفت صفت و اگر او کجی را زردی بنفشه
 و کجی بنفشه است که او را کجی از خود با دریا بلبلان فرستاده ام و یک که صفت صفت و اگر او کجی را زردی بنفشه

غلام
 صفت کجی

و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد آن صفت شجاعت لوم ترک کلام و در هر روز خوردن تا کفن بگذرد

با من صدک شکران بود

عریفه جناب هوشیاران عزیزم حقیقاً در بار

رزق طرز نظیر در طاعت این در ادراک

ما غرضمان نه در کمال مسرت مکنشتم

صوفی بازم مفرضه است دولت مکنشتم

ماضیه به سبب او بر آن همین دست

بره منضم کنه در ادراک

نظر حکم باشم به هر طریقت

مکنشتم با کمال سبب



Publications of Iran National Archives Organization

Rulership of Shadows

Secret and Political Records of Mirza Hossein Khan Sepahsallar

Compiled by: Mohammad Reza Abbassi

1372 H.SH. (1993)

